

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار و اسناد بحث و ایشا کران

استان مرکزی

وصیت نامه کامل شهدا



دقراول

آ-اح (آبایی-احمدی بنش)

تصحیح و تنظیم:
دکتر کیانوش کیانی بنفت ننگ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اداره کل اسناد و انتشارات

دی ۱۳۹۶

سرشناسه: کیانی هفت لنگ، کیانوش ۱۳۳۵-
عنوان و نام پدیدآور: وصیت نامه کامل شهدای استان مرکزی / تصحیح و تنظیم کیانوش کیانی هفت لنگ
مشخصات نشر: تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت فرهنگی و امور اجتماعی، نشر شاهد، ۱۳۹۶-
مشخصات ظاهری: ج. عکس، نمونه، نقشه.
فروست: آثار و اسناد شهدا و ایثارگران: .
شابک: ۳۵۰۰۰۰ ریال:
مندرجات: دفتر اول آ - اح (آبایی - احمدی بیفش)
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شهیدان -- ایران -- مرکزی -- وصیت نامه ها
موضوع: Martyrs--Iran --Markazi(Provinc) -- Wills
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷. شهیدان--وصیت نامه ها
موضوع: Martyrs-- Wills --Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸
شناسه افزوده: بنیاد شهید و امور ایثارگران. نشر شاهد
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ و ۶ ک ۹ / DSR۱۶۲۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی:



اداره کل اسناد و انتشارات
آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (...)
وصیت نامه کامل شهدای استان مرکزی دفتر اول آ- اح (آبایی-احمدی بیفش)
تصحیح و تنظیم: دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ

نوبت چاپ: چاپ اول دی ۱۳۹۶ ◇ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
مدیر تولید: محبوب شهبازی ◇ ناظر فنی: رضا حاجی آبادی
مستند سازی اسناد: یوسف قدیانی ◇ هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند
امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ کوثر
قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال ◇ شابک:

نشانی: تهران- خیابان آیت الله طالقانی- خیابان ملک الشعراء بهار شمالی- شماره ۵ معاونت فرهنگی و امور
اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۳۰۹۲۴۹-۸۸۳۰۸۰۸۹ توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری
شاهد - مرکز پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱: فروشگاه های نشر شاهد و سایر فروشگاه های معتبر

www.navideshahed.com

فهرست مطالب

۱۵۷	آقابابایی، غلامرضا	۱۱	پیشگفتار
۱۶۹	آقابیکگی، وجیه‌الله	۱۵	مقدمه
۱۷۳	آقابیکیان، محمد	۴۳	آبابی، جعفر
۱۷۷	آقاجانی، اکبر	۴۷	آبابی، رحیم
۱۸۱	آقاجانی، رضا	۵۳	آتش‌سختن، محمدصادق
۱۸۷	آقاخانی، علیرضا	۵۷	آدینه، محمود
۱۹۵	آقاخانی، محمد	۶۳	آذرباد، غلامرضا
۲۰۱	آقازیارتی، ابوالفضل	۷۱	آذرجاویدان، عباس
۲۰۵	آقازیارتی، علی	۷۷	آذری، علی‌اصغر
۲۰۹	آقازیارتی، محمود	۸۱	آزموده، علی‌اکبر
۲۱۹	آقازیارتی‌فراهانی، ابوالفضل	۸۹	آستانه، حسن
۲۲۹	آقاگلی، امرالله	۹۷	آشتیانی، حسین
۲۳۵	آقاگلی، عباسعلی	۱۲۵	آشتیانی‌عراقی، رضا
۲۴۳	آقامحسینی، احمد	۱۳۱	آشوری، مسعود
۲۴۷	آقامحمدی، ابوالقاسم	۱۳۵	آشوری، مهدی
۲۵۷	آقامحمدی، حسینعلی	۱۴۹	آصفری، محمدجواد

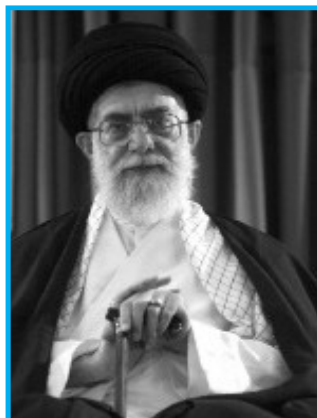
۵۴۱	ابراهیمی، مصطفی	۲۶۳	آقامحمدی، قربانعلی
۵۴۵	ابراهیمی، مصطفی	۲۶۹	آقامحمدی، نبی الله
۵۵۱	ابراهیمی، ناصر	۲۷۵	آقایی، علی
۵۵۷	ابراهیمیان، امرالله	۲۸۳	آقایی، محمدربیع
۵۶۱	ابراهیمی باریکرسفی، علی	۲۸۹	آقچهلو، علی
۵۶۷	ابوالحسنی، علی	۲۹۳	آمره، عطاءالله
۵۷۱	ابوالحسنی، علی	۳۰۵	آمره ای، سعید
۵۷۹	ابوالحسنی، قاسم	۳۱۳	آمره یزچلونی، اسماعیل
۵۸۳	ابوالحسنی، محمدحسین	۳۴۳	آنجهفی، رحیم
۵۸۷	ابوالقاسمی، محسن	۳۵۹	آنجهفی، غلامحسین
۵۸۹	ابیزی، حسینعلی	۳۶۵	آندی، حسن
۵۹۵	اتابکی، محمود	۳۹۳	آویژگان، حسن
۶۰۱	اجاقی، سیدعلاءالدین	۴۰۷	آهنگرانی، ابوالفضل
۶۱۳	اجاللی، داود	۴۱۵	آیباقی اصفهانی، محمدتقی
۶۲۱	احدی، صمد	۴۲۱	اباذری، حمزه
۶۲۵	احمدآبادی، محمدعلی	۴۲۹	ابراهیم آبادی، ابراهیم
۶۳۳	احمدی، احمد	۴۳۷	ابراهیم آبادی، حبیب
۵۴۱	احمدی، تقی	۴۴۱	ابراهیمی، اسدالله
۶۵۵	احمدی، حجت الله	۴۵۹	ابراهیمی، حسین
۶۵۹	احمدی، حسنعلی	۴۷۳	ابراهیمی، حمیدرضا
۶۶۹	احمدی، حسین	۴۷۷	ابراهیمی، حمیدرضا
۶۷۳	احمدی، حسین	۴۸۵	ابراهیمی، سیدرضا
۶۷۹	احمدی، ذبیح الله	۴۸۱	ابراهیمی، عباس
۶۷۳	احمدی، سیدداود	۴۹۵	ابراهیمی، عبدالعلی
۶۸۹	احمدی، سیدمحمد	۵۰۱	ابراهیمی، علی
۷۱۵	احمدی، صمد	۵۰۷	ابراهیمی، علیرضا
۷۲۹	احمدی، علی	۵۱۳	ابراهیمی، علیرضا
۷۳۵	احمدی، علیرضا	۵۱۹	ابراهیمی، فتح الله
۷۴۱	احمدی، غلامحسن	۵۲۳	ابراهیمی، قنبر
۷۵۱	احمدی، غلامحسین	۵۲۷	ابراهیمی، محمد

۷۵۵	احمدی، غلامرضا
۷۵۹	احمدی، کاظم
۷۶۵	احمدی، کرمعلی
۷۶۹	احمدی، محمدتقی
۷۷۷	احمدی، موسی
۷۸۵	احمدی، نصرت‌الله
۷۹۱	احمدی‌بیغش، داود
۷۷۷	نمایه موضوعی
۷۸۵	نمایه اشخاص
۷۸۷	نمایه امکان جغرافیایی
۷۸۹	نمایه سور و آیات قرآن
۷۹۳	نمایه دعاها
۷۹۵	نمایه کلام بزرگان
۷۹۷	نمایه اشعار
۷۹۹	نمایه محل تولد
۸۰۱	نمایه محل شهادت
۸۰۳	نمایه نحوه شهادت
۸۰۵	نمایه تحصیلات
۸۰۷	نمایه شغل
۸۰۹	تعلیقات



«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید.»

امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۳۲



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعه فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری، نماز جمعه تهران، آذرماه ۱۳۸۱

پیش‌گفتار

تاریخ و فرهنگ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که کشورهای مختلف جهان هنگام تعیین جایگاه خود در جامعه جهانی، به آن استناد کرده و به تناسب تأثیرگذاری در تمدن بشری به آن مباحثات می‌کنند. شکی نیست که کشور ایران به علت برخورداری از تاریخ کهن و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی در صف مدعیان این عرصه قرار داشته و آداب، رسوم و فرهنگ این مرز و بوم که سینه به سینه و نسل به نسل در قرون مختلف، به نسل‌های بعدی منتقل شده است، نشانه هویت و مایه مباحثات این ملت می‌باشد.

امروزه نقش اسناد و مدارک در بازشناسی و تنویر اندیشه بخش‌های مختلف اجتماع، به ویژه کسانی که توفیق لمس و درک فرهنگ و شرایط ویژه دوران تأثیرگذار آن اجتماع را نداشته‌اند، اهمیت فراوانی دارد. این موضوع از چنان اهمیت

روزافزونی برخوردار است که بخش عمده‌ای از تلاش و همت مراکز اسنادی و آرشیوی صرف گردآوری، محافظت، نگهداری و مراقبت از این گنجینه‌های گرانقدر فرهنگی می‌شود.

اهمیت این رویکرد در خصوص اسنادی که از بار فرهنگی و هویتی منحصر به فرد و ویژه‌ای برخوردارند، دو چندان می‌نماید. بدون شک این گونه اسناد می‌توانند ضمن ایفای نقش اطلاع‌رسانی که خصیصه اصلی این ارزش‌های مکتوب می‌باشد، خود موجب و موجب یک هویت مستقل فکری و فرهنگی و مبلّغ یک جریان انسان‌ساز معنوی باشند.

گردآوری، حفظ و دسترس‌پذیری اسناد شهدا و ایثارگران به مثابه حافله تاریخی و میراث معنوی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس یک رسالت تاریخی است. حفظ و نگهداری این اسناد سبب خواهد شد تا آیندگان با بهره‌گیری از این گنج عظیم به بازشناسی و درک صحیح از تاریخ دست یابند.

پس از فرایند گردآوری و مستندسازی اسناد و وصایای شهدا و ایثارگران، انتشار اسناد دست اول شهدا جزو اولویت‌های نشر شاهد به شمار می‌رود. به باور اندیشمندان و صاحب‌نظران فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکارتر می‌سازد.

این کتاب حاوی ۹۷ وصیت‌نامه از وصیت‌نامه‌های شهدای استان مرکزی (دفتر

اول) است که حاصل بررسی‌ها و بازنگری‌های کارشناسانه همکاران محترم بنیاد شهید و امور ایثارگران استان خراسان جنوبی و اداره کل اسناد و انتشارات است. در اینجا شایسته است که از تلاش و کوشش وافر همکاران محترم در ستاد مرکز آقایان: سعید گنجی، یوسف قدیانی و خانم زهرا شیرکوند قدردانی شود و نیز از آقای دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ و همکارانشان که تلاش بی‌وقفه‌ای در تصحیح و تنقیح مجموعه داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحب‌نظران گرانقدر آقایان: دکتر محسن میرانصاری، حجج الاسلام احمد مازنی و سید حسن موذنی، دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، و تمامی کسانی که در به ثمر رساندن این مجموعه ما را یاری رساندند، صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحب‌نظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گیرد.

محبوب شهبازی

مدیر مسئول نشر شاهد

زمستان ۱۳۹۶

مقدمه

جایگاه و نقش فرهنگی وصایای شهدا

بررسی وصایای شهدا می‌تواند نمادی روشن و مستند باشد از تفکر و اندیشه هر قوم و ملت، شهر و منطقه و حتی خانواده و شخص. نقطه اشتراک همه شهدا فلسفه وجودی همه، از مناطق گوناگون، از شمالی‌ترین نقطه کشور تا سواحل نیلگون خلیج فارس و مناطق غربی و شرقی ایران وحدت و همدلی برای آزاد سازی ایران از دست صدام و شکست برنامه تهاجم آمریکا به ایران بود. همه رزمندگان در یک هدف کلی اشتراک مساعی داشتند و آن دفاع از اسلام و ایران عزیز و لبیک عاشقانه به ندای حضرت امام خمینی(ره) بود. در این حضور و انجام تکلیف هیچ منطقه و قوم و نژادی را بر دیگری رجحان نبود. دفتر روشن شهادت نام و نشانی را ثبت نکرده است که جز برای رضای حضرت حق و یاری و نصرت نایب امام

عصر(عج) حضرت روح‌الله(ره) جان در کف اخلاص نهاده باشد. حماسه‌هایی در دوران دفاع مقدس رقم خورده است که واقعاً قلم از بیان و توصیف آنها عاجز است. شکوه حضور نیروهای مردمی از سطوح و سنین مختلف از جوانان و نوجوانان نو خطی که ۱۳ ساله‌های آن در صف شهادت ایستاده، تا پیران محاسن سفیدی که بعضاً با نوه و فرزند خویش هم‌سنگر بودند. اگر مدعی نباشیم که تکرار ناشدنی است، حداقل می‌توان بر این نکته پای فشرد که پیش از این ایران چنین تجربه‌ای نداشته است. مادرانی که فقط برای رضای خدا از عزیزان خویش دل می‌کنند و خم بر ابرو نمی‌آوردند. جوانانی که خلاف طبع و انتظار جوانی بقدری از ایمان و رشادت و اخلاص سرشار بودند که به تعبیر بلند حضرت علی(ع) مرگ را «شیرین‌تر از عسل» می‌دانستند.

وصایای شهدا تنها به انگیزه توصیه شرعی نوشته نشده‌اند. وصایای شهدا دفتر معرفت و ایمان و اخلاص دلاور مردانی است که صرفاً برای آزادسازی نقطه یا ناحیه‌ای از ایران به استقبال مرگ نمی‌رفتند. در درجه اول رضای خدا و خشنودی امام عصر(عجل‌الله) و اطاعت از ولی امر امام خمینی(ره) انگیزه حضورشان در جبهه‌ها بوده است. در حالت عادی هم هر مسلمان موظف است برای فردای خود وصیت‌نامه‌ای داشته باشد.

وصایای شهدا از لون و صبغه و رنگ دیگری است. وصایای شهدا دانشنامه سلوک و معرفت و عرفان حماسی است. شاید فقط در برخی از دوره‌هایی از تاریخ بتوان چنین شرایطی فراهم آید تا چنین مردانی پای در میدان رشادت و غیرت و آزادی بگذارند. بی‌تردید وقتی خداوند سبحان از بندگان اخلاص، پاکی و صداقت ببیند، عنایت خاص خود را برای الهی شدن یک امت شامل می‌گرداند. اسناد شهدا به‌خصوص وصایای آنان نمایانگر ظرفیت و میزان معرفت آنان

از اسلام و ولایت است. وصایا سندی است برای انتقال تجارب ارزشمند دفاعی نسلی که در واقع تمام قد در برابر استکبار جهانی و اذتاب و اقمارش ایستاده و از کیان عقیدتی خویش دفاع کرده است. محتوای این وصایا پاسخی است به چرایی جنگ. با همین اسناد معتبر می‌توان از حقانیت و مظلومیت جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی دفاع کرد.

هر وصیت‌نامه مدرک معتبری است برای معرفی و شناخت دقیق رزمندگان. به‌خصوص که این وصایا در شرایطی نوشته شده‌اند که افراد از همه قیود و تعلقات دنیوی رها شده و انگیزه ناب و ایمان زلال و معنوی آنان در وصایایشان متجلی است. این وصایا آیینه عبرت و آگاهی ملتی است که در مسیر تاریخ و خمگردهای راه پر پیچ و خم زندگی حماسه آفریدند. این وصایا می‌تواند از ایجاد شکاف نسلی و فکری بین دیروز و فردای ما ممانعت کند. بی‌تردید نسل‌های کنجکاو و پیچیده بعد، نسل‌های پرسشگر را می‌توان با وجود این وصایا در برابر «چرا جنگ» متقاعد کرد.

اعتبار اسنادی

وصیت‌نامه شهدا، ابتدا به لحاظ سندی مورد بررسی قرار گرفته و فرآیند مستندسازی را طی می‌کند. و همچنین اطلاعات پایه‌ای آنها از مراکز ذیربط بنیاد شهید و امور ایثارگران دریافت می‌شود تا اصل معتبر بودن اسناد و اطلاعات در تدوین کتاب رعایت شود.

اصل اصالت و احترام به منشأ سند و رعایت حفظ نظم و ترتیب اولیه توجه به اهمیت و ارزش معنوی اسناد از دیگر اصول آرشیویی است که می‌بایست دقیقاً رعایت شود. در تصحیح متون خطی و اسناد، پژوهشگر مجاز به تغییر یا دست بردن

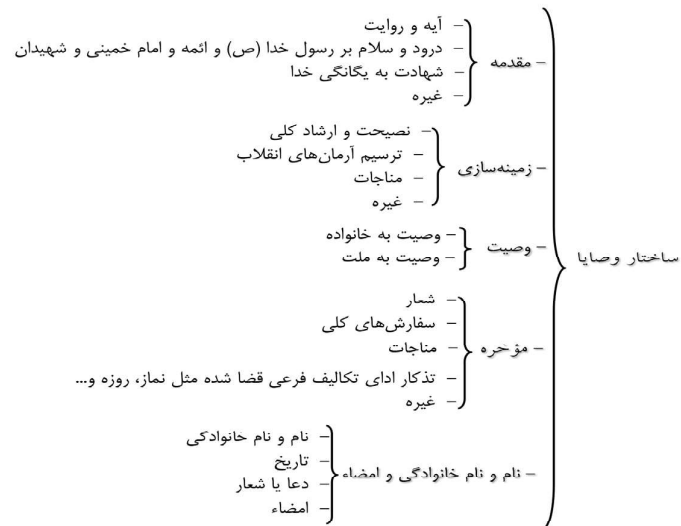
در اصل سند حتی با توجیه اصلاح نیست. به دیگر سخن، دست بردن در اصل اسناد آن را خدشه‌دار می‌کند و از اعتبار ساقط می‌سازد. یقیناً در نسخه بازنویسی و تایپ شده و منقح تا آنجا که به روح کلی و اصالت عبارت‌ها لطمه وارد نشود می‌توان با توجه به روش‌های علمی، ویراستاری بر روی اسناد انجام داد. رعایت امانت و توضیح در پانویس هر صفحه ضروری است.

در اکثر وصایا امکان مقایسه و تطبیق چند نسخه از یک متن وجود ندارد، زیرا وصیت‌نامه در یک نسخه نوشته شده، به دیگر زبان مصحح، با تصحیح یک سند تک نسخه‌ای روبروست.

تصحیح تک نسخه‌ای کاری سهل و ممتنع است. سهل است چون مصحح موظف نیست در تصحیح، پنج یا ده نسخه را که در زمان‌های متفاوت و با خطوط مختلف تحریر شده است، با یکدیگر مقایسه و با شم و تجربه و تخصص، نسخه اصلی را معین و سایر نسخه‌ها را با نسخه اصلی یا مادر مقایسه کند، ممتنع است زیرا بعضاً از شهید، هیچ اثر دیگری وجود ندارد که با بررسی و مقایسه ساختار نگارش، جمله‌بندی، نوع قلم، کاغذ و نگارش عصری و سبکی بر مبنای تصحیح قیاسی، اصلاحات لازم را اعمال نماید یا بر مبنای اصل استحسان، در مواردی گمانه‌زنی‌ها یا کنار هم گذاشتن مشابتهای تحریری و خطی یا نوع قلم، مصحح را کمک کند تا به اصالت یکی از نسخه‌ها یقین کند.

ساختار وصایای شهدا

وصایای شهدا در کلی‌ترین سطح از الگوی معینی پیروی می‌کند که در نمودار ۱ به شکل خلاصه ترسیم شده است:



نمودار ۱: ساختار وصایای شهدا

الگوی کلی وصایای شهدا که عناصر آن در اکثر وصایا تکرار شده است، الگوی فوق است. البته این الگو در وصایای مختلف، گاه تفاوت می‌کند و گاه نیز در موارد معدودی از این الگو پیروی نشده است و حتی در مواردی عناصر ذکر شده، ترتیبی متفاوت از نمودار را دارند، اما اصولاً در مطالعات علمی، وجه غالب در نظر گرفته می‌شود و وجه غالب در الگوی وصایای شهدا همین است که ترسیم شد. نکاتی که باید در باب این ساختار و الگوی کلی گفت این که بعضی از عناصر این ساختار ممکن است مفصل یا مختصرتر از دیگر قسمت‌ها باشد و این در وصایا تفاوت دارد. گاه مقدمه‌ای مفصل و مؤخره‌ای یا وصیتی مجمل و گاه در وصیتی تمام عناصر وصایا وجود دارد و در وصیتی دیگر فقط چند عنصر به چشم می‌خورد.

ویژگی‌های کلی وصایا

این وصایا چون با خط خود شهیدان نوشته شده و پشتوانه روح بلند و نفس گرم و مسیحیایی و مطهر شهیدان را دارد جان‌های شیفته را با خود همراه می‌سازد. چاپ این وصایا در واقع انتشار و ترویج فرهنگ شهادت است، ترسیم خط روشنی است در برابر نسل‌های در راه، به دیگر زبان نقشه راه است برای آنان که در خماخیم و پیچاپیچ دنیا سرگردانند، چراغ هدایت است از وادی دنیا تا سرای آخرت.

نویسندگان این وصایای ارزشمند از سطوح علمی و معرفتی و تحصیلی متفاوتی برخوردار بوده‌اند. برخی حتی از نعمت تحصیل رسمی محروم بوده‌اند، در حالی که در جایگاه معرفتی بالایی نشسته بودند. یقیناً تنوع وصایا از جهت ظاهر و نوع خط و عبارت پردازی و ادبیات، گویای تكثر اقشار مختلف جامعه در دفاع مقدس است. از دل این وصایا به‌خوبی می‌توان دفاع مقدس را یک دفاع مردمی و مسئله ملی و فراگیر دانست. این وصایا آینه‌ای است از حضور اقشار شهری و روستایی، دانشگاهی، بازاری، روحانی، کشاورز، کارگر، دانشجو، معلم و صنوف دیگر از اقشار جامعه. بسیاری از شهدا به‌قدری در جمال حضرت دوست غرق بودند که حتی وصیت نوشتن را نوعی تعلق دنیوی می‌دانستند، و البته بسیاری از وصایا در شرایط خاص جنگی و حملات و عوارض طبیعی جنگ از دست رفته است. بسیاری از وصایا به خط خود شهید قبل از شهادت با ذکر دقیق تاریخ و روز و بعضاً ساعت معینی قلمی شده است. برخی از شهدا چون از نعمت نوشتن محروم بوده‌اند از هم‌زمان و دوستان خود برای نوشتن وصیت‌نامه کمک گرفته‌اند. در مواردی چنین برمی‌آید که برخی از رزمندگان با وجود توان نوشتن از دیگران تقلید کرده‌اند. چنین برمی‌آید که برخی از رزمندگان در سنگر مشترک در فراغ بال و فرصت مناسب وصیت‌نامه نوشته و از وصایای یکدیگر باخبر بوده‌اند. برخی در

دفترچه یادداشت این وصیت‌نامه‌ها را می‌نوشتند. برخی در برگه‌های مخصوص وصیت‌نامه، وصایا را قلمی کرده‌اند. برخی در شرایط خاص جنگی و در تنگنای زمان به این مهم دست زده‌اند، حتی فرصت تکمیل وصیت را نداشته و کلی و عام سخن رانده‌اند. برخی با حوصله با ذکر مقدمه و حتی آمیخته با نوعی تحلیل از جنگ و منطقه و اوضاع سیاسی اجتماعی ایران و کشورهای منطقه و شهر و محل خدمتشان بیان فلسفه حضور در جبهه‌ها و نقش عوامل داخلی و ستون پنجم^۱ استکبار در کشور حرف زده‌اند. برخی وصایای عمومی و سیاسی را از وصایای شخصی و خانوادگی جدا کرده‌اند. برخی ریزترین مسئله شخصی را یادآور شده‌اند. از جمله نقاط مشترک این وصایا که فلسفه وجودی جنگ و نوع اعتقاد رزمندگان را روشن می‌کند، تعهد به تکالیف شرعی است. از جمله اینکه چند روزی روزه و نماز قضا دارند که از بازماندگان خواسته‌اند ادا شود. برخی وصایا در چند نسخه و خط موجود است. برای مثال اصل دستخط شهید موجود است. پس از شهادت عین همان نوشته بدون کم و کاست از سوی مراکز فرهنگی نهادها و ارگان‌ها اعم از سپاه و بسیج یا بنیاد شهید و حتی واحد تعاون سپاه و ارتش تایپ شده و تصویری هم از شهید کنار وصیت قرار گرفته و حتی جمله‌ای از امام خمینی (ره) یا حدیثی از ائمه بر پیشانی برگه قرار گرفته است.

برخی از وصایا را در بازنویسی، خلاصه کرده‌اند. در مواردی عین وصیت‌نامه شهید با خط خوش و شیوا، بازنویسی شده است و اغلاط احتمالی و سهوی وصایا نیز رفع شده است. در مواردی تمام وصیت شهید در اختیار نیست از آن چند سطر یا بعضاً صفحه‌ای افتاده است. در مواردی در تایپ مجدد اغلاطی دیده می‌شود که یقیناً با اصل نسخه مغایر است. این اغلاط می‌تواند اغلاط تایپی باشد. به‌خصوص

۱. ر. ک. تعلیقات.

که بسیاری از این وصایا در شرایط اضطراری تایپ شده و کسی با دقت و حوصله به تطبیق نسخه و نمونه تایپی با دست‌نویس پرداخته است. در مواردی شهید قبل از اعزام به جبهه وصیت خود را با زبان خود بازگو کرده و در نواری از خود به یادگار گذاشته، پس از شهادت، از نوار پیاده شده است. چه بسا در حین خواندن، جمله یا کلمه یا عبارتی را نتوانسته بخوانند یا اشتباه خوانده‌اند. در مواردی هم اصل اغلاط املایی در خود وصیت‌نامه بوده و در تایپ هم همان موارد تکرار شده است. در مواردی هم فقط نسخه تایپی از وصیت‌نامه در اختیار است حتی بدون امضای شهید. نمونه‌هایی هم موجود است که نسخه خطاطی شده از وصیت باقی مانده است. در اندک موارد انگشت‌شمار هم، به نسخه وصیت‌نامه مطالبی اضافه شده است که با توجه به تطبیق خط و نوع قلم وصیت‌نامه برمی‌آید که توسط خود شهید اضافاتی صورت گرفته، دلایل این کار می‌تواند فاصله نوشتن وصیت و شهادت باشد. یعنی شهیدی به کرات به جبهه اعزام شده و شرایط خانوادگی یا سیاسی تغییر کرده و شهید به بازنویسی یا به روز کردن وصایا پرداخته است. در محدود وصایایی هم افراد دیگری در اصل وصایا مطالبی را اضافه یا خط کشیده‌اند. بعضی از شهدا دارای وصایای متعدد حتی تا سقف ۹ مورد هم هستند، که در تاریخ‌های گوناگون و اعزام‌های متعدد نوشته‌اند. طبیعی است که سیاق و عبارت‌های برخی از وصایا مشابه و در قسمت‌هایی یکسان باشد. می‌تواند در مواردی شباهت‌های دو وصیت‌نامه از دو رزمنده در اثر توارد باشد. بدون اینکه حتی در عمرشان یکدیگر را دیده باشند، یا از وصایای همدیگر باخبر باشند. این شباهت‌ها می‌تواند در اثر شرایط خاص و سطح دانش یکسان و یا شباهت کلاس‌های آموزش عقیدتی یا معارف یا فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی قبل از اعزام فراهم آید. رشته تحصیلی، پیشینه مطالعاتی و ذوق ادبی و مطالعه و علاقه برخی را به‌خوبی می‌توان از نوع نگارش،

فحوای کلام و سبک عبارت‌پردازی آنان دریافت. حتی می‌توان از دیدی کلی وصایا را به دو نوع سنتی و غیر سنتی تقسیم کرد. در نوشتن وصایا و نوع نگارش و عبارت‌ها و جمله‌بندی آنها تفاوت‌هایی محسوس است. برخی با زبان گفتار و محاوره‌ای مطالب را نوشته و برخی با زبان ادبی با رعایت کامل اصول نگارش و حتی نثر مسجع و آهنگین و شعرگونه. برخی از ذوق شعری و حافظه بسیار قوی برخوردار بوده‌اند. برخی از شهدا در وصیت‌نامه هم از آثار و کتاب‌هایی که مطالعه کرده‌اند، تأثیر پذیرفته حتی به نقل عبارت‌ها و جمله‌های معروف از یک نویسنده پرداخته‌اند. بی‌تردید دقت و تأثیری که کلام و سخنان حضرت امام بر آنان داشته در اکثر وصایا مشهود است. عبارت‌ها و کلمات قصار امام را در حافظه داشته و حرف‌ها و نصایح خود را با عبارت‌ها و توصیه‌های امام مزین و مستند کرده‌اند. روح حماسی و سلحشوری که لازمه این گونه افراد است حتی در وصیت‌نامه‌هایشان نیز ریشه دوانده و متجلی است. عطش و شوقی که به شهادت داشته‌اند، نقطه اشتراک همه آنان است. عواطف انسانی نسبت به اقوام و خانواده و حتی همشهری‌ها و هموطنان از خصلت متعالی انسانی آنان خبر می‌دهد.

چون برخی از شهیدان احتمال می‌دادند که وصایا و دست نوشته آنان در اختیار دشمن قرار گیرد با دقت خاص امنیتی و با کنایه از منطقه عملیاتی یاد کرده‌اند. این تعهد و احساس مسئولیت آنها قابل تحسین است.

از آنجا که در این مجموعه مأموریت ما تحلیل و نقد وصایای شهدا نیست، از وصیت‌نامه در اختیار، مهم‌ترین عبارت‌ها و نکات استخراج، و با عنوان «گلچین وصیت‌نامه» در جمله‌های کوتاه آورده شده است. بی‌تردید پس از چاپ این آثار گنجینه‌ای بسیار غنی و عبرت‌آموز در اختیار همگان است. در آن صورت می‌توان پایان‌نامه‌های متعددی را به بررسی و تحلیل وصایا و حتی به ترسیم و بازشناخت شخصیت شهیدان اختصاص داد

و فرصت خوبی است که این آثار از زوایای گوناگون تحلیل شوند. معمولاً آنچه با عنوان گلچین وصیت‌نامه از وصایا استخراج می‌شود بین ۵ تا ۱۰ جمله است. شاید تنها کاری که روی نسخه اصلی وصایا شده و به نوعی اصالت بخشی بدانان است، سعی شده تمام اعداد و نوشته‌هایی که پس از شهادت به وصایا اضافه شده پاک شود از جمله برخی در شرایط خاص و یقیناً شناختی که از شهید داشته‌اند مسائلی را در حاشیه وصیت‌نامه آورده که معلوم است پس از شهادت صورت پذیرفته.

در برخی از وصایا ذیل عبارت‌ها و جملاتی از وصایا خط کشیده شده که در خلاصه‌سازی یا مناسبت نکوداشت شهید، فرازهایی از وصیت آن را به اطلاع عموم برسانند به همین دلیل در اصلاح و منقح‌سازی، این خطوط را هم برداشته‌ایم تا به اصالت وصیت‌نامه شهید نزدیک‌تر شویم.

هرگونه یادداشت اضافی از وصایا پاک شده است. مثلاً ذیل برخی وصایا نوشته شده این وصیت از سوی واحد فرهنگی سپاه پاسداران تایپ و تکثیر شده است یا اطلاعات یا نحوه ارسال وصیت‌نامه از سوی نهاد اعزامی اضافه شده یا از برخی وصایا فیش‌برداری شده یا خلاصه‌سازی صورت پذیرفته است که یقیناً خارج از وصیت‌نامه تلقی می‌گردد. از مهم‌ترین کارهایی که در تصحیح و آماده‌سازی وصایا صورت پذیرفته عبارتند از:

۱. در حد امکان سعی شده همه وصایا با آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» و یا «بسم رب الشهداء و الصديقين» شروع شوند.

۲. آیات و احادیثی که در متن وصیت‌نامه موجود است با اصل آنها تطبیق داده شده و سعی شده شکل دقیق و درست آیه یا حدیث در متن آورده شود.

۳. نام سوره یا رقم آیه یا آیاتی که در متن وصیت‌نامه آمده، بعد از آن یا به صورت زیرنویس قید شده است.

۴. در عبارت‌هایی که افتادگی کلمه به خصوص حروف ربط یا فعل صورت گرفته با حفظ

امانت، واژه اصلاحی داخل [] آورده شده است.

۵. در موارد بسیار خاص که تکرار واژه به خصوص حروف ربط و اضافه عبارت را از اعتبار یا فصاحت می‌اندازد، علامت [...] جایگزین آن شده و در پانویس واژه یا عبارت حذف شده مشخص شده است.

۶. در پیوسته یا مجزائویی عبارت‌ها یا ترکیب‌ها جهت کلی به شیوه فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. در مواردی که پیوسته‌نویسی موجب غلط خوانی نشده است، اصل بر شیوه نگارش شهید قرار دارد.

۷. کلیه اغلاط یا ارقام اشتباه و شماره‌های آیات با ذکر اصل کلمه، در پانویس اصلاح شده است.

۸. در مواردی که خواندن کلمه یا عبارتی مشکل بوده، در نسخه تاییی بالای کلمه یا عبارت شماره‌گذاری شده و در پانویس با عنوان «خوانا نیست» آمده است.

۹. هر جا که شهید کلمه «الله» را به صورت «ا...» آورده، کلمه مقدس «الله» جایگزین شده است.

۱۰. هر جا که کلمه یا عبارتی خوانا نبوده، اعم از اینکه به دلیل واژه یا واژه‌هایی است که ذیل آرم «مرکز اسناد ایثارگران» قرار گرفته و یا به جهت نوع خط، رطوبت، حتی تاشدگی و یا رنگ پریدگی باشد، با قرار دادن [...] در محل مربوطه در متن تاییی مشکل را یادآور شده و در پانویس نیز عبارت «خوانا نیست»، آمده است.

۱۱. هر جا در متن وصیت‌نامه، ترجمه آیه یا بخشی از آیه‌ای از قرآن، حدیث یا بخشی از یک حدیث، کلام علما و اندیشمندان، اشعار، و یا مناجات‌نامه‌ای ذکر شده، بر اساس منابع معتبر و مراجع، مستندسازی و گویاسازی شده است و در صورت لزوم در پانویس نیز توضیحی درباره آن آمده است.

۱۲. در مواردی که عبارت دست‌نوشته شهید، عین جمله امام خمینی (ره) نیست بلکه

اقتباس از سخن امام، است در پانویس با ذکر عدد عین عبارت یا سخنان امام خمینی (ره) آورده شده است.

۱۳. در مواردی شهید آیه یا حدیثی را به کار برده، اما چون از حافظه کمک گرفته یا در شرایط سخت جنگی بوده، رقم آیه و حتی نام سوره را به جهت شباهت آیات، اشتباه نوشته، در پانویس صحیح آن آمده است.

۱۴. در وصایایی که اشعاری به خط شهید یا بعضاً تاییپی آمده، سعی شده است با ذکر دقیق منبع، شاعر معرفی گردد.

۱۵. برخی از اشعار که به صورت نوحه یا اشعار مدحی است و معلوم نیست واقعاً سراینده خود شهید است یا فرد دیگر به نوشته شهید اعتماد شده است.

۱۶. ملاک تنظیم وصایای متعدد یک شهید، ترتیب تاریخی نگارش آنها بوده است. در تنظیم وصیت‌نامه‌ها، به جز مورد اول، در آغاز هر یک عبارت «وصیت دیگر» آمده است.

۱۷. «گلچین وصیت‌نامه» را حتی الامکان از آخرین وصیت شهید برگرفته‌ایم.

۱۸. خود را موظف دانسته، مجموعه اطلاعات کلی اعم از اعلام شهید، تصویر و گلچین وصیت‌نامه را در یک صفحه و در موارد خاص در دو صفحه جای دهیم.

۱۹. پس از ذکر نام مبارک حضرت ختمی مرتبت، ائمه هدی، و حضرت فاطمه و حضرت زینب، در صورتی که خود شهید حروف (ص، ع، س) را آورده، به همان حروف و علائم اختصاری بسنده شده است. چنانچه، حروف اختصاری و عبارات به صورت اشتباه قید شده است و یا به شکل‌های دیگری نوشته شده‌اند، به منظور یکدستی در کل اثر، برای رسول اکرم (ص)، برای ائمه (ع)، و برای حضرت زهرا و حضرت زینب (س) در نظر گرفته شده است. در صورتی که شهید صراحتاً از ذکر نام پیامبر یا ائمه خودداری کرده باشد مثلاً نوشته پیامبر اکرم، رسول اکرم یا امام زمان یا امام عصر (عج) به همان صورت دست نوشته اکتفا شده است.

۲۰. معیار مجلدات موجود حدود یکصد وصیت‌نامه است البته در صورتی که در جلد آخر تعداد وصایا به حدی باشد که قطر یک جلد از حد معمول اضافه نشود، می‌توان تعداد باقی‌مانده را به عدد مذکور اضافه کرد.

۲۱. اگر پس از چاپ نخست وصایا، وصیت‌نامه‌ای از سوی بنیاد شهید استان و اداره کل اسناد و انتشارات تأیید شود، می‌توان در چاپ‌های بعد آن را لحاظ کرد. یا اگر پس از چاپ کل وصایای یک استان، اطلاعات جدیدی برسد در کتابی با شماره ممیز آخرین کتاب استان شماره‌گذاری و منتشر می‌شود.

۲۲. اینک که بین تاریخ شهادت این عزیزان و ما که چشم‌مان به جمال وصایایشان منور می‌گردد، بیش از سی سال فاصله است، نسل امروز حتی توفیق دیدار افراد و بزرگانی چون شهید رجایی، شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید دستغیب، شهید مطهری را نداشته با ذکر عدد به پانویس ارجاع شده است. در تعلیقات معرفی کوتاهی از شهیدان شاخص به ویژه شهیدان شاخص این مجموعه را آورده‌ایم تا انگیزه‌ای باشد برای مطالعه دقیق زندگی و آثار و اندیشه‌ها و نقش و جایگاه آنان در انقلاب و نزد حضرت امام. برخی از مناطق جنگی را که در وصیت بدان اشاره شده به اختصار معرفی کرده‌ایم. همه این گویاسازی‌ها برای دفع سوال مقدری است که به جهت فاصله نسلی فراهم می‌آید و امری طبیعی تلقی می‌گردد.

۲۳. به منظور کمک به خواننده، برخی از توضیحاتی که وجود آنها در کنار متن ضروری تشخیص داده شد، در پانویس آورده شد. سایر موارد در قسمت جداگانه‌ای با عنوان «تعلیقات» در انتهای اثر آمده است.

۲۴. در وصایایی که در فرم‌های چاپی در اختیار شهدا گذاشته شده، تمام متن وصایا را مورد تأیید شهید می‌دانیم و همه وصایا که مجدداً تایپ شده بدان شهید اختصاص می‌یابد.

۲۵. وصایای تایپی همگی از سوی اداره کل اسناد و انتشارات مهر شده و برای ما ملاک اعتبار است. این وصایا از سوی، واحدهای فرهنگی نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط

از روی نسخه اصلی دست‌نویس و یا تایپ شده است. در مواردی که نسخه اصلی و دست‌نویس شهید وجود ندارد، به نسخه‌ی تایپی ممهور، استناد شده است.

۲۶. پس از آماده شدن نسخه کتاب جهت چاپ، به منظور رفع نواقص، کنترل نهایی و تأیید اثر برای چاپ؛ یک نسخه در اختیار بنیاد شهید و امور ایثارگران استان مرکزی قرار داده شد. بنابراین، نسخه حاضر، نسخه اصلاح شده و مورد تأیید بنیاد شهید استان مرکزی است.

۲۷. اطلاعات فردی هر شهید، از کتاب «فرهنگ اعلام شهدا استان مرکزی» که تألیف دفتر پژوهش‌های فرهنگی، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران است و در سال ۱۳۹۲ توسط نشر شاهد منتشر شده است، اخذ گردید.

۲۸. با توجه به اینکه نقطه‌گذاری (سجاوندی) جزء جدایی‌ناپذیر نوشته‌های امروز است و همچنین به منظور کمک به خواننده و درک بهتر کلام، از علائم نقطه‌گذاری (نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب، گیومه، خط فاصله، پرانتز، کروشه، سه نقطه و...) در متن وصیت‌نامه استفاده شده است. هرگاه علائم استفاده شده در اصل وصیت‌نامه به درستی استفاده شده، سعی بر حفظ آن بوده و چنانچه علامتی به خوبی به کار گرفته نشده، شکل درست آن جایگزین شده است.

۲۹. پاراگراف‌بندی متن وصیت‌نامه‌ها بر اساس ساختار پیشنهادی بیان شده در آغاز این مقدمه است. لذا، ساختار بندهای وصیت‌نامه ممکن است با پاراگراف‌بندی وصیت‌نامه اصلی شهید متفاوت باشد که این تفاوت به همان دلیلی است که در بند قبلی به آن اشاره شد.

۳۰. تنظیم کتاب بر اساس روش الفبایی حرف به حرف نام خانوادگی و نام شهید است.

۳۱. کتاب دارای نمایه‌های پایانی موضوع، اشخاص، اماکن جغرافیایی، سور و آیات قرآن، دعاها، کلام بزرگان، اشعار، محل تولد، محل شهادت، نحوه شهادت، تحصیلات و شغل است که بر اساس اصول نمایه‌سازی کتاب و به صورت دستی تهیه شده‌اند.

۳۲. آخرین بخش کتاب «تعلیقات» است. در این قسمت اطلاعاتی درباره برخی افراد،

امکان جغرافیایی و موضوعات آورده شده که هر کدام چند بار در متن کتاب تکرار شده‌اند و ذکر اطلاعات درباره آنها در متن برای برخی خوانندگان ضروری به نظر می‌رسد. در چنین مواردی، از روش پانویس ارجاعی استفاده شده و با عبارت «ر. ک. تعلیقات» خواننده را به بخش تعلیقات کتاب ارجاع می‌دهد. تنظیم بخش تعلیقات کتاب بر اساس روش الفبایی حرف به حرف است. برای تکمیل این قسمت، از بخش تعلیقات مجلدات پیشین استفاده شد و سعی شد یکدستی حفظ شود.

آنچه در خاتمه در باب این کتاب باید به آن اشاره کرد این است که مصحح در این مجموعه به امر تصحیح ۹۷ وصیت‌نامه از وصایای شهدای استان مرکزی اقدام کرده است و از آنجا که وصایای شهدا برحسب حروف الفبا تنظیم شده، این مجموعه مجلد اول وصیت‌نامه ثبت شده شهدای این استان را در بر می‌گیرد.

معرفی استان مرکزی^۲

نقش استان مرکزی در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

۲. اطلاعات ذیل این عنوان برگرفته از این اثر است:













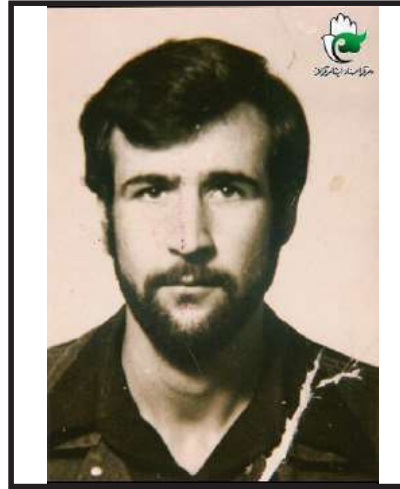








جعفر آبابی



نام: جعفر
نام خانوادگی: آبابی
تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۲/۵
محل تولد: روستای هزاوه از توابع شهرستان اراک
نام پدر: صفرعلی
نام مادر: عشرت
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
شغل: کارگر کارخانه ماشین سازی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۴/۱۶
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به گردن و
پیشانی
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ◀ همیشه به هوش و سراپا گوش به فرمان رهبر خود بوده.
- ◀ تا می توانید جبهه های نور بر تاریکی را پر کنید که نکند امام عزیز [از] این مسئله ناراحت باشد.
- ◀ همیشه با منافقین در جنگ باشید.
- ◀ از برادر عزیزم می خواهم که سلاح مرا به زمین نگذارد و با دشمن بعثی مبارزه کند و هم سنگر خوبی برای رزمندگان در جبهه ها باشد.
- ◀ از خواهرانم نیز می خواهم که مانند حضرت زینب (س) حجاب خود را حفظ کنند و یار و یاور دیگر امام در پشت جبهه ها باشند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«فی توفیق الشهاده».

«این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند»^۱. (امام عزیزمان، خمینی بت‌شکن)

اینک وقت آن رسیده که وصیت‌نامه خود را بنویسیم، چون که واجب است هر مسلمان هر شیئی که سر را روی بالین خود می‌گذارد وصیت کرده باشد. من هم تکلیف خود می‌دانم که این واجب را انجام دهم.

و اما وصیت من با نام خداوند تعالی شروع شده و ضمن درود و سلام به آقا امام زمان (عج) و یگانه منجی عالم بشریت و نائب برحق آن آقا یعنی خمینی روح خدا و درهم کوبنده شرق و غرب و نجات‌دهنده مسلمین از بند اسارت مستکبران عالم و ما.

پیامی به مردم شهیدپرور ایران:

من کوچک‌تر از آن می‌باشم که پیام‌دهنده باشم، ولی می‌گویم که شما ای ادامه‌دهندگان راه حسین و پویندگان خون شهدا، همیشه به هوش و سراپا گوش به فرمان رهبر خود بوده و تا می‌توانید جبهه‌های نور بر تاریکی را پر کنید که نکند امام عزیز [از] این مسئله ناراحت باشد. اگر امام را ناراحت کنید قلب امام زمان خود را رنجیده‌اید.

و همیشه با منافقین در جنگ باشید که اگر خدای ناکرده آنها بر ما پیروز شوند دیگری نه دین و نه ناموس برای این مملکت خواهد گذاشت و کشور خود را [که] وارث خون شهدا می‌باشد به اجانب خواهند سپرد. و من به شما می‌گویم که اگر من

۱. صحیفه امام، جلد ۱۶، صفحه ۱۳: «این وصیت‌نامه‌ها اینها، انسان را می‌لرزاند، انسان را بیدار می‌کند».

شهادت نصیب شد، از هر کسی که من او را رنجانده‌ام رضایت می‌خواهم که ان شاء الله آنها هم می‌بخشند، والسلام. به امید شهادت در راه خداوند باری تعالی.

جعفر آبایی

۶۵/۲/۲۸

دعای همیشگی خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار. اینک وصیت به خانواده که من از آنها تشکر و قدردانی از اول زندگی تا روزی که به شهادت رسیدم می‌کنم.

اما همسر عزیزم! امیدوارم که همیشه در زندگی‌ات پیروز و موفق باشی. همسر عزیزم، من تو را زیاد رنج دادم ولی تو مرا ببخش که ان شاء الله می‌بخشی. تو باید مانند همسر دیگر شهدا که از اول اسلام شهید شده‌اند، سرمشق‌گیری و برای مرگ من زاری نکنی که خداوند تو را ببخشد.

و اما پدر و مادر عزیزم! شما نیز باید مانند پدر و مادر دیگر شهدا صبر را پیشه خود کنید در شهادت من گریه نکنید. و من از برادر عزیزم می‌خواهم که سلاح مرا به زمین نگذارد و با دشمن بعضی مبارزه کند و هم سنگر خوبی برای رزمندگان در جبهه‌ها باشد. از خواهرانم نیز می‌خواهم که مانند حضرت زینب(س) حجاب خود را حفظ کنند و یار و یاور دیگر امام در پشت جبهه‌ها باشند.

اما همسر عزیزم! به تو نیز می‌گویم که خود اختیاردار خود می‌باشی و فرزندان مرا به پدر و مادرم واگذار کنید و اگر هم خواستی خود آنها را به راه اسلام راهنمایی کنید که خداوند از شما راضی باشد. و از تمام فامیل از قول من حلالیت طلب کنید و من حق همسر را هر چه می‌بود به او بدهید و مقداری که قرض دارم و مبلغ آن ۴۵ هزار تومان است و شاید هم کمی بیشتر بدهید و پدرم را وکیل خود می‌دانم.

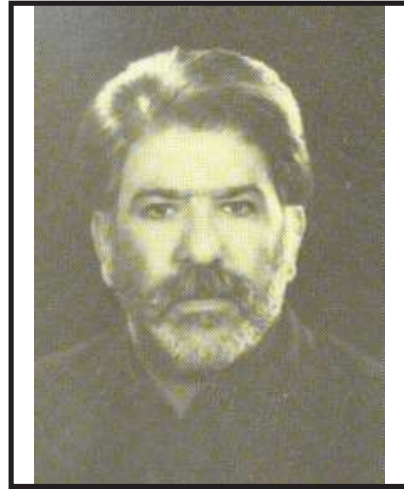
به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی.

والسلام علیک یا امام حسین. خدا حافظ شما باشد، والسلام.

جعفر آبایی

۶۵/۱۲/۸

رحیم آبابی



نام: رحیم
نام خانوادگی: آبابی
تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۱/۸
محل تولد: شهرستان اراک
نام پدر: محمدتقی
نام مادر: رعنا
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
شغل: کارگر ساختمان
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۵/۷
محل شهادت: پاسگاه زید عراق
محل دفن: گلزار شهدای اراک

گلچین وصیت نامه

- ◀ اگر من در این راه شهید شدم، شما هیچ گونه ناراحت نباشید، حتی گریه هم نکنید که دشمن خوشحال شود. کسی که با خدا معامله می کند افتخار خانواده است.
- ◀ از شما می خواهم که راه امام امت که همان راه قرآن و اسلام است، از راه [او] پیروی کنید.
- ◀ همیشه امام امت را دعا کنید و پیرو ولایت فقیه باشید.

باسمه تعالی

سلام ای مکتب خون شهادت و پیام، ای یاور بی کسان. درود بر رهبر عظیم‌الشأن اسلام و یار و یاور محرومان^۱ جهان، امام خمینی. و درود بر کسانی که به پیام امام^۲ که همان پیام خداست لبیک گفتند. و سلام بر پدران و مادرانی که جوانان خود را به جبهه‌های حق علیه باطل می‌فرستند و زیر شهادت‌نامه آنها را امضاء می‌کنند.

اما مادرم و برادرانم و خواهرم و فرزندانم! اگر من در این راه شهید شدم، شما هیچ‌گونه ناراحت نباشید، حتی^۳ گریه هم نکنید که دشمن خوشحال شود. کسی که با خدا معامله می‌کند افتخار خانواده^۴ است. اگر هم زنده ماندم تا کربلا خواهم رفت و دست این خائنین را از صفحه^۵ روزگار کوتاه خواهیم کرد به یاری خداوند. و راه کربلا را برای تمامی عاشقان امام خمینی باز نماییم به یاری خداوند ان شاء الله.

برادرانم! خواهمشدم عقد خانم اعظم قاسم‌خانی را طبق عقدنامه و در ضمن^۶ دانگ خانه به اسم بنده می‌باشد که باید خودتان درست^۷ کنید و شرعاً^۸ پرداخت شود. مالی که ندارم و هرچه دارم طبق قانون اسلام بین پسر و دختر تقسیم شود.

والسلام

امضاء^۸

۱. اصل: مهر و مان.

۲. اصل: امان.

۳. اصل: حنا.

۴. اصل: خانواده.

۵. اصل: سغه.

۶. اصل: دور و ست.

۷. اصل: شرع.

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

در ضمن فرزندان عزیزم! از شما می‌خواهم که راه امام امت که همان راه قرآن و اسلام است، از راه [او] پیروی کنید و همیشه امام امت را دعا^۹ کنید و پیرو ولایت فقیه^{۱۰} باشید.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

چون در این زمان که راه سعادت در پیش است و من هم برای اینکه در این راه پرسعادت و خوشبختی سهمی داشته باشم، عازم^{۱۱} نبرد با دشمنان اسلام به جبهه عزت می‌باشم، از کلیه دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبم و از تمامی برادران خواستارم که بنده را حلال نمایند.

رحیم آبایی

امضاء^{۱۲}

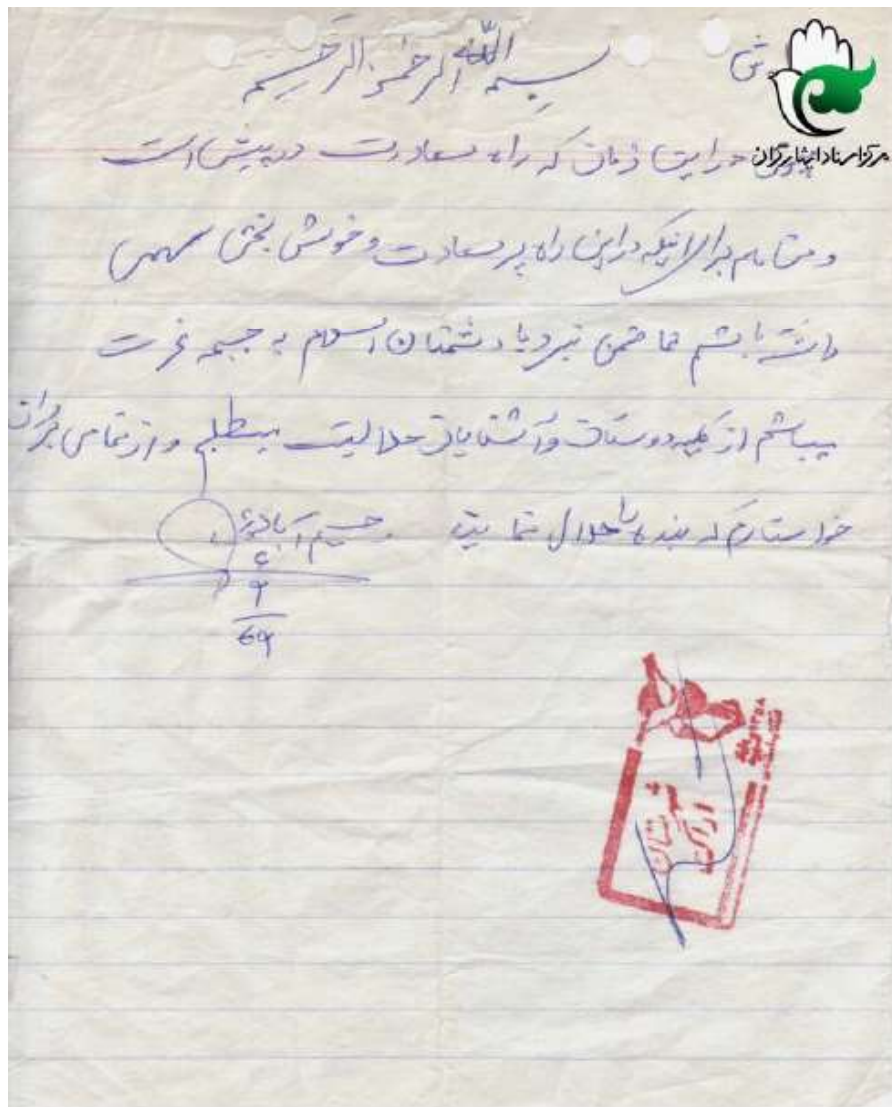
۹. اصل: دوعا.

۱۰. اصل: ولایت فقی.

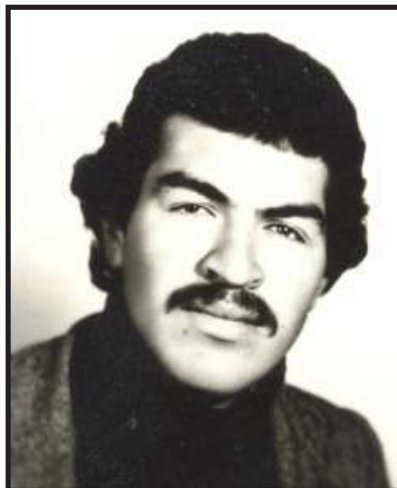
۱۱. اصل: عاضمن.

۱۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

فطرت برادرانم حوا محترم حقه طایف و عظم فاسخ
 را طبع عفت نام و در حق ۲ و الف گفته بد اسم ضام
 بسیار که باید خودشان دور است که
 در حق پیراهت شمع مانی که بد نام
 در حق نام طبع فافون اسلام بیت
 در حق تقسیم اسماء اسلام
 در حق فرزندان عزیزم از شما بخوانم که در نام است
 که یک نام فرزند که نام است از نام پیراهت که
 در نام است از نام که نام پیراهت که
 پیراهت



محمد صادق آتش سخن



نام: محمد صادق
نام خانوادگی: آتش سخن
تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۲
محل تولد: خمین
نام پدر: اکبر
نام مادر: عصمت
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
شغل: پیرایشگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۹/۱۲
محل شهادت: شیاکوه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: خمین

گلچین وصیت نامه

◀ از همه شما می خواهم که پیرو راه امام خمینی باشید تا از آسیب دشمنان در امان بمانید.

◀ من راضی نیستم که برای من زیاد گریه و زاری کنید، چون شهادت در راه امام حسین (علیه السلام) آرزوی هر انسان است.

باسمه تعالی

وصیت نامه اینجانب صادق آتش سخن

ابتدا خدمت امام عزیز سلام و دعا می رسانم و سلامتی امام را از خداوند خواستارم. و همچنین خدمت پدر و مادر عزیز و برادران و خواهران و تمام خویشان و آشنایان سلام می رسانم و ما همچنان با دشمن بعثی و متجاوز در حال نبرد و جنگ هستیم و از همه شما می خواهم که پیرو راه امام خمینی باشید تا از آسیب دشمنان در امان بمانید. اگر من در این راه به خواست خداوند به فیض شهادت رسیدم چنین وصیت می کنم من از مال دنیا به جز یک موتورسیکلت و مقداری لباس چیزی ندارم، همین مقدار را بفروشید و به حساب جنگ زدگان بریزید. و من راضی نیستم که برای من زیاد گریه و زاری کنید، چون شهادت در راه امام حسین (علیه السلام) آرزوی هر انسان است. بر خدا توکل می کنم و همه شما را به خدا می سپارم.

والسلام

صادق آتش سخن

امضاء

۱۳۶۰/۸/۱۸

محمود آدینه



نام: محمود
نام خانوادگی: آدینه
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱
محل تولد: روستای توچال از توابع شهرستان اراک
نام پدر: ابوالقاسم
نام مادر: صغری
تحصیلات: سوم متوسطه (رشته ریاضی)
شغل: آزاد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱/۱
محل شهادت: محور سردشت-پیرانشهر
نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر و سینه توسط
ضدانقلاب
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ❖ ای مردم مسلمان ایران! امام را تنها نگذارید و قدر امام را بدانید و اگر قدر این رهبر را ندانید به عذاب دچار خواهید شد.
- ❖ ما مردم ایران با خداوند عهد بسته ایم و بر سر این عهد خواهیم ماند و خداوند هم رهبری به ما عطا فرموده که پیرو راه اسلام است.
- ❖ ای جوانان مسلمان! به این جبهه ها بیایید، زیرا جبهه یک دانشگاه انسان ساز است.
- ❖ ادامه دهنده راه شهیدان باشید.
- ❖ امام را دعا کنید.
- ❖ با دشمنان امام سخت مبارزه کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ. أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ. فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ»^۱
 «آنان که در ایمان از همه پیشی گرفتند، آنان به حقیقت مقربان درگاهند، آنان در بهشت در نعمت جاودان به ناز [و] نعمت به سر می‌برند».

با سلام [و] درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام، قائد بزرگ، خمینی روح خدا و سلام [و] درود به شهیدان راه خدا. ای مردم مسلمان ایران! امام را تنها نگذارید و قدر امام را بدانید و اگر قدر این رهبر را ندانید به عذاب دچار خواهید شد. و ما مردم ایران با خداوند عهد بسته‌ایم و بر سر این عهد خواهیم ماند و خداوند هم رهبری به ما عطا فرموده که پیرو^۲ راه اسلام است.

ای جوانان مسلمان! به این جبهه‌ها بیایید، زیرا جبهه یک دانشگاه انسان‌ساز است. خداوند! تو را سپاس می‌گویم که به من این لیاقت را دادی که در راه تو قدمی بردارم و در راه تو جهاد کنم. بارپروردگارا! مرا یک لحظه به خودم وامگذار و به من کمک کن که بر نفس درونی خودم غلبه کنم. بارپروردگارا! عاجزانه از درگاه پر رحمت تو می‌خواهم که مرا هم مورد رحمت خود قرار بدهی [....]^۳ بیامری. اگرچه من کار خیری در این مدت عمری که کرده‌ام انجام نداده‌ام، ولی امیدوارم که این قدم کوچکی را که در راه تو برداشته‌ام، مورد قبول خود قرار بدهی.

و اگر خداوند به من این لیاقت [را] بدهد که در راه او شهید شوم که بسی سعادت

۱. آیات ۱۰-۱۲، سوره واقعه: «و آنان که بر همه پیشی گرفتند و (در اطاعت خدا و رسول) مقام تقدم یافتند. آنان به حقیقت مقربان درگاهند آنان در بهشت پر نعمت جاودانی منتعمند».

۲. اصل: پی رور.

۳. خوانا نیست.

است، زیرا شهادت نصیب همه کس نمی‌شود. بارپروردگارا! به من این لیاقت را بده که در راه تو هم جهاد اصغر را انجام بدهم و هم جهاد اکبر را. در خاتمه یک پیام به مردم مسلمان ایران دارم، اگر چه در اول این وصیت‌نامه هم این پیام را نوشته‌ام، ولی باز تکرار می‌کنم که ادامه دهنده راه شهیدان باشید و امام را دعا کنید و با دشمنان امام سخت مبارزه کنید. بار پروردگارا! امام خمینی این امید محرومان جهان را برای ما نگاه دار، پروردگارا همه ما را بیخوش و بیامرزد.


امضاء^۴

مقداری پول ۲۰۰ تومان و یک عدد ماشین حساب دست محمد دستجانی فراهانی دارم. آن را می‌توانید از خانه حاج ابراهیم علی محمد (آدرس: خیابان جهرم، روبروی خیاطی مهران)، از حمید علی محمدی بگیرید. و مقدار ۱۰۰۰ تومان در بانک دارم آن را بگیرید و ۲۰۰ تومان آن را به جواد بدهید و بقیه را در راهم خرج کنید.

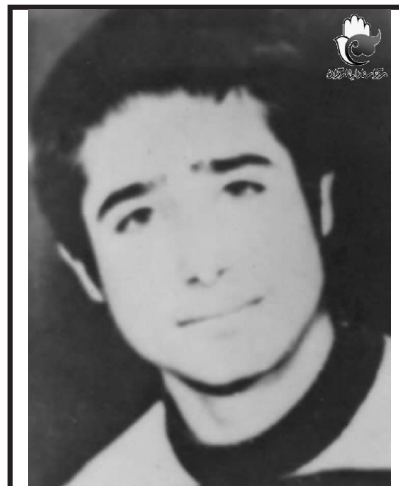
محمود آدینه

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم
 والسا بقون السابقون اولئک المقربون خلقکم الله
 آناله در ایالت بر همه ییجا برضند آنکه؟ حقیقت
 مقربان الله باشند آنکه در بصفت در رفت حاد که
 ؟ باز نعمت بسمه سما بر قل
 با سلام در دفران ؟ رهبر کبر انقلاب اسلام ایران
 امام زمانه که خیر روح خط و سلام در دفران
 راه خدا اعا مردم جهان ایران امام را تنها نگذارید و قدر
 امام را بدانید و اگر قدر را بهر را ندانید ؟ عذاب دجارجو
 شد و تنها مردم ایران با خداوند محمد بسمه ایم در سر این محمد
 خاتم منانند و خداوند هم رهبر ؟ با عطا فرموده که بهار
 راه اسلام است اما خطایان مسلمان ؟ اینجا عا بیاید
 زباجه بد و شاه انسان ساله است
 خداوند انقضای سیاستها کندیم نه ؟ منای الیقت را که
 که در راه تو قدم نه دارم و در راه تو جهالتکم باریر و دگارا
 مرا یک لحظه ؟ خودم را بگذار و به ما کلم که که بر نفسی
 در دگارا خودم علیه کتم باریر و دگارا عاجزانه از دگاره
 بر رفته تو ما خداهم نه برهم مودر حجت خود قرار بدها


 این پیام را در روز پنجشنبه ۱۳۸۵/۰۵/۰۵
 در وقت عصر که حدوداً ۱۰ ام انجام داده ام
 و امیدوارم که این قدم کوچکی را به در راه
 گذر داشته ام و در قبول خود قرار دهم
 و از خداوندی می‌خواهم که این لیاقت را به در راه
 خود که بی‌سبب است و زیارت
 نیست همه‌ی نماز که بار پروردگار را به
 این لیاقت را بدو که در راه خود بگذارد
 و هم در هم چنان که در راه
 پیام به مردم و مسلمان ایران دارم و
 از چه در اول این وصیت نامه هم این پیام را
 نوشتم و بار بار می‌گویم که امام دهنده راه
 شریفان بگویند و امام را در میان و دشمنان
 امام سخت مبارزه کنید بار پروردگار امام
 ختم این امید مردم جهان را بر امام
 نثار کرد و پروردگار همه ما را بفرستد
 خداوند عالم آن را می‌شناسد از خانه حاج ابراهیم علی‌همد
 به دست خود یا در هر یک از طایفه‌های مختلف از جمله علی‌همد
 در تهران ۱۰۰ تومان در سال دارم آن بپذیرد و به تهران آن را
 بخواه بدهد و بفرستد راه نجات
 محمود آدینه

غلامرضا آذرباد



نام: غلامرضا
نام خانوادگی: آذرباد
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۲/۹
محل تولد: روستای فرناق از توابع شهرستان خمین
نام پدر: رضا
نام مادر: گل خانم
تحصیلات: دانش آموز اول متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱۱/۲۱
محل شهادت: فکه
محل دفن: روستای فرناق

گلچین وصیت نامه

- ❖ همیشه در راه و خط امام حرکت کنید و پیام های امام را بشنوید و عملی سازید.
- ❖ از روحانیت در خط ولایت فقیه حمایت کنید.
- ❖ عزیزان پاسدار را به عنوان انسان های خالص و در خط امام و فداکاران این عصر بدانید.
- ❖ در مرگم گریه و شیون و شین نکنید، زیرا شهید عزادار نمی خواهد، شهید ادامه دهنده راهش را می خواهد.
- ❖ حجابتان را حفظ کنید، زیرا که حجاب تو از خون من بالاتر است.

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علیک یا انصارالله. جنگ، جنگ تا پیروزی.
«هیئات من الذله»^۱.

بسم رب الشهداء

«والذین هاجروا فی سبیل الله [ثم] قتلوا [او] ماتوا لیرزقنهم الله رزقاً حسناً و ان الله [لهو] خیر الرازقین»^۲.

«آنان که در راه رضای خدا، از وطن خود هجرت گردیده و در این راه کشته شدند یا مرگشان فرا رسیده، البته خدا رزق و روزی و نیکویی نصیبشان می‌گرداند که همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است».

«استغفرالله ربی و اتوب الیه»^۳.

«الهی مگو که چه آورده‌ای که رسوا شویم

و مپرس که چه کرده‌ای که شیدا شویم»^۴

«ما مثل حسین(ع) در جنگ وارد شدیم و مثل حسین(ع) باید به شهادت برسیم»^۵

(امام خمینی).

۱. ربك. تعلیقات.

۲. آیه ۵۸، سوره حج: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ: و آنان که در راه خدا از وطن خود هجرت گزیده و کشته شدند یا مرگشان فرا رسید البته خدا رزق و روزی نیکویی نصیبشان می‌گرداند، و همانا خداوند بهترین رزق و روزی بخشنده است».

۳. ذکر استغفار: «از پروردگارم آمرزش می‌جویم و به سوی او می‌پویم».

۴. از مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری است: «الهی! مگو چه آورده‌ای که رسوا شوم، و مپرس چه کرده‌ای که دروا شوم».

۵. صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۵۲۴.

«السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التي حلت بفنائک»^۷، ای «ثارالله وابن ثاره»^۸، ای آموزگار بزرگ شهادت، سلام بر تو که در پهنه جهان هستی نعمتی بیکران به تمامی دوستداران خود ارزانی نمودی.

و السلام علیک یا مهدی موعود(عج)، مهدی جان، مهدی عزیز، سلام مرا بپذیر. سلامی از انسانی گناهکار که اکنون می‌خواهد در راه تو جهاد کند و کوشش‌ها و رنج‌های توان‌فرسا را به جان بخرد و در راه تو «مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح دهد»^۹.

و السلام علیک یا خمینی روح الله، ای اسطوره عشق و عرفان، ای سلاله پاک بوستان سرخ نام رسول الله. ای منادی حق، ای پیر جماران، ای که شکر ما به درگاه خدا از اینکه بر ما ولایت داری کم است، ای نایب امام مهدی(عج).

و سلام و درود بر شما شهیدان، شاهدان همیشه زنده، شاگردان مکتب حسین(ع)؛ آنانی که با قلمی آرام و آسوده به حق پیوستند و در دامن حق خوش آرمیدند^{۱۰}. و با سلام و درود به تمامی خدمتگزاران اسلام، سخن را از انسانی حقیر می‌شنوید.

پدران، مادران، برادران، خواهران! بدانید که من در این راه آگاهانه قدم نهادم، چرا که خون شهیدان از هابیل تا حسین و از حسین تا شهدای^{۱۱} کربلاهای ایران صدایم می‌زنند که چیست تو را، برای چه نشسته‌اید؟ اسلام هرگز نمی‌گوید تویی که سالم و تویی که قدرت مبارزه را داری بنشینی و دیگران برای تو بجنگند. به نظر من عدل در جامعه باید چنین باشد که هرکس به اندازه توانایی‌اش مسئولیت بپذیرد. و من هم با اعتقاد به این حرف، راهی جبهه‌های خونبار اسلامیمان می‌شوم تا شاید بتوانم در این کارخانه انسان‌ساز یک خودسازی در خود به وجود آورم و از این آزمایش الهی

۶. اصل: به فناعک.

۷. فرازی از زیارت عاشورای امام حسین(ع): «سلام بر تو و جانمایی که به درگاهت فرود آمدند». ای خون خدا، و فرزند خون خدا

۸. فرازی از زیارت عاشورای امام حسین(ع): «ای خون خدا، و فرزند خون خدا».

۹. برگرفته از سخنی منسوب به امام حسین(ع): «موت فی عز خیر من حیوة فی ذل: مردن با عزت و شرافت از زندگی با ذلت بهتر است».

۱۰. اصل: آرمیدن.

۱۱. اصل: شهداهای.

سرافراز بیرون آییم. می‌روم تا هدیه‌ای تصور نشدنی، تقدیم به عظمت باری تعالی کنم و تا سخن مردان حق و امامان و رهبران اسلام را که گفتند^{۱۲}: «انما الحياه العقیده الجهاد»^{۱۳}، «زندگی عقیده و جهاد است» تکرار کنم. من به جبهه می‌روم تا در راه اسلام بجنگم و بکشم و اگر در این راه سعادت شهید شدن داشتیم، وانگهی سعادت بزرگ است، زیرا شهادت بزرگترین آرزو و آرمان ماست. بگذارید ما فدا شویم اما نگذارید که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بیش از این دستخوش حملات مخالفان شود و مابین خود و خدای خود تعهد بسته‌ایم که تا جان در بدن داریم در راه رضایش حرکت کنیم و این تعهد تا مرگ ما معتبر است و خالصانه و عاجزانه هدایت‌م را از او می‌طلبیم. امت شهیدپرور! من نمی‌توانم به شما انسان‌های [با]فضیلت و تقوا پیام دهم، اما خود را عضوی از شما عزیزان می‌دانم و به شما وصیت دارم که همیشه در راه و خط امام حرکت کنید و پیام‌های امام را بشنوید و عملی سازید و از روحانیت در خط ولایت فقیه حمایت کنید که: «العلماء ورثة الانبياء»^{۱۴}، «علماء وارث انبیاء هستند».

و عزیزان پاسدار را به عنوان انسان‌های خالص و در خط امام و فداکاران این عصر بدانید، حتی اگر جهان بر علیه شما قیام کرد^{۱۵}. وصیت به عزیزان پاسدار این که جاذبه و دافعه داشته باشید و انسان‌های در حال فناء شدن را نجات دهید. همان‌طور که تا الآن این مسئله در اکثر شما نمایان بوده [است]. و در تشیع^{۱۶} جنازه‌ام اجازه فرصت طلبی از افراد ناباب را بگیرید.

سخنی با خانواده عزیز و عاطفه دار، پدرم، مادرم! اگر من شهید شدم و به لقاءالله پیوستم، افتخار کنید و هیچ‌گونه غم و اندوهی به خود راه ندهید. پدر عزیز! نافرمانی من زیاد و زشت و رضایت تو زیبا است. و مادر! هم‌چنین تو، به خدا قسمت‌ان می‌دهم

۱۲. اصل: گفتن.

۱۳. اشاره به شعری منسوب به احمد شوقی است: «قف دون رايك في الحياه مجاهدا ان الحياه عقیده و جهاد: در زندگی پای عقیده‌ات بایست و در راه آن تلاش کن، به راستی که زندگی، عقیده داشتن و در راه آن تلاش کردن است».

۱۴. پیامبر اکرم (ص): «العلماء ورثة الانبياء، يحبهم أهل السماء ويستغفر لهم الحيتان في البحر إذا ماتوا إلى يوم القيامة: علما وارثان پیامبرانند، اهل آسمان ایشان را دوست می‌دارند و هر گاه بمیرند ماهیان دریا تا روز رستاخیز برایشان آمرزش می‌طلبند».

۱۵. اصل: قیام کردن.

۱۶. اصل: تشیع.

که التماس کنید به درگاه خدا که از من در قبر راضی شود و فشار قبر نیاورد. پدرم! همچون نمونه از خانواده شهداء باشید. و مادرم نگران نباش که قرآن درباره شماها می‌فرماید:

«[یا ایها الذین] آمنوا لا تلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون»^{۱۷}.

تو هم، چون فرزندت را در این راه دادی خوشحال باش که امانتی را تحویل دادی و زحماتی که برای من کشیدی، اجر و پاداش آن را از «الله» خواهی گرفت. خواهرم! زینب‌وار رسالت را به دوش گیر و همچون زینب (س) در ادامه حرکت کوشا باش. در مرگم گریه و شیون و شین نکنید، زیرا شهید عزادار^{۱۸} نمی‌خواهد، شهید ادامه‌دهنده راهش را می‌خواهد.

و حجابتان را حفظ کنید، زیرا که حجاب تو از خون من بالاتر است. اگر جسمم گم و یا تکه تکه شد، نگران نباشید. تو که دادی، چه بدن برسد یا نرسد فرق نمی‌کند، اما اجر زیاده‌تر است. مادرم! اگر می‌خواهید گریه کنید، آهسته گریه کنید. خانواده گرامی! اگر از من اشتباهی دیدید، حلالم کنید و از همگان حلالیت^{۱۹} را بخواهید. من نه چیزی از کسی طلبکار و نه بدهکار هستم و اگر بدهکار بودم به طرف بدهید. مادر، پدر، تنها برادرم را در ادامه راهم تشویق کنید.

«...انا لله و انا الیه راجعون»^{۲۰}، «ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم».

ماندن به مرداب و تباهی می‌انجامد و رفتن به عصمت و پاکی. ما از ماندن و گنبدیدن گریزانیم. می‌رویم ان‌شاءالله به سوی پاک و مطهر شدن.

غلامرضا آذرباد

۶۱/۰۹/۱۵

۱۷. آیه ۹، سوره منافقون: «الا ای اهل ایمان، مبدا هرگز مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل سازند، و البته کسانی که به امور دنیا از یاد خدا غافل شوند آنها به حقیقت زیانکاران عالمند».

۱۸. اصل: عزادار.

۱۹. اصل: حلالیت.

۲۰. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

اندیمشک، دو کوهه

۱۰/۲۰ صبح

«اللهم ارزقنا توفیق الشهاده فی سبیلک».

ضمناً عکسی از امام سر قبرم بزنید.

«راهی است که باید پیمود و سفری است که باید رفت، پس چه بهتر که در حال خدمت به اسلام و ملت شریف اسلامی شربت شهادت نوشیدن و [با سرافرازی به] لقاءالله پیوستن و این همان راهی است که اولیاء خدا آرزوی آن را داشتند»^{۲۱} (امام خمینی).

شهادت آرزویم.

وصیت نامه غلامرضا آذرباد

۶۱/۹/۱۵ - امضاء^{۲۲}

به امید پیروزی اسلام

«در قاموس شهادت کلمه وحشت معنایی ندارد». (شهید مظلوم، آیت الله دکتر

بهشتی)

«روزی که گلوله‌های ما تمام شوند، اولین روز جنگ ماست». (شهید محمدعلی

رجایی)

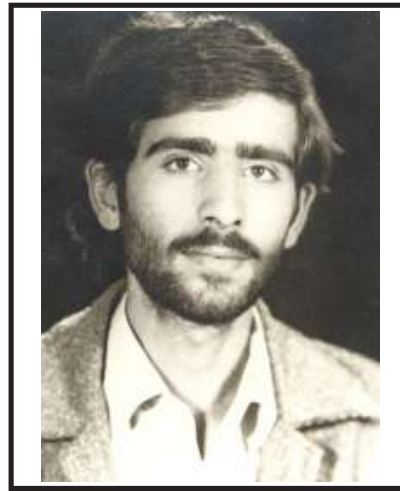
۲۱. صحیفه امام، جلد ۱۵، صفحه ۱۷۳.

۲۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

[illegible]

[illegible]

عباس آذرباويدان



نام: عباس

نام خانوادگی: آذرباويدان

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۳/۲۶

محل تولد: شهرستان تهران

نام پدر: اسماعیل

نام مادر: طاهره

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

شغل: نانوا

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۲۲

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش و قطع دست

محل دفن: شهرستان خمین

گلچین وصیت نامه

- ◀ امیدوارم که ملت ایران همچون گذشته وحدت خود را حفظ و فراموش نکنند که چشم تمام مستضعفان جهان به دست این ملت و رهبر عزیزشان خمینی کبیر دوخته شده است.
- ◀ پس برای فراهم ساختن زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) بپا خیزید و طلوع فجر را زودتر سازید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله الذي اذهب الليل مظلمًا بقدرته و جاء بالنهار مبصرًا برحمته»^۱.

با سلام و درود بیکران بر امام و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با سلام به روان پاک شهدای به خون خفته کربلای ایران زمین.

پدر و مادر عزیزم و ملت شهیدپرور و همیشه در صحنه ایران! اکنون که دوران زورگویی و برده‌گیری ابرجنایتکاران شرق و غرب به سر آمده و می‌خواهند همچنان موقعیت کثیف خود را با زور موشک‌ها و بمب‌های شیمیایی بر مستضعفان جهان و همچنین ملت غیور ایران حفظ نمایند، وظیفه خود دانسته تا در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به صفوف دیگر برادران عزیزم حاضر، و دینی^۲ را که شهدای عزیز و همچنان اسلام عزیز بر دوش من و دیگران گذارده‌اند، ادا نمایم. و نیز سرافراز هستم که اگر در زمان حضرت سیدالشهداء، حسین بن علی (ع) نبوده تا بتوانم در رکاب او جان بدهم، در رکاب نائب برحقش و حسین زمان چنین سعادت نصیب گشته است.

امیدوارم که ملت ایران همچون گذشته وحدت خود را حفظ و فراموش نکنند که چشم تمام مستضعفان جهان به دست این ملت و رهبر عزیزشان خمینی کبیر دوخته شده است. پس برای فراهم ساختن زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) بپا خیزید و طلوع فجر را زودتر سازید. امیدوارم که خداوند شهادت را نصیب ما گرداند، ان شاء الله.

از پدر و مادر عزیزم که تا این لحظه برای من زحمت کشیده و من سعادت جبران آن را نداشته‌ام پوزش طلبیده و می‌خواهم که مرا نیز حلال نمایند. از پدر و مادر همسرم

۱. فرازی از دعای روز پنجشنبه: «سپاس خدای را که شب تاریک را با قدرت خود برد و روز روشن را به رحمتش آورد».

۲. اصل: دین.

نیز که آنها هم چون پدر و مادری دلسوز برای حقیر بوده‌اند، طلب معذرت می‌نمایم. از همسر من نیز می‌خواهم که مادری نمونه برای امیر باشد و او را بیشتر به مزارم بیاورد. از کلیه دوستان و آشنایان و فامیل و همسنگرانم طلب بخشش می‌نمایم و مرا نیز در گلزار شهدای خمین دفن نمایید. دیگر عرضی ندارم، دیدار ما در صحرای محشر. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار. رزمندگان اسلام، نصرت عطا بفرما. مجروحین و معلولین ما را شفای عاجل عنایت بفرما. ان شاء الله.

عباس آذربایجان

امضاء^۳

برادر عزیز سلام علیکم^۴

توضیح اینکه کلیه لوازمات و داروهای داخل ساک شخصی و متعلق به خودم می‌باشد.

جاویدان

۱۳۶۲/۱۲/۴

امضاء^۵

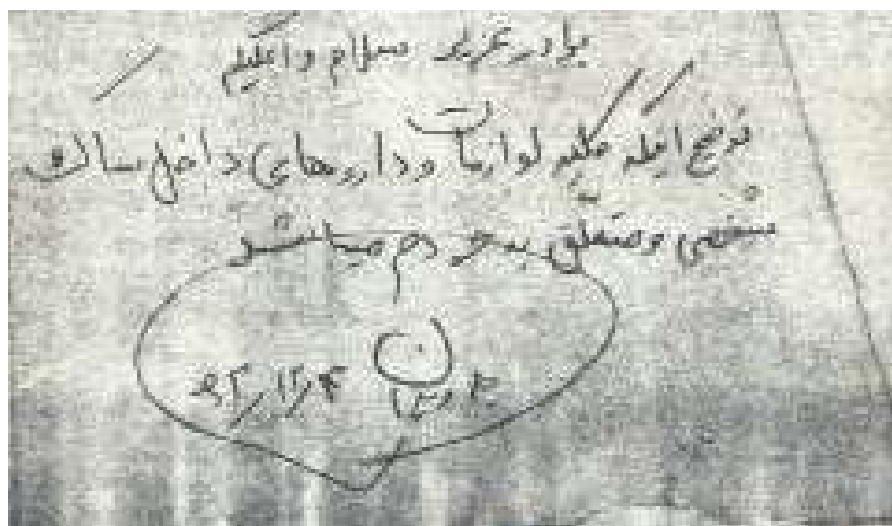
۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۴. اصل: سلام و اعلیکم.

۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

[illegible]





علی اصغر آذری



نام: علی اصغر
نام خانوادگی: آذری
تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۳/۲۴
محل تولد: شهر غرق آباد از توابع شهرستان ساوه
نام پدر: وجیه الله
نام مادر: رقیه
تحصیلات: اول متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۷/۵
محل شهادت: مهاباد
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان ساوه

گلچین وصیت نامه

- ◀ اگر من شهید شدم از شما تنها خواهشی که دارم هیچ گریه نکنید.
- ◀ برادرانم! نگویید که برادر ما مرده است، نه! من نمرده ام. من شهید شده ام، یعنی زنده هستم.
- ◀ از برادران خودم می خواهم مثل من تا آخرین قطره خون خود با دشمنان اسلام بجنگند و مملکت خود را از دست ندهند.

به نام خدا

وصیت‌نامه خود را چنین شروع می‌کنم.

پدر و مادر عزیزم سلام. امیدوارم که هیچ‌گونه ناراحت نشوید. [...] باید بمیرد چه بهتر که در راه اسلام باشد. این را نمی‌شود گفت مردن، باید گفت شهادت در راه اسلام [...] و خوشبختی. پدر و مادر عزیز! اگر من شهید شدم از شما تنها خواهشی که دارم هیچ گریه نکنید. برادرانم! نگویید که برادر ما مرده است، نه! من نمرده‌ام. من شهید شده‌ام، یعنی زنده هستم. این همه برادران ما که [...] همه پدر و مادر داشته‌اند. پدرجان! شرق و غرب که از آب و خاک نگهداری نمی‌کنند. اینها دشمن ما [...] هستند. اینها که به آب و خاک و ملت ما دلشان نمی‌سوزد و باید خودمان نگهداری کنیم. از برادران خودم می‌خواهم مثل من تا آخرین قطره خون خود با دشمنان اسلام بجنگند و مملکت خود را از دست ندهند.

[...] هر چه دارم به شما تعلق می‌گیرد. از اکبر دلاوری ۵۵۰ تومان از [...] تقدیری ۱۵۰۰ تومان [...] ۸۰ تومان طلبکار هستم، همه به شما تعلق می‌گیرد. [...] محمدیان ۵۰۰ تومان به آقای [...]، ۵۰۰ تومان به محمد [...]، ۴۲۰ تومان

۱. خوانا نیست.
۲. خوانا نیست.
۳. خوانا نیست.
۴. خوانا نیست.
۵. خوانا نیست.
۶. خوانا نیست.
۷. خوانا نیست.
۸. خوانا نیست.
۹. خوانا نیست.
۱۰. خوانا نیست.

به ابراهیم مروت، ۱۰۰ تومان [...] هستم. اینها همکار خودم هستند و در گروهان خودمان خدمت می کردند. پدر جان بگو که مرا حلال کنند [...] قاسم [...] که بهترین دوست من بود.

خدا حافظ پدر و مادر بزرگوارم.

خدا حافظ.

اسلام همیشه پیروز است، درود بر خمینی بت شکن.

۱۱. خوانا نیست.

۱۲. خوانا نیست.

۱۳. خوانا نیست.

[illegible]

علی اکبر آزموده



نام: علی اکبر
نام خانوادگی: آزموده
تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱
محل تولد: روستای ولاشجرد از توابع شهرستان
اراک
نام پدر: حسین
نام مادر: نساءخانم
تحصیلات: دیپلم (رشته ریاضی)
شغل: کارگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۲/۲۰
محل شهادت: ابوقریب
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر
محل دفن: روستای ولاشجرد

گلچین وصیت نامه

- ◀ شما پدر و مادر من نیز که دارای این امانات هستید، اگر پذیرای درگاه الهی گردید، شکر کنید و صبر پیش گیرید که اجر آن بسیار است.
- ◀ از ولایت فقیه اطاعت کنید که هیچ گاه راه ضلالت نخواهید پیمود.
- ◀ از ولایت فقیه اطاعت کنید که اگر اطاعت او نکنید طاعت خدا نکرده اید و از دستورات دین خدا سرپیچی کرده اید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«تبارك الذی بیده الملک و هو علی کل شیء قدير. الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور»^۱ (سوره الملک).
 «بزرگوار است آن خدایی که پادشاهی به دست اوست و او بر همه چیز تواناست.
 آن خدایی که مرگ و زندگی را تقدیر کرد تا شما را آزمایش کند که کدامیک از شما به عمل نیکوترید و او غالب و بس آمرزنده است».

با درود و سلام بر مهدی موعود، امام زمان(عج) و نائب برحقش امام خمینی و با سلام و درود بی‌پایان بر امت شهیدپرور ایران که با نثار خون خود و ایثار و از خودگذشتگی، اوراق زرینی بر برگ‌های تاریخ انسان‌ها افزودند^۲ و دلیل و برهانی دیگر بر دلایل پیروزی خون بر شمشیر اضافه نمودند تا سرمشقی باشد برای تمامی ملل مستضعف جهان در جهت پایداری و استقامت و مبارزه با مستکبرین و استعمارگران.
 بار خدایا! آیا لایق دانستی مرا که در معصیت غرق بودم، به سوی خود فراخوانی؟
 خدایا! من گنهکار شایستگی قرب و لقای تو را نداشتیم، اما ای رب العالمین تو مرا به سوی خود خواندی.

خدایا! به ما اخلاص و نیت مخلصانه عنایت فرما تا تو را با اخلاص عبادت کنیم.
 خدایا! خون ما را موجب بیداری دل مسلمانان قرار ده تا برای احیای دین تو قیام کنند.
 خدایا! به ملت ما ایمانی ده که وصیت‌های شهیدان را از صمیم قلب درک کنند و پیرو و ادامه‌دهنده راه خونین آنها در حفظ اسلام باشند.

۱. آیات ۱ و ۲، سوره ملک: «بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر همه چیز تواناست. خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر است و او مقتدر و بسیار آمرزنده است».
 ۲. اصل: افزودن.

و وصیت من پدر و مادرم و خانواده‌ام:

«ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلها...»^۳، «همانا خداوند به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به کسانی که اهلیت آن را دارند بسپارید».

داشتن یک فرزند نیز چیزی جز یک امانت نیست. وقتی پدر و مادری دارای فرزند می‌شوند، خداوند امانتی به آنها اهدا می‌کند که باید آن را به بهترین وجه بزرگ کرده و به اجتماع تحویل دهند، ولی اجتماع به طور صد در صد امانتدار خوبی نیست. زیرا که در آن هم فساد هست و هم راه راست، پس امکان برخورد با فساد نیز وجود دارد. پس چه بهتر که این امانت را به صاحب اصلی او و به خاطر رضای او و دین او یعنی خدا بدهند. اهداء این امانت به صاحب اصلیش بسیار آسان است و اگر او این امانت را بپذیرد، باید شکر کرد و مسرور و سرافراز نیز بود. و شما پدر و مادر من نیز که دارای این امانات هستید، اگر پذیرای درگاه الهی گردید، شکر کنید و صبر پیش گیرید که اجر آن بسیار است.

شاید شنیده باشید تا که مرگ یک جوان برای خانواده او نعمت است، اگر قدر بدانند. و خدا به آنها رحم کند و نگهدارنده از سرکشیشان باشد، تا چه رسد به شهادت در راه دین و احیای قوانین الهی که نعمتی است بسیار بزرگ که اجر آن را فقط خدا می‌داند و بس.

وصیت‌های مهمتری را که می‌خواهم برای شما بنویسم این است که از ولایت فقیه اطاعت کنید که هیچ‌گاه راه ضلالت نخواهید پیمود. از ولایت فقیه اطاعت کنید که اگر اطاعت او نکنید طاعت خدا نکرده‌اید و از دستورات دین خدا سرپیچی کرده‌اید.

«...اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم...»^۴.

۳. بخشی از آیه ۵۸، سوره نساء: «ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً يعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً: همانا خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می‌دهد، که خدا شنوا و بیناست».

۴. بخشی از آیه ۵۹، سوره نساء: «يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شئ فردوه إلى الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تأویلاً: ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود».

باز تکرار می‌کنم که با مسئله ولایت فقیه به طور صد در صد جدی برخورد کنید، زیرا که کوچکترین قصور و کوتاهی در این امر، خود گناهی نابخشودنی است و این را بدانید اسلامی را که امام و مردم از آن پیروی می‌کنند واقعیت اسلام است و کسانی که تحت لوای اسلام از هر طرف سربلند می‌کنند و شعار می‌دهند، یا ناآگاهند و یا خودفروخته. و من از شما خانواده‌ام و تمام ملت ایران می‌خواهم که قاطعانه به این مسائل برخورد کنند.

مسئله دیگری که می‌خواهم ذکر کنم این است که برای قبول واقع شدن شهادت من دعا کنید و مرا و گذشته مرا ببخشید و بدی‌های مرا عفو نمایید.

شاید پرسید که چه شد که من چنین راهی را انتخاب کردم، زیرا من در اجتماع با فساد برخورد کردم ولی به یاری حق زود این راه را شناختم و راهم را از رهروان این راه جدا کردم و امیدوارم با جدا شدن از راهیان این طریق، به طور قطعی به راه راست هدایت شوم. به عقیده من، حال که خدا بر ما منت نهاده و اسباب و وسایل این راه را نیز در اختیار ما قرار داده است (همان‌طور که می‌دانیم جنگ به خاطر اسلام نعمت است)، من نیز بتوانم مانند سایر راهیان این راه به بهترین وجه قدم در آن گذارم و این راه را به پایان برسانم که پایان این راه در این دنیا شهادت است.

«الهی ان لم یکن غضبک علی فلا ابالی»، «خدایا اگر غضب تو بر من نباشد مرا هیچ باک نیست» (پیغمبر اکرم (ص) در سجده می‌گفتند).
«اللهم ارزقنا توفیق شهادت فی سبیلک»^۵.

در خاتمه همه شما بستگان و دوستان و آشنایان را به خدای بزرگ می‌سپارم و به امید پیروی از قوانین الهی اسلام و پیروی از امام بزرگوارمان، خمینی کبیر و به امید زیارت کربلای حسین (ع).

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

و به امید صبر و اجری جلیل از سوی پروردگار جهانیان برای شما خانواده‌ام و

۵. «خداوندا توفیق شهادت در راحت را نصیب ما بگردان».

مخصوصاً پدر و مادرم.

علی اکبر آزموده

(ولاشجردی فراهانی)

۶۳/۹/۲۵

تاریخ تجدید ۶۴/۱۱/۱۵

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

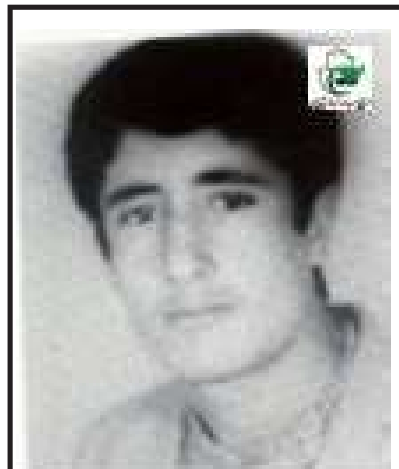
از سن ۱۵ سالگی تا تاریخ ۶۳/۹/۲۰، ۳ ماه نماز خوانده‌ام، بقیه قضا و روزه^۶ هم
تا ۶۳/۹/۲۰ همه قضا.

[...] ^۷.

۶. اصل: روز.

۷. در این قسمت از وصیت، جمله‌ای نگارش و خط خورده است.

حسن آستانه



نام: حسن

نام خانوادگی: آستانه

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱۱/۱۰

محل تولد: شهر آستانه از توابع شهرستان شازند

نام پدر: عزت الله

نام مادر: اختر آغا

تحصیلات: دانش آموز سوم متوسطه (رشته انسانی)

شغل: محصل

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۸

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سینه

محل دفن: شهر آستانه

گلچین وصیت نامه

- ◀ پیام من به ملت ایران این است که تا می توانند با یکدیگر اتحاد و همبستگی داشته باشند، چون از تنها چیزی که جهانخواران وحشت دارند همین اتحاد است.
- ◀ در برابر مشکلات و کمبودها مقاومت کنید.
- ◀ ای خواهر! حجاب تو کوبنده تر از خون شهیدان است.
- ◀ به جبهه ها بشتابید و جای خالی مرا پر کنید و اسلحه زمین افتاده ام را بگیرید.
- ◀ در صراط مستقیم حرکت کنید.
- ◀ از امام بزرگوارمان اطاعت کنید.
- ◀ هرگز لحظه ای از خدا غافل نشوید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«...انا لله و انا اليه راجعون»^۱.

حسن آستانه‌ای، فرزند عزیزالله، شماره شناسنامه ۷۴، متولد ۱۳۴۲، آستانه اراک، محل [...] پشت شعبه نفت.

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۲.

«گمان نکنید کسانی که در راه خدا شهید شدند، کسانی که در راه اجرای اوامر الهی پیشقدم شدند، آن کسانی که جان خود را در راه منویات خداوند از دست دادند، مردگانند؛ آنان زنده جاویدانند. هرگز نمرده‌اند، نزد پروردگارشان متعینند و برخوردار از نعمت‌های خداوندی هستند».

«ای آنان که ایمان آوردید، کمک جوید از صبر و نماز. همانا خداوند است با صبرکنندگان و نگوئید بدانان که کشته شدند در راه خدا مردگانند^۴ بلکه زندگانند ولیکن در نمی‌یابند^۵ و هر آینه بیازماییم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش از مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها و مژده ده به صبرکنندگان. آنان که هرگاه پیشامدی بدیشان

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۲. خوانا نیست.

۳. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «الْبَتَّةَ نَبْدَارِيدُ» که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند در نزد خدا متعین خواهند بود».

۴. اصل: مردگان.

۵. اصل: در نمی‌یابند.

رسد گویند ما از خداییم و ماییم به سوی او باز گردند گان»^۶ (سوره بقره، آیه‌های ۱۵۳ تا ۱۵۶).

با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و رهبر تمام مستضعفان جهان که خاری است بر چشم جهانخواران. و با سلام بر شهیدان گلگون کفن انقلاب و شهدای کربلای جنوب و غرب کشور اسلامی که به دست کافران صدامی و ابرجنایتکاران جهان به خون خویش می‌غلطند^۷ و با خون خویش نهال اسلام را آبیاری می‌کنند. و درود فراوان بر رزمندگان پرتوان اسلام که با تکیه بر نیروی پروردگارشان به پیش می‌تازند و خاطره‌های صدر اسلام را زنده می‌کنند و بر تمام جهان درس ایثار و فداکاری می‌آموزند.

پیام من به ملت ایران این است که تا می‌توانند با یکدیگر اتحاد و همبستگی داشته باشند، چون از تنها چیزی که جهانخواران وحشت دارند همین اتحاد است. و دیگر اینکه در برابر مشکلات و کمبودها مقاومت کنید، چون اینها امتحان‌هایی است که از شما به عمل می‌آید. همان‌طور که در کتاب آسمانی قرآن آیه‌های (۱۵۳ الی ۱۵۶، سوره بقره) آمده است و تنها توکل کنید به خداوند که اوست روزی‌دهنده. و پیامم به خواهران این است که:

ای خواهر! حجاب تو کوبنده‌تر از خون شهیدان است و خداوند سفارش می‌کند به پاکی و حجاب. و مبدا شما از این امر سرپیچی کنید که هرگز رستگار نخواهید شد و بدانید تا در بین شما حجاب وجود دارد راهی برای نفوذ دشمن باقی نخواهد ماند. و پیامی دیگر دارم به مادرم، که برای من هرگز شیون مکن چون من دیگر

۶. ترجمه آیات ۱۵۳-۱۵۶، سوره بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُمُوتَ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ. وَلَيَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ. الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. اَي اهل ايمان، از صبر و مقاومت كمك گيريد و به ذكر خدا و نماز توسل جوييد كه خدا با صابران است. و به آنان كه در راه خدا كشته شوند مرده نگوئيد، بلكه زنده ابدى هستند و ليكن همه شما اين حقيقت را در نخواهيد يافت. و البته شما را به پاره‌اي از سختي‌ها چون ترس و گرسنگي و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بيازماييم، و صابران را بشارت و مژده بده. آنان كه چون به حادثه سخت و ناگواري دچار شوند گويند: ما به فرمان خدا آمده‌ايم و به سوي او رجوع خواهيم كرد».

۷. اصل: ۱۵۲ (همه جا اصلاح شد).

۸. اصل: می‌قتلند.

احتیاجی به شیون و گریه و زاری ندارم و بزرگترین سعادت که همان شهادت است نصیبم شده است. در ضمن تو باید افتخار کنی که فرزندی به چنین راه مقدسی پانهاده و هرگز به راهی انحرافی نرفته است و جان خود را در راه حق احیاء کرده است و تو باید مادری الگو برای دیگر مادران باشی، همان‌طوری که مادران شهیدان هستند.

و وصیت من این است که وقتی شهید شدم چشمانم را باز بگذارید تا دشمنان فکر نکنند که من کورکورانه به این راه قدم نهاده‌ام و بدانند که من با چشمانی باز و آگاهی کامل به این راه آمده‌ام و جان خود را اهداء کرده‌ام تا اسلام زنده بماند. و دست‌هایم را باز بگذارید تا دشمنان بدانند که ما با دست خالی از این دنیا می‌رویم و تنها به خاطر رضای خداوند. و لباس‌هایم را کفنم قرار دهید که لباس رزم بهترین و زیباترین کفن من است.

و آخرین وصیتم این است که به جای آن که برایم شیون کنید، به جبهه‌ها بشتابید و جای خالی مرا پر کنید و اسلحه زمین افتاده‌ام را بگیرید و بر قلب صدام و صدامیان نشانه روید که این است راه شهیدان. و در پایان متذکر می‌شوم که امام را دعا کنید. «زنده را زنده نخوانند که مرگ از پی اوست»

بلکه زنده است شهیدی که حیاتش ز قفا است»^۹

«والسلام علیکم و رحمه الله و

برکاته»

وصیت به خانواده‌ام و برادر بزرگم:

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران! من نمی‌خواهم که شما و دیگران برای من شیون کنید، بلکه از شما می‌خواهم خانواده‌ای نمونه و الگو برای خانواده‌های دیگر باشید.^{۱۰} و در صراط مستقیم حرکت کنید. و از امام بزرگوارمان اطاعت کنید و هرگز لحظه‌ای از خدا غافل

۹. شعر از فؤاد کرمانی است.

۱۰. اصل: باشد.

نشوید.

و دیگر این که من شما را زیاد ناراحت کرده‌ام و کارهای خلافی هم انجام داده‌ام و تنها از شما و همسایه‌ها حلالتی می‌خواهم و امیدوارم از سر بدی‌هایی که به شما کرده‌ام بگذرید.

در ضمن من نماز قضا هم دارم که به شما برادر بزرگم وصیت می‌کنم، بده برایم بخوانند.

و به یکی از دوستانم یعنی پرویز حاج گلی ۵۰ تومان بدهکار هستم، آن را هم بدهید.

دیگر عرضی ندارم. به امید آن که پس از شهادت من درس عبرتی باشید برای دیگران.

«والسلام»

و باین متذکرین شدم که ایام را دعا کنید.

~~.....~~

زنده را زنده بخواند که هرگز ازین اوست یکم زنده است شهیدین که حمایتش ز قضا است

«و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

و صحت ب خانوادہ ام و برادر محترم

بسم الله الرحمن الرحیم

دران و حواله مراد ~~.....~~ من نیز موافق شد و در همان زمان من تسبیح کشیدم که از شما من خواهم بخوانم آن نموده و
 آنکه براین خانوادہ جان دیگر باشد بود. و مراد مستقیم هرگز نشد و از ایام دیگر را به این اطاعت کشید و هرگز
 نظایر از خدا خائف نشود. و فکر این که من شارا را باید ناراحت کرده ام و کارهای عظمی مرا انجام داده ام و شما از شما
 و احسان ما. حلالی من خواهم و امید دارم از سر بر بیاورم که در شاکر دلم بگویم
 که خداوند قضا هم دارم که شما را در شاکر و صحت من کمتر بود. میامید
 بکنی از دست من بفرم بر روی حاجت کنی. و من بدقتار حسرت آن را می بینم.

و قمر عزیز شما را به امید آنکه من از شهادت من درین میری باشد بران دیگران

و السلام

حسین آشتیانی

نام: حسین

نام خانوادگی: آشتیانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۳/۱۵

محل تولد: شهرستان اراک

نام پدر: نقی

نام مادر: سلطان

تحصیلات: پایان دوره متوسطه (رشته تجربی)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۱

محل شهادت: جزیره مجنون

محل دفن: شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- مواظب باشید از خط امام جدا نیفتید و دامن روحانیت را رها نکنید.
- بازاریان، مغازه دارها! وای بر شما اگر با کم فروشی، احتکار یا گرانفروشی و تقلب با امت حزب الله مواجه شوید.
- با یکدیگر با اخوت و برادری رفتار نمایید.
- برای شهدا و خانواده آنان و مجروحان احترام فراوان قائل شوید که آنان چشم و چراغ شمايند.
- خواهران حزب الهی! در مقابل بی حجاب ها و مفسدها سکوت نکنید و انقلابی با آنان برخورد کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلو تبدیلا»^۱.

ان شاء الله: «[قل] ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»^۲.

«همانا نمازم و عبادتم و زندگی و مرگم برای خدای جهانیان است».

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له»^۳. هوالهی القیوم و هو علی کل شی

قدیر.

شهادت می‌دهم که عالم وجود و آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنهاست مخلوق خالق یکتا و بی‌همتا، خداوند عزوجل رب‌العالمین است و هیچ برگی از درختی نمی‌افتد مگر با اراده او و او بر همه هستی تسلط دارد و آگاه و ناظر بر نهان و آشکار تمامی مخلوقات می‌باشد.

«اشهد ان محمد رسول الله»، «شهادت می‌دهم که محمد(ص) عبد رسول خدا و

خاتم الانبیا می‌باشد».

«اشهد ان علیا ولی الله».

شهادت می‌دهم امیرالمؤمنین علی(ع) و یازده فرزند از خاندان او معصوم و امام

امت مسلمانان می‌باشند. شهادت بر معصومیت و مظلومیت حضرت فاطمه(س) دخت

بزرگوار پیامبر اسلام می‌دهم. امامانم حضرت علی(ع)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع)،

۱. آیه ۲۳، سوره احزاب: «برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزارده و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

۲. آیه ۱۶۲، سوره انعام: «بگو: همانا نماز و طاعت و تمام اعمال من و حیات و ممات من همه برای خداست که پروردگار جهانیان است».

۳. ذکر تشهد در نماز: «شهادت می‌دهم که خدایی سزاوار پرستش نیست مگر خدایی که یگانه است و شریک ندارد».

امام زین العابدین (ع)، امام محمد باقر (ع)، امام جعفر صادق (ع)، امام موسی کاظم (ع)، امام علی بن موسی الرضا (ع)، امام محمد تقی (ع)، امام علی نقی (ع)، امام حسن عسگری (ع)، امام مهدی حجت بن الحسن عسگری (عج). و شهادت می‌دهم امام مهدی (عج) بنا بر مصحلت الهی در غیبت به سر می‌برد تا با اوامر الهی ظهور نماید و حکومت عدل اسلامی را در جهان مستمر سازد و انتقام خون اباعبدالله الحسین (ع) و تمام مظلومینی که به دست ظالمین شهید شدند را بگیرد.

شهادت به حق بودن قیامت و بهشت و جهنم می‌دهم و شهادت به عادل بودن خداوند متعال. شهادت می‌دهم که انقلاب اسلامی ما یک انقلاب الهی و امام خمینی نائب امام زمان (عج) و موجودی الهی می‌باشد و این انقلاب ان شاء الله متصل به قیام نهایی حضرت مهدی (عج) می‌شود.

اینجانب حسین آشتیانی، فرزند تقی، متولد ۱۳۴۱، مسلمان و شیعه و ان شاء الله پاسدار انقلاب اسلامی با آگاهی کامل و اعتقاد قلبی به آنچه ذکر نموده‌ام راهم را [...]»^۴ آزادانه و آگاهانه انتخاب کردم.

خیلی دلم می‌خواهد زیاد بنویسم ولی مجال نیست و ممکن است شب، عملیات داشته باشیم. امت حزب الله و شهید پرور، برادران و خواهران، پدر و مادر من به جبهه رفتم به خاطر رضای خدا [و] برای یاری اسلام و اطاعت حرف امام عزیز. رفتم تا قلب سیاه خود را با انوار مقدس جبهه صیقل دهم و رفتم تا به امام حسین (ع) بگویم حسین جان! ای کاش ما در کربلا بودیم و نمی‌گذاشتیم حلق کودک ۶ ماهه‌ات با تیر سه شعبه دریده شود.

ما مسلمانان و شیعیان عزت داریم، شرف داریم، دین و احکام مقدس داریم و می‌توانیم خودمان را اداره کنیم و هیچ لزومی به آمریکا و شوروی نیست. ما قیام کردیم تا بار دیگر بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال از رسالت پیامبر (ص) دین و آیین او را زنده کنیم. من به جبهه رفتم تا دین خود را به یاران شهیدم ادا کنم و از خداوند خواهانم

۴. «انتخاب و» حذف شده است.

که این بنده نالایق را قبول کند. البته به خود که نگاه می‌کنم لیاقت شهادت مشاهده نمی‌کنم ولی آن قدر خداوند ارحم الراحمین است که ممکن است مرا هم از این فیض سیراب کند.

پدر و مادرم! توصیه‌ام به شما این است، شهدا را مرده مپندارید.^۵ به یاد صدها هزار خانواده شهید داده برای اسلام بیفتید و به یاد سرور شهیدان امام حسین (ع) و مادر داغ‌دیده‌های عالم، زینب کبری (س) باشید و صبر کنید و خوشحال باشید که در راه خدا هدیه‌ای بس ناچیز تقدیم کردیم و مدال پرافتخار خانواده شهیدبودن را در روز قیامت همراه دارید. پدر و مادرم! مرا ببخشید و حلال کنید که نتوانستم جبران زحمات طاقت فرسای شما را بدهم.

همسرم! از شما تشکر می‌کنم که دوری‌های مرا تحمل می‌کردی. ان شاء الله اجرت را از خداوند متعال بگیری و تو را به خدا می‌سپارم. امیدوارم مرا ببخشی و صبر داشته باشی. برادرم! ان شاء الله همیشه به فکر راهی که من رفتم باشی و با همت و اخلاص و فداکاری در راه اسلام، راه شهیدان را ادامه دهی و سربازی جانشین من نالایق برای امام زمان (عج) باشی.

خواهرانم! توصیه‌ام به شما صبر و حجاب و عفت و مربی خوب [بودن] برای فرزندان است. فرزندان خود [را] سرباز امام زمان تربیت کنید که اسلام احتیاج به پاسدار دارد. از کلیه اقوام و خویشان و دوستان و آشنایان طلب حلالیت و بخشش می‌کنم و امیدوارم همگی بتوانند دین خود را به اسلام و انقلاب و امام و شهیدان ادا کنند.

یا زیارت یا شهادت

برادران پاسدار و بسیج و امت حزب الله! راه امام، خط امام، همان راه ائمه و انبیاء و خداست. ولایت فقیه نه یک کلمه کم و نه زیاد، و همان صراط مستقیم [است]. مواظب باشید از خط امام جدا نیفتید و دامن روحانیت را رها نکنید. برادران! هر گروهی را امام

۵. اشاره به آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

تأیید کرد شما [هم] تأیید کنید، ولی خودتان را داخل هیچ حزب و گروه [...] نکند. خدایا! مرا ببخش از اینکه حرف زدم و عمل نکردم. خدایا! مرا ببخش از هر گناهی که در نهان و آشکار انجام دادم. خدایا! اگر لیافت شهادت نصیب من نالایق سر تا پا گناه نمودی، از خجالت رحمت نمی‌دانم چه کنم. خدایا! مرا خلق کردی و نعمت‌های بی‌شماری نصیبم کردی و عیب‌های مرا پوشانیدی. خوبی‌های مرا ظاهر کردی، هر چه که خواستم اعطا نمودی و حال نوبت من است تا جبران کنم. هر چند که اجازه این جان هم مال من نیست، ولی امانت بود و به شما برمی‌گردانم. ولی به عظمت و جلالت و به حق محمد [و] آل محمد مرا ببخش که در این امانت خیانت کردم و قلبم را به غیر تو مشغول نمودم و اعمال و افکار زشت انجام دادم. خدایا! پدر و مادر و مؤمنین و مؤمنات را به حق محمد [و] آل محمد (ص) ببخش. خدایا! امام ما را تا انقلاب حضرت مهدی (عج) و در کنار آن حضرت نگهدار. خدایا! انقلاب ما را به انقلاب حضرت مهدی (عج) متصل بگردان. خدایا! توفیق توبه و بخشش گناهان و اطاعت، بزرگی، شهادت در راهت نصیب همه عاشقان بگردان. خدایا! روحانیت معظم به خصوص فقیه بزرگوار آیت الله منتظری، امید [...].^۶

والسلام

شب [...] ۶۲/۱۱/۸

دیدارها در بهشت تازه گردد، ان شاء الله.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی قلبی محجوب و نفسی معیوب و عقلی مغلوب و هوایی غالب و طاعتی قلیل

۶. خوانا نیست.

۷. خوانا نیست.

۸. خوانا نیست.

و معصیتی کثیر و لسانی مقرر بالذنوب فکیف حیلتی یا ستارالعیوب و یا علام الغیوب و یا کاشف الکروب اغفر زنوبی کلها بحرمة محمد و آل محمد یا غفار یا غفار برحمتک یا ارحم الراحمین»^۹.

«ربنا اننا سمعنا منادی ینادی للایمان ان آمنو بریکم فامنا»^{۱۰}.

«پروردگارا! شنیدم ندای منادی را که ایمان آورید، پس به تو ایمان آوردیم».

خدایا! این حرکت ناچیز را از ما بپذیر و مشعل راهمان در آخرت بگردان.

خدایا! این بنده حقیر و گناهکار پس از ۲۰ سال عمر پر از گناه، حال با قلبی محجوب و چهره‌ای شرمسار تصمیم به این حرکت به این مسیر نموده و با پاهایی لرزان ولی امیدوار به رحمت به سوی جبهه‌های جهاد آمده و تنها تقاضایش این است که بپذیر و ما را یاری کن.

خدایا! شنیدم که هر کس به در خانه‌ات آمد ناامید برنمی‌گردد. پس ای ستارالعیوب می‌پسند که من ناامید برگردم.

خدایا! من گنهکار و روسیاه، لیاقت ملاقات اولیاء و ائمه اطهار را ندارم. خدایا! توفیق زیارت برادران شهیدم را نصیب کن.

خدایا! می‌دانم که باید جزای^{۱۱} گناهان خود را سخت بکشم، ولی ای خدا قَسَمَت می‌دهم به خون گلگون امام حسین (ع) و خون پاک فرق شکافته علی (ع) و خون پاک شهدا، جزای تمام گناهان مرا در دنیا بده چون من طاقت جزای آخرت را ندارم.

«یا رب ارحم ضعف بدنی»^{۱۲}.

خدایا! به خانواده‌ام صبر و اجر و استقامت عنایت بفرما.

۹. فرازهایی از دعای صباح: «خدای من، دلم در پرده‌های ظلمت پوشیده شده و جانم دچار کاستی گشته و عقلم مغلوب هوای نفسم شده و هوای نفسم بر من چیره آمده، طاعتم اندک، و نافرمانیم بسیار، و زبانم اقرارکننده به گناهان است، چاره من چیست ای پرده پوش عیبها، ای دانای نهانها، ای برطرف کننده غمها، همه گناهان مرا ببامرز، به احترام محمد و خاندان محمد، ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده به مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان».

۱۰. آیه ۱۹۳، سوره آل عمران: «پروردگارا، ما صدای منادیی که خلق را به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگارتان ایمان آورید، شنیدیم و ایمان آوردیم».

۱۱. اصل: جزا.

۱۲. فرازی از دعای کمیل: «پروردگارا! بر ناتوانی جسمم رحم کن».

خدایا! به امام عزیزمان روح خدا و ولی فقیه و سلاله^{۱۳} پاک رسولان و ائمه معصوم(ع) طول عمر و سلامت کامل تا انقلاب حضرت مهدی(عج) عنایت بفرما.

سپاس خدا را که به ما نعمت آدم بودن عنایت کرد. درود و سلام بر پیامبر بزرگ اسلام و ائمه هدا که راه و مسیر حق را برایمان نمایان و مشخص نمودند. درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب، ادامه دهنده راه انبیا و ائمه اطهار(ع). درود و سلام بیکران به روان پاک شهدای اسلام از صدر اسلام از زیر شکنجه‌های کفار قریش و جنگ‌های بدر، صفین، احد و خندق و کربلای خونین امام حسین(ع) تا کربلاهای خونرگ ایران، ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور، ۲۲ بهمن، ۷ تیر، شهدای کردستان، گنبد و شهدای شهید شده به دست منافقین کثیف و شهدای جنگ حق و باطل در کربلاهای جنوب و غرب.

خدایا! کوله‌بارم را بسته‌ام و عزم سفر دارم و غمگینم و شادم. غمگینم از اینکه بار کوله‌ام آن قدر پر از گناه است که کشش [...]»^{۱۴} را ندارم و شادم از اینکه نام این سفرم جهاد است و اعتقاد قلبی دارم که ارحم الراحمین هستی. خدایا! غمگینم از اینکه [...]»^{۱۵} حق است و درون کوله‌بار سفرم ناحق. و امیدم به این است که طلب کردم و دیگر خود می‌دانی و در حدیث گفته‌ای: «هر کسی مرا طلب کند چه کارها می‌کنم»^{۱۶}.

برادران و خواهران! مرگ حق است و دیر یا زود گریبان همه را می‌گیرد. قرآن می‌فرماید: «در هر کجا که باشید، هر وقت موقع [مرگ] فرا رسیده باشد، به سراغ شما می‌آید، اگر چه در برج‌های محکم باشید»^{۱۷}. و حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مرگ

۱۳. اصل: ثلّاه.

۱۴. خوانا نیست.

۱۵. خوانا نیست.

۱۶. اشاره به این حدیث قدسی است: «من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی و من احبّنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته: آن کس که مرا طلب کند می‌یابد و آن کس که مرا یافت می‌شناسد و آن کس که مرا شناخت دوستم می‌دارد و آن کس که دوستم داشت به من عشق می‌ورزد و آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می‌ورزم. و آن کس که به او عشق ورزیدم، می‌کشم او را. آن کس را که من بکشم، خون بهایش بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب است، پس من خودم خون بهایش هستم».

۱۷. ترجمه بخشی از آیه ۷۸، سوره نساء: «إِنَّمَا تَكُونُوا يَدْرِكُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِيبْهُمْ خَسْفَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيْئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا: هر کجا باشید اگر چه در کاخهای بسیار محکم، شما را مرگ فرا رسد. و آنان را اگر خوشی و نعمتی فرا رسد گویند: این از جانب خداست، و اگر زحمتی پیش آید گویند: این از جانب توست! بگو: همه از جانب خدا است. چرا این قوم (جاهل) از فهم هر سخن دورند؟!».

جوینده‌ای است یابنده که [...] ^{۱۸} نه گریزنده می‌شناسد و نه یابنده. وه که چقدر خوار است مرگ در راه باطل و یا در بستر. ^{۱۹}

[...] ^{۲۰} که چقدر این دنیای مادی فریبنده و شوم است. ننگ و نفرین بر کسانی که به این دنیای پوشالی دل بسته‌اند. [...] ^{۲۱} در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ قرار گرفته‌ایم و آیندگان چشم به این انقلاب بسته‌اند. ما به قول [...] ^{۲۲} عزیزمان جریان تاریخ را عوض کردیم و غرامت این عوض کردن را داده و می‌دهیم. تاریخ قبل تاریخی بود بعد از ائمه اطهار و در زمان آنها که به دست ظالمان، [...] ^{۲۳}، مستکبران می‌چرخید و این انقلاب بر آن است که در مقابل این ستمگری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و فسادها بایستد و زمینه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) را فراهم آورد.

ای امت مسلمان [...] ^{۲۴} الهی هستید و قدر این موهبت را بدانید. آن وقتی که استبداد و استعمار در این کشور بیداد می‌کرد و ما تا گلو [...] ^{۲۵} فرو رفته بودیم، امام بیدار دل ما در نیمه‌های شب به دیدار معبود خود می‌رفت و فریاد «ادرکنی، ادرکنی» سر می‌داد. ۷۰ سال در عمق اسلام رفت و بعد از تحمل همه بی‌عدالتی‌ها موقعیت حساس را درک کرد و خروشنده و توفنده علیه ظلم بپاخاست و به هدایت امت گمراه‌شده پرداخت. امام ما درک کردند این راه و رسم دشوار است، ولی نهایت راه که برای خداست و تکلیفی که خداوند برایش مقرر ساخته بود می‌دید. امام از حضرت علی (ع) آموخته است که:

«کونوا للظالم خصما و للمظلوم عوناً»، «دشمن ظالم و یار مظلوم باشید» ^{۲۶}.

۱۸. خوانا نیست.

۱۹. اشاره به حدیثی منسوب به امام علی (ع): «ان اکرم الموت القتل و الذی نفس ابن ابی طالب بیده، لالف ضربه بالسيف اهون علی من مینه علی الفراش فی غیر طاعة الله: همانا گرامی‌ترین مرگها کشته شدن در راه خداست. بدان کس که جان پسر ابوطالب در دست اوست، هزار مرتبه ضربه شمشیر خوردن بر من آسانتر است، تا در بستر در غیر راه خدا بمیرم».

۲۰. خوانا نیست.

۲۱. خوانا نیست.

۲۲. خوانا نیست.

۲۳. خوانا نیست.

۲۴. خوانا نیست.

۲۵. خوانا نیست.

۲۶. بخشی از نامه ۴۷، نهج البلاغه، امام علی (ع).

ولی مگر می شود کسی فریاد عدالت خواهی سر دهد و امتحان نشود. مگر می شود ابراهیمی بر علیه بت ها قیام کند و اسماعیلش را به قربانگاه نبرد. و اول بار امام خود، مصطفی، امید آینده اسلام را به مذبح گاه عشق و ایثار فرستاد و فریاد زد، خدایا! این هدیه ناقابل را قبول کن.

نمی خواهم و نمی توانم سیر انقلاب را بگویم، چرا که نویسندگان خالص می خواهد و چاپخانه ها و ورق ها. نمی توانم و فکر نکنم کسی بتواند ایثار و تعهد این امام و امت را بر روی صفحه کاغذ آورد. هیچ کس جز خدا نمی تواند حماسه یک شهید را توصیف کند، چه رسد به حماسه امام و امت و انقلاب اسلامی. نویسندگان زبردست از بعد از دوران رسالت ائمه تا آخرت باید بنشینند و فکر کنند تا ذره ای از حماسه یک نوجوان ۱۲ ساله پیرو قاسم بن حسن (ع) و یا پیر ۷۰ ساله پیرو حبیب مظاهر را شرح دهند.

برادران و خواهران! کمی اگر ببیندیشیم می بینیم امام عزیز و امت شهید پرور چه خون دل ها خوردند و چه مظلومیت ها کشیدند تا توانستند حاکمیت حکومت اسلامی را از آن حزب الله کنند. دشمنان انقلاب اسلامی و در رأس آنها صهیونیزم بین الملل در کالبد امریکای جنایتکار تمام امکانات نظامی، سیاسی، اقتصادی [...] را بر علیه این انقلاب بسیج کرده ولی تاکنون امت و امام متکی بر الله، چنان زار و ناتوانش کرده اند که فرعون در زمان موسی (ع) اینطور ناتوان نشد.

ای امت اسلام! خداوند این انقلاب را ایجاد و خود هدایت می کند و ما وسیله ای بیش نیستیم. هیچ قدرتی تاب مقاومت در مقابل انقلاب اسلامی که پشتیبانش خدا است را ندارد. برادران و خواهران حزب الله! من حقیر شما را توصیه به استقامت، تقوی، تعهد و اطاعت امر رهبری می کنم. مسئولیتی خطیر بر عهده داریم، تکرار می کنم مسئولیتی خطیر بر عهده دارم. خداوند متعال ناظر بر اعمال ما است. کودکان آواره فلسطینی، پیرزنان نالان افغانی، مسلمین در بند سلاطین و حکام مزدور، یک میلیارد ملت مسلم

و میلیاردها انسان، مظلوم و فقیر که ملعبه دست یک سری انسان نمای گرگ صفت شده‌اند، به این انقلاب و این امت و امام چشم دوخته‌اند.

امام بزرگوارمان فرمودند تا پرچم «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» در سراسر جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هم هستیم. برادران و خواهران! زمان زمان تلاش است. رفاه، سستی، خموشی باید از بین برود. همواره یاد خدا باشید، زیرا این انقلاب خدایی و الهی است.

رؤسا!^{۲۸} ای رئیس جمهور عزیز، ای نخست وزیر عزیز، ای مجلس فراهم آمده، ای الله اکبرهای مردم، ای تمام مسئولین محترم و عزیز امت اسلامی، به هوش باشید که مسئولیت شما خیلی زیاد و سنگین است. در عین حالی که باید برای این امت شهید داده [...] ^{۲۹} خدا دلسوزانه کار کنید. باید مواظب خطوط انحرافی که دست پروده امریکای جنایتکار و شیطان نابکار می‌باشد، باشید. [...] ^{۳۰} و عمالش و دشمنان انقلاب اسلامی خیلی موزیانه کار می‌کنند، دست پرورده‌هایشان در همه نوع لباسی هستند و به هوش باشیم. [ای] امت شهید داده، گرد روحانیت متعهد پیرو خط امام را همچو پروانه گرد شمع بگیرید که اگر روحانیت از ملت جدا بشود، دشمن [...] ^{۳۱} را می‌زند و اصل جدایی شما با روحانیت، عمده هدف دشمن است.

برادران و خواهران! روحانیت متعهد به اسلام و پیرو راه عزیزترین و والاترین و حماسه‌آورترین انسان‌ها هستند. و باز تکرار می‌کنم اگر از روحانیت جدا بیفتیم، از اسلام جدا افتاده‌ایم. [از] اسلام که جدا بیفتیم نابود می‌شویم.

امت حزب الله! شما از مسجد پیا خاستید^{۳۲}، مریان اسلام و انقلاب اسلامی [از] مسجد چیده شده و برنامه‌ریزی جهادهای صدراسلام از مسجد ریخته می‌شد و خون مولا علی(ع) در محراب مسجد ریخته شد. خون پاک جوانان کرمان در مسجد

۲۸. اصل: رؤساها.

۲۹. خوانا نیست.

۳۰. خوانا نیست.

۳۱. خوانا نیست.

۳۲. اصل: پیا خواستید.

گوهرشاد و خون هزاران شهید دیگر در مسجد ریخته شد. تمامی عارفان مجاهد و سالکان حق و ساجدان و عابدان شیردل در مسجد تربیت شدند و بالاخره مسجد سنگر است، سنگری برای تمام مبارزات، مبارزه با نفس، شیطان، مبارزات سیاسی، اجتماعی، نظامی. پس از هر کوچه و محله در وقت نماز با ندای ایها المؤمنون عجلوا^{۳۳} بالصلوه، به مساجد بروید. روزهای جمعه از هر کوچه و خیابان با سینه‌زنی و عزاداری به سوی میعادگاه‌های مرید و مراد [...] ^{۳۴} جمعه بروید که بهترین معامله است.

بازاریان، مغازه‌دارها و ای کسانی که احتیاجات اقتصادی مردم در دستتان است، وای بر شما اگر با کم‌فروشی، احتکار یا گرانفروشی و تقلب با امت حزب الله مواجه شوید. ای سرمایه‌داران [...] ^{۳۵}. وای بر شما که لعنت خدا بر شما اگر زر روی زر بگذارید و در راه خدا اتفاق نکنید و مظلومین و مستمندان را در نیابید.

[...] ^{۳۶} دانشجو، دانش‌آموز، سلام و درود من بر شما و بوسه من بر انگشتان دستان شما که قلم در آنها می‌چرخد. عزیزان! ای فکرها و مغزها و امیدان آینده اسلام، بکوشید در کارتان و هوشیار و ثابت باشید. در راهتان [...] ^{۳۷} انحرافی بعضی از منحرفان را شناسایی و رسوا کنید. اجازه ندهید گروه‌های مخالف اسلام چه در ظاهر و چه در باطن در بین شماها رسوخ کنند. افراد هرزه را اصلاح و در غیر این صورت طرد کنید و در کارتان کوشا باشید.

برادران ارتشی! سلام من بر شما باد. برادران زمان، زمان شستشوی افکار ناپسند و مانده از طاغوت است. خیلی از شما برادران عزیز، ایثار و خلوص نیت خود را نشان داده‌اید و باید خیلی خیلی هوشیار باشید. مبدا اسیر گرگ‌های در لباس میش شوید و با قدرت حفظ کنید مرزهای جمهوری اسلامی را.

پاسدار عزیز، ای آرزوی امام برای رسیدن به مقاومت و ای برادر و ای چشم

۳۳. اصل: عجل.

۳۴. خوانا نیست.

۳۵. خوانا نیست.

۳۶. خوانا نیست.

۳۷. خوانا نیست.

امام و یاور مستضعفان و جنودالله. سلام و درود من بر شما و بر شهدا و مجروحان شما. بوسه من بر لب‌هایتان هنگام تلاوت دعا در سحرگهان و برگرد و خاک پاهایتان هنگام نبرد با کفار و منافقین. برادران! بکوشید و سپاه را فقط زیر نظر و تحت رهبری ولایت فقیه و روحانیت در خط ولایت فقیه قرار دهید. خدایارتان و تنها پیام بر شما کلام امام و فرماندهان است (از پاسداری خوب پاسداری کنید)^{۳۸}. اول باید مقام پاسداری را بفهمید و بعد که عظمت آن را یافتید، خوب از آن پاسداری کنید. عمیقاً در این جمله امام دقت کنید.

بسیجیان جان بر کف! سلام و درود من بر شما و بر شهدا و مجروحین شما باد و بوسه من بر تمام قامتتان که [...] ^{۳۹}مقابل دشمن اسلام همچو شیر خروشنده و در شب در پیشگاه خدا خاک هستید. شما بازوی امام و سپاه هستید. چشم امام را قوی کنید تا هشیارتر کار کند.

برادران و خواهران! آخرین توصیه‌هایم را شاید در نزدیکی‌های آخر عمرم به شما می‌کنم. امام را تنها نگذارید و راه امام را دقیق بشناسید و فریب مکارانی که ظاهراً خود را با خط امام وفق می‌دهند نخورید. خط امام و راه امام، راه ائمه اطهار، انبیاء و نهایت خدا است. با یکدیگر با اخوت و برادری رفتار نمایید و خیلی مواظب باشید. دشمن هر روز وسیله‌ای جدید برگرفته و به مقابله با انقلاب اسلامی می‌آید. در مقابل دشمنان در هر کجا که باشند کوتاهی نکنید و آنان را همچو غده سرطانی به دور بیندازید تا جامعه اسلامی پاک شود. برای شهدا و خانواده آنان و مجروحان احترام فراوان قائل شوید که آنان چشم و چراغ شمايند^{۴۰}. خواهران حزب الهی! در مقابل بی‌حجاب‌ها و مفسدها سکوت نکنید و انقلابی با آنان برخورد کنید.

۳۸. صحیفه امام، جلد ۷، صفحه ۱۸۸.

۳۹. خوانا نیست.

۴۰. سخن شهید برگرفته از این سخن امام خمینی (ره) است: «شما خانواده‌های شهدا و معلولین و مجروحین نشان دادید که هرگز اجازه نمی‌دهید استعمار بر مقدرات این کشور سایه افکند. شما خانواده‌های شهدا با شهادت افتخارآفرینان این مرز و بوم به جهان فهمانید که از همه عزیزان در راه اسلام خواهید گذشت. شما چشم و چراغ این ملتید، خداوند یارتان باد. شما با ایثار فرزندان و جوانان و عزیزان خویش به همه نشان دادید که توطئه‌های داخل و خارج نخواهد توانست بر این ملت مصمم پیروز شود» (صحیفه نور، جلد ۱۴، صفحه ۸۰).

ای گودنشین‌ها، ای مستمندان که بر اثر بی‌عدالتی رژیم جور پهلوی و سیاست‌های استعماری به این حالت درآمده‌اید، ای مستضعفان سلام و درود من بر شما که انقلاب از آن شما است و شماها خون دادید و اجر و پاداش شما را فقط خدا می‌تواند بدهد. من جز احساس حقارت می‌کنم در مقابل خلوص شما که اندک چیزی را هم که دارید در راه خدا انفاق می‌کنید. دستان خسته و پینه بسته شماها را می‌بوسم.

کلامی دارم برای دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی، آخر شما چگونه و با چه نیرویی می‌خواهید در مقابل خدا بایستید. این انقلاب خدایی [...] ^{۴۱} دست بردارید از این عمال شیطانی و [...] ^{۴۲}. من به کسانی که بعد از گذشت ۴ سال از انقلاب، هنوز اعتقاد به این انقلاب ندارند و یا اگر دارند در آن نیستند، توصیه می‌کنم که اگر بی‌تفاوت باشید، خون شهدا شما را عذاب خواهند کرد.

برادران و خواهران! بعد از پیروزی جنگ و سقوط رژیم بعث و آزادی ملت عراق باید چرخش انقلاب شدیدتر گردد، چرا که یکی از موانع ^{۴۳} جلو انقلاب برداشته شده است. ایران اسلامی احتیاج به سازندگی زیاد دارد و ساخته نمی‌شود مگر به دست شما امت زحمت کش حزب الله.

چند کلامی با خانواده:

پدر و مادرم! هر چند برایتان سخت است، ولیکن به یک لحظه سختی حضرت زینب(س) نمی‌رسد. می‌دانم جوان خود را در راه خدا داده‌اید، ولی بدانید ام‌لیلا علی‌اکبر رشیدش را هدیه به خدا کرد. پس شکر خدا را به جای آورید که چنین نعمتی به خانواده شما ارزانی داشت. صبور باشید و به جان امام دعا کنید که تمام عمر ما فدای یک لحظه سلامتی و عمر امام باد.

پدر، مادر، خواهران و برادر! هر وقت دلتان به تنگ آمد اول رو به سوی خدا آورید و بعد به مزار شهدا بروید که انسان در پیش آنها از تنهایی بیرون می‌آید. هر

۴۱. خوانا نیست.

۴۲. خوانا نیست.

۴۳. موانع‌های.

وقت زیاد یاد من افتادید و غمگین شدید، رو به سوی قرآن بیاورید که بهترین مددکار است. در هفته یک شب البته نه شب جمعه، زیرا شب جمعه را تا آنجا که می‌توانید حتما دعای کمیل باید قرائت قرآن بگذارید. پدر و مادر سرافرازم، آه و ناله شما را حتما خدا قبول می‌کند. بعد از شهادتم حتما یک بار به زیارت مشهد مقدس و کنار قبر امام رضا(ع) بروید و با آه و ناله از خدا بخواهید که گناهان مرا ببخشد و مرا جزء شهدای خالص قرار دهد.

خواهرانم! همیشه توصیه‌ام به شما حجاب، عفت، وقار و تقوی بوده و حال هم همین است و بیانی دلسوز برای فرزندانمان باشید و رهروی راهم بر فرزندان شما و برادرم و تمامی آیندگان متعهد باد، صبر و تحمل و شکر خدا را پیشه کنید. هرآنچه خدا بخواهد بدون ذره‌ای کم و زیاد همان می‌شود.

برادرم! توصیه‌ام به تو راستی و درست‌کرداری و مربی صالح برای فرزندان و اطاعت و بندگی و یاری انقلاب اسلامی باشد. زیرا اگر غیر از این باشی هرگز تو را نخواهم بخشید. به اقوام و خویشان توصیه‌ام بر شما اطاعت خدا و یاری روح‌الله و انقلاب اسلامی در حد توانتان است.

امام، پدر و مادر، خواهران و برادر، اقوام و خویشان و دوستان و آشنایان، مرا حلال کنید و اگر خطایی از من در برابرتان سر زده، به بزرگواری خودتان ببخشید و برای بخشش گناهانم در نمازهایتان دعا کنید.

کلیه اموال را پس از کسر خمس در راه خدا مصرف کنید. کتاب‌هایم را به کتابخانه بسیج هدیه می‌کنم. مقداری نماز و روزه بدهکار هستم و از برادران پاسدار تقاضا می‌کنم اختیاراً هر کدام یک روز روزه و نماز برایم ادا کنند. حقوقم را تا یک سال به صندوق بیت‌المال بریزید و پس از یک سال اگر خانواده‌ام احتیاج داشت به آنها و گرنه به مصلحت آنها رفتار کنید.

والسلام

زمان زمان نشستن نیست، برخیز ای برادر و ای خواهر، مستضعفین چشم بر ما

دوخته‌اند. خدا ناظر اعمال ماست. بگیر قرآن را و بردار سلاح را و از قرآن تلاوت کن.

«اقرأ باسم ربك الذي خلق»^{۴۴}.

«ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للإيمان ان آمنوا بربكم فآمنوا»^{۴۵}.

اقرأ: «قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس»^{۴۶}.

اقرأ: «...انا لله و انا اليه راجعون»^{۴۷}.

اقرأ: «...الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا...»^{۴۸}.

اقرأ: «...استعينوا بالصبر و الصلوه...»^{۴۹}.

اقرأ: «يا ايها النبي جاهد الكفار و المنافقين...»^{۵۰}.

اقرأ: «ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون [...]»^{۵۱}^{۵۲}.

اقرأ: «رب ارحم ضعف بدني»^{۵۳}.

«[اجرنا] من النار يا مجير»^{۵۴}.

اقرأ: خدایا، خدایا، تو را به جان مهدی، تو را به حق مهدی، خمینی را نگه دار.

یا فتح یا شهادت.

۴۴. آیه ۱، سورة علق: «ای رسول گرامی برخیز و قرآن را) به نام پروردگارت که خدای آفریننده عالم است قرائت کن».

۴۵. آیه ۱۹۳، سورة آل عمران: «پروردگارا، ما صدای منادیی که خلق را به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگارتان ایمان آورید، شنیدیم و ایمان آوردیم».

۴۶. آیه ۱-۳، سورة ناس: «بگو: من پناه می‌جویم به پروردگار آدمیان. پادشاه آدمیان. یکتا معبود آدمیان».

۴۷. بخشی از آیه ۱۵۶، سورة بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۴۸. بخشی از آیات ۳۰، سورة فصلت: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ: آنان که گفتند: محققاً پروردگار ما خدای یکتاست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی و حزن و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد»؛ و آیه ۱۳، سورة احقاف: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی نخواهد بود».

۴۹. بخشی از آیه ۱۵۳، سورة بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ: ای اهل ایمان! از صبر و مقاومت کمک بگیرید و به ذکر خدا و نماز توسل جوید که خدا با صابران است».

۵۰. بخشی از آیات ۷۳، سورة توبه و آیه ۹، سورة تحریم: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَنِيسَ الْمَصِيرِ: ای پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن و بر آنها بسیار سخت گیر، و مسکن و مأوی آنها دوزخ است که بسیار بد بازگشتگاه و منزلگاهی است».

۵۱. «ولاکن لايشعرون» حذف شده است.

۵۲. آیه ۱۶۹، سورة آل عمران: «البتة نهنديك که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۵۳. فرازی از دعای کمیل: «پروردگارا! بر ناتوانی جسمم رحم کن».

۵۴. فرازی از دعای مجیر: «ما را از آتش پناه ده، ای پناه دهنده».

حسین آشتیانی

امضاء^{۵۵}

آبادان - ۶۱/۲/۸

مقداری نماز و روزه بدهکارم. از برادران پاسداری که مرا می‌شناسند، اگر مایل هستند اختیار یک روز روزه و یک روز نماز برایم انجام دهند.

۶۱/۲/۸



[illegible]

[illegible]



رضا آشتیانی عراقی



نام: رضا

نام خانوادگی: آشتیانی عراقی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۹/۳

محل تولد: شهرستان آشتیان

نام پدر: غلامرضا

نام مادر: طاووس

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی، حوزه علمیه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱۸

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: شهرستان آشتیان

گلچین وصیت نامه

- ما هم همان وظیفه‌ای را که اولین پاسدار اسلام یعنی حضرت حسین بن علی (ع) برایمان تعیین کرده است، در راه پاسداری از دین مبین اسلام با جان و دل پذیرا هستیم.
- امام (ع) در برابر ظالمان زمان ایستاد، ما هم باید بایستیم.
- دست ذلت به یزیدیان نداد و ما هم نباید بدهیم.
- از خون خود و جوانان و اصحاب و خویشانش گذشت، ما هم برای ادامه راه خونین حسین (ع) باید از خون خود و عزیزان خود سرمایه گذاری کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

«و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين»^۱
(قرآن کریم، آیه ۵، از سوره قصص)

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و به نام نامی حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) به خصوص حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) که چنین می‌فرماید: «نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌گردد. پس بجاست که در چنین حالی مؤمن به دیدار خدای خود بشتابد. هان! من مرگ را جز سعادت، و زندگی در پرتو ستمگران را جز نفرت و انزجار نمی‌دانم». اینجاست که امام (علیه السلام) نه تنها انگیزه قیام و انقلاب خود را بیان می‌کند، بلکه هدف از زندگی را چیزی جز عزت و سربلندی نمی‌داند. پس اگر ستمگران بخواهند این عزت را پایمال کنند، زندگ پشیزی ارزش ندارد. همان به که انسان با آغوش باز مرگ را استقبال کند که مرگ با عزت بهتر از زندگی ننگین است.^۲

پس ما هم همان وظیفه‌ای را که اولین پاسدار اسلام یعنی حضرت حسین بن علی (علیه السلام) بر ایمان تعیین کرده است، در راه پاسداری از دین مبین اسلام با جان و دل پذیرا هستیم (قبول نموده‌ایم). امام (علیه السلام) در برابر ظالمان زمان ایستاد، ما هم باید بایستیم. دست ذلت به یزیدیان نداد و ما هم نباید بدهیم. از خون خود و جوانان و اصحاب و خویشانش گذشت، ما هم برای ادامه راه خونین حسین (ع) باید از خون خود و عزیزان خود سرمایه‌گذاری کنیم. و زیر لوای حسین (ع) که امروز به دست روح الله

۱. آیه ۵، سوره قصص: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کرده شده در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان قرار دهیم و وارث گردانیم».

۲. اشاره به سخن امام حسین (ع): «موت فی عز خیر من حیوة فی ذل: مردن با عزت و شرافت از زندگی با ذلت بهتر است».

برافراشته شده است، به مبارزه و پیکار با فتنه‌انگیزان ادامه دهیم.

و در خاتمه روایتی نقل می‌کنم از حضرت مولی‌الموحدین، علی بن ابیطالب (ع) که در اوصاف یاران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرماید: «آنان گروهی هستند که در صبر و تحمل مصیبت‌ها و مشکلات بر خدا منت نمی‌گذارند و جان دادن در راه حق را بر خود سخت نمی‌گیرند، تا اینکه هرگاه فرمان پیکار سر رسید و آتش جنگ شعله‌ور گردد، به امر رهبرشان در برابر خدا سر تسلیم فرود آورند. همه آنها شیرهایی هستند که از بیشه‌ها بیرون آمده و اگر همت کنند و بخواهند می‌توانند کوه‌ها را از جای برکنند. و همانا آنان خدا را خوب شناخته‌اند. شب هنگام از خوف خدا ناله‌ای همانند مادران فرزند از دست داده دارند. شب‌ها بیدارند و روزها روزه‌دار. گویا همه یک طبع و یک عادت دارند. دل‌هایشان با محبت به هم گره خورده و مجتمع است».

و از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهم که این حقیر را از یاران حضرت حجت قرار دهد و سپس شهادت در راهش را نصیبم فرماید. بار پروردگارا! تا مرا نیامرزیدی از این دنیا مبر.

لازم به ذکر است که اختیار تمام اموال با پدر می‌باشد و از پدر و مادر و تمام کسانی که در امر تعلیم این حقیر زحمت کشیده‌اند تشکر نموده و آرزوی موفقیت برایشان دارم.

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

رضا آشتیانی عراقی

امضاء^۳

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بیرون آمده و در محبت کشته می‌تواند عذری تو را شکر کرده هارا از جای برگشته و بهمانا آمان خدا را از تو
 شناخته اند شنبه هنگام از حیات خدا ناله ای هاشم هادریان از دست داده دادم: می‌باید از پدر
 منزه‌روزه دار گریه هم یک طبع و یک عادت دادم و شایان است بجم کمره خورده و شمع است.
 روز خداوند نیارک متعالی می‌توانم به این حقیر از آن حضرت جبهه قرار دهم و سپس شهادت
 در با حق را نصیب فرماید و یا بر برگردان تا بعد از شام زیری از او دنیا می‌رسد.
 لازم بود که استیارتام احوال با پدری باشد و از نظم بیرون و مردم و تمام کسانی که در این محضر زحمت
 کثیره اند تشکر کرده و که در روزی به شهادت می‌رساند دادم.
 السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
 رضا آشتیانی عراقی

مسعود آشوری



نام: مسعود
نام خانوادگی: آشوری
تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۴/۱
محل تولد: روستای کرکان از توابع شهرستان اراک
نام پدر: احمد
نام مادر: طاهره
تحصیلات: کارشناسی (رشته علوم و فنون نظامی)
تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۷/۱۰
محل شهادت: دزفول
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ✦ شهید مقامی بالا و والا دارد.
- ✦ اینک با یاد خدا به جبهه می روم، نه برای انتقام، بلکه به منظور احیای دینم و تداوم انقلابم و امنیت میهنم پای در چکمه می کنم.
- ✦ خدا را به یاری می طلبم و از او می خواهم که هدایتم کند به آن سو و آن راه که خود صلاح داند.
- ✦ هدفم خدا، مکتبم اسلام و مرادم روح الله است.
- ✦ هر قدمی که بردارم و گلوله هایی که شلیک کنم و قلب دشمن را هدف سازم، به یاد خدا باشم.

به نام حی قیوم مهربان لایزال

آفتاب عمر چه زود غروب می‌کند. آنگاه که تقدیر این چنین باشد و خدا خواهد که انسانی دنیا را وداع گوید. اما چه زیباست که این تقدیر به لطافت قلب مهربان مادری باشد که فرزند دل‌بندش را در آغوش گیرد. و این ثبات میسر نباشد مگر با شهادت در راه الله و مکتب و وطن. کاش تقدیرم چنین باشد.

مرگ با افتخاری که بارها به آن نزدیک شده‌ام ولی نصیبم نشد، شاید که لایق شهیدبودن نیستم. زیرا که شهید مقامی بالا و والا دارد و من فردی گناهکار و خوارم. اینک با یاد خدا به جبهه می‌روم، نه برای انتقام، بلکه به منظور احیای دینم و تداوم انقلابم و امنیت میهنم پای در چکمه می‌کنم و خدا را به یاری می‌طلبم و از او می‌خواهم که هدایتم کند به آن سو و آن راه که خود صلاح داند.

هدفم خدا، مکتبم اسلام و مرادم روح الله است. هر قدمی که بردارم و گلوله‌هایی^۱ که شلیک کنم و قلب دشمن را هدف سازم، به یاد خدا باشم و برای هر گلوله‌ای که به تنم خورد به یاد خدا تحمل کنم دردش را و زجرش را که از عسل شیرین تر است.

تاریخ شهادت: ۵۹/۷/۱۰

محل شهادت: دشت آزادگان، بلندی‌های الله اکبر

انجمن اسلامی و دایره سیاسی ایدئولوژیک لشکر ۹۲ زرهی اهواز

۱. اصل: گلوله‌های.

و صیحه شهید، سوار مسعود آشوری

به نام حی قیوم مهربان لایزال

آفتاب عمر چه زود غروب می کند آنگاه که تقدیر اینچنین باشد و خدا خواهد که انسانی دنیا را وداع گوید. اما چه زیاست که این تقدیر به لطافت قلب مهربان مادری باشد که فرزند دلبندهش را در آغوش گیرد و این ثبات میسر نباشد مگر با شهادت در راه الله و مکتب و وطن. گاش تقدیرم چنین باشد. مرگ با افتخاری که بارها به آن نزدیک شده ام ولی نصیب نشد شاید که لایق شهید بودن نیستم زیرا که شهید مقامی بالا و والا دارد و من فردی گناهکار و خوارم. اینک با یاد خدا به جبهه میروم، نه برای انتقام، بلکه به منظور احیای دینم و تداوم انقلاب و امنیت میهنم پای در چکمه می کنم و خدا را به یاری می طلبم و از او میخواهم که هدایم کند به آن سو و آنراه که خود صلاح داند. هدفم خدا، مکتبم اسلام و مرادم روح الله است. هر قدمی که بردارم و گلوله ای که شلیک کنم و قلب دشمن را هدف سازم به یاد خدا باشم و برای هر گلوله ای که به تنم خورد بیاد خدا تحمل کنم دردش را و زجرش را که از غسل شیرین تر است.

هتل شهادت، دهشت آزادگان، شاد محلی ۱، آکبر

تاریخ شهادت، ۵۹/۸/۱۱

انجمن اسلامی و دایره دبیرانی اینک نوژیته بشکر ۹۲ زهره افروز



مهدی آشوری



نام: مهدی

نام خانوادگی: آشوری

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۵/۲۲

محل تولد: شهرستان محلات

نام پدر: یدالله

نام مادر: فرجس خاتون

تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱/۲

محل شهادت: شوش

نحوه شهادت: اصابت گلوله ضدهوایی

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان محلات

گلچین وصیت نامه

- ✦ خدا به شما سعادت دهد که در تحت رهبری های امام امت با انسجامی بیش از پیش و وحدتی منسجم تر از قبل در راه اسلام و توحید کلمه کوشا باشید.
- ✦ امام را در اجتماعات، در دعاها، در نمازهای جمعه و جماعت و فرادی دعا کنید.
- ✦ برادرم! پیوسته در راه اعتلای اسلام کوشا باش و تمامی دستورات امام را به جان و دل بپذیر.
- ✦ و تو ای خواهرم! زینب گونه پیام شهیدان راه خدا را به گوش جهانیان برسان و زینب گونه به ادامه راه شهیدان ادامه دهید.

بسم رب الشهداء والصدیقین

«ان الذین آمنوا والذین هاجروا وجاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله والله غفور رحیم»^۱ (بقره، ۲۱۸).

«آنان که به دین اسلام گرویدند و از وطن خود هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، اینان امیدوار و منتظر رحمت خدا باشند که خدا بر آنها بخشاینده و مهربان است».

وصیتم را با نام خدا آغاز می‌کنم. خدایی که به ما قدرت مبارزه با هرگونه زور و ظلم و ستم را عطا فرمود و خدا را شکر می‌کنیم که راه راست که همان راه انبیاء و یاران حسین (ع) است به ما نشان داد که باید تا آخرین قطره خونمان در این راه مبارزه کنیم و دشمنان اسلام و حکومت اسلامی را سرکوب کنیم.

من با کمال میل به جبهه شوش، شهر شهیدان گمنان، شهر خون و قیام آمدم که برای پیروزی اسلام و حفاظت از دستوره‌های قرآن و گسترش انقلاب در سطح جهان کوشش کنم و ما چون به خودمان تعلق نداریم، یعنی خلق نشده‌ایم تا راحت طلب باشیم و یا در [...] آسایش دنیوی باشیم. نه! این ارزشی ندارد. ما خلق شده‌ایم تا آزمایش شویم و اساساً این جهان آزمایشی بیش نیست و زندگی جاوید در آن زمان است.

«ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجدیم که آسودگی ما عدم ماست»^۴

۱. آیه ۲۱۸، سوره بقره: «آنان که به دین اسلام گرویدند و از وطن خود هجرت نموده در راه خدا جهاد کردند، اینان امیدوار و منتظر رحمت خدا باشند، که خدا بخشاینده و مهربان است».

۲. اصل: ۲۱۷.

۳. خوانا نیست.

۴. شعر از صائب تبریزی است.

و پیام من بر شما ای امت حزب الله، ای یار و یاوران خمینی روح الله، شرم دارم از اینکه به عنوان یک پیام‌دهنده باشم برای ملت همیشه در صحنه، برای امت بیدار و در صحنه. ولی گاهی بیان نارسای من برادر کوچک شما به عنوان یک تذکر مفید است. چه زیبا بیان می‌کرد آن شهید زنده یافت، آن سیدالشهدای عصرمان، آنکه منافقین در تحلیل‌های درونی‌شان با تمامی نادانی‌شان به حقیقت شما ملت حزب الله، آن پیروان حقیقی راه امام، همان مردم معمولی کوچه بازار، شمایی که همیشه پاسخگوی ندای ملکوتی امام امت هستید.

امید است این ندای شما که به حق به گوش امام زمان(عج) می‌رسد. امید است امام و یاران او (حضرت آیت الله منتظری، خامنه‌ای، رفسنجانی) و تمام یاران او را یاری کنید. و امید است خدا به شما سعادت دهد که در تحت رهبری‌های امام امت با انسجامی بیش از پیش و وحدتی منسجم‌تر از قبل تا حکومت ولی‌نعمتان امام زمان در راه اسلام و توحید کلمه کوشا باشید و با همان خلوصی که در شما وجود دارد، امام را در اجتماعاتان، در دعاها، در نمازهای جمعه و جماعت و فرادی دعا کنید و همیشه این شعار کوبنده را از لبانتان که بیانگر اعماق وجودتان است، دور نکنید که:

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار. از عمر ما بگیر و به عمر او بیفزای.

و چند پیامی به شما ای پدر و مادر و خواهر و برادرم:

ای پدر و مادر عزیزم! از اینکه حس می‌کردم در مکانی راحت قرار بگیرم و در سنگر نباشم، غمگین بودم. من نمی‌توانستم به خود بقبولانم که برادران خودم در مرزها شهید شوند و من بینم که هر روز چند شهید یا زخمی می‌آورند.

پدر و مادر داغدارم! می‌دانم که از دست دادن من شاید سنگین باشد، ولی مگر غم از دست دادن حسین(ع) بر فاطمه زهرا(س) سنگین نبود؟ مگر آنها نبودند که کشته شدند تا دین اسلام پابرجا باشد؟ من هم به نوبه خود از آقا و سرورم حسین(ع) درس مبارزه و جهاد و درس شهادت را یاد گرفتم. من آموختم که زندگی مادی نکبت‌بار

است و نباید منتظر باشم که مرگ ما را فرا گیرد. بلکه ما باید سراغ مرگ برویم. مگر انسان یک دفعه بیشتر می‌میرد؟ پس چه بهتر که آن یک دفعه هم در راه خدا باشد.

و شما ای مادر مهربانم! کوه باش و چون کوه استقامت کن. لحظه‌ای از نام و یاد خدا غافل مباش. در راه دین بکوش که هر چه که بکوشی باز کم است. مادر جان! تو خود می‌دانی که بعد از شهادت من رسالت و مسئولیت بیشتر و سنگین‌تر می‌شود. این رسالت و مسئولیت را به خوبی انجام بده. مادرم! هر گونه افسردگی و ناراحتی مطمئناً باعث عذاب روح من می‌شود، خوشحال و امیدوار باش. مادرم! می‌دانی که من از شما نبودم و امانتی در دست شما بودم که صاحب امانت خواست امانتش را بگیرد.

ای مادرم! مرا ببخشید که نتوانستم زحماتت را جبران کنم و از اینکه پسر خوبی برای شما نبودم عاجزانه طلب بخشش می‌کنم.

من یک وصیت دیگری برای شما دارم و آن اینکه برادران و خواهرانم را آن چنان تربیت کنی که دنباله‌رو ولایت فقیه [...] ^۵ برادرم علی را به بسیج بفرست تا فنون نظامی را فراگیرد و اسلحه‌ای که از دست من افتاده بردارد و به دشمن بفهماند که اگر اسلحه‌ای از دست سربازی بیفتد، سرباز دیگری آن را بر دست می‌گیرد و با ایمانی استوارتر بر قلب دشمن می‌تازد.

و جمله‌ای کوتاه هم به تو ای برادرم! پیوسته در راه اعتلای اسلام کوشا باش و تمامی دستورات امام را به جان و دل بپذیر و زمان، زمان حسین (ع) است و ایام، ایام عاشورا.

و تو ای خواهرم! زینب گونه پیام شهیدان راه خدا را به گوش جهانیان برسان و زینب گونه به ادامه راه شهیدان ادامه دهید.

شنبه ۶۰/۱۲/۲۹

شوش

مهدی آشوری، شماره شناسنامه: ۹۸، تاریخ تولد: ۱۳۴۴، محل تولد: محلات،

نام پدر: یدالله.

مهدی آشوری

امضاء^۶

سلام بر ابراهیم زمان، سلام بر یگانه مرد جهان، سلام بر قائد عظیم خمینی
بت شکن.

سلام بر ائمه جمع سراسر ایران که نماز عبادی-سیاسی برپا کردند.^۷
سلام بر عاشقان راه حسین (ع)، یعنی رزمندگان اسلام که شب و روز می جنگند.
سلام بر برادران همیشه در سنگر، برادران عزیز نمایندگان مجلس به خصوص
برادر رفسنجانی.

سلام بر شهدای ایران، به خصوص شهدای حزب جمهوری اسلامی اسلام. به
خصوص سرور شهیدان آیت الله بهشتی مظلوم.
سلام بر خانواده تمام شهدای اسلام به خصوص خانواده برادران دکتر بهشتی و
دکتر باهنر و شهید رجایی.

سلام بر تمام معلولین انقلاب اسلامی ایران.
سلام بر خانواده تمام اسیران ایران که در سیاه چال های صدام اسیر هستند.

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«...ربنا افرغ علينا صبرا و ثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين»^۸.
«پرورد گارا! عطا بفرما بر ما صبر و استوار گردان قدم های ما را و پیروز گردان ما

۶. ناخوانا است.

۷. اصل: برپا کردن.

۸. بخشی از آیه ۲۵۰، سوره بقره: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: و چون آنها در میدان مبارزه جالوت و لشکریان او آمدند گفتند: پرورد گارا، به ما صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم دار و بر شکست کافران یاری فرما».

را بر قوم کافر».

آری! در هر زمان انسان به ویژه مسلمانان گرفتار کفار بوده و هستند، ولی لطف خداوند پیوسته شامل حال مؤمنان بوده و آنان را بر حوادث هر چند دشوار بوده است، پیروز گردانده است. این وعده بر حق خدا می‌باشد.

روزی در سرزمین خشک عربستان در میان مردمی جاهل که از نظر تمدن و فکر و علم در سطح پایین تری بودند، از میان توده این ملت ابرمردی به فرمان الله و به یاری او علیه جهل و نادانی قیام کرد عجب قیامی. و خداوند چراغ هدایت قرآن را به دست پرتوانش داد و او را یاری کرد تا دین خدا در سراسر سرزمین‌های آن عهد بگستراند و مایه^۹ هدایت بشر در هر دو جهان و نجات این موجود برتری طلب در هر دو جهان گردد.

سپاس خدای را از چنین نعمت بزرگ و باز در تکمیل این نعمت بزرگ خداوند ۱۲[تن از] فرزندان پیامبر را یکی پس از دیگری برای پیاده کردن این احکام برگزید که جهان تا به آخر از نور وجودشان بی بهره نمی‌ماند. ولی انسان هرگاه از تذکر (ذکر گفتن، یاد خدا کردن) غفلت کند، یعنی در مادیات غرق شود از هدف (خدا) دور می‌شود و در دریای مادیات و دنیاپرستی غرق می‌شود و از خود بیگانه. ولی خداوند بندگانش را رها نمی‌کند و برای آنان کشتی نجات می‌فرستد.

آری! کشتی نجات این بندگان از خدا دور شده و از خود بیگانه شده و در دریای هواها و زرق^{۱۰} و برق‌ها به نابودی کشیده شده، به دست پرتوان ابرمردی موسی گونه، عیسی صفت، ناگاه پدید می‌آید و این غرق‌شدگان را نجات می‌یابد.

آری! این کشتی نوح است که کشتیان آن، امام امت با هدایت خداوند این کشتی را به ساحل می‌رساند. ولی این کشتی همیشه دچار حوادثی عجیب بوده و هرگاه خواسته‌ام آن را منحرف کنند، ولی کشتیان پیر صراط مستقیم را می‌داند. چون در دانشگاه حقیقت علم آموخته است و خوب می‌داند که با امواج خطرناک چگونه پنجه

۹. اصل: مایع.

۱۰. اصل: ذرق.

نرم کند. این کشتی ان شاء الله هرچه زودتر به ساحل نجات خواهد رسید و سرنشینان آن کشتی که همه مستضعفان جهان هستند، در ساحل نجات پیاده خواهد شد که ساحل نجات، بهشت موعود و در زیر پرچم برافراشته اسلام تحت حکومت مهدی (عج) خواهد بود.

[illegible]



و جود و حیات و اقبال و حکومت و دل بختیاری امام زمان در اسلام و شیو و حیات که ما را شیو و باطنی
مرکز استادان پیشتران
طیور که در صفا و جود و امان و ارا و احاطه و حیات و در عالم بختیاری و دنیا و عالم حقیق و حیات و غایب و عالم حقیق و
حیات و اقبال که در صفا و جود و امان و ارا و احاطه و حیات و در عالم بختیاری و دنیا و عالم حقیق و حیات و غایب و عالم حقیق و

خدا یا خدا یا تا انقلاب و ختم رنج و اندوه از عمر ما بگذرد و ما را به نعمت و رفاه رساند

و چندینای مضاعف بود و در خواهر و اراد
و در خواهر و اراد و در خواهر و اراد

مستوفی که در آن خود را می‌نویسد و می‌نویسد که هر روز چندین بار می‌نویسد

و بعد از آنکه در این مقام رسید و آن را دید که بسیار است و آنرا دید که بسیار است و آنرا دید که بسیار است

و اما هر چه استیجاب نمود و ممکن آید از آنرا بنموده که گفته شد و تا درین امداد و بارها با حدود ۲۰۰ تن هم بنشیند و اگر اتفاق

عروم حیوانی (ج) (دوسے جانوروں کے علاوہ انسان کے علاوہ تمام جانوروں کے جسم کے اندر موجود ہونے والے

[illegible]

دسته هم در اینجا است.


وینما اگر سوار عورتانم نهاده باش و چون بکوه استقامت رسیدن لطفاً از تمام دیوار و دروازه‌ها قبل از رفتن در آن کوشش و هر چه

[illegible]

و مسئولیت را به خوبی انفا ابرید و در هرگز از امید بگریز و با قاضی سلطان است عتاب بدین مناسبت می شود و بنده ضامن و گارانتی می باشم پس

و این کسب از مقام روح و الهی و دوست معنوی و محراب امانت خواست الهی است. بعد از آنکه در این مقام روح و الهی و دوست معنوی و محراب امانت خواست الهی است. بعد از آنکه در این مقام روح و الهی و دوست معنوی و محراب امانت خواست الهی است.

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين


 برادران و دوستان من سلام. روزی که در مدرسه با شما دیدم، برادران و دوستان من سلام.

مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی و سیاسی، تهران

سلام بر عاشقان راه حسین (ع) یعنی دوستان اسلام و شب و روز و جنگند

سلام بر واداران عشق و رنگ و بو، از زبان عزیزان و دوستان من سلام بر واداران عشق

سلام بر شهدای ایران و شهدای شهیدان و شهدای اسلام و شهدای ایران

بهشتی من سلام

سلام بر خانواده، تمام شهدای اسلام و شهدای خانواده، دوستان و دوستان و دوستان و دوستان

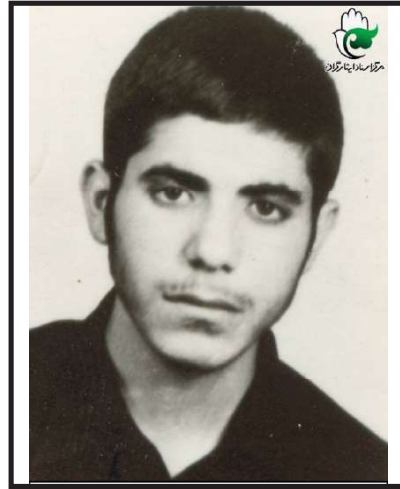
و شید و شید

سلام بر تمام شهدای انقلاب و شهدای اسلام ایران

سلام بر خانواده، تمام شهدای ایران و شهدای خانواده، دوستان و دوستان و دوستان و دوستان

التحفة السنية
هذا هو الكتاب الذي كتبه السيد محمد باقر
العلوي في سنة 1200 هـ في مدينة
النجف الاشرف في العراق
الكتاب منسوخ من الأصل
الذي في مكتبة
المجلس العلمي
القمي
الكتاب منسوخ من الأصل
الذي في مكتبة
المجلس العلمي
القمي

محمدجواد آصفری



نام: محمدجواد
نام خانوادگی: آصفری
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۴
محل تولد: شهرستان اراک
نام پدر: اسماعیل
نام مادر: گوهر تاج
تحصیلات: دیپلم (رشته تجربی)
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۴/۲۲
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به شکم
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ◀ پیام من به تمامی امت اسلامی این است که رهرو راه شهیدان و پشتیبان خط ولایت فقیه و امام باشند.
- ◀ با خدمت به محرومان جامعه حداقل دین خود را به انقلاب ادا نمایید.
- ◀ هیچ گاه جنگ را فراموش نکنید.
- ◀ یأس و ناامیدی به خود راه ندهید و همیشه در راه اهدافتان ثابت قدم و استوار باشید.
- ◀ خواهران عزیز! عاجزانه از شما می خواهم که حجابتان را حفظ کنید که حجاب شما بیشتر از خون ما برای انقلاب ارزشمند است.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه برادر شهید محمدجواد آصفری

«قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»^۱.

«و به درستی که نماز من و کلیه اعمال من و زندگی و مرگم برای پروردگار جهانیان است» (سوره انعام، آیه ۱۶۲)^۲.

دروود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با سلام بر شهیدان راه اسلام و قرآن، از کربلای حسینی تا کربلای خوزستان و تمامی شهدای ایران.

هم اکنون که خداوند توفیقی عنایت نمود و داوطلبانه عازم جبهه‌های حق علیه باطل شدم، وصیت خود را با قلبی کوچک که پرواز درد و عشق به شهادت است و هر لحظه انتظار می‌کشد شروع می‌کنم. با قلبی که نام شهادت را هر لحظه که می‌شنود به لرزه می‌افتد، که تمام درد او در عشق به شهادت در راه خدا گنجانده شده است و با قلبی که از خداوند می‌خواهد که تپیدن او در بستر مرگ ساقط نشود و با قلبی که هر روز و ساعت و دقیقه و ثانیه شمار می‌کند تا شب موعود فرا رسد و عشق به خدا جوی شود تا معشوق خودش را دریابد و با قلبی از شناسایی و پرستش و عبادتش برای خدا است و به خاطر علاقه به بهشت برین و ترس از جهنم نیست، بلکه به خاطر عشقی است که در دلم برای خدا است.

خدایا! آرزویم را برآور و شهادت را نصیبم کن.

پیام من به تمامی امت اسلامی این است که رهرو راه شهیدان و پشتیبان خط

۱. آیه ۱۶۲، سوره انعام: «یگو: همانا نماز و طاعت و تمام اعمال من و حیات و ممات من همه برای خداست که پروردگار جهانیان است».

۲. اصل: آیه ۱۶۳.

ولایت فقیه و امام باشند.

برادران و خواهران محترم! این انقلاب به گردن ما خیلی حق دارد. سعی کنید از حالت بی تفاوتی بیرون بیایید^۳ و با خدمت به محرومان جامعه حداقل دین خود را به انقلاب ادا نمایید. و هیچ گاه جنگ را فراموش نکنید و یأس و ناامیدی به خود راه ندهید و همیشه در راه اهدافتان ثابت قدم و استوار باشید.

خواهران عزیز! عاجزانه از شما می خواهم که حجابتان را حفظ کنید که حجاب شما بیشتر از خون ما برای انقلاب ارزشمند است. دشمنان از این حجاب شما می ترسند. پدر و مادر گرامی! می دانم که چه احساسی دارید، ولی هرگز در شهادت من ناراحت نباشید، چون امتحان بزرگی [...] ^۴ نصیب شما شده است که بهترین چیز خود را با دست خود هدیه به خدا کرده اید و صبر را پیشه خود کنید، که خداوند می فرماید: «بشارت باد بر صابران. آنانی که هرگاه مصیبتی بر آنها وارد شد گویند: انا لله و انا الیه راجعون»^۵ و شکرگذار هستند.

هرگز به من ناکام مگویید، چون کامی بهتر از شهادت نیست که من از این فیض بزرگ کامیاب شده ام.

برادر عزیزم! سلاح بر زمین افتاده مرا بر دوش گیر و راهم را که پاسداری از خون شهیدان بوده ادامه ده. و شما ای خواهران گرامی! زینب گونه راهم را ادامه دهید و به تبلیغات اسلامی و صدور انقلاب توسط حجاب در راه اسلام بکوشید. و شما ای دوستان گرامیم و برادران گرامی و حزب الله! تقوی، تقوی، تقوی را پیشه خود کنید. خود را آماده سفر به سوی الله و هجرت به دیار عاشقان نمایید.

در خاتمه از شما می خواهم که همیشه دعای فرج را بخوانید.

«من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی»

۳. اصل: بیاید.

۴. «که» حذف شده است.

۵. بخشی از آیه ۱۵۵ و آیه ۱۵۶، سوره بقره: «وَلَيُؤْتِكُمْ بَشِيرًا مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرَ الصَّابِرِينَ. الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: وَالبته شما را به پاره ای از سخنی ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده. آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیه [و من علی دیته فانا دیته]»^۶
(حدیث قدسی)

«اللهم ارزقنا توفیق الشفاعه الحسین»^۷.

۱۷/۴/۶۱-امضاء^۸

شب جمعه ماه رمضان

سنگرهای جبهه‌های اسلام

دوستدار حزب الله خط رهبری

محمد جواد آصفری

۶. حدیث قدسی: «آن کس که مرا طلب کند می‌یابد، و آن کس که مرا یافت، می‌شناسد، و آن کس که مرا شناخت دوستم می‌دارد، آن کس که دوستم داشت، به من عشق می‌ورزد، آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می‌ورزم. آن کس که به او عشق ورزیدم، می‌کشم او را، آن کس را که من بکشم، خون بهایش بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب است، پس من خودم خون بهایش هستم».

۷. «خداوند! توفیق شفاعت امام حسین(ع) را نصیب ما بگردان».

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

وصیتنامه برادر محمدجواد آصفی

قدس ان ملاقات و شکر و حیات و مناسبت بقدرت العالمین

و بدینشکله خازم و کلیه اموال من و زندگی و مرگم برای پروردگار جعالت

سوره اذخام آیه ۱۶۳

است

درود بر رهبر کسیر الله اسلامی و باسلام بر محمد و آل او و تقدیر از کربلا و حسین

و کربلا و خورشید و تمامی شهدای ایران

هم اکنون که خداوند توفیق عنایت نمود و داوطلبانم لازم جدی حق علیه

بمال شوم و وصیت خود را با قلبی کوچک کلمه روان درود عشق به شهادت است

و هر لحظه انتظار می کشد شروع می کنم با قلبی که نام سعادت راهروان

که می شوند به فرزند می افتد که تمام درود در عشق به شهادت در راه خدا

کتابخانه محمدجواد آصفی



خداوند متعال را شکر کرده است و با قلبی که از خداوند می خواهد که پیغمبر را او
در ستر صراط ساقط نشود و با قلبی که هر روز و ساعت و دقیقه و ثانیه سطره
می کند تا شب و صبح و روز و شب و عشق به خدا و جوی شود تا عشق خودش را در این
و با قلبی از شناسایی و پرستش و عبادتش برای خدا و به خاطر علقه به بهشت و ترس از
جهنم نیست و به خاطر عشق است که در دلم برای خدا است.

خدا را آنکه در دلم و در کور و محاسن را نصیب کن

پیام من به تمامی است. ان شاء الله این است که در هر راه شخصی و یشقان خدا
و لایق فقیه و امام باشند برادران و خواهرها محترمانه ان شاء الله به کردن ما خدایی
حق دارد سعی کنیم از حالت بی تفاوتی بیرونی بیاییم و با خداوند صبر و صفا
جامعه خداوندی را به ان شاء الله ادا نماییم و هیچ گاه حجت را بر ما روشن نکنیم

کاتب شده سید محمد

و یاس و تاملی بی خود راه نروید و همیشه در راه اهدا مکنای است قدم و استوار
باشید.

خو اهل عزیز ما عزیزانه از شما می خواهم که حمایت را حفظ کنید، که حمایت
معا بیشتر از خود ما برای امتکاز شما است دشمنان از این حمایت شما می ترسند
و در روزی برای می دانم که چه احساسی دارید ولی هرگز در شهادت نماند
نباشید چون امتحان بزرگی که نصیب شما شده است که بهترین چیز خود را
بابت خود هدیه به خدا کرده اند و صبر را پیشه خود کرده اند که خداوند می فرماید:
مبارکت باد بر عبادی که هرگاه صیبت بر آنها وارد شد گویند انا لله و انا الیه
راجعون و شکر خدا را هستند. هرگز به حق ناکام نگردند چون گاهی بجز از شهادت
نیست که من از این فیض بزرگ کامیاب شده ام.



برادر عزیزم ^{علیه السلام} صلوات بر من و آله و عترت خیر و راهم را که پاسداری از خود
 محبت بوده ادامه ده و شما خواهر دقایق و شب تونه را هم را ادامه ده و به
 تبلیغ اسلام و سرور امت که توسط حیات در راه اسلام بگویند و شما ای دوست گرامی
 و برادر دقایق و حزب الله تقوی، تقوی، تقوی یا شب تونه خود بخود
 را آماده سفر بسوی الله و حشرت به دنیا را عاشقان بنایید . . .

در خانه از شما می خواهم که همیشه دعاها فرج را بخوانید
 من طینت و عذری و من و عذری و عذری و من عذری و من احسن عذری
 و من عذری و عذری و عذری و من عذری و من عذری و من عذری
 اللهم ارزقنا يومئذ السقاة الحسن

شب جمعه ماه رمضان
 سید محمد علی
 دوستدار
 محمد جواد آصفی

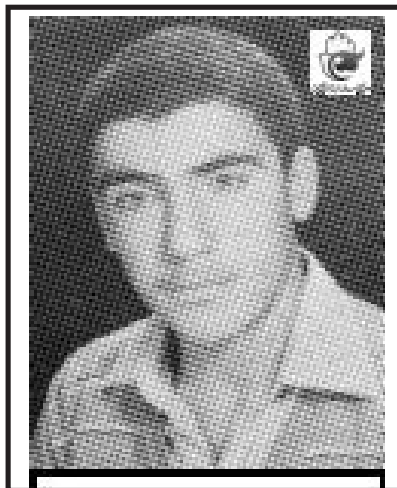
بسم الله الرحمن الرحیم
 ۱۴۰۷

۶۱/۳۱۶

۱۰۰۳۷۳۴

تایید شد

غلامرضا آقابابایی



نام: غلامرضا
نام خانوادگی: آقابابایی
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱۵
محل تولد: روستای عیسی آباد از توابع شهرستان
کمیجان
نام پدر: موقضی
نام مادر: کبری
تحصیلات: دانش آموز چهارم متوسطه (رشته اقتصاد)
تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۱/۲
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: روستای عیسی آباد

گلچین وصیت نامه

- ✦ خدا را فراموش نکنید و همیشه در فکر او باشید.
- ✦ نمازهایتان را بخوانید و از یاد خدا دور نشوید که والله خدا را به خشم می آورید.
- ✦ در سنگر فرهنگ آن چنان بر استعمارگران فرهنگی بتازید که آنها را توانایی حرکت نباشد.
- ✦ بدانید که انقلاب اسلامی نعمتی است بزرگ، از آن به خوبی استفاده کنید و نگذارید که به آن آسیب برسد.
- ✦ ادامه دهنده راه شهدا باشید.
- ✦ از ولایت فقیه پشتیبانی کنید که ما هر چه داریم از امام داریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

[...] برای نسل آینده می‌خواهم به پدر و مادرم بگویم آفرین بر شما که بزرگم کردید و اکنون رهایم ساختید تا وظیفه بزرگ خویش را ادعا کنم چه خوب امانت خویش را تحویل داده‌اید.

پدر و مادرم! برای فرزند خود گریه نکنید که راهی را که او رفت راهی است که حسین در ۱۴۰۰ سال پیش رفت و همان راهی است که پیامبر (ص) بر آن توصیه^۲ کرده است، چگونه می‌توانستم بینم که برادران و خواهرانم در زیر آوارهای دزفول جان می‌سپارند و من در بستر گرم زندگی کنم؟ چگونه می‌توانستم صدای «هل من ناصر»^۳ امام را بشنوم و به آن لبیک نگویم؟

پدر و مادر گرامیم! از شما معذرت می‌خواهم که تنهایتان گذاشتم و رفتم. ولی این تنهایی نیست، شما آنگاه تنها هستید که کشورتان در دست اجنبی باشد. شما امام را دارید که اسوه بارز ایمان است. تنها صدام است که دیگر راهی برای بقا ندارد. تنها کسی است که امام نداشته باشد شما به خاطر خدا دوریم را تحمل کنید و به جای گریه افتخار کنید که فرزندان در راه خدا کشته شده است.

و اما جمله‌ای هم برای خواهران و برادرانم، از شما نیز معذرت می‌خواهم و حلالیت می‌طلبم. اگر شما را بعضی موقع‌ها ناراحت کرده‌ام و دوست دارم که راه مرا ادامه دهید.

این پیامی است برای برادران کوچکم که اگر بزرگ شدید با ظلم مبارزه کنید

۱. ابتدای وصیت در دسترس نیست.

۲. اصل: توصیع (همه جا اصلاح شد).

۳. ر.ک. تعلیقات.

در هر نقطه‌ای که می‌خواهد باشد. بر دشمن اسلام بتازید تا نابودش کنید و از خواهر بزرگم که برای من زحمت کشیده است و در بزرگ شدنم کمک کرده است، تشکر می‌کنم و از خداوند بزرگ برای او مصلحت می‌طلبم و از او می‌خواهم که مرا ببخشد، چون در موقع رفتن به جبهه هم او را ندیده‌ام.

و همچنین از تمام قومان و خویشان، تمام آنها عموها، عمه‌ها، خاله‌ها، پسر عموها و دایی‌ها و پدر بزرگ عزیزم می‌خواهم که مرا حلال کنند و ببخشند، زیرا فردی گنه‌کار بودم در نزد آنها. همه شماها به گردن من حق داشتید. اگر حقان را ادا^۴ نکردم مرا ببخشید که خداوند رحیم و رحمان است.

و در آخر عمر به عنوان وصیت به همگی شماها می‌خواهم بگویم که حق همیشه پیروز است، پس شما هم به یاری حق بشتابید تا رستگار شوید و از همه شماها می‌خواهم که مقلد امام باشید و به جمهوری اسلامی کمک کنید و در بستر مردن را ننگ بدانید. و از رفتن بچه‌هایتان به جبهه خودداری نکنید، که مرگ همه به دست خدا است. از مرگ نترسید که روزی خواهد آمد به فکر قیامت باشید و کارهای خوب انجام دهید که ان شاء الله سعادت بزرگی کسب کنید.

برای مال دنیا کمتر حرص بزنید که کسی با خود چیزی نمی‌برد. از نزاع^۵ و دعوا خودداری کنید و با هم متحد باشید که دشمنی کار بی‌خردان است. به زیردستان کمک و انفاق کنید که خداوند در قیامت به شما انفاق خواهد کرد. مسجدها را خالی نگذارید که ان شاء الله از مسجد است که شما رستگار خواهید شد.

نمازهایتان را بخوانید و از غرور و نخوت پرهیز کنید. از یاوه‌گویی بر ضد اسلام و انقلاب اسلامی بترسید که خداوند را در آن اجری است بسیار. به جنبه‌های معنوی انقلاب اسلامی فکر کنید که انقلاب اسلامی هرگز شکست نمی‌خورد.

و در آخر از بنده حقیری که سال‌ها در خانواده‌ای در نزد شما زندگی کرد و بر زندگی شما نظر می‌کرد و اندوه سر تا پایش را گرفته بود، در گذرید و او را ببخشید

۴. اصل: ادعا.

۵. اصل: نزاع.

و بدانید که او برای مادیات به جبهه نرفت. شوقی عظیم به خدایش داشت و ندای امامش را لبیک گفت.

و اکنون سخنی چند با دوستان، ای دوستان! به خدا قسم هیچ نفسی رستگار نمی‌شود مگر به ایمان. شما نیرویی بدنی زیادی دارید، آن را در راه خیر به کار برید که خداوند از شما خشنود^۶ باشد. خدا را فراموش نکنید و همیشه در فکر او باشید. از نگاه‌های بی‌جا به شدت دوری کنید که در آن هیچ چیز نیست به جز پشیمانی. نمازهایتان را بخوانید و از یاد خدا دور نشوید که والله خدا را به خشم می‌آورید. کارهایتان را خوب کنید و بنگرید که چگونه دوست شما از میانتان رخت بریست. به فکر باشید که فردا نوبت شما است.

بنگرید که برای آخرت چه توشه‌ای دارید و چگونه می‌خواهید به سفر طولانی^۷ خود بروید. به قبرستان‌ها بروید و دوستان خود را در آنجا بیابید که چه خوش آرمیده‌اند. به فکر باشید تا مانند آنها بخوابید.

باز هم شما را توصیه می‌کنم به یاد خدا همیشه این جمله دوست خود را به یاد بیاورید که بدانید که خدا همیشه شما را می‌نگرد. سعی کنید شما هم خدا را بنگرید. به جای پرسه‌زدن بیخودی در کوچه‌ها به مسجد بروید که آن سنگری بزرگ است. دوستان من به یاد بیاورید که تا چندین روز پیش من هم یکی از رفقای شما بودم و اکنون جایم در کنج قبرستان است. شما هم به یاد آن روز باشید. و در آخر از همه شما می‌خواهم مرا حلال کنید. اگر لغزشی از من دیده‌اید به خاطر خدا از آن بگذرید که خداوند شما را دوست دارد در سایه تقوا.

و اگرچه مغزم مملو از وصیت است، اما وجودم توانایی نوشتن را ندارد ولی با این حال سعی می‌کنم آنچه در وجودم هست بیرون بریزم تا شاید برای نسل آینده مفید باشد.

و اکنون به سراغ دانش آموزان می‌روم تا به آنها بگویم ای سهام‌داران خون شهدا

۶. اصل: خوشنود.

۷. اصل: طولی.

در سنگر فرهنگ آن چنان بر استعمارگران فرهنگی بتازید که آنها را توانایی حرکت نباشد.

می‌خواهم به شما بگویم شما هم در سنگری می‌جنگید که شاید لیاقت من نبود تا در آن سنگر بجنگم. شما نیز اگر نیت پاک داشته باشید و الی الله درس بخوانید، خود جهادی است بزرگ. اما وصیت من این است که هیچ‌گاه به خاطر به دست آوردن مدرک و بعد شغل خوب خانه خوب و ماشین خوب درس نخوانید که اشتباه بزرگی می‌کنید. و بدانید که شکست فرهنگی ما به خاطر همین بود.

ای همکلاسی‌های عزیزم! از شما به عنوان یک بنده حقیر می‌خواهم که با معلمین گرامی به خوبی رفتار کنید و مانع آن نشوید تا معلمین ناراحت بشوند. با همدیگر خوب باشید و مانند برادران ایمانی در یک کلاس درس بخوانید.

از همه شماهایی که شاید من موجب ناراحتی شما شده باشم، معذرت می‌خواهم و عاجزانه طلب حلالیت می‌کنم. شما را به روح‌های بزرگتان قسم که مرا ببخشید و از تقصیراتم درگذرید. و از همه معلمین که مرا درس داده‌اند و وقت گرانبهای آنها [را] در کلاس درس گرفته‌ام تشکر می‌کنم و می‌خواهم که مرا ببخشند که همه آنها بر گردن من حق دارند. حقتان را از خدا بگیری که من به خاطر خدا به جبهه رفتم.

و از امام جمعه محترم که نقس مؤثری نیز در پرورش فکری من در نماز جمعه‌ها و سخنرانی‌های دیگر داشته است تشکر می‌کنم و از او می‌خواهم تا بر جنازه‌ام نماز گذارد. و از مردم محترم شهرستان محلات می‌خواهم که قدر این امام جمعه را بدانند که خداوند^۸ نعمت بزرگی به شما ارزانی بخشیده است، از این نعمت بزرگ استفاده کنید که خداوند به شما توفیق عطا خواهد کرد. من با آنکه فردی ناشناس در پیش امام جمعه هستم، ولی قلبم با او آشنایی کامل دارد و از جان و دل او را دوست دارم.

اما بر شما ای ملت ایران! بدانید که انقلاب اسلامی نعمتی است بزرگ، از آن به خوبی استفاده کنید و نگذارید که به آن آسیب برسد. ادامه‌دهنده راه شهدا باشید و از

ولایت فقیه پشتیبانی کنید که ما هرچه داریم از امام داریم. امام^۹ نور چشم من است و [او] را دوست دارم. خدایا! عمرش را طولانی بگردان و تا انقلاب مهدی برای این ملت مستضعف نگاه‌اش دار و بر تمامی جهان به کمک این ملت پیروزش کن.

بعد از این همه به سراغ خود می‌آیم. من فردی گناهکارم و از همه کسانی که مرا می‌شناسند حلالیت می‌طلبم. و در مورد دفن من هر آنجایی که دوست دارید مرا دفن کنید، شاید خاک گرم و خونین خوزستان قبر باشد و اگر این چنین هم باشد افتخار می‌کنم.

و در پایان امام را فراموش نکنید.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

برای من بیدار می خواهم بیدار و مادرم بگویم که من بر شما که بزرگم کرده و الکوفه در کم
 ساجیه تا به وظیفه بزرگ خود را ادا کنم چه خوب اما نت خود را قبول داده ایم
 به رو مادر برای فرزند خود که بیدار می بکنند که راهی بماند او رفت راهی است که حسن در
 سال پیش رفت و همان راهی است که پیدایم بر آن موصل می کرده است چگونه
 می توانم ببینم که برادران و خواهران در زیر آواره ای در قتل جان می سپارند
 و من در بستر گرم زندگی کنم چگونه می توانم ببینم که ای جل من ناصر انما هم را بشنوم و
 آن یک چگونه بدو و مادر مرا میم از شما بگذرد و می خواهم که من بمانم که شتم و دردم و
 این سخنانی است که از من می شنید که کشتن زبانی در دست از منی با من شما اما مرا در
 که امرو با زبانی است شما صدام است که دیگر راهی برای شما خداوند شما کسی است
 که امام خدا شست با من شما بخاطر خدا دورم را تحمل کنید و بجای نگرید و گفتار کنید که خرد زبانی
 در راه شما کشته شده است و اما علم ای هم برای خواهران و برادران و شما نیز بگذرد
 می خواهم و خلاصت می طلبم اکثر شما را بجهتی موصفا نا راحت کرده ام و در دست دارم
 که راه مرا ادا نم دهید این بیانی است برای برادران که حکم که در بزرگ شده و با ظلم ما را
 کشید در هر مقامی که می خواهد باشد بر زمین اسلام بنشیند تا نابود شود کشید و از خواهر بزرگم

۳

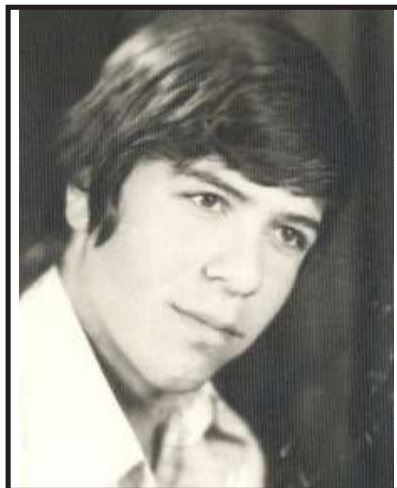
کم برای من زلفت کشیده است و در بهر وقت شدم کمک کرده است. شکر من کنم و از خداوند
 بزرگ برای او بصلوات من طلبم و از او می خواهم که مرا ببخشد چنانچه در موقع رفتن به جبهه
 او را ندیده ام و هیچ نوع ارتباط قوی و ضعیفی با تمام آینه نمودار نموده. خانم (پیرنگ)
 و دای (پیرنگ) عزیزم می خواهم که مرا حلال کنند و ببخشند زیرا فردی گفته کار کردم
 در نزد آنها هم شما را برگردان من حق داشته اند اگر حقان را در انکارم مرا ببخشند که خداوند
 رحیم و دانا است و در آخر عمر به عنوان وصیت به همگی شما می خواهم بگویم که حق
 همیشه پیروز است و هر چه با یاری حق نباشد یا رستگار شود و از حق شما می خواهم
 که متوجه امام باشید و به جمهوری اسلامی کمک کنید و در بستر مرگ را تلک بدانید
 از وقتن بچهارشنبه به جبهه خود دارای نکستند که مرگ هم در دست خدا است از مرگ
 نترسید که روزی خواهم آمد به جگر قیامت با سید و کارهای خوب انجام دهید که
 ان شاء الله سعادت نزدیکی کسب کنید برای مثال دنیا کمتر هر روز می کشد با خود چیزی
 نبرد از نزع و دعوا خود داری کنید و با هم متحد باشید که دشمنی کاری خردان است
 به نزدستان کمک و اتقایی کنید که خداوند در قیامت به شما انعام خواهد کرد
 منم که را خدای نگذازد که ان شاء الله از مسجد است که شمار شما را خواهد کرد

ما را حاکمان را بخوانید و در غرور و نخوت پر هنر کنید ایها و نگویید جرحه اسلام و
 انقلاب اسلامی بهتر است که خداوند را در گردن دیگری است بسیار به جنبه ای معنوی
 انقلاب اسلامی فکر کنید که انقلاب اسلامی هرگز شکست نمی خورد و در آخر از همه
 حقیرتر کسی که در خانه های در تیره ها زندگی کرد و بر رانده ها نظری می کرد و اندو که
 سر کار پامیر افتاد بود در گذرید و او را بخشم و بر این که او برای مادیات به چشم
 انزوت استوخی غلیم به خدا شکر داشت و برای انامش را کتب گفت
 و اکنون سخنی خید با دوستان ای دوستان! خدا قسم هیچ نیتی رستگاری نبود
 مگر به جهات شما شروی صریح و پایداری دارید که در راه خیر کار بود که خداوند از شما
 خوششود با من خدا را فراموش نکنید و همیشه در فکر او باشید از ناهای بی جا باشد
 دردی کنید که در آن هیچ چیز نیست مجزای بیجا ایها که بیانی را بخوانید و از یاد
 خدا دور نشوید که والله خدا را به خشم می آورید کار که بیانی را خوب کنید و دیگر به کم
 چگونه دوست شما از میان رفت برکت به مگر با سلیقه که فردا بوقت شما است
 شکرید که برای آخرت چه توشه ای دارید و چگونه می خواهید به سفر طولی خود بروید
 به قبرستانها بروید و دوستان خود را در آنجا ببینید که چه خوشتر کرده اند

شکست فرجنگ ما بنام همین بود ای هکلا سبهای عزیزم از شما بعنوان یک بند
 خیر می خواهم که با مطلق گرامی بنویس رضای کنیده و هو مانع آن نشود تا معلوم
 ناراحت میشود با همه بفر خوب یا سکه و عاقله برادران اریالی در یک کلام در می خوانند
 از همه شای که شاید من موجب ناراحتی شما شده باشم عذرت می خواهم و عاقله
 طلب خلاصت می کنم شما را به روحهای درگهان قسم که مرا بخشید و از تقصیراتم در گذرد
 و از همه مطلق که مرا در سر داده اند و وقت گرامیهای آنها در کلاس درس گذراندم
 شکر می کنم و می خواهم که مرا بخشند که همه آنها برگردند من طوق در فدای حقان را
 از خدا بگذرد که من بنام خدا به حق رفتم
 و از تمام بچه قسم که نفس منوری بنور در برود هر قدری من در نماز بجهت او سخنرانی
 دیگر داشته است شکر می کنم و از او می خواهم تا بر جایزه ام نماز قرار دهد و از مردم عفو
 همه ساله بگذرد می خواهم که قدر این تمام جعفر را بدانند که خداوندی نعمت بزرگوار
 به شما ارزانی بخشید که است از این نعمت بزرگ استفاده کنید که خداوند به شما توفیق
 عطا خواهد کرد من یا آنکه فردی نامشمار در پیشگاه تمام بچه قسم و کلیم یا الو
 آسمانی کامل دارد و از جان و مال او را دست دارم

نام من است که در این عهد و عهده ایستاده ام و این عهد و عهده ایست که از آن کوی
 شما و کینه و بگذاریم که بر آن آسبیده میروند و این عهد و عهده ایست که از آن کوی
 است خسته و پستی که این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که
 را دوست دارم خدا را عفو میفرماید و این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که
 خفت و کینه ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که
 بعد از این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که
 است من طلبم در هر مورد و این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که
 که گریه و غم و این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که
 در این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که
 خدا را عفو میفرماید و این عهد و عهده ایست که از آن کوی است و این عهد و عهده ایست که
 مسجد کوفه آقا با نام

وجیه الله آقایی



نام: وجیه الله

نام خانوادگی: آقایی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۳/۱

محل تولد: روستای قشلاقیات از توابع شهرستان

خمین

نام پدر: هادی

نام مادر: مرحمت

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

شغل: گچکار

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۹/۱۴

محل شهادت: سریل دهاب

نحوه شهادت: اصابت گلوله به قلب

محل دفن: شهرستان تهران

گلچین وصیت نامه

من اگر شهید شدم هیچ گونه ناراحت نباش، افتخار کن که من شهید شده ام.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت مادر عزیزم سلام می‌رسانم. مادر عزیزم! هیچ گونه نگران من نباش چون من راهی را می‌روم که به نظر خودم اشتباه نیست. من اگر شهید شدم هیچ گونه ناراحت نباش، افتخار کن که من شهید شده‌ام.

خدمت پدر بزرگوارم سلام عرض می‌کنم. آنچنان که من کار کرده‌ام برای توست، اگه می‌خواهی از سهم من به برادرم نیز بده، هرچه خودت صلاح می‌دانی.

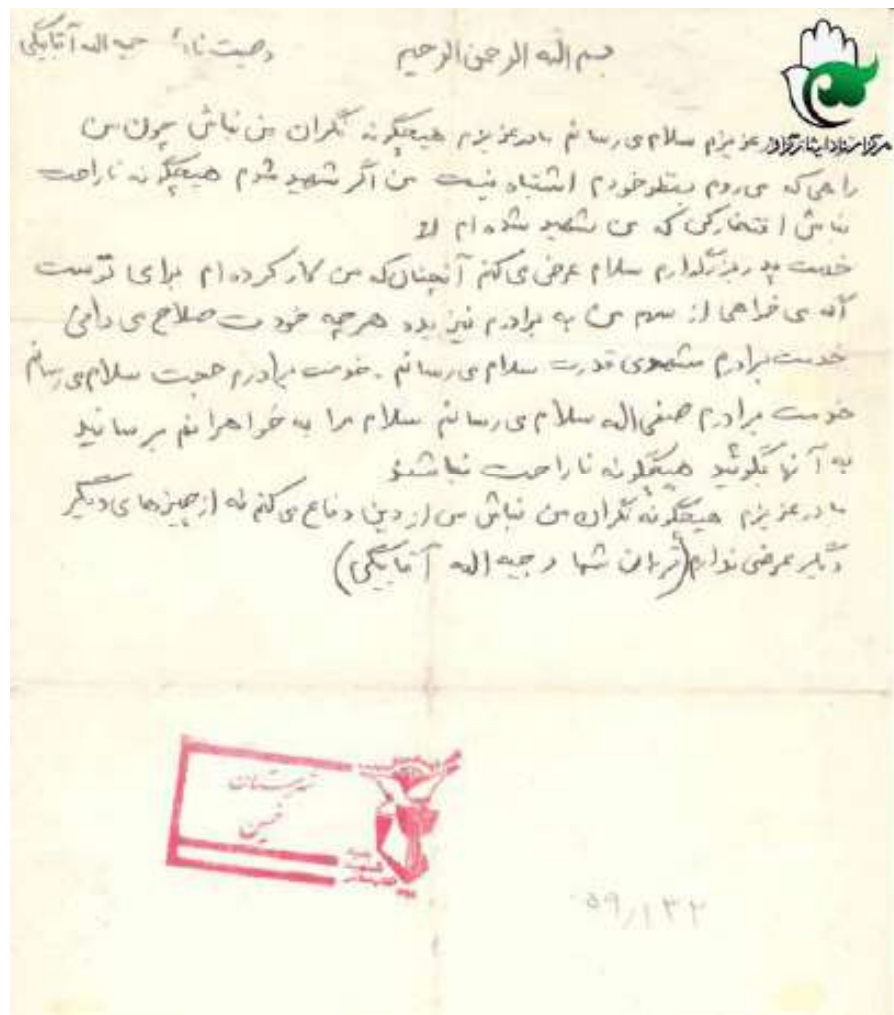
خدمت برادرم مشهدی قدرت سلام می‌رسانم. خدمت برادرم حجت سلام می‌رسانم. خدمت برادرم صفی الله سلام می‌رسانم. سلام مرا به خواهرانم برسانید. به آنها بگویید هیچ گونه ناراحت نباشند.

مادر عزیزم! هیچ گونه نگران من نباش، من از دین دفاع می‌کنم نه از چیزهای دیگر.

دیگر عرضی ندارم.

قربان شما

وجیه الله آقا بیگی



محمد آقاییان



نام: محمد

نام خانوادگی: آقاییان

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۵/۲۲

محل تولد: روستای قورچی باشی از توابع شهرستان

خمین

نام پدر: رضا

نام مادر: معصومه

تحصیلات: اول راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۶/۱۸

محل شهادت: اشنویه

نحوه شهادت: اصابت گلوله به شکم

محل دفن: روستای قورچی باشی

گلچین وصیت نامه

◀ شهادت من باعث افتخار شماست که چنین فرزندی را در این زمان به راه خدا هدیه کردید.

◀ مادر عزیزم! تنها خواهش من از شما این است که زیاد صبور باشید و سختی در خودتان راه ندهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

با درود و سلام به پشگاه مقدس ولیعصر امام زمان (عج) و نائب برحق آن امام یعنی امام خمینی و با درود و سلام فراوان به شهداء راه حق و حقیقت و راه شرف و فضیلت که با خون سرخ خود درخت تنومند اسلام را آبیاری نمودند و برای اسلام عزیز و ایران بزرگ افتخار آوردند. با درود بی‌پایان بر امت اسلامی که با حضور خودشان در صحنه پیروزی اسلام را امضاء نمودند و به ندای امام عزیزشان لبیک گفتند، وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم

امیدوارم که با خون خودم بتوانم همچون باران، درخت انقلاب اسلامی را آبیاری کنم. پدر و مادر عزیزم، امیدوارم که مرا حلال کنید، چون نتوانستم آن‌طور که شما می‌خواستید به شما خدمت کنم و اگر از من بدی و ناراحتی دیدید از شما خواهانم که به بزرگواری خودتان فرزند سر و پا تقصیر خود را ببخشید. و چون من نزد شما امانتی بیش نبودم، شهادت من باعث افتخار شماست که چنین فرزندی را در این زمان به راه خدا هدیه کردید.

و باری مادر عزیزم! تنها خواهش من از شما این است که زیاد صبور باشید و سختی در خودتان راه ندهید و اگر به حرف شما گوش نکردم و یا عملی از من سر زد که موجب ناراحتی شما گشته، امیدوارم مرا حلال کنید.

مادر عزیزم و همچنین پدر گرامی! بلی چنین است دنیا. از خواهران و برادران

کوچکم می‌خواهم که مرا حلال کنند.

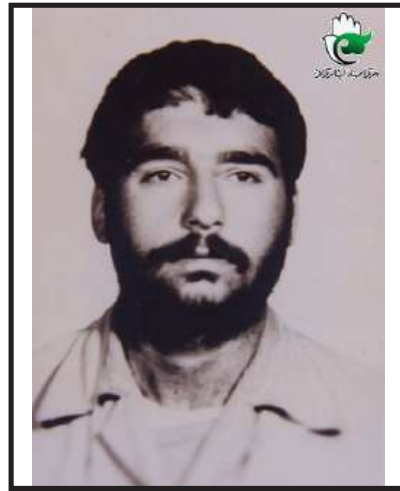
همسرم! اگر برای تو شوهر خوبی نبودم از تو می‌خواهم که صبور باشی و مرا حلال کنی. در ضمن تکلیف شما با پدرم هست، هر طور که پدرم صلاح می‌داند همان‌طور رفتار کنید.

و از تمام اهل فامیل و تمام همسایگان اظهار حلالیت می‌طلبم. امیدوارم که همین چند کلمه شما را خشنود کرده باشد. در ضمن مجلس ختم را خیلی خیلی باشکوه بگیرید به یاد شهید وجیه الله آقایگی.

والسلام

شهید سرباز محمد آقایگان

اکبر آقاجانی



نام: اکبر

نام خانوادگی: آقاجانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۱/۹

محل تولد: روستای طایقان از توابع شهرستان

محلات

نام پدر: علی اصغر

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۳/۱

محل شهادت: قصر شیرین

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای طایقان

گلچین وصیت نامه

◀ آگاه باشید که من به اجبار کسی به جبهه‌های حق علیه باطل نرفته‌ام، با شرکت در نماز جمعه به خود آمدم و برای جبران اعمال گذشته‌ام با خود عهد نمودم که با اعزام به جبهه‌های جنگ و شهادت در راه اسلام شاید خداوند از سر تقصیراتم که در اثر ناآگاهی و نداشتن سواد بوده بگذرد.

◀ از خواهرانم می‌خواهم که از انقلاب و اسلام پشتیبانی کنند و ادامه‌دهنده راه من باشند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان بهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون وعدا عليه حقا في التوراه والانجيل والقران و من اوفى بعهد من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم»^۱.

«همانا خداوند جان‌ها و مال‌های مؤمنین را به بهای بهشت خریداری کرده است و مؤمنین که به راه خدا جهاد می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند این وعده قطعی و حتمی خداست که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و از خدا با وفاتر به عهد و پیمان کیست؟ برای مجاهدین فی سبیل الله العظیم».

ملت بزرگ ایران و فرزندان اسلام، به شما سلحشوران افتخار می‌کند. (امام خمینی)

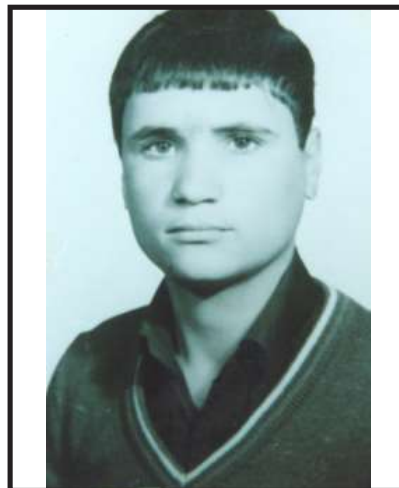
با درود و سلام بر امت مسلمان و رهبر کبیر انقلاب و شهیدان راه حق. خانواده و امت شهیدپرور ایران! آگاه باشید که من به اجبار کسی به جبهه‌های حق علیه باطل نرفته‌ام، چون من اصولاً در گذشته زیاد اشتباه کرده‌ام. با شرکت در نماز جمعه به خود آمدم و برای جبران اعمال گذشته‌ام با خود عهد نمودم که با اعزام به جبهه‌های جنگ و شهادت در راه اسلام شاید خداوند از سر تقصیراتم که در اثر ناآگاهی و نداشتن سواد بوده بگذرد.

و اما وصیت‌نامه اینجانب علی‌اکبر آقاجانی، فرزند علی‌اصغر، متولد ۱۳۴۰.

۱. آیه ۱۱۱، سوره توبه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ: هَمَانَا خُدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند پس به قتل می‌رسانند و کشته می‌شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا باوفاتر به عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است».

- ۱- در صورت امکان مرا به زادگاهم (طایفان) برده و پهلوی قبر شهید رحمت الله غصنفری دفن نمایید.
 - ۲- از مال دنیا چیزی ندارم که قابل وصیت باشد و چنانچه چیزی وجود دارد برابر قانون شرع مقدس اسلام عمل شود.
 - ۳- از پدرم که در گذشته او را زیاد اذیت کرده‌ام و گاهی نیز رنج داده‌ام می‌خواهم که از تقصیرات من بگذرد و مرا ببخشد.
 - ۴- هم چنین از مادرم که برایم رنج و زحمت فراوان کشیده، از او ممنونم و تقاضا دارم که برایم زیاد ناراحت نشود و مرا عفو نماید.
 - ۵- از کلیه بستگان خصوصاً اهالی طایفان تقاضا دارم که اگر به آنها بدی کرده‌ام مرا حلال نمایند و بدی مرا به بزرگی خودشان ببخشند.
 - ۶- چون برادری ندارم، از خواهرانم می‌خواهم که از انقلاب و اسلام پشتیبانی کنند و ادامه‌دهنده راه من باشند.
- خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

رضا آقاجانی



نام: رضا

نام خانوادگی: آقاجانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۲

محل تولد: روستای بیوران از توابع شهرستان ساوه

نام پدر: علی اصغر

نام مادر: زهرا

تحصیلات: دوره ابتدایی

شغل: کشاورز

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۳/۱۱

محل شهادت: بانه

نحوه شهادت: اصابت گلوله

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان ساوه

گلچین وصیت نامه

❖ مادر جان! تو باید زینب وار این پیام اسلام و پیروزی مسلمین را به گوش تمامی کشورهای اسلامی برسانی.

❖ همچنان پشتیبان این رهبر عزیز و انقلاب باشید.

❖ تو نیز ای همسنگر و همکلاسی! بعد از رسیدن من به آرزویم اسلحه ام بردار و خون تمامی شهیدان را از منافقین بعی بگیر.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بیکران بر آقا امام زمان، کوبنده ستمگران، مهدی قائم [و] نائب برحقش امام خمینی، یاری‌دهنده اسلام و مسلمین. و درود بیکران بر شهیدان گلگون کفن انقلاب اسلامی ایران و معلولین و مجروحین که خون‌هایشان را در زمین کربلای حسین ریختند.

وصیتی که به مادر عزیز و مهربانم دارم این است که، مادر زحمت کشیده‌ام! من تو را به خون شهیدان و تو را به خدا قسمت می‌دهم که برای رضای خدا مرا ببخش که ۱۶ سال تمام، زحمت مرا کشیدی ولی من نتوانستم جبران زحمتهایت را بکنم. و خیلی از تو ممنونم که مرا در این راه پرثمر فدای اسلام کردی و خود اجازه دادی که من تکلیفی را که بر گردن دارم، ادا نمایم.

مادر عزیزم! مرا در این لحظه حلالم کن و از گناهانم بگذر. مادر جان! تو باید زینب‌وار این پیام اسلام و پیروزی مسلمین را به گوش تمامی کشورهای اسلامی برسانی.^۱ و همچنان پشتیبان این رهبر عزیز و انقلاب باشید که خداوند در قرآن می‌فرماید حق همیشه پیروز است.

و تو نیز ای همسنگر و همکلاسی! بعد از رسیدن من به آرزویم اسلحه‌ام بردار و خون تمامی شهیدان را از منافقین بعثی بگیر. والسلام. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

۱. اصل: برسان.


۱۴۰۰

فاضلات در سبب اللّٰهُ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 سلام و درود بر بزرگواران و سران و مجتهدان
 و ان دینیه و غیره و ان سبب و ان سبب
 و ان سبب و ان سبب و ان سبب و ان سبب
 سلام و درود بر بزرگواران و سران و مجتهدان
 و ان دینیه و غیره و ان سبب و ان سبب
 و ان سبب و ان سبب و ان سبب و ان سبب
 سلام و درود بر بزرگواران و سران و مجتهدان
 و ان دینیه و غیره و ان سبب و ان سبب
 و ان سبب و ان سبب و ان سبب و ان سبب

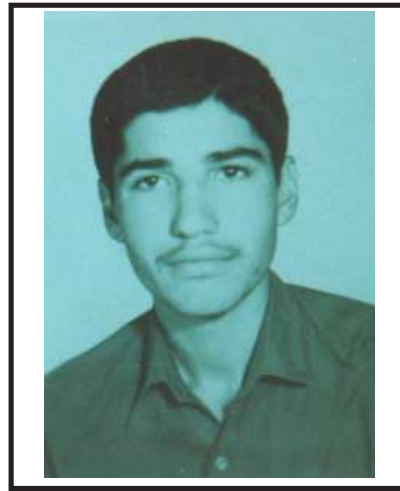
۱۵۱

تواضعیات
 عزیزم این است که در
 نصرت کشته شدن تو بگویم و این
 مقدر و جدا افتد و هم به این
 راه است و هر چه باشد که
 تا هر چه را که در دست
 توانم بیاورم از تو حجت عاقلانه
 بخواهم و تو هم هر چه را که در این راه
 بخواهی منم و هر چه در دست
 بخواهی و او که منم و هر چه

محمد رضا شاه

لایحه در بر سر این خط حکم کن و اثر لایحه را بپذیر
 لایحه تو بفرست و بر این پیام اسلام و پیروزی
 سلطنت را بر لایحه تمام کشورهای اسلام برسان و حقیقتان
 حقیقتان این را به هر عزیز ما تقدیم بکنید که نخواهد بود
 زان حاکم باید حق حقیقت و پیروزی را بپذیرد
 پیروزی و حاکم این جعد از یکدیگر من به آخرت و اسلام
 بگذار و خون تمام حقیقتان را از منافقین بپذیر
 لایحه اسلام بر این لایحه تا انقلاب مهدی ظهور


علیرضا آقاخانی



نام: علیرضا

نام خانوادگی: آقاخانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۲/۱

محل تولد: روستای خیرآباد از توابع شهرستان

اراک

نام پدر: عبدالله

نام مادر: طاهره

تحصیلات: دانش آموز چهارم متوسطه (رشته ریاضی)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۴

محل شهادت: جزیره وارین

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

محل دفن: روستای خیرآباد

گلچین وصیت نامه

◀ جنگ سختی دارد، خسارت دارد و همه اینها را من به خاطر خدا نه برای ریا، به

جبهه رفتم، کار من به خاطر خدا بوده [است].

◀ راه حق و حقیقت را پیشه زندگی خود کنید.

◀ امیدوارم که شما و فرزندانان ادامه دهنده خون شهدای اسلام باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند
عتاب یار پری چهره عاشقانه بکش
که یک کرشمه تلافی صد جفا بکند»^۱
با سلام و درود به یگانه منجی عالم بشریت و یگانه رهرو راه حق و حقیقت. و با
سلام و درود به رهبر انقلاب اسلامی ایران که انقلاب اسلامی را در جهان زنده کرد.
و با سلام و درود بر سنگرسازان بی‌سنگر و مرغان در بند و پا شکسته‌شدگان در بند
بیمارستان و صاحبان یاران امام و وارثان عاشقان حسینی. و با سلام و درود بر کسانی
که در راه خدا قدم برداشته و پیرو حق و حقیقت هستند.
آری! این بار دومی است که قلم را به دست گرفته و روانه کاغذ می‌کنم. این حقیر
کوچک‌تر از آن است که بتواند شما را نصیحت کند^۲، لیکن این وظیفه همه ماست
تا آنچه را که در دل نهان کرده در موقع وداع به یاران و یاوران امام و خانواده عزیز
عرض کنیم. امیدوارم که این کلماتی که گفته می‌شود، فقط آن را به بازیچه نگرفته و
نگویید این فرد منافق (دورو) بوده، من آنچه نسبت به خانواده می‌گویم حقیقت دارد و
امیدوارم آنها را به دقت عمل کنید:

خطاب به پدر بزرگوارم:

ای پدر! دل من خون است و می‌دانم دل شما هم پر از خون. ای پدر! می‌دانم از
لحاظ ظاهر من از شما راضی نبودم و شما هم از من، و می‌دانم قلب من عشق به تو را
دارد و قلب تو عشق به من. اگر می‌شد ما با هم در کنار هم زندگی می‌کردیم، ولی

۱. شعر از حافظ است. در اصل وصیت به این صورت آمده است: «دلا بسوز که سوز تو کارها بکند، دعای نیم شب رفع صد
بلا بکند، عتاب یار پری چهره عاشقانه بکش، که یک کرشمه تلافی صد جفا بکند».

۲. اصل: کنم.

چرخ زمان گویی همه را رها کرده و دست به گریبان ما شده، چه بگویم؟ خلاصه من در این لحظات آخر، هنگامی که قلم را به دست گرفته و با شما سخن می گویم چشمانم پر از اشک و دلم پر از عشق و محبت است.

ای پدر مهربان! این حقیر از زمانی که از هم جدا شدیم، صدها گرفتاری داشتم لیکن^۳ در دل نهان می کردم تا حالا. امیدوارم از موقعی که از هم جدا شدیم تا حالا اگر ناراحتی، عصبانی و ... از من داشتید همه آنها را به دور بریزید و مرا مورد عفو خود قرار دهید. از زمانی که ما از هم جدا شدیم، می دانم به شما نامهربانی کردم. می دانم غیبت شما را کردم و...

ای پدر! چه بگویم؟ از کجا بگویم؟ و چگونه بگویم؟ حرف اول و آخر من این است، اگرچه عواملی باعث شد ما در کنار هم زندگی نکنیم و نسبت به هم خشمگین شدیم، [ولی] امیدوارم که مرا ببخشی. من هم اگر از شما کوتاهی سرزده می بخشم و تمام گذشته را نادیده می گیرم و از شما هم عاجزانه تقاضا دارم مرا ببخشی و باشد تا خدا هم از گناهان این دو بگذرد.

خطاب به برادران و خواهران:

به برادر بزرگم محمد سلام عرض می کنم. کسی که برای من زحمت کشید و مرا با راهنمایی خود تا به این مرحله رساند. امیدوارم که از دست من ناراحت نباشد، چرا که پیامبر فرمود: اگر علم با ایمان نباشد فایده ندارد. من هم نمی توانستم به کلاس بروم^۴ و بینم عزیزانی از ما در جبهه های حق علیه باطل به شهادت می رسیدند. ای برادر! این یک امتحان بود و همان طور که در زمان پیامبر کسانی بودند و می گفتند ما زن داریم، بچه داریم، گرفتاری داریم و مثل من درس داریم و ما را از جنگ معاف بگردان. جنگ سختی دارد، خسارت دارد و همه اینها را من به خاطر خدا نه برای ریا، نه برای اینکه بگویند فلانی جبهه رفته و نه به خاطر قبولی در کنکور و امثال آن به جبهه

۳. اصل: لاکن.

۴. اصل: برم.

۵. اصل: رجیا.

رفتم، کار من به خاطر خدا بوده [است].

و اگر در ظاهر از من بدی، ناراحتی دیدید و من همیشه مزاحم شما بودم. امیدوارم که مرا ببخشید و راه حق و حقیقت را پیشه زندگی خود کنید. و در آخر از محمد و خانواده‌اش معذرت می‌خواهم که باعث ناراحتی برای آنها شدم. امیدوارم که شما و فرزندان‌تان ادامه‌دهنده خون شهدای اسلام باشید.

به دیگر برادرم سلام عرض می‌کنم و امیدوارم که هرچند زحمات زیادی برای من کشیدند و من نتوانستم جبران آن را بکنم، مرا ببخشید. و اگر ناراحتی و بدی از من دیدید^۶ مرا ببخشید. البته من که از شما راضی هستم، امیدوارم که شما هم از من راضی باشید. باشد تا خدا هم از خطاهای ما بگذرد و از ما راضی و خشنود باشد.

به خواهرم طیبه و خانواده‌اش و بچه‌هایش سلام می‌رسانم. امیدوارم اگر ناراحتی و بدی از من دیدید ببخشید، باشد تا خدا هم از ما بگذرد. و سلام به خانواده خواهرم حلیمه و فرزندان‌ش. امیدوارم که مرا ببخشند، هر چند که من زیاد مزاحم شما شدم لیکن از این حقیر گذشت کنید و مرا ببخشید، باشد تا خدا هم از ما بگذرد. و سلام به خانواده خواهر دیگرم پری و بچه‌هایش، امیدوارم حال شما خوب باشد و اگر ناراحتی و بدی از من دیدید مرا مورد عفو خود قرار دهید، باشد تا خدا هم از ما بگذرد.

و خطاب به جعفر آقا و خانواده‌اش، امیدوارم که همان‌طور که زیاد باعث ناراحتی و مزاحم شما شدم، مرا مورد عفو خود قرار دهید، چرا که من از شما راضی هستم و امیدوارم که شما هم از من [....]^۷.

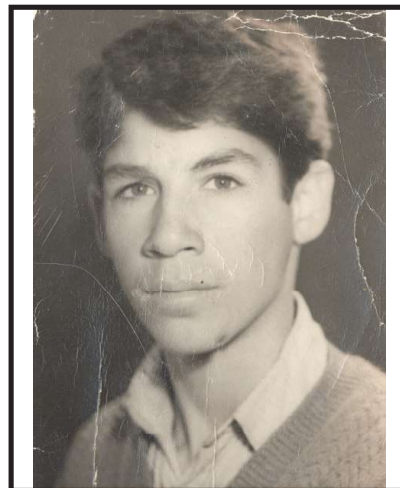
۶. اصل: دیدی.

۷. ادامه وصیت در دسترس نیست.

[illegible]

[illegible]

محمد آقاخانی



نام: محمد

نام خانوادگی: آقاخانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

محل تولد: روستای خیرآباد از توابع شهرستان

اراک

نام پدر: اسدالله

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۷

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: جاویدالاثَر

گلچین وصیت نامه

- ◀ شما را توصیه می کنم به تقوا و عمل صالح.
- ◀ از برادرانم خواهانم که در مسائل انقلاب شرکت کنند و برای مملکت اسلامی فعالیت کنند و جبهه را از یاد نبرند و هر موقع که احتیاج باشد دریغ نورزند.
- ◀ از خواهرانم مسئلت دارم که زینب گونه راه شهیدشان را ادامه دهند و عفت اسلامی را و حجاب را کاملاً رعایت کنند.
- ◀ دعا به جان امام را فراموش نکنید و به فرمایشات او گوش فرا دهید.
- ◀ همیشه سعی کنید که الگوی اخلاق اسلامی باشید تا دیگران هم از شما درس اخلاق بگیرند.

باسمه تعالی

وصیت‌نامه شهید محمد آقاخانی:

اینجانب محمد آقاخانی، وصیت‌نامه‌ام را با اقرار بر وحدانیت خداوند و شهادت به رسالت پیامبر اکرم (ص) و ولایت ائمه آغاز می‌کنم. امیدوارم از خداوند متعال که درجه رفیع^۱ شهادت را اگر مصلحت باشد به این عبد کوچک عنایت بفرمایند. چون دنیا برای بندگان خدا جای خوبی نیست. دنیایی که همه معصیت باشد، چطور انسان قبول درنگ فرماید. آخرت جای ابدی ماست و باید با دستی پر به سوی مقر اصلی کوچ کنیم.

مردم! شما را توصیه می‌کنم به تقوا و عمل صالح.
«...فان خیر الزاد التقوی...»^۲.

در عالم ملکوت فقط تقوی به کار انسان می‌آید. در قیامت دیگر فرزند و مال و مادیات هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید.
«یوم لا ینفع مال ولا بنون»^۳.

شهادت را قبول کرده‌ام، چون می‌خواهم راه حسین (ع) را ادامه دهم و دوست دارم که در کنار ابا عبدالله الحسین (ع) متنعم باشم.
از پدر و مادرم می‌خواهم که در شهادت من صبر کنند، چون صبر اجری است

۱. اصل: رفیع.

۲. بخشی از آیه ۱۹۷، سوره بقره: «الْحَجُّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ: حج در ماه‌هایی معین است، پس هر که در این ماه‌ها حج می‌گزارد بایست آن‌چه میان زن و شوهر رواست ترک کند و کار ناروا را ترک کند و مجادله نکند، و شما هر کار نیک کنید خدا بر آن آگاه است و توشه بگیرید که بهترین توشه این راه تقواست و از من پروا کنید ای صاحبان عقل».

۳. آیه ۸۸، سوره شعراء: «آن روزی که مال و فرزندان سود نبخشند».

عظیم و هر وقت که می‌خواستید گریه کنید به یادم، به یاد امام حسین (ع) گریه کنید. چون بدن من را کسانی هستند که تشیع کنند، ولی بدن امام حسین (ع) چند روز در هوای گرم کربلا ماند و کسی نبود که تشیع کند پیکرش را.

از برادرانم خواهانم که در مسائل انقلاب شرکت کنند و برای مملکت اسلامی فعالیت کنند و جبهه را از یاد نبرند و هر موقع که احتیاج باشد دریغ نورزند. از خواهرانم مسئلت دارم که زینب‌گونه راه شهیدشان را ادامه دهند و عفت اسلامی را و حجاب را کاملاً رعایت کنند و در شهادت ما اگرچه مرگ برادر سخت است، ولی در شیون و زاری نکنند.

دعا به جان امام را فراموش نکنید و به فرمایشات او گوش فرا دهید و با جان و دل فرمانبردار او باشید. دوستان عزیزم! به شما نصیحت می‌کنم که بعد از شهادت من هیچ موقع امام و انقلاب را فراموش نکنید و همیشه سعی کنید که الگوی اخلاق اسلامی باشید تا دیگران هم از شما درس اخلاق بگیرند. چون در این موقع به وسیله اخلاق اسلامی است که می‌توان افرادی را که خدایی ناکرده از خط انقلاب انحراف پیدا کرده‌اند ساختشان و تحویل جامعه‌شان داد.

و از تمام مردم ایران می‌خواهم که دعا به جان رهبر و رزمندگان را فراموش نکنید و از خدا بخواهید که با فرج آقا امام زمان (عج) و با ظهورش ریشه ظلم را از روی زمین برکند.

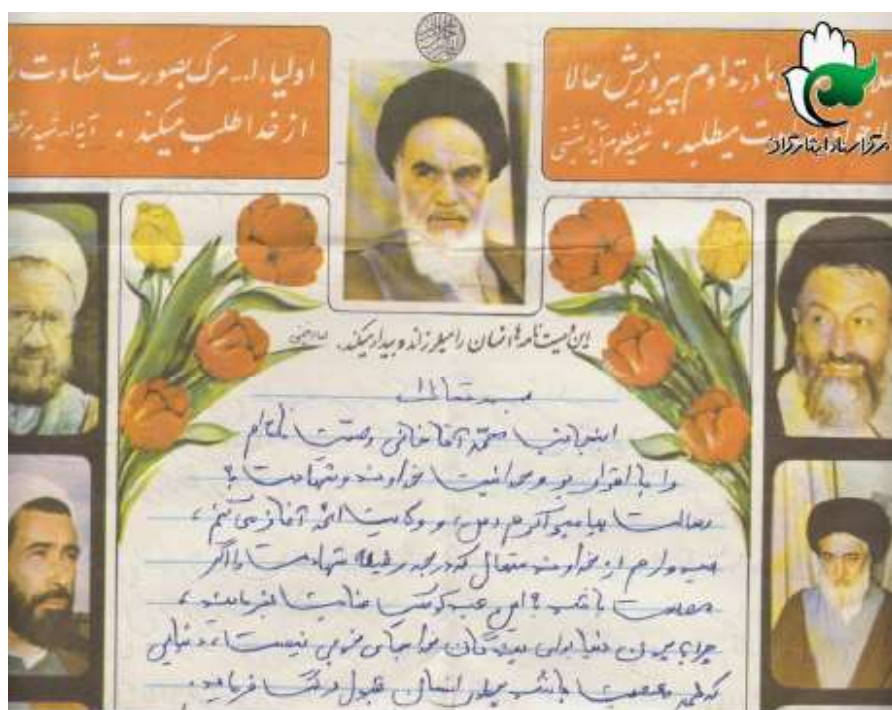
والسلام علیکم ورحمه‌الله.




محمد آقاخانی

امضاء^۴

مورخه ۶۴/۱۱/۱۲

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.










بسم الله الرحمن الرحیم

مردم تقی‌عالمه صد جانم با حق تعالی و عمل صالح لایق غیر الزاد الحق تعالی
در عالم و ملکوت فقط حق تعالی ببار انعام من کید در قیامت کمتر
فرموده و مال و مایهات هم کار می‌آوردستند من آنکه
میجویم لا ینفع مال و لا نفوس

شهادت قبول کردم میگویند من خودم را که محمد بن ابراهیم و ابراهیم و حمزه
و در صفت اهل حق که در کتاب ابا عبد الله العباسی (ع) معتقد باشم

از خود و مادر من خودم که در شهادت من می‌کنند میگویند من
امیر است و منم و وطن و منم که در خود اعتقاد کرده‌ام که منم
ایمانم و به یاد ایاام حسن و بر گرفته‌ام و بگوید بگوید من
ما که منی که شهادت که کشیدند و منی که ایاام حسن و بر گرفته
روز خرداد امیر گرام که منم که کشیدند و منی که کشیدند که منم که کشیدند

دفتر تبلیغات محمد ابراهیم علی

اصفهان

[illegible]

ابوالفضل آقازیارتی



نام: ابوالفضل

نام خانوادگی: آقازیارتی

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۶/۱

محل تولد: روستای آقازیارت از توابع شهرستان

تفرش

نام پدر: عنایت‌الله

نام مادر: مریم

تحصیلات: سواد خواندن و نوشتن

شغل: کشاورز

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱/۲۶

محل شهادت: جزایه

نحوه شهادت: اصابت گلوله

محل دفن: روستای آقازیارت

گلچین وصیت‌نامه

- ✧ اگر شهادت نصیب من شد، شهادت به خرج بدهید، گریه نکنید.
- ✧ همیشه به یاد خداوند متعال باشید.
- ✧ هر وقت دلتان گرفت به یاد کربلا باشید و به یاد کربلای ایران.
- ✧ ما خونمان از آنهایی که شهید می‌شوند رنگین‌تر نیست.
- ✧ برادر جان! با بچه‌ها خوش رفتاری کن، با مادرم خوش رفتاری کن.

باسمه تعالی

خدمت مادرم و برادرم سلام. پس از عرض سلام امیدوارم که در همیشه اوقات شاد و خرم باشید^۱. و در ضمن مرا حلال کنید، من نتوانستم بیایم خدا حافظی بکنم. تنها من نیستم که در راه حق شهید می شوم، تمام جوانانمان^۲ اسیران در جبهه ها هستند. اگر شهادت نصیب من شد، شهادت به خرج بدهید، گریه نکنید و در ضمن تمام بدهکاری هایم را بدهید. سهم زخم را بدهید و از پسر ابراهیم نگهداری کنید. از باقیمانده مالم خرج دفن و تمام خرج کردتان را بردارید. و سلام مرا به تمام دوستان برسانید و از همه شان حلالی بگیرید. و سلام مرا به خواهرم سکینه برسانید و امیدوارم که خواهر جان مرا حلال کنید و همیشه به یاد خداوند متعال باشید و هر وقت دلتان گرفت به یاد کربلا باشید و به یاد کربلای ایران. و ما خونمان از آنهایی که شهید می شوند رنگین تر نیست. و در ضمن برادر جان! با بچه ها خوش رفتاری کن، با مادرم خوش رفتاری کن. و تمامتان را به خدای بزرگ می سپارم. شب بخیر. خدا حافظ.

[به] امید^۳ پیروزی اسلام بر کفر.

۶۰/۱۱/۲۲

ابوالفضل - امضاء^۴

۱. اصل: باشد.

۲. اصل: جوان مان.

۳. اصل: عمید.

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم تعالی
 ۱۱
 قسرت معلوم و برادرم سلام بنی از عرض
 سلام علیهم السلام ^{نوفات} برادر همیشه و وفات شاد و سرور با شکر
 و در ضمن مرا طلال کنید من متواضعم بیایم کار
 با فضل بکنم تنهایی نیم سوره راه حق شکر
 می شویم تمام جوانان که ایران در پیوسته با
 هشتاد و شهادت نهج من شکر تمام
 بخیر برادر عزیز و بکثیر و در ضمن تمام برادران
 ما برادر همه سهم زخم را برادر همه و از پس ابراهیم
 نگه دارن کنید از باقیس ما شده عالم فرج در ضمن
 و تمام فرج کرد تان را برادرید و سلام مرا
 تمام دوستان بر ما نیز و از هشتاد و طلالی

بسم الله الرحمن الرحیم
 ۱۵
 و بعد از این که خواهر جان مرا حلال کنید و وصیت
 بیهاد شو و نیز حقان باشد و هر وقت در مکان
 گرفتار بودم که بلا باشد و بیهاد شو و بلا را بیزان
 و با خودم از آنجا که خودم می شوم و بگن
 تر نیز در ضمن برادر جان با خودم و خوش و بخار
 کنم بگذارم خوشی و خند و ~~و تمام~~ تمام جان را
 بخندل بزرگ می سپارم بشما بفر
 فراموشنا عهد پیروز دل اسلام به کفر
 بهت ۱۱/۲۲/۶ حسن سلیم ششانی

علی آقازیارتی



نام: علی

نام خانوادگی: آقازیارتی

تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۸/۱۳

محل تولد: روستای کودزر از توابع شهرستان

اراک

نام پدر: رجبعلی

نام مادر: مریم

تحصیلات: بی سواد

شغل: معمار

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۹

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای کودزر

گلچین وصیت نامه

◀ ان شاء الله هرچه زودتر لشکر اسلام بر کفر صدامی پیروز شود. و ما با سرافرازی کامل به وطن خودمان بیایم.

باسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوندا! به امید تو. فعلاً^۱ در لشکر اسلام با کفر جهانی در نبرد هستیم، ان شاء الله هرچه زودتر^۲ لشکر اسلام بر کفر صدامی پیروز شود. و ما با سرافرازی کامل^۳ به وطن خودمان^۴ بیاییم.

از طرف [...] مال و دارایی برای بچه‌ها مساوی تقسیم شود. و زن هم حق خودش ببرد و یک قلعه باغ به خودش دادم.

و با درود^۵ به امام زمان (عج) و نائب برحق او و بر تمام رزمندگان اسلام و از خداوند بزرگ هرچه زودتر می‌خواهم [...] لشکر پیروز با سرافرازی و ما هم دوباره به آغوش زن و بچه‌های خود برگردیم.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.

علی آقازارتی

اراک، فراهان، روستای کودزر

امضاء^۸

۱. اصل: فعلاً.

۲. اصل: زوتر.

۳. اصل: کمال.

۴. اصل: خودما.

۵. خوانا نیست.

۶. اصل: دورد.

۷. خوانا نیست.

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم
 وصیفته هم آقازارتی
 بسم الله الرحمن الرحيم خداوندای ابدی تو، خدا در شکر اسلام، بکر جهان
 در نزد همین انسان هر چه دورتر شد اسلام بر کفر همه اگاه می شود
 دنیا، بهر احوال که باشد به وطن خود باقی می آید و این که مال دنیا را بر کمال آنچه
 صادر شدیم که در آن هم خدا خود را بر روی یک نقشه نام بخور که دارم
 دنیا در دلهای امام زمان و نابیب بر خیزد او در تمام روز منتهای اسلام
 بلکه خداوند بزرگ و صیرورتر که خواهم از حق شکر بگویم: هر ازادای
 ما هم همراهی - اگر شکر در دل و کجبه / فواید پروردگار
 خداوند خداوند انقلب همه عینی را نگه دار
 آقازارتی ارادت فراوان دوستی کرد روز
 (مهر)

محمود آقازیارتی



نام: محمود

نام خانوادگی: آقازیارتی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل تولد: روستای آقازیارت از توابع شهرستان

تفرش

نام پدر: علی اصغر

نام مادر: ثریا

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۶/۱۹

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به پهلوی و

سینه

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ◀ خواهرم! سیاهی چادر شما کوبنده تر از سرخی خون من است.
- ◀ دخترم زهرا را طوری تربیت بنمایی که زینب وار تحویل جامعه بدهی.
- ◀ از دعا کردن امام و از ظهور کردن حضرت مهدی (عج) کوتاهی نفرماید.
- ◀ از امام حسین بخواهید که آن هم از خداوند بخواهد این شهیدان را از شهیدان صدر اسلام قرار بدهد.
- ◀ شما برادران هم ادامه دهنده این راه باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله القاسم الجبارين

وصیت‌نامه محمود آقا زیارتی:

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.
 «مپندارید آنهایی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه آنها زنده‌اند و در نزد پروردگار خودشان روزی می‌خورند».
 و دیگر اینکه مگویید آنها که در جبهه‌ها کشته شده‌اند ندانسته و نفهمیده خود [را] فدای مردن کرده‌اند، بلکه آنها راه صحیح خود را انتخاب نموده و با خداوند عالم خلق دو جهان راز و نیاز نموده و به مهمانی خداوند شتافتند و به لقاءالله پیوسته‌اند و این انتخاب کورکورانه نبوده و خیلی عاقلانه می‌باشد.
 و به قول امام عزیزمان آنها که در راه دین و قرآن کشته شده‌اند، شهید هستند و شهید موقعی که بر زمین می‌افتد و خون از بدن مبارکش بیرون می‌آید تمامی گناهان او آمرزیده^۲ می‌شود از طرف حق تعالی.
 و دیگر اینکه مادر عزیزم امیدوارم که از فراغ من ناراحت نباشید و اگر شهادت نصیب من شود که این تنها آرزوی من بوده است و افتخار آن در دنیا و آخرت برای شما. و اگر جنازه من را آوردند که سر در بدن نداشتم یا دست در بدن نداشتم و یا بهتر بگویم تمام گوشت‌ها و استخوان‌های بدنم را تکه تکه^۳ کرده بودند، نگران نباشید.

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۲. اصل: آموزنده.

۳. اصل: تیکه تیکه.

چون که این راه را امام حسین (علیه السلام)^۴ برای ما در مکتب خود آموخته است و اگر این پیشامدهایی که ذکر شده است نصیب من شود، نگران نباشید. چون که شما مادر عزیز و اهل و عیال من در آسایش زندگی می‌کنید مثل اهل و عیال امام حسین (علیه السلام) اسیر نگشته و خیمه‌ها را بر سرتان خراب نکرده‌اند و در زیر پرچم سرخ «لا اله الا الله»^۵ زندگی می‌کنید.

و برادر عزیزم! تنها آرزوی من شهادت بوده است، اگر خداوند قبول کند امیدوارم مثل یک کوه محکم و استوار بایستی^۶ [و] گریان نشوی و استقامت خود را در مقابل کفرستیزان^۷ و خودفروختگان و منافقین نشان بدهی و کمر آنها را بشکنی و همیشه در صحنه باشی که راه این شهیدان را ادامه بدهی.

و برادرم! از شما تقاضا دارم که به علت سوگواری اینجانب از استفاده کردن از چهل چراغ و یا علامت و تشریفات خودداری بنمایید و [از] استفاده از نوارهایی که صدای آنها بلند و باعث آزردهی مردم باشد، خودداری بنمایید.

فقط تقاضا دارم هدف را دنباله‌رو باشید. و شما ای خواهرانم! در فراق^۸ من غم و اندوه نخورید و گریان نشوید، می‌دانم گریان می‌شوید نور چشمانم. ولیکن در مقابل هیچ کسی اظهار نگرانی ننمایید. اگر برادران شهید شده است، برادر دیگری دارید و شما چادر سیاه و حجاب اسلامی را بر سر بکشید و چشم دشمنان را کور و تن آنان را به لرزه درآورید، همان‌گونه که گفته‌اند، خواهرم! سیاهی چادر شما کوبنده‌تر از سرخی خون من است.

[...] می‌دانم که در فراق من غم و اندوه شما زیاد می‌شود. امیدوارم نگران نباشید و غصه نخورید. و امیدوارم که حق خود را برای من حلال بنمایید. و دیگر اینکه دخترم زهرا را طوری نوازش بنمایید که اظهار یتیمی ننماید و طوری تربیت بنمایید که

۴. اصل: علیهم و السلام.

۵. اصل: لا اله الا الله.

۶. اصل: به ایستی.

۷. اصل: کفر ستیزان.

۸. اصل: فراغ (همه جا اصلاح شد).

۹. خوانا نیست.

[...] «زینب وار تحویل جامعه بدهی. و در موقع مدرسه به مدرسه بفرستید و یاد گرفتن درس قرآن را به عهده عمومی عزیزش اسماعیل می‌گذارم، چون که هم عمویش علاقه زیادی به زهرای من دارد و آن هم عمویش را دوست دارد. و اگر از بچگی به حرف من و شما گوش نمی‌کرد، دستورات عمویش را اجرا می‌کرد.

و در موقع مجلس ختم، آن چادر سیاهش را بر سرش می‌اندازید و در بین مادرم و خواهرانم و خودت می‌نشانید تا آنکه به او هم^{۱۱} تسلیت بگویند و فقط ثمره عمر من فعلاً این یک دختر بچه است که یادگار من است و هر موقع من را خواستید، بچه‌ام [را] بغل بگیرد. ای برادرم و ای مادرم و ای خواهرانم و ای همسرکه بچه‌ام بوی من را به شما خواهد داد.

و از شما برادرم می‌خواهم بعد از من مبلغ یک هزار تومان بدهید فقط قرآن مجید و مفاتیح الجنان برای مسجد صاحب الزمان بگیرید و هدیه بنمایید. و دیگر اینکه یک قفسه کتابخانه بدهید از چوب خیلی خوشگل عباس یا عابدین آقازیرتی بسازد و رنگ‌کاری بنمایید و اهداء مسجد بنمایید. و مقدار ۲۹ کیلو پروفیل برای مسجد بدهکار هستم که قرار بود یک عدد درب ورودی بسازم و درباره آن هم اقدام بنمایید. و از شما مادر عزیزم و برادرم و خواهرانم و دوستانم، در صورت^{۱۲} امکان، می‌خواهم که هر شب جمعه بر سر قبرم بیایید و با خواندن سوره فاتحه روح اینجانب را شاد بنمایید و چشم به راه نگذارید و اگر امکان نبود راضی نیستم با مشقت و پای پیاده بیایید و موجب رنج و زحمت شماها گردد.

و اینجانب را حتماً در مزار شهدای اراک دفن بنمایید. در صورت پیداشدن جنازه من از شما می‌خواهم که وقتی بر مزارم آمدید، اول بر سر قبر شهیدان گمنام بروید و بعد شهیدان دیگر را زیارت نموده و بعد قدم مبارکتان را روی قبر من بگذارید و در موقع واردشدن «...انا لله وانا الیه راجعون»^{۱۳} یادتان نرود که «ما همه از او هستیم و به

۱۰. «مثل» حذف شده است.

۱۱. اصل: آنهم.

۱۲. اصل: اگر دریودن.

۱۳. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و

طرف او خواهیم رفت».

و از خدا بخواهید که شهادت من را در راه خودش قبول بگرداند و گناهان مرا بپامزد و از تقصیرات من بگذرد. و اگر ان شاء الله راه کربلا باز شد، بعد از شهید شدن ما رزمندگان، شما ای وارثان شهید! اولین کسی هستید که آن حرم مطهر حسین بن علی (ع) که آن قبر شش گوشه دارد را زیارت خواهید کرد و از دعا کردن امام و از ظهور کردن حضرت مهدی (عج) ^{۱۴} کوتاهی نفرمایید. و از امام حسین بخواهید که آن هم از خداوند بخواهد این شهیدان را از شهیدان صدر اسلام قرار بدهد، ان شاء الله.

روایت دیگر «...الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنّا لنهتدی لولا ان هدانا الله...» ^{۱۵}، سپاس خدا را سزااست که نعمت دین را کامل نمود و حصول رضایتش را چنین اعلام فرمود.

و درود بر سرور پیامبران که فرمود: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، بر مرگ جاهلیت مرده است» ^{۱۶}، و بر خاندان پاکش که کشتی نجات و چراغ هدایتند، ولایت خاندان طهارت، چنانچه اهل سنت هم توافق دارند، از شرایط ایمان و نجات آخرت مربوط به آن است. پس بر این منظور و در این مختصر، صد و ده حدیث از خاتم انبیاء (صلی الله علیه و آله) آوردم تا غافلان را توجهی و عارفان را تذکری باشد. و به فارسی ترجمه شد تا مورد استفاده همگان باشد. و امید است سببی برای عنایت حضرت پروردگار گردد. این شعر را بخوانید:

مولای موحدان عالم، ز ازل کس نیست به جز علی، امام اول
چون دست خدا بود علی، کار خدا با دست علی شود در این عالم، حل

ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۱۴. اصل: سلام الله علیه.

۱۵. بخشی از آیه ۴۳، سوره اعراف: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تُلْكُمُ الْجَنَّةَ أَوْرَثُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ: و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم از زیر [قصرهای]شان نهرها جاری است و می گویند ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم. در حقیقت فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند و به آنان ندا داده می شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید میراث یافته اید».

۱۶. پیامبر اکرم (ص): «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است».

ان شاء الله در پرتو توجهات بقیه الله الاعظم، صاحب العصر و الزمان، حجه بن الحسن العسگری (ارواح العالمین له الفداء)، هرگونه مجد و عظمت دنیوی را نائل شویم و از چشمه زلال ولایت سیراب و به سعادت آخرت نیز موفق گردیم. و در ضمن اگر این نوشته طولانی است و متحمل زحمت آن شدید ببخشید.

و برادران و خواهران چه خوش است آن لحظه که فرماندهان سپاه اسلام دستور حمله صادر می‌کنند. برادران همگی با شوق و اشتیاق زیاد یکی اسلحه خود را پاک می‌کند و دیگری به کمر خود نارنجک می‌بندد و آن یکی خشاب خود را بر جای می‌گذارد و آن برادر بند پوتین خود را می‌بندد.

برادران شنونده و خواهران شنونده! مثل اینکه این برادران رزمنده برای حمله عروسی بروند چنان شتابان می‌روند که اصلاً باور کردنی نیست. و اگر برادری بر زمین می‌افتد [...] ^{۱۷} برادر رزمنده دیگری اسلحه بر دوش می‌گیرد و راه برادرش را ادامه می‌دهد و تمام رزمندگان دعاهایشان این است که اگر شهید می‌شوند امام عزیز یعنی خمینی بت شکن سلامت باشد و سایه مبارک آن رهبر عظیم الشان از سر مستضعفان کم نشود.

و امیدواریم به خداوند متعال که انقلاب خمینی را به انقلاب مهدی موعود متصل بگرداند، و از تمامی دوستان و آشنایان و دیگر برادران تقاضا دارم که اگر نسبت به اینجانب نارضایتی دارند و از هرگونه از نظر طلبکاری و یا حق همسایگی و غیره به خانواده اینجانب مراجعه نموده و حق خود را دریافت دارد و یا اینکه از حق خود بگذرد و برای من حلال بنماید.

و برادران! این راه را که ما رفته‌ایم نه برای دنیا یعنی به خاطر مقام دنیا و یا اینکه به خاطر اسم و رسم و یا اینکه به خاطر مادیات، برای اینها نرفته‌ایم. فقط به خاطر رضایت خداوند تبارک و تعالی و آزادی مرز و خاک ایران اسلامی؛ و روشن تر بگویم برای آزادی اسلام از چنگال کفر و آزادی مسلمانان از بند صهیونیسم‌ها رفته‌ایم. و امیدوارم

۱۷. «و» حذف شده است.

که هدف کلی اینها باشد و شما برادران هم ادامه دهنده این راه باشید.
و در پایان از شماها تقاضا دارم که این شعار اصلاً از یادتان نرود، همیشه تکرار کنید:

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار. از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای.

والسلام



مرکز اسناد و کتابخانه ملی

[illegible]

ابوالفضل آقازیارتی فراهانی



نام: ابوالفضل

نام خانوادگی: آقازیارتی فراهانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

محل تولد: روستای زنگارک از توابع شهرستان

تفرش

نام پدر: علی اوسط

نام مادر: معصومه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۴/۲۵

محل شهادت: چنگوله مهران

نحوه شهادت: اصابت گلوله

محل دفن: روستای زنگارک

گلچین وصیت نامه

◀ [به] خانواده عزیزم می خواهم پیشنهاد کنم، طرفدار ولایت فقیه باشند. این امام امت، خمینی بت شکن دوران و یارانش را کمک کنند و پیرو خط سرخ او باشند زیاد.

◀ امام عزیز این رهنمودها را به ما دستور فرمودند. نعمت بزرگ است. ما باید حرف های او را بشناسیم و جامه عمل بپوشانیم. پیرو خط سرخ او باشیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۹ وصیت‌نامه اینجانب ابوالفضل آقا زیارتی، فرزند علی اوسط، شماره شناسنامه یک، متولد ۱۳۴۵، صادره از اراک.

فرموده امام صادق^۱ (علیه السلام): «المؤمن اعظم حرمة من الكعبة المؤمن اعظم و حرمة من الملك المقرب»^۲.

مؤمن و سنگر مؤمن هم از کعبه بالاتر است. میدان نبرد و جبهه مسجدالحرام نیست بلکه بالاتر است، نور خداوند در آنجا متجلی است، تجلی عشق است.

«من لا یرحم لما یرحم»^۳، «کسی که رحم و دلسوزی و مهربانی^۴ به برادرانش نکند رحم نخواهم دید».

«اولئک علیهم صلوات [من] ربهم و رحمہ...»^۵.

دروود باد بر چنین صابری که بلا برای او پیش آمده است و او استقبال می‌کند. باری! این وصیت‌نامه در حال صحت و سلامت و دل خوش و به حمد و ثنای خداوند تبارک و تعالی و شکر این نعمت و سعادت که به ما لطف فرموده، الحمد لله رب العالمین، هزاران هزار مرتبه شکر که به ما توفیق دهد.

۱. اصل: حضرت علی.

۲. ترجمه: «مؤمن در نزد خدا عظمتش از خانه کعبه و جبرئیل بیشتر است».

۳. پیامبر اکرم (ص): «مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ وَمَنْ لَا يُغْفَرُ لَا يُغْفَرُ لَهُ: هر کس رحم نکند به او رحم نشود، هر کس نبخشد بخشیده نشود».

۴. اصل: مهربانی.

۵. بخشی از آیه ۱۵۷، سوره بقره: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ: آن گروهی که مخصوص به درود و الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و آن‌ها خود هدایت یافتگانند».

و با درود و سلام و صلوات بر محمد و آل محمد. سلام و درود بر امامان و چهارده معصوم صلواہ الله علیہ و علیہ السلام و سلام و درود فراوان بر امام روح الله الموسوی الخمینی بت شکن دوران.

باری! «کسانی که به پروردگارشان ایمان آورده اند برای برقراری دین اسلام از دیارشان هجرت^۶ می کنند و برای پایداری اسلام و قرآن [با] جانشان و مالشان در راه خدا جهاد می کنند، بزرگترین مقام و درجه [را] در نزد پروردگارشان دارند [و] رستگار دو عالمند، آنان که فی سبیل الله شهید شدند»^۷.

باری با سپاس بیکران به خداوند مهربان^۸ که مرا به این مقام رسانده^۹ است که اگر لطف و مرحمت و عنایت او نبود، از این مقام برخوردار نبودم. حالا که این سعادت نصیبم گشت که در این جبهه های حق علیه باطل و اسلام علیه کفر اقدام نمودم. ضمناً امام عزیز این رهنمودها را به ما دستور فرمودند. نعمت بزرگ است. ما باید حرف های او را بشناسیم و جامه عمل بپوشانیم. پیرو^{۱۰} خط سرخ او باشیم.

انشاءالله اگر من شهید شدم، از پدر بزرگوارم و مادر مهربانم و برادران عزیزم و خواهران مهربانم، من از شما می خواهم صبور باشید.

باری، پدر بزرگوارم و مادر مهربانم! می دانم درباره من خیلی خیلی زحمت کشیده اید^{۱۱}، مرا ببخشید من نتوانستم آن طور که شاید [و] باید احترام شما را بجا بیاورم. من از شما می خواهم بنده را عفو و ببخشید و برای من گریه نکنید^{۱۲}. و مادر مهربانم و خواهران عزیزم! من از شما می خواهم [...] ^{۱۳} زینب وار^{۱۴} صبور باشید.

۶. اصل: هجرت.

۷. ترجمه آیه ۲۰، سوره توبه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ: آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالمند».

۸. اصل: محربان (همه جا اصلاح شد).

۹. اصل: رسیده.

۱۰. اصل: پیروی (همه جا اصلاح شد).

۱۱. اصل: کشیده.

۱۲. اصل: نکند.

۱۳. «مانند» حذف شده است.

۱۴. اصل: زینب بار.

باری پدر جان! مبلغ هزار تومان پول رد مظالم^{۱۵} بدهید و یک مقدار نماز و روزه برای من بجا آورید، اجر بگیرید.

باری [به] خانواده^{۱۶} عزیزم می خواهم پیشنهاد کنم، طرفدار ولایت فقیه باشند. این امام امت، خمینی بت شکن دوران و یارانش را کمک کنند و پیرو خط سرخ او باشند زیاد.

والسلام

۱۵. اصل: مضالم.

۱۶. اصل: خوانواده.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ رَبِّ شَهِدَا
 وَصَدِّیقَیْنِ تَارِیْخِ ۷۲۹، ۱۳۶۳ و حَیَّتِ
 نَامُ رَیْسِ جَانِبِ الْبِرِّ الْفَضْلِ آقا زیارتی
 خُزْدَه کَانَ عَلَی (اَوْسَطِ) شِمَارَه شَناسامه
 یَکُ مَسْئُورَه ۳۴۵ صادره زه اراک
 فرموده حضرت علی علیه السلام الْمُؤْمِنُ
 الْأَعْظَمُ هَرَمَةٌ مِنَ الْكِبَرَةِ الْمُؤْمِنُ الْأَعْظَمُ
 وَ هَرَمَةٌ مِنَ الْمَلِكِ الْمُتَقَرِّبُ مُؤْمِنٌ
 وَ مُتَقَرِّبٌ مُؤْمِنٌ هُمُ الْأَكْبَرُ بِاللَّاتَرَدِّ مِیْدَانِ شَبَرِ
 وَ جِبِهَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ نَسِیْتُ بَلْکَه بِاللَّاتَرَدِّ
 نَوَازِ خُدَا هَزَدَه اَنْجَا مُتَجَلِّی (سِت)
 تَجَلِّی عَشَق (سِت) مَن لَا یَرِیْهِمْ الْهَایِزِ
 هُمُ کَسِی کَرِیْمِ وَ السَّوْزِ وَ مَحْرَبَانِ
 بِهَرَادِ رَافِشِ نَکَدَه لَهْمُ نَحْوِ اَهْدِیْدِ

بَشِيرٌ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتُ رَبِّكَ
وَرَحْمَتُهُ دُرود و بار بر چنین ها بر آن که بلا
بر آن او پیش آمد دست و او را استقبال
میکنند بدین این وصیت نامه در حال صحت
و سلامت و دل خوش و به حمد و ثناء خدا
وند تبارک و تعالی و شکر از نعمت و سخاوت
که بپا لطف فرموده الحمد لله رب العالمین
هزاران هزار مرتبه شکر که بجا تو حق ده
و بار دود و سلام و صلوات بر محمد و آل
محمد سلام و دود و بار بر ایشان و چهار ده معصوم
صلوات الله علیه و علیه اسلام و سلام و
دود و فرادان بر امام روح الله الموسوی
الخمینی است شکر و دود و بار بر کسای که به
پروردگارشان ایمان آوردند بر آن برقرار
دین اسلام از دیارشان هجرت میکنند و برای

یا پیار من اسلام و قرآن جانان و مالشان
 در راه خدا جهاد میکنند بزرگترین مقام و
 در جهاد شهادت پروردگارشان دارند و شهادت
 در عالم آخرت آنکه فی سبیل الله شهید شدند بار
 با سپاس بکبران بخند آید و بزرگان که بر این مقام
 رسیده است که اگر لطف و رحمت و عنایت
 او نبود از این مقام بر خوردار نبودم حالا
 که این سعادت نصیب گشت که در این عید های
 حق علیه باطل و اسلام علیه کفر اقام
 نمودم ضمناً امام عزیز این ره نمودار را بهما
 دستور فرمودند نعمت بزرگ است تا باید حرف
 های او را به شناسیم و جامه عمل بپوشانیم
 بپوشان خط سیر او باشیم ان شاء الله اکرمین
 شهید شدم از پیر بزرگوارم و مادر محرابانم
 و برادران عزیزم و خواهران محرابانم من از

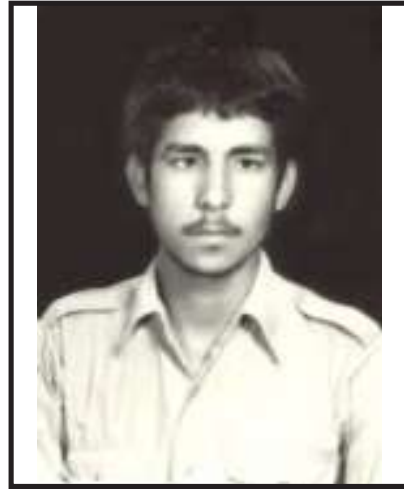
شما بخدا هم صبور باشید با من پدر بزرگوارم
 و مادر محرابم می دانم در باره من خیر خیر
 زحمت کشیده برای بخشش من نشوایستیم
 آنطور که شاید باید احترام شما را بجا
 بیاورم من از شما بخدا هم بنده را عفو
 و ببخشید و بران من گریه نکنند و مادر محرابم
 و خوار هر آن عزیزم من از شما بخدا هم
 مانند زینب بار صبور باشید با من
 پدر جان مبلغ هزار تومان پول رد می دهم
 به هیئت یک مقدار نماز و روزه هر آن من
 بجا بیاورید و اجز گریه با من خوانواده عزیزم
 بخدا هم ببخشید و یکم طرفدار ولایت
 فقیه باشند این امام امت خمین است
 شکن دوران و یا رانش را کمک کنند
 و پیروان خط شریف او باشند زیاده و مدام

این وصیت نامه‌ها را که این عزیزان می‌نویسند مطالعه
کنید.

پنجاد سال عبادت کردید، خدا قبول کند، یک روز
هم یکی از این وصیت نامه‌ها را بگیرید و مطالعه
کنید و تفکر کنید. امام خمینی

وصیت نامه برادر ابوالفضل آقازارتی فرزندان علی
انگور ۷۷ علی ابن ابیطالب محمد لنگردان دام
تاریخ: هجری گردهان سه و دهم سه
آوردن تاریخ ۷/۲۹/۱۳۶۳
اراک فراهان فرمایند رستایش رنگارنگ
کس منزل علی او وسط زیارت
همه که ترا شناخت جا نزد چکنده
فرزند و عیال خانه ترا چکنده
دیوانه کن هر دو همه نشن بخشن
دیوانه تو هر دو همه ترا چکنده
تجلیات عهد و جنگ قرارداد بدر
جوانمیرا ابوالفضل آقازارتی
فرمان

امرانہ آقاگلی



نام: امرالله

نام خانوادگی: آقاگلی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۶/۲۹

محل تولد: روستای ورین از توابع شهرستان محلات

نام پدر: محمد

نام مادر: عذرا

تحصیلات: اول متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۸

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای ورین

گلچین وصیت نامه

❖ خواهرم! از تو می خواهم که به جای لباس عزا، لباس پیام بپوشی و مبدا اطاعت از ولی امر، ولی فقیه فراموش شود.

❖ برادرانم! شما اسلحه خونینم را بر زمین مگذارید و تا پیروزی کامل را هم را ادامه دهید.

❖ امت خمینی کبیر را هیچ گاه تنها نگذارید که خیانت به خون شهیدان است و یار امام باشید.

❖ از امت همیشه در صحنه می خواهم که با صبر انقلابی خود تمام منافقین را با مشیت، محکم بر دهانشان بزنند که دیگر نتوانند بلند شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان، یاری بخش مستضعفان و درهم کوبنده ستمگران. مبارک باد بر شما ملت چنین جوانان رزمنده‌ای، بر شما چنین ملت قدردانی که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستید. «اینجانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار دارم»^۱. (امام خمینی)

«ولا تحسبن الذين قتلوا [فی سبیل الله] امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۲. (قرآن کریم)

«و آنان که در راه خدا جهاد می‌کنند، مرده نگویید بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدایشان روزی می‌خورند».

در این لحظات آخر که قلم بر روی کاغذ لغزید، چند کلمه‌ای را لازم و ضروری دانستم به عنوان وصیت‌نامه توضیح دهم. حرکت کردن و آمدن من به جبهه تنها به خاطر این است که اسلام در خطر است و برای صیانت از آن، حرکت خود را الزامی می‌دانستم و چون رضای خدا را در این می‌دیدم، حرکت کردم و آن رضایی که روزی حسین (ع) آن را درک کرد و ندا سرداد و حرکت کرد و امروز رهبر ما، امام خمینی، بت شکن زمانه آن را فهمیده و ندا سرداده: «الهی رضا برضائک و تسلیما لامرک».

خدایا، معبودا، ای پروردگار! تو می‌دانی که آن قدر دلم می‌خواست به جبهه بروم و مانند دستغیب‌ها و مسلم‌ها و کاظم‌ها و یونس‌ها، جمال‌ها و اصغر‌ها. اگر سعادت

۱. صحیفه امام، جلد ۱۶، صفحه ۱۴۳.

۲. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

داشته باشم در راه تو به درجه شهادت نائل گردم.
و تو ای معبودم! پس از گذشتن ۲۲ ماه از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تو مرا موفق گردان^۳. امیدوارم که این جهاد را از من بپذیری و در پای جهادگران راحت قرارم بدهی.

خدایا، بارالها، معبودا! شهادت در راه خودت را نصیبم بگردان که شیرین‌ترین مرگ‌هاست. خداوندا، پروردگارا! مرا پیامرز که هرگاه سخن می‌گفتم و گوینده بودم، شنونده را جاهل و خود را عالم می‌پنداشتم. مرا پیامرز که چه بسیار شوخی‌هایی که سبب کم‌عقلی می‌گردید، انجام دادم.

عروسی من در جبهه و عروس من شهادت است. صدای غرش گلوله توپ و خمپاره عقد مرا خواهند خواند و با پوششی از خون گرم و سرخ، خود را برای معشوقم آرایش خواهم کرد. در این غلغله شادی مسلسل‌ها و بارش نقل سربی در حجله سنگر، عروس شهادت را به آغوش خواهم کشید و در همه‌تشیع‌کنندگان پیکرم که اتومبیل تابوتم گلباران می‌شود، مشت‌های گره‌کرده و با تکبیر آن را تا منزلگه^۴ عشق بدرقه خواهند کرد. عروس من شهادت است و نام فرزندم آزادی و من از همین‌جا فرزندم آزادی را به شما می‌سپارم و از آن محافظت کنید.

اول سلام بر روح‌الله، ابرمرد تاریخ سازش‌ناپذیر، نائب برحق امام زمان (عج) خمینی‌بت‌شکن. دوم سلام بر منتظری، فقیه‌والامقام، امید امت و امام. سوم سلام بر پدر بزرگوارم اسطوره مقاومت. چهارم سلام بر مادر مهربان و دلسوزم که اگر جنازه پسرش را به دستش بدهند خود با رضایت کامل و با سپاس و شکر به قبر می‌گذارد. پنجم سلام بر دوستان و خویشان که پیرو ولایت فقیه هستند و سلام گرم و دلپذیرم بر خواهران [و] برادرانی که تهمت و فحش را در راه اسلام خوردند و مانند بهشتی مقاومت کردند تا پوزه شایعه‌سازان، آن منافقان زیرک و آن احمق‌های زاهد را به خاک مالیدند و می‌مالند.

۳. اصل: گردانید.

۵. اصل: منزله.

پدرم، مادرم، خواهرم و برادرانم! مرا ببخشید که نتوانستم فرزند خوبی برایتان باشم. و از طرفی مثل همیشه بی‌خبر به جبهه آمدم و پر کشیدم ولی ناچار بودم و خدا می‌داند که تقصیری نداشتم، مسئولیت و عشق به مبارزه وادارم کرد که من هم مانند سایرین خودم را مسلمان بدانم و تسلیم باشم. و شاید اگر خدا بخواهد بشوم نمی‌توانستم [...] ^۵ باشم و غرق در شعار باشم. نمی‌توانستم بینم که بچه‌ها عاشقانه شب و روز جان ببازند و من در پشت جبهه مدعی باشم. کار را آنها بکنند و من قیافه‌اش را بگیرم و فقط حرف بزنم و اگر کسی حرف نزند و به آن عمل نکند وای بر احوالش. [...] ^۶ جان! راهم آگاهانه بود و هدفم مشخص. خدا حافظ.

مادر جان! [جواب] سلام فرزندان را با سربلندی بده. مبدا گریه‌ات کفار و منافقین و بدخواهان را خوشحال کند. مادر جان! لباس خونینم را نگهدار و به خواهر و برادرانم نشان بده. مادر جان! به همه تبریک بگو. به برادران از همه نزدیکترم، پاسداران انقلاب اسلامی تبریک بگو. خواهرم! از تو می‌خواهم که به جای لباس عزاء، لباس پیام‌پوشی و مبدا اطاعت از ولی امر، ولی فقیه فراموش شود.

برادرانم! شما اسلحه خونینم را بر زمین مگذارید و تا پیروزی کامل راهم را ادامه دهید. امت خمینی کبیر را هیچ‌گاه تنها نگذارید که خیانت به خون شهیدان است و یار امام باشید. از امت همیشه در صحنه می‌خواهم که با صبر انقلابی خود تمام منافقین را با مشت، محکم بر دهانشان بزنند که دیگر نتوانند بلند شوند. و شعار همیشگی را که پیام شهیدان است از یاد نبرند ^۷ و بعد از نمازهای پنجگانه این شعار را سر دهند:

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، تو را به جان مهدی، خمینی را نگه دار.

ام‌الله آقاگل

۶۴/۸/۱۹

امضاء ^۸

۵. خوانا نیست.

۶. خوانا نیست.

۷. اصل: نبیند.

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

استطیعتم انہما ان یتفکرا فی آیتاں

بسم الله الرحمن الرحيم

بیاض غلامی و نخیله و مرغان یا برعکس مشفقان و در کمال نیکوئی و شکران

[illegible]

(امام خمینی)

و لا تحسب الذین قتلوا اموالنا علی اهلنا عند رجوعهم من قتلهم (قرآن مجید)
و بدان که در قرآن خدا جهاد میفرماید بگویند که ایمان آورده اند و در نزد خدا شهادت داده اند
در این لحظات کافران کفالم و کافرا بگویند که این را از شما و میفرمایند و میگویند
تو هیچ دهم. حرکت کرد (و آمدن) من به جهت تنهایی از این است که اسلام در غلظت است و برای
دین است از آن که حرکت خود را از امر می دانستم و چون رفتم خدا را در این بین دیدم حرکت که از آن
رضای که روزی حسن بعد از آن را که که در دین است و حرکت کرد و در هر حال السلام میفرماید
بست شکن زمانه آراخته و نه اسوداده (الهی رضا بر صاحب و تسلط استوار)

خدا را - بخت را - این پروردگارم - آفرید و این که آفرید را که هر چه است همه پروردگارم و دانسته
مقیما - صلیها و کمالها و برینها - عالمها و امضاها اکثر مدعا را دانسته استم در راه تو برین
شکرت تا که تو را - و تو را - منم - پس از کف شمس ۱۵۹۲۲ هجری قمری که در این راه تو را
موفق گردانید امیدوارم که این جهاد را به از من بیداری و در این جهاد که این راهت قرار می
دارد - در راه - بخت - شهادت در راه خود را بپذیرم و بدان که بپذیرم تو را که هر چه است
خدا و دنیا - پروردگار - مرا بیاورد که هرگاه سخن من گفتن و گویند بودم تا بنده را بقبل و خود را
نام من بیاورم - مرا بیاورد که بسیار سخن شنیدی و دست من خالی می کرد و بدین نام را دارم.

خبر رسیده و عروس من من شهادت است مدعیان غرضش نکوهش و توبی و تمییز و عقده هر چه را
عزاد و بپوشش از خون گرم و سرخ و خود را برای محبتش تمام آراست و فراموش کرد در این محفل شهادت
مسلمها و اهل حق را که در جمعه شهادت عروس شهادت آقا غوث علیهم السلام شد و در جمعه و در جمعه و در جمعه
و در آن یکشنبه که از تحصیل تا به یکشنبه می شود و استیلا و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
عشق و در آن روز که در عروس من من شهادت است تمام فرزند آراست و من را این با فرزند

(continued) 17-6-14

و آزادی ها بشما می سپارم و از آن حفاظت کنید - اول سلام و ادب (بر سر و بر سر نهادهای
 دین و سران ایالت بر حق اسلام زمان (الح) یعنی بت شکن درم سلام بر شیطانی فقیر و لاف کام
 بعد است سلام قلمی بر سلام بر درم نیز تو ۱۲ اسلحه و تفکوت - چهارم سلام بهادران
 و کشورم که آنرا جفا و ستم را بدستش بدهند خود با رضایت کامل و با بیسوس و شکرت به قبیله
 خم سلام و درستان و خوششان که بر سر و ولایت فقیر هستند و سلام نرم و دریدیم بر خواهران
 و اولادین که محبت و محبت را در بران اسلام خود در ده ساله بهشتی و کاسته کرد و چاره
 شکر سارانه که در میان خود زینت و آن انقیاد را در آنک ساله خود و من مانده

پدرم، مادرم، خواهرم و برادرانم که تو استم عزیز و خوبی و ایمنی باشم و از طرفی چنان همیشه
 خیر و صلاح و برکتی که با قلم و دم و قلم و دست تقصیری نداشته - مسئولیت و شوق به معنای
 دارم و رستم و سوره جان و سوره خرم را اسلامی بدانم و تسلیم و ستم و شکر اگر خدا بخواهد ستم نمی توانم
 خیر باشم و عمری در شمار با هم نمی توانم بسم که به همه ما شهادت و بر جان با زنده و در رست
 به مدتی به شتم به را آنجا بکنند و من قیامت را بگویم و حق را عرض کنم و اگر کسی حرف بزند جان
 می کشد تا می بر او نشاند

در میان راهم آگاهان و دو همدم شریف خدا حافظ - مادر جان سلام فرزندت را بر سر بلند و به
 اما نمی است که رویتان و به خواهران را خدایا که مادر جان را بر سر بلند و به خواهران را
 ان به مادر جان به هم تکیه بگویم برادران از همه رد بگویم یا سواران انقلاب اسلامی تبریک
 هم - از تو من خدایم به سبب این عزا ایستادیم و با هم بر سر جان را با دست خود و هر که قوی تر از من
 بودیم - شکر اسلام و ستم را بر سر من بخواهید و تا پیروز می کامل راه را ادامه دهیم
 امام است - خوش بگویم راهی که تنه اندازد که خدایت به خون شهیدان است و با ایمان باشد

از است همیشه در محبت من خواهم که با صبر انقلاب خود تمام شهادت
 را با شکر تمام و دهانت و مقصد کند و شکر تو است و شکر و شکر همیشه را
 به پیام شهادت است از یاد بماند و بهادران شهادت این شهادت را بماند

خدا یا خدایا انقلاب مهدی را جان و مهر و شکر را بماند

ایستادگی
 ۱۳۵۷/۱۲/۱۴
 مستور احمدی

عباسعلی آقاگل



نام: عباسعلی
نام خانوادگی: آقاگلی
تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۲/۴
محل تولد: روستای مرزيجران از توابع شهرستان اراک
نام پدر: محمدنبي
نام مادر: معصومه
تحصیلات: دیپلم (رشته ریاضی)
شغل: کارمند آموزش و پرورش
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۸/۱۶
محل شهادت: پنجوین عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر و پا
محل دفن: روستای مرزيجران

گلچین وصیت نامه

- این انقلاب از شما مستضعفان است و ان شاء الله به انقلاب مهدی (عج) متصل می شود، پس با جان و دل حمایت کنید.
- خواهشمندم در شهادت من ناشکری خدا را بجا نیاورید.
- بدانید معامله با خدا خسران و زیان و پشیمانی ندارد، همه اش فایده است.
- صبر کنید که همان صبری که حضرت زینب (س) و خانواده شهدای ایران کردند و خداوند با صابران است.

به نام الله

[با درود بر] رهبر کبیر انقلاب اسلامی این الگوی انسانیت و فضیلت و این اسطوره تقوا و ایمان و امید مستضعفان جهان و قلب پر خروش امت، حضرت امام خمینی و با درود بر روحانیت اصیل شیعه، از یعقوب کلینی تا روح الله خمینی که به حقیقت اسلام را تا به امروز مراقبت نموده‌اند. و با سلام بر شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی بالاخص مطهری، بهشتی، باهنر، رجائی، شهدای محراب و... چند جمله‌ای وصیت سیاسی-اقتصادی- تربیتی می‌کنم.

امیدوارم که خداوند توفیق شهادت دهد در روزگاری که فرعون ایران به نیابت از شیطان بزرگ، آمریکا ملت ایران را به وسیله افسارهای بی‌بند و باری، شرک، قاچاق، مشروب، قمار، دزدی، غارت و... بسته بود و از آنان بارکشی می‌کرد. و در زمانی که من و تو و همه در این گناهان شناور بودیم و نمی‌دانستیم و هویت خود را به کلی گم کرده بودیم و راه وجدان و انسانیت گم بود و خداپرستی واقعی، جرم و زندان رفتن بود و ما مرده متحرکی بودیم که شبیه حیوانات می‌خوردیم و می‌خواییدیم و کار می‌کردیم و مصداق «...اولئک کلانعام بل هم اضل...»^۱ بودیم. و در آن زمان مُشتی مقدس مأب فقط شکل ظاهری اسلام بدون توجه به حقیقت را به ما یاد می‌دادند و جهت را که همانا خدا بود نمی‌گفتند که اینها در حقیقت خیانتکارند. و الآن هم سنگ اسلام و نماز به سینه می‌زنند ولی فایده‌ای ندارد.

۱. آیه ۱۷۹، سوره اعراف: «لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» و محققاً بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریدیم، چه آن‌که آن‌ها را دل‌هایی است بی‌ادراک و معرفت، و دیده‌هایی بی‌نور و بصیرت، و گوش‌هایی ناشنای حقیقت، آن‌ها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه‌ترند، آن‌ها همان مردمی هستند که غافل‌اند».

در آن زمان مردی از شرق قیام کرد مثل خورشید طلوع نمود و برای مستضعفین نور هدیه آورد. و آن نور هدایت بود که تمام اولیای خدا از آدم تا خاتم به مردم داده‌اند. با آمدن این نور، ظلمات (دروغ، مشروب خواری و جهل و قمار و فساد) برچیده شد و بساط مقدس‌مآبان به کلی در هم ریخت و انسان‌هایی آزاده و بی‌طرف را زنده کرد.

آری برادران! من موجود بی‌ثمر و مرده‌ای بودم. در زمان جاهلیت آریامهری که خداوند منت نهاد و به وسیله خمینی زنده شدم و جان گرفتم. پس مدیون این رهبر و این انقلابم، باید خدمت کنم. باید فداکاری کنم، باید ایثار جان کنم. باید پشتیبان انقلاب و رهبر و اسلام باشم تا موریه‌های مارکیست، منافق [و] شاه‌دوست رشد نکنند، که اینها عمال استعمار هستند. برادران و خواهران! این انقلاب از شما مستضعفان است و ان‌شاءالله به انقلاب مهدی (عج) متصل می‌شود، پس با جان و دل حمایت کنید. و اینک سخنی چند با والدین و وابستگان و همسر محترم:

۱- پدر، مادر و برادر و خواهر و همسر عزیزم! اگر من خدمتی به شما نکردم مرا ببخشید، چون نتوانستم. و خواهشمندم در شهادت من ناشکری خدا را بجا نیاورید. البته قبول می‌کنم که برای شما مشکل است، اما بدانید معامله با خدا خسران و زیان و پشیمانی ندارد، همه‌اش فایده است. صبر کنید که همان صبری که حضرت زینب (س) و خانواده شهدای ایران کردند و خداوند با صابران است. رسول اکرم (ص) فرمود: «هر کس در مصائب روزگار صبر کند، به او سیصد درجه مقام می‌دهد که فاصله هر درجه از زمین تا آسمان است»^۲ و با یاد خدا خودتان را تسکین دهید.

۲- امید آن دارم که حرمت مرا نگه دارید و اگر امتیازات معنوی و احیاناً مادی


۲. بخشی از روایتی است که امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ. فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ. وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَعْمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ. وَ مَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ؛ صَبْرٌ سَهْ قِسْمٌ اسْت: صَبْرٌ بِرِ مَصِيبَتٍ كَهْ يَدَاشْ أَنْ سِیْصَدْ دَرَجَهْ وَ فَاصله هر درجه بین زمین تا آسمان است؛ صبر بر طاعت که یاداشش ششصد درجه و فاصله هر درجه بین اعماق زمین تا عرش الهی است؛ صبر بر معصیت که اجر آن نهصد درجه و فاصله هر درجه از اعماق زمین تا نهایت عرش الهی است».

به شما تعلق گرفت، مانعی نیست. ولی مرا به خاطر مسائل مادی مطرح نکنید. البته این را هم بگویم، می‌دانم که شما هرگز این‌طور نیستید ولی تذکر می‌دهم که مبادا پول خون برای من بگیرید. چون هر کس با خدا معامله کند اجرش با خداست و مطاع دنیا زودگذر و بی‌برکت است.

[...]۳.

۳. ادامه وصیت در دسترس نیست.

(۳)

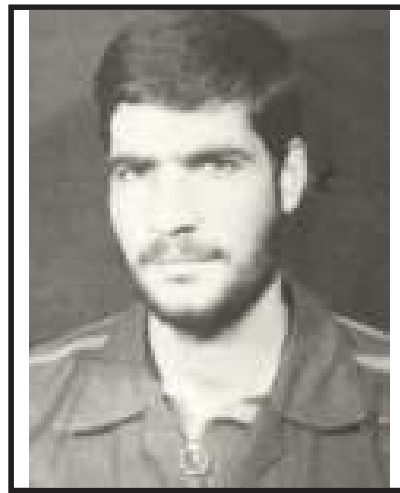

 الله يا شهاب محمدی (ع) تسلی شود بزرگوار و دل‌های

مرکز اسناد و کتابخانه ملی

و ایست سخی خند باد و الدین و دانیال و محمد فرهم
 اید و بار و برادر و حوام و شمس و آفرین خدایا بزرگوار
 بر این خنده چون توانستم و خواهم در نهایت من تا شکر خدا را
 بی‌نیاز دید ایست خیر و می‌گویم که بر این شمس است اما بداند معمله
 با خدا خیران و زین و وایسایان ندانم خدایا فایده است. هر کس
 هک که هر که حضرت زینب و خاندان اهل بیت که دارند و خاندان باطن
 است و دل که (ص) فرمود که هر کس در این روزگار هر کس خدایا
 به او رسید در هر معامه هر که به او رسید هر که از زمین تا آسمان است
 و با او خدا خدایا تا تسلی و هدیه

۲- امید آن بلام که هست مرا که کرده و اگر امیدوار است معذری و حاجت‌های من
 و به با عقل گرفت و باقی نیست ولی مرا که بخاطر من خدایا
 بکنند البتة انرا هم بگویم و می‌گویم که هر که از این بزرگوار ولی ندانم
 که با او بول خون و از من بگویم چون هر کس با خدا معامله کند با او
 با خدا است و طبع و دنیا نذر دگر و جوی بگفت است

احمد آقامحسني



نام: احمد

نام خانوادگی: آقامحسني

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

محل تولد: روستای لریجان از توابع شهرستان محلات

نام پدر: محمدرضا

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۲

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای لریجان

گلچین وصیت نامه

ما هم وظیفه داریم که این ابرمرد و این امام بزرگوار و این قلب محرومان جهان را یاری کنیم.

ما جوان هایی که می توانیم در جبهه ها خدمت کنیم، باید لبیک بگوییم و نگذاریم که این پیرمرد ها و این نوجوان هایی که باید حال در سنگر مدرسه درس بخوانند، به جبهه بیایند.

خدا را شکر کنید که امانتی را که از خدا گرفته اید به خودش دادید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱. (آل عمران)

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه زنده هستند و نزد خدا روزی می‌خورند».

و با سلام و درود بیکران به امام امت که تمام وجود خود را در راه اسلام و قرآن و این ملت محروم جهان می‌داند و ما هم وظیفه داریم که این ابر مرد و این امام بزرگوار و این قلب محرومان جهان را یاری کنیم و به ندای حسین وارگونه امام که می‌گوید «هل من ناصر ينصرني»، ما جوان‌هایی که می‌توانیم در جبهه‌ها خدمت کنیم، باید لیبیک بگوییم و نگذاریم که این پیرمردا و این نوجوان‌هایی که باید حال در سنگر مدرسه درس بخوانند، به جبهه بیایند.

و شما بیایید در جبهه ببینید که چقدر ایمان و ایثار در این رزمندگان به چشم می‌خورد و هرکس که بیاید جبهه و به هر کج فکری باشد، درست می‌شود و حقیقت را می‌یابد. و من که امسال بار دوم است خدا قسمتم کرده که در این راه بزرگ قدم بردارم، خدا را شکر می‌کنم و از خداوند بزرگ می‌خواهم که هرچه زودتر این رزمندگان را به پیروزی نهایی برساند و این صدام کافر را از سر مسلمانان عراق بلند و این دو کشور ایران و عراق با هم متحد شوند و با اسرائیل غاصب بجنگند و مسلمانان لبنان [را به] پیروزی برساند.

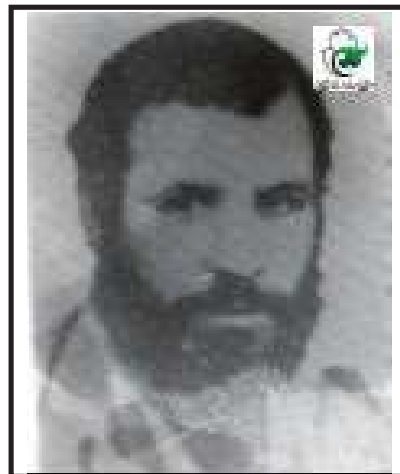
و ای پدر و مادر گرامی! اگر در این راه افتخار شهادت نصیبم شد برای من گریه

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا متعّم خواهند بود».

[و] زاری نکنید و خدا را شکر کنید که امانتی را که از خدا گرفته‌اید به خودش دادید. و اگر من شهید شدم، مرا در قبرستان لریجان خاک کنید، قبرستان جدید. و دیگر این [که] از تمام همشهریان می‌خواهم اگر از من بدی یا خوبی دیده مرا ببخشند و مرا حلال کنند. و دیگر این که هر کس از من چیزی یا پولی می‌خواهد که من یادم رفته به او بدهم، بیاید بگوید و هر چه بوده بگیرد. دیگر عرضی ندارم جز دوری دیدار شما که آن هم به یاری خداوند بزرگ تازه گردد، خدا حافظ.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی [را] نگهدار.

ابوالقاسم آقامحمدی



نام: ابوالقاسم
نام خانوادگی: آقامحمدی
تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۲/۶
محل تولد: روستای میلاجرد از توابع شهرستان
کميجان
نام پدر: حیدر
نام مادر: گلستان
تحصیلات: بی سواد
شغل: کشاورز
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۹
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر
محل دفن: روستای میلاجرد

گلچین وصیت نامه

- ◀ قدر [این] رهبر را بدانید و از بیانات گوهربارش استفاده نمایید.
- ◀ از شما خواهرانم می خواهم همان طور که زینب (س) یزیدیان را رسوا کرد، شما هم یزیدیان زمان را رسوا کنید و همیشه پشتیبان امام باشید.
- ◀ امام را تنها نگذارید.
- ◀ برایم گریه نکنید، چون شهید شدن افتخار است.
- ◀ از برادرانم می خواهم راه ما را ادامه دهند، نگذارند خون ما و راه ما فراموش گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.
 «شهدان در راه خدا را مرده مپندارید بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدای خویش
 روزی می‌خورند».

سلام و درود فراوان به پیشگاه امام زمان (عج) و نائب برحقش امام امت، خمینی
 کبیر، ابراهیم زمان، فرزند حسین (ع)، یاور مستضعفان، درهم کوبنده کاخ ستمگران،
 بنیان‌گذار حکومت عدل الهی در تمام گوشه و کنار دنیا.
 و با سلام و درود بیکران بر شهدای حق و فضیلت بالاخص شهدای جنگ
 تحمیلی که با نثار خون خود درخت پر برکت اسلام را آبیاری کرده [و] می‌کنند.
 راهشان مستدام و نامشان جاویدان باد، وصیتم را آغاز می‌کنم.
 امروز که من عازم جبهه حق علیه باطل هستم، هیچ‌گونه وحشت و نگرانی در
 وجودم احساس نمی‌کنم، بلکه خیلی خوشحالم^۲ که این آگاهی را دریافتیم که می‌توانم
 بفهمم^۳ فرمان امام را و^۴ با رضایت کامل مجری فرمان او هستم.

و امروز که من عازم جبهه هستم کاملاً شهادت را در وجودم احساس می‌کنم و
 من این مرگ را از غسل وجودم گواراتر می‌دانم. چون اطاعت از امام و اسلام است و
 این وظیفه شرعی هر مسلمان است. اما هیئات [...] سال از عمرم گذشت و هنوز اندر
 خم یک کوچم. زیرا که از نعمتهایی که پروردگار به من داده سپاسگزاری [نکرده]

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۲. اصل: خوشحال.

۳. اصل: بفهم.

۴. اصل: وین.

۵. خوانا نیست.

و شرمنده‌ام. و امام و رهبرم را آن‌طور که باید بشناسم نشناختم و آن‌طور که باید در گفتارش تفکر کنم نکردم، توفیق نیافتم که بیشتر بشناسمش. افسوس و صد افسوس که با چنین رهبری هم عصر بودم ولی از ولایتش استفاده نکردم و به فرامینش آن‌طور که باید تفکر کنم نکردم تا راه بیابم.

برادران و خواهران عزیز! قدر [این] رهبر را بدانید و از بیانات گوهربارش استفاده نمایید که به راستی خداوند در این برهه از تاریخ حجت [...] به ما عطا فرموده، قدرش را بدانیم که فردای قیامت در پیشگاه خداوند سرافکنده و شرمسار نباشیم.

وصیتم به پدر و مادرم این است که شما را خیلی دوست داشته و دارم. اما خدا و اسلام را بیش از شما دوست دارم. پدر و مادر داغدارم! اگر من شهید شدم از شما می‌خواهم که برایم گریه نکنید و شاد باشید که شما فرزندی را در راه اسلام و قرآن قربانی داده‌اید، همانند دیگر سربازان اسلام چنانچه خون من رنگین‌تر از آنان نیست. پدر و مادر عزیزم! از اینکه حس می‌کردم در مکانی راحت قرار بگیرم و در سنگر نباشم، نمی‌توانستم به خودم بقبولانم که برادران خودم در مرزها شهید شوند و من هر روز شاهد این باشم فلان قدر کشته یا فلان قدر زخمی شوند. چگونه من می‌توانستم مشاهده کنم هر روز عده‌ای از بهترین جوانان ما کشته شوند و من به کارهای روزمره مشغول باشم.

مادر مهربان! شاید از دست دادن من برای شما مشکل باشد، ولی غم از دست دادن حسین (ع) بر فاطمه زهرا (س) سنگین نبود. مگر آنها نبودند که کشته شدند [تا] دین اسلام پابرجا باشد. من هم به نوبه خودم از آقا و سرورم حسین (ع) درس مبارزه و جهاد و درس شهادت یاد گرفته‌ام. من آموختم که زندگی دنیا نکبت‌بار است.

خواهران عزیزم! وصیتم به شما این است که بعد از شهادتم سیاه نپوشید و عزا نگیرید، چون شب دامادی من است. و از شما می‌خواهم که زینب‌وار با مشکلات دست و پنجه نرم کنید و پیام خون شهدا را به گوش جهانیان برسانید که حق همیشه

پیروز است. از شما خواهرانم می خواهم همان طور که زینب (س) یزیدیان را رسوا کرد، شما هم یزیدیان زمان را رسوا کنید و همیشه پشتیبان امام باشید. و از شما خداحافظی می کنم و مرا حلال کنید و از تمام قوم و خویشانم، دایی هایم، عموهایم، عمه هایم، مخصوصاً از مادر بزرگم خداحافظی می کنم و از آنها می خواهم که مرا حلال کنید.

برادران و خواهران عزیز! شما [که] در تشییع جنازه من شرکت کرده اید، اگر بدی از من دیده اید مرا ببخشید و حلالم کنید. آخرین وصیتم به برادران بسیج، برادران عزیز! مرا حلال کنید و از شما می خواهم راهم را ادامه دهید و اسلحه ام را زمین نگذارید. چون من برادر دیگری ندارم که راهم را ادامه دهد. و خواهش دیگرم^۷ این است که امام را تنها نگذارید.

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند کریم مهربان و به نام آن که همه عیوبم را در انظار دیگران پنهان^۸ داشت [...]^۹. به نام آن که تمام هستیم از اوست و با سلام [و] درود بر امام امت ناجی مستضعفین، عساره حسینی، خمینی عزیز، درهم کوبنده بت ایران. با سلام [و] درود بر ملت شهیدپرور [و] سلحشور ایران.

در این لحظه که قلم به دست گرفته، نامه ای به عنوان وصیت می خواهم بنویسم. اگر به کرم و مهر خداوند یقین^{۱۰} نداشتم که مرا ببخشد و مرا در ردیف توبه کنندگان قرار نمی داد، با اینکه با بار سنگین از گناهانم به سوی او می روم، خدا فرموده که توبه کنندگان را می پذیرم. امید است که مرا جزء پذیرفته کنندگان قرار دهد، ان شاء الله.

۷. اصل: دیگری.

۸. اصل: پنهان.

۹. خوانا نیست.

۱۰. اصل: یقین.

اما پیامم^{۱۱} به منافقین ضد خدا و اسلام این است که از خدا بی خبران کمی فکر کنید، تا زمانی که فرصت دارید توبه^{۱۲} کنید و گرنه قسم به خون سرخ برادرانم که به ناحق ریخته‌اید تا انتقام آنان نگرفته از پا ننشینم. قسم به زمین کربلای سوسنگرد تا جان در بدن دارم اسلحه برادرم که در راه نجات مستضعفین و خاک عزیز میهنمان ریخته شده به زمین نمی‌گذارم. اگر اسلحه من به زمین افتاد برادر دیگرم برخواهد داشت و^{۱۳} راه خمینی که راه الله باشد ادامه دهد.

اکنون که این نامه را می‌نویسم به هیچ عنوان اطمینان ندارم که شهید می‌شوم ولی گفته پیامبر اکرم(ص) است که هر مؤمن باید یک وصیت‌نامه [...] ^{۱۴}. نمی‌نویسم که هدف من از آمدن در ایران چیست؟ آیا به زور آورده‌اند یا خیر؟ مسلم است که در اسلام زور^{۱۵} نیست: «لا اکراه فی الدین»^{۱۶}.

این ملت من است که شهادت را افتخار می‌داند. «حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست».

«ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست»^{۱۷}
درست است که زندگی شیرین است، ولی [...] ^{۱۸}. در خاتمه چند سفارش دارم از این قرار:

۱- مرا در محل خودم^{۱۹} دفن کنید.

۲- محل دفن را کنار قبر شهید حیدر غریبی.

۱۱. اصل: پیام.

۱۲. اصل: توبه.

۱۳. اصل: را.

۱۴. خوانا نیست.

۱۵. اصل: روز.

۱۶. آیه ۲۵۶، سوره بقره: «لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم». کار دین به اجبار نیست، تحقیقاً راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده، پس هر که از راه کفر و سرکشی دیو رهن بر گردد و به راه ایمان به خدا گراید بی گمان به رشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست، و خداوند شنوا و داناست».

۱۷. شعر از صائب تبریزی است، در اصل وصیت به این صورت آمده است: «ما زنده برانیم که آرام نگیریم، موجیم که زنده ماندن ما عدم ماست».

۱۸. خوانا نیست.

۱۹. اصل: خود.

۳- برایم گریه نکنید، چون شهید شدن افتخار است.

۴- از برادرانم می خواهم راه ما را ادامه دهند، نگذارند خون ما و راه ما فراموش گردد.

والسلام

خدا حافظ شما

ابوالقاسم آقامحمدی

فرزند حیدر

ساکن روستای میلاجرد

از حومه اراک

[illegible]

حسینعلی آقامحمدی

نام: حسینعلی
نام خانوادگی: آقامحمدی
تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۹/۲
محل تولد: روستای کودزر از توابع شهرستان
ازاک
نام پدر: عباس
نام مادر: فضا
تحصیلات: خواندن و نوشتن
شغل: کارگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱/۲۶
محل شهادت: فکه
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر
محل دفن: روستای کودزر

گلچین وصیت نامه

- قدر این رهبر را بدانید و از بیانات گوهربارش استفاده نمایید.
- خواهران عزیزم! از شما می خواهم که زینب وار با مشکلات دست و پنجه نرم کنید و پیام خون شهدا را به گوش جهانیان برسانید.
- از شما خواهرانم می خواهم همان طور که زینب (س) یزیدیان را رسوا کرد، شما هم یزیدیان زمان را رسوا کنید و همیشه پشتیبان امام باشید.
- از شما می خواهم راهم را ادامه دهید و اسلحه ام را زمین نگذارید.
- امام را تنها نگذارید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.
 «شهیدان در راه خدا را مرده مپندارید، بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدای خویش
 روزی می‌خورند».

با سلام و درود فراوان به پیشگاه امام زمان (عج) و نائب برحقش امام امت،
 خمینی کبیر، ابراهیم زمان فرزند حسین، یاور مستضعفان، درهم کوبنده کاخ ستمگران،
 بنیان‌گذار حکومت عدال الهی در تمام گوشه و کنار دنیا. و با سلام و درود بیکران
 بر شهدای حق و فضیلت بالاخص شهدای جنگ تحمیلی که با نثار خون سرخ خود
 درخت پربرکت اسلام را آبیاری کرده، می‌کنند راهشان مستدام و نامشان جاویدان باد.
 وصیتم را آغاز می‌کنم. امروز که من عازم جبهه حق علیه باطل هستم، هیچ‌گونه
 وحشت و نگرانی در وجودم احساس نمی‌کنم، بلکه خیلی خوشحال [هستم] که این
 آگاهی را دریافتم که می‌توانم بفهمم^۲ فرمان امام را و من با رضایت کامل مجری فرمان
 او هستم و امروز که من عازم جبهه هستم، کاملاً شهادت را در وجودم احساس می‌کنم
 و من این مرگ را از غسل بر وجودم گواراتر می‌دانم. چون اطاعت از امام و اسلام
 است و این وظیفه شرعی هر مسلمان است.

اما هیئات که ۱۸ سال از عمرم گذشت و هنوز اندر خم یک کوچه‌ام. زیرا که
 از نعمت‌هایی که پروردگار به من داده سپاس‌گزاری نکرده و شرمندهام و امام و رهبرم
 را آن‌طور که باید بشناسم، نشناختم. و آن‌طور که باید در گفتارش تفکر کنم، نکردم

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا مشغول خواهند بود».

۲. اصل: بفهم.

و توفیق نیافتم که بیشتر بشناسمش. افسوس و صدافسوس که با چنین رهبری هم عصر بودم ولی از ولایت استفاده نکردم و به فرامینش آنطور که باید تفکر کنم نکردم تا راه را بیابم.

برادران و خواهران عزیز! قدر این رهبر را بدانید و از بیانات گوهربارش استفاده نمایید که به راستی خداوند در این برهه از تاریخ، حجت عظیمی به ما عطا فرموده، قدرش را بدانیم که فردای قیامت در پیشگاه خداوند سرافکنده و شرمسار نباشیم. وصیتم به پدر و مادرم این است که شما را خیلی دوست داشته و دارم، اما خدا و اسلام را بیش از شما دوست دارم. پدر و مادر داغدارم، اگر من شهید شدم، از شما می‌خواهم که برایم گریه نکنید و شاد باشید که شما هم فرزندان را در راه اسلام و قرآن قربانی داده‌اید. همانند دیگر سربازان اسلام، چنانچه خون من رنگین‌تر از آنان نیست.

پدر و مادر عزیزم! از اینکه حس می‌کردم در مکانی راحت قرار بگیرم و در سنگر نباشم. من نمی‌توانستم به خودم بقبولانم که برادران خودم در مرزها شهید شوند و من هر روز شاهد این باشم که فلان قدر کشته یا فلان قدر زخمی شوند. چگونه من می‌توانستم مشاهده کنم هر روز عده‌ای از بهترین جوانان ما کشته شوند و من به کارهای روزمره مشغول باشم.

مادر مهربان! شاید از دست دادن من برای شما مشکل باشد، ولی غم از دست دادن حسین(ع) بر فاطمه زهرا(س) سنگین نبود. مگر آنها نبودند که کشته شدند تا دین اسلام پابرجا باشد. من هم به نوبه خودم از آقا و سرورم حسین(ع) درس مبارزه و جهاد و درس شهادت را یاد گرفته‌ام. من آموختم که زندگی دنیا نکبت‌بار است.

خواهران عزیزم! وصیتم به شما این است که بعد از شهادتم سیاه نپوشید و عزای نگیرید، چون شب دامادی من است و از شما می‌خواهم که زینب‌وار با مشکلات دست و پنجه نرم کنید و پیام خون شهدا را به گوش جهانیان برسانید که حق همیشه پیروز است. از شما خواهرانم می‌خواهم همان‌طور که زینب(س) یزیدیان را رسوا کرد، شما

هم یزیدیان زمان را رسوا کنید و همیشه پشتیبان امام باشید.

و از شما خداحافظی می‌کنم و مرا حلال کنید و از تمام قوم و خویشانم، دایی‌هایم، عموهایم، عمه‌هایم و خصوصاً از مادر بزرگم خداحافظی می‌کنم و از آنها می‌خواهم که مرا حلال کنید.

برادران و خواهران عزیز! شما که در تشییع جنازه من شرکت کرده‌اید، اگر بدی از من دیده‌اید مرا ببخشید و حلالم کنید.

آخرین وصیتم به برادران بسیج، برادران عزیز، مرا حلال کنید و از شما می‌خواهم راهم را ادامه دهید و اسلحه‌ام را زمین نگذارید، چون من برادر دیگری ندارم که راهم را ادامه دهد و خواهش دیگری این است که امام را تنها نگذارید.



بسم الله الرحمن الرحيم

وہیبتاً ماہیہ علیہ حسن اکوالمحمد

24. 11/11/11

لذین قللوا فی سبیل اللہ اموالاً یل اویاء عند ربهم یرزقون

مرکز امور نادر و پیشاکران: مسعود سپهری، مدیرکل، آرشا زینوند، معاون امور حقوقی و امور زنان و خانواده

[illegible]

قربانعلی آقامحمدی



نام: قربانعلی

نام خانوادگی: آقامحمدی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۵/۳

محل تولد: روستای میلاجرد از توابع شهرستان

کمیشان

نام پدر: احمد

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: خواندن و نوشتن

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۹

محل شهادت: محور اهواز-خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت گلوله به شکم

محل دفن: روستای میلاجرد

گلچین وصیت نامه

❖ خداوندا! رحمتی کن که آنچنان که تو دوست می‌داری بمیرم و در لحظه مرگ، قلبم مالا مال از عشق تو باشد.

❖ مادر قهرمانم! از تو تقاضا دارم در سوگ من اگرچه بسی برای مشکل است صبر نمایی و چون همیشه که مردانه می‌خروشیدی، این بار بر گورم صبور باش.

❖ مادر عزیزم! از تو می‌خواهم که متانت و وقار خودت را حفظ کنی.

بسم الله الرحمن الرحيم

متن وصیت‌نامه پاسدار قربانعلی آقامحمدی، فرزند احمد آقامحمدی، شماره شناسنامه ۶۵، تاریخ تولد ۱۳۳۷.

«يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفِرَاشِ الْمَبْثُوثِ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأَمَّهُ هَاوِيَةٌ»^۱.

به نام خداوند کریم و رحمان و به نام آن که گناهان و عیب‌هایم را پوشاند و بدی‌هایم را در انظار دیگران مخفی نگاهداشت و و محبت مرا در قلب دوستان و خویشان و یارانم قرار داد. و به یاد آن که بهترین فرزندان اسلام برایش همه گلوله‌های خصم را به جان خریدند و سینه‌هایشان چاک چاک جبهه‌های نبرد حق علیه باطل گردید.

در این لحظه‌ها قلم به دست گرفته و مطالبی را به نام وصیت‌نامه می‌نویسم و به هیچ عنوان اطمینان ندارم که شهید می‌شوم. و اگر به رحمانیت بی‌منت‌های خداوند ایمان نداشتم، هرگز در این شرایط وصیت‌نامه نمی‌نوشتم، ولی چه کنم که جز او کسی را ندارم تا بر روی صفحات سیاه زندگانیم خون خورشیدی رنگ شهادت را بلغزاند. خداوند! رحمتی کن که آن‌چنان که تو دوست می‌داری بمیرم و در لحظه مرگ، قلبم مالا مال از عشق تو باشد^۲ و کینه و غل‌ها و زنجیرها را به دور ریخته باشم که جز تو به هیچ کس و هیچ چیز امید ندارم.

۱. آیات ۴-۹، سوره قارعه: «در آن روز سخت، مردم مانند ملخ هر سو پراکنده شوند. و کوه‌ها همچون پشم زده شده متلاشی گردد. پس عمل هر کس را در میزان حق وزنی باشد، او در بهشت به آسایش و زندگانی خوش خواهد بود. و عمل هر کس بی‌قدر و سبک وزن باشد، جایگاهش در قعر هاویه (جهنم) است».

۲. اصل: می باشد.

بارالها! وامسکینم و بی چیز و فقیر بر حال پریشانم رحمی کن که به شدت به لطف و کرمت مانند همیشه نیازمندم. ای اولین و آخرین پناهگاه! از اینکه حسین خونینت را در جبهه‌های پر خون سوسنگرد و هویزه و... تنها گذاشتم و از اینکه جزء آخرین‌ها هستم که به سویت می‌شتابم، از تو طلب عفو می‌کنم.

خداوندا! عذرم را بپذیر گرچه خود عذر ماندن خویش را نمی‌پذیرم و بر پوست نازکم رحم کن. و خدا یا! سوزش آتش را بر پوستم حرام گردان و یاریم نما که در راه تو بمیرم. الهی العفو، العفو، العفو!

[...] ^۳سخنی چند با پدرم و مادرم:

«سلام علیکم بما صبرتم» ^۴.

مادر قهرمانم! از این که برای آخرین بار از تو خداحافظی نکردم، امیدوارم که مرا ببخشی و از اینکه تنهایت گذاشتم و در کنارت نمانده‌ام. مادر همیشه قهرمانم که همه زندگانیت را در رنج گذراندی ^۵ تا فرزندان خونین کفنت را فدای اسلام نمایی ^۶، از تو تقاضا دارم در سوگ من اگرچه بسی برای مشکل است صبر نمایی و چون همیشه که مردانه می‌خروشیدی ^۷، این بار بر گورم صبور باش.

مادر عزیزم! از تو می‌خواهم که متانت و وقار خودت را حفظ کنی. و اگر برادران سپاه و یا سایر برادران برای زنده نگاهداشتن یاد شهدای اسلام عزیز به خانه ما آمدند ^۸، با گرمی از آنان پذیرایی نما.

مادر گرامی! امیدوارم که [بعد] از شهادت عزیزترین یاران زندگیم از من تقاضای ماندن ننمایید. من صبر انسان‌های بزرگ را ندارم که تا آخرین لحظه زندگانی برادران خویش تحمّل زندگی را داشته باشد.

۳. «یا» حذف شده است.

۴. بخشی از آیه ۲۴، سوره رعد: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ: سلام و تحیت بر شما باد که صبر پیشه کردید، و بس نیک است سرانجام این سرای».

۵. اصل: گذارندی.

۶. اصل: نمی آئی.

۷. اصل: می خورشیدی.

۸. اصل: آمدند.

مادر و پدر عزیزم! از همه شما حلالیت می‌طلبم. مادر جان! اگر من شهید شدم، برای من ۲ سال روزه بگیرید و ۲ ماه برای من نماز بجا آورید. و پدر جان دویست تومان بدهکاری دارم در راه خدا بدهید.

پدر جان! اگر همسرم خواست در خانه بماند [با] رفتار اسلامی با او رفتار کنید. و از تمام دوستان و آشنایان و اقوام و همسایگان طلب حلالیت می‌کنم و اگر من شهید شدم، وکیل من پدرم می‌باشد.

[...]^۹

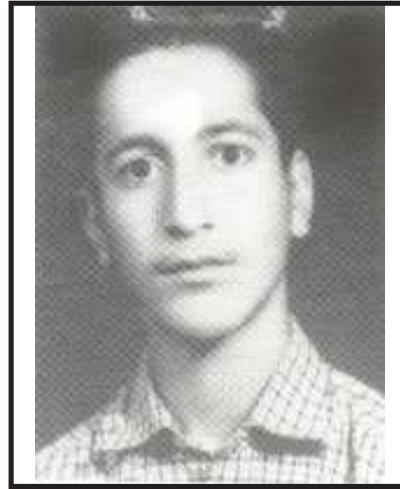
تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲۱

۹. آدرس منزل شهید در این قسمت از وصیت آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم
 کرم یکتو انسان کاغذ انصاف عبودیت و سکونت انجیل کمالی حق تعالی
 فاما من تهمت مرا زینت محرم عیسه را ضمیمه و امانت تحت مرا زینت ناله هادی
 بنام خداوند کرم و رحمان و ربنا آنکه گناهان و عیبها را برساند
 و بدیها را براندازد و بگردد مخفی نگاه داشت و محبت مراد
 قلب دوستان و دشمنان و بداند قدر را در بیان آنکه بهترین
 فرزندان اسلام برایش همه کفوله های خصم را بجان خردند
 در سینه های شان جای جاک جبهی های بنور حق عید باطل
 گردیدند این لحظه در قدم این است گرفتار و مطالبی را بنام وصیت نم
 می نویسم و به هیچ عنوان اطاعتان ندارم که شهادت می کنم و اگر می
 دهد نیت بی شهادت خداوند اینان خدا قسم هرگز در این شرایط
 وصیت نامه نمی نویسم و بی چه کنم که جز او کسی را ندارم تا بر روی
 صفحات سیاه زنی که این خون خورشید را یک شهادت
 را بفرزند خداوند را رعایت کن که آن بختان که تو دوست می داری
 بعین و در حفظ مرگ قلبم و لعل از عشق تو می باشد و عیسه
 خداوند بخیرها را بدو را ختم با شمس که جز تو به هیچ کس و
 هیچ چیز امین ندارم بارها و اسکنم و بی چیز فقیر بر حال
 یکتا تو رحمتی کن که به سرت به لطف و کرم ما شد همیشه نیازمند
 ای اولین و آخرین پناهگاه از اینکه حین خونیست از دجیم های
 در خون سوز سوز و هویزه و ... تقاضا کنم از اینکه جز
 آن خرمین ها هستم که بسوی است می دانم از تو طلب عفو میکنم
 خداوند بخیرم ایندی بر کرم خود عذر صاف از خودی را نمی بینم و بر
 پوست نازکم رحم کن و خدا یا سوزش که شمس را بر تو قسم حرام گردان

[illegible]

نبی‌الله آقامحمدی



نام: نبی‌الله

نام خانوادگی: آقامحمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۳

محل تولد: روستای چناس از توابع شهرستان
شازند

نام پدر: اسدالله

نام مادر: معصومه

تحصیلات: دانش‌آموز سوم متوسطه (رشته ریاضی)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۷

محل شهادت: فاو عراق

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت‌نامه

- ✧ غبار غم را از چهره خودتان بگیرید و تن به رضای الهی دهید و سوگی بر خود ندهید چرا که سوگتان شادی دشمن و شادی‌تان سوگ دشمن دین را در بردارد.
- ✧ اگر خطایی از من دیدید ببخشید و از خدا برایم طلب مغفرت کنید.
- ✧ جز راه خدا راهی نپوید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَأَنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»^۱.

سپاس خدای را که با این همه گناه و خطا باز هم لطف بیکران خود را از ما دریغ نکرد و آنچه را که ما لایقش نبودیم، بر استمرار فیوضاتی که تاکنون بر ما می‌بارید به ما عطا کرد و نام پر گناه مرا نیز در زمره شهدای راه خودش و انتخاب‌شدگان از بین بندگان به ثبت رسانید.

بار پروردگارا! خالصانه می‌گویم که چون در خودم نگاه می‌کنم، بسیار کوچکت از آنم که نام جهادگر طریق خودت را بر من نهی و اگر با عدالت با من رفتار کنی خود دانی که چه مصائبی را باید بینم تا گناهانم پاک شود. ولی وقتی که در فضل و کرم تو و سابقه خودت در فضل و کرم به من و دیگر بندگان گنهکارت نظر می‌کنم، از تو بعید نمی‌بینم که ما را هم مورد این لطف عظیم قرار دهی.

پدر بزرگوارم! ای آنکه برای پرورش ما و نگهداری این نعمت‌هایی که خدا به تو عطا کرده بود، از هیچ زحمتی دریغ نکردی و محبت خود را به همراه رضایت بر قضای الهی از دیدگان صبوریت به هنگام وداع با من اظهار داشتی، از من راضی باش. آنچه از من دیدی از خطاها، ناسپاسی‌ها و نادانی‌ها ببخش و مرا ببخش که نتوانستم آن‌طور که شایسته بود با شما رفتار کنم.

و تو ای مادر مهربانم! ای آن که از هنگام کودکی‌ام در گوشم^۲ به جای لالایی تعزیه حضرت عباس و قاسم بن الحسن و غیره را می‌خواندی، حالا من هم از تو

۱. آیه ۸۲، سوره طه: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ» و البته بر آن کس که توبه کند و ایمان آورد و نکوکار گردد و درست به راه هدایت رود مغفرت و آمرزش من بسیار است.

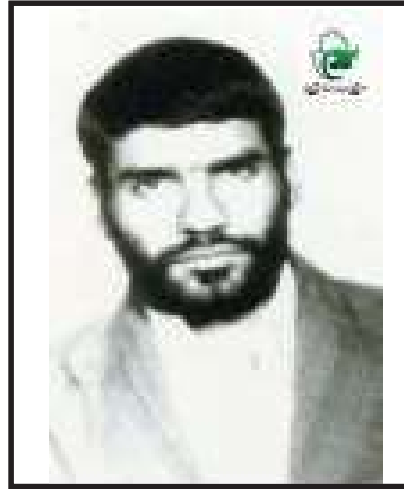
۲. اصل: گوش

آموختم و اعضا و جوارحم نیز از آن گریه‌ها و اشک‌های گهربار تو نیرو گرفته‌اند تا تعزیه حسین را برپا دارند نه با سخن بلکه آن‌طور که قاسم برپا داشت و بدان که چهره صبور را مجسم می‌کنم که در مجلس جشن لقاء من قهرمانانه می‌گویی «الهی راضیاً بقضائك مطیعاً لِأَمْرِکَ لَا مَبْعُود سِوَاکَ»^۳، همان‌طور که حسین گفت. و می‌دانم که گرچه من از شهدای صدر اسلام کمتر ولی تو از نسبی که کمتر نیستی و امیدوارم نباشی. پس غبار غم را از چهره خودتان بگیرید و تن به رضای الهی دهید و سوگی بر خود ندهید چرا که سوگتان شادی دشمن و شادی‌تان سوگ دشمن دین را در بردارد. برادر عزیزم و خواهران مهربانم! من اگرچه سنم از شما بیشتر بود، ولی از همه شما کوچکتر بودم. پس اگر خطایی از من دیدید ببخشید و از خدا برایم طلب مغفرت کنید. و به همراه پدر و مادرم جز راه^۴ خدا راهی نپوید.

۳. «ای خدای من، من راضی به قضاء و حکم تو هستم و تسلیم امر و اراده تو می‌باشم. هیچ معبودی جز تو نمی‌باشد».

۴. اصل: را.

علی آقایی



نام: علی

نام خانوادگی: آقایی

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱۰/۴

محل تولد: روستای کله از توابع شهرستان اراک

نام پدر: حاجی آقا

نام مادر: صفیه

تحصیلات: بی سواد

شغل: مستخدم آموزش و پرورش

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۷/۲۹

محل شهادت: فارسباب اهواز

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: گلزار شهدای اراک

گلچین وصیت نامه

- ❖ امیدوارم که برای من دعا کنید تا به درجه شهادت نائل شوم.
- ❖ برادر عزیز! از تو می خواهم که نمازت را بخوانی و خداوند بزرگ را فراموش نکنی که امر او از تمام امرها واجب تر است.
- ❖ از شماها می خواهم که ناراحت نباشید. انسان یک بار می میرد، چه بهتر که مرگ با افتخار و شرف باشد.
- ❖ ای کاش هزار جان خداوند به من می داد تا در راهش نثار کنم.

به نام خدا

۵۹/۷/۱ - وصیت‌نامه علی آقایی به پدر و مادر و خواهرانم و خانواده

۱- پدر بزرگوار! سلام، امیدوارم که از اینکه فرزندانم به مأموریت می‌روند، ناراحت نباشی. خودت خوب می‌دانی که دشمن هر لحظه در کمین است. اگر ما از اسلام عزیز حمایت نکنیم، دیگر جای زندگی هم برای تو و مادرم و دیگران نخواهد بود. از اینکه نتوانستم شما را ببینم معذرت می‌خواهم، چون وقت کافی نبود. و خواهشی که از تو دارم مادرم را دلداری بده که ناراحت نباشد. اگر به خدا ایمان دارید و به نائب امام زمان (عج) یعنی امام خمینی، نباید ناراحت بشوید بلکه باید خوشحال هم بشوید. و امیدوارم که برای من دعا کنید تا به درجه شهادت نائل شوم.

۲- مادر عزیز و مهربان! سلام، از اینکه تو را ندیده‌ام ناراحت هستم ولیکن چه کنم امر خدا از تمام چیزها بالاتر است. اگر مرا دوست داری و ایمان کامل داری گریه نکن و ناراحت نباش. ما تا چند مدتی در مأموریت هستیم، به امید خدا برمی‌گردیم.

۳- برادر عزیز! سلام، امیدوارم که در کارهایت پیروز باشی. از تو می‌خواهم که نمازت را بخوانی و خداوند بزرگ را فراموش نکنی که امر او از تمام امرها واجب‌تر است.

۴- خواهران عزیز! سلام، از شما می‌خواهم که پدر و مادرم را راهنمایی کنید که آنها برای من ناراحتی نکنند.

۵- خانواده عزیز عطر گل! امیدوارم که مرا حلال کنی و از اینکه من به مأموریت می‌روم ناراحت نباشی. روح الله و فاطمه را از جای من ببوس و اگر برای من ناراحت باشی از تو راضی نمی‌شوم.

پدر جان! تو وکیل حقوق من هستی تا وقتی که من از مأموریت بیایم. به اداره آموزش و پرورش می‌روی و حقوق مرا می‌گیری. اول از همه قرض‌هایم را پرداخت می‌کنی، بعداً خرجی خودتان را برمی‌داری و بقیه خرجی را به خانواده خودم می‌دهی. اگر خداوند بزرگ خواست و به درجه شهادت رسیدیم، خانه خودم را که در آن می‌نشینم نصف خانه برای خودت و مادرم، که البته تا شما زنده بودید خدای نکرده بعد از شما یعنی پدر و مادرم این نصف خانه‌ای را که به شما داده‌ام هیچ‌گونه سهمی به برادر یا خواهرانم نمی‌رسد، به زن و بچه‌هایم بدهید. در ضمن، نصف خانه یعنی از تمام ساختمان نصف آن و فرزندان یعنی روح الله و فاطمه هر کدام به سهم خودشان از تمام زندگی و زنم هم مطابق یک پسر از خانه و زندگی حق برد و در ضمن به خواست خداوند بزرگ اگر به درجه شهادت نائل شدم بعد از من می‌تواند شوهر کند.

و پدر جان! پول طلایی که به من داده است کم کم از حقوق خودم به آن بدهی یا برایش طلا می‌خری و پدر جان بچه‌های خواهر را یک دفعه نکند از خانه بیرون کنی، چون آنها به من دل بسته بودند. امیدوارم که به آنها محبت کنی و بقیه حرف‌ها را به علیرضا گفته‌ام تا به شما بگوید.^۱

خوب پدر جان و مادر عزیز و برادر و خواهران و دیگر قوم و خویشان! امیدوارم که مرا حلال کنید و برای من ناراحت نباشید. ساعت پنج و نیم صبح روز سه‌شنبه، یکم مهرماه سال هزار و سیصد و پنجاه و نه، ساعت ۵/۵.

۵۹/۷/۱

علی آقای

امضاء^۲

پیروزیاد انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی.

نابود باد آمریکا و شوروی، دشمن مستضعفین.

۱. اصل: بگوئید.

۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

به نام خدا

۵۹/۷/۲۲

وصیت‌نامه علی آقایی

«...انا لله و انا اليه راجعون»^۳.

«بازگشت همه به سوی اوست (خدای بزرگ)».

این وصیت‌نامه را زمانی که می‌خواهم حرکت کنم می‌نویسم، حرکت به سوی خدای بزرگ. از آنجایی که خداوند بر ما منت نهاده و انسان را در راه خودش (فی سبیل الله) دعوت می‌کند، دلم می‌خواهد تا آنجا که توان و نیرو در بدن دارم، در راهش خدمت کنم.

پدر، مادر، برادر، خواهران، قوم و خویشان! سلام، امیدوارم که مرا حلال کنید. این سفری است که برگشت در آن وجود ندارد. سفری به سوی الله است. از شماها می‌خواهم که ناراحت نباشید. انسان یک بار می‌میرد، چه بهتر که مرگ با افتخار و شرف باشد. ای کاش هزار جان خداوند به من می‌داد تا در راهش نثار کنم. آرزوی من فقط در دنیا این بوده که اولاً اسلام پیروزی کامل را به دست آورد. دوماً از عمر ماها خداوند بگیرد^۴ و عمر رهبر عزیز و مهربان و دلسوز ما (امام خمینی) را زیاد کند. درباره وضع زندگی طبق وصیت‌نامه‌ای که در خانه نوشته‌ام عمل شود. در آخرین ساعات زندگیم می‌خواهم که خداوند از گناهان همه مسلمانان انقلابی بگذرد و ما را به سوی خودش دعوت نماید، همچنین اینجانب را.

پیروز باد انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی. نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم، کمونیسم و تمام افرادی که اینها را یاری می‌کنند.

خدا حافظ

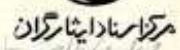
با تقدیم احترام علی آقایی

امضاء^۵

۳. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۴. اصل: بگیرد.

۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



2/3

89. *V. l.*

محمود شاه افغانی سلطان ایران : ابراهیم امام خانی
 نامدار و شجاع و شریف و شهنشاهی





مرکز اسناد و انتشارات

89. $\sqrt{2}$

عن أبي هريرة

دست به خط میانی

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

ماکتت در سور است خوار است

این جهت اندوخته را که در تمام عمرم به خدمت مهور خانم لاریا بماند عطا فرماست

نماز و استسنا و ابراهیم حضرت بن سیدة نعت سرکه دلم سر خواهد تا کما فاکه قرآن و غیره درین دلم

در راه نشر خدمت کم

در راه شرف حضرت کم
پیر ماسر - برادر - خواهر - محمد خوشن سلام امیدوارم که با حلال نشو این سفر است که

گرفت در آن وجود خالد سفر به سمرقند از شاه حاکم خرامه به امرت پناشید افغان کیم بار میبرد

چند روز با انوار مرض باشد اگر کاش هر جا خانه به خانه از آن درویش شمار کند

آدم و حوا را در این بود که ادا اسلام بر سر قتل و اجتناب از عمارها عمارت

نگین و محمد مراد و مراد السزای (امام عظیمه ازاد کتب)

در باره وضع زندگانی طبق و محبت نامه در کتابخانه نوشته نم. عمل شود

در آن حضرت است که می فرماید که خداوند را که کمال داد سلطان اهل بی بیکنور و ما را میسر خواست شد

46 - طين (طين)

چند روز بعد انقلاب اسلام ایران به رهبر امام خمینی

نمبر د اسیر السلام - محمود شمس - کمیونسم - مقام افراسیاب کے استعارے میں

برالمت خدایا

بالتقديم احترام مع آيات

محررچ آقایی



نام: محمدریچ
نام خانوادگی: آقایی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۳/۶
محل تولد: روستای دهمهدی از توابع شهرستان
شازند
نام پدر: رحمان
نام مادر: منور
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۷/۲۱
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به پهلو و شکم
محل دفن: روستای دهمهدی

گلچین وصیت نامه

- ◀ امیدوارم از دوری من رنج نبرید.
- ◀ من از خداوند متعال اجر بزرگ برای همه شماها یک به یک می خواهم.
- ◀ حالا من که در یک جایی قرار گرفتیم که حقیقت راه حق [است] و جز [آن] راه دیگری وجود ندارد و من هم به چیز دیگری فکر نمی کنم جز هر آن به مردن.

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان راه حق که برای وطن خود از جان و دل می گذرند. و سلام بر شهیدان کربلا و یاران باوفای حسین (ع). درود^۱ بر امام امت خمینی بزرگ که این آزادی را برای ملت ایران به ارمغان آورد و این ملت ستمدیده را از غرق^۲ بدبختی نجات داد.

۶۶/۴/۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

من سرباز وظیفه، محمدریغ آقایی، خدمت پدر و [مادر] مهربانم و برادران و خواهرانم و اقوام نزدیک [و] دور یک به یک سلام عرض می کنم و از خداوند بزرگ برای خیر [و] برکت ایشان رحمت خیر می خواهم و امیدوارم که از دوری من رنج ندیده باشید.

باری، پدر عزیزم! امیدوارم که در این سن ۲۰ سالگی^۳ از حقیر رنج نبرده^۴ باشید و اگر هم رنج دیده اید، امیدوارم که مرا ببخشید. باری مادر عزیزم! از این راه پرخطر امیدوارم که سلام مرا پذیرا باشید و از این راه پرخطر گناهان مرا ببخشید و من را همان طوری که بزرگ کردید از رنج های سختی ناراحت نشده باشید.

۱. اصل: درود.

۲. اصل: قرق.

۳. اصل: سالی (همه جا اصلاح شد).

۴. اصل: نربروده.

و خدمت برادران [و] خواهرانم^۵ سلام می‌رسانم و امیدوارم که از من هیچ ناراحتی ندیده باشید. باری، برادران و خواهران!^۶ امیدوارم از دوری من رنج نبرید.^۷ باری، من از خداوند متعال اجر^۸ بزرگ برای همه شماها یک به یک می‌خواهم.

و در اینجا باز هم به [...] خودم^۹ که در این سن ۲۰ سالگی به هیچ چیز فکر نمی‌کردم و حالا من که در یک جایی قرار گرفتیم که حقیقت راه حق [است] و جز [آن] راه دیگری وجود ندارد و من هم به چیز دیگری فکر نمی‌کنم جز هر آن به مردن. و می‌دانم که در هر ساعت و در [...] دقیقه^{۱۰} آرزوی من را می‌کنید.

باری پدر و مادرم! آرزوی من این است که بعد از مردن من زیاد گریه نکنید، چون من جوانی ناکام بودم و خیلی آرزوهایی را به دلم داشتم. آرزوی من این بود، اول این وظیفه سربازی را تمام کنم و بعد دیگر آرزوهایی که [...] می‌شود انجام بدهیم. آرزوی من این بود که این دوران سربازی [را] تمام کنیم تا بتوانیم زندگی راحتی داشته باشیم.

مادر جان! من خیلی دوست داشتم که بعد از سربازی کارهایی [که] بر من کرده بودید، جبران کنم. آرزوهایی به دل داشتم که بعد برای تو و پدرم و برادرانم و خواهرانم انجام دهم^{۱۱} اما این آرزوها را باید پیش از دوری انجام می‌دادم. آرزویم این است که اگر زنده ماندم، بعد این بدبختی‌ها چه کارهایی را انجام دهم. مادرم! من در دل سنگرها که مانند یک خانه خودمان است زندگی می‌کنم و در این سنگرها چه آرزوهایی [و] چه خاطره‌هایی داشتم. مادرم! من جوان بودم و هرگز فکر مردن نبودم، چون جوانی که بیش از ۲۰ سال سن ندارد هرگز دوست ندارد بمیرد^{۱۲}.

۵. اصل: خواهرنم.

۶. اصل: خواهران.

۷. اصل: نربرید.

۸. اصل: همجز.

۹. خوانا نیست.

۱۰. خوانا نیست.

۱۱. خوانا نیست.

۱۲. اصل: انجام دهم.

۱۳. اصل: بمرد.

مادر جان! آرزو دارم ببایم با کسانی که در زمان کوچکی با هم بودیم باز با هم باشیم. و تنها خاطره من این است که این جنگ هر چه سریع‌تر تمام بشود تا ما بتوانیم به آغوش پدر و مادرمان^{۱۴} برگردیم. و در ضمن، مادر جان! اگر در این راه پرخطر سلامت برگشتیم، آرزو دارم که [...] ^{۱۵} را ادا کنم و اگر در این [راه] پرخطر شهید شدم، آرزو دارم که هر شب [...] ^{۱۶} نمایند تا مرا شاد [...] ^{۱۷}.

مادر جان! چون جوان بودم و آرزوی بسیاری در دل داشتم. آرزو دارم که بعد از مرگ بیش از دورانی که در سختی بودم، مرا دوست بدارید. مادر جان! من خیلی برای تو ناراحت هستم. امیدوارم که بتوانیم باز هم با تو و پدرم و برادران [و] خواهرانم دیداری تازه نمایم.

مادر جان! اگر زنده ماندم که خودم با برادر کوچکم همچون یک شاخه گل به هم پیوند هستیم و اگر مُردم آرزو دارم همچون یک شاخه گل از او مواظبت کن. به امید دیدار تا روزی که دیدارها واصل شود. دیگر عرضی ندارم به جز دوری [و] دیدار شما.

فرزندِ جان گذاشت شما، سرباز وظیفه.

محمدربیع آقایی

امضاء^{۱۸}

مادر جان! خیلی دوست دارم. خدا حافظ، خدا حافظ.

یادگاری از منطقه جزیره مجنون

روز سه‌شنبه - ساعت ۱/۵

۶۶/۴/۲۲

۱۴. اصل: مادر امان.

۱۵. خوانا نیست.

۱۶. خوانا نیست.

۱۷. خوانا نیست.

۱۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

علی آقچه‌لو

نام: علی
نام خانوادگی: آقچه‌لو
تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۳/۱
محل تولد: روستای کهلو علیا از توابع شهرستان
تفرش
نام پدر: خیرالله
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: خواندن و نوشتن
شغل: کارگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۸
محل شهادت: آبادان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: بهشت زهرا تهران

گلچین وصیت‌نامه

- ◀ شکر می‌کنم خدا را در سایه رهبری امام امت، خمینی بت شکن قرار گرفته‌ام تا توانستم به اندازه توانایی خود دعوت امام را لبیک بگویم [و] جانم را در راه اسلام فدا کنم.
- ◀ از خدا می‌خواهم به شما صبر عنایت کند.
- ◀ خواهشمندم در نبودن من زیاد گریه و زاری نکنید، هرچند که داغ فرزندان برای شما گران است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«فلا تطع الكافرين وجاهدهم [به] جهادا كبيرا»^۱.

«پس فرمانبرداری مکن کافران را و جهاد کن با آنها جهادی بزرگ». [۳]

با سلام و درود به ائمه اطهار (سلام الله علیها) و حجه [بن] الحسن صاحب الزمان و نائب برحقش امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران. و درود به ارواح طیبه شهدای گلگون اسلام و به امید پیروزی رزمندگان کفرستیز اسلام بر کافران و ستمگران.

اینجانب خدا را شکر می‌کنم شیعه علوی هستم، مکتبم مکتب امام حسین (ع) است که برای پیروزی و سربلندی اسلام شهادت را پذیرفت تا زور را نپذیرد، به ما درس آزادی داد تا همیشه در هر زمان بر علیه یزیدیان قیام کنیم [و] از جان خود بگذریم.

شکر می‌کنم خدا را در سایه رهبری امام امت، خمینی بت شکن در ابتدای همان خط سرخ عاشورا برای امام حسین (ع) بر علیه تمام ستمگران و مستکبران جهان قیام کرده، مردم را به این راه مقدس دعوت کرده، قرار گرفته‌ام تا توانستم به اندازه توانایی خود دعوت امام را لیک بگویم [و] جانم را در راه اسلام فدا کنم.

و اما پدر و مادر عزیزم! سلام می‌رسانم، رحمت و درود خداوند بر شما باد. شما برای من زحمت زیاد کشیدید و من نمی‌توانم از زحمات شما قدردانی کنم ان شاء الله مرا می‌بخشید که موقع جبهه آمدن نتوانستم بیایم از شما اجازه بگیرم و شرمنده‌ام از شما

۱. آیه ۵۲، سوره فرقان: «پس تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت قرآن و دین حق کنند سخت جهاد و کارزار کن».

۲. «طه-۱۲۴» حذف شده است.

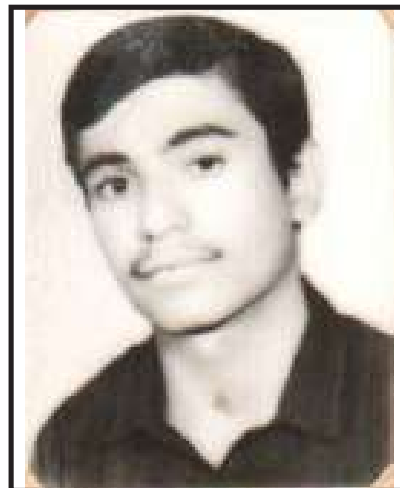
خداحافظی نکردم، امیدوارم که مرا حلال کنید. از خدا می‌خواهم به شما صبر عنایت کند و خواهشمندم در نبودن من زیاد گریه و زاری نکنید هرچند که داغ فرزندان برای شما گران است. و از مادر بزرگم بسیار ممنون هستم، برای من زحمت زیاد کشیده [و] من نتوانستم از آن قدردانی کنم. امیدوارم از خداوند متعال این زحمات باشد، امیدوارم که مرا حلال کند.

و همچنین از عموی بزرگوارم و عزیزم که در راه بزرگ شدن [من] بسیار زحمت کشید، در راه هدایت من به راه اسلام [و] به انحراف نیفتادن^۳ من چراغ راهم بوده تشکر و قدردانی می‌کنم، ان شاء الله اجر ایشان با خداوند باشد.

ضمناً به عمویم و کالت می‌دهم [در امور] مربوطه بعد از [من] صاحب اختیار می‌باشد از قبیل بدهی‌هایم و یا طلبکاری‌هایم و انواع تشیع جنازه از قبیل این‌طور کارها با فروش دو قطعه زمینی که دارم، یکی در حال حاضر چهار دیواری می‌باشد و یک قطعه دیگر که با برادرم حسین شریک هستم، آن سهمیه خود را به صورت ساختمان در آورید.

۳. اصل: نافتادن.

عطاء الله آمره



نام: عطاء الله

نام خانوادگی: آمره

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۳/۱۲

محل تولد: روستای آمره از توابع شهرستان کمیجان

نام پدر: محمدرضا

نام مادر: خدیجه

تحصیلات: دانش آموز چهارم متوسطه (رشته اقتصاد)

شغل: سرباز

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۶

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به کتف

محل دفن: روستای آمره

گلچین وصیت نامه

- ◀ شهادت، این واژه وصف ناکردنی و این رمز پیروزی و این برگزیده ترین و پرافتخارترین راه رسیدن به معبود را با دلی مملو از عشق به اسلام و وطن انتخاب می کنم.
- ◀ می خواهم شهید شوم تا خونم بر حسین (ع) گواهی دهد که رهرو راهش بوده ام.
- ◀ قدر این نعمت والا (امام خمینی) را بدانید و ثابت قدم و استوار در این راه مقامت کنید.
- ◀ عاجزانه می خواهم که راه شهیدان را ادامه دهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

[...]^۱

تقدیم به پیشگاه مقدس بقیه الله الاعظم (عج) و امام امت و امت شهیدپرور ایران. با سلام و درود بر منجی عالم بشریت صاحب العصر والزمان (عج) و با درود بر نائب برحق آن حضرت امام خمینی که این چنین دنیا را به خود آورده و جهانیان را از خواب غفلت بیدار نموده و با سلام و درود بر ارواح طیبه شهدا از هابیل تا عاشورای حسینی و از عاشورای حسینی تا کربلای خمینی و با سلام به امت شهیدپرور ایران که این چنین جوانانی را تحویل اسلام دادند.

بارالها! بنده‌ای ضعیف با تو سخن می‌گویم، بنده‌ای روسیاه با تو درد دل می‌کند، کمک کن تا هوای نفس بر من غلبه نکند.

خدایا! بزرگی و عظمت گناهان و عصیان و کوله‌بار سفر به آخرت که جز خطا اندوخته‌ای را در خود بها نداده است قامت ضعیف و ناتوانم را می‌آزارد و توان و لیاقت ذکر رب خویش را از کف این حقیر عاصی ربوده است. حجاب سخت بین قلب زنگار گرفته این ذلیل، مانع طهارت روح می‌گردد.

«حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم

خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانیست

روم به روضه رضوان که مرغ آن چمنم»^۲

۱. عکس شهید در این قسمت از وصیت وجود دارد.

۲. شعر از حافظ است.

خدایا! از اعماق دره‌های هلاکت و پستی، صدای ضعیف و دست خطاکار حاجتم را به درگاهت بلند می‌کنم تا شاید به واسطه کلام نورانیت که بر پیامبرت فرمودی، عبد بیچاره‌ای را از صراط ضلالت و گمراهی نجات دهی.

یا مولا! عمری را با ادعای شیعه و شایع علی(ع) گذرانیدم. آیا با عذاب من دشمنانت را شاد می‌گردانی و آیا بر بنده‌ای که حب نزدیکی و طاعت و بندگی و پرواز به سوی تو دارد، اما گناه رمق را از اعضا و جوارحش ربوده، نمی‌بخشی؟ سر به سجده استغفار و الهی العفو می‌سایم و توفیق دوری از گناه و تعلقات فانی دنیا قرب حق را از رب‌الارباب، از مولای بندگان و از عفو غفور می‌خواهم.

خدایا! برای اجابت نیازم و برای لیبیک در مقابل سؤالم توشه‌ای جز لطف و رحمت الهی تو ندارم و فقط می‌خواهم تا جان به امانت سپرده‌ام را نثار کلام و رضایت تو نمایم. خدایا! این جان بی‌مقدار را در عوض رحمت و بخشش خودت قبول بفرما که من طمع بهشت ندارم، بلکه از ناسپاسی‌هایی که بجا آورده‌ام شرمگین و خجل‌م. تو عطا کردی من خطا، تو وفا کردی من جفا، تو امر کردی من عصیان.

خدایا! دوست دارم هرچه را که رنگ تو بر آن نقش بسته باشد. خدایا! حلاوت و شیرینی بنده تو بودن را بر قامت فرتوت و بی‌اراده و ضعیف این گنهکار بیوشان. منت خدای را که ایران را مهد «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» و «علی ولی الله» قرار داده و جماعتی پیاخته را به امامت روح‌الله عزت بخشید و در زمره یاوران مهدی(عج) قرار داد. حمد و سپاس خداوندی را سزاوار است که رحمت واسعه بی‌پایانش ما را نیز شامل شد و در این جماعت به پیروی از سیل خروشان مسلمین به سوی دریای شهادت به پیش می‌رویم.

خدایا! اگر در این مقطع زمانی هر کس جز روح‌الله پرچم اسلام را بر دوش می‌کشید، لیاقت آن را دارا نبود و نیست. پس هر کس غیر از امام خمینی (روحی له الفداء) رهبر این ملت بود، در صف پیروانش نبودم، چرا که غاصب بود.

خدایا! به جبهه آمدم تا در زیر لوای پرچمدار اسلام در عصر غیبت کبری، امام

خمینی، جان بی‌ارزش خود را قربانی ورود حضرت بقیه الله الاعظم به عرصه ظهور نمایم. می‌روم به جبهه تا فریاد حق‌طلبانه این ملت مظلوم را با رگبار گلوله بر گوش این کافران بعثی، این منافقین، این خونخواران و جنایتکاران و آن اربابان به اصطلاح ابرقدرتش برسانم. می‌روم تا خط سرخ شهادت را رنگین تر کنم.

شهادت، این واژه وصف‌ناکردنی و این رمز پیروزی و این برگزیده‌ترین و پرافتخارترین راه رسیدن به معبود را با دلی مملو از عشق به اسلام و وطن انتخاب می‌کنم. خدایا! با توکل بر تو گام برمی‌دارم. هرچه صلاح اسلام و رضایت تو ای پروردگار مهربان.

و اگر تقدیر بر اسارت است، خدایا آن را مقدمه آزادی از اسارت نفس قرار ده و اگر خواست تو بر شهادت است جان در کف است. خدایا! آن را از این پیکر پرواز ده. و اگر اراده تو بر ماندن است، این بنده عاصی است. ای مولا در زندگی مرا ثابت قدم بدار تا لذت با توبودن را در مناجات‌ها و عبادت‌ها به ذائقه جان برسانم.

بارالها! درخت نوپای انقلاب تشنه خون است. می‌خواهم شهید شوم تا اگر در زنده‌بودن، من موجب رشد دیگران نشده‌ام، خونم بتواند در آبیاری این نهال سهمی داشته باشد. می‌خواهم شهید شوم تا خونم بر حسین (ع) گواهی دهد که رهرو راهش بوده‌ام.

ای خدای من! دوست دارم تشنه لب، کشته شوم. دوست دارم به دست شقی‌ترین آدم زمان کشته شوم. دوست دارم در راه تو تکه‌تکه شوم، اما چه کنم که این سعادت را ندارم. این مقام از برای کسی همچون اباعبدالله حسین (ع) برانده است که تشنه لب و زیر سم اسبان و به دست شمر لعین، این مرد شقی روزگار شهید گشت.

پدر و مادر عزیزم:

خداوند بر شما منت نهاده و افتخار یاری امام امت که یاری امام زمان (عج) است را نصیب شما عزیزان نموده است. قدر این نعمت والا را بدانید و ثابت قدم و استوار در این راه مقامت کنید.

«در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم مخور»^۳

معلم شما در عفت، فاطمه زهرا(س) و در صبر، زینب کبری (سلام الله علیها) است که سفیر سخنگوی خون بی‌زبان ولی پرمعنای فرزند شهیدتان هستند. پس بر صفحه زندگی و تاریخ، پیام لاله‌های سرخ پرپر شده در سنگر عشق را حک کنید تا نسل‌های آینده کلام شما را نور راه خود گرفته و بتوانند خود را به سرمنزل مقصود برسانند.

اگر جسم من به خانه برنگشت، روحم با شماست و همیشه حاضر و ناظر بر شما خواهد بود. پس پریشان خاطر نشوید که بارگاه قرب و رضای الهی منتظران خواهد بود. پس در فراق من لباس سیاه نپوشید و به جای مجلس ختم برایم مجلس جشن برپا کنید و بخندید و شادی کنید تا دشمن گریه کند که ان‌شاءالله در سرای سعادت لطف و رحمت الهی روزی این نالایق خواهد بود.

و این کلام را بر مردم بخوانید که امام، جانشین مهدی(عج) و پرچمدار لشکر او، سخنگوی او در عصر غیبت است. پس کلام او را به حاکم بدن که همانا قلب باشد، تحمیل کنید تا اعضا و جوارح را در طریق هدایت قرار دهد و به یاد ذوالفقار علی بن ابیطالب(ع) اسلحه بگیرید و بر هرچه کفر و شرک و نفاق است بتازید که اگر نکنید، علی زمان را خانه‌نشین خواهند کرد و اگر امروز علی زمان خانه‌نشین گردد، دیگر نام پاک رسول‌الله [را] نخواهید شنید و بانیان علل این مطلب را سرانجامی جز خلود در نار و عذاب الهی نیست.

قتال به عنوان فروع دین، اصل واجب است و این کلام الهی روح‌الله است که جوانان را و همه را به سوی جبهه می‌خواند^۴. لیبیک به فرمان او به منزله اباعبدالله الحسین(ع) در صحرای کربلا می‌باشد.

۳. شعر از حافظ است.

۴. اشاره به این سخن امام خمینی(ره) است: «ما باید توجه کنیم که امروز در حال جنگ هستیم در جبهه‌ها باید افراد بروند این یک واجب شرعی- الهی است؛ منتها واجب کفایی به همه واجب است».

و اما برادران عزیز و مهربانم! هرچند که در زندگی برادر خوبی برای شما نبودم، ولی از شما عاجزانه می‌خواهم که راه شهیدان را ادامه دهید.

و ای مردم و ای دوستان عزیزم! مرا ببخشید و حلالم کنید و از خدا بخواهید این جان ناقابل را از ما قبول‌ند و بر ما منت گزارده، با صالحان محشور فرماید.

و در انتها می‌خواهم کمی در مورد کسانی که مخالف جنگ و دوستدار صلح تحمیلی هستند، سخن بگویم. اصولاً در هر انقلابی عواملی باعث کندشدن حرکت انقلاب و یا شکست آن انقلاب می‌شوند. حالا این عوامل چه چیزهایی می‌باشند:

۱- منافقین که در هر جامعه و کشوری که هستند باعث صدمه و زیان می‌شوند.

۲- افراد سودجو و محتکر که از انقلاب سوء استفاده کرده و به جامعه ضرر می‌زنند.

[...]^۵

۳- افراد بی‌تفاوت که دو گونه‌اند:

الف) یا اینکه کلاً بی‌تفاوت هستند و شکست و پیروزی برایشان مطرح نیست.

ب) کسانی که یا خیلی احمقند و یا خیلی زیرک که در ظاهر طرفدار انقلاب و شاید در باطن هم طرفدار آن باشند ولی اینان افرادی هستند که نمی‌خواهند از خود مایه بگذارند.

در حین دوره چند ساله جنگ، بسیاری از این گونه افراد شناخته شده‌اند. افرادی که نه حاضرند خودشان به صحنه بروند و نه از فامیلی و یا بچه‌هایشان به جبهه بروند و هزاران بهانه پیش می‌آورند. اینان در حماقت کامل به سر می‌برند و به اطراف خویش نگاه نمی‌کنند که چگونه افراد مختلف از سراسر کشور عازم جبهه می‌شوند.

آیا اینان ندیدند و نشنیدند که دشمن بعثی صهیونیستی در شهرهای بستان، سوسنگرد و خونین‌شهر و دزفول و غیره به خواهران و مادران ما چه کارها کردند؟ آیا نشنیدند با کودکان خردسال این شهرها چگونه رفتار کردند؟ آیا می‌خواهند در

۵. عکس شهید در این قسمت از وصیت وجود دارد.

شهرهای دیگر هم این کارها اجرا شود؟

آنانی که فقط به فکر اندوختن زر و زیور هستند، آیا می‌خواهند و یا می‌توانند آنها را با خود به گود ببرند؟ و آیا تاکنون این همه اندوخته‌اند چه دردی از دردهای خویش را درمان کرده‌اند؟ آیا [...] آمریکا می‌آید و به ما کمک می‌کند [...] گفتم بهتر است. اگر مردم مسلمان [...] این قافله‌ها را که باعث شکست انقلاب می‌شود از بین ببریم و پرچم جمهوری اسلامی را بر فراز بلندترین و دورترین نقطه جهان به اهتزاز در آوریم، به امید آن روز.

وصایا:

۱- مرا در روستای خودمان دفن کنید.

۲- هر چقدر می‌توانید برایم نماز و روزه بجا آورید.

۳- هر کس که از بنده طلبکاری دارد و آمد به او بدهید.

والسلام علی عبادالله الصالحین

[...]^۹

با تقدیم احترامات فراوان، الاحقر عطاءالله آمره‌ای.

امضاء^{۱۰}

۱۳۶۵/۱۰/۱

منطقه جنگی جنوب (اندیمشک)

مقر تیپ ۱۱۰ خاتم

گردان امام علی، گروهان عمار،

رسته ۳

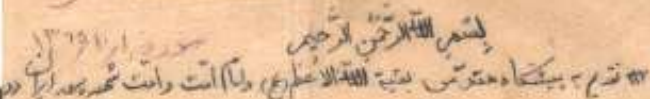
۶. خوانا نیست.

۷. خوانا نیست.

۸. خوانا نیست.

۹. نقاشی کبوتر در این قسمت از وصیت وجود دارد.

۱۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



حکما: منوی و علت ادب و عیال و زلف و ابرو و کت و در خط از حقیقی را در خود بخواند است قاضی تعزین
و مازای را ای که دارد و قیاس و بیانت و در باب خویش و از کف ای صبر و عجز و در حد است. حکما: معنی بین
قب و رنج و کفر و نای و دلیل حاج و کثرت روح و کرمه:

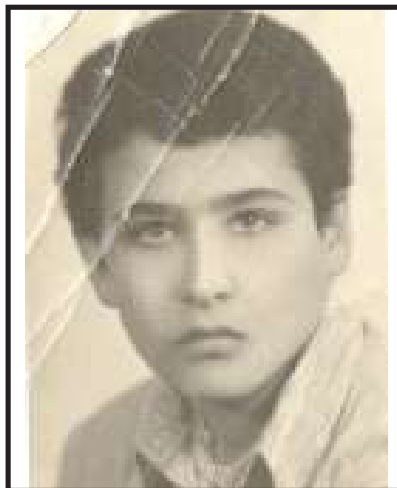
خدا را عزای اخلاص بخوانم و در احوال یک در مقابل سزاوارتم در طلب رحمت الهی قرار دهم و مقابل ذلتم
ناحای بیاضات سپردم و نام را شاد کنم و رحمت تو نام. خدایا این عبادی قرار را بر خود می رحمت و بخشش
خودت قبول نمودم ازین طبع محنت دارم بلکه از این صیغه که خدا آورده ام شکر من و خیر تو خطا
کردی من خطا تو و مرا کردی من جدا تو را کردی من عیبای خدایا در دست دارم هر چه را که
دست تو مرا کن عشق بستی با من خدایا جلالت را در من عذر تو در دل و از تمام غفرت و بی اداده و صفت

[illegible]





سعید آمره‌ای



نام: سعید

نام خانوادگی: آمره‌ای

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۸/۷

محل تولد: شهرستان اراک

نام پدر: احمد

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۱

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر

محل دفن: گلزار شهدای اراک

گلچین وصیت‌نامه

- من امروز بر خود واجب دانستم که با ستمگران بجنگم و از انقلاب اسلامی دفاع کنم.
- ای برادرم! امیدوارم آن‌طوری که یک مسلمان [باید] با ایمان باشد، باشی.
- انسان هر آئینه در بوته آزمایش و امتحان خداوند است. و چه بهتر که با صبر و ایمان به کاری که انجام می‌دهی سربلند بیروی بیایی.
- خواهرم! از تو می‌خواهم پیامم را که همانا خدا، قرآن، خمینی و ولایت فقیه است، زینب‌گونه به گوش تمامی جهانیان برسانی.
- تنها چیزی که می‌توانم به شما اهدا کنم، شرف و عفت و حجاب است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«...انا لله و انا اليه راجعون»^۱.

«بازگشت همه به سوی خداست».

قال الحسين (ع): «موت فی عز خیر من حیاة فی ذل».

امام حسین (ع) فرمود: «مردن در عزت بهتر از زندگی در ذلت است».

سپاس ویژه خدایی است که به نیروی خود بر هر چیزی برتری دارد و با درود بر محمد و آل محمد (ص) که زنده‌کننده علم و دانایی، ایمان و از بین‌برنده جهل و نادانی است.

اکنون که ستمگران ستم خود را به حد آخر رسانده‌اند، اکنون که اسلام در خطر است و اکنون که مظلومان و مستضعفان و ضعیفان جهان [...] اسلام و انقلاب اسلامی ایران را هدف قرار داده‌اند و می‌کوشند تا این انقلاب سرکوب شود، بر هر فرد مسلمان و مؤمن است که قیام کند. و من امروز بر خود واجب دانستم که با ستمگران بجنگم و از انقلاب اسلامی دفاع کنم. من در این دنیای مادی چیزی با ارزش ندارم که بخواهم درباره آن بنویسم.

مادر! می‌دانم که چقدر الان برایت سخت است، چون یک مادر خیلی به فرزندش علاقه دارد. مادر! تو در زندگی خیلی با شهادت بودی، خیلی فداکار. من از داشتن چنین مادری افتخار می‌کنم.

و تو ای برادر! امیدوارم آن‌طوری که یک مسلمان [باید] با ایمان باشد، باشی و

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۲. «چشم به» حذف شده است.

از مصائب و بلاها نهراسی و زود ناراحت نشوی. چون انسان هر آئینه در بوته آزمایش و امتحان^۳ خداوند است. و چه بهتر که با صبر و ایمان به کاری که انجام می‌دهی سربلند بیرون بیایی و از تو می‌خواهم که فردی که از هر جهت در خدمت اسلام و میهن و انسان باشی.

و اما تو ای خواهرم! رسالت و مأموریت تو از هم اکنون آغاز می‌گردد. دیگر باید از این لحظه حرکت تو جهت زینبی پیدا کند. از تو می‌خواهم پیامم را که همانا خدا، قرآن، خمینی و ولایت فقیه است، زینب‌گونه به گوش تمامی جهانیان برسانی و تنها چیزی که می‌توانم به شما اهدا کنم شرف و عفت و حجاب است.

مرا در بهشت زهرا اراک خاک کنی.

لطفاً دو سال نماز و روزه برایم بگیرید از پول خودم.

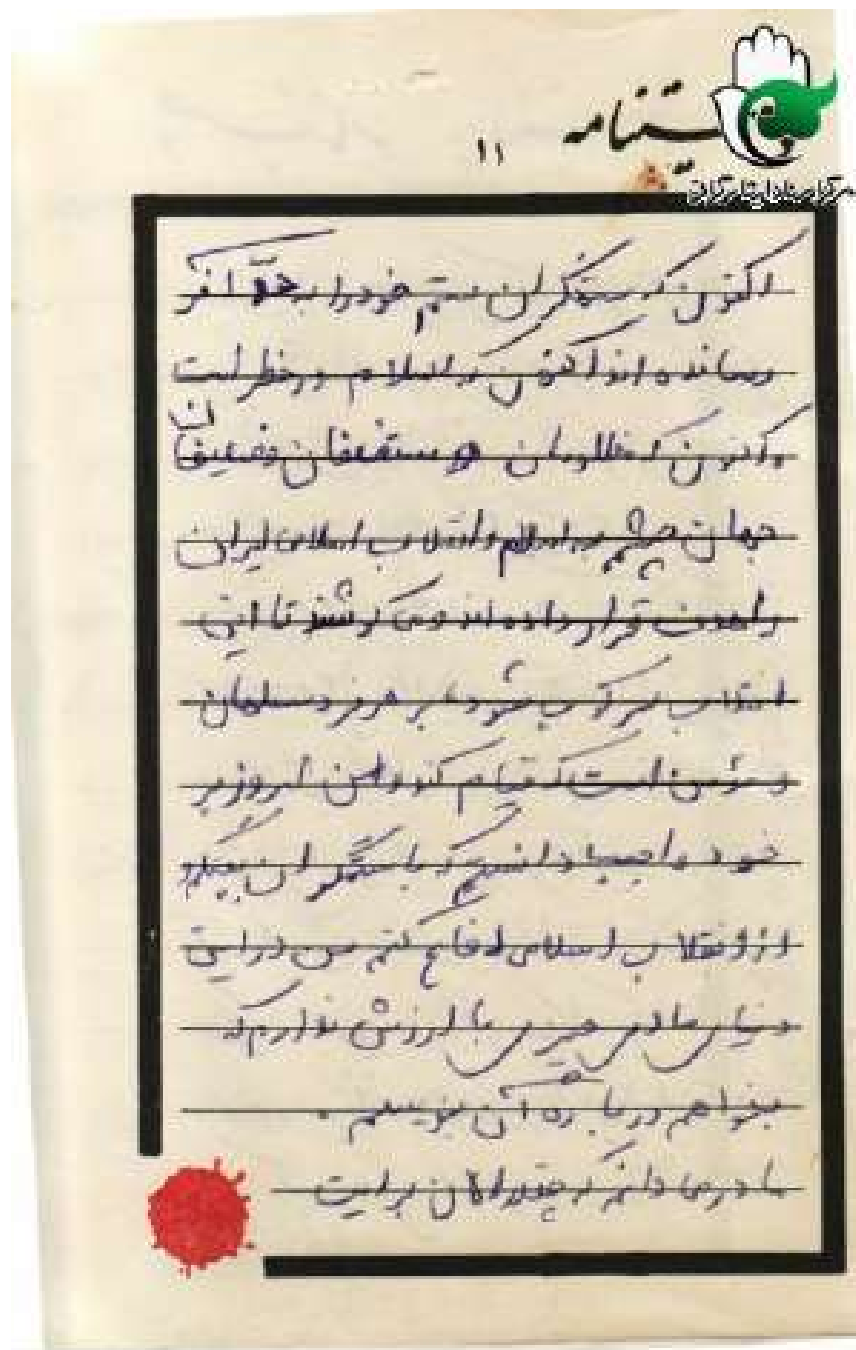
مرا ببخشید رفیقان و فامیل‌ها.

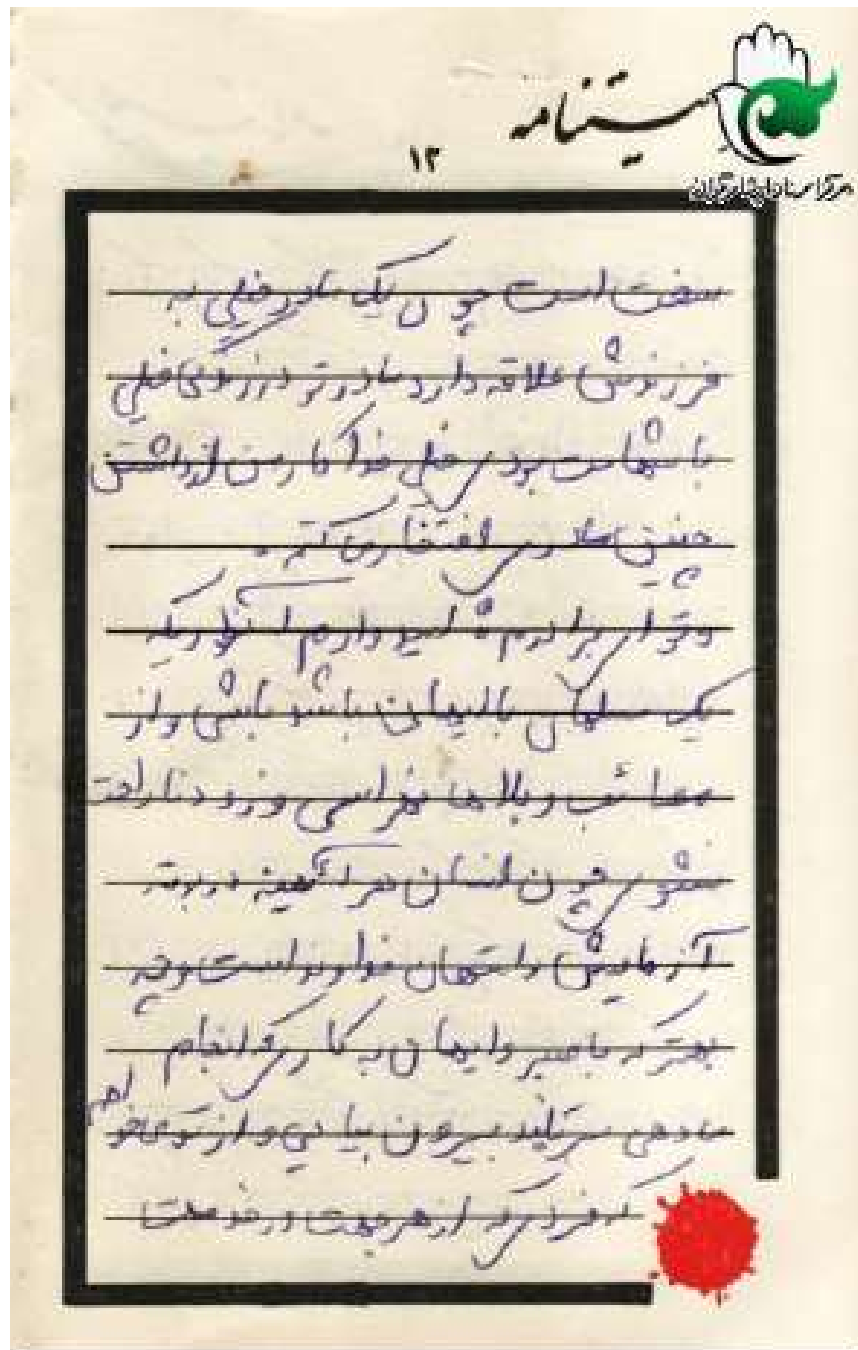
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

روز سه‌شنبه ۶۱/۶/۴

ساعت ۵

پادگان سپنتا





مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

لَعَنَ اللَّهُ... الذي عاود روزه بعد اتمام عید میلاد النبی ص ۱۳۰۰

10

二、

فصل

پادشاهان سیفند

عمر بن عبد المنذر

رُفِيقَانِ وَفَايِلِيَا

اسماعیل آمره بزچلونی



نام: اسماعیل

نام خانوادگی: آمره بزچلونی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۳/۳

محل تولد: روستای آمره از توابع شهرستان کمیجان

نام پدر: حیدر

نام مادر: کبری

تحصیلات: اول متوسطه (رشته انسانی)

شغل: مستخدم آموزش و پرورش

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱۳

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سینه و سر

محل دفن: روستای آمره

گلچین وصیت نامه

- ◀ از ولایت فقیه تا آخرین قطره خونتان پشتیبان باشید تا به این مملکت اسلامی هیچ گونه آسیب نرسد و همیشه متحد و منسجم باشید.
- ◀ از روحانیت اصیل اسلام و از حوزه های علمیه کاملاً حمایت کنید.
- ◀ بیدار باشید، هوشیار باشید، به یاد مرگ باشید، به یاد خدا باشید، به یاد مستضعفین جهان باشید،
- ◀ فرزندانم را تربیت اسلامی کنید که بلکه ادامه دهنده راه شهدا باشد.
- ◀ دعای کمیل و دعای توسل و دعای ندبه را فراموش نکنید و صدقه را فراموش نکنید و به جبهه ها کمک کنید و در راه خدا.

بسم الله الرحمن الرحيم

«...انا لله و انا اليه راجعون»^۱.

«لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم».

«و به نستعین و صراط المستقیم و ایاک نعبد و ایاک نستعین»^۲.

با درود بر محمد(ص) منجی انسان‌ها و بر وحی محبوبش حضرت علی(ع) و بر یازده جانشینان برحقش و سلام بر شهدای اسلام از صدر اسلام تا کربلای حسینی و از کربلای حسینی تا کربلاهای ایران و کربلاهای جهان و درود بر مهدی عزیز که زمان یک لحظه بدون او برقرار نمی‌شود و بر نائب برحقش، خمینی بت‌شکن و ولایت فقیه زمان و درود بر تمام صالحین تواریخ اسلام.

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا»^۳ این [...] شعار است [که] پیغمبر اسلام(ص) در چهارصد سال پیش بر جهانیان اعلام نمود، به خدای واحد ایمان بیاورید، تنها خدا و سزاوار^۴ پرستش خدایی است که واحد تنها [است]. بگو ای پیغمبر! نیست خدایی جز خدای یکتا. پیغمبر(ص) با شعارش تمام خدایان غیر خدایی واحد را نفی می‌نمود. کسی که به خدا ایمان داشته باشد باید طبق آیه «...اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و [اولی الامر منکم]...»^۵، از خدا اطاعت [کند] و از رسولش و آنهایی که امر و دستور

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۲. بخش‌هایی از آیات ۵ و ۶، سوره حمد: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». پروردگارا! تنها تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌جوییم و بس. تو ما را به راه راست هدایت فرما».

۳. حدیثی منسوب به پیامبر اکرم(ص): «ای مردم! بگوئید لا اله الا الله تا رستگار شوید».

۴. «آیه» حذف شده است.

۵. اصل: سزاوار.

۶. بخشی از آیه ۵۹، سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ

خدا و رسولش را به جهانیان می‌رسانند.

و انسان بعد از ایمان باید در عمل قرار گیرد. عمل هم همان‌طوری که امام حسین (ع) فرموده: «ان الحياه العقیده والجهاد»^۷، «به درستی که دنیا جز عقیده به خدا و مبارزه در راه خدا نیست».

به فرمایش امام علی (ع): «جهاد، دری از درهای بهشت است که بر روی بندگان خالص گشوده می‌شود».^۸

جهادی که به رضای خدا باشد ارزشش عالی است. فضل و برتری جهادکنندگان در راه خدا خیلی بیشتر است. «...فضل الله المجاهدین علی القاعدین...»^۹، «...[...]»^{۱۰} آنهايي که در راه خدا جهاد می‌کنند بر آنهايي که نشسته‌اند، منظور آنهايي که جهاد نمی‌کنند یا آنهايي که در راه خدا جهاد می‌کنند و کشته می‌شوند، ارزش خیلی عالی دارند».

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^{۱۱}.

«گمان نکنید آنها [که] کشته می‌شوند در راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و روزی

در نزد خدا می‌خورند».

یا آیه «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم [بان] لهم الجنة...»^{۱۲}.

إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا: ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود.

۷. اشاره به شعری منسوب به احمد شوقی است که در اصل وصیت به اشتباه از امام حسین (ع) نسبت داده شده است: «قف دون رايك في الحياه مجاهدا ان الحياه عقیده و جهاد: در زندگی پای عقیده‌ات بایست و در راه آن تلاش کن، به راستی که زندگی، عقیده داشتن و در راه آن تلاش کردن است».

۸. فرازی از خطبه ۲۸، نهج البلاغه: «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةٍ أَوْلِيَّائِهِ: بی‌تردید جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند به روی ویژگان از دوستانش برگشوده است».

۹. بخشی از آیه ۹۵، سوره نساء: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا: هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد بازنشتند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان به مال و جان را بر بازنشتگان بلندی و برتری بخشیده و همه را وعده پاداش نیکو فرموده، و خداوند مجاهدان را بر بازنشتگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است».

۱۰. «برتری می‌باشد» حذف شده است.

۱۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «الْبَتَّةَ نَبِّدَارِيدُ كَه شَهِيدَانِ رَاهِ خِدا مَرْدِه‌اند، بَلَكِه زنده‌اند و در نزد خدا مَتَعَم خواهند بود».

۱۲. بخشی از آیه ۱۱۱، سوره توبه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ: همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس به قتل می‌رسانند و کشته می‌شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا باوفا تر به

«به درستی که خدا خریدار جان‌ها و مال‌های مؤمنین است. در عوض یا قیمت بهشت عطا می‌کند».

«آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». (امام خمینی)

آمریکا با کمک فرقه‌هایش می‌خواهد مردم محبوب ایران زمین را از حکومت اسلامی برگرداند، مگر چشم ندارد و آیه الله بهشتی^{۱۳} و آیه الله مطهری‌ها^{۱۴} را شهید نموده. آن هم به توسط منافقین داخلی‌اش مردم ایران زنده شدند خون بهشتی از خود بهشتی بیشتر ثمر به انقلاب رساند یا به فرمایش امام اینها را بکشید تا ملت‌ها زنده‌تر بشود. ان‌شاءالله حکومت اسلامی به یاری الله، به رهبری روح [...] ^{۱۵} حزب الله رفته رفته تمام قوانینش را در کشورهای دیگر پیاده خواهد نمود. همچنین اول عراق بعد فلسطین، عراق بعد از چند روز^{۱۶} آزاد خواهد شد. بعد از عراق قدس عزیز را آزاد می‌کنند. ان‌شاءالله سرطان را از ممالک اسلامی ریشه کن^{۱۷} می‌کنیم.

باری، پدرجان! سلام علیکم، ان‌شاءالله زحماتی که درباره بنده یا فرزند حقیرت نموده‌ای حلال می‌کنی و در شهادتم همچنین صابر می‌باشی که «...الله یحب الصابرين»^{۱۸}، «خدا دوست دارد صابرين را». صابرينی که در راه خدا باشند^{۱۹} فقط خدا را در نظر بگیرند^{۲۰} که یاد خدا انسان را از دنیوی به معنویت صعود می‌دهد. «...الا بذكر الله تطمئن القلوب»^{۲۱}، «یاد خدا آرامش می‌بخشد قلب را».

عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

۱۳. ر.ک. تعلیقات.

۱۴. ر.ک. تعلیقات.

۱۵. خوانا نیست.

۱۶. اصل: روزهای.

۱۷. اصل: ریشه وا.

۱۸. بخشی از آیه ۱۴۶، سوره آل عمران: «وَكَأَيُّ مَنِ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ: چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت بسیار همراه او جنگیدند و با این حال، اهل ایمان با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسید هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر زیر بار دشمن فرو نیاوردند و خدا صابران را دوست می‌دارد».

۱۹. اصل: باشد.

۲۰. اصل: بگیري.

۲۱. بخشی از آیه ۲۸، سوره رعد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: آنها که به خدا ایمان آورده و دل‌هاشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست».

[اگر] از شهادتم اطلاع پیدا نمودی، از خدا طلب مغفرت بنمایی و بگویی ای خدای مهربان امانتی را که داده بودی در راه تو قربانی نموده‌ام و قبول بفرما. از [...]»^{۲۲} من عاشق شهادتم.

خدایا، به ما شهادت را نصیب^{۲۳} کن، چون شهادت [و] شهید افضل از همه است. پدر جان! دنیا گذری می‌باشد، حالا زود یا دیر چه بهتر در راه خدا شهید بشوی. باری پدر جان! اگر بدنم حتی پاره پاره شد یا پودر شد مبادا ناراحت بشوی. این ارزش است که خدا به بندگان خالصش^{۲۴} عنایت نموده، مثل بهشتی عزیز [که] چند تکه شده بود.

پدر جان! همسرم را هیچ‌گونه ناراحت نکنی که چون یک همسر خوب و با ایمان بود، اخلاق اسلامی داشت. و باری خواهران مهربانم! شما به جای مادرم هستید، گرچه مادر ندارم. زحماتی که درباره بنده نموده‌اید حلالم کنید و از همسرم مواظبت و نگهداری بکنید و هیچ موقع ناراحت نکنید.

اما همسر مهربانم! در شهادتم صابر باش که از خانواده‌های شهدا عبرت بگیری و مرا حلال کنی. شما بهترین همسر و با ایمان‌ترین همسر برایم بودی. بعد یک سال مختار هستی حیات دیگری آغاز کنی و تا می‌توانی از فرمان پدرم اطاعت بکنی.

باری پدر جان! «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم».

[قابل] توجه مردم ایران:

۱- از ولایت فقیه تا آخرین قطره خونتان پشتیبان باشید تا به این مملکت اسلامی هیچ‌گونه آسیب نرسد و همیشه متحد و منسجم باشید و از ریاست جمهوری اسلامی آقای خامنه‌ای و برادر محبوب میرحسین موسوی و از مجلس البته حزب الهی‌های مجلس و رئیس مجلس پشتیبان باشید. از روحانیت اصیل اسلام و از حوزه‌های علمیه و به خصوص آیه الله منتظری و آیه الله مشکینی کاملاً حمایت کنید. کشور بدون

۲۲. خوانا نیست.

۲۳. اصل: نصیبان (همه جا اصلاح شد).

۲۴. اصل: خلوصش.

روحانیت کشور بدون طیب می‌باشد. امام خمینی اگر روحانیت نبود و ما از اسلام هیچ گونه اطلاعی نداشتیم. از نهادهای انقلابی و اسلامی، سپاه، بسیج و ارتش جمهوری اسلامی و جهاد کاملاً حمایت کنید. از حزب الهی‌های [...] ^{۲۵} و انجمن اسلامی حمایت کنید.

منافقین آمریکا هیچ گونه حق ندارند در تشییع جنازه من شرکت کنند. حاج علی سلیمانی و عبدالله یوسفی و علی یزدانپور اینها خائن هستند. در شب‌های جمعه بر سر مزارم آمده و سوره‌های یس و چند سوره دیگر قرائت بمایید. [...] ^{۲۶} آمره دفن بکنید و تشییع جنازه مرا هرچه باشکوه‌تر [...] ^{۲۷} بنمایید و دعای کمیل و نماز شب را بپا دارید به برادرانم توصیه می‌شود که یوسف، محسن و ابوالحسن و مجتبی، بعد از عرض سلام کتاب‌ها را اگر خواستند استفاده کنند و گرنه به کتابخانه امام جعفر صادق (ع) آمره تحویل بدهند و حساب‌های کتابخانه و مدرسه را در دفتر یادداشت نموده‌ام. هرچه خرج شده یا گرفته یادداشت شده است. بنده می‌روم از برادران شهدای آمره برادرانی که شهید شده‌اند نامه‌ای برای پدر [و] مادرشان بیاورند.

۱- حاج علی سلیمانی و علی یزدانپور و عبدالله یوسفی ملقب به دزد و خائن و تضعیف روحانیت و ظلم‌کن و پایمال حق ضعفا هستند، هیچ گونه حق ندارند در تشییع جنازه بنده شرکت کنند و از اهالی آمره خواهانم هرچه زودتر اینها را از جامعه طرد کنند و تمام گرفتاری‌های اهالی از علی سلیمانی می‌باشد. برادرانم حسین آپرون و ابوالفضل کریمی و مجتبی آمره‌ای و ابراهیم خوریکه و علی یوسفی و حمدالله محمدخانی و عطاءالله یوسفی و علی حسینی سلیمانی و ناصر آمره‌ای و خلیل‌الله راستگردانی و ابوالمعصوم راستگردانی سلام خالصانه می‌رسانم.

برادران! آن مسئولیتی را که بر دوش گرفته‌اید، ان‌شاءالله هرچه بهتر می‌توانید انجام بدهید تا بلکه ریشه آنها را بکنید و آنها را از جامعه طرد کنید. این نامه در مورخه

۲۵. خوانا نیست.

۲۶. خوانا نیست.

۲۷. اصل: باشکوهت.

۶۱/۴/۲۰ در خرمشهر، تیپ ۱۷ قم سپاه نوشته شده با عجله و می خواستیم برویم بصره
حمله کنیم در ساعت ۲/۵، ۶۱/۴/۲۰.

دیدار در روز قیامت.

یک وصیت نامه در پیش حسین آپرون فرزند مشهدی مصیب دایی است.
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

و وصیت نامه به علت نبودن وقت کامل نشده و اگر شما توانستید دوباره بنویسید
و امضای مرا فتوکی بکنید و غلط های قرآنی یا کم شده قرآنی را شما بنویسید.
خدا حافظ شما، به امید پیروزی اسلام و طول عمر امام و دیدار در روز قیامت.
خدایا! شهادت را [...] ^{۲۸} نصیتمان کن. از گناهانم بگذر و یک لحظه به خودمان
وامگذار.

اسماعیل آمره ای

۶۱/۴/۲۰

امضاء ^{۲۹}

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«...انا لله و انا علیه راجعون» ^{۳۰}.

«لا حول و لا قوه الا بالله توکلت [علی] الحی الذی لا یموت» ^{۳۱}.

ستایش مخصوص خداوندی است که همه هستی را بدون کمک گیری از کسی

۲۸. «بر ما» حذف شده است.

۲۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۳۰. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۳۱. فرازی از دعای گشایش کار: «هیچ نیرو و توانی نیست مگر آنکه به خدا متکی است، توکل دارم بر زنده جاودانی که هرگز نمی میرد».

آفرید. و درود [و] رحمت به روان پاک چهارده معصوم (ع) و تمام شهدای صدر اسلام که با خون‌های خود انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند و پرچم توحید اسلام را بر جهان افراشتند. و درود [و] سلام بر پیامبرگونه و امام وار زمانمان، حضرت آیت الله خمینی (روحی فداه) و آیه الله منتظری. و سلام بر شهدای به خون خفته انقلاب اسلامی که بعد از ۱۴۰۰ سال دیگر انقلاب و پرچم توحید اسلام را در سرزمین ایران، بلکه کشورهای دیگر برافراشته می‌شود.

بارخدا! ایمانی به ما عطا فرما که در حال مرگ و در سرازیری قبر و در میزان و صراط قیامت [و] برزخ همراهمان باشد. بله، از اویم و به سوی او برمی‌گردیم.^{۳۲} بله، اول نبودیم و حالا که هستیم همان او آفرید و باز چند سال دیگر به سوی او برمی‌گردیم. قبل از هستی ما در دنیا پخش شده بودیم. [...]^{۳۳}

پس پی می‌بریم از اویم. حالا که از اویم ما با چشم خود می‌بینیم اجدادمان و پدرانمان، قومان، خویشان که در این دنیا بودند، رفتند. ما هم می‌رویم [...]^{۳۴} به سوی او برمی‌گردیم. آیه قرآن:

«فلينظر الانسان مم خلق. خلق من ماء دافق. يخرج من بين الصلب و الترائب»^{۳۵}، [...]^{۳۶} «انسان! بنگر از چه آفریده شده [ای] از آب جهنده».

بله! این اول انسان آب جهنده (نطفه) و آخر انسان هم جسدی جز بوی گند نداشته باشد. آن وقت از اینها (آب جهنده) چه انسانی آفرید و چشم، گوش، زبان، دست‌ها و پاها و...

این از انسان، حالا از آسمان و زمینی [که] با چشم خود می‌بینیم اصلاً قدرت خداوند بی‌نهایت است. حالا که خداوند را شناختیم به طرف او می‌رویم. بار خدا! ما

۳۲. اشاره به آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۳۳. در این قسمت از وصیت جملاتی نگارش و خط خورده است.

۳۴. خوانا نیست.

۳۵. آیات ۵-۷، سوره طارق: «پس انسان مغرور باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ از آب نطفه جهنده‌ای خلقت گردیده. که از میان صلب (پدر) و سینه (مادر) بیرون آید».

۳۶. «آیه قرآن را درست کنید» حذف شده است.

را یک لحظه به حال خودمان وامگذار^{۳۷} و هر لحظه به خودت نزدیک گردان و توفیق شناخت خودت و رسالت و حجت توأم با عمل عطا کن، و نیرویی جز او نداریم. مثال حضرت پیغمبر اکرم (ص) با کمترین نیرویی بر دشمنانش پیروز شد و همچنین پیامبرهای دیگر و چهارده معصوم (ع). و بهترین شواهد انقلاب اسلامی ما.

خداوندا! ما که از نعمت همیشه می‌خوریم و نافرمانی هم می‌کنیم، ما را ببخش. حتی روزی که می‌جویم از اوست. «یا من بیده ناصیتی»^{۳۸} اختیارمان به دست او [است]. آقا، یک^{۳۹} وسیله برای شما می‌باشد. نباید به امید دکتر بروی بلکه [با] توکل بر خدا به دکتر بروی.

آنهايي که هيچ خبری از انقلاب و جنگ ندارند، آنها در جهالت به سر می‌برند. آنها باید ببینند جبهه قدرت خداوندی را با چشم ببینند، گرچه نمی‌آیند. ای آنهايي که در مقابل نارسایی‌ها سختی‌های انقلاب سر و صدا می‌کنید، کجایید. جوان‌های مردم قدم به قدم در زیر خمپاره‌ها، کاتیوش‌ها و... جان می‌دهند. با لب‌های مبارکشان یامهدی، یامهدی می‌کنند. شما برای یک چنین نارسایی‌ها تحمل نمی‌کنید؟ مگر دنیا فقط خوردن و خوابیدن است؟ بیدار باشید، هوشیار باشید، به یاد مرگ باشید، به یاد خدا باشید، به یاد مستضعفین جهان باشید، به یاد آنهايي که در لبنان و فلسطین و افغانستان جان می‌دهند باشید. یک مسلمان واقعی قبول نمی‌کند که در یک محلی یک مستضعف باشد و خود از آنها بالادست باشد.

ای امت شهیدپرور ایران! همان‌طوری که صفوفتان فشرده‌تر است، بیشتر کنید. فتح اسلام نزدیک است. کربلا و نجف و قدس و مستضعفین در انتظار شمايند. ای آنهايي که در اداره‌ها پشت میزها نشسته‌اید، به یاد خودتان هستيد وقتی که یک روستایی می‌آید فوری جواب منفی می‌دهید. یک سری به جبهه‌ها بزنید. شما را

۳۷. تعبیر شهید مشابه با این سخن منسوب به پیامبر اکرم (ص) است: «اللهم ولا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء: خدایا من را لحظه‌ای به خودم واگذار نکن».

۳۸. فرازی از دعای کمیل: «ای کسی که مهارم به دست اوست».

۳۹. اصل: ی.

به خدا ببینید چه خبر است. صدر اسلام تکرار می‌شود و عاشورا تکرار می‌شود. [...]»^{۴۰} یک بچه ۱۰ و ۱۲ ساله [را] اگر به جبهه نبری همچنان گریه می‌کند که کوه می‌ترکد. این نیروی الهی است.

ای آنهایی که در رأس مملکت قرار گرفته‌اید، به روستاها سر بزنید ببینید چه خبر است؟ از یک لحظه پایین بودن فرهنگ (علم و دانش) روستایی و نبودن درآمد و مسلط شدن افراد مقام طلب قلدر و... شما را به خدا به روستاها سر بزنید. من نمی‌خواهم از روستاها حمایت کنم، ولی زادگاهم روستا است، می‌دانم چه خبر است. حالا به شما هشدار می‌دهم. روستایی، روستایی، کل درآمد کشور از روستاهاست. شهری‌ها از لحاظ خوبند ولی روستاها نه.

همیشه به یاد خدا باشید، به فکر قیامت باشید. خداوند! به ما شهادت آگاهانه نصیب کن.

ای ابوی جان! به یاد خدا باش و به فکر قیامت باش و این دنیا مورد آزمایش ماست و در برابر سختی‌ها و بلاها صبر کن. اگر از شهادتم مطلع شدی دو رکعت نماز شکر بجای آور، زیرا مقام شهدا بالاتر است. ما که چیزی نیستیم. هدفمان خیلی بزرگ است، ما در برابر هدف‌ها چیزی نیستیم. این همه شهید می‌شوند، از کدام طبقه هستند؟ همان طبقه مستضعف هستند.

خیلی خدا را شکر کن که در این راه به شهادت رسیدیم. فرض کن اینجا شهید نشدم در تصادفات یا جای دیگر... کدامش بهتر است؟ [...]»^{۴۱} در برابر این بلاها و سختی‌ها شکیا باش که این دنیا رفتنی است، همه می‌رویم زود یا دیر. برادرانم هستند یوسف، محسن و ابوالحسن و مجتبی.

فرزندم علی جان را تربیت اسلامی کنید که بلکه ادامه‌دهنده راه شهدا باشد. فرض [کن] علی جانم فرزندان می‌باشد. نگو [...]»^{۴۲} فرزند داشتم، خیر. اولاً آنها که شمردم

۴۰. خوانا نیست.

۴۱. «چنان خودت را» حذف شده است.

۴۲. خوانا نیست.

و ثانیاً علی جانم هست. تسکین قلب شماست.

همسر مهربانم! مثل همسرهای شهدا استوار و زینب وار در این ماجراها صابر باش. دنیا چیزی نیست، دنیا محل امتحان است. از علی جانم مواظبت کن و تربیت اسلامی کن و تا یک سال در منزل باش و بعد از یک سال مختار هستی زندگی اختیار کنی [...] ^{۴۳}. خواهران مهربانم! در شهادتم تحمل کنید. [...] ^{۴۴}

۱- از فرمان امام عزیزمان خمینی بت شکن (روحی فداه) [اطاعت کنید]، همیشه تحت فرمان او باشید و اوست که ما را از منجلاب جهالت نجات داد.
۲- از مجلس شورای اسلامی و رئیس مجلس برادر هاشمی رفسنجانی حمایت کنید.

۳- از رئیس جمهور برادر خامنه‌ای و نخست وزیر برادر میرحسین موسوی پشتیبانی کنید.

۴- از شخصیتها، آیه الله منتظری و آیه الله مشکینی و موسوی اردبیلی و... آنهایی که واقعاً طرفدار اسلامند و خدمتگزار اسلامند حمایت کنید.

۵- از نهادهای انقلاب اسلامی سپاه و جهاد و شوراها حمایت کنید.

۶- مرا در آمره دفن کنید.

۷- مقداری طلبکاری و بدهکاری دارم پدر جان.

۸- از روحانیت خط اسلام [و] قرآن کاملاً در تماس و حمایت نمایید.

۹- کتابهای مرا اگر برادران که یوسف، مجتبی و حسین خواندند ^{۴۵} هیچ و گرنه به کتابخانه آمره بدهید.

۱۰- شبهای جمعه برای فاتحه و... به مزارم بیایید و قرآن بخوانید.

۱۱- دعای کمیل و دعای توسل و دعای ندبه را فراموش نکنید و صدقه را فراموش نکنید و به جبهه‌ها کمک کنید و در راه خدا.

^{۴۳}. خوانا نیست.

^{۴۴}. در این قسمت از وصیت جملاتی نگارش و خط خورده است.

^{۴۵}. اصل: خواند.

۱۲- و در ختم من خرج‌ها را حساب کنند و پولش را به جبهه‌ها در راه خدا بدهند.

۱۳- برادران عطاءالله یوسفی و علی حسینی سلیمانی و ناصر آمره‌ای و شیخ علی آمره‌ای و شیخ ابوالقاسم علیمرادی و علی یوسفی و حسین آپرون و [...] ^{۴۶} و یوسف سلطانی سلام مرا برسانید.

خداوندا! ما یک لحظه به حال خودمان وامگذار^{۴۷}، هر لحظه ما را به خودت نزدیک کن و ما را از شفاعت چهارده معصوم (ع) محروم مگردان و توفیق شهادت آگاهانه که شناخت خودت، رسالت و حجت^{۴۸} و نعمت‌هایت [...] ^{۴۹} به ما توأم با عمل عطا کن. ما را هر لحظه به وظیفه‌مان آشنا کن.

«اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصية و صدق النية و عرفان الحرمة و اكرمنا بالهدی و الاستقامة»^{۵۰}.

خدایا! تو شاهد باش برای خدمت و دفاع از جمهوری اسلامی به جبهه اعزام شده‌ام و راضی به رضای تو هستم و هرچه تو بخواهی من هم همان را می‌خواهم. خداوندا! آرزویم:

یک: پیروزی سپاه اسلام بر سپاه کفر جهانی و برقراری حکومت عدل الهی در جهان.

[دوم]: طول عمر به امام عزیزمان و آیه الله منتظری و سایر خدمتگزاران واقعی اسلام که با چه زحماتی به آن درجه رسیده‌اند و خدمت واقعی می‌کنند. سوم: آرزوی شهادتی که فقط به رضای تو و در راه تو و شناخت خودت و رسالت و حجت و نعمت‌هایت و قدرت و آفرینش است، توأم با عمل عطا کن.

۴۶. خوانا نیست.

۴۷. تعبیر شهید مشابه با این سخن منسوب به پیامبر اکرم (ص) است: «اللهم ولا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء: خدایا من را لحظه‌ای به خودم واگذار نکن».

۴۸. اصل: حجتک.

۴۹. خوانا نیست.

۵۰. فرازی از دعای امام زمان (عج): «خدایا! توفیق فرمان بری، و دوری از نافرمانی، و درستی نهاد و شناخت واجبات را روزی ما بدار و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار».

«اقول اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و علياً ولي الله»^{۵۱}.
شما را به خدا می سپارم و دیدار [به] روز قیامت.

فرزند حقیر شما

اسماعیل آمره ای

۶۲/۱۲/۵

امضاء^{۵۲}

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

۵۱. ذکر شهادتین: «گواهی می دهم که خدا یکی است و شریکی ندارد و محمد (ص) رسول اوست و علی (ع) ولی خداست».
۵۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّ اللَّهَ مَرَاتَا اِلٰهِ وَاحِدٌ

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

وَبِشَيْعَيْنِ وَصَرَّاحِ الْمُسْتَعِثِّ دَايِلِ نَعْبَةٍ دَايِلِ نَفْسِي

با درود بر خود منجی انسانا درود بر محمد و حضرت علی (ع) در روزی زده جانب حق

و سلام بر محمد و احمد تا گوید حقین و گوید با کربلاها ای دل در کربلاها

و درود بر محمد عزیز که زمان بر خطای او میوزار نشود و بر نائب بر محمد حقین

ت شکی و دلالت فیه در تمام صلیحین تراعی اسلام

قل لا اله الا الله قلوا (این شعار است) پیغمبر اسلام (ص) در چه عصر و سال


بر هر یک اعلام نمود اخبار واحد الی یا و در هر یک منها خدا و سرور است و در هر یک


که واحد تنها - برای پیغمبر نیست خدای هر خدا میست که پیغمبر من با تقاضی

تمام خدایان غیر خدای واحد را نفی میبرد -



من کتاب سادات اشراف کرمان
 علیه السلام به خدا را در پیشگاه پادشاه طوق کرده است و راجع به الله و راجع به رسول و راجع به من
 از خداوند است و نه از پادشاه و گویا که امر و نه خدا را در پیشگاه پادشاه و نه پادشاه را در پیشگاه خدا
 و اینست بعد از آنکه پادشاه در محل قرار گیرد و محل هم همان نظریه امام جعفری فرموده
 ان الحیة العقیده والحرمان به شکسته و بیامیز عقیده مجاهد مبارزه در راه خدا
 بفرموده (آیه) و در این راه در حال است ایستاده و بر روی پیکر خدای
 گشوده می شود و در هر یک از اینها در راه خدا ایستاده و در هر یک از اینها
 گفته که در راه خدا ایستاده است و ایستاده است و ایستاده است و ایستاده است
 بر روی پیکر خداوند و در راه خدا و در راه خدا و در راه خدا و در راه خدا
 ایستاده است و در راه خدا و در راه خدا و در راه خدا و در راه خدا
 از این طریق می دانند و اینست که در این راه و در این راه و در این راه و در این راه


 مرکز اسناد و کتابخانه ملی
 جمهوری اسلامی ایران
 ۳۳
 که آنرا گشته و میخوانند که راه خدا مرده اند بگویند زنده اند و روزی در روز خدا
 میخوانند که ای الله از کس من المومنینی انقم دایم الله بهم احسن و بدترین
 خدا خیر از جان و مال و شوخی است که در عرض یافتن بلاست عطا میکند
 بجز آنکه هیچ عظم نمیتواند کند. ام غنی
 (وینا غنی)
 آنکه با که هر قدر که میخواند هر چه میگوید از هر چه که
 است برتر است مگر حرم ندارد و آنچه که در ظاهر و در باطن خود
 آنهم به خط و سافین و احسن درم از آن زنده شدند و آن است که از خود
 بهشتی بدست آورده اند نه با یقین اینها را بدست میآید
 زنده تر بود از آنکه از راهی در هر روز و هر چه که در هر روز
 تمام میآید آنرا که در هر روز که خواهد نمود همچون اول و آخر و در هر روز
 عرف بدست چند روزی آنرا خواهد شد. بعد از آنکه قدرتی را آنرا
 خواهیم که کند -


 بسم الله الرحمن الرحيم
 مرکز اسناد و کتابخانه ملی
 در روز بیستم ماه ربیع الثانی سنه ۱۴۰۲ هجری قمری
 حلال میکنم در روز یکشنبه هجری ۱۴۰۲ در روز یکشنبه
 دولت دارد و همچنین در راه خداوند خدا داد و در پیگیری
 که در خداوند را از دسترس معصومیت صومد من دهر الا بیکر الله لطیفی
 القلوب و حجاب خدا که از دسترس معصومیت و راه از دسترس معصومیت
 من در خداوند معصومیت منهای و گنجینه ای خداوند در راه امانت را
 و در پیگیری در راه که قرآن من شده ام و قبول بفرما -
 از من و از من معصومیت و در راه خداوند با نجات را نصیب
 که حجاب نجات : افضل از همه است و در راه دنیا گذر من است
 حال از دنیا در پی حجاب بهتر در راه خداوند معصومیت

۵

مرکز اسناد ایثارگران

ایثارگر عزیز! اگر بدین منتهی پاره پاره شد یا پودر شد مبادا ناراحت
 بشی این یکجمله از من است که خدا به پندگش مقرر عینش نموده -
 من بعضی عیب و خفیه که می بود در من و تو چشمها چپ گردن ناراحت کنی
 که چون یکسری خوب در این بود اخلاق اسلام دارم و با من خدا اهران بدیدم
 نماز چار منم حسنه کردم و عذر نزارم ز غفای که در دلم بنده نموده ام
 خدا که کند در عین موانعت دنگه در عین و هیچ موانع ناراحت
 کند اما حسنه در عینم صبا نشسته که از خانواده ما جدا عیب بگیر
 و مرا خلاصی نما به ترحم من و ابا این حسنه را به من بگویند و قنار هستی
 حین دیگر از غارت من و آه بدانی که من از این است بکنی -
 بدین منتهی لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم =



مرکز امرتاد ایستادگران

تکمیل درسم ایوان ۶

29


[illegible]


[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

ایمان را به الله و رسول الله و لاقوه الی ما الله العلم العظیم و کتب علی الهی الامور
مرکز اسناد ایثارگران

منشأ فی شهر خرداد ماه ۱۳۵۸ هجری قمری در روز پنجشنبه در شهر تهران در خانواده ای
چهار نفره متولد شدم. پدرم مرحوم محمد باقر و مادرم مرحومه زینب.
در یحیی احمدی و در روز ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر تهران در خانواده ای
زینب احمدی و در روز ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر تهران در خانواده ای
انتهای اسلام که بعد از آنکه اسلام را در شهر تهران در خانواده ای
بهم گوییم و در روز ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر تهران در خانواده ای
در روز ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر تهران در خانواده ای
به اول میوم و حالا که هستیم که او را فرستاده و باز خدای تعالی را شکر میگویم
چون از دست یار و یارهای عزیز خودم که در این راه بودند و در این راه بودند
سپاسگزارم و در روز ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر تهران در خانواده ای


 مرکز اسناد و کتابخانه ملی
 ۴۹
 این نامه در قفسه کتابخانه ملی که در سال ۱۳۵۷ خورشیدی در اختیار
 این مجموعه قرار گرفته است همانطور که در متن آن ذکر شده است
 که به موجب دفتر دستنویس دانشمند نگاشته شده است - ای آنکه در اداره چاپت و مهرها
 نشسته است - یاد خدا که همیشه در قفسه کتابخانه ملی در قفسه دستنویس
 به جلد ها بنشیند و نگارنده این دفتر است صدر اسلام که همیشه در قفسه کتابخانه ملی
 در قفسه کتابخانه ملی نشسته است - ای آنکه در قفسه کتابخانه ملی نشسته است - ای آنکه
 این بنده ای الهی - ای آنکه در قفسه کتابخانه ملی نشسته است - ای آنکه در قفسه کتابخانه ملی
 بنشیند و قفسه کتابخانه ملی از یک لحظه بماند و قفسه کتابخانه ملی در قفسه کتابخانه ملی
 در قفسه کتابخانه ملی نشسته است - ای آنکه در قفسه کتابخانه ملی نشسته است - ای آنکه
 می نویسم از دستها می بینم - ای آنکه در قفسه کتابخانه ملی نشسته است - ای آنکه
 حال اینها همیشه می بینم - ای آنکه در قفسه کتابخانه ملی نشسته است - ای آنکه


 مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

این وصیت نامه را بنویسم و به شما می‌فروشم. خدا را بخواند که این وصیت نامه را
 اینجاست که بنویسم و به شما می‌فروشم. خدا را بخواند که این وصیت نامه را
 و اینها همه را که اگر از شما می‌خواهم که به شما بگویم که اگر از شما می‌خواهم که
 یا آنکه اگر از شما می‌خواهم که به شما بگویم که اگر از شما می‌خواهم که
 ما در این دنیا هستیم و این دنیا را که می‌بینیم که این دنیا را که می‌بینیم که
 هسته این دنیا را که می‌بینیم که این دنیا را که می‌بینیم که
 تصادف یا نه... که این دنیا را که می‌بینیم که این دنیا را که می‌بینیم که
 که این دنیا را که می‌بینیم که این دنیا را که می‌بینیم که
 هر روز می‌بینیم که این دنیا را که می‌بینیم که این دنیا را که می‌بینیم که
 فرزند من... که این دنیا را که می‌بینیم که این دنیا را که می‌بینیم که
 که این دنیا را که می‌بینیم که این دنیا را که می‌بینیم که

۲

مشرقی و غربی استوار و زینب دار در اینج ما دایما صاحب این دنیا هستیم
 مرکز استادان بزرگان

دنیا محراب است و این از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا
 و دنیا یک مختار است و این (مختار) مختار است در هر چه که میطلبیم کفر و تربیت
 در دنیا

۱- از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا
 از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا

۲- از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا
 از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا

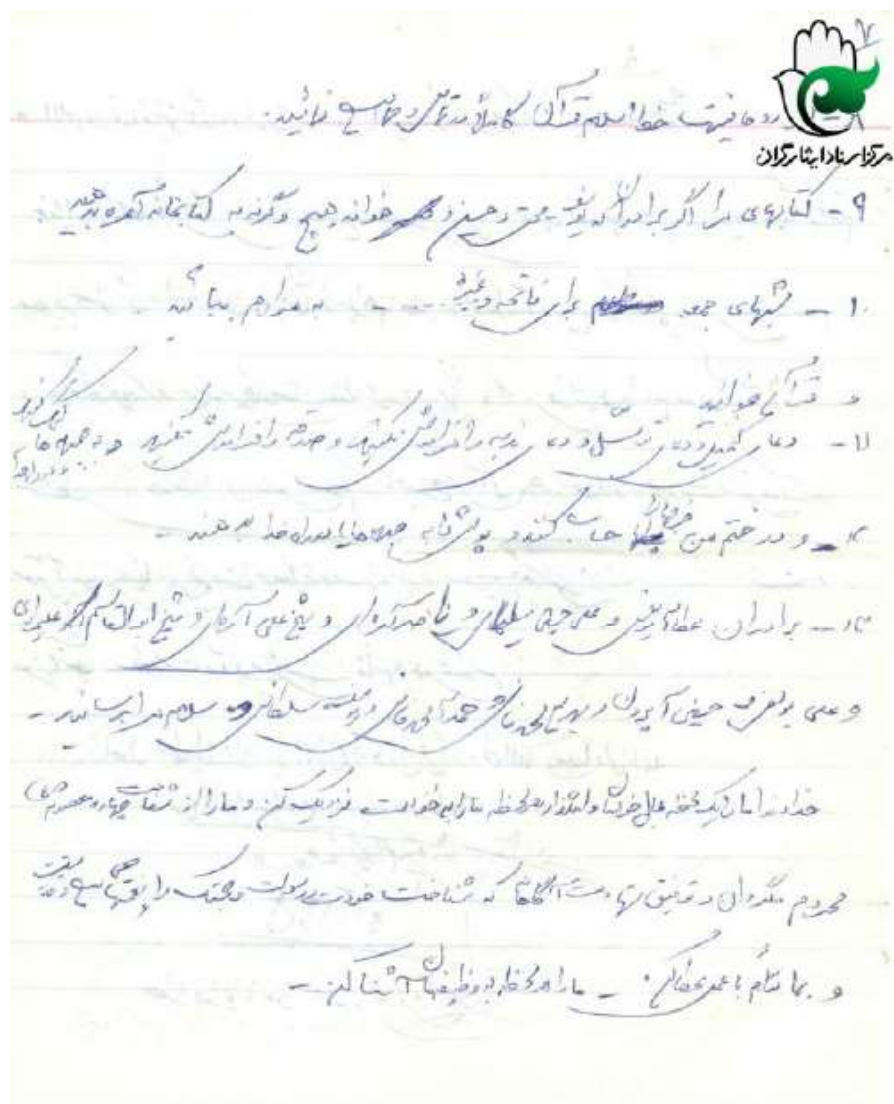
۳- از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا
 از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا

۴- از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا
 از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا

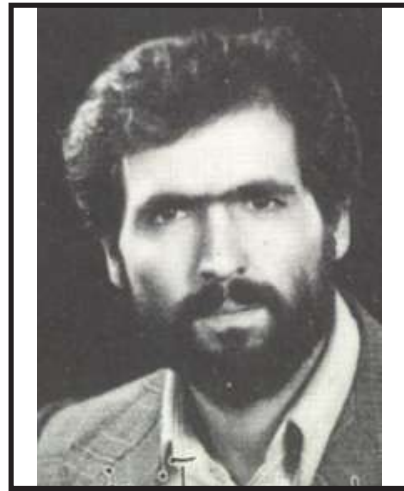
۵- از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا
 از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا

۶- از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا
 از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا

۷- از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا
 از هر چه که میطلبیم کفر و تربیت است و کفر و تربیت در دنیا



رحیم آنجنفی



نام: رحیم

نام خانوادگی: آنجنفی

تاریخ تولد: ۱۳۳۲

محل تولد: شهرستان اراک

نام پدر: حسین

نام مادر: کبری

تحصیلات: کارشناسی (رشته ادبیات)

شغل: آموزگار

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۸/۵

محل شهادت: پنجوین عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سینه

محل دفن: شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ◀ قدر نعمت انقلاب اسلامی را که تاکنون با خون پاکان به اینجا رسیده است بدانید.
- ◀ به یاد خدا باشید و شکرگزاری کنید و کفران نعمت نکنید.
- ◀ از اختلاف پرهیزید، چون تاکنون با وحدت کلمه بوده است که ما پیروز شده ایم.
- ◀ در مشکلات و سختی ها به یاد خدا باشید و به صبر و صلوٰه [و] خدا توسل جوید.
- ◀ بیشتر قرآن بخوانید و عمل به قرآن بکنید.
- ◀ بیشتر روزه بگیرید و نماز بخوانید و دعا تا پاک تر شوید و از خدا بخواهید که خلوص نیت پیدا کنید.
- ◀ برادران! تا می توانید بیشتر به جبهه بیایید و نهراسید.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

«فأذكروني اذ كرتم واشكروا لي ولا تكفرون. يا ايها الذين آمنوا استعينوا بالصبر والصلاه ان الله مع الصابرين. ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون. ولنبلوكم بشى من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرين. الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه راجعون. اولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمه واولئك هم المهتدون»^۱ (سوره بقره، از آیه ۱۵۲ تا آخر آیه ۱۵۷)^۲.

والدين عزيز، پدر [و] مادر! لحظه^۳ وداع فرا رسیده است و فرصت کم است. با نام خدا وصیت را شروع کردم برای شما و پدران و مادران و همچنین همه برادران و خواهرانم. قدر نعمت انقلاب اسلامی را که تاکنون با خون پاکان به اینجا رسیده است بدانید و به یاد خدا باشید و شکرگزاری کنید و کفران نعمت نکنید. از اختلاف بپرهیزید، چون تاکنون با وحدت کلمه بوده است که ما پیروز شده ایم. از اختلاف بپرهیزید. همین وحدت کلمه‌ای که امام بارها تکرار کرده است فراموش

۱. آیات ۱۵۲-۱۵۷، سوره بقره: «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر نعمت من به جای آرید و کفران نعمت من نکنید. ای اهل ایمان! از صبر و مقاومت کمک بگیرید و به ذکر خدا و نماز توسل جویید که خدا با صابران است. و به آنان که در راه خدا کشته شوند مرده نگویید، بلکه زنده ابدی هستند و لیکن همه شما این حقیقت را در نخواهید یافت. و البته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده. آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد. آن گروهند که مخصوص به درود و الطاف الهی و رحمت خاص خدایند و آن‌ها خود هدایت یافتگانند».

۲. اصل: آیه ۱۵۱ تا آخر آیه ۱۵۶.

۳. اصل: لحظه‌های.

نکنید که دشمنان اسلام سخت دنبال این هستند که مابین شماها اختلاف بیندازند تا بعداً بر شما فائق آیند.

در مشکلات و سختی‌ها به یاد خدا باشید و به صبر و صلوه [و] خدا توسل جویید که خداوند تبارک و تعالی با صابرين است. در این چند ساله که دیدم و شنیدم و شناختم افرادی را که شهید شدند بدون غلو از افراد پاک بودند و خدا می‌داند که خیلی از آنها را که خودم می‌شناختم در زمان بودنشان در این دنیای مادی حسرت می‌خوردم که ای کاش من نیز مثل آنها بودم.

اکبر عزیز گاوخانه، محسن صالحی، کاظم سلیمانی، مهدی ثامنی، محمد زراستوا [...]⁴ چهاردیوار، سیداسد داودی، مجید ترکمانی، شفیع عزت پناه، پژمان ناصر، کاظم ثامنی، خدایا چه کسانی محسن و خیلی‌های دیگر ناصری. تازه اینها رهروان انقلاب اسلامی بودند شاگردان امام همچون آقا مصطفی، آیت الله دستغیب، آیت الله مدنی و اعضای حزب جمهوری آقای بهشتی و... و آقای باهنر و رجایی عزیز از پاک‌ترین افراد [و] از بهترین افراد بودند که خونشان را بهر انقلاب حسینی دادند و حسینی بودن انقلاب می‌بایست دیگر بر همگان روشن شده باشد.

پیامبران، ائمه، خدایا تمام امامان عزیزمان خونشان را بهر همین انقلاب اسلامی نثار کرده‌اند، به خدا قسم قلم قاصر است و خیلی قاصر. پس اینها نمرده‌اند و زنده‌اند و نزد خدای عزیزشان روزی می‌خورند.^۵

نمی‌گویم اسلام را دریابید، بلکه دریابید که اسلام باز هم در دنیا غریب است. زیاده‌تر از این می‌گویم خودمان و خودتان را دریابید. مرگ حق است و سراغ همه می‌آید، پس چه بهتر که مرگ با عزت و شرف و برای خدا باشد. پس به پیش برای سعادت ابدی که این تنها با توسل به خدا به دست می‌آید.

خدا ما را آزمایش می‌کند به سختی‌ها، از قبیل ترس و گرسنگی و از بین رفتن

۴. خوانا نیست.

۵. اشاره به آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

اموال و انفس و میوه‌ها و مژده می‌دهد صابران را»^۶.

ما در این چند سال انقلاب اسلامی همه اینها را که در بالا ذکر شد داشتیم. افراد زیادی را که دیدند بلکه ملت‌مان دید. همان‌طور که امام فرمودند از اول تاریخ تا به حال این‌طور ملتی نبوده است. چرا این‌قدر شماها عزیز شدید و با شرف و سربلند، چون صبر کردید و جنگیدید در راه خدا. پس باید این راه را ادامه داد تا اسلام عزیز در دنیا ان شاء الله پیاده شود.

پدران، مادران، خواهران، برادران! از شهیددادن نهراسید. از بمباران^۷ نترسید، از آتش زدن‌ها واهمه نداشته باشید، از ترورها بیم نداشته باشید که خدا با ماست. توکل بر خدا به پیش، توکل بر خدا.

«ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یاسیوف خذینی»^۸، «اگر دین محمد(ص) نمی‌ماند مگر به قتل من، ای شمشیرها بگیرید مرا».

امام عزیزمان که خونشان همیشه می‌جوشد و کربلاها بعد از کربلا ساخت و عاشوراها بعد از عاشورا ایجاد کرد با خونش که در راه خدا داد فرمودند: پس ای تانک‌ها، توپ‌ها، خمپاره‌ها، مسلسل‌ها، هواپیماها و آرپی‌جی‌ها و کالیبر ۷۵ها و تیربارکلاش‌ها و ای اسلحه‌ها و تکنیک‌های جدید و گازهای سمی دشمن، به خدای کعبه و خدای کربلاها و عاشوراها قسم، اگر دین محمد(ص)، مکتب محمد(ص) که دین و آیین خداست نمی‌ماند، مگر به تکه‌تکه^۹ شدن و ذره ذره شدن ماها، پس بگیرید ما را که ما دست از دین اسلام بر نمی‌داریم.

ما خوش نداریم با تیر کلاش‌های شما شهید شویم، بلکه دوست داریم با تیر مستقیم تانک‌تان و سخت‌تر از آن تکه‌تکه شویم و صدای «الله اکبر» مان فضای هوا را

۶. اشاره به آیه ۱۵۵ سوره بقره: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ: وَالْبَتَّةَ شِمَا رَا بَه پَارَه‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده».

۷. اصل: بمبارومان.

۸. شعر منسوب به شیخ محسن ابوالحب حویزی است: «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یا سیوف خذینی: اگر دین محمد جز با جان سپاری من راست نمی‌ماند، ای شمشیرها! بیا بید و مرا در آغوش خویش بگیرد».

۹. اصل: تیکه تیکه.

پر کنند که «الله اکبر» به بزرگی عالمین. ای دشمنان اسلام! بشنوید «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله» و تا آخرین قطره خون و هستی مان پایش ایستاده‌ایم، بجنگید تا بجنگیم.

ما در قرآنمان داریم که آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند صبوری پیش گرفته و گویند: «...انا لله و انا الیه راجعون»^{۱۰}، «ما به فرمان خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد. آن گروهند مخصوص به درود و الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و آنها به حقیقت هدایت یافتگانند.

آری، به شما! دست از ولایت فقیه بردارید تا اسلام عزیزمان آسیب نبیند. همین‌طور که تاکنون امام عزیز را یاری کردید، یاری کنید و دست از امام و روحانیت بردارید تا سالم بمانید و اسلام بماند. فقط [...]»^{۱۱} روحانیت خط امام است که شما را هدایت می‌کند [به سوی] خدا.

بیشتر قرآن بخوانید و عمل به قرآن بکنید. نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و کتاب دعا‌های دیگر مخصوصاً مفاتیح الجنان را که دشمن تاکنون با مکر و فریب از ما گرفته بود، حالا که با خون پاکان دریافتید بیشتر مطالعه کنید و به آن عمل نمایید که سعادت دنیا و آخرت‌مان در این است. بیشتر روزه بگیرید و نماز بخوانید و دعا تا پاک‌تر شوید و از خدا بخواهید که خلوص نیت پیدا کنید.

برادران! تا می‌توانید بیشتر به جبهه بیایید و نهراسید و بیشتر با سازماندهی و تاکتیک جنگی با توکل به خدا عمل نمایید و باز هم هیچ نترسید که خدا با ماست.

«و لاتحزن»^{۱۲} ان الله معنا»^{۱۳} باشید، همچون کوه استوار و همچون سرو راست

۱۰. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۱۱. خوانا نیست.

۱۲. اصل: و لاتخف.

۱۳. بخشی از آیه ۴۰، سوره توبه: «إِلَّا تَتَصَرَّوه فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: اگر شما او را یاری نکنید البته خداوند او را یاری کرد هنگامی که کافران او را که یکی از دو تن بود بیرون کردند، آن گاه که در غار بودند و آن گاه که او به رفیق و همسفر خود می‌گفت: مترس که خدا با ماست. آن زمان خدا وقار و آرامش خاطر خود را بر او فرستاد و او را به سپاه و لشکرهای غیبی خود که شما آنان را ندیدید مدد فرمود و ندای کافران

قامت به دشمنان اسلام سر خم نکنید، بلکه به آنها تکبر نمایید. خوشحال باشید برای خدا و نابود کنید دشمنان اسلام را با یاری خدا و اما «...ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم»^{۱۴}.

به خدا در جبهه‌ها آشکار است که این ما نیستیم که تیر می‌اندازیم، بلکه خدا [است]، وقت کم است، صدای برادران عزیز مسئولین گروهان‌ها و دسته‌ها و... بلند است برای جمع‌آوری بچه‌ها]. امشب عملیات است توکل بر خدا.
«...ربنا افرغ علينا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»^{۱۵}.

خواهرم! حجاب تو سنگر توست. تو از داخل حجاب دشمن را می‌بینی و دشمن تو را نمی‌بیند. ای خواهر، به تو از فاطمه این گونه خطاب است، ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است. محبوب باش و با تقوا، که شما باید که دشمن را با چادر سیاه‌تان و تقوایتان می‌شکنید.

کارگر عزیز! بیشتر کار کن که دست تو بنا به حدیث پیامبر(ص) در آتش جهنم نمی‌سوزد. برای خدا کار کن تا محتاج اجنبی نشویم.

کشاوری عزیز! یک درخت اگر برای خدا بکاری در بهشت به همان اندازه درخت بهت می‌دهند. بیشتر و بیشتر بکارید تا خودکفا شویم. مادران و پدران، بیشتر صبور باشید و با حوصله فرزندان‌تان را تربیت اسلامی بکنید که در آینده اینها حافظ اسلام و مرزهای اسلامند.

برادران سپاهی! پاسدار انقلاب اسلامی، پاسدار اسلام باشید. تنها نه با اسلحه که متوجه باشید غیر از خط امام خطی در سپاه نباشد و تنها دستتان را به سوی روحانیتی که تاکنون اسلام را حفظ کرده است و به دستمان داده است، دراز کرده و اطاعت از این سرمایه‌های اسلام بکنیم. یکی باشید و کسانی که دنبال گروه و دسته هستند و حزب،

را پست گردانید و ندای خداست که مقام بلند دارد، و خدا را کمال قدرت و دانایی است».
۱۴. بخشی از آیه ۷، سوره محمد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ: ای اهل ایمان! شما اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند».
۱۵. بخشی از آیه ۲۵۰، سوره بقره: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: و چون آن‌ها در میدان مبارزه جالوت و لشکریان او آمدند گفتند: پروردگارا، به ما صبر و استواری بخش و ما را ثابت‌قدم دار و بر شکست کافران یاری فرما».

همان طوری که امام عزیزمان فرمودند با آنها صحبت کنید. اگر هدایت نشدند از سپاه برانید که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نه یک کلمه کم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و بازوی ولایت فقیه و بازوی اسلام، پس بیشتر و بیشتر مواظب باشید.

برادران! خیلی دلم می‌خواهد بنویسم ولی وقت کم است ان شاء الله امشب می‌رویم برای حمله به دشمن اگر شهید شدم چون خیلی گناه کرده‌ام، برایم استغفار کنید و از خدا بخواهید که مرا ببخشد و رحمت کند. برایم زیاد قرآن بخوانید و نماز بخوانید و دعایم کنید، البته اگر این سعادت نصیب شد.

و از امام عزیز فقیه عالی‌قدر، امام خمینی می‌خواهم که دعا کند خدا شهادتم را قبول کند و جزء شهدای صدر اسلام و شهدای کربلا قرارم بدهد. مادر، گریه مکن غصه^{۱۶} مخور، دیدار ما به روز قیامت. منتظر می‌مانم ان شاء الله اگر خدا خواست در آنجا با هم ملاقات می‌کنیم و تو ای پدر ناراحت نباش خدا به همه شما صبر بدهد. خواهرانم، برادرانم، خدا حافظ. حلالم کنید دیدار ما به قیامت. دعایم کنید و بگویید حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله.

روح منی خمینی، بت شکنی خمینی.

مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، مرگ بر جهانخواران.

تنها ره سعادت ایمان، جهاد، شهادت.

خانواده شهدا را فراموش نکنید [و] به آنها سرکشی کنید.

سپاه حزب الهی اگر بمیرد (۲) با دشمن دین سازش نمی‌پذیرد

شعارشان بود چنین که مرگ بر منافقین

هیئات، هیئات من الذله (۲)

کودک ما از قاسم گرفته پیغام (۲) به زیر تانک دشمن نموده اعلام

که زیر تانک می‌روم زیر ستم نمی‌روم

هیئات، هیئات من الذله (۲)

۶۰/۱/۴

وصیت نامه

رحیم آنجفی مرزيجرانی

امضاء^{۱۷}

سپاهی پاسدار انقلاب اسلامی شهرستان اراک.

اگر خدا بخواهد ان شاء الله که بخواهد باشم.

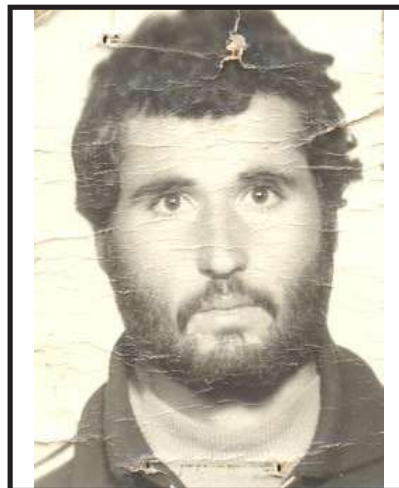
۱۷. بخشی از آیه ۲۵۰، سوره بقره: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: و چون آنها در میدان مبارزه جالوت و لشکریان او آمدند گفتند: پروردگارا، به ما صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم دار و بر شکست کافران یاری فرما».

صل
 بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم
 یاد کردی اذکرکم و اشکره لی و لا تنفرون - یا ایها الذین آمنوا
 استقیموا بالصبر و الصلوة انکم الله مع الصابرین
 و لیقلوا لئن یقتل فی سبیل الله امرنا کل اعیاننا و لکن لای
 تنفرون - و لیقلکم شیء من التوفیر و الخیر و نقص
 من الاسمال و الانفس و الثمرات و یختار الصابرین
 الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انما لله و انما الیه
 راجعون - اولئک عندهم سطوات من رحمهم و رحمة و
 اولئک هم المهدون - سورة بقره تا آیه انما نؤتی
 و النعم عزیمت بر حلقه ها و دروغ خوار و سر و الهت و
 غرضت که آیت با نام خدا و صیبت را شروع کردم بر این
 و بدان و بدان و همین حد برادران و خواهران حق
 اندام اسلامی را که تاکنون با خوبی یا گمان یا بیاد رسم
 بر این و یاد خدا یا شکر و شکر گزاین کنند و گهران حق
 از اختلاف هر صریح چون تاکنون با و صریح علم و اوقات
 که ما بر و زشته آیم که اختلاف هر صریح همین و صحت
 که ایام تیارها گزاین کرده است مرا بر این تقید که شبان اسلام
 صفت نهالی این تقید که ما این شکها اختلاف پیدا نمائیم
 خدا را حاکم فایق کنیم در کلمات و سخنانها خدا را شکر و
 در صبر و صلوة خدا را تسبیح کنیم که خداوند پاک و خدای با جبارین است

ص ۱۰۰

مرا برادران سپاهی یا سرداران انقلاب ایستادگی یا سردار اسلام ایستاده نگاه
 با اسلحه که منجمد ایستاده غیر از خط اسلام خطی در سپاه نگذارید و درین
 وقتتان را صدای روحها شنید که تا کس از اسلام را حفظ کرده است
 و در جنتان دارد اله است قدر از کرده است حاجت از این سر میطلب
 اسلام بکنیم یکی با شما و کسانی که دنبال کرده و دستهای بلند
 و ضربت خطا نظر می که تمام خونریزی فرستاد ما که با شما صحبت کنیم
 اگر بدار است منتهی که سپاه برانند که سپاه با شما در آن اتفاق
 اسلامی تا یک سکه کم سپاه یا سرداران انقلاب اسلامی است
 و بازوی ولایت فقیه و بازوی اسلام که بیشتر و بیشتر با ملت
 با شما بر آن خطی و کم می خراهر بوسه و وقت کم است است آنکه
 است من بوم را با خدا بگویند اگر شکستیم چون خطی که کرده ایم
 میایم استقامت کنیم و از خدا بخواهیم که برانند و رحمت کند و ایم
 زیاد قرآن بخوانند و نماز بخوانند و دعا بکنند اله را که این عظمت
 نصیب شما و از اسلام غریز فقیه عالمی بر تمام خطی می خوانم
 که دعا کند خدا سر بر من را قبول کند و فرزند شهید این خدا سلام
 و شهید این که ما قرار می دهیم به ما بر من من مقصد خود دیدار
 ما به روز قیامت منتظر می مانم است و الله اگر خدا خواهد
 در کافران با هم ملاقات کنیم و در آن بیرون از این است خدا
 به خطی شما همه بر عهد خدا حراکم که از این خدا حافظ حراکم کند
 در حرا ما به حیات دعا بکنیم و بگوئید خیر خیر خیر خیر

غلامحسین آنجفی



نام: غلامحسین
نام خانوادگی: آنجفی
تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱۱/۱
محل تولد: روستای مرزیجران از توابع شهرستان
اراک
نام پدر: محمدحسین
نام مادر: طاهره
تحصیلات: دیپلم (اقتصاد)
شغل: آموزگار
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۵/۵
محل شهادت: پاسگاه زید عراق
محل دفن: روستای مرزیجران

گلچین وصیت نامه

✦ انسان در مقابل مرگ تسلیم است و هیچ کاری از او برنمی خیزد و نمی آید، پس چه بهتر است که این مرگ در راه عشق خداوند و در راه همان کسی باشد که انسان او را می پرستد و به سوی او مراجعت می کند.

✦ هیچ گونه هراسی در دل نداریم و ما می رویم برای جهاد در راه خدا و اسلام و آب و خاک و ناموس تا با کفار بجنگیم.

به نام خداوند مستضعفین

مدتی است که می‌خواهم وصیت‌نامه بنویسم فرصت پیدا نمی‌شود و الآن در دشت عباس خودم تنها در سنگری قرار دارم که دشمن مرتب، معلوم و مشخص است و در دید آنها قرار دارم. خمپاره‌ها مرتب دور بر ما می‌کوبند، شاید وصیت نوشتن برای جوانانی که هنوز عمری و سالی نگذرانیده‌اند، بسیار سخت باشد. با هزاران امید در دل و آرزوهای بسیار در سینه طپش قلبشان مالا مال از عشق به آینده و حرکت خودشان امیدبخش فرمایشان.

وصیت‌نامه نوشتن به معنای آن است که انسانی خود را برای مرگ آماده می‌سازد. و هر لحظه ما در اینجا خودمان را برای مرگ آماده می‌کنیم و مرگ را در برابر دیدگان خود احساس و قرار می‌دهیم. اینک که در سنگرم قرار دارم به این آب و خاکم می‌نگرم و به کوله‌بارم می‌نگرم با چشم‌های پر از عشق، علاقه و امید به پیروزی نهایی و حفظ و حراست آب و خاکم، وطنم و ناموس را به کوله‌بارم می‌نگرم که خود نیروی [...] است در برابر کفار و می‌اندیشم که کجایم و چه کار می‌کنم. این صحرای کربلاست که خون‌ها در این میدان ریخته شده که یک طرف آن میدان، کفار با تمام امکانات و در این طرف دیگر جوانان سلحشور ایرانی که بر حق علیه باطل مبارزه می‌کنند.

خداوندا! تو خود می‌دانی که بنده‌ای^۱ بسیار ضعیفم و ضعیف‌تر از آنم که بتوانم خدمتی به اسلام نمایم. لیکن جسمی ناتوان دارم که البته در اختیار توست و آن را در

۱. خوانا نیست.

۲. اصل: بنده ات.

راه تو قربانی می‌کنم. من هر لحظه را در آخرین و بهترین لحظه می‌دانم. اکنون در سنگر هم با خدای خود هستم که این وصیت‌نامه را بر روی کاغذ می‌آورم. شاید با این وضعیت هم عده‌ای را به حقانیت این راه آگاهی می‌دهم. انسان در مقابل مرگ تسلیم است و هیچ کاری از او بر نمی‌خیزد و نمی‌آید، پس چه بهتر است که این مرگ در راه عشق خداوند و در راه همان کسی باشد که انسان او را می‌پرستد و به سوی او مراجعت می‌کند.

خدایا! ما در موقعیتی واقع شده‌ایم که این جبهه آزمایشی بسیار مناسب است. امیدوارم موفق شویم و عاقبت با سعادت در انتظارمان باشد. در زمانی واقع شده‌ایم که اسلام عزیز و آب خاکمان مورد تاخت و تاز ابرقدرت‌های خون‌آشام واقع شده. چون قرآن هادی است، پس هیچ‌گونه هراسی در دل نداریم و ما می‌رویم برای جهاد در راه خدا و اسلام و آب و خاک و ناموس تا با کفار بجنگیم.

پدر و مادر و برادران و زن برادر و خواهران و اقوام و دوستان و آشنایان! گمان کرده‌اید دوری از شماها [مرا] از وظیفه‌ای که به عهده دارم غافل کرده باشد^۳، نهایت بی‌مهری است. زیرا فرزندی که سال‌های متوالی زیر سایه تربیت چنین پدر و مادری بزرگ شده است، هیچ‌گونه آن چهره نورانی و سخنان مهربانگیزش که سعادت دو جهان را به او ارزانی داشته از یاد نخواهم برد. زیبایی‌های زندگی را در میان [...] ^۴ راه یافتن و تنهایی را در غربت.

ای فلک با من عجب نقش غریبی ساختی

با مراد خویش بودم نامرادم ساختی

در گلستان طبیعت ما گاهی پژمرده‌ایم

رنگ پیری را ندیده در جوانی مرده‌ایم

آرزو داشتم اندر لب دجله به شهادت برسم

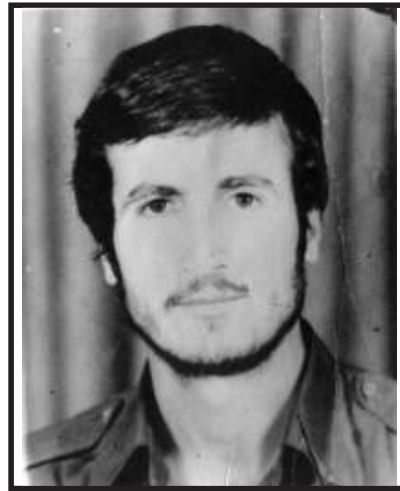
قسمت این بود که در سنگر ملت به شهادت برسم

۳. اصل: باشید.

۴. «یا» حذف شده است.

صد انقش که عادت دهمان را به گویان داشته از یاد تو اهر برد
 زیاده‌ها زنده را در میان ما را به یافتن خفتهای را در غربت
 از یک با من خوب فتنه‌ری ساخته
 ما را به جوشن بردم تا مردم را به
 در گشتن طبیعت ما را به هر چه بودم
 در جوانی مردم را به
 اگر در دستم اندر لب و دهنم در لبم
 بهت از برود که در گشته و لبه‌ها در لبم
 ما را به هر چه بودم

حسن آندی



نام: حسن
نام خانوادگی: آندی
تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱۲/۱۲
محل تولد: شهرستان خمین
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: خدیجه
تحصیلات: کاردانی
شغل: معلم
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۲۲
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر
محل دفن: شهرستان خمین

گلچین وصیت نامه

- ◀ برادران پاسدار! پاسداری قبول فرهنگ شهادت است تحت لوای ولایت فقیه.
- ◀ برادران مسئول! تلاش در این باشد که رهبری طلبی و حُب ریاست و خودبزرگ بینی [را] طوری در خودمان محو کنیم، بکشیم و دل ریاست طلب مان را دار زنیم و دل خودخواهانه مان را دار زنیم.
- ◀ وقتی که با روحانیت چنین عجین شدیم دیگر این انقلاب شکست بردار نخواهد بود.
- ◀ شما باید مملکت را به خود کفایی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی برسانید و تکیه کنید بر اسلام و تکیه کنید بر ولایت فقیه.

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً»^۱.

«از مؤمنین رادمردانی هستند که عهد با خدا بستند و به آن استوار ماندند تا به فیض شهادت رسیدند و عده‌ای هم هستند که منتظر شهادتند و هیچ‌گونه تغییر در اراده آنها نخواهد ماند».

خدایا، خدایا! در پشت سر، کوهی از گناه و [در] جلوی سر، دشتی از گناه و حالم دگرگون است. ای خدا، این حقیر را از این احاطهٔ گناه، از این کوه و دشت گناه، ای خدا با رحمانیت بدر آر. خدایا! ما که آبرویی پیش تو نداریم. ای خدا، شهدا مخصوصاً سید شهیدان حسین بن علی (ع) پیش شما خیلی عزیزند، به شهدا و سالار شهدا طلب شفاعت و بندگی در آسمان مقدس تو می‌کنم. ای خدا بند بندگی را...
ای خدا! صالحین و صدیقین و انبیاء و صلحا پیش شما خیلی ارزش دارند، منزلتشان خیلی بالا است، ای خدا اینان جزو بندگان خاص و مخصوص تواند. ای خدا، به حق قدر و منزلت آنان ما را در دو جبهه جهاد اکبر و جهاد اصغر پیروز گردان. ما را جزو سربازان امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی، این پیر با کوهی ایثار و این استمراردهنده نهضت انبیاء و متصل‌کننده این نهضت به نهضت جهانی مهدی قرار ده. ای خدا، خیلی گنه کردیم، خیلی. ای خدا گردن‌مان طوقی از گناه، پشت‌مان کوله‌باری از گناه، ای خدا تو این کوله‌بار گناه را از پشت ما بردار.

۱. آیه ۲۳، سورهٔ احزاب: «برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزارده و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

ای خدا! روسیاهیم، روسیاهیم، روسیاه. ای خدا، تو را به عزت سوگند تو را به عظمت سوگند ما را در روز قیامت روسفید گردان. ای خدا، ای خدا، تو می‌دانی، تو می‌دانی، تو می‌دانی، از درون ما آگاهی.

ای خدا تمام تلاش و سعی ما ای خدا در جهت تو و برای تو و به خاطر تو که بسم الله و بالله و فی سبیل الله و در راه تو باشد. ای خدا، وای، وای، وای که چه هوس‌ها و چه شهوات دنیایی و جنسی، آخ خدا ما را به خود مشغول کرد. تو را از یاد این بنده حقیر سراپا تقصیر فراموش کرد. ای خدا، در تنهاترین تنهائیم «ایاک نعبد و ایاک نستعین»^۲، «ای خدا تنها و تنها تو را می‌پرستم، تنها و تنها تو را ستایش می‌کنم».

این حقیر بنا بر وصیتی که واجب است بر هر مسلمان از درگاه تو درخواست عاجزانه دارم ای خدا که رزمندگان اسلام، این پاسداران خون شهدا و این پارسایان شب و شیران روز، این جان برکفان اسلام؛ ای خدا در دو جبهه آنان را پیروز گردان. ای خدا، ای خدا، این شهدای ما از طفل ۱۳ ساله گرفته که امام او را رهبر نامید تا آن پیرمرد ۶۰ ساله، ای خدا، این شهدا را با شهدای صدر اسلام محشور گردان.

ای خدا، این حقیر از در و دیوار این شهر و دیار خجالت می‌کشد. هر روز شهیدی بر خیل شهدا افزوده می‌شود. مسئولیت ما ای خدا اگرچه حس کنیم روز به روز سنگین‌تر و از طرفی بار گناهانمان نیز ای خدا سنگین‌تر می‌شود. پروردگارا، ما را چنان توان ده که بتوانیم بار مسئولیت آنان را بر دوش کشیم و از بار گناهانمان کاسته گردان.

ای خدا، ای خدا، ای خدا، درست نوزده ماه از جنگ تحمیلی بین عراق و ایران می‌گذرد، وای چه گل‌هایی در کوچه باغ‌های شهر ما پرپر شده، بوی شهادت گرفت. وای که چه برادرانی، وای چه سرورانی هر کدام به خیل شهدا یکی پس از دیگری پیوستند. وای به خدا قسم خجالت می‌کشم وقتی که سر قبرشان می‌روم از آن نگاه‌های منتظرشان که می‌گویند حسن، حسن تو با این همه هارت و پورت چه کردی؟ وای،

۲. آیه ۵، سوره حمد: «پروردگارا! تنها تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌جوییم».

وای، وای که صدای «هل من ناصر» امام حسین (ع) را آنها لبیک گفتند و آنها صدای «هل من ناصر» شان به گوش ما طنین می‌افکند. از شرمندگی خودم سرم را پایین می‌اندازم و نمی‌توانم با آن همه نگاه رو در روی آنان بایستم.

آخه می‌دانید که این حقیر مجروح شده^۳ و در بیمارستان بودم^۴. برادر شهیدم آمد به بالینم و به پدرم گفت باید به جبهه بروم و سنگر حسن که خالی شده پر کنم. الآن واقعاً شرمندهم از رویتان، از سویتان، از کویتان؛ اما، اما چه بگویم؟

به که چه شیرین است شهد شهادت را نوشیدن و در آخرین دم حیات سوره والعصر را زمزمه کردن و در واپسین دم آن جمله علی (ع) را بر زبان جاری کردن که «فزت و رب الکعبه»، «به خدای کعبه رستگار شدم». وای که چه شیرین است، اما ای خدا آیا آن شهد را ما هم خواهیم نوشید؟ این روسیاه، این بنده حقیر ذلیل، این بنده سراپا تقصیر، آن چنان لیاقتی را خواهم داشت ای خدا؟ «اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی سبیلک»، «ای خدا، ای خدا، لیاقت شهادت در [راحت] روزی ما گردان».

ای خدا، ای خدا، به خدا قسم فقط و فقط نه به خاطر هیچ‌گونه اموال یا مقام یا پست. ای خدا، طی این مدت سعی و تلاشم این بود که کار بکنم. ای خدا، این دنیا، این دنیا برایم زندان شده. ای خدا، هر لحظه دوست دارم [از] این زندان، زندان دنیا ای خدا خلاص شوم. ای خدا، ای خدا، تلاش در این داشتم دنیا را سه طلاقه کنم، اما این هوس‌های نفسانی و حبّ دنیا بعضی اوقات ای خدا این حقیر را دربرمی‌گرفت. اما ای خدا دل نبستم و نبستم، تلاش در این داشتم که نبندم و نبندم، پست و مقام و غیره و پول و این چیزها آن قدر برایم نفرت‌انگیز شده و آن قدر لجن‌انگیز شده که حاضر نیستم لحظه‌ای حتی کوچک‌ترین لحظه‌ای در مورد آنها فکر کنم.

اما ای خدا! درخواست من اجر^۵ و قرب شهدا و صدیقین و صلحا [است و این] که در روز قیامت، روز محشر، بنده روسیاهت در پیشگاهت روسفید باشم. ای خدا

۳. اصل: شد.

۴. اصل: بود.

۵. اصل: ارج.

بوده که چه کبر و غرور چنان خواری مرا گرفته، ای خدا چه گناهانی خفیف و پنهانی مرتکب شدم که تو هیچ کدام را آشکار نکردی. ای خدا، از تو درخواست می‌کنم گناهان آشکار و پنهانی مرا ببخشی و مرا در سلک صلحای خود قرار دهی و ما را در سلک شهدای خود قرار دهی.

ای خدا، ای خدا، چه شهدایی؟ از سرور شهیدان سیدالشهداء که با همه چیزش از آن طفل ۶ ماهه گرفته تا آن سرباز سردار ۹۰ ساله، ای خدا به جبهه آمده‌اند. شب عاشورا امام حسین (ع) رو به تک تک یاران خود کرده [و فرمودند] فردا، فردا سخن از گرفتن نیست، ای خدا سخن از همه چیز دادن است. ای خدا، ما را در سلک بندگان قرار ده. ای خدا، به امام عزیز ما نائب برحق امام زمان مان طول عمر عطا کن.

و اما و اما برادران پاسدار، پاسداری نون دانی نیست، شغل نیست، پُست نیست، حُب دنیا نیست، بلکه پاسداری قبول فرهنگ شهادت است تحت لوای ولایت فقیه. وقتی که قبول کردی این فرهنگ را، توی سپاه بیا. غیر از این برادر پاسدار اگر چنانچه به هوای حال دیگر آمده‌ای اینجا جایش نیست. جای دیگری را پیدا کن.

برادران مسئول! تلاش در این باشد که رهبری طلبی و حُب ریاست و خودبزرگ‌بینی [را] ای برادران رزمنده عزیز، طوری در خودمان محو کنیم، بکشیم و دل ریاست‌طلب‌مان را دار زنیم و دل خودخواهانه‌مان را دار زنیم. و برادر بخندیم و بخندیم و بخندیم. بعد به مرگ پوزخند بزنی و مرگ را آنچنان پوزخند و به مسخره گیریم که در بغلش گیریم تنگ تنگ. وقتی که برادران پاسدار، این چنین شدیم به خدا قسم باور کنید تحت لوای ولایت آن روحانیت اصیل و متعهد که واقعا چه گویم، این فداییان اسلام، این ایثارگران اسلام و این همه چیزدادگان اسلام. وقتی که با روحانیت چنین عجین شدیم دیگر این انقلاب شکست بردار^۶ نخواهد بود.

باور کنید وقتی که یک پاسدار، یک بُعدی از ابعادش روحانیت متعهد و مسئول آن هم بعد اعتقادی، تقوی، سیاسی، عملی، اعتقادی این بعد را پر کند از طرفی بُعد

۶. اصل: برادر.

نظامی و سیاسی هم خود تلاش کنند که مکاسب کنند آن هم باز گفتیم و می‌گویم زیر چتر ولایت فقیه، به خدا قسم مجاهدین انقلاب اسلامی خواهیم داشت که اگر «تزل الجبال لاتزل»، که اگر کوه‌ها بلرزند ای پاسداران مجاهد، ای پارسایان، شما از جا نخواهید لرزید، زیرا که این سخن علی است آن اولین امامان، آن شیرمرد میدان شهد و شرننگ علی(ع) که گفت: «تزل الجبال [و] لا تزل...»^۷، «در میدان جنگ آن چنان خواهی شد که کوه‌ها هم لرزیدند تو نخواهی لرزید، دندان‌هایت را به روی هم محکم خواهی نهاد و آن زمان است که مجموعه‌ات را به خدا عاریه دهی و پاهایت را در زمین فرو خواهی کرد. در هر جبهه‌ای چه جبهه داخلی و چه جبهه خارجی و چه در جبهه جهاد با نفس خود. آن زمان است که چشم خود را فرو خواهی بست که نکند رعب و وحشت دشمن تو را فرا گیرد و بدان که پیروزی از آن خدای سبحان است».

چه زمان؟ وقتی که چنین شایستگی پیدا کردی که همیشه و در هر حال پشت سر ولایت فقیه که امروز امام است و فردا، که ان‌شاءالله ناظرش نخواهی بود و ناظر مرگ امام نخواهی بود، آیت الله منتظری و پس فردا یک طلبه دیگر خواهد بود.

و برادر پاسدار! اگر چنانچه در این خط حرکت کردی و دنبال این خط افتادی و بدان و بدان که به انحراف نخواهی افتاد؛ چرا که این خط، «صافنا لنفسه» این خط نگهدار نفس خود «حافظاً لِدینهِ»، حافظ دین خدا و «مخالفاً لهوی» و مخالفت با هوی و هوس‌ها و «مطیع لامر مولاً» و مطیع امر ولی و مولای خود است»^۸. این خط است که خط اصیل انقلاب و خط اصیل اسلام و خط تداوم‌دهنده نهضت انبیاء و متصل‌کننده نهضت انبیاء به نهضت امام زمان(عج) [است]، ان‌شاءالله.

۷. فرازی از خطبه ۱۱، نهج البلاغه: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ، غَضَّ عَلَيَّ نَاجِدُكَ، أَعَرُ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ، تَدُ فِي الْأَرْضِ قَدَمُكَ، اذْمِ بِبَصْرِكَ أَفْصَى الْقَوْمِ وَ غَضَّ بِبَصْرِكَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. اگر کوه‌ها از جای کنده شوند تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را برهم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم ببوش، و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است».

۸. اشاره به حدیثی منسوب به امام حسن عسکری(ع) است: «فَمَنْ قَلَّدَ مِنْ عَوَامِنَا مِثْلَ هَؤُلَاءِ الْفُقَهَاءِ فَهَمُّ مِثْلِ الْيَهُودِ الَّذِينَ ذَمَّهُمُ اللَّهُ بِالتَّقْلِيدِ لَفَسَقَةِ فُقَهَائِهِمْ. فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ، وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ: اگر (مسلمانان) از چنین فقهای تقلید کنند، مانند همان یهودیانی هستند که خداوند آنان را به سبب تقلید و پیروی از فقهای فاسق و بدکارشان نکوهش کرده است. اما هر فقیه‌ای که خویشتندار و نگاهبان دین خود باشد و با هوای نفسش بسنیزد و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند و البته این ویژگی‌ها را تنها برخی فقهای شیعه دارا هستند، نه همه آنها».

اما دیگر برادرانم، برادران دانش آموز! امروز مسئولیت سخت و سنگین بر دوش شما سنگینی می کند. گروهک ها که دایه مهربان تر از مادر سنگش را به سینه می زدند رسوا^۹ شدند. از آن منافق خلق گرفته، از آن فدایی ضد خلق گرفته، از آن پیکاری جنایتکار گرفته، از آن توده ای کثیف و لئین گرفته و از آن خط لیبرال پیچیده مذهبی گرفته، همه و همه رسوا شدند و گونه گون رسوا شدند و در نهایت به اربابان کثیف خود و مزدوران جهانخوار خود پیوستند.

برادرانم، برادران مهربان دانش آموزم! به خدا قسم همیشه دلم برای شما می تپید و همیشه دغدغه شما را داشتم که شکارچیان افکار و شکارچیان اخلاق، شما را طعمه شکار خود قرار دهند. برادرانم، نکند دوباره در دام این شکارچیان افکار و شکارچیان اخلاق قرار گیرید. هر دومی که برای شما نهاده اند، دام را بشناسید و شکارچی را به قلبش تیر خلاص بزنید و به آنان بگویید برو، برو به جای دیگری دام ریز که اینجا نیست برای تو شکاری. برادران دانش آموز، درس خود را خوب بخوانید نه، بلکه بخوانید که بدانید که چه می خواهید بکنید.

باز برادرانم، شما باید مملکت را به خودکفایی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی برسانید و تکیه کنید بر اسلام و تکیه کنید بر ولایت فقیه. تأکید ما بر این ولایت است که به خدا قسم وقتی که آمدیم زیر چتر چوپان، باور کنید طعمه گرگ یا کفتار یا سرما و گرما خیلی خیلی خیلی کم خواهد شد یا اصلاً نخواهد شد.

و اما پدر و مادر، مادر عزیزم! خیلی برایم زحمت کشیدی به قول خودت سوزن به تخم چشم زدی و ما را بزرگ کردی. وای چه شب هایی که مرا کول گرفتی و این طرف و آن طرف رفتی. و اما پدر مهربانم، چه سیاه چال هایی که نخوابیدی، چه بار سنگین مسئولیت هایی که به دوش نکشیدی، وای که در چه غربتی تو هم زندگی کردی. مادرم، تو تنها آرزویت به ما می گفتی عباس که شهید شد دلم می خواست تو استراحت کنی و یک هادی و مهدی داشته باشی. مادر عزیزم، تو به یاد امام هادی (ع)

۹. اصل: وا (همه جا اصلاح شد).

و به یاد امام مهدی (عج) همیشه باش.

به خدا قسم! این هادی و مهدی حسن تو برایت خیلی کوچک می‌شود یا دلت خیلی تنگ شده از آن بچه‌های شهدا دلداری کن. برو آنان را بوس کن، برو آنان را بوس کن بوس کن، بوس کن و به یاد هادی و مهدی خودت باش. پدرم! تو در خلوت خودت وقتی که می‌نشینی، گریه می‌کنی. اما پدر عزیزم، به خدا قسم باور کن این خون شهداء نمی‌گذارد که بیفتیم. فقط در این فکر [که] زنی داشته باشیم یا بیاییم سراغ معلمی‌مان به قول تو هیچ کاری به کار کسی نداشته باشیم. به هر طرف نگاه می‌کنم یکی از شهدا، یکی از برادران عزیز شهیدم را می‌بینم. چگونه می‌توانم پدر عزیز پشت پا بزنم به تمام اینها و همه را ندیده بگیرم و بیایم. به خدا خجالت می‌کشم از رویشان، به خدا قسم هر کدام برای ما پیامی فرستادند و پیامی بجا گذاشتند.

از کدام بگویم؟ از مسعود که در وصیت‌نامه‌اش نوشت با خروش خمینی بخروشید و با سکوت آن به سکوت، و یا از رضا سلک که می‌گفت همه شما خوید این خوبی در ما صدق می‌کند، یا می‌پرسید «فتبارک الله احسن الخالقین»^{۱۰} چیست؟ آن برادران با آن چنان عظمتی رفتند که هر لحظه به لحظه چشم انتظار رفتیم، یا از برادرم اکبر که می‌گفت به خدا آن چنان معرفت پیدا کنید که آن را لمس کنید. آن زمان نماز خواندن چنان برایتان شیرین می‌شود که هیچ چیز را جای آن نماز خواندن نمی‌گیرد. همدیگر را با لفظ برادر صدا کنید. برادر اکبر می‌گفت همیشه اگر از هم ناراحت شدید، پیش‌دستی کنید زودتر آشتی کنید یا خیلی چیزها که می‌گفت. یا برادرانم رضا مؤذنی که وقتی می‌خواست به خمینی‌شهر برای جبهه برود به ما سپرد، ما چگونه سپردگان و امانتی او را نگه داشتیم؟ اما خدا لعنت کند آمریکا و صدام که نگذاشت دوباره برگردد.

۱۰. بخشی از آیه ۱۴، سوره مؤمنون: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ: آن‌گاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم پس از آن خلقتی دیگرش انشا نمودیم آفرین بر خدای که بهترین آفرینندگان است».

آی مادرم، آی پدرم! اینها تک تک شان برای ما پیام گذاشتند یا خود برادرم عباس یا دیگر برادران، اینها هر کدام با هر قطره قطره خونشان به خدا قسم شرمندگی برای ما گذاشتند. آن‌چنان احساس حقارت در مقابل اینها می‌کنم که هیچ چیز نمی‌تواند جایش را بگیرد. و وقتی آنها شهید می‌شوند یک عقده‌ای در دلم به وجود می‌آید که می‌گویم خدایا، «یالیتنی کنت معکم»^{۱۱}، «ای کاش ما هم به جای آنها بودیم».

ای خدا، ای خدا! تو را به حق عزیزانت سوگند به این پدر و مادر پیرم آن‌چنان تاب و توان ده که عوض گریه افتخار کنند. به شهادت فرزندشان افتخار کنند. گریه نکنند. بخندند، بخندند و بخنداند و به جای پرچم سیاه بر در و دروازه مان پرچم سرخ زنند که یعنی تمام نشده جنگ تمام نشده مبارزه، به قول امام: «تا طنین الله اکبر و لا اله الا الله بر جهان طنین نیفکنده است مبارزه هست»^{۱۲}. مبارزه همچنان هست. توفیق شهادت داریم، توفیق صبر و تحمل شهادت را به مادرمان و پدرمان و دیگر برادران و خواهران عطا کن ای خدا.

از مال دنیا تلاشم در این بود که هر چه دارم و ندارم ای خدا فقط و فقط چه در آشکار و پنهان به خاطر تو دهم. و اما آنچه دارم همه را به خانه شهدا، به خانواده مستحقین و شهدا اعطا کنند. آن حقوقی که می‌گیرم، آن مقداری که پدر و مادر احتیاج دارند، آن مقدار را بردارند و بقیه‌اش را به بیت‌المال بدهند و مقداری برای من و برادر شهیدم نماز [و] روزه بخرند.

حال «اشهد ان لا اله الا الله (۲)، اشهد ان محمد رسول الله (۲)، اشهد ان امیرالمومنین علی ولی الله (۲)».

شعری از شهید مهدی رجبی از دانشجویان پیرو خط امام برای شما زمزمه می‌کنم.

بسم رب الشهداء

۱۱. فرازی از زیارت ششم امام حسین (ع): «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا: ای کاش با شما بودم، و به رستگاری بزرگ می‌رسیدم».

۱۲. صحیفه امام، جلد ۱۲، صفحه ۱۴۸: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم».

خون شد دلم خدایا رحمی نما به حالم از دوری رفیقان آشفته شد خیالم
تا قله هدایت یاران من برفتند گم گشته‌ام خدایا در کوچه ضلالم
همچون پرنده عاشق، پرواز عشق من بود اندر غم شهیدان بشکست هر دو بالم
ما عاشقان هم‌ره، عهد سفر ببستیم آن کاروان برفت، آمد غم ملالم
سرخ است دشت میهن از خون پاک مردان زرد است روی زارم افتاده چون هلالم
یک آسمان ستاره یک دشت پر ز لاله رویدن از دل شب من ماندم و خیالم
از قامت شهیدان برپاست پای لاله بشکست پشتم از غم، در غصه بی‌مثالم
همچون همه شهیدان این است آرزویم اندر ره خمینی پویم ره کمالم
یا رب بگو شهادت، معراج تا سعادت کی می‌شود نصیبم؟ پاسخ بده سوالم
ای شاهدان تاریخ دیدار تازه گردد فالی گرفته‌ام دوش خونین نموده فالم
آیم به سوی جنت تا رویتان بینم مهمان شوم شما را گر حق دهد مجالم
آه ای خدای رحمان، حال مرا بگردان از هجر می‌گذارم نزدیک کن وصالم

اما، اما از نهضت بگویم، نهضت امام خمینی. دقیقاً یادم است وقتی در کوچه‌ها خاک‌بازی می‌کردیم دیدم که یک دسته دارند راه افتادند و داد می‌زند و داد می‌زدیم: «با خون خود نوشتیم، از جان خود گذشتیم، یا مرگ یا خمینی».

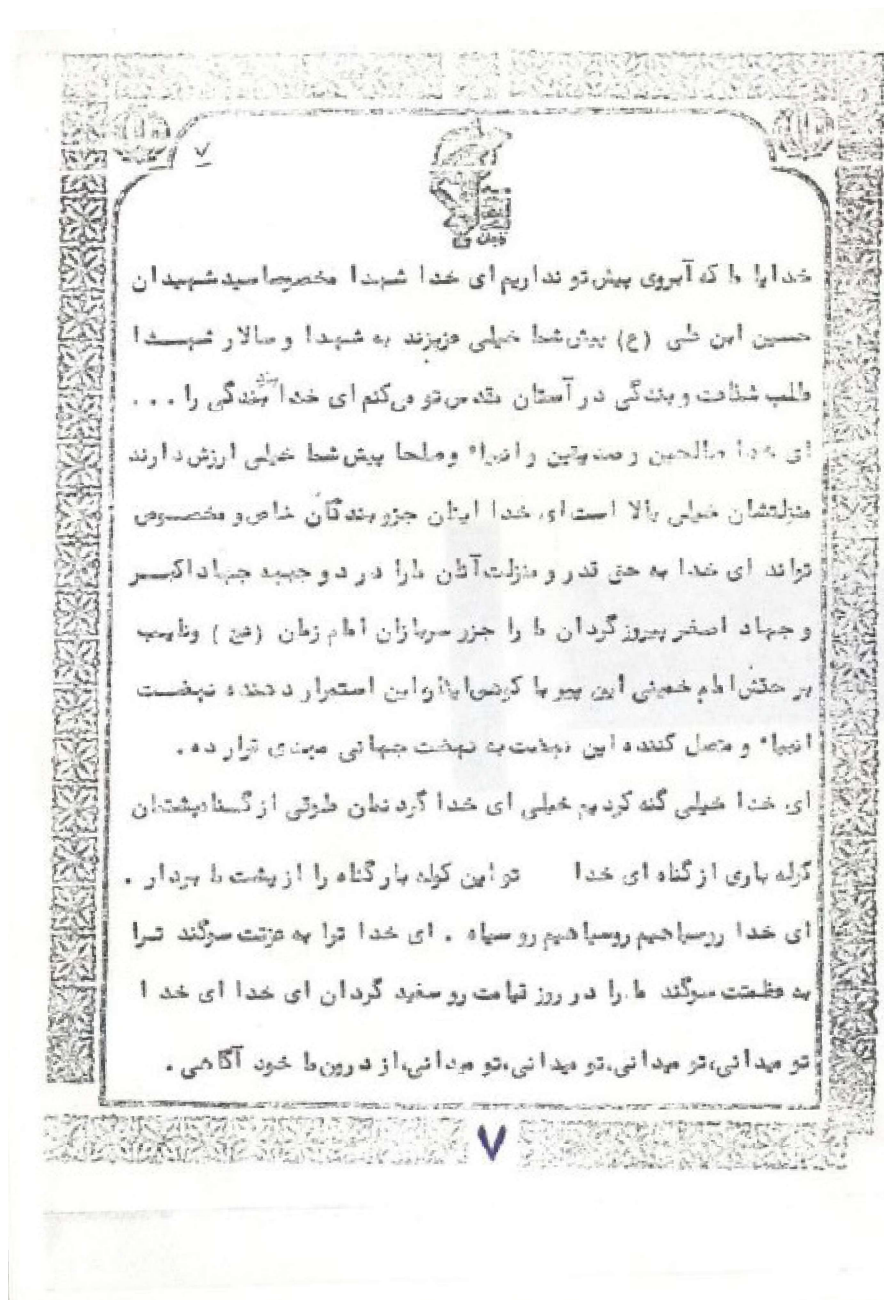
سال ۴۲ بود و خمینی را امروز، دیروز و پریروز نشناختیم، بلکه آن زمانی که به قول خود امام در کوچه باغ‌ها یا کوچه‌ها خاک‌بازی می‌کردیم با پای برهنه گفتیم و حال می‌گوییم و خواهیم گفت. و اما ای خصم، بدان ای آمریکای جنایتکار بدان از هر قطره خونم بمبی خواهم ساخت و در زیر تمام تانک‌ها و توپ‌ها و تمام تجهیزات تو منفجر خواهم کرد و نوید:

«و نرید ان نم‌ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»^{۱۳} را خواهیم داد. نوید خواهیم داد.

۱۳. آیه ۵، سوره قصص: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کرده شده در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان قرار دهیم و وارث گردانیم».

آن روز روز مرگ ابرجنایتکاران شوروی، آمریکای کثیف و لئین، مزدوران داخلی‌اش، منافقین که در طول تاریخ بوده است و هنوز هم هست، ملحدین، مشرکین، مترفین، و ملاین و رهبانان خواهد بود. آمین یا رب العالمین.



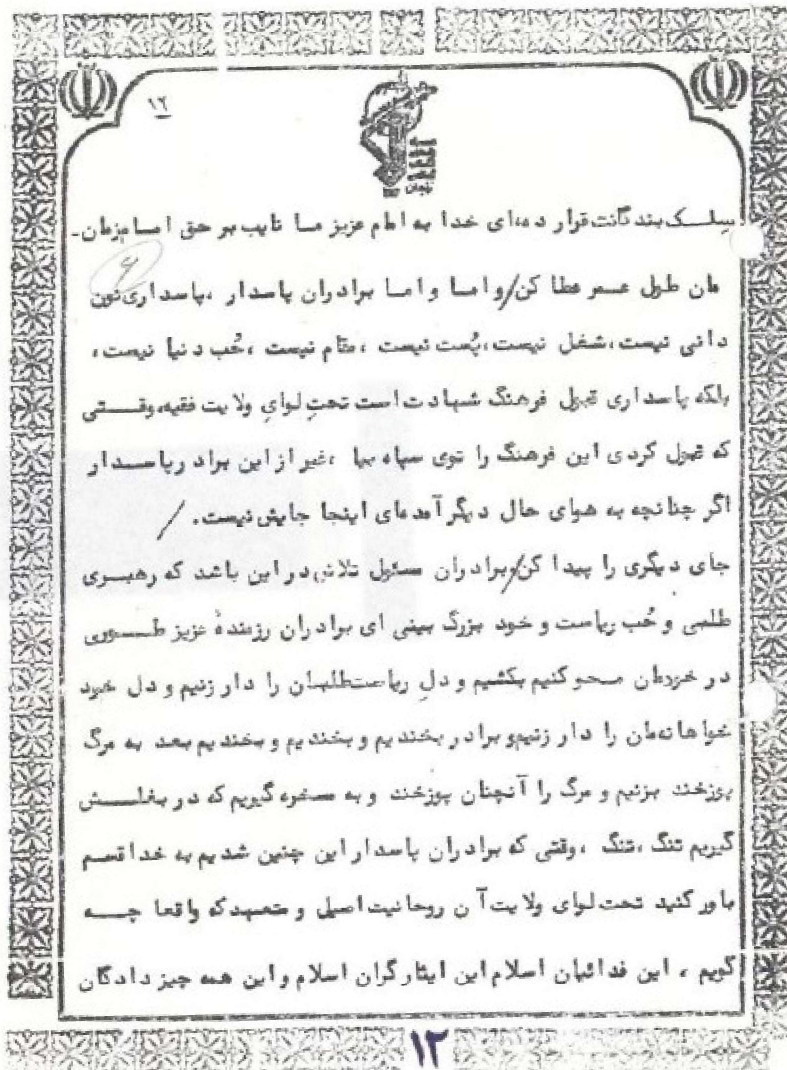


















را بسته می‌زدند . و شدند از آن منافق خلق گرفته از آن فدائی ضد
خلق گرفته از آن بهکاری جنایتکار گرفته از آن تودهای کثیف و لشین گرفته
و از آن خط‌لیرال پیچیده مذهبی گرفته همه و همه باشند .

و گویین رسوا شدند و در نهایت به اربابان کثیف خود و مزدوران
جهان‌خوار خود پیوستند برادران بهادران مهربان دانش‌آموزم بخدا
قسم همیشه دلم برای شما می‌طهید و همیشه دغدغه شما را داشتم ،
که شکارچیان افکار و شکارچیان اخلاق شما را طعمه شکار خود قرار
دهند . برادرانم نکند دوباره در دام این شکارچیان افکار و شکارچیان
اخلاق قرار گیرید؟ هر دایمی که برای شما نهادماند، دام بهشت‌سید و شکارچی
را به طبش شیر خلاص بزنید و به آنان بگوئید برو، برو به جایی دیگری
دام ریز که اینجا نیست برای تو شکاری برادران دانش‌آموز درس خود را
خوب بخوانید نه بلکه بخوانید که بدانید که چه می‌خواهید بکنید .

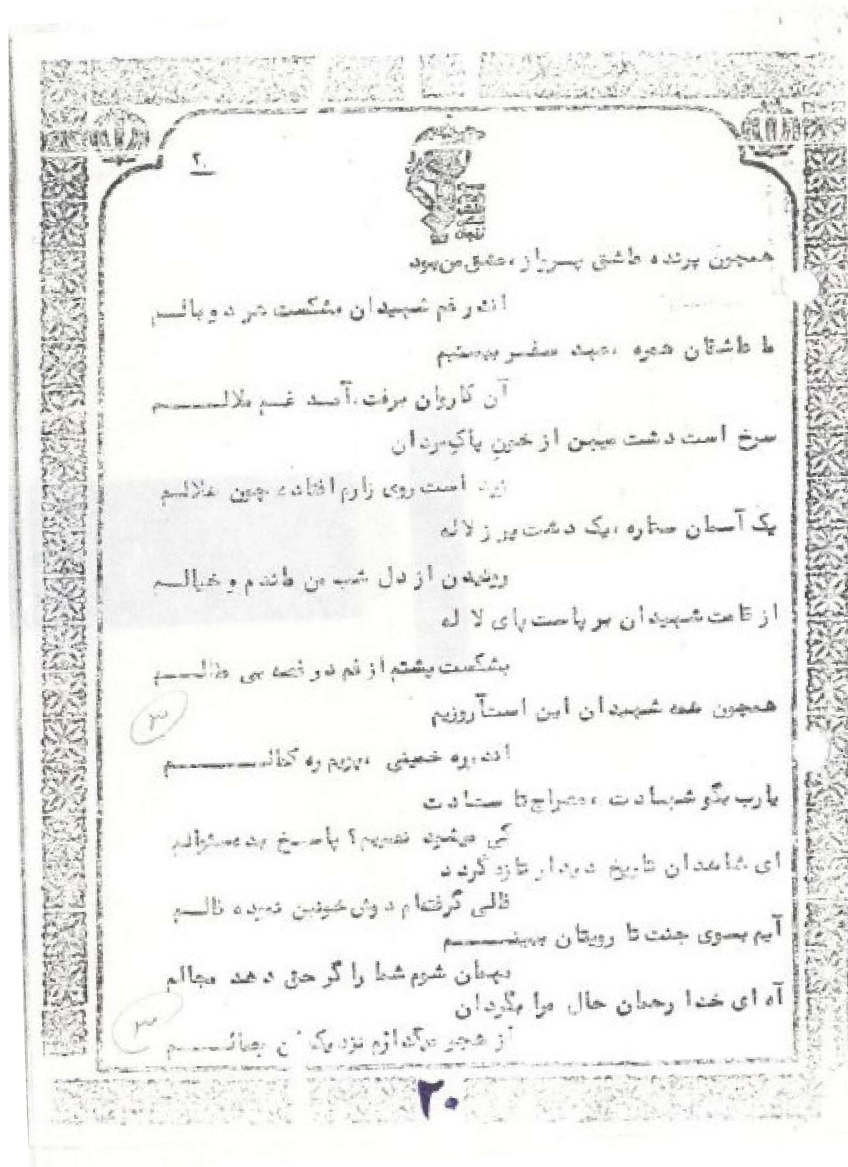
باز برادرانم شما باید مملکت را به خود کفائی سیاسی، اقتصادی نظامی،
و فرهنگی برسانید و تکیه کنید بر اسلام و تکیه کنید بر ولایت فقیه تا کید ما





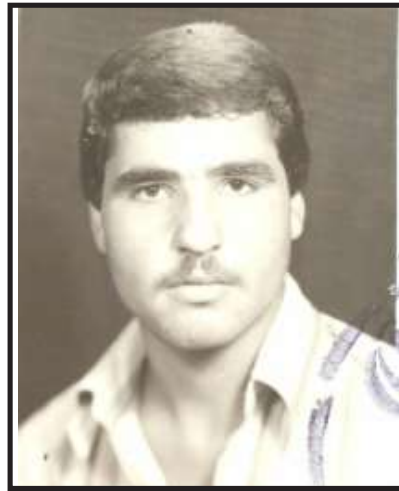








حسن آویرگان



نام: حسن

نام خانوادگی: آویرگان

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۶/۱

محل تولد: روستای جلایر از توابع شهرستان تفرش

نام پدر: خداوردی

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: دوم راهنمایی

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۱

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای جلایر

گلچین وصیت نامه

- ❖ هیچ موقع از یاد خداوند غافل نباشید، چون آفریدگار خود اوست.
- ❖ امام را هیچ گاه از یاد نبرید، همیشه به یاد آن نعمت خدادادی باشیم.
- ❖ با روحانیت عزیز و فداکار همکاری و آنان را حمایت کنیم.
- ❖ همیشه دست افتادگان بگیرید و به ناتوان ظلم و زور نگویید.
- ❖ در کارها و عبادات خود خلوص داشته باشیم.
- ❖ مساجد و نماز جماعت را ترک نگویید.
- ❖ تا آنجا که می توانید در جبهه ها حضور فعالانه داشته باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون [ويقتلون] وعداً عليه حقا في التوريه و الانجيل و القرآن و من اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم»^۱.

ترجمه: «خدا جان و مال اهل ايمان را به بهای بهشت خريداري کرده آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دين را به قتل رسانیده و خود کشته شوند. اين وعده قطعی است بر خدا. عهدي است که در تورات و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفا تر در عهد کیست».

خدایا، بارالها! به من توفیق عطا فرما و توانایی تفکر و قدرت نوشتن را ده که بتوانم چند کلمه‌ای به عنوان وصیت و یا می‌شود گفت تذکر به برادران و خواهران عزیز و بیدار دلم عرض نمایم. با اینکه شما از من حقیر بهتر و آگاه‌ترید اما از آنجایی که قرآن مجید می‌فرماید: «و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین»^۲.

«آری، تذکر دهید به درستی که آن برای مؤمن سودآور است». پس حسب وظیفه شرعی و الهی، در خود می‌بینم که این وصیت ناقابل را بنگارم ان شاء الله پس از درودها و سلام‌های پی‌درپی به روان پاک و مطهر ائمه اطهار از آدم تا خاتم از کعبه امیرالمؤمنین (ع) تا مهدی موعود (عج)، اصحاب و یاران با وفا و پاک باز ایشان که امید

۱. آیه ۱۱۱، سوره توبه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ: هَمَانَا خدا جان و مال اهل ايمان را به بهای بهشت خريداري کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس به قتل می‌رسانند و کشته می‌شوند، اين وعده قطعی است بر خدا و عهدي است که در تورات و انجيل و قرآن یاد فرموده، و از خدا باوفا تر به عهد کیست؟ پس از اين معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است».

۲. آیه ۵۵، سوره ذاریات: «و تذکر و پند می‌ده که پند و تذکر مؤمنان را سودمند افتد».

است خداوند این حقیر و تمامی شیعیان جهان را از صدیقین و مخلصین آن معصمین قرار دهد و امید است در آن دنیا شفیع ما باشند.

بارپروردگارا! ای پوشاننده تمامی عیوب و بدی‌ها و خطاهای من عاصی درگذر که عمل قابل رضایت مقام والای احدیت باشد، انجام ندادم. همه‌اش جرم و خطا بوده و معصیت و نافرمانی. ای کاش نامم را انسان نمی‌گذاشتند. ای کاش زنده نمی‌بودم تا در محضر خالق خود معصیت کنم.

پروردگارا! من که عملی برای رضایت انجام ندادم تا در آخرت توشه‌ای داشته باشم. پس با چه رویی از ایزد تعالی طلب عفو کنم. از آنجایی که خداوند آفریدگار خیلی خیلی بخشنده است از درگاه بیکران طلب آمرزش بنده جاهل خود می‌کنم و شفاعت ائمه اطهار و چهارده معصوم را در آخرت نصیبم فرما. اگرچه دستورات و فرامینشان را انجام نمی‌دادم. اگرچه خدای نکرده محبت و رضایتشان را جلب نمی‌کردم ولی به عشق آنان و به عشق قبور مطهر زیبای آنان ماه‌های ماه در بیابان‌های جنوب و غرب کشور به خاطر خداوند متعال و زیارت قبر آنان سرگردان بودم. و برای دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی به جهاد رفتم.

ای خدای منان مرا در زمره شفاعت شوندگان به دست ائمه معصومین (ع) قرار ده. با سلام و درود بی‌پایان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بت‌شکن سوم جهان خمینی کبیر و سلام و درود بیکران به روان پاک شهیدان گلگون کفن که با پر و بال خونین مهدی مهدی گویان به سوی لقاءالله اوج گرفته پیوسته و می‌پیوندند.

و با آرزوی شفا برای تمامی معلولین و مجروحین و آزادی اسراء از چنگ ظالمین. و سلام و درود بیکران به رزمندگان پرتوان و کفرستیز که راه اسلام را پیش گرفته و جهادکنان یک به یک به صف راهیان [...] می‌پیوندند و علی‌اکبروار می‌جنگند و به مقصد خود می‌رسند.

در ضمن این را باید بنویسم که سپاس خدای را که به من قدرت تشخیص صراط مستقیم را از راه ضلالت و گمراهی عطا فرموده و به من فهماند که در این راه جز سعادت به قرب چیز دیگری نیست. از این بالاتر افتخار و سربلندی است که شامل حال من شده.

ای خدای کریم! همین قدر می‌دانم که هر کس تو را شناخت دست از همه چیز می‌برد، به هیچ چیز فکر نمی‌کند به جز تو، دست از همه چیز شسته و به سوی تو می‌شتابد و این را در خود احساس کردم و می‌کنم. شرمندهام از اینکه بخواهم شما را تذکر دهم، چون بحمدالله با وجود چنین امت بیدار دل و هوشیار، دیگر در خود نمی‌بینم که موعظه کنم، اما برحسب وظیفه اجابت می‌کنم که چند کلمه‌ای خدمت شما بنویسم.

اولین کلام من این است به تمامی برادران و پدران و مادران و خواهران که هیچ موقع از یاد خداوند غافل نباشید، چون آفریدگار خود اوست و هرچه او بخواهد همان می‌باشد. این دنیا بیش از یک مسافرت خیلی خیلی کوتاه نیست پس باید طوری عدالت را برقرار کنیم که خداوند از ما خشنود گردد تا توشه‌ای برای آخرت داشته باشیم.

در ضمن اگر لحظه [ای] از یاد خدا غافل نباشیم، هیچ موقع شیطان و شیطان‌صفتان بر ما غلبه نمی‌توانند بکنند. دوم هر کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، اول خدای را یاد کنیم ببینیم آیا رضای خداوند بر آن می‌باشد یا نه.

سوم- زیاد حسادت و بغض و کینه از خود و اگر می‌توانید از دوستان خود بزداید و به جای آن عزت و سعادت بنشانیم تا عبادات خداوند را به نحو احسن یک به یک انجام دهیم.

چهارم- امام را هیچ‌گاه از یاد نبرید، همیشه به یاد آن نعمت خدادادی باشیم که این ابرمرد شجاع و جانشین پیغمبر بود که درخت اسلام را بار دیگر طراوت بخشید و جوانان را به دین عدالت فراخواند و راهنمایی کرد. (تکرار می‌کنم این ابرمرد را بشناسید خیلی باید پیوی تا جزیی از اعمال این شایسته امامت و رهبریت).

چهارم- جبهه‌ها را پر کنیم همان‌طور که امام فرموده‌اند که این جنگ از نماز هم واجب‌تر است، در ضمن اولین امتحان خداوند جهاد در راه خداست.

پنجم- با روحانیت عزیز و فداکار همکاری و آنان را حمایت کنیم و مباد روزی باشد که از فرامین آنان سرپیچی کنیم، چون فرامین روحانیت فرامین رهبر است، فرامین رهبر هم فرامین اسلام است. اگر سرپیچی کنیم دستور خدای را لغو کردیم در این صورت مسلمان نیستیم.

ششم- تا حد توان به دولت اسلامی کمک کنیم چه کمک مالی چه کمک جانی.

هفتم- همیشه دست افتادگان بگیرید و به ناتوان ظلم و زور نگویید.

هشتم- در کارها و عبادات خود خلوص داشته باشیم.

نهم- بر نفس خود مسلط^۴ باشیم.

دهم- مساجد و نماز جماعت را ترک نگویید. چون همین نماز جماعت‌هاست که دشمنان اسلام را چنین وحشت زده کرده.

یازدهم- در مجالس پرخرج و باشکوه شرکت نکرده و خود چنین مجالسی نداشته باشید.

دوستان و رفقایم:

دوستان گرامی! سلام علیکم. ای رفقای عزیزم، ممکن است من در این مدت نتوانسته‌ام که حق دوستی را ادا کنم و به شما خدمتی کرده باشم. و همچنین برای شما یک دوست مفید و حقیقی باشم. و یا اگر در برخوردها و صحبت‌ها از من ناراحتی یا خشونت دیده‌اید به بزرگواری و آقایی خودتان من حقیر و مقصر را حلال کنید.

دوستان گرامی! تا آنجا که می‌توانید در جبهه‌ها حضور فعالانه داشته باشید که شهیدان در انتظار فتح کربلا و آزادی قدس هستند. در برابر دشمن زبون محکم و استوار بایستید تا فتح نهایی. من بارها در خود تفکر می‌کردم و می‌اندیشیدم که آیا

۴. اصل: مصلحت.

این فیض عظیم و گرانها که همانا شهادت است، نصیب من حقیر می‌گردد و در حال حاضر این را در خود احساس کرده‌ام که با بدنی پاره پاره به لقاءالله می‌شتابم و جمال ائمه معصومین(ع) را از نزدیک نظر می‌کنم. این باعث سربلندی من است.

مادرم، ای مادر و ای نور چشم دیده‌ام! چه بگویم تو که یک عمر با چه زحمات و مشقات زیادی مرا پروراندی و در برابر ناملايمات زندگی همچون کوه مقاوم و استوار بودی. آفرین بر تو ای مادرم، توانایی گفتن وصف را ندارم که در شأنت باشد. تأسف می‌خورم که چطور تا به حال نتوانسته‌ام فرزند خوب و مفیدی برایت باشم. و تنها چیزی که از طرف من موجب سربلندی شما می‌شود فداکردن جان ناقابل‌م به رب‌العالمین است که همانا سعادت دنیا و آخرت را نصیب خود کرده‌ای که باید افتخار کنی که فرزندت را تقدیم خدا نمودی.

پدرم:

پدر بزرگوار و زحمتکش! مرا عفو کن که نتوانستم حق فرزندی را نسبت به شما اداء کنم. پدر عزیزم، اگر من به شهادت نائل آمدم مبدا احساس [...] ^۵کنید، بلکه حسین(ع) هر چند که ما خاک پای آنان نمی‌شویم اما رهرو آنان هستیم که باید در مصیبت‌ها شکیبا و صابر باشید ^۶ و افتخار کنید که فرزندان در راه خدا جان داده. این برای شما باید یک افتخار خیلی بزرگی باشد، اگر صبور باشید مشقت محکمی بر دهان دشمنان انقلاب زده‌اید.

(پدر و مادرم) شما را به خدا طوری باشید که گویی فرزندان در نزد شماست و با صبر و استقامت کاری کنید تا در پیشگاه خدا روسفید گردم. با دادن خونم هرچه زودتر راه کربلا را برایتان باز و اسلام را به پیروزی نهایی، طوری که پرچم عدالت را در تمام قله‌های سر به فلک کشیده جهان بافرشته داریم تا شهرها و مکان‌های مقدس چون کربلا و قدس را از چنگال خونخواران نجات دهیم تا به اتفاق امام عزیز به کربلا خواهید رفت. از شما تقاضا دارم که به جای من هم زیارت کنید.

۵. خوانا نیست.

۶. اصل: باشد.

پدر و مادرم! از شما عاجزانه می‌خواهم که اگر در مدت زندگی از من ناراحتی یا نافرمانی دیده‌اید، مرا حلال کنید. و از شما می‌خواهم که پیام خون شهدا را به تمامی ملت‌های جهان برسانید و آنها را از خواب غفلت بیدار کنید.

از همه برادران تقاضا دارم که جای مرا در جبهه پر کنند و تفنگم را بر دوش بکشند و در راه خدا جهاد کنند.

از برادران و خواهرانم تقاضا دارم که مرا به بزرگی خودشان بخشیده و حلال کنند. اگر از من رنجش و یا سخن ناروا شنیدید، زیر پا بگذارید و شفاعت کنید تا در پیشگاه خدا و انبیاء (ص) و اولیاء و ائمه معصومین (ع) روسفید و سربلند باشم.

خدایا! مرا ببخش از اینکه بیشتر از یک بار نمی‌توانم جان ناقابل‌م را در راه اسلام و قرآنت دهم و با بدنی پاره پاره در محضر پر عظمت حاضر شوم.

به امید فتح نهایی لشکر اسلام بر لشکر کفر.

خوشا آنان که جانان می‌شناسند	طریف عشق و ایمان می‌شناسند
بسی گفتند و گفتیم از شهیدان	شهیدان را شهیدان می‌شناسند

حسن آویژگان

۶۵/۳/۱۷

امضاء^۷

رفیقان می‌روند نوبت به نوبت	خوش آن روزی که نوبت بر من آید
خوش آن روزی که قبرم می‌کنند تنگ	به بالینم نهند خشت گل و سنگ
که رو بر قبله و پشت بر بیابان	تنم جنگ می‌کند با مار و موران
نه دست دارم که با ماران ستیزم	نه پا دارم که از قبرم گریزم

۶۵/۳/۱۷

[...]^۸

در آخر این را هم به خدمت شما عرض می‌کنم. سه ماه روزه قضا دارم، دو سال

۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۸. نقاشی شمع در این قسمت از وصیت وجود دارد.

نماز قضا.

حسن آویزگان

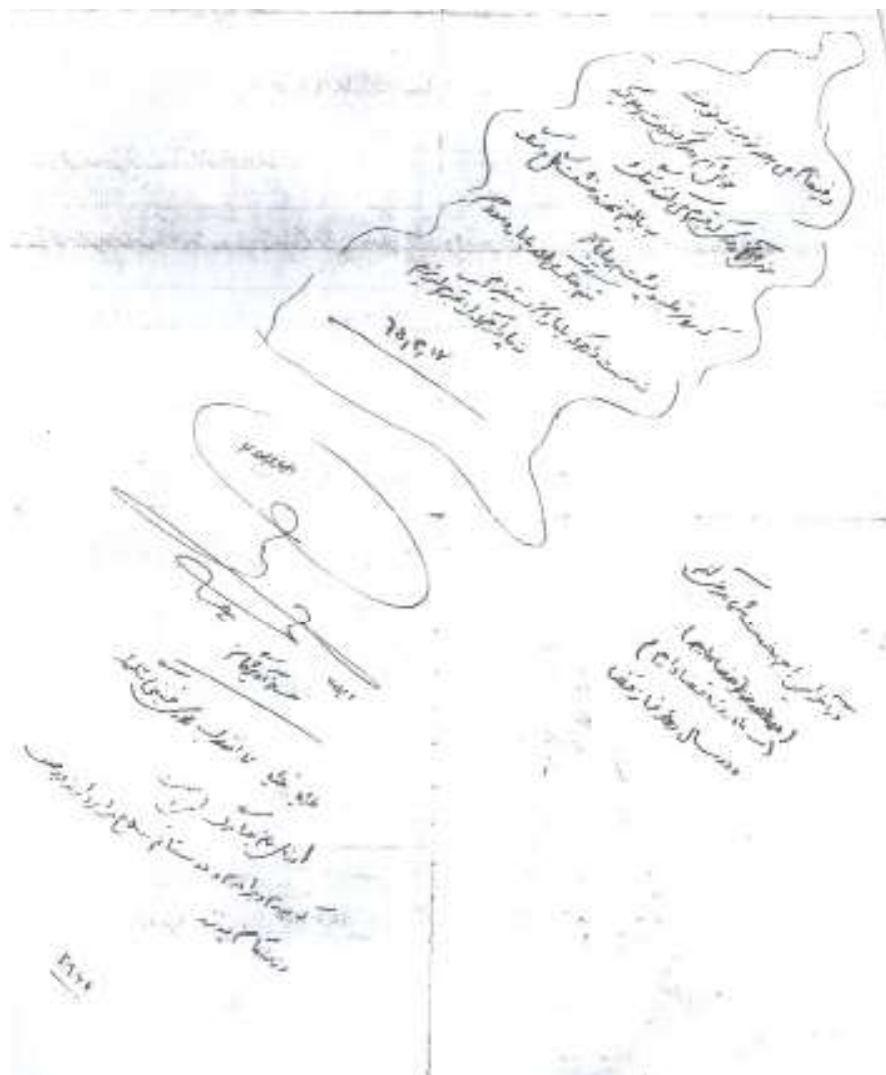
امضاء^۹

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.
آرزوی من بعد از مرگ این است که پدرم و برادرم و دوستانم سلاح مرا بردارند
و به صف رزمندگان بپیوندند.

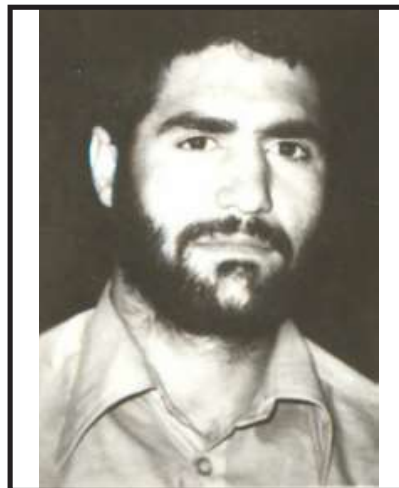
۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



[illegible]



ابوالفضل آهنگرانی



نام: ابوالفضل

نام خانوادگی: آهنگرانی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۹/۱

محل تولد: روستای موچان از توابع شهرستان شازند

نام پدر: محمدتقی

نام مادر: ربابه

تحصیلات: چهارم ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۷/۱۲

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر و

صورت

محل دفن: روستای موچان

گلچین وصیت نامه

ما ندای امام را شنیدیم و مشتاقانه راهی جبهه می گردیم.

همیشه به پیام های امام گوش کنند.

وقتی که نگاه پدرانه و مادرانه شما در صورت فرزندان خیره می شود، شکر خدا

کنید که بحمدالله قربانی شما با پای خود در منا حاضر شد و جان به جان آفرین

تسلیم نمود

در میان مردم همچنان بخندید تا دشمنان و منافقان بدانند که شما به شهادت

فرزندان افتخار می کنید.

دخترانم! ان شاءالله راهی را که پدرت رفته شما هم ادامه خواهید داد.

باسمه تعالی

وصیت نامه ابوالفضل آهنگرانی

«احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون. و لقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا و ليعلمن الكاذبين. ام حسب الذين يعملون السيئات ان يسبقونا سوء ما يحكمون»^۱.

«آیا مردم چنین فکر کرده اند فقط و فقط وقتی گفتند ما ایمان آوردیم، رها شوند و بر این ادعای هیچ امتحانشان نکنند و ما امت هایی را که پیش از ایشان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم. تا خداوند راستگویان و دروغگویان را کاملاً معلوم و شناخته گرداند. آیا آنان که کارهای زشت و اعمال ناشایسته مرتکب می شوند فکر می کنند که بر ما پیشی گیرند، بسیار بد و جاهلانه قضاوت می کنند».

به گفته امام، «تمامی کفر در برابر اسلام ایستاده است»^۲. «جنگ، جنگ است و حیثیت و شرافت و دین ما در گرو همین جنگ است»^۳. خدایا! ما مردم کوفه نیستیم، زمانی که امام حسین (ع) فریاد می زد «هل من ناصر ینصرنی»^۴ آنها به مصلحت حفظ موقعیت و مقام و مال و منال خویش سخن او را نشنیده می گرفتند. ولی مردم ما بر عکس به امامشان لبیک گویان برای حراست از اسلام و حرمت خون شهیدان و حیثیت

۱. آیات ۲-۴، سوره عنکبوت: «یا مردم چنین پنداشتند که به صرف این که گفتند ما ایمان آورده ایم رهاشان کنند و هیچ امتحانشان نکنند؟ و محققاً ما اممی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم، و همانا خدا دروغگویان و راستگویان را کاملاً می شناسد. آیا آنان که کار زشت و اعمال ناشایسته مرتکب می شوند پنداشتند که بر ما سبقت گیرند؟ بسیار بد حکم می کنند».

۲. برگرفته از جمله ای منسوب به پیامبر اکرم (ص) در جنگ خندق می باشد: «امروز تمام کفر در مقابل تمام اسلام ایستاده است».

۳. صحیفه امام، جلد ۱۳، صفحه ۲۴۵: «جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است».

۴. ر.ک. تعلیقات.

و شرافت خویش راهی جبهه‌ها گشتند. کیست که ادعای مسلمانی کند. اما کیست [که] به تجاوز و غارتگری و اهانت به نوامیس و شهرها و مقدسات مسلمین بی تفاوت باشد و به بهانه‌ای از زیر بار مسئولیت شانه خالی نماید. مسئولیت باز پس گرفتن میهن اسلامی و انتقام خون کودکان معصوم، پیرمردان و پیرزنان بی گناه و هزاران هزار جنایت دیگر که قابل توصیف نیست.

ای خدای بزرگ! ما ندای امام را شنیدیم و مشتاقانه راهی جبهه می گردیم، امیدواریم از ما قبول کنی. به امید یاری تو و نابودی کفر به سرکردگی آمریکای جنایتکار، شیطان بزرگ و هرچه بیشتر افشاشدن چهره کریه منافقین؛ کسانی که از کفار بدترند. آنها که در برابر هر پیروزی ما به خاطر خوشحالی اربابانشان جنایات هولناک و مزدورانه‌ای را مرتکب شدند.

به پدر و مادر توصیه می کنم همیشه به پیام‌های امام گوش کنند و اگر روزی افتخار شهادت نصیبم گردید، همچون مادر وهب یکی از سربازان صدر اسلام با افتخار قدرت اسلام را بر سر دشمن بکوبند و بگویند که او از خدا بوده و در راه خدا رفته است و دشمن را نا امید کنند. مانند همه مادران شهیدان انقلاب که با صبر و استقامت خود منافقین ناامید و رسوا می کنند. مانند امام وقتی فرزند گرامیش شهید می شود و فقط یک کلمه می گوید: «...انا لله و انا الیه راجعون»^۵. می گوید حاج آقا مصطفی از خدا بود و به سوی او بازگشت، پدر و مادرم، شما نیز همچون امام باشید.

پدر و مادر! پس از شهادت فرزند خود دلم می خواهد اگر جنازه غرق به خونم برگشت، خیلی شیون و زاری نکنید. وقتی که نگاه پدرانه و مادرانه شما در صورت فرزندتان خیره می شود، شکر خدا کنید که بحمدالله قربانی شما با پای خود در منا حاضر شد و جان به جان آفرین تسلیم نمود. اگر فرقم شکافته بود به یاد جوان ۱۸ ساله امام(ع) باشید. اگر بدنم سوراخ سوراخ شد به یاد بدن سوراخ سرور شهیدان حضرت امام حسین(ع) باشید.

۵. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

مشکل است جای خالیم را پیش فرزندانم ببینید و اشک نریزید. گریه بر شهید ثواب دارد اما روحم ندا می‌دهد پدر و مادر، در میان مردم همچنان بخندید تا دشمنان و منافقان بدانند که شما به شهادت فرزندتان افتخار می‌کنید.

مادر خیلی به من علاقه داشتی و نمی‌خواستی لحظه‌ای از تو جدا باشم ولی بالاخره جدایی بین من و تو بوجود می‌آمد. هیچ‌کس زنده نخواهد ماند، همه می‌میرند، اما چگونه مردن شرط است. خواستم طوری از تو جدا شوم که فردای قیامت دست را بگیرم و آنجا با هم باشیم. امیدوارم که وظیفه خود را در باره‌ات انجام داده باشم و از محضرت حلالیت می‌طلبم. و تو پدر، اگر شهادت نصیبم شد مادرم را دلداری بده و نگذار زیاد فکر کند و اگر در مدت عمرم نتوانستم حق پدری را ادا کنم و شما را اذیت کردم، از محضر شما هم حلالیت می‌طلبم. برادر! جای خالی مرا [...].^۶

دخترانم! خیلی به شما علاقه داشتم. صورت ماه شما در نظرم هست. حرف زدن شیرین شما در وجودم انقلابی بر پا می‌کند، اما به خاطر اسلام از شما جدا شدم. فاطمه‌جان، اکرم را خیلی خوب مواظبت کن و نگذار او ناراحت شود. هر چند شما کوچک هستید، ولی این وصیت‌نامه را بعدها متوجه می‌شوید. ان‌شاءالله راهی را که پدرت رفته شما هم ادامه خواهید داد.

مبلغ ۱۲۰۰ تومان یکی از برادران که در تهران کار می‌کرده داده به من که به ابوالفضل موچانی بدهم، اگر شهید شدم این مبلغ را به او بپردازید. مبلغ هزار و پانصد تومان خمس از مالم بدهید. در پایان به برادر^۷ روحانی بگویید که بالای منبر از همه حلالیت بطلبد.

السلام علیکم و رحمه الله

و بر کاته

۶. این قسمت از وصیت در دسترس نیست.

۷. اصل: برادر.

بسمه تعالی


۶۱۱ و میثاقه ابوالفضل آهنگرانی

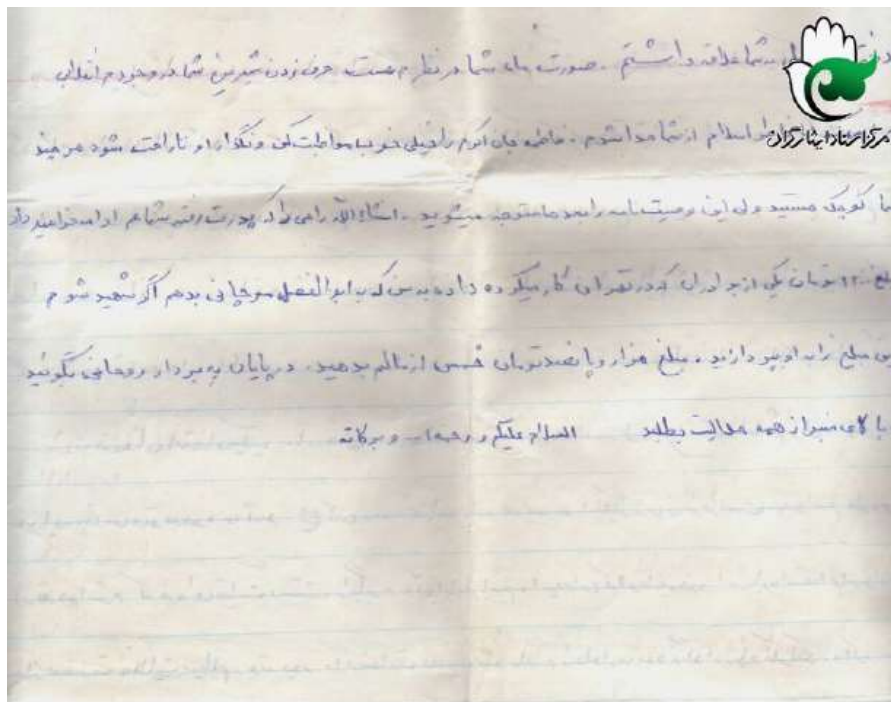
مرکز اسناد و کتابخانه ملی

حسب التالی ان یسر کذا ان یقولوا امنا و هم لا یقننوا و لقد قضا الذین من قلمهم فلعلمین
 آیا مردم وین خدایه بود حقیر فقط و حق گفتند ما ایمان آوردیم و ما شون و برای ادعای حج و عتبات کفر و با آنها
 الذین صدقوا و لعلمین التالی الذین ام حبیب الذین یعملون السیئات ان یسقیونا ساء ما
 را که پیش از ایشان بودند به امتیاز و انبیا پیش آوردیم تا خداوند را ستکویان و در قلوبان را کاملاً معلوم و شد
 قلمون گرانده آیا آنکه که کارهای زیست و اعمال ناشایسته مرتکب میشوند قلمی که برایشان گزیده و بسیار بد
 و باطلانه قصاصت میکند

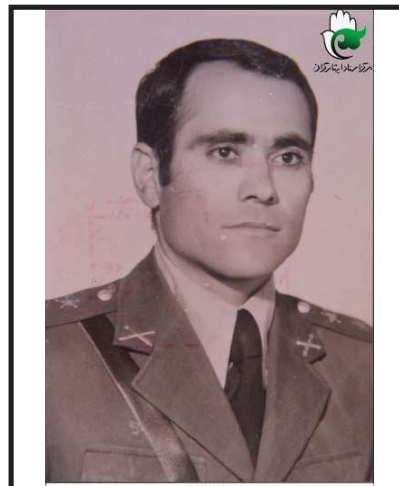
فیکفته امام و نهامی که در برابر اسلام ایستاده است «امنگا قبله است» و حیث و شرافت و دین ما در گرو همین تنگ است
 و ایام مردم که در نیستیم / زمان که امام حسین (ع) غریب میرد چل یی ناصر یضری آنا به مصلحت حفظ موقعیت
 تمام و مال و مال خویش سخن ارا نشیند و بگریختن و در مردم با برکتی به ایام اسان لیکه گویان برای شرافت
 اسلام و حریت خون شهیدان و حیثیت و شرافت خویش راهی جبهه که گفتند و گشت که ادعای سلطان کنو . اما
 است به تجاوز و تارتاری و ابلت و سزایش و سحرها و عذبات لعین به قمارت باشد و بهانه ای از زیر بار مسئولیت

بسم الله الرحمن الرحیم . سبقت با زین کرمه سید اسلام و انتقام خون کودکان محروم یسرزدان و یرزمان بی گناه و
 برادران منابت دیگر که قابل توصیف نیست . ای خداوند بزرگ ما دعا ای امام را شنیدم و مستأفانه و این
 چه سگرم . امید داریم از ما قبوله کنی . به امید یاری تو و الهی که هر چه کردی امری است جنابیکار شیطانی بزرگ
 و هر چه پیشتر اندازی شون چهره کریه ما عین . کلام که از کفار بدست آورد . آنها که در برابر هر روزی ما
 و حاضر خوشحالی اربابانان بنایات هوکانه و مزدورانه ایدار سلب شدند . به پدر ما درم توصیه کنیم
 همیشه به پیا همای امام گوش کنند و اگر روزی از آثار شهادت نصیب نصیب گردید . همچون مادر محب که از
 سران سراسلام با افتخار حدیث اسلام را بر سر دشمن بگویند و بگویند که از خدا آمده و در راه خدا رفت
 است . دشمن را تا بد کنند . با تو هم یاد را میمید این انقلاب که با سیداستقلال خود شافین را تا می
 و رسوا میکند . ما شد امام و قهر عزیز دقتش میمید سوز فقط یک کلمه بگویند . لا اله الا الله رب العالمین
 بگویند حاج آقا مصطفی از خداوندی سوی او بازگشت . پدر و مادر و تمامین همچون امام باشند


 بدو که از من است فرزند خود دلم خورم از جبار نه بزم بزم بر است خلیف و پیوسته و زاری نکلید و منی
 که نگاه بداند بداند تا در صورت فرزندمان خیر می شود و شکر خدا کند که بحمد الله قربان شما پایا خود درنا حاضر شد
 و همان به حالت آفرین قلم نمود. اگر منم شکران ببرد بیاید جوان ۱۸ ساله امام دهم باشید اگر بدم سراج سراج شد
 نه یاد بدن سراج سرور شهیدان حضرت امام حسین باشید. مشکل است جای خاتم را پیوسته فرزندمان پیوسته داشته
 که به بر شوی توایه دارد. اما درم ندانم دور باد. در میان مردم صبیحان بنشیند نادشیا و نشانان بداند کشتا
 به شهادت فرزندتان افتخار می کنید. ما در خلیف بنی هاشم دایره دایره من خواستیم انتظار از من جدا باشیم ولی با لاف
 خدای بنی من و تو بخود می آمد. هیچ کسی زنده نخواهد ماند هم می بیند اما کفر نه کردن شر و است. خواستم مردم
 از تو جدا شود که فردای حیات دست را بگیرم و آنچه با هم باشیم. امیدوارم که از طریق خود را در باره است انجام دارد
 و از حضرت علالت می طلبم. هر چه دور. اگر شهادت نصیب شد ما درم را دلاوری بده و نکل از زیاد و نکل کند. و اگر بدست
 مردم شد است حق و دیر را از آن و شمار اذیت کردم از حضرت ما هم علالت می طلبم. برادر جای خالی مرا



محمد تقی آیباقی اصفهانی



نام: محمد تقی

نام خانوادگی: آیباقی اصفهانی

تاریخ تولد: ۱۳۲۴/۲/۱۶

محل تولد: روستای بن از توابع شهرستان اهواز

نام پدر: اسکندر

نام مادر: زهرا خاتون

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: سروان ارتش

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۲/۲۶

محل شهادت: گچساران

نحوه شهادت: اصابت گلوله عمدی نیروی خودی

به سینه و شکم

محل دفن: شهرستان اهواز

گلچین وصیت نامه

- ◀ از همسرم انتظار دارم که در راه تعلیم و تربیت فرزندانم بکوشد.
- ◀ گاهی انسان می بایستی از عزیزان خود دل بکند تا بتواند دینی را که در مقابل ملت ایران به گردن دارد، ادا نماید.

به نام خداوند بخشنده مهربان

«وصیت نامه مورخه ۱۳۶۰/۶/۱»

سپاس بیکران خداوند یکتا را که به ما جان داد تا فدای ایران کنیم. درود بر پیامبران گرامی به ویژه پیامبر بزرگوار اسلام، حضرت محمد(ص) [...] شرافتمندانه رهبری فرمودند.

حال که وطن عزیزمان به وسیله دشمن مورد تهاجم واقع شده است و ارتش متجاوز عراق روی چنگیزیان را سفید نموده و وحشیانه ترین اعمال را نسبت به هموطنانمان روا داشته و آنها را از خانه و کاشانه خود آواره نموده است، وظیفه خود می دانم که همراه سایر رزمندگان برای مقابله با دشمن و بیرون راندن آنان از سرزمین مقدس ایران به جبهه بروم و چنانچه در این ستیز کشته شوم زهی سعادت، زیرا:

«اگر سر به سر تن بکشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم»^۱

ای ایران! تو وطن منی، تو پاره تن منی، من با چنگ و دندان از تو دفاع می کنم. ای کاش زنده باشم و شاهد فرار ارتش مزدور عراق از خاک وطن باشم. رژیم عراق از انقلاب به حق مردم وطنم به وحشت افتاد و دست به این تهاجم ناجوانمردانه زد. به امید پیروزی سربازان ایران بر دشمن متجاوز.

حال روی سخنم با تو است ای همسر، ای تویی که با همه وجود دوستت دارم و همه زندگیم را در تو و دو فرزندم می بینم. ای شمایی که سرمایه ۳۶ سال زندگی سخت و پر از رنج منید. همیشه آرزویم سعادت و خوشبختی شما بوده است ولی چه

۱. خوانا نیست.

۲. شعر از فردوسی است.

می‌شود [کرد]، گاهی انسان می‌بایستی از عزیزان خود دل بکند تا بتواند دینی را که در مقابل ملت ایران به گردن دارد، ادا نماید. این را بدانید که همیشه و در همه جا با یاد شما می‌باشم و با یاد شما زندگی خواهم کرد و با یاد شما خواهم مُرد.

من از روی شما شرمندهام که در طول عمرم نتوانستم اندوخته‌ای داشته باشم و سرپناهی برایتان تهیه نمایم تا بعد از من شما در رفاهی نسبی زندگی کنید و محتاج دیگران نباشید و از حداقل زندگی برخوردار باشید. به همین جهت شرم می‌آید که در این وصیت‌نامه نامی از اموال ببرم.

در هر صورت آنچه که هست من طبق این وصیت‌نامه و در نهایت آگاهی و تفکر و تعمق در کلیه جوانب آن، هرچه دارم از موجودی حسابم در بانک رهنی و بانک سپه تا هرگونه حقوق و مزایایی که پس از مرگم به من تعلق می‌گیرد، بدون اینکه راضی باشم از طرف کسی کوچک‌ترین دخل و تصرفی در آن صورت بگیرد به همسرم فرنگیس کلهری که سرپرستی و قیمومیت دو فرزندم را از طرف من دارد، واگذار می‌کنم. من هر کسی را که برخلاف این وصیت‌نامه عمل نماید نخواهم بخشید.

من کسی را شایسته‌تر و دلسوزتر از همسرم نسبت به فرزندانم بهزاد و بهنام سراغ ندارم. حتی پدر و مادرم نیز هیچ‌گونه حقی ندارند که در امور زندگی همسر و فرزندانم دخالت نمایند. چون من شاهد بروز اختلافاتی بین همسر و پدر و مادر افرادی که در جنگ کشته شده‌اند، بوده‌ام و به همین جهت با صراحت و روشنی همه اموال را به همسر و فرزندانم می‌بخشم تا جای شک و شبهه‌ای برای کسی باقی نماند.

و از همسرم فرنگیس انتظار دارم که در راه تعلیم و تربیت فرزندانم بکوشد و نگذارد که آنها فقدان مرا احساس نمایند. من آرزو داشتم که فرزندانم بهزاد و بهنام تحصیلات خود را تا حدی ادامه دهند که برای وطن افراد مفیدی باشند. از همسرم انتظار دارم در صورت امکان آنان را در این راه یاری نماید.

همسرم بداند که در طول ده سال زندگی مشترک‌مان هرگز به وی خیانت نکرده و همواره به او وفادار بود و دوستش می‌داشتم. از برادرانم عبدالحسین و اسماعیل و

ابراهیم انتظار دارم که تا حد امکان از بازماندگانم دلجویی به عمل آورند و نگذارند آنها احساس تنهایی کنند. از همه آنها سپاسگزارم. از پدر زنم و برادر زنم آقایان کلهری نیز چنین انتظار دارم.

بر قبرم بنویسید: سربازی که برای بیرون راندن دشمن از خاک وطن به جبهه رفت و در این راه شهید شد.

هر کجا که همسرم تصمیم گرفت مرا آنجا به خاک بسپارید. این وصیت نامه در سه برگ است یک برگ نزد خودم و یک برگ در منزل در جیب اورکت ارتشی می باشد.

به تاریخ یکم شهریور ماه

یک هزار و سیصد و شصت

ستوان یکم

محمد تقی آیباقی اصفهانی

۶۰/۶/۱ - امضاء^۳

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



((دست‌نامه عروض ۱۶۰۶۱۱))

چنانکه وطن عزیزان بدین معنی مدح فرموده ام. واقع شده است. و در این مقام از عراق روی ضعیفان را مسند نموده
و در میان این برین احوال را نسبت به هر ضلالت و درادارسته است و آنرا از رخا، و کاشانه خود کرده نموده است
و ضلالت خود ندانم. همراه سایر زندگان برای مقابله با دشمن و بیرون راندن آنان از زمین مقدس احوال به صمیم
برویم. و به جای این که ترسیده شویم زهی سعادت. زیرا: اگر هر برقی بگفتن دهم. از آن که گشت
به دشمن دهم. ای ایران. دو وطن منی. دو پاره تن منی. من با صفت و دندان از تو دفاع میکنم
ای کاشا و زند باشم و شهادت دار در این عراق از خاک وطن باشم. در این عراق از انقلاب حق
مردم و ملت دوستی است. این باهم. با خود از آن زنده. با امید پیروزی میروان ایران هر دو می توانیم

حال روی سخن با تو است ای صمیم ای خوشی با حق وجود دوست دارم و همه زندگم را در تو دروخته ام
ای چشم ای شایسته مهر من ۳۳ سال زندگی سخت و پر از رنج منید چه آرزوم سعاد و خوشی تا بدو
ای چه میگویم گاهی انسان میبستد در غلغل خود را کند تا بداند دینی را که در مقابل ملت ایران بگردد دارد
و ناخبر این را بداند که هست و در هیچ جا با کسی با هم و با پدرش زندگی خواهم مرو با تو خواهم خرد
من زندگی را شکر میزنم که در طول عمر نتوانستم اندوهی داشته باشم و من را برای تقی نام تا سالها من
تا در روزهای بسی زندگی کند و محتاج درنگ نباشد و از حلق زندگی برخوردار باشد و همین جهت شرم
سبک که در این وصیت نامه ای از اموال ببرم در هر صورت آنچه که هست من طبق این وصیت نامه در
نهایت اگاهی و نظر و عقل در کمال جانب ارباب هر چه دارم از پدری تمام در بابت رحمتی و با است سب
تا حق و حقوق و مزایای که من از مردم عین تلقین میگرد در دل انداخته باشم از طرف کسی که عین دل
و عقلی در آن حدیث میبرد به صمیم ترین هر که به سر بر می و میبستد در روزگار از طرف من در روزگار
کنیم من هر کسی که به خلاف این وصیت نامه عمل نماید مجازا می بخشید من کسی را شایسته پیرو سوزن
از صمیم نسبت به فرزندان نیز از تمام صراف دارم حتی پدر و مادر من نیز میگویند حق ندارند که در امور زندگی صبر و
فرزندان دخالت نمایند چون من شاهد بر اطفال این صبر و پدر و مادر اواری که در دست کشیده اند نهاده ام
و همین جهت با احوال و روشی هم اموال را به صبر و فرزندان می بخشم تا جای گفت و شنید برای کسی باقی نماند
و از صبر من انتظار دارم که در راه انصاف و تربیت فرزندانم پیش قدم کنند و نه آنکه نقادان مرا احساس نماید من
آرزو دارم که فرزندانم نیز از تمام جماعات خدا را تا حدی ارباب رخصه برای وطن افرا میفایند و از هر مزه انتظار
دارم در صورت امکان کاروان را به یاری نامی

منبرم بدانده در طول ده سال زندگیم هرگز در بی خیانت نماندم و هرواره با او رفتار کردم و دوستش می‌انستم و
از سر او خبر نمی‌گرفتم و هرگاه که ماضی را می‌بازم باز می‌اندیشم و در کوفتی بعل کوبیده و زانرا ندیده‌ام احسن آفرین

[illegible]

حمزه اباذری



نام: حمزه
نام خانوادگی: اباذری
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱
محل تولد: روستای چنار از توابع شهرستان خمین
نام پدر: مسعود
نام مادر: عذرا
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۴
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سینه
محل دفن: روستای چنار

گلچین وصیت نامه

- ◀ تو ای برادرم! تو باید در این راه از همه چیز خود صرف نظر کرده و راه شهیدان را ادامه دهی.
- ◀ ای خواهران بردبارم! در صورت شهید شدن من، شما الگوی خواهران دیگر در مصائب باشید.
- ◀ شما بایستی هر لحظه در قبال تعهدی که به این انقلاب دارید احساس مسئولیت بکنید.
- ◀ شما مسئول خون عزیزانی هستید که از میان شما و از میان ملت شما برخاسته است و به شهادت رسیدند.

پند می‌دهم، اینکه قیام کنید برای خدا.

و ای ملت قهرمان و فداکار ایران! هم اینک این آیه شریفه که تلاوت شد شما را پند می‌دهد به این راه، اینکه جوانمردانه روانه شوید به سوی جبهه‌ها و ندای این شهیدان را لبیک گوید و من هم به عنوان خدمتگذاری کوچک شما را توصیه می‌کنم لبیک گوی ندای خمینی باشید و آن برای ما بس باشد که خمینی بگوید جوانمردانه هجوم آورید به جبهه‌ها که فردا دیر است.^۶

و اما ای مردم! آگاه باشید که به زودی عذاب قهر الهی فرا می‌رسد و نجات شما از آن حتمی نیست، مگر اینکه رحمت الهی شامل حال شما باشد. و اما پدر و مادر مهربانم، من می‌دانم که شما زحمات کثیری را برای من متحمل شده‌اید که چنین فرزندی را تربیت کرده و تقدیم انقلاب و اسلام کنید و خود می‌دانم که شما حق زیادی کردن من دارید و آن همیشه برای من جبران‌ناپذیر بود.

و عاجزانه از شما تقاضا می‌کنم که از سر تقصیرات و نادانی‌های گذشته من بگذرید که خداوند دوست می‌دارد بندگان را که از بندگان دیگر گذشت^۷ کنند و ان شاء الله که در روز محشر روسفید نزد اولیاء خدا حاضر باشید و سربلند باشید که فرزند کوچکی فدای اسلام کرده‌اید.

و تو ای برادر! بدان که شهیدان به رحمت بی‌پایان الهی نائل شدند. و امیدوارم که ما هم جزیی از این شهیدان جوار حق باشیم. و تو باید در این راه از همه چیز خود صرف‌نظر کرده و راه شهیدان را ادامه دهی و همان‌طور که خود واقف آن هستی شهدا چه راهی را انتخاب کرده‌اند.

و ای خواهران برادر! مبدا از مرگ من هرگز شیون^۸ کنید^۹ و طوری عمل

۶. اشاره به این سخن از امام خمینی (ره) است: «و هیات که شما جوانان غیور زیر بار ذلت بروید. پس تکلیف اسلامی و میهنی شما اقتضا دارد که به سوی جبهه‌ها جوانمردانه هجوم آورید و بکوشید تا جامه ذلت نپوشید. و بدانید که روحیه ارتش عراق بکلی از دست رفته است و اسلام، امروز احتیاج به شما جوانان برومند دارد. به سوی نبرد با کفر بشتابید و برادران عراقی خود را نجات دهید. و برادران جان برکف رزمنده جمهوری اسلامی را کمک کنید که فردا دیر است. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم»، صحیفه امام، جلد ۱۶، صفحه ۳۷۶.

۷. اصل: گذاشت.

۸. اصل: شیوان.

۹. اصل: کنی.

کنید که دشمن از رفتار شما خوشحال شوند. در صورت شهید شدن من، شما الگوی خواهران دیگر در مصائب باشید و اگر خواستید گریه و عزاداری کنید، مصیبت امام حسین (ع) را به یاد آورید و به حال سید الشهداء گریه کنید. و از شما خویشاوندان و دوستان می‌خواهم که اگر خواستید عزاداری کنید به یاد شهدای بدر و احد و به یاد حمزه [...]»^{۱۰}.

و اما ای همسر! تو بدان تمام ملائک به حال تو خوشحالند که همسرت فدای اسلام گشته و ان شاء الله که از بدی‌های من بگذری و فقط به آن فکر کنی که چگونه راه همسرت را ادامه دهی و باید چنان عمل کنی که زینب‌های زمان ما عمل کردند. و می‌خواهم توصیه کوچکی هم به برادران هم روستایی خود بکنم، گرچه کوچک‌تر از آنم که بتوانم نصیحتی برای شما داشته باشم. اما بدانید که این انقلاب خون‌بهای هزاران شهید و معلول است. شما بایستی هر لحظه در قبال تعهدی که به این انقلاب دارید احساس مسئولیت بکنید. آنچه که می‌توانید و در توان دارید حق خود را نسبت به این انقلاب و اسلام ادا کنید که شما مسئول خون عزیزانی هستید که از میان شما و از میان ملت شما برخواسته است و به شهادت رسیدند.

انقلاب ما هم مرهون خون همین شهیدان است گرچه می‌دانم شما عزیزان خدمات زیادی را برای این انقلاب کردید، ولی آن برای شما بس نیست. آن روزی ما می‌توانیم اظهار کنیم که حق خود را نسبت به این انقلاب ادا کردیم که پیروز و یا شهید بشویم. آنچه که همیشه برای اسلام موثر بوده و هست همیشه در صحنه بودن شما برای فداکاری است.

در پایان از همگی دوستان و آشنایان که قبلاً با همدیگر بودیم اگر خاطره بدی از من دارند، به احترام خون شهدا ما را ببخشند و آنچه که می‌تواند شهدا را خوشحال کند شما ببینید که راه شهدا را ادامه می‌دهید. و باز تکرار می‌کنم که ای پدر و مادر مهربان، از شهادت من هیچ نگرانی به خود راه ندهید و سربلند باشید که جوان ناقابلی از شما به

۱۰. خوانا نیست.

شهدای کربلا پیوسته و اگر جنازه من به دستتان رسید، بدون هرگونه تجملاتی در کنار
پسرعموی شهیدم محمدباقر اباذری دفن کنید.

بی عشق خمینی نتوان به سوی شهادت کرد کوچ

بی منتظری امید امت نتوان عشق شهادت را یافت

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.

برای حفظ اسلام از عمر ما بکاه [و] بر عمر رهبر افزا.

شهید حمزه اباذری

مورخه ۶۳/۹/۲۲



و اما ای همسر وفادار تمام ملاقات بحال تو خوشحالند که همسر ندای اسلام گشته و انشا الله که ازید های من بگذری
 فقط بآن فکر کسی که چگونگی همراه همسرت را ادامه دهی و باید چنان عمل کنی که زینبهای زمان ما عمل کردن -
 و من خواهم توصیه کوچکی هم به برادران هم روستای خود بکنم گرچه کوچکتر از آنم که بتوانم نصیحتی برای شما داشته
 باشم اما بدانید که این انقلاب خونبهای هزاران شهید و معلول است شما بایستی هر لحظه در قبال تعهدی که به
 این انقلاب داده اید احساس مسئولیت بکنید آنچه که میتوانید و در توان دارید حق خود را نسبت به این انقلاب و اسلام
 ادا کنید که شما مسئول خون عزیزانی هستید که از میان شما و از میان ملت شما برخاسته است و به شهادت
 رسیدند انقلاب ما هم مرحوم خون همین شهیدان است گرچه میدانم شما عزیزان خدا را از زیادی راضی برای این اند
 انقلاب کردید ولی آن برای شما بی نیست آن روزی ما میتوانیم اظهار کنیم که حق خود را نسبت به این انقلاب ادا
 کردیم کمربور و یا شهید بشویم آنچه که همیشه برای اسلام موثر بوده و هست همیشه در صحنه بودن شما برای فداکاری
 است ی

در پایان از همگی دوستان و آشنایان که قبلاً با هم دیگر بودیم اگر خاطره پسندی از من دارند به احترام خون شهید
 ما را ببخشند آنچه که میتوانند شهید را خوشحال کنند شهادت که راه شهید را ادامه می دهد -

و بار تکرار می کنم که ای پدر و مادر و همسرانم از شهادت من هیچ نگرانی به خود راه ندهید و سربلند باشید که جوان
 نا قابلی از شما به شهید ای کربلا پیوسته و اگر جنازه من به دشتان رسید بدین هرگونه تجمعاتی در کنار پسر معوی
 شهید محمد باقر ابادری دفن کنید :

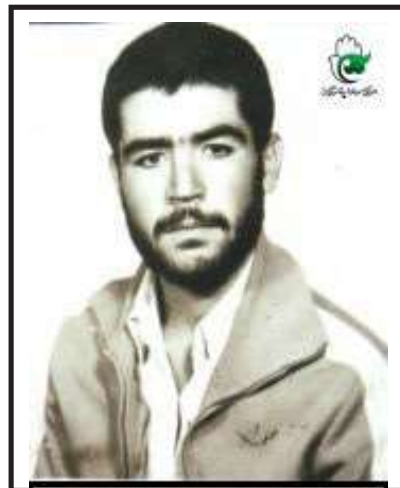
بی عشق خمینی نتوان بسوی شهادت کرد کوچ بی خطری امید است نتوان عشق شهادت را یافت

خدا ایسا غمخوار ایسا تا انقلاب مهملی خمینی را نگم خدا در

برای حفظ اسلام از عمر ما بگاه بهر عمر رهبر را فرما

شهادت حمزه ابادری مورخه ۶۳/ ۹/ ۲۲

ابراهیم ابراهیم آبادی



نام: ابراهیم
نام خانوادگی: ابراهیم آبادی
تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱۰
محل تولد: روستای ابراهیم آباد از توابع شهرستان
اراک
نام پدر: اکبر
نام مادر: طاهره
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۸
محل شهادت: محور اهواز-خرمشهر
نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر
محل دفن: روستای ابراهیم آباد

گلچین وصیت نامه

- ◀ از شما نیز انتظار دارم که به جای گریه و زاری در شادی من شریک بوده و روحم را شاد کنید.
- ◀ جهاد را تا پیروزی نهایی ادامه دهید،
- ◀ اگر من شهید شدم اسلحه‌ام را زمین نگذارید و او را دست رزمنده دیگرم بدهید.
- ◀ خواهران عزیزم! با حفظ حجاب و نجابت و عفت خود او را خشنود نمایید.
- ◀ پیامی به ملت مسلمان و شهیدپرور ایران دارم که تنها به رهبر عزیزمان متکی باشند و حرف او را روی چشم بگذارند که ما چنین رهبری در جهان امروزی نداشته و نخواهیم داشت.

بسم الله الرحمن الرحيم

«واعلم ان النصر من عند الله سبحانه».

«ان ينصرکم الله فلا غالب لکم...»^۱.

به نام خدایی که ما را آفرید و به ما جان داد و راه رفتن را به ما آموخت و حرف زدن را به ما نشان داد و چگونه زیستن و چگونه خود را شناختن را به ما آموخت. سخنانم را آغاز می‌کنم. من به عنوان یک سرباز اسلام و میهن به پدر و مادرم و خانواده‌ام می‌دهم.

«آبی که خاک کشورمان در میان گرفت

خاکش جواهری است که در پرنیان گرفت

بنشان غبار فتنه که این نوبهار عشق

چون ابر انقلاب بر سر سایبان گرفت»^۲

پدر و مادر بزرگوارم! اکنون که ندای حق را لبیک گفته و به سوی معبود خود باز می‌گردم، از خداوند متعال، که هدفم از شرکت در جهان و برگشت به سوی او بوده، می‌خواهم تا شهادتم را قبول نماید. و از شما نیز انتظار دارم که به جای گریه و زاری در شادی من شریک بوده و روحم را شاد کنید.

ما که می‌دانیم آمریکا نوکر خود، صدام را آلت فعل خود قرار داده و لشکریان مزدور و بعثی را با کمک دیگر مزدوران منطقه روانه خاک شهیدپرور ایران کرده

۱. آیه ۱۶۰، سوره آل عمران: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ: گر خدا شما را یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید، و اگر به خواری واکندارد آن کیست که بتواند بعد از آن شما را یاری کند؟ و اهل ایمان تنها به خدا باید اعتماد کنند».

۲. شعر از شهریار است.

است و می‌خواهد به گمان خود دین ما و میهن ما را به نابودی بکشد. امروز از هر سو انقلاب اسلامی ما مورد تهاجم قرار گرفته و شرق و غرب تمام تلاششان را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نوپای ایران به کار می‌برند. امروز مزدوران داخلی و ستون پنجم بیگانه پیوسته سعی در دلسرد کردن و به انحراف کشیدن ملت ما از انقلاب و اسلام و روحانیت دارند.

و نیز چرا باید دست روی دست گذاشته و بگذاریم و تا کی نظاره‌گر باشیم، در حالی که وظیفه شرعی من و شما در حال حاضر جهاد برای دفاع از دین و مملکت می‌باشد. پس من و شما می‌جنگیم تا بکشیم و کشته شویم. شاید که خون من و خون شما امت ستم‌دیده سیل گردد و جهان‌خواران را در خود غرق کند.

و توصیه‌ای که من برای امت خود دارم این است [که] امام را تنها نگذارید و تنها او را رهبر خود دانسته و فرمایشات وی را بی چون و چرا اطاعت کنید. و مسئولین را تضعیف نکنید. جهاد را تا پیروزی نهایی ادامه دهید، ان‌شاءالله که پیروزی با ماست. خداوندا! امام خمینی امام امت ما را در پناه خود محفوظ بگردان. ظهور امام زمان را تعجیل بفرما.

اگر من شهید شدم اسلحه‌ام را زمین نگذارید و او را دست رزمنده دیگرم بدهید. «جنگ، جنگ است، عزت و شرف میهن و دین ما در گرو^۳ مبارزات است»^۴.

اگر کشته شدم، فقط دعا کنید که خدا مرا در زمره شهیدان درگاهش قرار دهد و مرا غسل ندهید و کفن نکنید چون رهبرم حسین (ع) نه کفن داشت و نه غسل.

و به مادرم بگویید که مادر، آرزوی من برآورده شد و گریه نکن. فقط دعا کن و به او بگویید اگر گناهی در حق تو کرده‌ام به خاطر خدا مرا ببخش، چون اگر تو مرا نبخشی خدا مرا نمی‌بخشد. و به پدرم بگویید من که خدمتی برای تو نکرده‌ام ولی از تو درخواست می‌کنم به خاطر هر چه می‌پرستی مرا ببخش.

و غیر از خون، یک پیام به برادران و خواهرانم و دیگر اقوام دارم، که شما فقط

۳. اصل: گروه.

۴. صحیفه امام، جلد ۱۳، صفحه ۲۴۵: «جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است».

به خدا متکی باشید و این انقلاب را حفظ کنید که چون تمام دشمنان در پی این هستند که این انقلاب را از پای دریاورند. برادر بزرگم می‌دانم شاید خیلی آرزوی جبهه رفتن داشتی ولی شما رانبرده‌اند. امیدوارم که شما در پشت جبهه به این انقلاب کمک کرده و اجرای بیشتر از من داشته باشی و از شما برادرم می‌خواهم، که می‌دانم به شما بدی کرده‌ام، مرا ببخشی. و همچنین از زن برادرم و جعفر آقا و فاطمه خانم، از آنها بخواهی مرا ببخشند.

خواهران عزیزم! می‌خواهم همچون زینب(س) باشید و او را بشناسید و مقلدش باشید و تحمل صبرش را در مصیبت به آن بزرگی، کربلا، که جلو چشمش اتفاق افتاد، سرمشق خود قرار دهید. با حفظ حجاب و نجابت و عفت خود او را خشنود نمایید. پدر ارجمندم در راه خدا اسماعیل‌های خود را آماده کن. مبادا اگر فرزندات در راه خدا حرکت کرد و شهید شد، غمی به چهره مردانه‌ات بنشیند. شادان باش و بدان که شهادت یکی از اعضاء خانواده باعث سربلندی و عزت و شرف خانواده بلکه^۵ اسلام می‌گردد.

وصیت به خانواده همسرم: از شما تقاضا دارم اگر بدی به شما کرده‌ام مرا ببخشید، چون من از آتش جهنم هراس دارم. به عزیز مادر زخم بگویند داماد شما یک سرباز اسلام بود و در راه اسلام شهید شد و شما هیچ ناراحت نشوید که هر مسلمان باید در موقعی که دشمن به سرزمین اسلامی او تجاوز کرد جهاد کند. و همچنین به برادران خانم و خواهران خانم به آنها بگویند که من می‌روم و جایی می‌روم که آنجا خوابگاه همیشگی من است و امیدوارم که مرا حلال کنید.

من شهید می‌شوم ولی در این جهان روح در بدنم نیست ولی در پیش خدا زنده هستم. همه شهیدان در پیش خدا زنده هستند و روزی می‌خورند^۶. من پیامی به ملت مسلمان و شهیدپرور ایران دارم که تنها به رهبر عزیزمان متکی باشند و حرف او را

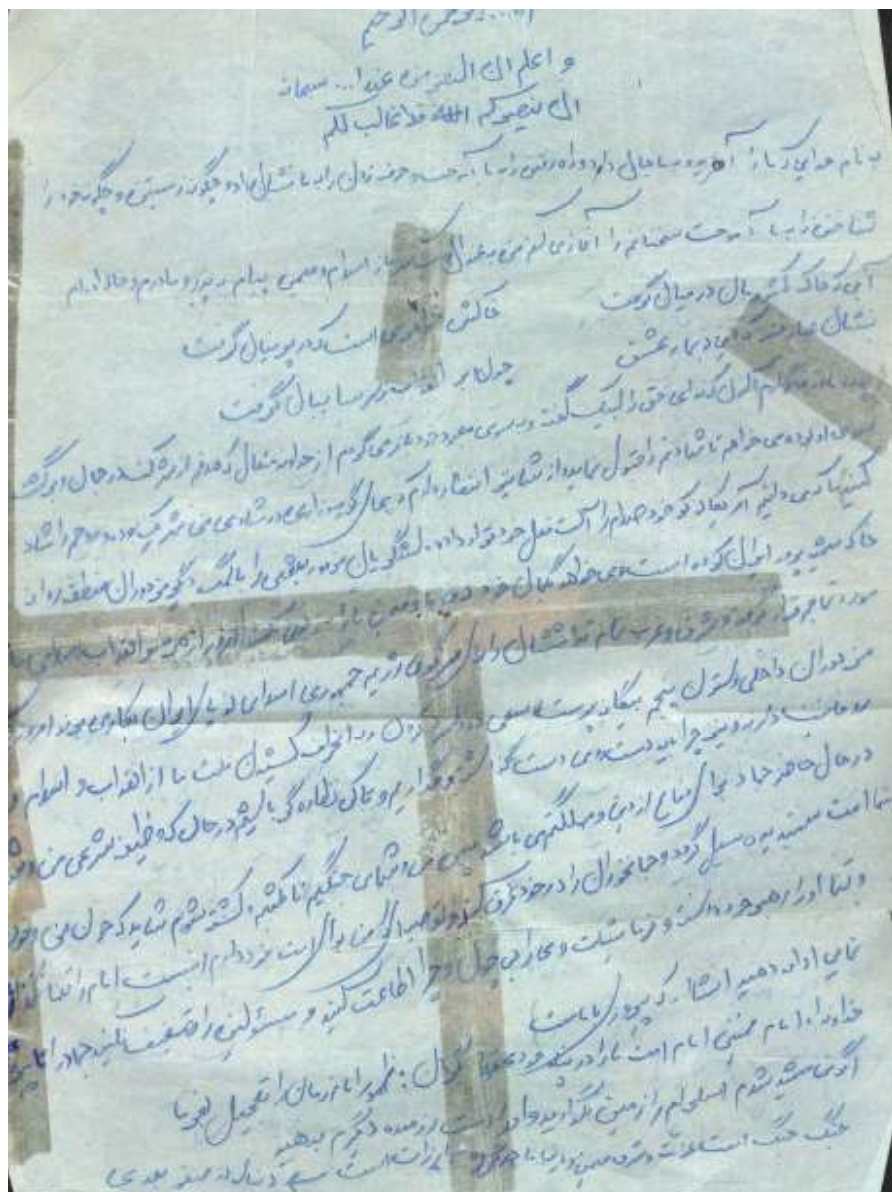
۵. اصل: بل.

۶. اشاره به آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود.

روی چشم بگذارند که ما چنین رهبری در جهان امروزی نداشته و نخواهیم داشت. و همچنین از تمامی قومان و خویشان می‌خواهم اگر از من بدی و بی‌ادبی دیده‌اند مرا حلال کنند.

والسلام علیکم ورحمه الله

و برکاته.



[illegible]

صلوات الله علیه من سیدی شوم ولی در این جهان روح در بزم نیست ولی در پیش خدای زنده
 هستم همه شهدایان در پیش خداوند زنده هستند و روزی می خورند من یتیمی بم ملت مسلمان
 و شهید پرورایان دارم که تنها به رهبر عزیزمان منتگی باشند و عرض او را بوی چشم بگذارند که ما
 چنین رهبری در پیش اسودزی نداشته و نخواهیم داشت و هم چنین از تکلیف می فرمایند و عفویشانی
 ما خواجه اگر از من بدی و بی ادبی دیده اند مرا عفو کنند
 و السلام و علیکم ورحمة الله وبرکاته
 تا سید زنده

حبيب ابراهيم آبادي



نام: حبيب

نام خانوادگی: ابراهيم آبادي

تاريخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

محل تولد: روستای ابراهيم آباد از توابع شهرستان

اراک

نام پدر: حسين

نام مادر: خديجه

تحصيلات: ديپلم (رشته انسانی)

تاريخ شهادت: ۱۳۶۲/۴/۶

محل شهادت: مهاباد

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر در درگیری با

گروههای ضدانقلاب

محل دفن: روستای ابراهيم آباد

گلچين وصيت نامه

- ✦ از کليه برادران انجمن اسلامي مي خواهم که پيرو اسلام و ولايت فقيه باشيد،
زيرا اگر پيرو ولايت فقيه نباشيد شما هلاک خواهيد شد.
- ✦ راه خدا را بشناسيد و به خدا نزديک شويد.
- ✦ نماز بگذارند که نماز داروي هر دردی است.
- ✦ بدانيد که من راه حق را پيموده ام و با آگاهي کامل اين راه را رفته ام و از شما
مي خواهم راه شهدا را خالصانه و صادقانه انجام دهيد.
- ✦ پيرو اسلام و ولايت فقيه باشيد، زيرا اگر پيرو آنها نباشيد شما به عذابي دردناک
گرفتار خواهيد آمد.

بسم الله الرحمن الرحيم

«من طلبی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته»^۱.

«آن کس که مرا طلب کند می‌باید آن کس که مرا یافت می‌شناسد، آن کس مرا شناخت دوستم می‌دارد، آن کس که دوست داشت به من عشق ورزد. [آن کس که به من عشق ورزد، من نیز به او عشق می‌ورزم، آن کس که به او عشق ورزیدم می‌کشم او را، آن کس را که من بکشم خون بهایش بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب است پس من خود خون بهایش هستم. (حدیث قدسی)

«آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند»^۲

سخن امام حسین(ع) را فراموش نمی‌کنم که فرمود ای خوشا مرگی که در راه خدا باشد. و این سرآغاز حرکت و انقلاب حسین(ع) است و عملاً هم ثابت نمود.

خدایا! من که در جهت تو و اسلامت کاری نکردم، باشد تا قطره‌های ناقابل و بی‌ارزش خونم بتواند همچون پیامی وحدت‌بخش در امت خداپرست و مسلمان اثر گذاشته و جلو حرکت‌های ضد خدا و انقلاب و نیز جلوی دسته‌جات و افراد شایعه‌پراکن و منافقین را بگیرد.

هم‌اکنون که این متن را می‌نویسم نمی‌دانم آیا ارزش شهادت را در راه خدا دارم

۱. حدیث قدسی: «آن کس که مرا طلب کند می‌باید و آن کس که مرا یافت می‌شناسد و آن کس که مرا شناخت دوستم می‌دارد و آن کس که دوستم داشت به من عشق می‌ورزد و آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می‌ورزم. و آن کس که به او عشق ورزیدم، می‌کشم او را. آن کس را که من بکشم، خون بهایش بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب است، پس من خودم خون بهایش هستم.»

۲. شعر از مولوی است.

یا نه؟ و آیا به آن درجه رسیده‌ام که این امتیاز خدایی نصیبم شود؟ فقط از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم موعد شهادتم زمانی باشد که لیاقت آن را داشته باشم و گناهانم پاک باشد، چون زندگیم سراپا خسران و زیان بوده است و اگر رحمت خدای نباشد وای بر ما.

اما سخنی با خانواده‌ام:

پدر و مادر! می‌دانم که برای من زحمت فراوان کشیده‌اید و من نتوانستم سرسوزنی جبران زحمات شما را بکنم، امیدوارم آن زحمات و رنج‌ها را که برای من کشیده‌اید من را ببخشید، زیرا اگر من را نبخشید مرا در آتش جهنم خواهند سوزاند. پدر و مادر من طاقت سوختن در آتش جهنم را ندارم، من را ببخشید. اما پدر و مادر من، بدانید که من به جای دوری نرفته‌ام و در نزد خدایم هستم و باز بدانید که تحمل شما به این مصیبت روح مرا شاد می‌کند و شکایات و ناراحتی و خدای ناکرده کفر گفتن شما مرا معذب می‌کند.

۱- از برادران و خواهرانم می‌خواهم که راه خدا را بشناسند و به خدا نزدیک شوند و نماز بگذارند که نماز داروی هر دردی است و بدانید که من راه حق را پیموده‌ام و با آگاهی کامل این راه را رفته‌ام و از شما می‌خواهم راه شهدا را خالصانه و صادقانه انجام دهید.

۲- باز به شما پدر و مادر می‌گویم اگر خداوند لیاقت شهادت را به من بدهد برای من ناراحت نباشید. مگر خون من سرخ‌تر از خون علی صالحی و قاسم باقی‌زاده و شهدای دیگر است. از شما می‌خواهم که ناراحت نباشید.

۳- به تمام اقوام و خویشان وصیت می‌کنم که پیرو اسلام و ولایت فقیه باشید، زیرا اگر پیرو آنها نباشید شما به عذابی دردناک گرفتار خواهید آمد.

۴- اگر جسد من پیدا نشد پدر و مادرم، مبدا گریان باشید زیرا همان‌طوری که جانم در راه خدا رفت جسمم هم در راه خدا برود و اگر پیدا شد پیش شهدا خاکم کنید.

اما سخنی با برادران انجمن اسلامی:

۱- از کلیه برادران انجمن اسلامی می خواهم که پیرو اسلام و ولایت فقیه باشید، زیرا اگر پیرو ولایت فقیه نباشید شما هلاک خواهید شد. زیرا ولایت فقیه مانند مین یابی می ماند که جلویی می رود و مین ها را خنثی می کند راه را باز می کند و دیگران دنبال آن حرکت می کنند، اگر پیرو او نباشید روی مین ها خواهید رفت و هلاک خواهید شد، والسلام.

«...ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم»^۳.

در انتظار شهادت

حبیب ابراهیم آبادی

امام را دعا کنید.

خدایا، خدایا، تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.

۳. بخشی از آیه ۱۲۷، سوره بقره: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ: و وقتی که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای خانه کعبه را بر می افراشتند عرض کردند: پروردگارا از ما قبول فرما، که تویی که شنوا و دانایی».

اسدالله ابراهیمی



نام: اسدالله

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۱۳/۸/۱

محل تولد: روستای ازنوجان از توابع شهرستان

خمین

نام پدر: علی

نام مادر: خاور

تحصیلات: خواندن و نوشتن

شغل: بنا

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۶

محل شهادت: فاو عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به کمر

محل دفن: روستای ازنوجان

گلچین وصیت نامه

- ❖ خیلی خوشحالم که در یک چنین زمانی هستم که خداوند ما را می خواهد امتحان کند و توانستم از این آزمایش الهی سرافراز باشم.
- ❖ خداوند کسانی را که از جهاد سر باز می زنند و در این امر مقدس شرکت نمی کنند جامه ذلت را بر آنها می پوشاند.
- ❖ پیرو امام امت باشید و هیچ گاه از او جدا نشوید.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

این وصیت‌نامه شهید اسدالله ابراهیمی به خانواده‌اش^۱.
 «و لا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»^۲.
 اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم به یاد می‌آورم صدای گلوله‌ها و توپ‌های
 لشکر کفر را که بر سر برادرانم می‌بارد. و برادرانم را به یاد می‌آورم که [...] «تکبیر گویان
 در زیر انفجار توپ‌ها شهید می‌شوند.
 خداوندا! تو را به محمد(ص) و آلش قسم می‌دهم شهادت در راه اسلام را نصیبم
 کنی و مرا در صف شهدا قرار دهی.
 ای عزیزان! شهادت همچون میوه‌ای است که نمی‌توان آن را کامل از درخت
 چید و شهید آگاهی است که برای وصول به این آگاهی باید سرمایه‌گذاری عظیمی
 بکند. باید خدا و قرآن خویش را شناخته و با پوست و گوشت خود آن را لمس نماید
 و یا به عبارت دیگر از مرحله ایمان و جهاد گذشته تا به مرز شهادت برسد.
 و اما تو ای همسر! هر چند که من همسر خوبی برای شما نبودم ولی شما بعد از
 من قیوم بچه‌هایمان هستید و شما زینب‌وار ثابت قدم^۳ باشید و مرا حلال کن.
 و اما شما فرزندانم محمدرضا و عبدالعلی و محمد و علیرضا و معصومه و آسیه
 و فاطمه‌جان! هر چند که من برای شما پدر خوبی نبودم، ولی شماها مرا حلال کنید

۱. اصل: بخوانه واده ش.

۲. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۳. «یا» حذف شده است.

۴. اصل: سابت قدم.

و ببخشید.

و اما سلام بر تو ای برادر^۵ عزیزم مشهدی حسن، داش حسن، کاکا حسن، شما مرا به بزرگی ات^۶ [...] ببخش و مرا حلال کن و شماها قومان و خویشان یک به یک مرا حلال کنید و ببخشید.

بعد از من هیچ کس اختیاری ندارد که [بشود] قیوم بچه‌های من، قیوم بعد از من همسرم صغری^۸ زمانی می‌باشد و هیچ^۹ بچه‌ای تا صغری توی دنیا هست هیچ بچه‌ای، هیچ کس حق دخالت ندارد. همسرم، مرا ببخش و نصف^{۱۰} باغ از کل ۶ دانگ^{۱۱} مهر صغری خانم زمانی است و نصف حیاط^{۱۲} از کل ۶ دانگ حق زوجه‌ام^{۱۳} صغری خانم می‌باشد.

من یک ماه (۳۰) [روز] روزه دارم و یک سال هم نماز قضا دارم.

۱۳۶۴/۱۱/۱۵

اسدالله ابراهیمی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب اسدالله ابراهیمی شهادت می‌دهم که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) رسول خداست و همچنین به دوازده امام معصوم و نایب برحق امام زمان (عج) خمینی کبیر.

۵. اصل: برادرم.

۶. اصل: ببزرگیت.

۷. «مرا» حذف شده است.

۸. اصل: صقرا (همه جا اصلاح شد).

۹. اصل: هیچه (همه جا اصلاح شد).

۱۰. اصل: نسف (همه جا اصلاح شد).

۱۱. اصل: دنک (همه جا اصلاح شد).

۱۲. اصل: حیات.

۱۳. اصل: زوجعم.

و با درود^{۱۴} و سلام بر تمامی شهدای اسلام مخصوصاً شهدای دشت کربلا که با نثار خون پاک خود درخت اسلام را آبیاری کردند و با درود به مردم قهرمان ایران. اما بعد، این راهی است که ما از امامان خود فراگرفته‌ایم که امام حسین(ع) فرمودند: «زندگی چیزی [جز] عقیده و جهاد در راه او نیست»^{۱۵}. و پیامبر اسلام فرمودند: «دنیا کشتگاه آخرت است»^{۱۶}. پس ما انسان‌ها نباید این دنیا را جای همیشگی برای خود بدانیم و خدا را شکر می‌کنم که توانستم در جهاد مقدس شرکت کنم.

چنانچه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «جهاد دری است که مخصوص اولیاء خداست»^{۱۷} و خیلی خوشحالم و خدا را سپاس می‌گویم که در یک چنین زمانی هستم که خداوند ما را می‌خواهد امتحان کند و توانستم از این آزمایش الهی سرافراز باشم. خداوند کسانی را که از جهاد سر باز می‌زنند و در این امر مقدس شرکت نمی‌کنند جامه ذلت را بر آنها می‌پوشاند. چنانچه پیامبر(ص) فرمودند: «کسی که لااقل روحیه مجاهدگری نداشته باشد با نوعی نفاق می‌میرد».

و به شما فرزندانم این سفارش را می‌کنم که پیرو امام امت باشید و هیچ‌گاه از او جدا نشوید.

و در آخر هم می‌گویم که بعد از من قیم همسرم صغری زمانی می‌باشد. و تمام اختیارات در دست او است و پنج کیله از باغ با آب و یک گاو و باقی اجناس در مهریه او است و هیچ کس [حق] تعرض به او را ندارد.

والسلام

مورخه ۱۳۶۱/۱۰/۱۰

اسدالله ابراهیمی

۱۴. اصل: درود.

۱۵. شعری منسوب به احمد شوقی است که در اصل وصیت به اشتباه به امام حسین(ع) نسبت داده شده است: «قف دون رابک فی الحیاه مجاهدا ان الحیاه عقیده و جهاد: در زندگی پای عقیده‌ات بایست و در راه آن تلاش کن، به راستی که زندگی، عقیده داشتن و در راه آن تلاش کردن است».

۱۶. پیامبر اکرم(ص): «الدنیا مزرعه الآخره: دنیا کشتزار آخرت است».

۱۷. امام علی(ع): «انّ الجهاد باب من أبواب الجنّة فتحه الله لخاصة أولیائه وهو لباس التقوی ودرع الله الحصینة وجنّته الوثیقة: به راستی که جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. جهاد جامه تقوا و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ رَبِّ الشُّهُدَاءِ وَالْمُتَرَقِّينَ
 این وصیت نامه شهید
 اسدالله ابراهیمی به خواننده داده شد
 و لاتعجب من الذين قتلوا في سبيل الله
 امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون
 اکنون که این وصیت نامه را
 ص ۱۹۱ اول

می نویسم به یادی آورم صدای
 گلوله های و توپهای لشکر که
 را که بر سر برادرانم می بارد
 و برادرانم را به یادی آورم که
 با تکبیر گویان در زیر انفجار
 توپها شهید می شوند خداوند
 دوم

تترابه نجش (و آلتش قسم
 ی دهم شهادت در راه اسلام
 را انجیم کنی و مرا در صف شهدا
 قرار دهی ای عزیزان شهادت
 همچون میوه ای است که نمی توان
 ن را کامل از درخت پدید نهید
 سوم

آگاهی است که برای وصول به
 این آگاهی باید سرمایه گذاری
 عظیمی کند باید خدا و قرآن
 خویش را شناخته و با پوست و گوشت
 خود آن را لمس نماید و یا به عبارتی
 دیگر از مرحله ایمان و جهاد
 گذشته تا به مرز شهادت برسد

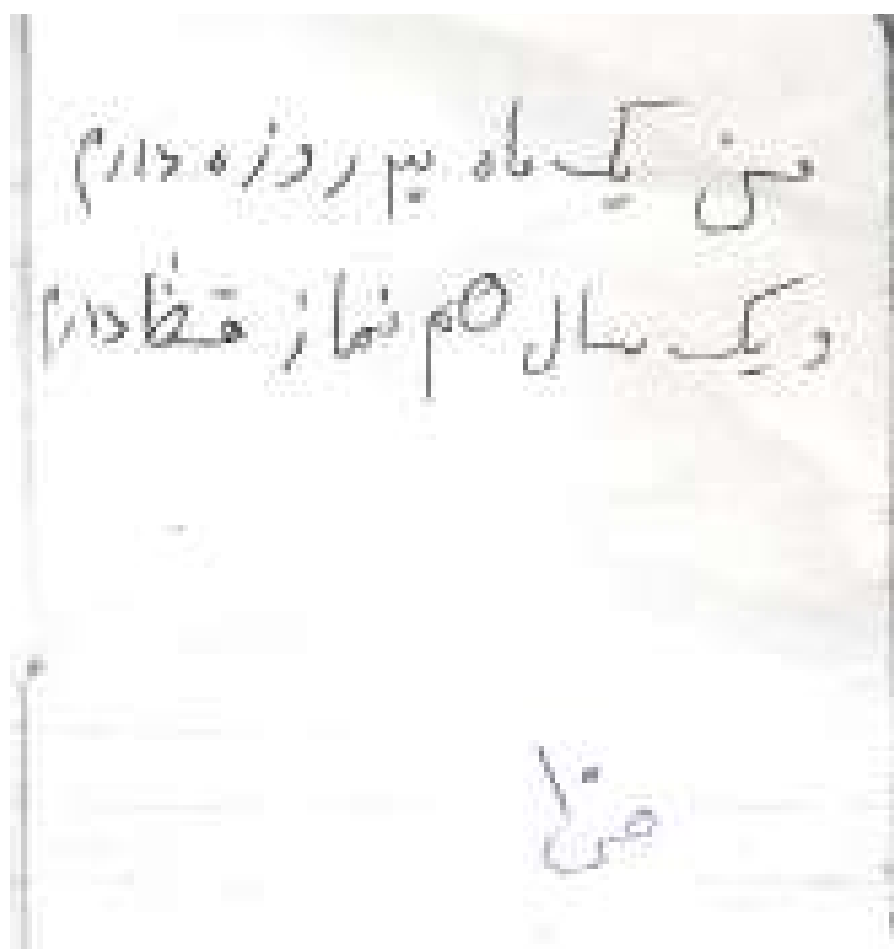
و اما تو اول هم سرم هر چند
 که من هم سرخوئی بر روی شام
 نبودم و لپ شام بعد از من
 قیوم بچه هایمان هستی
 و شام زینب دار سابت قدم
 بش و عرض ال کن

من محمد رضا
 و اما شافری زندانم محمد رضا
 و عبداللہ و محمد و علی رضا
 و معصومه و آسیہ و فاطمہ جلا
 هر چند که من برای شما هاپید
 خوبی نبودم ولی شما مرا خلا
 کنید و ببخشید

و اما سلام بر تو ای برادر م عزیزم
 مشرد حسن دانش حسن کا کا حسن
 شما مرا پیروز گیت خدا
 بخشش و فراخلام کن
 و شما ها قورمان و جی شان یک
 یک فراخلام کنید و ببخشید

بعد از من هیچ کس اختیاری
 ندارد که به قیوم بچه‌های من
 قیوم بعد از من هم سرم
 صقرا ز مانی میباش
 دهیچه بچه‌ای تا صقرا
 تو دنیا هست هیچی بچه
 هیچ کس در قی و حالات

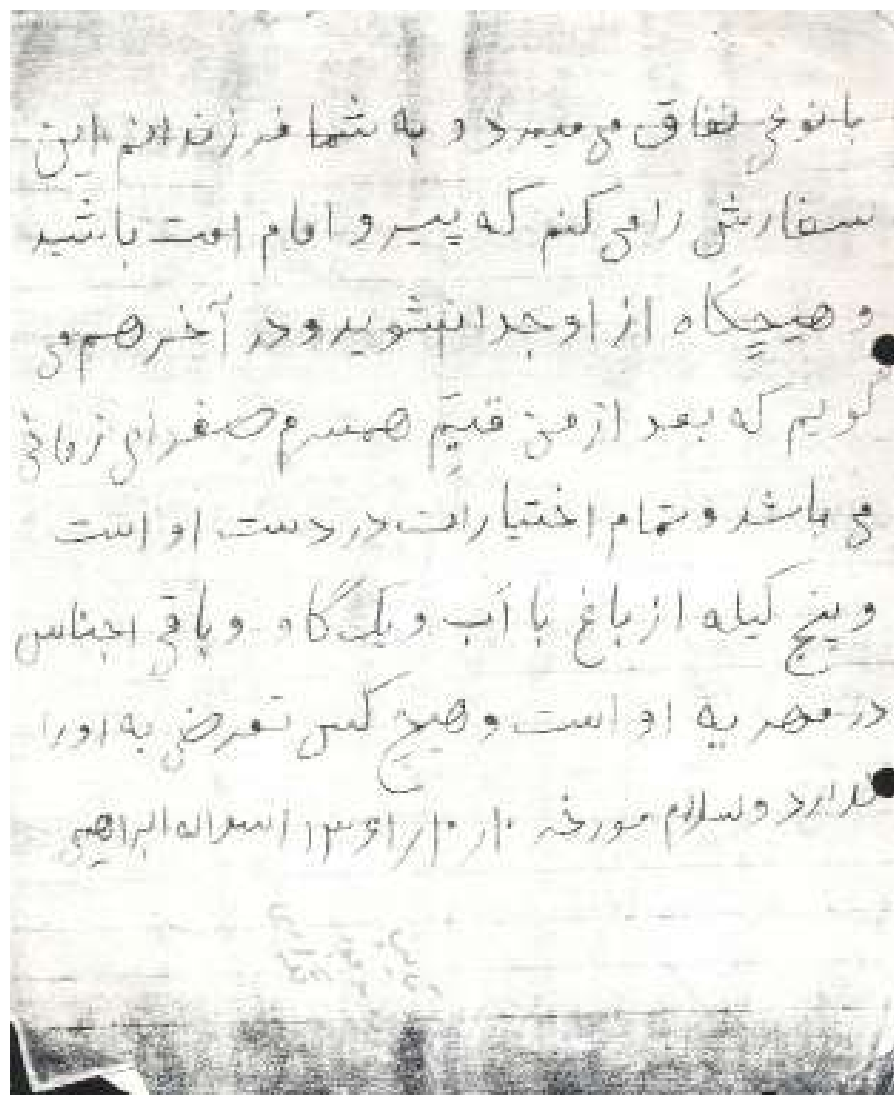
۱۳۸۱/۱/۱۵
 نذر ده جسم سرافراشی
 و نصف باغ از کل و دنگ
 مهر صقر خانم زمانی است
 و نصف حیات از کل
 و دنگ حق زوجم
 صقر خانم میباشد
 اسدالله ابراهیمی





بسم الله الرحمن الرحيم
 این جانب اسداله ابراهیمی
 شهادت می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول
 خداست و هم چنین به دو واکه امام معصوم و نایب برحق
 امام زمان عجل خیر و کبیر و باد و در و سلام بر تمامی شهدا
 اسلام مخصوصاً شهدای دشت کربلا که پانشار خون
 پاک خود در فتنه اسلام را آبیاری کرده و باد و باران
 و دبه مردم فخرمان ایران امانت این راهی است
 که ما از امامان خود فخر گرفته ایم که امام حسین
 فخر مودند زنده گی چهره ی خفیه و جواد در راه او
 نبیت و پیرا مبر اسلام فخر مودند دنیا کشگاه آخرت
 است پس ما انسانها نباید این دنیا را جای
 همیشگی برای خود بدانیم و خدا را را تشکر می‌کنیم

که توانستم در جهاد مقدس شرکت کنم چنانچه
 (شهرت علی) و فرمایید جهاد درمی است که
 مخصوص اولیاء خداست و خیل خوشحال
 و خدا را سپاس می گویم که در یک چنین زمان
 هستم که خداوند فارامی خواهد امتحان کند
 و توانستم از این آزمایش الهی سرافراز باشم
 خداوند کسانی را که از جهاد سر باز می زنند
 و در این امر مقدس شرکت نمی کنند چاره ذلت
 را بر آنها می یوشاند چنانچه پیامبر فرمود
 کسی که لا اقل روحیه مجاهد گری نداشته باشد



حسین ابراهیمی



نام: حسین

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۲/۱

محل تولد: روستای مالک آباد از توابع شهرستان

اراک

نام پدر: مصیب

نام مادر: طلا

تحصیلات: دانش آموز سوم متوسطه (رشته برق)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۷

محل شهادت: فاو عراق

محل دفن: شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ❖ همیشه گوش به فرمان امام امت باشید و از این نعمت گرانها که خداوند نصیب ما کرده حداکثر استفاده را بنمایید.
- ❖ همیشه به یاد مستمندان و مستضعفان باشید.
- ❖ پیرو خون شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی باشید و از خون شهدای اسلام پاسداری کنید.
- ❖ از ولایت فقیه پشتیبانی کنید که همان ولایت خداست.
- ❖ سنگر مدرسه را حفظ کرده و با درس خواندن خود مشقت محکمی به دهان منافقین و این نوکران استعمارگران زده و آنها را به زباله دان تاریخ بیاندازند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«اذا جاء نصر الله والفتح، وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا. فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا»^۱.

مدتی است می‌خواهم وصیت‌نامه بنویسم فرصت نمی‌شود. امروز از فرصتی که پیش آمده قبل از رفتن به جبهه جنوب استفاده می‌کنم و چند جمله‌ای با مادر و برادران و دوستان بسیجی و امت قهرمان و مسلمان صحبت می‌کنم.

به مادرم می‌گویم بر شما بشارت باد! خداوند این سعادت را نصیب تو کرد که فرزندت در راه خدا و برای تحقق آرمانش شهید شد. البته اگر قبول کند. و دعا کنید که این فرزند بی‌ارزشی که در راهش دادی مورد قبول قرار دهد.

مادر مهربان، برادران عزیز! آیا می‌دانید هدف خدا از خلقت ما چه بوده است، می‌دانید که زندگی این دنیا ابدی نیست؟ و بالاخره می‌دانید که همه رفتنی هستیم، پس چرا وقت تلف کنیم؟ چرا با توجه به خیانت فجیعی که آمریکا و عمالش انجام می‌دهند ساکت بنشینیم؟ عزیزان من، مگر بچه‌های شما با دیگران فرق دارند؟

انتظار از مادر و برادرانم این است که:

- ۱- در مرگ من ماتم نگیرید و در نظر داشته باشید برادرانی را که در جبهه‌ها و در مکان‌های دیگر با چه وضعی شهید می‌شوند.
- ۲- همیشه گوش به فرمان امام امت باشید و از این نعمت گرانبها که خداوند نصیب ما کرده حداکثر استفاده را بنمایید.

۱. آیات ۱-۳، سوره نصر: «چون هنگام فتح و فیروزی با یاری خدا فرا رسد. و مردم را بنگری که فوج به دین خدا داخل می‌شوند. در آن وقت خدای خود را حمد و ستایش کن و (از لوث شرک) پاک و منزّه‌دان و از او مغفرت و آمرزش طلب که او خدای بسیار توبه پذیر است».

۳- همیشه به یاد مستمندان و مستضعفان باشید و برنامه زندگی خود را طوری تنظیم کنید که به جای نشست و برخاست با افراد منافق با آنهایی که قبلاً هر کجا می‌توانستند می‌زدیدند و خیلی هم انقلابی شده‌اند و فرصت‌طلبان^۲ همان‌هایی که در فامیل خودمان نیز هستند، با کسانی معاشرت کنید که دلسوز انقلابند. با کسانی که با عمل خود انقلاب را یاری می‌دهند.

و شما ای دوستان بسیجی‌ام! مسیری را که شما انتخاب کرده‌اید، مسیری است با مسئولیتی بس سنگین، نمی‌دانم حس می‌کنید چه می‌گویم. حداقل آن مسئولیت حفاظت از خون شهدای پاسدار و بسیج است. من معتقدم که در یک فرصتی که پیش می‌آید با خدا خلوت کنید و مجدداً تصمیم بگیرید. به راستی چشم امت انقلابی ما به شماست و به حرکات شما و منتظرند که با فداکاری شما انقلاب اسلامی را در جهان شکوفا کنند.

و بالاخره شما ای ملت مسلمان ایران! قدر این ابرمرد را بدانید و از بیانات گهربارش استفاده کنید که به راستی خداوند محبت عظیمی به ما نموده است. قدرش را بدانیم که فردا در روز جزا در پیشگاه پروردگار سرافکننده و شرمسار نباشیم. و برای من نیز دعا کنید که خداوند ذره‌ای از لطف و مرحمت بیکران خود را نصیب من نموده و مرا در روز رستاخیز رسوا نکند و برایم دعا کنید، زیرا شدیداً محتاجم به دعا. ما جنگ نمی‌کنیم برای خاک، چون خاک جهان وسیع است و نمی‌جنگیم برای آب، چون آب از آسمان می‌آید. بلکه می‌جنگیم که اسلام و قرآن را در جهان پیاده نماییم و پرچم جمهوری اسلامی را در جهان پایدار کنیم. و به منافقین و کفار بگویم شما نمی‌توانید اسلام را از بین ببرید و این به عنوان وصیت‌نامه من می‌باشد. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار. از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای.

حسین ابراهیمی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»^۳.

به نام خداوند بخشنده مهربان

«آنان که در راه خدا کشته شدند مرده ندانید، بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدایشان

روزی می‌خورند».

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان انقلاب اسلامی و با سلام و درود بیکران به پیشگاه ولی عصر(عج) و با سلام و درود بیکران به نائب برحقش امام امت، خمینی بت شکن و با سلام و درود بیکران بر امت قهرمان و شهیدپرور ایران و با سلام و درود بیکران به روان پاک شهیدان اسلام از کربلای حسینی تا کربلای خمینی، وصیت خود را آغاز می‌کنم:

سلام. پس از عرض سلام حضور محترم پدر و مادر گرامی و برادران و خواهران عزیز و گرامی و من امیدوارم که حال همگی شما خوب باشد و هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید و در مرگ من گریه نکنید و صبر داشته باشید و بدانید که خدا با صابران است. [...] خوشحالم از این که شما اجازه دادید تا من به جبهه بیایم و در راه خدا کشته شوم و من امیدوارم که از گناهان من بگذرید و من را حلال کنید.

و از شما می‌خواهم پیرو خط امام باشید و از فرامین و دستورات امام پیروی کرده و به آن عمل کنید و قدر این امام عزیز را بدانید. و از شما می‌خواهم که پیرو خون شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی باشید و از خون شهدای اسلام پاسداری کنید. در مرگ من شیون نکنید چرا که دنیا محل عبور است و باید رفت.

و از ولایت فقیه پشتیبانی کنید که همان ولایت خداست و بازگشت ما همگی به سوی خداست، پس چه بهتر که در راه او کشته شویم. و دعا برای سلامتی امام را

۳. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة ننبأكم ان الله قد اراد ان يضلوا عن سبيل الله»؛ البته ننبأكم ان الله قد اراد ان يضلوا عن سبيل الله؛ بلکه زنده‌اند و در نزد خدا متعّم خواهند بود».

۴. خوانا نیست.

فراموش نکنید.

من مقدار ۹۰ تومان به مهدی حاجی آبادی فرزند توقان بدهکارم و عکس‌های من و شلوار من را بگیرید و کسانی که احتیاج دارند شلوار را به او بدهید. دیگر عرضی ندارم. خداحافظ همگی شما باشد.

و من از شما می‌خواهم برای آمرزش گناهان من، مرا دعا کنید.

التماس دعا از شما دارم.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

حسین ابراهیمی

۶۲/۱۲/۴

امضاء^۵

و پیام من به دوستان و آشنایان و رفقا و همکلاسی‌هایم این است که پشتیبان امام امت بوده و از فرامین و دستورات آن بزرگوار نهایت استفاده را نموده و به آن عمل کنید و سنگر مدرسه را حفظ کرده و با درس خواندن خود مشقت محکمی به دهان منافقین و این نوکران استعمارگران زده و آنها را به زباله‌دان^۶ تاریخ بیاندازند و پیرو و پاسدار خون شهیدان راه اسلام باشند و ادامه‌دهنده راه شهیدان و برای طول عمر امام دعا کنید.

و پیام من به هم‌زمانم این است که با دشمن زبون بستیزند و آنها را از میدان مبارزه به عقب برانند و بدانند که همیشه خدای متعال پشتیبان آنها و امام زمان فرمانده شماست. خداحافظ و یار همگی شما.

حسین ابراهیمی

۱۳۶۲/۱۲/۴

امضاء^۷

۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۶. اصل: زواله دان.

۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

به نام خداوند بخشنده مهربان

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان انقلاب اسلامی و با درود بیکران به پیشگاه ولی عصر (عج) و نائب برحقش خمینی بت شکن و با درود بر امت قهرمان و رزمندگان دلیر.

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»^۸
 «کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نپندارید، بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

درود بر تو ای روح خدا، درود بر تو ای نائب خدا، درود بر تو ای فرزند حسین بن علی (ع) امام خمینی. با سلام به امام مهدی و سلام به پدر و مادر عزیزم و سلام به برادران و خواهرانم.

اینک که این نوشته را می‌خوانید من در میان شما نیستم و فقط یادی از من در میان شماست. عزیزان من، مگر فرزندان شما با دیگران چه فرقی دارند؟ انتظارم از پدر و مادرم این است که در مرگ من شیون نکنند و در نظر داشته باشید برادرانی را که در جبهه‌ها و در مکان‌های دیگر با چه وضع شهید می‌شوند.

همیشه گوش به فرمان امام امت، نائب امام زمان (عج) باشید و از این نعمت گرانبها که خداوند به ما عطا فرموده حداکثر استفاده را نمایید که خداوند به راستی محبت عظیمی به ما نموده است. و در این برهه از تاریخ چنین رهبری را به ما اهداء نموده است. قدرش را بدانید که فردا در روز جزا در پیشگاه خداوند سرافکنده و شرمسار نباشیم و برای من نیز دعا کنید که خداوند ذره‌ای از لطف و مرحمت بیکرانیش را نصیب من نموده و مرا در روز رستاخیز رسوا نکند. برایم دعا کنید، زیرا که شدیداً محتاج به دعا. دعایم کنید بلکه خداوند از تقصیراتم بگذرد.

و چند کلامی با دوستان هم‌رزم صحبت دارم:

۸ آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

ای دوستان! مسیری را که شما انتخاب کرده‌اید مسیری است با مسئولیتی بیش سنگین. نمی‌دانم حس می‌کنید چه می‌گویم، حداقل آن مسئولیت حفاظت و پاسداری از خون شهداست. من معتقدم که در این فرصتی که پیش می‌آید، با خدا خلوت کنید و مجدداً تصمیم بگیرید. به راستی چشم امت انقلابی ما به شماست و به حرکات شما و منتظرند که با پیشتازی شما انقلاب اسلامی را در جهان شکوفا کنند.

و از تمام دوستان و آشنایان و برادران و همکلاسی‌هایم و هر که با او رابطه داشته‌ام امید و انتظارم عاجزانه این است تا اعمال ناشایست مرا و بدخلقی‌ها را بر من بیخشایند تا راه آمرزش گناهان من هموار باشد. ان شاء الله توانسته باشم این وظیفه بزرگ الهی و خطیری که بر عهده من بود انجام داده باشم.

و در پایان دوباره از شما التماس دعا دارم و می‌خواهم که برای امام امت و پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنید.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

«والسلام علی من اتبع الهدی»^۹.

۱۳۶۳/۹/۱

حسین ابراهیمی

امضاء^{۱۰}

۹. بخشی از آیه ۴۷، سوره طه: «فَاتَّبِعْهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى: اینکه هر دو به جانب فرعون رفته و بگویید که ما دو رسول پروردگار توایم، پس بنی اسرائیل را با ما فرست و عذاب به آن‌ها نکن، که همانا ما با آیت و معجزه‌ای از جانب خدای آفریننده تو نزد تو آمده‌ایم، و سلام بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند».

۱۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



(۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اِذَا جَاءَ مُضَىٰ أَلْمَمِ وَلَمْ يَلَمْعْ ، وَمَرَّ بَيْنَ النَّاسِ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ،
فَسُبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَعِذْهُ إِنَّا لَكَ لَقَائِمٌ .

من این است که تمام وصیت نامه بنویسم شریعت من شود امروز از فرقی که
پیش آمده قبل از رفتن به جبهه جنوب استاده می‌کنم و بچند عجله اگر با عا در عواد را و درون

بسیاری و است مکرر سال وصلی صحبت می‌کنم و
به پدرم می‌گویم بدو بشارت بدهم و این سعادت را نصیب خودم که فرزندان

در راه خدا و برای تحقیق از مسائل مسکیده شود خط الله قبول کند و دعا کند که
این فرزندی از زنی که در راهش داده ام مورد قبول قرار دهد

عذر می‌خواهم بیا در آن عذر و ایضا داند هدف خود از خلقت ما را برده است

من دانی که زندگی این دنیا اندک نیست و بالاخره می‌داند که هر رفتنی هستیم پس چرا
وقت تلف کنیم؟ چرا با توبه به حیات غنی که امری و محال نیست انجام می‌دهد و سالت می‌کنم

عزیزان من اگر بچه‌ها شما با دلیوان فوق دارند



حسین ابراهیمی: (۲)

۱- در زمانه پانزدهم و پانزدهم این است که: ۱- در طول حق ما هم نگویید و در خط و راه
با کینه و ادراخت و آنکه در حقیقت عاقل و در مقام نگاه نگویید و حقیقت مشخص می شود.

۲- همیشه که من به قول امام است با کینه و از این جهت که افکار من نبود
فصلی صادره است که آنرا کرده و افکار من

۳- همیشه به یاد مسئولیت و مسئولیت من با کینه و به نامه زندگی خود را طور
تنظیم کنید که بجای مسئولیت و به مقام با افراد صاف با آن نمای که قبلاً هر

کجا که از آنست که در دیدن و در خلی هم انقلابی شده اند و فرصت طالبان
که در فاصل خودمان نیز هستند.

با کینه می شود که دل از انقلاب نگذاریم که با کینه خود انقلاب را
۱۰۰۰۰۰ و تنها اگر دو کتاب به بینیم.

مسئول که شما انتخاب کرده اید مسئول است با مسئولیتی پس سبک من دائم
حق می گوید من که اول آن مسئولیت مخالفت از تحول شده اگر با کینه

من معتقد هستم که در یک فرصتی که پیش من آید با خود اخلاق کنید و مجدداً تصمیم
گیرید به راهی چشم امت انقلابی به شماست و به حرکات شما و مسئولیت که

(۳)

مرکز اسناد ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحیم و در حجاب اسلامی و در حجاب کامله خاکشود.

و بالاخره شما امر صلیت صلیان ایوان.

قد رایت او مود را بداند و از بیانات گویا بارش را گفته که بگویم
خداوند محبت عظیمی به ما نموده است، قدرش را بدانیتم که خدا در روز جزا
در پیشگاه خود درگاه رسوایانده و شومسار بنا کنیم و بگویم و نیز دعا کنید که
خداوند ذره ای از لطف و مودت بکمال خود را نصیب من نموده و مواد روز
را بخیر رسوایانده و ایم دعا کند بگوید زیاده باشد یا محتاج به دعا باشد و من گفتم
بدان خاک بجز خاک جهان و کعبه است و من بگویم بدان آب
چون آب از آسمان می آید بلکه من بگویم که اسلام و روان را در حجاب
پایه تمام و بهر چه هم بود اسلام را در حجاب با لایکیم و بهر معنا حقن و
گفتد کفار گویم شما نمی توانید اسلام را از من بگریزید و این عنوان وصیت
نامه من باشد.

خداوند حدایات انقلاب صفا خشنی و نیک دار
اینها را بگویم و بگویم و بگویم



مرکز امداد اشارہ کران
بسم اللہ الرحمن الرحیم
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي دَرَجَاتٍ مُّتَعَدَّةٍ ۚ لَنَجْزِيَنَّكَ أَجْرَكَ وَلَنَرْضِيَنَّكَ تَعَالَىٰ ۚ إِنَّكَ عَلَيْنَا لَدَائِرٌ ۖ
فَاحْشَاءُ

تأسیس کرد و اولاً بنیاد آن نهاد بود
 و آنرا که در راه آن کشتن زمین در راه آن کشتن زمین در راه آن کشتن زمین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبِإِسْلَامِهِ وَدُرُودِهِ تَبَارَكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الَّذِي لَا تَأْخُذُهُ السُّجُودُ وَلَا الْقِيَامُ وَلَا يَسْهُوُ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ فَضْلِي الْيَوْمَ وَأَنْقَضْتُ الْمَسْأَلَةَ الَّتِي كُنْتُ أَسْأَلُكُمْ فِيهَا لَمَّا كُنْتُ فِي الْمَدِينَةِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ وَأَنْقَضْتُ الْمَسْأَلَةَ الَّتِي كُنْتُ أَسْأَلُكُمْ فِيهَا لَمَّا كُنْتُ فِي الْمَدِينَةِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ

دود میلکراں یہ نایب برکتیں امام امت شخصی بہت نیک
وہا مقام و درجہ بیکراں صاحبت کے حامل و شہید پروردگار و ہا

سلام و درود بکلیه اهل مروان باد بنده ابراهیم از نوادگان حمزه
تا نوادگان حسن بن موسی و وصیف مراد از نوادگان

سلام. من از حضور سلام حضرت عیسی پدرو مادر گرامی و اودان
و خانواده ان عزیز گرامی و من امید دارم که حال شما

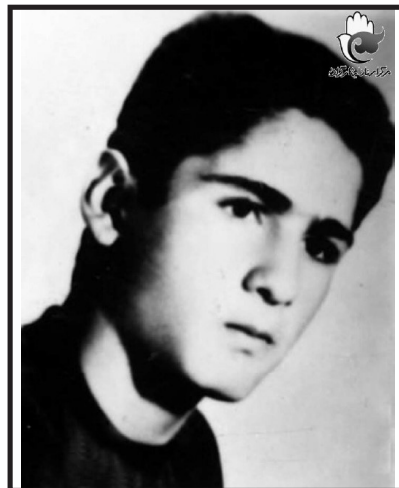
موجب باشد و همچنین در این کتاب مذکور است که در هر دو صورت
در هر دو صورت مذکور است که در هر دو صورت مذکور است که در هر دو صورت

دارو نوسلوا الویه اویج حیدر دیو عرضی ندارم
 ومن از شما سر خود لقمه ببار اگر عرض کنایه ای من
 مرا دعا کنید
 القاسم دعا از شما دارم
 خداوند ای تبارک و تعالی
 محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
 ۴، ۵، ۶

Handwritten signature: *محمد بن عبد الله*

[illegible]

حمیدرضا ابراهیمی



نام: حمیدرضا
نام خانوادگی: ابراهیمی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۴/۲۶
محل تولد: شهرستان ساوه
نام پدر: جهانعلی
نام مادر: سکینه
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
شغل: کارگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۲۵
محل شهادت: عین خوش
نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر، سینه و قلب
محل دفن: گلزار شهدای ساوه

گلچین وصیت نامه

- ❖ همیشه امام امت را دعا کنید.
- ❖ راه من و شهدای دیگر را ادامه دهید.
- ❖ مادرم! برای من گریه نکنید، من شهید در راه حق و حقیقت شده‌ام.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

وصیت نامه شهید حمیدرضا ابراهیمی

اینجانب حمیدرضا ابراهیمی وصیت می کنم که همیشه امام امت را دعا کنید و راه من و شهدای دیگر را ادامه دهید.

مادرم! برای من گریه نکنید، من شهید در راه حق و حقیقت شده ام. مادر گرامی از جانب من از همه فامیل و همسایه ها در محل، حلال خواهی کن و بگو اگر از من بدی دیده اند مرا حلال کنند.

و در ضمن پدرم^۱ سیدحسین تقوی است که او می داند من به کی بدهکار هستم و بگوئید آنها را بدهد.

وصیت دیگر این است که مرا به خلیفه کندی ببرند و در آنجا به خاک بسپارند. تمام.

حمیدرضا ابراهیمی

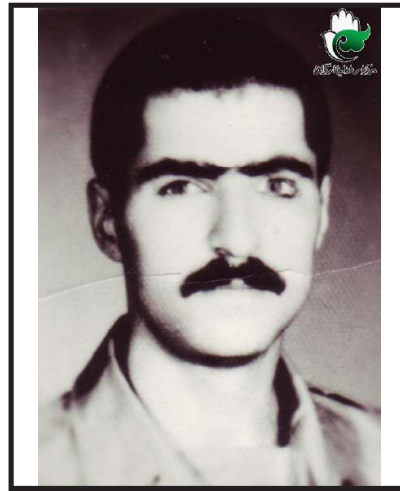
امضاء^۲

۱. اصل: پدر.

۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

31/19/725
 بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم
 یتیمانه شهد حیدر رضا ابراهیمی
 اینجانب حیدر رضا ابراهیمی وصیت می‌کنم که همیشه امام امت را دعا
 کنید و راه من و شهدای دیگر را ادامه دهید مادر من برای من گریه کنید
 من شهید شوم و حقیقت شده ام مادر گرامی از جانب من از نماز تأیید و
 حمایت هابیه علی عجلال فدای من دیگر اگر از من بدی داشته اند مرا حلال کنند
 و در زمین پدر حسین بن علی است که من داند من به یک به هکله
 هستم و بگوئید آنرا بدهد وصیت دیگر این است که مرا به خلیفه
 کندی پیوند در آنجا خاک بسیارند. تمام
 حمیدرضا ابراهیمی

حمیدرضا ابراهیمی



نام: حمیدرضا
نام خانوادگی: ابراهیمی
تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۲/۸
محل تولد: روستای کرهرود از توابع شهرستان
اراک
نام پدر: محمدعلی
نام مادر: رخشنده
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
شغل: کارگر کارخانه ماشین سازی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۲
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: ترکش خمپاره به سر
محل دفن: روستای کرهرود

گلچین وصیت نامه

- ◀ پسر من را درست تحویل اسلام و جامعه بدهید، چون آن کسی باید بشود که هم به درد اسلام و هم به درد مردم بخورد.
- ◀ من برای بازکردن کربلا که همچون ملت ایران چندین سالی است برای آن خیلی کوشش می کنند [می روم] و به امید خدا این بار کربلا را باز می کنیم به یاری امام زمان و قدس [را] هم نجات می دهیم.

باسمه تعالی

با سلام و درود به امام زمان و نائب برحقش امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی و با سلام و درود به ملت شهیدپرور و با سلام و درود به شهدای گلگون کفن^۱ جمهوری ایران و با سلام و درود^۲ [بر] رزمندگان سلحشور و جان برکف و همیشه در صحنه که در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل می‌جنگند [و] میهن اسلامی را پاسداری می‌کنند.

گرچه خاموش شود شمع امید پسرت گفت یزدان که من آن راز بقایم مادر
لرزد از هر نعره تکبیر به هنگام نبرد پشت هر دشمن یعنی ز صدایم مادر
خون گلگون من از پیکری تا که چکید می‌شود جنت [...] بهایم مادر
شمع تاریخم و تاریخ ز من مفتخر است پیرو مکتب آن خون خدایم مادر
آسمانی شده از سوز جگر ناله کنان گریه‌ها دارد و گرچه [...] مادر

باری، خدمت مادر عزیزم سلام می‌رسانم. پس از تقدیم عرض سلام سلامتی شما [را] از درگاه ایزد یکتا خواهانم. باری، خدمت همسر گرامی دعا و سلام می‌رسانم و امیدوارم که حالش خوب باشد. باری، خدمت پدر دعا و سلام می‌رسانم. مهدی جان و عمادجان را دیده بوسم. باری، خواهرانم^۳ [را] یک به یک دعا و سلام می‌رسانم. باری، خدمت باقر با اهل منزل دعا و سلام می‌رسانم. خدمت محسن جان با خانمش دعا و سلام می‌رسانم. خدمت دوستان و آشنایان دعا و سلام می‌رسانم. باری، من را همگی

۱. اصل: گل بون کفن.

۲. اصل: دورد (همه جا اصلاح شد).

۳. خوانا نیست.

۴. خوانا نیست.

۵. اصل: خواهره تم.

حلال کنید و ۶۰۰ تومان به مسعود رحمتی بدهکار هستم. و وصیت‌نامه هم در جیب کتم در کمد خودتان است و به آن وصیت [...] کنید به عماد هم طوری کنید که پدر نداشته [...] اگر مادرش نمی‌تواند [...]»^۶.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

باسمه تعالی

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب، بنیانگذار جمهوری اسلامی و با سلام و درود به شهدای گلگون کفن [...] جمهوری اسلامی و با سلام و درود به ملت شهیدپرور و همیشه در صحنه ایران و با سلام و درود به راهیان کربلا و درهم کوبنده و نابودکننده کافران^۷ و ستمگران غرب و شرق.

وصیت‌نامه حمیدرضا ابراهیمی

باری مادر جان! من برای بازکردن کربلا که همچون ملت ایران چندین سالی است برای آن خیلی کوشش می‌کنم [می‌روم] و به امید خدا این بار کربلا را باز می‌کنیم به یاری امام زمان و قدس [را] هم نجات می‌دهیم. اگر من سعادت داشته باشم و شهید شوم هیچ‌گونه ناراحت نباش، چون خودت فرزندان را می‌شناسی که هیچ‌گونه راه کج نرفته است و باید از خدا بخواهی که به این راه رفته است، راه اسلام.

و پسر عماد را درست تحویل اسلام و جامعه بدهید، چون آن کسی باید بشود که هم به درد اسلام و هم به درد مردم بخورد. چون پدر عماد شخصی بود که زحمت و ناراحتی در زندگی زیاد کشیده است و اکرم هم اگر خواست با شما زندگی کند و

۶. خوانا نیست.

۷. خوانا نیست.

۸. خوانا نیست.

۹. اصل: گل بون کفن.

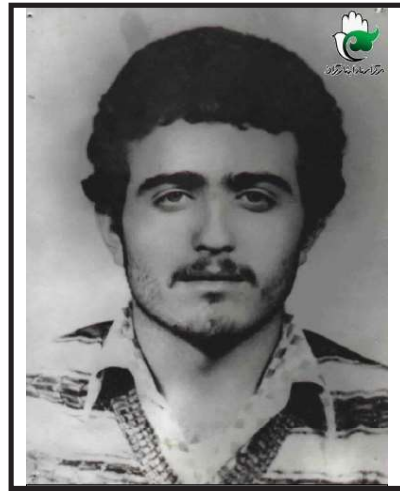
۱۰. اصل: کفران.

اگر نخواست بگذارید هر کاری خودش خواست انتخاب کند، چون کسی را ندارد. برادرانش همه دنبال پول و کارهایی که به درد این ملت نمی‌خورد هستند. هیچ کدام خدا را نمی‌شناسند و طرف هر کسی که پول داشته باشند می‌روند. خواهر و برادری که زندگی که آنها می‌کنند زندگی پولی نه زندگی بشری و انسانی. و از برادران خودم باقر و محسن و مهدی می‌خواهم که همین‌طور [...]»^{۱۱} آبرومندان زندگی کنند.

و از مادرم می‌خواهم که هیچ کس از فامیل خودم و فامیل اکرم آنها که خود می‌دانی [به] مجلس ختم من نباید بیاید و آنها را جلوگیری کنند. حسین جان، هادی، رفعت آقا، شمس، مریم، قاسم، فخری، جواد، جعفر و بتول و مریم اینها را نباید مجلس ختم راه بدهید و گریه نباید بکنی چون که دشمن را شاد می‌کنی و دوستان را ناراحت می‌کنی.

۱۱. «زندگی» حذف شده است.

سیدرضا ابراهیمی



نام: سیدرضا

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۶/۱۳

محل تولد: ساوه

نام پدر: سیدابوالفضل

نام مادر: عذرا

تحصیلات: دانش آموز دوره متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۰

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت ترکش به پهلوی

محل دفن: گلزار شهدای ساوه

گلچین وصیت نامه

❖ شما برادران و خواهران را به اطاعت از اوامر امام خمینی، رهبر بزرگوارم سفارش می کنم.

❖ از فقدانم ناراحت نباشید. چرا که من امانتی بودم در دست شما که بایستی به صاحب اصلی یعنی به خدایم بازگشت بنمایم.

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«من طلبی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته [فعلی] دیته و من علی دیته فانا دیته»^۱
(حدیث قدسی)

«هر کسی که مرا طلب کند خواهد یافت و هر کس که و هر کسی که مرا بیابد خواهد شناخت و هر کسی که مرا بشناسد، عشقم خواهد شد و هر کسی که عاشقم شود عاشقش خواهم شد و هر کس که عاشقش کردم او را خواهم کشت و هر کس را که بکشم دیه او بر گردن من خواهد بود و هر کسی که دیه‌اش به عهده من باشد، دیه‌اش را خواهم پرداخت».

«آنکس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند»^۲.
با یاد و نام خدا. برای او و با امیدواری به رحمت خدا چند کلامی به عنوان وصیت‌نامه ذیلاً معروض می‌دارم. اکنون که فضل خدا شامل حال شده و به سوی جبهه‌های اسلام علیه کفر می‌روم، امیدوارم بتوانم برای اسلام مفید واقع بشوم و بتوانم انجام وظیفه بنمایم.

شما برادران و خواهران را به اطاعت از اوامر امام خمینی، رهبر بزرگوارم سفارش می‌کنم. پدر و مادرم و خواهران و برادرانم، امیدوارم که از شهادت [...] ^۳راضی بوده

۱. حدیث قدسی: «آن کس که مرا طلب کند می‌یابد و آن کس که مرا یافت می‌شناسد و آن کس که مرا شناخت دوستم می‌دارد و آن کس که دوستم داشت به من عشق می‌ورزد و آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می‌ورزم. و آن کس که به او عشق ورزیدم، می‌کشم او را. آن کس را که من بکشم، خون بهایش بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب است، پس من خودم خون بهایش هستم».

۲. شعر از مولوی است.

۳. خوانا نیست.

و از فقدانم ناراحت نباشید. چرا که من امانتی بودم در دست شما که بایستی به صاحب اصلی یعنی به خدایم بازگشت بنمایم. امیدوارم که پدر و مادرم و برادران و خواهران و همه بستگانم مرا ببخشند و سلامتی همگان را از خدای بزرگ مسئلت دارم.

خداوند! از درگاهت می‌خواهم که گناهان کوچک و بزرگم را ببخشی و مرا عفو فرمایی. بهترین لحظه عمر من شهادت است آن لحظه‌ای که اولین قطره خونم بر زمین بریزد لحظه خوشحالیم خواهد بود. چون که من و سایر رزمندگان اسلام هدفی جز پیروزی اسلام و شهادت نداریم.

و یک عرضی با پدرم دارم و آن این است که موقعی که شهید شدم و خواستند مرا دفن بنمایند با دست خود مرا [در] خاک بنهد. اگر این کار را بکنی روح من شاد خواهد شد، چون شما مرا با دست خودت بزرگ کرده‌ای و مرا به جایگاه ابدی‌ام تحویل بدهی.

مادر جان! من برای شما فرزند خوبی نبودم و شما را خیلی اذیت کرده‌ام از شما می‌خواهم که مرا عفو نمایی و مرا دعا کنی.

در پایان سلامتی امام عزیز و نصرت و پیروزی همه رزمندگان راه اسلام را از خداوند متعال خواستارم. این وصیت‌نامه را قبل از تدفین بخوانید. ضمناً مرا در امامزاده سیدعلی اصغر(ع) کنار مزار شهدا به خاک بسپارید که اولاً در جوار امامزاده و ثانیاً در جوار سایر شهدا و ثالثاً در مقابل خانه‌مان مقابل دیدگان پدر و مادر و خواهرانم [باشد] که هر لحظه بتوانند با من از نزدیک حرف بزنند. و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. ضمناً یک برگ فتوایی این وصیت‌نامه نزد دوست و برادرم محمدتقی مؤذن فرد سرپرست انجمن اسلامی محسنیه می‌باشد یا در بایگانی انجمن اسلامی محسنیه که عضو آن بودم به عنوان یادگار باقی بماند.

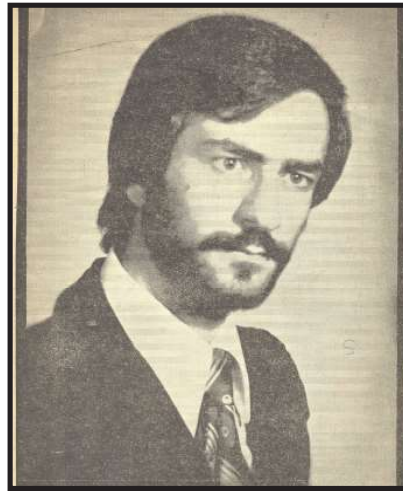
سیدرضا ابراهیمی

۶۰/۱۲/۱۳

امضاء^۴

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

عباس ابراهیمی



نام: عباس

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۶/۱۲

محل تولد: شهرستان دلیجان

نام پدر: محمد ابراهیم

نام مادر: خانم آغا

تحصیلات: دیپلم (ریاضی)

شغل: کارمند سازمان تأمین اجتماعی

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۱۲/۹

محل شهادت: اهواز

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: گلزار شهدای دلیجان

گلچین وصیت نامه

- ✦ خداوندا! تو می دانی که من برای رضای تو و دین تو به جبهه رفتم.
- ✦ خداوندا! تو می دانی من برای اسلام و برای پیروزی جمهوری اسلامی به جبهه رفتم.
- ✦ خداوندا! تو می دانی که من برای برقرار ماندن دین محمد(ص) به جبهه رفتم تا با صدامیان کافر بجنگیم و آنها را نابود کنیم.
- ✦ سفارشی که به شما می کنم [اینکه] دست از امام برندارید.

باسمه تعالی

وصیت نامه شهید عباس ابراهیمی

به نام کسی که ما را آفریده این وصیت نامه را آغاز می کنم. خداوندا! تو می دانی که من برای رضای تو و دین تو به جبهه رفتم. خداوندا، تو می دانی من برای اسلام و برای پیروزی جمهوری اسلامی به جبهه رفتم. خداوندا، تو می دانی که من برای برقراردادن دین محمد(ص) به جبهه رفتم تا با صدامیان کافر بجنگیم و آنها را نابود کنیم.

پدر و مادر عزیزم! الان که این نامه را در تپه میمک در تاریخ ۵۹/۱۲/۲ می نویسم، بدانید اگر من شهید شدم من را حلال کنید، چون شما زحمتهای زیادی برای من کشیدید.

و سفارشی که به شما می کنم [اینکه] دست از امام برندارید و اگر چنانچه من شهید شدم اولادی از من به دنیا می آید، [اگر] پسر بود اسمش را عباس بگذارید که نام خودم است و اگر دختر بود زینب.

و از خواهر و برادرم می خواهم که اگر از من ناراحتی دیده باشند، من را حلال کنند. دیگر عرضی ندارم همگی شما را به خداوند بزرگ می سپارم. خدا یار و نگهدار همه شما.

فرزند شما

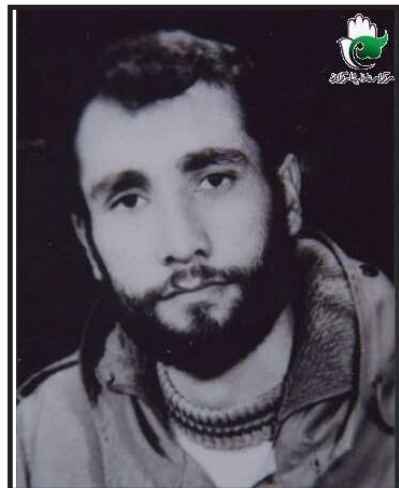
عباس ابراهیمی

امضاء^۱

۱. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

اینست تقدیر
 و حسب نامه شماره ۵۹۰۴
 بنام کس که ساعدت فرجه وین و صحت اسلام و اهل اسلام و اهل اسلام که من در اوقات و تو در
 قریه جعفر خند و در اوقات وین و اهل اسلام و برای بر روی اسلام و جعفر خند و قریه
 میرانی که من برای برقرار ساختن وین و جعفر خند و اهل اسلام و اهل اسلام که من در اوقات و تو در
 پیر و مادر و من و اهل اسلام که این نامه در قریه وین و اهل اسلام و اهل اسلام که من در اوقات و تو در
 خود را حلال کند چون شکر هفت و بی ز یاد و اهل اسلام که من در اوقات و تو در
 و اگر چه خیر و اهل اسلام که اهل اسلام که این نامه در قریه وین و اهل اسلام و اهل اسلام که من در اوقات و تو در
 و اگر چه خیر و اهل اسلام که اهل اسلام که این نامه در قریه وین و اهل اسلام و اهل اسلام که من در اوقات و تو در

عبدالعلی ابراهیمی



نام: عبدالعلی

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل تولد: روستای ازنوجان از توابع شهرستان

خمین

نام پدر: اسدالله

نام مادر: صغری

تحصیلات: دیپلم

شغل: مسئول نهضت سوادآموزی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۲۱

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش به شکم و پا

محل دفن: روستای ازنوجان

گلچین وصیت نامه

- ◀ برادرانم! مواظب باشید با دوستان ناباب رفت و آمد نکنید.
- ◀ خواهرانم حجاب را رعایت کنید.
- ◀ قرآن را بخوانید و عمل کنید.
- ◀ دعا بخوانید. حتماً شب‌های جمعه دعای کمیل بروید، دعای توسل نیز.
- ◀ به نماز اهمیت دهید، نماز را سبک نشمارید.

بسم الله الرحمن الرحيم

مادر جان! امیدوارم مرا حلال حلال^۱ کنید اگرچه من فرزند خوبی برای شما نبودم. همسر خوب و مهربانم، تو نیز همچنین. اگرچه همسر نالایقی برای شما بودم اما در عوض شما خوب بودید و من از دست شما راضی هستم. برادرم محمدرضا، شما را دوست داشتم. عزیزم محمد جان شما را نیز دوست داشتم. علیرضا جان تو که خیلی خوب بودی. خواهر جان عزیزم، معصومه جان تو را که از همان اول دوست داشتم که پاره تنم بودی. آسیه جان و فاطمه جان شما را نیز همچنین. امیدوارم مرا حلال^۲ کرده و ببخشید. عمو حسن را نیز دوست داشتم. عموزاده علی را نیز همین طور. سلام مرا به خاله‌زاده عبدالخالق و معصومه خانم رسانده و از آنها حلالیت بطلبید. آنان را نیز همین طور.

و اما، مبلغ ده هزار تومان به خاله‌زاده عبدالخالق بدهکار هستم (مهریه زهرا خانم را اگر بخواهد بدهکارم). نزدیک ده هزار تومان طلاهای زهرا (همسر) را که جهت خانه فروختم بدهکارم (اگر خواست بدهید). به اضافه مقداری از جهازیه‌اش را از قبیل قالی ۷ متری و اگر چیز دیگری که من یادم نیست فروختم به او بدهکارم (اگر خواست به او بدهید).

و اما، مبلغ بیست هزار تومان به آقای غلامرضا آبان (نهضت) داده‌ام و نزدیک چهل هزار تومان (یا بیشتر یا کمتر) در نهضت دارم. اگر توانستید مبلغ سی هزار تومان یا اگر نشد بیست هزار تومان جهت روزه‌هایی

۱. اصل: هلال هلال.

۲. اصل: هلاک.

که زمان جهل نگرفتم، اگر می‌شود با کسب مجوز به کمیته امداد امام بدهید. زهرا خانم، پول پتوی آقای کربندی را یادت نرود. در ضمن اگر کسی از من طلبکار بود، حتماً به او بدهید. از مردم از نوجان و نهضت و اقوام حلالیت بطلبید. کسی از من ناراحت نباشد.

زهرا خانم عزیز، همسرم نیز هر طور خودش مایل بود عمل کند. کتابهایم را وقف یکی از مساجد یا کتابخانه‌ها، خلاصه هر کجا که بیشتر مطالعه می‌شود از قبیل سپاه، جبهه، نهضت سوادآموزی و جهاد کنید. نزدیک پدرم مرا دفن کنید. از خداوند بخواهید و دعا کنید که مرا ببخشد.

برادرانم! مواظب باشید با دوستان ناباب رفت و آمد نکنید. کاری کنید که من و پدرم را ناراحت نکنید. خواهرانم حجاب را رعایت کنید.

دخترهایم را که از قرآن کریم و حدیث تکمیل کرده‌ام بخوانید و عمل کنید. قرآن را بخوانید و عمل کنید. دعا بخوانید. حتماً شب‌های جمعه دعای کمیل بروید، دعای توسل نیز. همچنین به نماز اهمیت دهید، نماز را سبک نشمارید.

بچه‌های برادر عزیزم، محمدرضا، سعیدجان و سمیه خانم را دیده بوسم. آنها را با اخلاق کریمه اسلامی بزرگ کنید. منصوره خانم کوچولو را دیده بوسم. زن برادرانم را دعا گویم.

از جنازه من در اختلافات شهری خمین سوء استفاده نکنید (مواظب باشید) از اعضای کادر نهضت و آموزشیاران از طرف من مخصوصاً بروید جلسه‌ای بگذارید و حلالیت بطلبید و از قول من بگویید حجاب را رعایت کنند.

والسلام

عبدالعلی ابراهیمی

۱۳۶۵/۲/۲۷

امضاء^۳

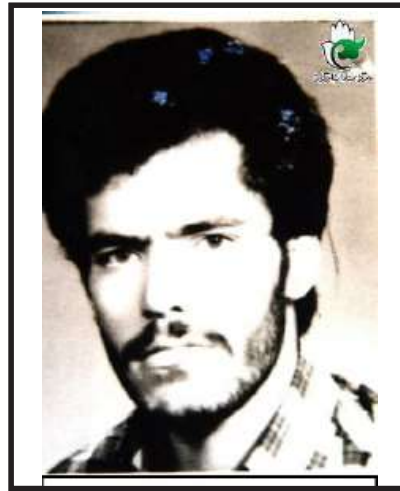
۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

ز سر خاتم مرتضی موسوم نیز مرطوب خدمت حاصل بود عمل کند
 کتا با نام را در حق کسی از صاحب چو یا کتا جانده خدمت مریکا که بیشتر معالده می شود از قبل بسیار
 محبت کتا دگمسی به چاد کند بر اکتی بدوم مرا دنی کند از خدایه بخواهد در کتا که مرا به بپوشد
 برادرم مخاطب با آن با دوستان ناباب رفت در کتا که کاری کند که من و چو را با دامن کند خواهرام
 حجاب را رعایت کند
 دفتر خاتم را که از آن کتب و دست نگین کرده ام بخواهد و عمل کند به عزتی را بخواهد عمل کند دعا را
 به استغاثی محمد دعا بکلی برسد دعا بکلی میرسمین به نماز احبت دمی نماز را بکند نشاید
 به دعا می برادرم عزیز محمد رضا، سعید جان و کتا خاتم را دمی به کم آنرا را با امانی گویند ای سرور کند
 مسعود خاتم که چو را دمی به بوم و فک برادران را دعا کنیم
 از خانه من در اقامت شهر می رسد و نموده کند (مواظب باشید) از اعضای گاه بفرست و دست بفرست
 از کتا من بفرست و امید به ای کتا به و عدالت بفرست و از قبل من بگویند حجاب را رعایت کند

والسلام
 عبدالعلی ابراهیمی
 ۲۲ مهر ۱۳۵۵

ابراهیمی

علی ابراهیمی



نام: علی
نام خانوادگی: ابراهیمی
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۷/۱۲
محل تولد: روستای دمسیاه از توابع شهرستان خمین
نام پدر: احمد
نام مادر: زبیده
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
شغل: کارگر بافنده
تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۹/۹
محل شهادت: بستان
نحوه شهادت: اصابت گلوله به صورت
محل دفن: روستای جوادیه از توابع شهرستان
خمین

گلچین وصیت نامه

- ◀ من به خاطر اسلام و به خاطر این انقلاب و به خاطر ناموس به جبهه آمدم و با کفر صدام به ستیز پرداختم.
- ◀ باشد که با ریختن خون ما این انقلاب پایدار بماند.
- ◀ مبدا از مرگ من گریه کنید.
- ◀ قدر این رهبر را بدانید که برای شماها خیلی زحمت کشیده. ما آزادی را از این رهبر داریم.

به نام خدا

این وصیت نامه در تاریخ ۶۰/۹/۵ نوشته شده است.

به نام خدا و با سلام به رهبر مستضعفان^۱ امام خمینی و با سلام به پدر گرامی و مادر مهربان. این چند نکته را به عرض شما می‌رسانم. پدر گرامی، من به خاطر اسلام و به خاطر این انقلاب و به خاطر ناموس به جبهه آمدم و با کفر صدام به ستیز پرداختم. و باشد که با ریختن خون ما این انقلاب پایدار بماند.

من وصیتم به شما این است قسمت ما هم این بود. از طرف من از شوکت معذرت^۲ خواهی بکن که من نتوانستم با هم یک عمری را زندگی کنیم. زیرا که حضرت قاسم در شب عروسی پس از چند ساعت به جنگ رفت ولی ما باز یک چند مدتی یا [...] ^۳ ما با هم بودیم.

و پدر جان! من به کسی بدهکار نبودم ولی به قدری ولی پول فرستاده بود که آن هم برایش می‌دهی. از طرف من از تمام رفیق‌هایم حلالیت بگیر. ان شاء الله^۴ که اسلام و ما که سربازان اسلام هستیم پیروز می‌شویم و این انقلاب ما پایدار می‌ماند تا ظهور حضرت مهدی (عج).

و پدر گرامی من از شما این تقاضا را دارم که مبادا از مرگ من گریه کنید. خداوند به شما صبر و ایمان قوی تر^۵ عطا^۶ بفرماید. و ما هم به آرزوی خودمان^۷ رسیدیم.

۱. اصل: مززعفان.

۲. اصل: معظرت.

۳. خوانا نیست.

۴. اصل: انشاع اله (همه جا اصلاح شد).

۵. اصل: غویتر.

۶. اصل: عتا.

۷. اصل: خدمان.

و من را در کنار شهید مدنی دفن بکنید و هر موقع که نماز می‌خوانی به دو رکعتی هم برای من بخوان، چون من نادان بودم و نمی‌خواندم و یا روزه نمی‌گرفتم. قدر این رهبر را بدانید که برای شماها خیلی زحمت کشیده. ما آزادی را از این رهبر داریم. دیگر عرضی ندارم. خداوند به شما عمر با عزت^۸ و توفیق^۹ عطا بگرداند. خداحافظ مادر، زیاده عرضی ندارم.

حاجی ابراهیمی

امضاء^{۱۰}

مادر شما برای من خیلی زحمت کشیدید. مادر ان شاء الله مرا حلال می‌کنی. من حرف زیاد داشتم ولی دیگه بیشتر از این وقت شما را نمی‌گیرم. خداحافظ، خداحافظ. خدمت برادر علی محمد سلام عرض می‌کنم. برادر کوچکم را از راه دور می‌بوسم. خدمت همسر مهربان که این مصیبت را تحمل [...]»^{۱۱}.

پدر [و] مادر عزیزم! خواهران^{۱۲} و برادران گرامی و همسر عزیزم، خداحافظ. اگر من شهید شدم مرا حلال کنید و هر بدی و خوبی دیده‌اید به بزرگی خودتان^{۱۳} ببخشید. پدر گرامی، از طرف من از همسرم از او^{۱۴} معذرت خواهی^{۱۵} بکن که من نتوانستم او را خوشبخت کنم. ان شاء الله به بزرگواری خودش^{۱۶} مرا ببخشد. همه ما رفتنی هستیم ولی چه بسا در راه حق و در راه اسلام و میهن و دفاع از این انقلاب بزرگ به رهبری امام خمینی. خداحافظ، خداحافظ.

۸. اصل: عذت.

۹. اصل: توفیق.

۱۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۱۱. خوانا نیست.

۱۲. اصل: خاهران.

۱۳. اصل: خدتان.

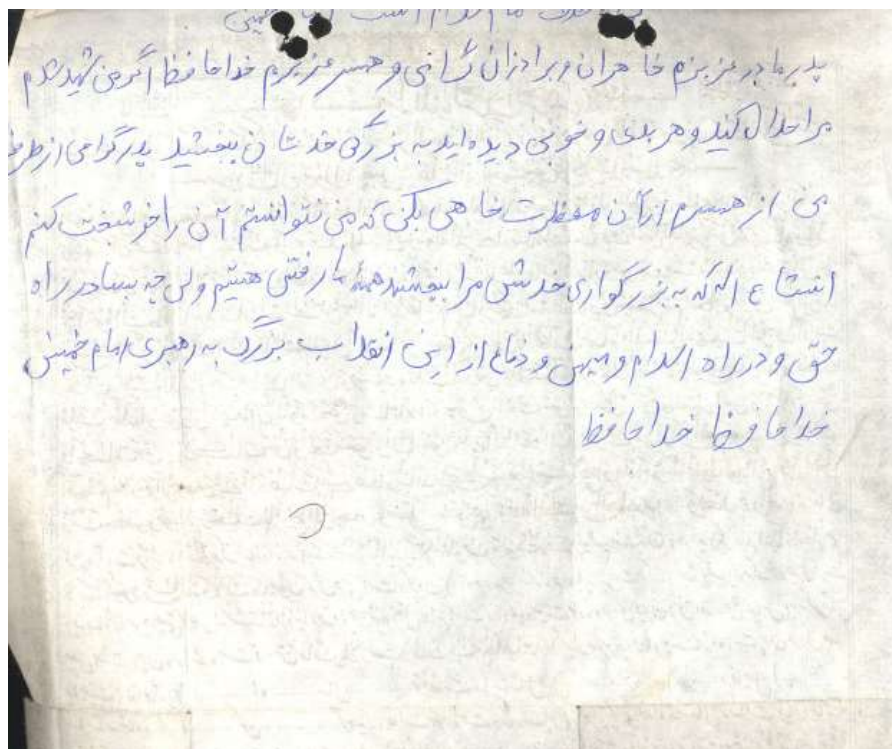
۱۴. اصل: آن (همه جا اصلاح شد).

۱۵. اصل: معظرت خاهی.

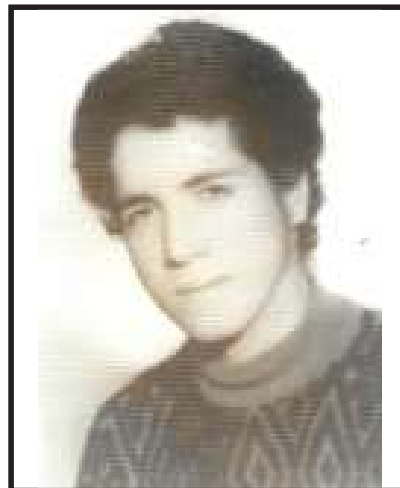
۱۶. اصل: خدش.



مادر شما برای من علی زحمت کشیده مادر شما را در انشاء الله تعالی خداوند
 من طرف زیاده دارم ولی در یکدیگر بزرگوارین دست شما را نمی بینم خدا حافظ و انشاء
 ولی یونان فرستاده بود که آنهم مرا پیش می آمد
 از طرف من از تمام رفقهایم جدا هست بکسر انشاء الله که
 اسلام و من که سر باران اسلام هستیم بیرون می شویم و این انشاء
 ما باید از هر جا که می تواند ظهور و عظمت مهدی را بجا و بزرگوار
 من از شما این تقاضا را دارم که منبدا پس از هر یک من
 گوییم بکشید خداوند به شما خبر و ایمان بخواند و عشا بفرماید
 و ما هم به آن روزی خداوند رسیدیم و من و والد که کنار شما
 در مدنی حاضر می شوید و هر موقع که نوازی خوانی به دور کعبه می نواز
 من بخوانم چون این دعا را دان بودم و من خواندم و بار خدایم
 قدر این رهبر را بدانند که برای شما داخل زحمت کشیده ما را از
 از این رهبر داریم دیگر نمی ندارم خداوند به شما نعم بفرستد و تو
 عطا کند خدا حافظ مادر زیاده عرض ندارم حاجی ابراهیمی



علیرضا ابراهیمی



نام: علیرضا

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

محل تولد: روستای سنجان از توابع شهرستان اراک

نام پدر: کریم

نام مادر: عصمت

تحصیلات: دیپلم (اقتصاد)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۲۰

محل شهادت: محور اهواز-خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر

محل دفن: روستای سنجان

گلچین وصیت نامه

◀ تظلم لازم‌ه‌اش هجرت است و به همدردی و بردباری و شکیبایی در برابر سختی‌ها می‌باشد.

◀ خدمتگذار مردم و مجاهد راه اسلام باید از سر و جان مایه بگذارد.

باسمه تعالی

حضور مبارک پدر و مادر گرامیم سلام. امید است حالتان خوب و جانتان سلامت باشد. همواره از خداوند تبارک و تعالی آرزوی^۱ خوشحالی و خشنودی شما را می‌کنم. عزیزان من! به دوستان و آشنایانی که از من می‌پرسند، عرض سلام برسانید. به برادران و خواهران سلام رسانده و بچه‌ها را دیده‌بوسی نمایید. اگر شرح حال مرا بخواهید، باید بگویم نگرانم نباشید، زیرا از کمال خداوند متعال من خوبم و از شما خواهش دارم کمتر از من بگویید و به خاطر من، خودتان را ناراحت نکنید.

چون فکر می‌کنم نهایت آرزوی هر پدر و مادری این است که فرزندشان از رستگاران باشد. البته معنی رستگاری را قرآن به ما می‌آموزد. پس پیش خود مقایسه کنید، آیا درست [است] که پسر شما در نزدتان باشد و مدرک بر انسانیت خویش نداشته باشد، یعنی فردی آلف و سربار اجتماع و خانواده گردد و قارچ‌منش زندگی کند یا نه، برعکس در هجرت، ولی از زمان درس مسئولیت و پیمان و خدمتگذاری و مجاهدت بیاموزد. کدام حالت برآیندی قانع‌کننده در برابر زحمات یک پدر و مادر دارد؟ مع ذلک باید از این دوری خوشحال باشید، زیرا این فاصله مکان زاینده محبت و انسانیت بیش از پیش است.

من وقتی خاطر نشان می‌سازم که شماها نگران من هستید و هر روز از این و آن احوال می‌پرسید، رنج می‌برم و حالم دگرگون می‌گردد، لذا مکرراً از شما فقط و فقط التماس دعا دارم. تا اینکه در موقعیت مناسبی با اولین فرصت چشمانم^۲ به چهره

۱. اصل: آرزوی.

۲. اصل: چشمان.

صادقانه شما منور گردد. قلم از شما می‌خواهد ابراز دوستی یک دوستدار، یک فرزند را بپذیرد و به نوشته‌هایش که از قلب او سرچشمه می‌گیرد، صحنه گذارید. پس از این عرض سلام و می‌خواستم مطلبی هم^۳ با شما در میان گذارم. بعد از آنکه خانه را جهت مأموریت ترک کردم، عازم تهران شدم. بعد از دو روز با هواپیما به کرمانشاه رفتیم. یک روز در این مکان اقامت داشتیم، سپس جهت مأموریت به منطقه‌ای دیگر که از گله نام دارد، رفتیم که مابین پل ذهاب و قصر شیرین قرار دارد و جزء استان کرمانشاهان است. سرزمینی پر فراز و نشیب که سرتاسر از سلسله کوه‌ها تشکیل گردیده و دارای هوای گرمی می‌باشد و انسان‌هایی محکوم که چهره‌شان از مثلث شوم فقر، فریب [و] فساد سخن می‌گویند در این سرزمین سکونت دارند. قله‌های کوهستان صدایی را منعکس می‌کند که ترجمان فریاد^۴ هزاران انسان است، [...] در برابر دیدگان هر انسان مسئول، تیره و تار می‌گرداند. زیرا مزدوران و خودفروختگان افکار این مردم را مغشوش و مسخ کرده‌اند و دیگر فساد حاکی از تبعیض و تجاوز و اجحاف به حقوق ملی است که از حداقل امکانات زندگی برخوردار نمی‌باشند.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، شما از من و افرادی مثل من چه انتظار دارید، آیا این مثلث را با حروف خشک و خالی می‌توان از بین برد؟ آیا ما که مدعیان مبارزه در برابر ظلم می‌باشیم، نباید مانند پیشقراولان اسلام پوینده راه قرآن باشیم؟ آری، این راه در ظاهر ریاضت و رنج و دوری از پدر و مادر و دوستان را دارد، در عین حال لذتش بیشتر می‌باشد. بذل و فانی به خون دارد تا نخشکد، تظلم لازم‌اش هجرت است و به همدردی و بردباری و شکیبایی در برابر سختی‌ها می‌باشد. خدمتگذار مردم و مجاهد راه اسلام باید از سر و جان مایه بگذارد. همچون چهره‌های شاهد اسلام که با شهادت خویش قلم در دوات مملو^۵ از خون زدند و راه‌ها

۳. اصل: مطلبیم.

۴. اصل: فریان.

۵. قسمتی از متن موجود نیست.

۶. مملوح.

را فلش‌گذاری کردند. آنها گفتند ای انسان، این یکی راه است و دیگری چاه می‌باشد. در برابر واقعیت‌هایی که مشاهده می‌کنید بگویید که چه باید کرد؟
«گر من بنشینم و تو بنشینی، پس که برخیزد»

گر من برخیزم و تو برخیزی، همه برخیزند».^۷
با این وجود به افراد مسئول و خائف نیاز داریم، لذا من افتخار می‌کنم شهادت پویش جهت مجاهدان و سرداران حقانیت را پیدا کنم، کما اینکه غریب باشم. زندگی در کوهستان را با دل و جان استقبال می‌کنم و هرگونه سختی را پذیرا هستم. به این دلیل که ما وارث انقلابی هستیم که فراورده خون آزادمردان ۱۴۰۰ ساله اسلام بالاخص شهدای اخیر ایران من جمله طالقانی‌ها، سیدجمال الدین‌ها و میرزا کوچک خان‌ها و رضایی‌ها و جوانانی که در زیر شکنجه جان سپردند و تسلیم باطل نشدند.
پس از شما استدعا می‌کنم این انتظار را از من نداشته باشید که من بیایم در محیطی دست و پاگیر توقف کنم. به مصداق: «لا تقف ما لیس لك به علم...»^۸، «توقف نکنید جایی که به آن علم ندارید».
گویا قلم از اینکه کمی والدین و اولادی را به درد دل هم آگاه گردانید، خوشحال است و حالا از شما اجازه کوتاه کردن سخن می‌کند و شما را به خدا می‌سپارد.
والسلام، خدا نگهدار.

علیرضا ابراهیمی

امضاء^۹

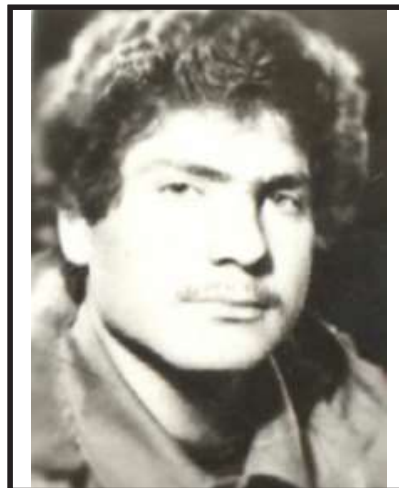
۷. شعر از حمید مصدق است: «من اگر برخیزم تو اگر برخیزی همه برمی‌خیزند، من اگر بنشینم تو اگر بنشینی چه کسی برخیزد؟».

۸. بخشی از آیه ۳۶، سوره اسراء: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» و (ای انسان) هرگز آن‌چه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسئولند».

۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم تعالی
 حضور مبارک پدیدار گردید این سلام. امید است حلال خوب و جانان سلامت باشد همواره ار خداوند
 تبارک و تعالی آرزو خوشنودی شما را بکنم. عزیزان من به دوستان و آشنایان که از من می پرسند عرض سلام
 رسانید. برادران و خواهران سلام رسانید و بوی را دیده بوسی بمانید. اگر شرح حال مرا بخواهید باید بگویم که سلام
 بمانید زیرا که حاله خداوند تعالی من خیرم و از شما خواهم دارم که از من بگویند و بجا من خودتان را ناراحت کنید
 چون که بیک بمانید آرزو من پدیدار این است که مرز دشمنان از سنگاران باشد. البته عمر و سنگاری را مر آن
 دنیا یاد دارد. من پیش خود متأسفانه که آیا دست که پیر شما در زندان باشد و حد که براسایت خویش نه شده باشد
 یعنی مرز ایالات و سرای اجتماع و خانواده گردد و تاج من زدن کند یا نه، برکت در هجرت ولی از زندان
 در من سؤالت و بیان و حدنگاری و بجاوندت یا بگوید که ام حالت برآیند و تابع کننده در برابر جهات
 یک پدیدار دارد. معذکلی باید از این دوری خوشحال باشد زیرا این فاصله مکان را دیده است و اسانت
 بیش از پیش است من و تر خاطر نشان بدارم که شما که گران من هستید و هر روز از این و آن احوال
 می پرسید و رخ میریزد و حال که در کون میگذرد لذا انکس از نشافط و حفظ التماس و عا دارم تا اینکه در وقت ساسی
 با اولین فرصت چنان به پیوسته صادقانه شامه گردد تا هم از شما بخواهد ابرار در من یک در ستاره یک فرزند را پیوسته
 و بدوشت با من که از طلب او سرچشمه بگوید صحه که از این من از این عرض سلام و میخواستم مطلیم باشم در این
 که ارم بعد از آنکه خانه راحت با عورت ترک کردم تا مر آن شدم بعد از دو روز با او ایما که بماند و من
 یک روز در این مکان امانت داشتم پس جهت بازیت بدستند از دیو که اگر کدام دارد و منم که باین بیان
 و معتبرترین امر دارد و جنبه است که نشان آن است سرزمین و مرز و شیب که ترانر از سلسله که نشان آن است
 و این حواله که بی باشد و اساقیان حکوم که چهره شان از پشت شوم فقر و رب و ساسی بگویند در این
 سرزمین سکونت دارند و از کوهستان صدان را غفلت میکنند که در جان فرزان مر از آن اسان است

علیرضا ابراهیمی



نام: علیرضا

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۶/۲۰

محل تولد: روستای مستعلیا از توابع شهرستان

اراک

نام پدر: محمدصفر

نام مادر: فخرتاج

تحصیلات: اول راهنمایی

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱/۳۰

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت گلوله خمپاره

محل دفن: روستای مستعلیا

گلچین وصیت نامه

- ◀ هدفم و پیامم نفی هر گونه استعمار، استثمار، استبداد [و] استکبار به هر نام و هر شکل، در سایه تنها مسیر هدایت؛ یعنی ولایت فقیه که امروز امام خمینی شاخص آن می باشد.
- ◀ تمام خانواده هایی که کسانی از آنها در این نبرد شهید یا زخمی شده اند باید افتخار کنند.
- ◀ مادر! تو نیز باید از اینکه افتخار نصیب ما شده برای اسلام خدمت کنیم خوشحال باشی.

بسمه تعالی

سلام بر پویندگان راه آموزگار بزرگ شهادت حسین(ع) و مدافعان راستین مستضعفین. من علیرضا ابراهیمی از هنگامی که از سرچشمه انسان‌ساز خود آگاهی بهره‌مند شدم و فهمیدم که انسان تنها پدیده‌ای است که خلیفه الله لقب گرفته، با فرزندان پاکباز جامعه جهت تحقق اهداف انقلاب همگام گشتم و در مقابل آگاهی و توانم احساس مسئولیت نمودم، بدون اینکه از رنج و مصیبت‌های متراقبه آن هراسی داشته باشم.

از اینکه قبلاً در اسارت جهل، مرتکب گناهانی شده‌ام از خداوند متعال طلب استغفار می‌نمایم. زیرا که او بسیار توبه‌پذیر است و از آنان که به علی مستقیم یا غیرمستقیم مورد اذیت من قرار گرفته‌اند بخشش می‌طلبد. چون حقوق هر انسانی از دیدگاه من محترم است، مگر ظالمین که حسابی جداگانه دارند.

و هدفم و پیامم همچون تمامی شهدا و مظلومین تاریخ، نفی هرگونه استعمار، استثمار، استبداد [و] استکبار به هر نام و هر شکل، در سایه تنها مسیر هدایت؛ یعنی ولایت فقیه که امروز امام خمینی شاخص آن می‌باشد. چند کلامی در دل دارم که خدمت‌تان عرض می‌کنم.

انسان از همان کودکی در برخورد با مسائل دو گونه عکس‌العمل نشان می‌دهد. یک اگر ضروری متوجه‌اش نباشد غمگین است و اما اگر برایش مفید باشد خوشحال. حالا شما افراد صالح را در نظر بگیرید که در برابر زخمی و مصدوم شدن و شهید شدن بستگان‌شان آیا عکس‌العمل یک فرد ورشکسته و ضررده را می‌نمایند؟ چون این تفکر با اسلام سازگار نیست و سزاوار نیست با این گونه مسائل از موضع ضعف

برخورد کرد، بلکه باید به خود بالید که بستگان ما نیز اهل راهند و این خود نعمتی است که هر کس لیاقت آن را ندارد. توجه کن قرآن می‌فرماید:

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.

کوتاه فکری نکن، اشتباه نکن. «آن کس که در راه خدا کشته شد مرده نیست، بلکه زنده است و نزد خدا روزی دارد».

الله اکبر! کافی است فقط چند دقیقه روی آیه فکر کرد تا دیگر اشتباه نکنیم. [...] تافته جدا بافته که می‌گویند اینها، چون مایه گذاشته‌اند و از همه علایق‌شان بریده‌اند. شهر و خانه و قوم و خویش و همه را رها کرده‌اند. در راه، گرما و خطر توپ و خمپاره و گلوله و همه را تحمل نموده‌اند. با وجود این، ارزش اینها مثال‌های مادی‌زدن نیست، فقط می‌خواهم منظورم را برسانم. همان‌طوری که رابطه مادر و فرزند رابطه انسان و مال نمی‌تواند باشد و با معیارهای مادی قابل سنجش نیست.

مادر! اگر این گونه سر سخن را برایت گشودم برای این است که همیشه در خاطرم هستی و دینی که بر گردنم داری هر چند بر آوردنش ممکن نیست، اما شرمندهم که از قدردانی نیز عاجز بوده‌ام به لحاظ شرایط موجود با دید محبت و عاطفه بنگر که خدا از هر کس اندازه آگاهی و توانایی‌اش مسئولیت می‌خواهد.

حالا که ما ناظر بوده‌ایم دو سال مداوم از جبهه خبر شهادت بهترین و عزیزترین و صادق‌ترین جوانان می‌رسد. چه عزیزی که معلولند، چه خانواده‌های شرافتمند و محترم که سرپناه‌شان ویران شده، هزار مصیبت مشابه این. اما، ما چه کرده‌ایم؟ وظیفه‌مان چیست؟

تو به عنوان کسی که فرزندی داری و به عنوان کسی که جوانم و به این مسائل آگاه. الحمدلله توانایی هم دارم. اینجا خدا از ما مسئولیت می‌خواهد. قرآن کریم می‌فرماید:

«و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال و النساء و الوالدان

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۲. «می‌توان» حذف شده است.

الذین يقولون...»^۳. (سوره حج)

«چرا در راه خدا و در راه آن مردم بیچاره، از مردها و زنهای بیچاره‌هایی که [مورد] شکنجه قرار گرفته‌اند، نمی‌جنگید؟».

قرآن این‌طوری می‌گوید وای به حال کسی که بداند و سرپیچی کند و تو نیز باید از اینکه افتخار نصیب ما شده برای اسلام خدمت کنیم خوشحال باشی. و سخن امام را که در مورد مادران گفته: «این جوانان مبارز در میدان‌های نبرد در دامن مادران پرورش یافته‌اند»^۴، یا سخن «بهشت زیر پای مادران است»^۵. این حرف‌ها چه چیزی به انسان می‌فهماند؟ اجر و منزلت یک مادر است. رنج چندین ساله را فراموش می‌کند. تمام عواطف و حب فرزند و انتظارش را چشم می‌پوشد. در رابطه با فرزند که درک و احساس دارد جهد و کوشش می‌نماید حتی خونس را می‌دهد و مادر صبور با قلب ترک خورده و پر کینه، انزجارش را نسبت به ظلم و ستم نشان می‌دهد.

اینها همه معنویت‌اند و پیش خدا اجر و پاداش دارد. امیدوارم مادر همه چیز برای توجیه شده باشد. شاید مشیت الهی بر این باشد و دوباره یکدیگر را نبینیم. به این لحاظ از حضور محترم تو حلالیت می‌طلبم و انتظار دارم ذره‌ای برای من ناراحت نباشی که خدای ناکرده ایثار و از خودگذشتگی شهید برای دیگران کم جلوه کند. شهید شدن نفع‌دهنده نیست، بلکه یک جهش به هدف است. هدف خلقت انسان، منظورم آن درجه کمال انسان نزدیکی به خدا (لقاء الله) است. یک شهید راه چندین ساله را در یک لحظه طی می‌کند. همان لحظه‌ای که انتخاب می‌کند.

امروز مردم ایران در نظر صاحب‌نظران نظامی اعجاز آفریده‌اند. چطور ممکن است در نبردی نابرابر، دشمن مجهز به همه‌گونه سلاح مدرن با تحکیم مواضع و قدرت

۳. بخشی از آیه ۷۵، سوره نساء: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا: چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید و بیرون آر و از جانب خود برای ما نگهدار و یابری فرست».

۴. صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۲: «رحمت و درود حق تعالی بر پدران و مادرانی که در دامن و پناه خود چنین فرزندان بزرگواری را تربیت کردند که فخرآفرین برای کشور و ملت بزرگ ایران و اسلام گردیدند و الگو برای مجاهدین تاریخ شدند».

۵. پیامبر اکرم (ص): «الجنة تحت اقدام الامهات: بهشت زیر پای مادران است».

نظامی سازمان یافته و یک طرف، با معمولی ترین سلاح ها، بزرگ ترین پیروزی را به دست می آورند. این به خاطر روحیه رزمندگان ماست که برخاسته از ایمان آنهاست. تمام خانواده هایی که کسانی از آنها در این نبرد شهید یا زخمی شده اند باید افتخار کنند.

به امید اینکه با عملیات مشابه ایران و عراق [را] از لوٹ وجود شیطان بزرگ و عمده های بی مزد و جیره اش از جمله صدام کافر پاک کنیم و زمینه هایی برای رهایی قدس را فراهم کنیم.

به امید پیروزی نهایی.

خدا نگه دار

علیرضا ابراهیمی

فتح الله ابراهیمی



نام: فتح الله
نام خانوادگی: ابراهیمی
تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۵/۱
محل تولد: روستای ورآباد از توابع شهرستان
خمین
نام پدر: ولی الله
نام مادر: رقیه سلطان
تحصیلات: اول راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۹
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سینه و دست
محل دفن: روستای ورآباد

گلچین وصیت نامه

- ❖ ای امت حزب الله! هیچ گاه نگذارید جبهه ها خالی بماند.
- ❖ هیچ گاه امام را تنها نگذارید.
- ❖ راه شهیدان را ادامه بدهید و نگذارید اسلحه شهید روی زمین بماند.
- ❖ قدر همدیگر را بدانید.
- ❖ مواظب چشم خود باشید که جایی بیهوده نگاه نکند. مواظب زبانتان باشید که هیچ گاه به رفیقتان و دوستان تهمت نزنید و یا غیبت نکنید.
- ❖ همیشه به یاد خدا باشید و هیچ گاه خدا را فراموش نکنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«آنان که در راه خدا جهاد کردند... رستگاراند»^۱.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان؛ شهیدانی که از جان و مال و خانه و زندگی خود گذشتند و به جبهه آمدند و در راه خدا به شهادت رسیدند و به آرزوی ابدی خود که شهادت بود رسیدند.

ای امت حزب الله! هیچ‌گاه نگذارید جبهه‌ها خالی بماند و هیچ‌گاه امام را تنها نگذارید و راه شهیدان را ادامه بدهید و نگذارید اسلحه شهید روی زمین بماند. و قدر همدیگر را بدانید. و مواظب چشم خود باشید که جایی بیهوده نگاه نکند. مواظب زبان‌تان باشید که هیچ‌گاه به رفیق‌تان و دوستان تهمت نزنید و یا غیبت نکنید و دوباره می‌گویم هیچ‌گاه سنگرهای جبهه را خالی نگذارید و بجنگید با پیروزی چشم دشمنان را کور کنید.

خدایا! چنان قدرتی به ملت حزب الله عطا کن تا در شهرها و روستاها بتوانند جلوی منافقان داخلی را بگیرند و چنان ضربه‌ای به آنها بزنند که دیگر در لانه‌های جاسوسی جرأت حرف زدن پشت سر رزمندگان و شهیدان عزیز را پیدا نکنند و شایعه‌پراکنی نکنند.

چند کلمه‌ای خدمت پدر و مادر و برادرانم و خواهرانم:

از شما می‌خواهم که برای من هیچ‌گریه و زاری نکنید و اگر خواستید بی‌تابی کنید، برای علی‌اکبر امام حسین گریه کنید. و اگر من شهید شدم، نگذارید اسلحه من

۱: ترجمه بخشی از آیه ۲۰، سوره توبه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جان‌شان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالمند.

روی زمین بیفتد. و همیشه به یاد خدا باشید و هیچ‌گاه خدا را فراموش نکنید. و بدانید که شهیدان با خون پر افتخار خود درخت اسلام را آبیاری کردند و شکر خدا را به جا آورید که چنین افتخاری نصیب آنها شده است و چه افتخاری بزرگ‌تر از این که من به آرزوی دیرینه خود رسیدم. و از خداوند بزرگ سپاسگزارم و شکر می‌کنم و از شما هم. بگویید همیشه این آرزویش بوده که به آن رسیدم. و بدانید که جای من خیلی خوب است و شما صبر داشته باشید. از همه کسانی که من را می‌شناسند مخصوصاً نزدیکان خواهش می‌کنم که اگر ناراحتی در آخر از بنده دارند که می‌دانم حتماً دارند، مرا ببخشند و حلالم کنند. و من از هیچ کس ناراحتی ندارم و از همه خوشحال هستم. خداوندا! ما را از مخلصین در گاهت قرار بده و ما را یک لحظه به خود وامگذار. به امید پیروزی رزمندگان اسلام، خداحافظ.

فتح‌الله ابراهیمی

مورخ ۶۵/۱۱/۳

قبر ابراهیمی



نام: قنبر
نام خانوادگی: ابراهیمی
تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۴/۳
محل تولد: روستای بان از توابع شهرستان اراک
نام پدر: محمدباقر
نام مادر: رقیه
تحصیلات: بی سواد
شغل: گچکار
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۵
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر
محل دفن: روستای چشمه پهن از توابع شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ◀ زیاد به این دنیا دل نبندید. دنیا به یک ریال ارزش ندارد. هر کس توانست در دنیا آخرت را درست کند آن خوب است، نه اینکه به این دنیا دل ببندد.
- ◀ غم به خود راه ندهید، چون که من به مقصود خود رسیده‌ام.
- ◀ شما همگی را وصیت می‌کنم به تقوا و ادامه راه شهدا و پشتیبانی امام و انقلاب.

بسم رب الشهداء و الصديقين

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان. به نام آنکه هستیم از اوست و در راه خودش نثارش می‌کنم. با سلام و درود فراوان به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) امام زمان، فخر عالم بشریت و منجی انسانها و نائب برحقش امام خمینی پیرجماران، حسین زمان و شما ملت شهیدپرور که با هدیه سرمایه زندگی خود فرزندانتان را در راه اسلام نثار می‌کنید و سلام بر شهدای کربلاهای جنوب و غرب ایران تا صدر اسلام. و سلام بر آنان که عاشقانه راه حق را پیش گرفتند^۱ و جان خود را فدای اسلام کردند^۲ تا درخت کهنسال اسلام را آبیاری نمایند.

باری، از طرف من حقیر به شما پدران، مادران و رفیقان، همسایگان دعا و سلام خیلی مخصوص می‌رسانم و امیدوارم اگر کسی از بنده بدی دیده به بزرگی خودش مرا ببخشد.

پدران و مادران، برادر [و] خواهران زیاد به این دنیا دل نبندید. دنیا به یک ریال ارزش ندارد. هر کس توانست در دنیا آخرت را درست کند^۳ آن خوب است، نه اینکه به این دنیا دل ببندد.

اگر توانستید برایم نماز قضا^۴ بجا آورید حدود یک ماه می‌باشد و روزه هم به مدت یک ماه قضا دارم. اگر من شهید شدم مرا در روستای چشمه پهن خاک کنید و غم به خود راه ندهید، چون که من به مقصود خود رسیده‌ام. دلیل ندارد ناراحت باشید

۱. اصل: گرفتن.

۲. اصل: کردن.

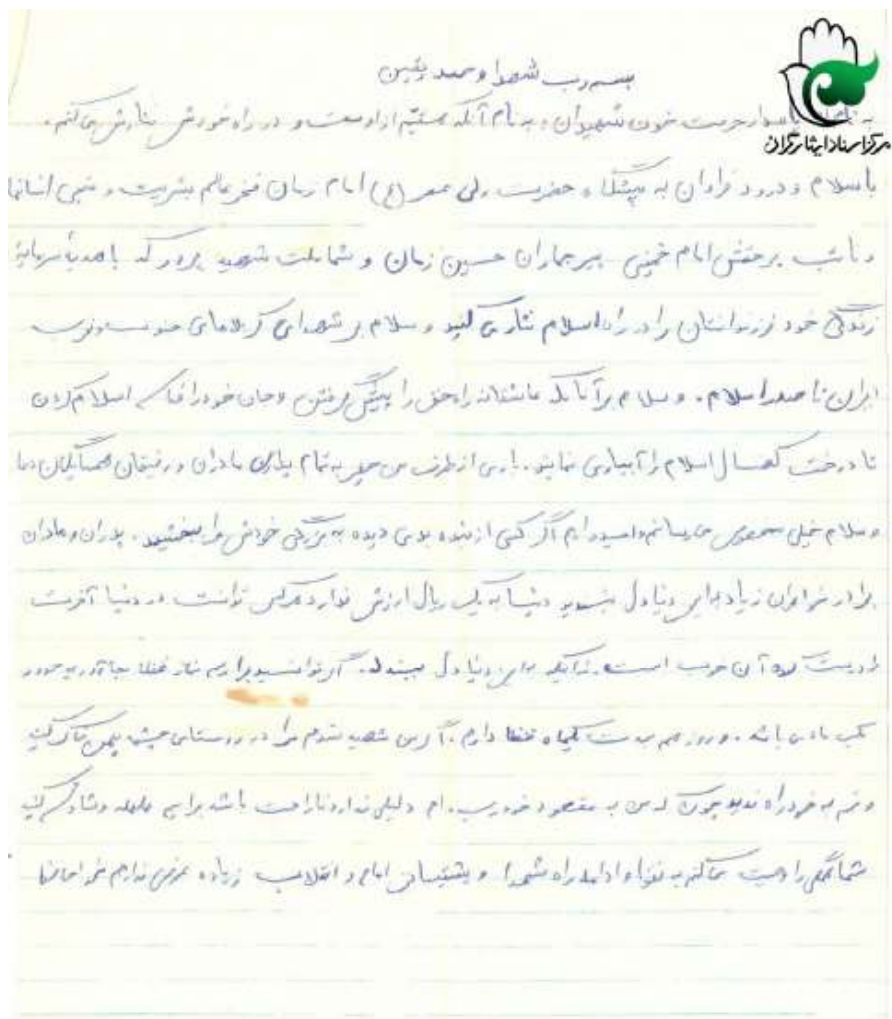
۳. اصل: کرد.

۴. اصل: قضا.

برایم هلهله و شادی کنید.

شما همگی را وصیت می‌کنم به تقوا و ادامه راه شهدا و پشتیبانی امام و انقلاب.

زیاده عرضی ندارم، خداحافظ.



محمد ابراهیمی



نام: محمد
نام خانوادگی: ابراهیمی
تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۸/۴
محل تولد: شهرستان دلیجان
نام پدر: فضل الله
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۳
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: گلزار شهدای دلیجان

گلچین وصیت نامه

- ◀ گران قدرتر است و بهترین راه برای رفتن در محضر خداوند مرگ با سعادت یعنی شهادت است.
- ◀ از شما برادر می خواهم که همچون حسین (ع) درس شهادت و مکتب شهادت را بیاموزید و تقوی را پیشه خود کنید.
- ◀ امام را تنها نگذارید.
- ◀ ای مسئولین! اگر به وظیفه تان عمل نکنید که همان رسیدگی به مردم مستضعف است خون شهیدان را پایمال نموده اید.
- ◀ مادران! از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری نکنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱ (آل عمران، ۱۶۹).

«آنانی که در راه خدا کشته می‌شوند، گمان نبرید مردگانند، بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند».

سلام علیکم.

خدایا، بارالها! به من توفیقی عطا فرما و توانایی تفکر و قدرت نوشتن را ده که بتوانم چند کلمه‌ای به عنوان وصیت و یا می‌شود گفت تذکر به خواهران و برادران عزیز بیدار دلیرم عرض نمایم.

با اینکه شما از حقیر بهتر و آگاه‌ترید، اما از آنجایی که قرآن مجید می‌فرماید: «و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین»^۲، «آری! تذکر دهید به درستی که آن برای مؤمن سود آورد شد».

پس برحسب وظیفه شرعی و الهی در خود می‌بینم که این وصیت ناقابل را بنگارم، (ان شاء الله).

حمد و سپاس مخصوص معبود و معشوقی است که این جهان با عظمت را آفرید و از اسرار نهانی این جهان اطلاع دارد و از هر سیر و اندیشه‌ای آگاه است و او از در دل انسان‌ها آگاه هست.

سپاس مخصوص خدا بر آن عزیزان عارف و سالک راهش، آن عاشقان لقاءالله،

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نبتدارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا متعّم خواهند بود».

۲. آیه ۵۵، سوره ذاریات: «و تذکر و پند می‌ده که پند و تذکر مؤمنان را سودمند افتد».

آن کبوتران حرم حسینی، آن سلحشوران پیکار جو، آن شیران روز و عابدان شب، آن مجاهدان و فداکاران جان برکف که با ایثار و از خود گذشتگی بی نظیر خود وقایع صدر اسلام و صحنه عظیم کربلا را زنده کردند.

حمد و ثنا از برای معبود و معشوقی است که بندگان خود را مورد امتحان سختی قرار داد. خوشا به احوال شهیدانی که از این امتحان خداوند پیروز بیرون آمدند و از همه پیشی گرفتند و خود را به معشوقشان رساندند.

سپاس خدای را که به من قدرت تشخیص صراط مستقیم را از راه ضلالت و گمراهی عطا فرمود و به من فهماند که در این راه جز سعادت و رسیدن به قریب چیز دیگر نیست. و این بالاترین افتخار و سربلندی است که شامل حال من شده است.

ولی ای خدای کریم! همین قدر می دانم که هر کس تو را شناخت عاشقت شد، و هر کس عاشقت شد دست از همه چیز شسته و به سوی تو می شتابد^۳ و این را به خوبی در خود احساس کردم و می کنم.

خدایا، پروردگارا! عشق به تو چنان در وجودم شعله ور است که اگر پیکرم را صد پاره کنند و یا صد بار مرا بکشند و دوباره زنده کنند و همچنین اگر پاره پاره تنم را به آتش بسوزانند، اگر خاکسترم را در دریا بریزند، از دل امواج خروشان ظلمت دریا صدایم [را] خواهید شنید که می گویم: «فرت و رب الکعبه»، «به خدای کعبه قسم رستگار شدم».

دوستان عزیز و خویشاوندان:

شرمنده ام و زبانم الکن است از اینکه بخواهم شما را تذکر دهم، چون بحمدالله با وجود چنین امت بیداردل و هوشیار، دیگر در خود نمی بینم که موعظه کنم اما برحسب وظیفه اجابت می کنم چند کلمه ای خدمت شما بنویسم.

۳. اشاره به این حدیث قدسی است: «من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی و من احبّنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دینه و من علی دینه فانا دینه: آن کس که مرا طلب کند می یابد و آن کس که مرا یافت می شناسد و آن کس که مرا شناخت دوستم می دارد و آن کس که دوستم داشت به من عشق می ورزد و آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می ورزم. و آن کس که به او عشق ورزیدم، می کشم او را. آن کس را که من بکشم، خون بهایش بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب است، پس من خودم خون بهایش هستم».

در اول وصیت می‌خواهم بگویم که اگر خداوند فوز عظیم شهادت را نصیب من کرد و شهادت [در] راه خدا شامل حال من شد، اگر خواستید مراسمی بعد از شهادت من برگزار کنید، ساده‌تر ترتیب دهید.

وصیت دیگری که از شما خانواده محترم دارم این است که مقدار پولی که دارم اگر به آن خمسی تعلق می‌گیرد، آن را به نماینده امام بدهید و بقیه را تحت نظرخواهی پدرم بگذارید.

وصیت شرعی دیگری که دارم این است، من از زمانی که به تکلیف رسیده‌ام یک ماه روزه^۴ (که مریض بودم) بگیرد^۵ و مدت ۱ سال به عنوان احتیاط نماز بخوانید. و از روحانیون شهرمان می‌خواهم اگر [...] اگر مایلند نماز شب اول قبر را برایم بخوانند. اما وصیت به عنوان تذکر [...] عزیز و مهربان و نور چشم^۶. امیدوارم که این فرزند کوچکتان را ببخشید. اگرچه من به وظیفه فرزند خود هرگز عمل نکردم ولی عاجزانه از شما می‌خواهم که مرا عفو نماید و در پیشگاه پروردگار از دست من راضی باشید. شما از آن موقعی که اذن جهاد به من دادید، از فرزندتان دست کشیدید و تقدیم خداوند نمودید و حالا که این نعمت بزرگ نصیب من شد خوشحال باشید، چرا که آرزوی دیرینه من شهادت در راه خدا بوده و همین امر مرا به جبهه‌ها کشانیده.

پدر و مادرم از شما می‌خواهم که طوری صبور و بردبار باشید که منافقین و دشمنان دیدن غم را در چهره‌تان^۷ به گور ببرند. چرا که تو پدر و مادری هستی که فرزندت را [به] پیشگاه پروردگار تقدیم نمودی. و از شما پدر و مادرم می‌خواهم که در عزایم اشک نریزید و سیاه بر تن نکنید، چون من قابل اشک ریختن نیستم. دوست ندارم حجله عزایم بر پا کنید بلکه چراغانی کنید.

۴. اصل: روز.

۵. اصل: بگیرد.

۶. خوانا نیست.

۷. خوانا نیست.

۸. اصل: چشم.

۹. اصل: چهره ات.

و من از همان اولی که امام فرمود: «جبهه تکلیف شرعی است»^{۱۰}، با خود عهد بستم که آن قدر به جبهه می‌روم که یا شهید بشوم یا کربلا را زیارت کنم و کمال آرزوی من شهادت بود. پدر و مادرم! در ضمن من فرزندی خوب برای شما نبودم مرا ببخشید.

اما چند کلامی با برادر و خواهرانم:

برادر بزرگوارم و خواهران مهربانم! من نمی‌دانم چگونه از شما تشکر و قدردانی کنم شما از این که می‌دانید برادران این توفیق را پیدا کرده، بسیار خوشحال باشید. چون شب اول شهادتم برایم از شب دامادیم گران‌قدرتر است و بهترین راه برای رفتن در محضر خداوند مرگ با سعادت یعنی شهادت است.

از شما برادر می‌خواهم که همچون حسین (ع) درس شهادت و مکتب شهادت را بیاموزید و تقوی را پیشه خود کنید و از شما خواهرانم می‌خواهم که آیین زینب (س) را زنده نگهدارید و تقوی را پیشه خود کنید. و از برادر می‌خواهم که کاری را انجام دهی که قلب آقا امام زمان (عج) و نائش راضی و خشنود شود. و از شما می‌خواهم که امام را تنها نگذارید و در ضمن برادر و خواهرانم تقوی را پیشه خود کنید.

و چند کلامی با مردم شهیدپرور:

ای مردم! شکرگذار خدا باشید که در مقطعی از زمانی زندگی می‌کنید که حکومت اسلامی شکل گرفته و با تمامی کفر در ستیز و مبارزه است. باید شکرگزار خدا بود به خاطر نعمت‌های فراوانش خصوصاً نعمت بزرگ رهبری و ولایت، شکر خدای متعال را که بار دیگر سعادت نصیب نمود تا بنده‌ای «هل من ناصر ینصرنی»^{۱۱} سرور شهیدان امام حسین و امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی لبیک گویم. و با کمک دیگر مؤمنان به یاری اسلام بشتابیم.

در این زمانی که امام امت به تمام مسلمین و مستضعفان اعلام خطر می‌کند که

۱۰. اشاره به این سخن امام خمینی (ره) است: «ما باید توجه کنیم که امروز در حال جنگ هستیم در جبهه‌ها باید افراد بروند این یک واجب شرعی - الهی است؛ منتها واجب کفایی به همه واجب است».

۱۱. ر.ک. تعلیقات.

اسلام در خطر است، چه نشسته‌اید؟ مگر شما در روز عاشورا و تاسوعا نمی‌گویید ای حسین، کاش در آن روز ما بودیم. حال وقتش است شکر خدای منان را که بر ما منت نهاد و پیامبری همچون محمد(ص) و ائمه‌ای چون علی(ع) و یازده فرزندش و رهبری کفرستیز چون امام روح خدا و حامی تمام مستضعفان را برای هدایت‌مان فرستاد. شکر خدایی را که به راهی گام نهادم که ماهیت دشمنم نشانگر جنایت آن راه و به حاکمیت رسیدن کلمه «لا اله الا الله» و به بند کشیده‌شدگان زمین، عامل حرکت و شکر خدا را که به من توفیق عطا فرمود تا در سپاه اسلام خدمت کنم. و در این لباس که باعث افتخارم بود به سوی خدا بشتابم. امروز تمامی دشمنان خصوصاً امپریالیسم و کمونیسم جهانی و دست‌بوسان آنها در داخل برای نابودی اسلام عزیز کمر بسته‌اند باید هوشیار بود و با وحدت کلمه و پشتیبانی از ولایت و رهبری و روحانیت متعهد و مسئول تمامی توطئه‌ها را خنثی کنید.

چند کلامی با مسئولین! ای مسئولین شهر، شما اگر به وظیفه خود عمل کنید ارزش کار شما کمتر از کار شهیدان نیست ولی اگر به وظیفه‌تان عمل نکنید که همان رسیدگی به مردم مستضعف است خون شهیدان را پایمال نموده‌اید. ای مسئولین شهری زیادتر به فکر مردم باشید. مردم واقعاً استوارند شما آنها را به عملی و اندازید که مخالفتی خدای نکرده انجام دهند که ان‌شاءالله این طور نیست و به وضع مردم ان‌شاءالله رسیدگی خواهید کرد. چند وصیتی با همکلاسی‌هایم:

ای دانش آموزان متعهد و ای مربیان با ایمان! شما وظیفه بسیار گرانی بر دوش دارید. نکند خطا نمایید^{۱۲}. ای دانش آموزان، شما عده‌ای هستید که از میان شما دلیری [...] قاسمی به پا خاست. شما باید در این سنگر دفاع نمایید و اجازه به عده‌ای که ان‌شاءالله در این جامعه^{۱۴} پاک نیستند ندهید تا خون این عزیزان را پایمال کنند و خود

۱۲. اصل: نماید (همه جا اصلاح شد).

۱۳. خوانا نیست.

۱۴. اصل: جامع.

فقط در سنگر مدرسه یک بال که علم است پرورش ندهید، بلکه بال دیگر که ایمان و عمل است نیز پرورش دهید. و مربیان عزیز این آینده‌سازان کشورند آنها را به ایمان و تقوی آشنایی دهید.

و در پایان توصیه من به مادرانی هست که جلوگیری می‌کنند از آمدن فرزندانشان^{۱۵} به جبهه. مادران، از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری نکنید. شما باید جسد فرزندانتان [را] هم تحویل نگیرید^{۱۶}، چون چیزی که به خدا داده شده دیگر پس نمی‌گیرند. وای جوانان، وای بر شما اگر در این موقعیت در رختخواب بیماری بمیرید که این ننگ است بر شما. در آخر [از] شما متشکرم که تشییع جنازه نمودید. و از پدر و مادر و همشهریانم و همه دوستان حالیت می‌طلبم و پدرم می‌خواهم برای من حالیت بطلبید، خدا حافظ.

خدایا، عمر امام را طولانی بگردان.

محمد ابراهیمی دلجانی

۶۵/۱۰/۱۵

بارالها، ما را به کربلا برسان.

خدایا، شب اول قبر را بر ما آسان بگردان.

عاقبت ما را ختم به خیر بگردان.

۱۵. اصل: فرزندتان (همه جا اصلاح شد).

۱۶. اصل: نگیرد.



عشق در همه من نهاده که مدام راه جز سعادت و رسیدن به بحر شادمانی و جوی در شادمانی
و آرامش و ایستادن از کزین و اختیار و سوسولیدن بر آنست که بشما من شده است و نام
خدا اکرم همین قدر دامن که عوالم تو را شناخت با سفت شد و عوالم من
شد دست از همه چیز شسته و سوسولیدن و ایستادن به جوی در شادمانی
اکرم و نام من

[illegible]

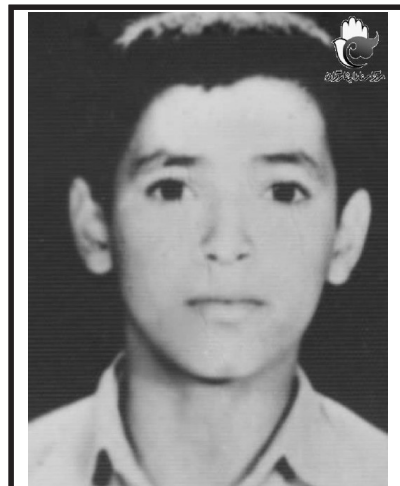
مستور منده ام و نه بجز این که الله است از انکه بخدا هم شما را تدریس چون به حمد الله
بوجود چنین است بیدار دل و هو شیاری و دیگر در خود نمی بینم که معصیه ام اما حرج
و غلبه احباب است منکفی چند نگه آرند که شما بنویسم.

در اول وصیت من خواهم بگویم که اگر خداوند توفیق کند من بخواهم که در
و نه بگذارد تا به خدا من خالص باشد اگر خواستید موافقت بعد از وفات من
و اگر از کتب ساده تر ترتیب دهید و وصیت دیگر که از شما می خواند و خواهد بود
دارم این است که بعد از من اگر چه در عالم آخر آن حضرت معلوم می شود که آن را به نمایندگی
من بخواهد و بقیه را ترتیب فکر خواهم می گویم که اگر خداوند توفیق کند دیگر که دارم
این است که من از شما که به کتابت رسانیده ام به جای خود و بقیه من بودم
بگذرد و وصیت اسباب به عنوان احتیاط باشد و بخواهید و از روحانیان که می خواند

[illegible]



مصطفی ابراهیمی



نام: مصطفی

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۳/۱

محل تولد: روستای ازنوجان از توابع شهرستان

خمین

نام پدر: غلامعلی

نام مادر: جمیله

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۷/۱۴

محل شهادت: سرپل ذهاب

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

محل دفن: روستای ازنوجان

گلچین وصیت نامه

- ◀ من راه خود را انتخاب کرده‌ام، هدفم اسلام است و می‌خواهم با خون خود درخت اسلام را آبیاری کنم و راه حسین (ع) را پیمایم چون ماندن در این دنیا فایده‌ای ندارد.
- ◀ کمی به خود آییم و آیین اسلام را پیاده کنیم و در راه اسلام شهید شویم.
- ◀ از شما می‌خواهم که امام را تنها نگذارید.
- ◀ نماز شب را برپای دارید.

بسم رب الشهداء

«الذین آمنو و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون»^۱.

«آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت کردند و در راه خدا با مالشان و جانشان جهاد کردند، آنها را در نزد خدا مقام بلندی است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند».

با سلام و درود به امام و امت شهیدپرور که با ایمان سرسخت خود توانست از پی دام‌های گسترده رسته و پیروز گردد. و سلام بر جهادگران و ایثارگران که با شجاعت بی‌نظیر خود [که] از حسین (ع) به ارث برده‌اند، توانستند پیروز شوند و در راه این پیروزی‌ها خونشان را نثار کردند که خونشان پیام‌آور راهشان بوده است. شهیدانی که با خون خویش نهال انقلاب را آبیاری کردند. شهیدانی چون موسوی‌ها، فریدی‌ها، انصاری‌ها، صمدی‌ها و جنتی‌ها که راهشان راه حسین بوده است و از حسین (ع) درس زندگی و مبارزه آموخته‌اند و اینک حسین‌های زمان هستند که در راه این انقلاب می‌جنگند و شهید می‌شوند.

برادران و خواهران! خواستم این را به شما عرض کنم که من راه خود را انتخاب کرده‌ام و از شما می‌خواهم که برای من هیچ نگرانی نداشته باشید چون هدفم اسلام است و می‌خواهم با خون خود درخت اسلام را آبیاری کنم و راه حسین (ع) را بپیمایم چون ماندن در این دنیا فایده‌ای ندارد.

۱. آیه ۲۰، سوره توبه: «آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند».

حسین(ع) و یارانش در صحرای کربلا شهید شدند و ما هم هرروز چند تا شهید می دهیم. پس چرا نیاییم و راه حسین را پیش بگیریم و نگذاریم قلب امام اندوه بیاید، چرا که خدا به ما فکر و اندیشه داده. کمی به خود آییم و آیین اسلام را پیاده کنیم و در راه اسلام شهید شویم. از شما می خواهیم که امام را تنها نگذارید و نماز شب را برپای دارید.

و شما ای پدر عزیز! می بخشی اگر نیامدم خدا حافظی بگیرم، چون دیگر فرصت نداشتم.

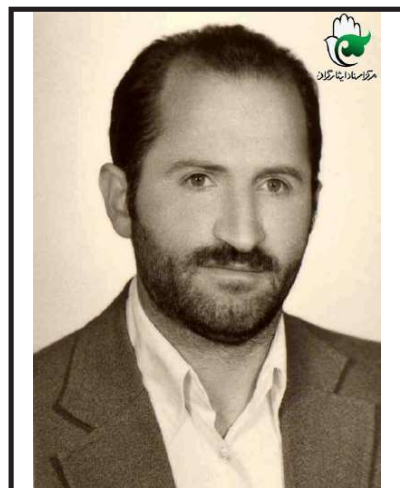
خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.

به امید دیدار در کربلای حسینی.

مصطفی ابراهیمی

۱۳۶۲/۲/۲۸

مصطفی ابراهیمی



نام: مصطفی
نام خانوادگی: ابراهیمی
تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۲/۱۴
محل تولد: شهرستان محلات
نام پدر: محمد حسن
نام مادر: زهرا خاتون
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
شغل: آموزگار
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۲/۱۱
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای محلات

گلچین وصیت نامه

- ◀ خداوندا! ما را شکر گزار نعمت هایت قرار ده.
- ◀ خدایا! اگر جان من کوچکترین ارزشی دارد، جان مرا در راه دینت با شهادت در راهت و پیروزی اسلام عزیز فدا کن.
- ◀ به امام امت بفرمایید که ما تا آخرین قطره خون از امام عزیزمان حمایت خواهیم کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس این مخلوق ضعیف مخصوص خداوندی که قدرت او مافوق قدرت هاست. عزت و جلال مؤمنین، ذلت و خواری نافرمانان، همه و همه در ید قدرت اوست.

اوست خدای جهانیان، اوست پروردگار جهانیان، ما را از هیچ آفرید و اگر نافرمانی نکنیم، مافوق همه مخلوق های جهان هستیم و اگر سر خود عمل کنیم خواریم و پوچیم، نیستیم و نابودیم.

خداوندا! ما را از شر بلیات، از کید منافقین برحذر بگردان. خداوندا، ما را شکرگزار نعمت های قرار ده. اگر در شکرگزاری کوتاهی می کنیم ما را ببخش. اگر نتوانستیم از نعمت رهبری امام استفاده کامل کنیم، کمال نادانی من است. خدایا، به عزت و جلالت ما را ببخش.

ساعت حدود ۹ شب روز ۶۴/۱۲/۹ بود خبر دادند که آماده شوید. با شوقی مافوق وصف، بچه ها خود را آماده می کردند. انگار همگی می خواهند به معشوق خود برسند. خدایا! ما را شکرگزار این نعمت عظمی قرار ده. پروردگارا! قلب امام زمان را از ما شاد بگردان. خداوندا جان ناقابل مرا فدای امام کن. عمر و عزت امام، آن مهری که حدود بیش از ۲۰ سال است در قلبم می تپد زیادتیر از زیاد فرما.

خدایا! تا این ساعت که حدود ۴۲ سال از عمرم می گذرد، من به تمام آرزوهایم رسیده ام، اگر بگویم چندان آرزویی ندارم گراف نگفتم. اگر جان من کوچکترین ارزشی دارد، جان مرا در راه دینت با شهادت در راهت و پیروزی اسلام عزیز فدا کن. هر چند که من می دانم لیاقت شهادت ندارم، ولی مافوق شهادت آرزویی ندارم.

«...انا لله و انا اليه راجعون»^۱.

مصطفی ابراهیمی

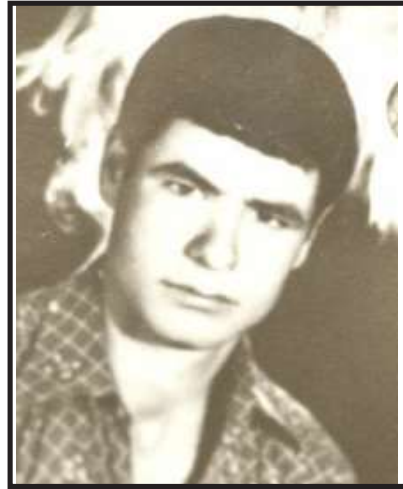
۶۴/۱۲/۹

من فرزند شهید مصطفی ابراهیمی افتخار می‌کنم که پدر عزیزم در راه اسلام به مقام شهادت نائل شدند. و از آقای توسلی می‌خواهم به امام امت بفرمایند که ما تا آخرین قطره خون از امام عزیزمان حمایت خواهیم کرد.

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

در علم و ادب و سایر امور که در این دنیا است
 خداوند این نعمت را حدود ۲۰ سال از عمر من گذراند و بنام آرزوهایم رسیدم
 اگر بگویم چقدر آن آرزوی من را در کمال کثافتت و کثافتت من کثافتت من
 از رشتن دار لاجن را در دینست با شهادت در راهت و پیروی از اسلام بخیر
 خداوند هر چه بدو که من می دانم لیاقت شهادت ندارم و هر چه در شهادت آرزوی من دار
 بسم الله الرحمن الرحیم
 مصطفی ابراهیمی
 ۱۳۸۹/۹/۲۹
 من در روز شنبه مصطفی ابراهیمی (پسر من) در راهت (بسم الله الرحمن الرحیم) شهادت بخیر
 راجع به آن که در این دنیا است امت مفید به ما تا آخرین قطره خون از ما تمام
 عزیزان ما حمایت خواهم کرد.

ناصر ابراهیمی



نام: ناصر

نام خانوادگی: ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

محل تولد: روستای ریحان از توابع شهرستان

خمین

نام پدر: محمدباقر

نام مادر: زهرا

تحصیلات: اول راهنمایی

شغل: کارگر بنا

تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۱۰/۶

محل شهادت: یستان

نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر

محل دفن: روستای ریحان

گلچین وصیت نامه

- ❖ مادر! همچنان استوار مانند کوهی که بر افق سرکشیده سربلند باش که مبادا منافقین از شهادت فرزند تو سوءاستفاده کنند.
- ❖ شماها وارث اسلحه از دست افتاده من هستید.
- ❖ هرگز تا آخرین قطره خون خود با دشمنان [و] صدام، سر سازش نگیرید.
- ❖ همیشه گوش به فرمان امام خمینی باشید.
- ❖ من با میل و ایمان خودم رفتم تا به دشمنان اسلام بفهمانم که اسلام سازش پذیر نیست.

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللهم لا اجد لذنوبی غافرا ولا لقبائی سائرا ولا لشیء من عملی القبیح بالحسن مبدلا غیرک»^۱.

«بارالها! جز تو کسی را نمی‌یابم که گناهان مرا ببخشاید، کارهای ناستوده‌ام را پوشیده بدارد و اندکی از عمل زشت مرا به زیبا مبدل کند. من این راه را انتخاب کردم. منتظر من نباشید، چون نرفتم که زنده برگردم. رفتم با کفار مبارزه کنم و بکشم اگر نتوانستم بکشم کشته شوم.

وصیت می‌کنم که هرگز برای من اشک نریزید فقط به مادرم بگویید که تو در نزد زینب(س) سربلند خواهد بود چون که تو هم شهید داده‌ای.

مادر! هر موقعی که به یاد فرزندان خود می‌افتی به یاد فرزندانی باش که بدن پاره پاره آنان را هم مادرانشان ندیدند که توسط مزدوران چپ و راست در زیر رگبار گلوله‌های دژخیمان شرقی و غربی و داخل امثال فدایی و منافقین و دموکرات و کومله که آنها از ستون پنجم در ایران هستند، به دست آنها کشته شده‌اند. و هیچ رحمی به آنان نکردند وقتی در کردستان عده‌ای از برادران ما را با بی‌شرمی سر بریدند و عده‌ای را زنده زنده زیر خاک کردند و عده‌ای را هم به حزب بعث عراق تحویل دادند و پول و اسلحه می‌گرفتند...

مادر! همچنان استوار مانند کوهی که بر افق سرکشیده سربلند باش که مبادا منافقین از شهادت فرزند تو سوءاستفاده کنند که پیش فاطمه زهرا(س) شرمند شوی.

۱. فرازی از دعای کمیل: «خدایا! آمرزنده‌ای برای گناهانم و پرده‌پوشی برای زشتکاری‌هایم و تبدیل کننده‌ای برای کار زشتم به زیبایی، جز تو نمی‌یابم معبودی جز تو نیست».

و تو ای پدر! همچنان شیری در میان بیشه‌زار باش که همچنان می‌غرد و نعره سر می‌دهد که خدای ناکرده دشمن خوشحال شود و بیاید پیش شما و شما را اغفال نماید که ای چرا نشستی پسرت را کشتند!

به برادران دینی خود توصیه می‌کنم که شماها وارث اسلحه از دست افتاده من هستید. وصیت می‌کنم که هرگز تا آخرین قطره خون خود با دشمنان [و] صدام، سر سازش نگیرید و همیشه گوش به فرمان امام خمینی باشید.

و من از برادران خود می‌خواهم که پدر و مادر مرا یاری دهند و آنها را به صبر و بردباری توصیه کنند و به آنان بگویند اگر او نرود چه کسی برود؟ به آنان بگویید که تنها آرزوی او شهادت بود. شهادت در راه خدا. کسی خیال نکند مرا به زور به جنگ فرستادند، من با میل و ایمان خودم رفتم تا به دشمنان اسلام بفهمانم که اسلام سازش‌پذیر نیست. به همان خدایی که تمامی ما را آفریده قسم که تا آخرین قطره خون خود سنگر را رها نکرده و تا سرنگونی دشمن، از سنگر بیرون نیایم و بکشم سران کفر را و دیگر عرضی ندارم. والسلام

وصیت‌نامه ناصر ابراهیمی

از [...] آن را برای پدر و مادر و تمام برادران و خواهران بخوانید.

ناصر ابراهیمی

امضاء^۲

و از پدر و مادرم می‌خواهم اگر چنانچه بدی از من دیدن^۴ به بزرگی خدا و بزرگی مرجع عالی‌قدر، امام خمینی و به خاطر خدا مرا ببخشند، والسلام.

و از برادرها و خواهرها و تمام دوستان و شما خواهرانم و برادرانم [می‌خواهم اگر] از من کوچکترین ناراحتی یا اذیتی یا دلخوری [...] باید نادیده بگیرید. به خاطر خدای بزرگ و تعالی مرا ببخشید.

۲. خوانا نیست.

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۴. اصل: دیدن.

۵. «از من» حذف شده است.

قوله چون خود بنگر او را بشا نگو و ما امر بکنش دشمنی از کسکه بپوشانیم و
بکنیم سران کس را چه و دیگر عرض نمایم و سلام و تعیت نماید تا او از اعیان

بیشتر میزان کفر را چه در بکر عرض ندایم و بسوا هم و صیفت نامه نام را بر اعیان

از میان آن ربای پدر و مادر و نام بردار و خواهر و برادر

Handwritten signature: *امیر ارمی*

[illegible]

و از پدر و مادر می خواهم اگر چنانچه بدی از من دیدن به بزرگی خدا
و بزرگی مرجع عالمی قدر امام فاضل و به خاطر خدا مرا ببخشند و السلام و از برادرها
و خواهرها و مقام دوستان و مشایخ و اساتید و برادران ازین کبر و بزرگی نادانی
یا از بی یادگیری ازین دیده اند یا به نادیده نگیرد به خاطر خدا بزرگوارند

مرا بخشد

امرانده ابراهیمیان



نام: امرانده

نام خانوادگی: ابراهیمیان

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۴/۱۶

محل تولد: روستای چغاسیف الدین از توابع

شهرستان خمین

نام پدر: محمد

نام مادر: تاجی

تحصیلات: بی سواد

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱/۲۲

محل شهادت: شوهانی

نحوه شهادت: اصابت ترکش به پهلو

محل دفن: روستای چغاسیف الدین

گلچین وصیت نامه

✦ خدایا! مرگ مرا شهادت در راه خودت قرار بده.

✦ خدایا! تا ما را نیامرزیدی از این دنیای فانی مبر.

بسم الله الرحمن الرحيم

۶۲/۱/۱۶

خدایا! مرگ مرا شهادت در راه خودت قرار بده.

«و لا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله اموتوا بل احیاء عند ربهم یرزقون»^۱.

«گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در درگاه

خدای خود روزی می‌خورند».

خدایا! تا ما را نیامرزیدی از این دنیای فانی مبر.

اکنون که شب حمله است شب از جان گذشتن، شب دیدار مهدی، اینجانب
ام‌الله ابراهیمیان فرزند محمد ابراهیمیان ساکن [...]،^۲ وصیت‌نامه‌ای را تهیه کردم. چون
طبق دستور^۳ اسلام بر هر مسلمانی چه زن و چه مرد واجب است که وصیت‌نامه تشکیل
دهد.

مادر عزیز و مهربانم [...] اگر مادر می‌خواهی که من راضی باشم، همسر مرا
دلخواهش را بجا بیاورید. و بعداً مال مرا بعد از من بچه مرا خودت به [...] سرپرستی
بچه من هم پدر برایش باش هم مادر.

ای برادر حسین و [...] حلال کنید. خواهران یک به یک حلال کنید. همسایگان^۴
حلال کنید. من از دنیا رفتم. در این دنیا کامی ندیدم. از آن دنیا جای من خوب است.

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند در نزد خدا متنعم خواهند بود».

۲. خوانا نیست.

۳. اصل: بدستور طبق.

۴. خوانا نیست.

۵. خوانا نیست.

۶. خوانا نیست.

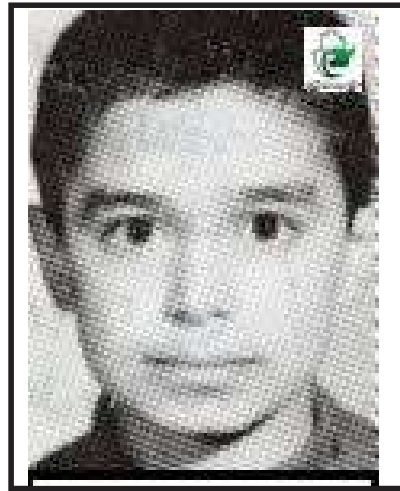
۷. اصل: همسایگان.

بعداً پولی که از بانک کشاورزی گرفته‌ام ۲۰۰۰۰۰ ریال مطابق بیست هزار تومان، ۱۴ هزار تومان به حسین اکبری داده‌ام.

در خاتمه از خدای بزرگ خواهانم که پیروزی کامل نصیب جمیع رزمندگان بنماید. و مادر گرامی و مهربان، باز هم اگر می‌خواهی من راضی باشم، هرچه که همسر من می‌خواهد دلخواه [...] او را بجا آورید. برای فرزند من هم یک پدر باش هم یک مادر.

در خاتمه امیدوارم مرا ببخشید و از خدای بزرگ بخواهید که روح مرا با روح شهدای اسلام آمیخته گرداند و مرا از آتش جهنم دور کند، ان شاء الله. خدایا، خدایا، پرچم اسلام را در تمام کشور به اهتزاز در آورید.

علی ابراهیمی باریکرسفی



نام: علی

نام خانوادگی: ابراهیمی باریکرسفی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱۲/۱

محل تولد: روستای باریکرسفی از توابع شهرستان

دلیجان

نام پدر: علی اکبر

نام مادر: خدیجه

تحصیلات: دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۰/۲۳

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت گلوله

محل دفن: گلزار شهدای شهر مشهد اردبهال از

توابع شهرستان دلیجان

گلچین وصیت نامه

◀ شما مردم ایران برای دفع فتنه و تجاوز و به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام با صدامیان جهاد کنید.

◀ وحدت بین خودتان را حفظ کنید.

◀ نگذارید کسی در وحدت شما خللی وارد کند.

◀ امام را تنها نگذارید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين»^۱.

حمد و سپاس خداوند باری تعالی را، هستی بخش تمام کائنات را، معبود و معشوق بندگان پاک و مخلص را و آن هدایت کننده صراط مستقیم را. و با سلام و درود به انبیاء و اوصیاء و امامان، علی‌الخصوص به امام عصر صاحب الزمان (عج) و نائب برحقش رهبر بزرگوارمان امام خمینی. و آنان که دعوت حق تعالی را پذیرفتند و قدم در طریق هدایت گذاردند و به دنیا و مافیهایش به صورت ابزاری جهت وصول به حق نگریستند.

به راستی که خدا جهاد را واجب گردانید و به آنان عظمت بخشید و موجب نصر و یآوری خود قرار داده. به خدا سوگند دین و دنیا فقط در سایه جهاد نیکو می‌گردد. شما مردم ایران برای دفع فتنه و تجاوز و به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام با صدامیان جهاد کنید. وحدت بین خودتان را حفظ کنید و نگذارید کسی در وحدت شما خللی وارد کند.

و اما چند کلمه‌ای با خانواده‌ام دارم. همواره شما را دوست داشته و دارم. گاهی که بی‌احترامی و اذیت و آزار از من به شما رسیده است، از روی نادانی و جهالت بوده. من از خداوند کریم می‌خواهم شما پدر و مادر گرامی و من روسیاه را ببخشید و با فضل و کرمش با ما رفتار کند. و در به ثمر رساندن و تربیت و پرورش من بسی رنجه‌ها

۱. آیه ۱، سوره حمد: «ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است».

کشیده‌اید و از شما ممنونم. خداوند باریتعالی آن زحمات بی‌شائبه شما را با رحمت و عزت خویش جبران کند.

دفن کردن مرا به گردن پدر و مادرم می‌گذارم. امام را تنها نگذارید.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.

علی ابراهیمی باریکرسفی

۶۶/ ۱۰/۹

بسم الله الرحمن الرحیم
 این نامه من است که در این روزگار
 در میان شما نوشته شده
 محمد مصطفی محمد و سیدین خادمان بار خدایان راه حقان نشان نامک نشان بر مظهر
 در عشق بیگانه با یک دلیلی از آن هدایت کنه مرط مستقیم او
 با سلام درود به شما و اولاد و اولاد علی و آله و سلم
 انما لکم (الحج) و نام بر حقش رهبر نهنگ و راه امام حسین و زمان که
 دعوت حق تعالی را به هر فتنه و قدم در طریق هدایت که از دین و دین
 دنیا و دنیا طلبی به صورت استیلا و جهت و حصول به حق نگریند
 بر آنکه که خواجه و راه را در این راه و آن عظمت نموده و

میرحبیب حضرت بی رویه ~~میرحبیب~~ میرحبیب قرار داده اند که در این مورد با نقطه در
 میان نهاد بیکدیگر میگردند تا سیدم ایران میرای دفع فتنه و قبا و عزم لغت
 اندر آمدن در این مرچم اسلام با ابراهیم ایران نهاد کند و دست پس از بدانی
 مرا حفظ کند و نگذارد کسی در دست شیطانی را بداند و با این کلام که
 با ما نمانده ام و دارم هرگاه مرا دوست داشته و دارم گاهی که می
 احتیاجی و دوستی و آزار ایمنی من را رسیده است و دوستی
 این حالت بوده من در خانه گیریم و ضراحت من با پدر
 مادر گریه و من و دوستانه / بیخوشی و با فضل و کرمش ما را
 رخصت کردند و در بهر شهر را بیند و من است و پدر و من می

رو خدا شکسته این در دنیا می‌نویسم

چه او را به جلال آن زجرات بی شایسته ضار یا رست خور

حریتش جلال کند

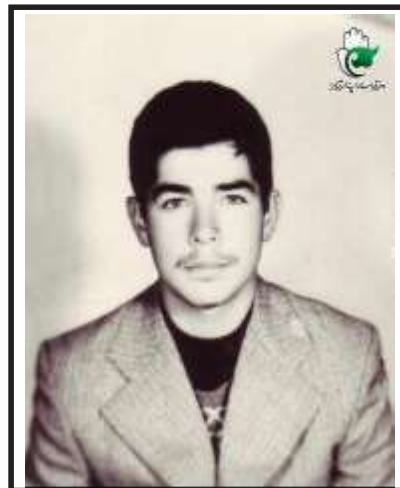
حق جو کردن به سرانگیزدن پیر و مادریم سنگین دم ۱۰۰۰

تنگن اریو هر دلی جز دلی تا آنکه لایق به یک فیضی را نگذرد

(مهر ابراهیم باکری)

۹۰۰۰۰۰۰۰

علی ابوالحسنی



نام: علی
نام خانوادگی: ابوالحسنی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۰/۱
محل تولد: شهرستان تفرش
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: سکینه
تحصیلات: دانش آموز اول متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۱۱
محل شهادت: عین خوش
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: بهشت معصومه شهرستان تفرش

گلچین وصیت نامه

- ❖ ای پدر! شادان باش و بدان که شهادت یکی از اعضای خانواده باعث سربلندی و عزت و شرف خانواده بلکه اسلام می گردد.
- ❖ برادرم! فرزندان را طوری تربیت کن که بتوانند در جامعه مفید باشند.
- ❖ خواهرانم! می خواهم همچون زینب (س) باشید و او را بشناسید و پیروش باشید و با حفظ حجاب و نجابت و عفت خود او را خشنود نمایید.
- ❖ فقط امام را دعا کنید و یاور امام باشید.
- ❖ از همه مردم می خواهم که به ریسمان خدایی چنگ زنید و از تفرقه پرهیزید و گرنه مدیون خون شهدا هستید.

بسم رب الشهداء والصدیقین

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.
 «ای مردم کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند».

با درود فراوان به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی و مردم شریف و مبارز ایران. در این مرحله از زمان انسان متعهد باید تصمیم نهایی خود را اتخاذ کند، یا درجه والای شهادت را یا ذلت و خواری یکی از این دو راه را.

من به عنوان یک مسلمان مقلد امام راه اول را اتخاذ کردم و با عشق به شهادت در مرز به جنگ با مزدوران بعثی و در داخل نیز با دست‌نشانده‌گان آمریکا و شوروی به مبارزه پرداختم. مگر ما از حسین (ع) بالاتریم یا ارزش جانمان بیشتر است؟ ای مردم مسلمان ما برای خاک نمی‌جنگیم، ما برای اسلام عزیز می‌جنگیم چه کشته شویم و چه بکشیم پیروزیم^۲ و در نزد خداوند بزرگ پاداش می‌گیریم.

من خود کوچک‌تر از آنم که شما را نصیحت کنم چون شما بالاتر و داناتر از من هستید ولی پیامم به شما این است، مردم آستین‌ها را بالا بزنید و از جنگ و شهادت در راه خدا نترسید و بر امپریالیست‌های شرق و غرب و اسرائیل کافر بشورید. آنها دارند خون جوانان و پیران و بچه‌های ما را می‌مکند و در عوض در کاخ‌های سر به فلک کشیده به خوش‌گذرانی مشغولند. تا کی می‌خواهید این ذلت را تحمل کنید؟

اما وصیت من به تو ای پدر و مادرم و برادران و خواهرانم:

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا متعمم خواهند بود».

۲. اشاره به این سخن از امام خمینی (ره) است: «من کراراً این را گفته‌ام که ما چه کشته بشویم و چه بکشیم پیروزیم»، صحیفه امام خمینی، جلد ۱۳، صفحه ۴۴۱.

وصیت من به تو ای پدر این است [که] در راه خدا اسماعیل‌های خود را آماده کن. مبادا اگر فرزندی در راه اسلام قدم برداشت و شهید شد غمی به چهره مردانه‌ات بینند. شادان باش و بدان که شهادت یکی از اعضای خانواده باعث سربلندی و عزت و شرف خانواده بلکه اسلام می‌گردد.

وصیت من به تو ای برادر این است که فرزندان را طوری تربیت کنی که بتوانند در جامعه مفید باشند. اما وصیت من به تو ای مادر گرامی و خواهر عزیزم این است [که] می‌خواهم همچون زینب(س) باشید و او را بشناسید و پیروش باشید و تحمل صبرش را در مصیبت به آن بزرگی کربلا که جلو چشم آن بزرگوار اتفاق افتاد، سرمشق خود قرار دهید. و با حفظ حجاب و نجابت و عفت خود او را خشنود نمایید.

مادر جان! بعد از شنیدن خبر مرگ من خواهش می‌کنم اشک مریز، زیرا امام بزرگوارمان در سوگ فرزندش اشک نریخت. چون می‌دانست رضای خداوند در این امر می‌باشد و فقط امام را دعا کنید و یاور امام باشید.

از همه مردم می‌خواهم که به ریسمان خدایی چنگ زنید و از تفرقه پرهیزید و گرنه مدیون خون شهدا هستید.

اگر شهید شدم می‌خواهم مرا در بهشت معصومه در کنار دیگر برادران شهیدم به خاک بسپارید.

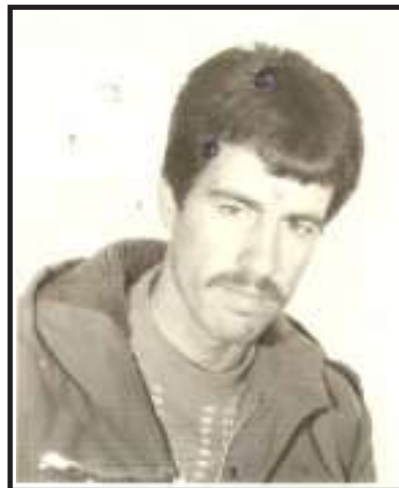
خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

علی ابوالحسنی

۶۱/۶/۳

علی ابوالحسنی



نام: علی

نام خانوادگی: ابوالحسنی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۵

محل تولد: روستای قلعه عباس آباد از توابع شهرستان

شازند

نام پدر: حسن

نام مادر: تاجماه

تحصیلات: دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۹

محل شهادت: محور اهواز-خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت گلوله به قلب و پا

محل دفن: شهر آستانه از توابع شهرستان شازند

گلچین وصیت نامه

- من وقتی که شهید شدم هیچ گریه نکنید.
- برای اینکه روح من شاد و خرم باشد همیشه آخر هر نماز برای امام و برای همه شهیدان دعا کنید.
- از نام خدا غافل مباشید.
- فریاد شهیدان راه خدا را به مردم برسان که همانا فریاد ما پیروی کردن از خدا و قرآن و خمینی است.
- راه شهدا را ادامه دهید.
- لحظه‌ای در راه اسلام از پا ننشینید و همیشه در حال کوشش باشید.

باسمه تعالی

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته»^۱.

«هر کس که مرا طلب کند خواهد یافت و هر کس که مرا بیابد^۲ خواهد شناخت و هر کس مرا بشناسد عاشقم خواهد شد و هر کس که عاشقم شود عاشقش خواهم شد و هر کس که عاشقش گردد او را خواهم کشت و هر کس را بکشم دیه او برگردن من خواهد بود و هر کس که دیه اش برگردن من باشد دیه اش را خواهم پرداخت».

پس از ستایش خداوند درود به رسول اکرم (ص) و بالخصوص حضرت مهدی (عج) و نائب برحقش امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران. و با سلام بر پدر و مادرم و خواهر و برادرانم و تمامی دوستان و آشنایان.

من علی ابوالحسنی، فرزند حسن بر اساس رسالت و مسئولیتی که حس نموده بودم در راه الله و برای پاسداری در راه الله و جمهوری اسلامی که خونبهای صدها هزار کشته و مجروح در جنوب کشور [است] آمدم و به جنگ علیه ضد انقلاب و ضد اسلامی، یعنی این صدام جنایتکار پرداختم.

و پدر و مادر! به آیندگان و به جهانیان بفهمان من برای پول و یا برای خودنمایی به جبهه نیامده بودم. من فقط یک راه و یک هدف^۳ برای خودم پیشه گرفتم که آن

۱. حدیث قدسی.

۲. اصل: بیاد.

۳. اصل: حذف (همه جا اصلاح شد).

هدف الله است و بر همه چیز برتر است.

مادر و پدر و برادر و خواهرم! من می‌دانم که در این راه شهید می‌شوم و من وقتی که شهید شدم هیچ گریه نکنید و برای اینکه روح من شاد و خرم باشد همیشه آخر هر نماز^۴ برای امام و برای همه شهیدان دعا کنید و بدانید که «بازگشت همه به سوی خداست»^۵، ولی چه زود یا چه دور ولی باید این فیض شهادت را ببرم و چه بهتر که در این راه.

پدر و مادر عزیزم! درود^۶ خدا بر تو باد که به من رضایت^۷ دادی به جبهه بروم و این رضایت تو یعنی امضا کردی که پسرت شهید بشود. آفرین بر توی پدر و مادر. پدر! از اول انقلاب من دلم می‌خواست شهید بشوم و هر روز سعی داشتم به جبهه حق علیه باطل بروم ولی شما راضی نبودید ولی بعداً^۸ راضی شدید و من را به جبهه فرستادی و من از آن ثانیه که به جبهه اعزام شدم، می‌دانستم که شهید می‌شوم؛ یعنی مثل این بود که کسی به من می‌گفت خوب باش و تو شهید می‌شوی. ولی من به هیچ کس نمی‌گفتم تا اینکه این وصیت را برای شما نوشتم.

ولی پدر و مادر! من را حلال کنید و به همه آشنایان و دوستان بگویید که من را حلال کنند و من را ببخشند. هر خوبی و بدی از من دیدید، معذرت^۹ می‌خواهم و به برادر و خواهر و هر کس که من را دوست دارد و برای شادی روح من چند رکعت^{۱۰} نماز و روزه^{۱۱} و چیزهای دیگر بخوانند و بگیرند.

به هر حال این مایه شکر پروردگار و افتخار برای من و شماست که در این راه به درجه شهادت برسم. مرگ سرخ شهادت را بر آن ترجیح می‌دهم. همان‌طور که قلبم

۴. اصل: نما.

۵. اشاره به بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۶. اصل: درود.

۷. اصل: رضاعت (همه جا اصلاح شد).

۸. اصل: بعدن.

۹. اصل: مظهرت.

۱۰. اصل: رکعت.

۱۱. اصل: روز.

آگاه است که به آرزوی خودم خواهم رسید.
پدر و مادر! از نام خدا غافل مباشید^{۱۲}. در این راه دین بکوشید که هرچه بکوشید کم است. «الله اکبر، خمینی رهبر» را از یاد نبرید و فریاد شهیدان راه خدا را به مردم برسان که همانا فریاد ما پیروی کردن از خدا و قرآن و خمینی است.
و سلامتی امام و شما را [و] طول عمر پربرکت برایتان آرزو می‌کنم. و راه شهدا را ادامه دهید و لحظه‌ای در راه اسلام از پائین‌نشینید و همیشه در حال کوشش باشید. خدا صبر و بردباری به شما عنایت کند، والسلام.


مورخه ۶۱/۱/۱۶


علی ابوالحسنی



امضاء^{۱۳}


۱۲. اصل: مباش.

۱۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

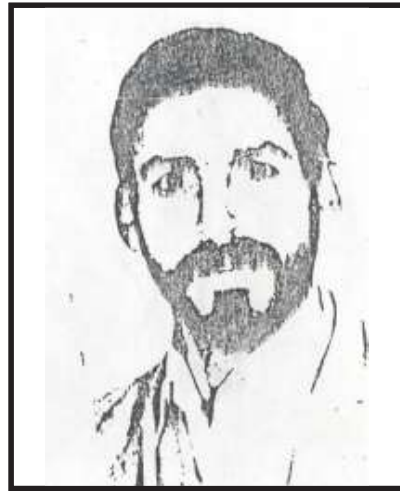

 در راه الله و جهنمی از روی که خونیهای صفاها را
 نشسته و صبر و محبت در جنوب استوار اندم و به جلد علی خدایتعالی و خداوندی
 یعنی این صدام خانی که کار پروراهتم و پدر و مادر به این مکان و به جهنمی
 به جهنم من برای پول و یا برای خودمائی به جهنم نیامده بودم من فقط یک راه
 و به هدف برای خودم پیوسته گرفتم که آن هدف الهی است و به جهنم
 به تو است مادر و پدر و برادر و خواهرم من میدانم که در این راه شهید می شوم
 و من و شما هم همیشه در پی نماند و برای انبیا روح من شده خرم باشد
 همیشه از هر جا برای تمام و برای همه شهیدان دعا کنید و بدانید که بازگشت
 همه به سوی خداست و آنچه زود یا بعد دور ولی باید این شهادت بکنم
 و چه بهتر که در این راه پدر و مادر عزیزم در راه ابد بقیاد که به من رفعت


 دل من به جیهه بروم و این ضمانت تو یعنی ایضا کردی که سرت
 شهید بشود آنه این بروی پیر و مادر و پیر از اول انقلاب
 دلمی خواست شهید بشوم و هر روز سعی داشتم به جیهه حق علیه
 باطل بروم ولی شما راضی نبودید ولی بعد راضی شدید من را به
 جیهه فرستادید من از آن ثابته که به جیهه اخذ ام شدم و
 داشتم که شهید می شوم یعنی مثل این بود که کسی پس می
 گفت خوب باش و تو شهید می شوی ولی من به جیهه پس نمی گفتم تا اینکه
 این وصیت را برای شما نوشتم ولی پیر و مادر من را
 خدا کسب و به همه آشنایان و دوستان بگوئید که من را خدا کسب
 و من را بیفتند هر خوبی هر بدی از من دیده نظرت می خواهم و به

۱۴۰۶/۱۲/۲۲




 من خداوندی هستم که من را دوست دارد و برای منادی روح
 من چند کلمه ساز و روز و چیزهای دیگر بخواهند و بکنند بهر حال
 این مایه شکر پروردگار و افتخار برای من است که در این
 راه به درجه شهادت برسم. سرخ شهادت را بر آن ترجیح
 دهم همانطور که قلمم آگاه است که به آرزوی خودم خواهم رسید. پدر و
 مادر از نام خدا غافل نباشند در این راه دین بگویند که مردم بگویند گم است.
 (الله اکبر و حسنی رحیم) را از یاد نبرید و فریاد سینه ان راه خدایه مردم برسان
 که همانا فریاد ما پیروی کردن از خدا و قرآن و حسنی است. و سیدی است
 و شمار اهل عمر به برکت به این آرزوی کنم و راه شهدا را ادامه دهم
 و نظای در راه اسلام از یاد نبرید و همیشه در حال پیش باشید خدا صبر و پایداری
 به شما عنایت کند و اسلام
 سعید من
 ۹۱/۱/۶
 منور
 Ali

قاسم ابوالحسنی



نام: قاسم
نام خانوادگی: ابوالحسنی
تاریخ تولد: ۱۳۲۰/۱/۵
محل تولد: روستای قلعه عباس آباد از توابع
شهرستان شازند
نام پدر: اصغر
نام مادر: خانم تاج
تحصیلات: بی سواد
شغل: نانوا
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۲/۲۵
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر
محل دفن: شهر آستانه

گلچین وصیت نامه

- ❖ بیایید با خدا آشتی کنید که مبادا دیر شود و عمر به پایان رسد که دیگر در قیامت پشیمانی ارزشی ندارد.
- ❖ خود را در دنیا سختی دهید که حلاوت شما در آخرت است.
- ❖ بنده واقعی الله باشید که رضای خدا در بندگی است.
- ❖ عزیزان! باید خدمت کرد و رها کرد خود را از بندهای دنیوی و باید خدمت کرد برای خدا در راه خدا و به فرمان خدا.

بسم رب الشهداء

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان، یاور تمامی مظلومان و ستمدیدگان و درهم‌کوبنده طاغوتیان. و با درود و سلام بر یگانه منجی عالم بشریت مهدی موعود و نائب برحقش امام امت و سلام بر شهدا و مفقودین که رفتند.

و آری از کجا وصیت‌نامه را شروع کنم. قبل از شروع نوشتن وصیت‌نامه دلم را به خدا می‌سپارم یعنی بسم الله شهادتینم را به زبان جاری می‌کنم که «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد».

بعد از اینکه نیتم را پاک کردم یک آیه قرآن درباره شهید می‌نویسم و گویای این باشد که کورکورانه این راه را نرفته‌ام بلکه از قرآن درس چگونه زیستن و چگونه مردن را آموخته‌ام.

«یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب الیم. تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون»^۱.
خدا یا! من هدفم به جز برپایی دین تو نیست همانند آنهایی که دین خود را به دین تو ادا نمودند، پس مرا در این مسیر موفق بدار. این شایستگی و لیاقت را به من بده که همانند حسین (ع) که [...] با شهادت من باقی نمی‌ماند پس ای شمشیرها مرا دریابید^۲، من نیز در تداوم همین راه صدا برمی‌آورم ای توپ‌ها، ای تانک‌ها، ای هواپیماها و ای

۱. آیات ۱۰ و ۱۱، سوره صف: «ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک نجات بخشد دلالت کنم؟ به خدا و رسول او ایمان آرید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید، که این کار اگر دانا باشید برای شما بهتر است».

۲. خوانا نیست.

۳. شعری منسوب به شیخ محسن ابوالحب حویزی است که در وصیت به اشتباه از امام حسین (ع) دانسته شده است: «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یا سیوف خذینی: اگر دین محمد جز با جان سپاری من راست نمی‌ماند، ای شمشیرها! بیایید و مرا در آغوش خویش بگیرید».

مسلسل‌ها مرا دریابید.

عزیزان! بیایید با خدا آشتی کنید که مبادا دیر شود و عمر به پایان رسد که دیگر در قیامت پشیمانی ارزشی ندارد. خود را در دنیا سختی دهید که حلاوت شما در آخرت است و بنده واقعی الله باشید که رضای خدا در بندگی است. در ضمن، من از اینکه چند سال در میان مردم آستانه زندگی کردم از شما می‌خواهم که هرکس از من بدی دیده مرا ببخشد و حلال کند. عزیزان! باید خدمت کرد و رها کرد خود را از بندهای دنیوی و باید خدمت کرد برای خدا در راه خدا و به فرمان خدا، الهی! «رضاً به رضائک تسلیم لامرک». خدایا! مدت‌ها بود آرزو داشتم که ای کاش می‌توانستم در صحرای کربلای ایران جزء یاران حسین باشم و حسین زمان را یاری کنم. شکر خدای را که این توفیق نصیبم شد، خودت قبول کن.

قاسم ابوالحسنی

۶۵/۲/۱۲

التماس دعا

محمد حسین ابوالحسنی



نام: محمد حسین
نام خانوادگی: ابوالحسنی
تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۲
محل تولد: روستای قلعه عباس آباد از توابع
شهرستان شازند
نام پدر: علی اصغر
نام مادر: خانم تاج
تحصیلات: سوم ابتدایی
شغل: جهادگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۸/۲۰
محل شهادت: مرز ایران و عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به پا
محل دفن: شهر آستانه از توابع شهرستان شازند

گلچین وصیت نامه

- من یک پاسدارم و برای اجرای احکام اسلامی به جهاد پرداخته‌ام.
- خواسته من جز اجرای احکام اسلامی [و] پشتیبانی از ولایت فقیه چیز دیگری نمی‌تواند باشد.
- بعد از من گریه [نکنید و از پوشیدن] لباس سیاه خودداری کنید و این سعادت را جشن بگیرید.
- از همسر می‌خواهم که فرزندم را در پرورش اسلامی نهایت سعی خود را بنماید [و از] او سربازی فداکار و ایثارگر در راه حق و حقیقت بسازد.

بسم رب الصابرين

درود [و] سلام به امام امت خمینی بت شکن رهبر مستضعفان^۱ جهان. [اکنون] که وقت آزاد شدن من از قفس دنیوی رسیده است و باید به سوی زندگی سعادتمند و جاویدان رخت بربندم، می بینم که سخنی هر چند کوتاه به عنوان وصیت داشته باشم. من یک پاسدارم و برای اجرای احکام اسلامی به جهاد پرداخته ام. [از] ریخته شدن خونم در این راه باکی ندارم. خواسته من جز اجرای احکام اسلامی [و] پشتیبانی از ولایت فقیه چیز دیگری نمی تواند باشد. دیگر آنکه بعد از من گریه [نکنید و از پوشیدن] لباس سیاه خودداری کنید و این سعادت را جشن بگیرید. من^۲ شهادت را سعادت نمی دانم و بنابراین عزاداری پس از شهادت بی معنی است.

از همسر می خواهم که فرزندم^۳ را در پرورش اسلامی نهایت سعی خود را بنماید [و از] او سربازی فداکار و ایثارگر در راه حق و حقیقت بسازد و از هیچ گونه کوششی [...] و غافل نشود. هم چنین از او می خواهم که مادر خوبی برای بچه ها باشید. و دیگر همسر، بعد از من در صورت امکان ازدواج کن که با این کار مرا خشنود خواهی کرد.

باری ۱۵۰ تومان به ذبیح ترابی بدهکارم. دیگر عرضی نیست، خدا حافظ.

امضاء^۴

۶۱/۱۱/۳

۱. اصل: مستضعفان.

۲. اصل: ما.

۳. اصل: فرزندم.

۴. خوانا نیست.

۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

(۱۱)

ایم خمیک

باید از راه شکست عراق به لبنان برویم

روحیت نام محمد ابراهیم

شهادت محمد حسن ابراهیمی

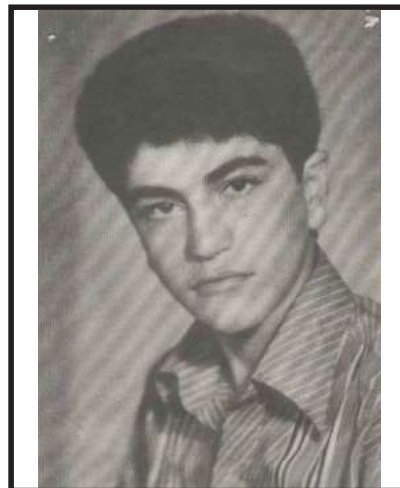
روز دوشنبه ۱۳۵۹/۷/۲۲

۱۰۱۴۴۷

و السلام. ای مردم! اینست حقیقتی که در برابر همه غفلت‌های جهان
 که وقت آزاد شدن من از قفس درنور رسید. است و باید به سوی آزادی
 با دست و پا و بدلیل سختی بر مندم می‌بینم. سختی هر چند کوتاه بر عتق‌الن و جمعیت
 من به نام من است. با سلام و برال ایران. احکام اسلام و به بهانه پر دانه ام.
 رفته شدن من در این راه باکی ندارم. خوار هستم من به ایران احکام اسلام.
 جهان از ولایت فقیه بهر دیگر نمی‌تواند باشد دیگر (نکته) بعد از من کسی
 در لبنان به نام من در این کشور به این بهانه را به من می‌شمارد و
 معاد من دانند و بنابر این عواد این من از شهادت بی معنی است. از کتاب
 من می‌خواهم که فرزند نام را در هر روز و اسلام و نهایت من خود را بنمایند
 و برای آنکه خدا کار و این کار را در راه حق و حقیقت بسازد و از بهر میل و روشنی
 و مایل من شود. من به این از او من نمی‌گویم که مادر خوبی برای من باشد و دیگر
 من بعد از من در صورت امکان از دوایج آن به با این کار مرا خوشتر دانستم
 کرد و با هر که از من به زنجیر را به دیگر من نیست. خدا اعلم
 اینست که من می‌گویم. امسار را دعا کنید.

علی آقا

محسن ابوالقاسمی



نام: محسن

نام خانوادگی: ابوالقاسمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۱/۸

محل تولد: روستای واران شهرستان دلیجان

نام پدر: رضاقلی

نام مادر: شهربانو

تحصیلات: دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱/۷

محل شهادت: دهلران

نحوه شهادت: اصابت گلوله

محل دفن: گلزار شهدای روستای واران

گلچین وصیت نامه

من یکی از سربازهای اسلام هستم و باید جان را فدای اسلام و دین و میهن بکنم و این هم یک وظیفه عمومی است.

اگر لیاقت شهید شدن را داشته باشم تو ای مادر اگر من شهید شدم، راضی نیستم که گریه و زاری کنی.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده و مهربان

به نام خدا این نامه کوچک را آغاز می‌کنم. و امیدوارم که ناراحت نشوید مادر جان ببخشید و پدر جان شما هم همین‌طور. چون وقت کم بود و نمی‌دانستم که درست بنویسم. مادر جان، من یکی از سربازهای اسلام هستم و باید جان را فدای اسلام و دین و میهن بکنم و این هم یک وظیفه عمومی است و چون اگر من برگشتم از جبهه حق علیه باطل این نامه را باز کنید و بخوانید. خیلی دلم می‌خواهد شهید بشوم، چون این همه که شهید شدند مگر خون آنهایی که شهید شدند از ما رنگین‌تر است؟ و من هم یکی از آنها. اگر لیاقت شهید شدن را داشته باشم تو ای مادر اگر من شهید شدم راضی نیستم که گریه و زاری کنی چون در قبر گورستان می‌لرزد و اگر من شهید شدم سفارش تو را می‌کنم گرچه من لیاقت شهید شدن را ندارم، چون کسی که شهید می‌شود درختان نونهال انقلاب را آبیاری می‌کند.

دیگر عرضی ندارم، خدا حافظ.

محسن ابوالقاسمی

۱۳۶۰/۳/۶

در ضمن من هم در قبرستان بهشت معصوم دفن کنید، اگر نشد میل خودتان.

حسینعلی ایبزی



نام: حسینعلی
نام خانوادگی: ایبزی
تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۴/۱
محل تولد: شهرستان دلیجان
نام پدر: قربانعلی
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
شغل: کارمند صنایع دفاع
تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۱۰/۱۹
محل شهادت: آبادان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: بهشت زهراي تهران

گلچین وصیت نامه

❖ درخواستم از امت قهرمان و شهیدپرور این است که امام را تنها نگذاشته و هرچه که در توان دارند برای پیروزی در جنگ صرف کنند و تا می توانند جبهه را تقویت کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه

مورخه ۱۳۶۰/۹/۱۰

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که من کارمند فنی شماره ۳۶۱۱، حسینعلی ابیضی، دارنده شناسنامه شماره ۵۴۵ صادره از قلهک جهت اعزام به جبهه حق علیه باطل و نبرد علیه کفر بعثی و حمایت از دین مبین اسلام و وطن اسلامی و یاری امام عظیم الشان و امت مستضعف [و] شهیدپرور و به یاری حضرت ولی العصر امام زمان (ارواحنا له الفداه) و لطف ایزدمنان به این رهنمود الهی نائل آمدم.

به امید پیروزی اسلام و مسلمین بر استکبار جهانی شرق و غرب به سرکردگی ابرجنایتکار غرب، آمریکای خون‌آشام و آرزوی طول عمر رهبر کبیر انقلاب و آزادی قدس عزیز برای انجام این فریضه الهی رهسپارم، وصیت نامه خود را چنین تنظیم و ارائه می‌دهم:

۱- درخواستم از امت قهرمان و شهیدپرور این است که امام را تنها نگذاشته و هرچه که در توان دارند برای پیروزی در جنگ صرف کنند و تا می‌توانند جبهه را تقویت کنند.

۲- در این مدت که من در جبهه هستم پدرم کفیل اداره کردن خانواده‌ام می‌باشد و از ایشان خواهش می‌کنم که ماهی پانصد تومان برای پسر سعادتمند از حقوقم پس انداز نماید.

۳- مبلغ سه هزار تومان به تعاونی رفاه حفاظت فنی بدهکارم که ماهیانه مبلغ ششصد تومان از حقوقم باید بپردازم که پانصد تومان آن جهت بدهی و یکصد تومان

دیگر جهت سهمیه ماهانه خواهد بود که آقای سیداسماعیل [...] ^۱ اردستانی از حقوقم به تعاونی بدهد.

۴- آقای اسماعیل [...] ^۲ اردستانی از طرف من وکیل [می باشد تا] حقوقم را گرفته و پس از پرداخت قسط تعاونی بقیه را به خانواده ام بدهد.

۵- مبلغ چهار هزار و هشتصد تومان هم از پدرم طلب دارم که هر وقت ایشان داشتند به خانواده ام بدهند.

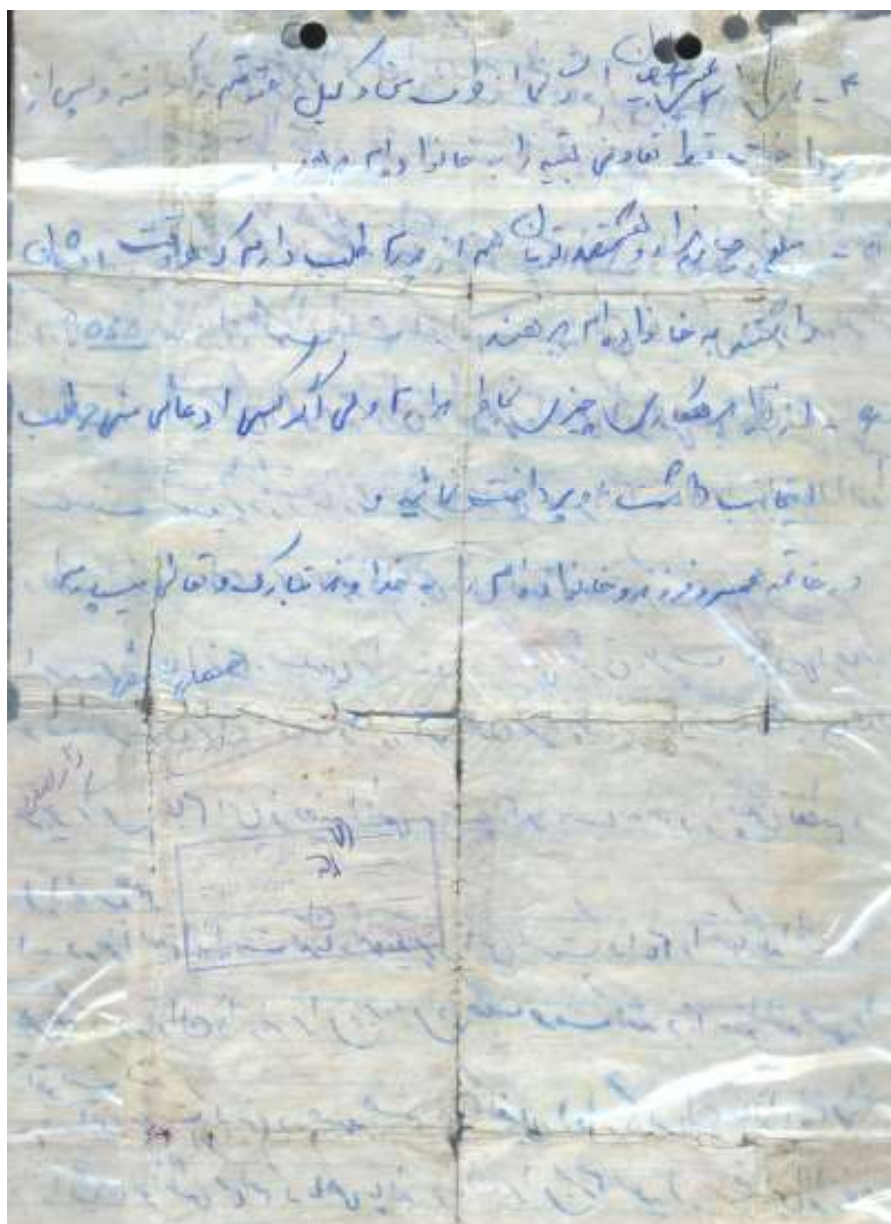
۶- از نظر بدهکاری چیزی به خاطر ندارم، ولی اگر کسی ادعایی مبنی بر طلب اینجانب داشت به او پرداخت نمایید.

در خاتمه همسر و فرزند و خانواده ام را به خداوند تبارک و تعالی می سپارم.

حسینعلی ایبضی

۱. خوانا نیست.

۲. خوانا نیست.



محمود اتابکی

نام: محمود

نام خانوادگی: اتابکی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۳۰

محل تولد: روستای میلاجرد از توابع شهرستان

کميجان

نام پدر: محمد

نام مادر: سکینه

تحصیلات: بی سواد

شغل: کشاورز

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۷/۱۴

محل شهادت: سرپل ذهاب

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر

محل دفن: روستای میلاجرد

گلچین وصیت نامه

- ای مادر عزیزم! از تو می خواهم که همچون زینب کبری در برابر مرگ من ایستادگی کنی که منافقان فکر نکنند که شما در برابر اسلام ضعف دارید.
- ای برادران عزیزم! ادامه دهنده راه من باشید.
- در سنگر مدرسه مشیت محکمی بر دهان یاوه گویان شرق و غرب بنزید و بگویید که ما از مرگ هراسی نداریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

[...] و به تو ای پدر بزرگوaram که من را بزرگ کرده و با جرأت کامل مرا روانه جهاد با کفار کردی، بایستی مرا حلال کنی که چند سال عمر خویش را نتوانستم حتی جواب یکی از خوبی‌های شما را بدهم. من که اجری ندارم امیدوارم که خداوند بزرگ و یکتا به شما اجر و استقامت عنایت فرماید و تو را در راه خودش ثابت قدم دارد. [...]²

به تو ای مادر عزیزم! از تو³ می‌خواهم که همچون زینب کبری در برابر مرگ من ایستادگی کنی که منافقان فکر نکنند که شما در برابر اسلام ضعف دارید خدا نخواسته و سعی کن که در همان موقع که خبر شهادتم را به تو⁴ دادند و این وصیت‌نامه را برای خواندند⁵ مرا حلال کنی، زیرا نتوانسته‌ام وظایف خود را نسبت به شما انجام دهم و جواب یکی از خوبی‌هایت که مرا شرمنده خود ساخته‌ای بدهم. و بعد از اینها [...]⁶ باز هم از تو می‌خواهم که مرا حلال کنی و حلالیت مرا از همه طلب کنی.

و به شما⁷ ای خواهران بزرگوaram که مانند رقیه و دیگر ائمه در برابر اسلام قدم برداشته‌اید و برادر حقیر خود را فدای اسلام کرده‌اید، امید هست در همه جهت‌ها مرا حلال کنید و تسلی مادر عزیز و پدر بزرگوaram باشید. و سعی کنید تا چند شب جمعه بر سر مزارم همراه پدر و مادر و برادرانم و همچنین همسر و فرزند دلبندم بیایید.

۱. صفحات ابتدایی وصیت در دسترس نیست.

۲. در این قسمت جملاتی نگارش و خط خورده است.

۳. اصل: ازت (همه جا اصلاح شد).

۴. اصل: بهت.

۵. اصل: خواندن.

۶. در این قسمت جملاتی نگارش و خط خورده است.

۷. اصل: تو.

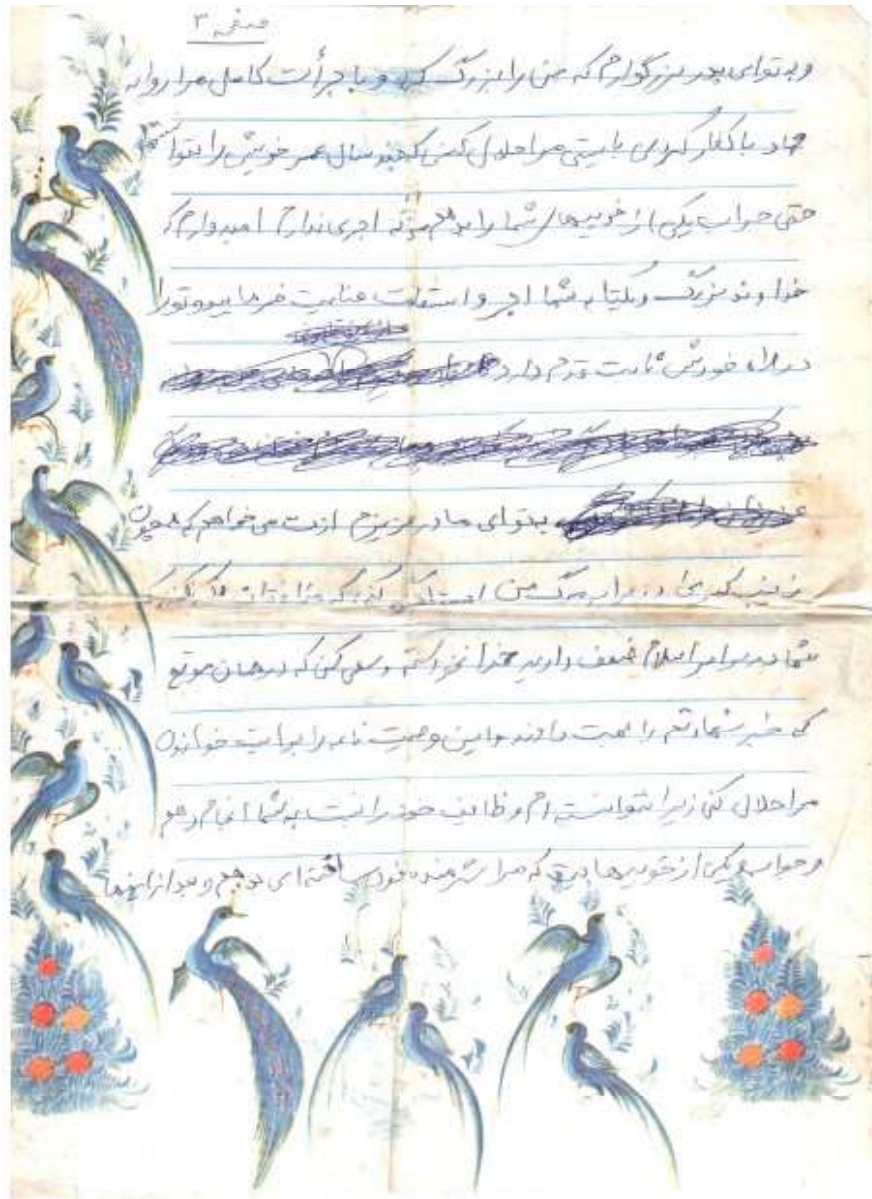
ناگفته نماند از تو می‌خواهم که تا حد امکان گریه نکنید و اگر گریه کردید به خاطر من نباشد، بلکه به خاطر خوف از خدا و برای دیگر شهدا باشد. امید هست که همه شما ادامه‌دهنده راهم باشید.

به تو ای همسر بزرگوارم که نتوانسته‌ام در این طول همسرمداری خدمتی به شما کنم و شما را حتی برای لحظه‌ای از دست خود راضی کنم. امیدوارم که مرا ببخشی و حلال کنی و از فرزند عزیزم خوب مواظبت و نگهداری و او را مانند اسمش سمیه، که یکی از جهادگران راه خدا می‌باشد بزرگ کنی و درس شجاعت و شهامت را به او یاد دهی تا یاری‌کننده راه من باشد.

و به شما ای برادران عزیزم! همان‌طور که به پدر و مادرم گفتم شما را یاری دهد تا ادامه‌دهنده راه من باشید و همچنین در سنگر مدرسه مشقت محکمی بر دهان یاوه‌گویان شرق و غرب بنزید و بگویید که ما از مرگ هراسی نداریم.

و امید هست که من حقیر را حلال کنید. دیگر از اینکه از همه خویشان، عموهای بزرگوارم و پسرعموهایم و دایی‌هایم و فرزندانم خلاصه همه خویشان و آشنایان از شان خواستار عفو و بخشش می‌باشم. امید دارم که همگی مرا حلال کنند.

[...] ^۸



تصویر و دست نامه تحریر شده است
صفحه ۴
بسم الله الرحمن الرحیم
اینکه در این روزگار که با ما می خواهم که مرا حلال کنی و حلالیت مرا
نه طلب خواهی کنی. و به تو ای خواهر از گواهم که مانند رقیب و دشمنی آن در برابر آلاء
ایزدانسته اید و برادر حقیر خود را فدای اسلام کرده ایم امید هست در همه جهت ها
حلال کنید و تسلی ما در عزیز و پدر بزرگوارم با شنیده و سعی کنید تا چند شب بعد
بسر مزاج همراه پدر و مادر و برادرانم و همچنین همسر و فرزندانم بیاید تا گفته باشد
ت می خواهم که تا حد امکان سر به نلتید و اگر گریه کردید بخاطر من نباشد بکدب خاطر خوف از
ادرای دیگر شهدا باشد امید هست که به شما ادامه بدهند و با شنیده به تو ای همسر بزرگوارم
توانسته ام در این طول همسرداری خودی، شما کنم و شما را حتی برادر نظر در این است
افنی کنم امیدوارم که مرا ببخشی و حلال کنی و از فرزندان عزیزم خوب مواظبت و نگهداری
و او را مانند اشمن سمیه که یکی از چهار دختران راه خودی باشد بزرگ کنی و در سن شصت
سال با او و مادرش تا یاری کنده راه من باشد و به شما هم برادران عزیزم هم نظر کنم به
مادر که گفتیم شما را یاری دهد تا ادامه بدهد و به من بارید و همچنین در سینه خود که هست کمک
هوان یا و توان در رف و غریب و بزرگوارم و اگر کسی از شما می خواهد که من حقیر را
کنند و دیگران را هم خوشایان همروهای بزرگوارم و بر سر و همایم و در سینه اش
صه هم خوشایان و آشنایان از من غلظت و عفو و بخشش می باشد امید دارم که
همگی مرا حلال کنند.

سید علاء الدین اجاقی



نام: سید علاء الدین

نام خانوادگی: اجاقی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۰/۲۰

محل تولد: روستای بصری از توابع شهرستان شازند

نام پدر: سید رضا

نام مادر: توران

تحصیلات: دانشجوی سال دوم (رشته ریاضی)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۴

محل شهادت: بوارین

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: جاویدالآثر

گلچین وصیت نامه

- ❖ هیچ گاه رهبر عظیم الشان انقلاب، امام را تنها نگذاشته و سرورمان، این امید امت و امام را پشتیبان باشند.
- ❖ با پشتیبانی از روحانیت مسئول و متعهد، مشت محکمی به دهان یاهو گویان شرق و غرب کوبید.
- ❖ تا آنجا که می توانید با ضد انقلاب مبارزه کرده.
- ❖ هیچ گاه نماز جمعه را ترک نکنید.
- ❖ با گران فروشی و احتکار مبارزه کنید.
- ❖ همیشه مواظب حزب کثیف توده باشید.

بسم رب الشهداء والصدیقین

وصیت‌نامه شهید علاءالدین اجاقی

«...انا لله و انا اليه راجعون»^۱.

با نام خدا و با آرزوی طول عمر برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی و فرج هرچه زودتر امام زمان(عج) و پیروزی هرچه سریع‌تر رزمندگان اسلام بر کفار بعثی و شفای عاجل تمامی مجروحین و معلولین. و با درود بیکران به ارواح پاک تمامی شهدای اسلام از صدر اسلام تا کربلای حسینی و از کربلای حسینی تا کربلاهای غرب و جنوب ایران، وصیت‌نامه خود را آغاز می‌نمایم:

حمد و ستایش خدای متعال را که درهم کوبنده ستمگران است و یاری‌کننده مستضعفان. پروردگارا، تو خود می‌دانی که من برای لیبیک گفتن به ندای «هل من ناصر» حسینی به جبهه آمده‌ام، برای دفاع از دین مبین اسلام و دفاع از حریم مسلمانان به جبهه جنگ با تجاوزگران کافر آمده‌ام.

بارالها! این کار کوچک در راهت را به کرمات از این حقیر قبول بفرما. خداوند! به من توفیق ادامه دادن راه شهدا را عطا بفرما تا بتوانم مسئولیت سنگینی را که در قبال خون پاک شهدا دارم به نحو احسن به انجام برسانم و در ادامه دادن راه خونین شهدا یاریم فرما تا در روز قیامت در پیش شهیدان حسین بن علی(ع) روسفید باشم.

بعد از حمد و ستایش و راز و نیاز با خداوند متعال خدمت والدین عزیزم سلام می‌رسانم. پدر و مادر مهربان و بزرگوارم، شما زحماتی زیاد برای من کشیده‌اید تا مرا

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

به این حد رسانده‌اید. من از شما والدین گرامیم قدردانی و تشکر می‌کنم و امیدوارم که بتوانم با جهاد در راه خدا جبران زحمات شما را بنمایم.

والدین عزیزم! بعد از شهادت برای من گریه نکنید، بلکه خوشحال باشید که فرزندان در راه دفاع از دین حق شهید شده و هنگام تشییع جنازه من توقع دارم با گام‌هایی استوار پیشاپیش جنازه من حرکت کنید و بر مزار من گریه نکنید و شکرگزار خداوند باشید تا چشم دشمنان اسلام کور شود.

پدر و مادر عزیزم! اگر تا به حال خلافتی از من دیده‌اید و فرزند شایسته‌ای برای شما نبوده‌ام مرا ببخشید و از تقصیرم در گذرید تا در پیشگاه خداوند متعال از این بابت (احترام به پدر و مادر) روسفید باشم.

خدمت برادر عزیزم سلام عرض می‌کنم. برادر جان، تو خود می‌دانی که شهادت اوج افتخار است، پس اگر شهید شدم امیدوارم که بعد از شهادتم برای من گریه نکنید و با خوشحالی شکرگزار خداوند باشی و همیشه در خدمت به مسلمانان و پیروی از دستورات امام عزیزمان موفق باشید. ضمناً اگر در گذشته خلافتی از من مشاهده کردید امیدوارم که مرا ببخشید.

خدمت تمامی خواهرانم سلام می‌رسانم و از شما خوه‌ران عزیزم تقاضا دارم که بعد از شهید شدنم گریه نکنید، بلکه خوشحال بوده و با حفظ حجاب و پاکی خود همیشه در راه مبارزه با بی‌حجابان این جرثومگان فساد موفق باشید و اگر تا به حال ناراحتی از من دیده‌اید مرا ببخشید.

پیامم به امت مسلمان:

امت مسلمان، خانواده محترم شهدا، برادران همسنگر (دانش‌آموزان)، من کوچک‌تر از آنم که بخواهم برای شما عزیزان پیام بفرستم، اما لازم دانستم که نکاتی را به عرض شما عزیزان برسانم.

ای برادران! آنان که رفتند کاری حسینی کردند و ما که مانده‌ایم باید حسین وار

راهشان را ادامه بدهیم.^۲ شهدای ما با خون خودشان این سربلندی و افتخار و پیروزی اسلام را به دست آوردند و پیش ما به امانت سپردند و رفتند و ما هم باید همان‌گونه که آنها در پیشبرد اهداف اسلامی کوشا بودند، بکوشیم تا نگذاریم که خون این شهدا به هدر رود.

و من هم به عنوان برادر کوچک شما از شما تقاضا دارم تا آنجا که می‌توانید با ضد انقلاب مبارزه کرده و هیچ‌گاه نماز جمعه را ترک نکنید و با گران‌فروشی و احتکار مبارزه کنید و مواظب آنهایی باشید که در نماز جمعه و جماعت هم شرکت می‌کنند اما می‌خواهند با این کارشان نظر شما ملت مسلمان را به خود جلب کرده و از طرفی به شما امت مسلمان مخفیانه خیانت کرده و دست به گران‌فروشی و احتکار می‌زنند. از اینها همه گذشته همیشه مواظب حزب کثیف توده باشید که این حزب کثیف خیلی خطرناک است. هیچ‌گاه دعا به جان امام از یادتان نرود.

و حال روی سخنم با برادران دانش‌آموز است که در سنگر مدرسه با دشمنان استعمارگر مبارزه می‌کنند. ای برادران عزیز، با هوشیاری کامل در مدارس، مواظب احزاب کثیفی مانند حزب توده بوده و همیشه در نماز جماعت و نماز جمعه و مراسم دعای توسل و دعای کمیل شرکت کنید و در پیشبرد اهداف اسلامی کوشا باشید تا خداوند از شما راضی شود.

در خاتمه از تمامی دوستان و آشنایان تقاضا دارم که هرگونه خلافتی از من دیده‌اید مرا حلال کنید. و از کلیه برادرانی که در تشییع جنازه من شرکت کرده‌اند خواهش می‌کنم که اگر می‌توانند یک روز نماز و یک روز روزه برای من بجا بیاورند. و کلیه وسایل شخصی من را در راه خدمت به مستضعفین مصرف نمایند. و محل دفن من هم به اختیار پدرم باشد، ولی دوست دارم پیش شهدای گلگون کفن اراک به خاک سپرده شوم.

۲. تعبیر شهید مشابه با این سخن از دکتر علی شریعتی است: «آنان که رفتند، کاری حسینی کردند. آنان که ماندند باید کاری زینبی کنند، و گرنه یزیدی‌اند».

«...والسلام علی من التبع الهدی»^۳.

«اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمد رسول الله، اشهد ان علی ولی الله».

وصیت نامه علاءالدین اجاقی

مورخه ۶۱/۱۰/۲۲

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

مورخه: ۶۱/۲/۳۱

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۴.

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد

خدای خود روزی می گیرند».

با نام خدا و با آرزوی پیروزی هرچه سریع تر رزمندگان اسلام بر کافران بعثی و طول عمر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و فرج هرچه زودتر امام زمان (عج) و با سلام به تمامی شهدای راه حق و تمامی شهیدانی که با نثار خون پاک خود اسلام را زنده کرده و جمهوری اسلامی را بپا کردند.

من به عنوان فرد حقیری که به جبهه نبرد حق علیه باطل آمده ام تا مقداری از بار سنگین گناه کم شود. از ملت مسلمان و شهیدپرور انقلاب ایران تقاضا دارم که هیچ گاه رهبر عظیم الشأن انقلاب، امام را تنها نگذاشته و سرورمان، این امید امت و امام را پشتیبان باشند و با پشتیبانی از روحانیت مسئول و متعهد، مشیت محکمی به دهان یاوه گویان شرق و غرب کوبید. چون تنها راه نجات اسلام پیروی از روحانیت می باشد.

۳. بخشی از آیه ۴۷، سوره طه: «فَأَتَيْنَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى: اینک هر دو به جانب فرعون رفته و بگویید که ما دو رسول پروردگار توایم، پس بنی اسرائیل را با ما فرست و عذاب به آنها نکن، که همانا ما با آیت و معجزه ای از جانب خدای آفریننده تو نزد تو آمده ایم، و سلام بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند».

۴. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نpendarيد که شهيدان راه خدا مرده اند، بلکه زنده اند و در نزد خدا متنعم خواهند بود».

امیدوارم که انقلاب اسلامی به رهبری امام امت به سراسر جهان صادر شود تا نظام‌های ضد انسانی از بین رفته و نظام عدل اسلامی جانشین آنها گردد.

و اینک شما ای پدر عزیز و گرامی و ای مادر مهربان! ای بزرگوارانی که یک عمر زحمت کشیدید تا فرزندی سازنده و مفید به اسلام و مسلمین عرضه کنید، اکنون به آرزوی دیرینه خود رسیده‌اید و این فرزند حقیرتان می‌رود تا قطره‌ای خون ناچیز خود و جان ناقابل خود را به پروردگار خویش تقدیم کند.

والدین بزرگوارم! زحمات جبران‌ناپذیر شما را نمی‌دانم با چه زبانی و با چه کلامی جبران کنم، ولی می‌دانم به جبهه آمدن من مقدار ناچیزی از آن زحمات شما را جبران خواهد کرد و اگر این جهاد مورد قبول خداوند متعال واقع شود، زحمات شما به اجر اخروی تبدیل خواهد شد.

از شما پدر و مادر عزیز و شما ملت شهیدپرور تقاضا می‌نمایم که به جان رهبر انقلاب دعا کرده [و شعار] (خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار) را همیشه به یاد داشته باشید.

پدر و مادر گرامی! از شما طلب حلالیت می‌کنم. ضمناً برادر گرامی و عزیزم وصیت‌نامه قبلی من به قوت خود باقی است و این نامه به عنوان آخرین نامه من بعد از عملیات می‌باشد. چون در وصیت‌نامه قبلی ذکر نشده که محل دفن من کجا باشد، در اینجا می‌گویم که محل دفن من را هر کجا که پدرم تشخیص داد، قرار دهید. و من الله توفیق السعاده.

«...والسلام علی من التبع الهدی»^۵.

۶۱/۲/۳۱

اجاقی - امضاء^۶

۵. بخشی از آیه ۴۷، سوره طه: «فَاتَّبِعْهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى: اینک هر دو به جانب فرعون رفته و بگویید که ما دو رسول پروردگار توایم، پس بنی اسرائیل را با ما فرست و عذاب به آنها نکن، که همانا ما با آیت و معجزه‌ای از جانب خدای آفریننده تو نزد تو آمده‌ایم، و سلام بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند».

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

[illegible]

(۲)

مردی که برای من گریه نکنید بلکه خوشحالی باشید که فرزندانم در راه دفاع از دین حق
 مرکز ایثارگران گرامش بخش جانانم قریب دارم با تمام بی استوار بیایم چنانچه من ~~باشد~~

~~حکومت~~ کنید و بر من گریه نکنید و سگزار فرزند او را بکشید تا چشم دشمنان اسلام کور
 شود. پیروما در غایت اکر تاجایی ~~و~~ خلایق از من دیده اند و فرزند شایسته ای برای شما نهاده ام مرا

ببخشید و از تصمیم در گذرید تا در بنگاه خداوند متعال از این بابت ^{احرام} ~~بهره~~ روایتی روایتی
 فرست برادر عزیزم سلام عرض کنم. برادر جان تو خودت میدانی که شهدای اوج افتخار است

بین اکثر شهید شدم امیدوارم که بعد از شهید شدن برای من گریه نکنید و با خوشحالی سگزار فرزند با من
 همیشه در رفعت به مسلمانان و پیروی از دست راست عزیزان موفق باشید. ضمناً اگر در خدمت

خلایق از من مشاهده کرده اند امیدوارم که مرا ببخشید. خدمت شما خواهران و برادرانم مددگار من
 و از شما خواهان عزیزم تقاضا دارم که بعد از شهید شدن من گریه نکنید بلکه خوشحالی بوده و با حفظ حجاب

و پاک خود همیشه در راه مبارزه با بی حیایان این جور توکلان فضا را جویبار کنید و اگر
 تاجایی تا خلایق از من دیده اند مرا ببخشید.

پیام به امت مسلمانان! امت مسلمانان! خانواده های محترم من و برادرانم دستگیرانشان کرد
 من که خلایق از آنم که خواهم برای شهیدان پیام بفرستم لازم دانستم که نکاتی را به عرض

(۳)

بسم الله الرحمن الرحیم - ای برادران آمان که رفتند کاری همی کردند و ما که مانده ایم باید
 همی کردیم و از راهشان را ادامه بدهیم. بشود ای ما با خون خودشان این سر بلندی را فتح کردیم
 بیست و دو روز

و پیروزی اسلام را گیش ما با ملت پیروز و رفتند و ما که مانده ایم باید در پی پیروزی اهداف اسلام
 کوشا بودیم و بگوئیم تا نگذاریم که خون این شهیدان هدر رود. و من هم به عنوان برادر کوچک شما

از شما تقاضا دارم که تا آنجا که می توانید با عداقت و بیازیزه کرده و هیچگاه ناز و جدی را ترک نکنید
 و با یکدیگر دوستی و احترام مبارزه کنید و مواظب آنهایی باشید که در ناز جدی و جاعت هم شرکت می کنند


امامین خواهند با این کارشان نظر شماست مسلمانی را بخود جلب کرده و از طریق بی شما است مسلمانی
 خسته خسته است کرده و دست به کار می و همکاری می زنند. از اینها همه گذشته همیشه مواظب

حواظ باشید که امری موجب کثیف خفیل ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~
 دعا جان امام از یادتان نرود و حال عروسی ستم با برادران دانش آموز است که

در سنگ مدرسه ~~و خطرناک است~~ با دشمنان استوار رگ مبارزه می کنند ای برادران عزیز
 با هویت یاری کامل در مدارس مواظب ~~و خطرناک است~~ مواظب باشید و همیشه در کنار هم

و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~
 و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~ و ~~و خطرناک است~~
 از شما را غنی شود و در خانه از شما دوستان و آشنایان که خدا را که بخورند و خلاصی از خود دیده آید را

(۴)


 حلالی و از کلیه برادرانی که در شیع جنازه من شرکت کرده اند خواهش می کنم اگر می توانست یک
 روز نماز و یک روز روزه برای من بخایند و در کلیه ریل تخم من را در ~~...~~ خدمت به مستضعفین

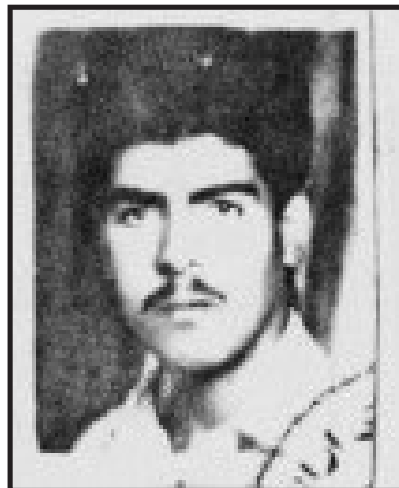
مصروف نماز و عمل دین من هم به اختیار بوشم باشد ولی دوست دارم برای شهدای ~~...~~ گلگون کفن اراک
 بجاک برده شوم. ~~...~~
 والسلام علی من التبع الیهی

وصیت نامه علاءالدین اقامتی
 مورخه ۲۲ بهمن ۸۰ راک

استشهد ان لا اله الا الله
 واشهد ان محمداً رسول الله
 واشهد ان علی دلی الله

[illegible]

داود اجلالی



نام: داود

نام خانوادگی: اجلالی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۲/۱۲

محل تولد: شهرستان ری

نام پدر: محمد اسماعیل

نام مادر: زهرا

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: جوشکار

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۴/۲۱

محل شهادت: نهر عنبر

نحوه شهادت: اصابت گلوله به سینه و سر

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ◀ مبادا گول دنیای فریبنده را بخورید. برای خودسازی به جبهه بروید.
- ◀ امیدوارم که دیگر همزمان و دوستان سلاح بر دوش و قرآن به دست و با یاری خدا راه شهدا را ادامه دهند تا پیروزی و رفع ستم در عالم.
- ◀ تقاضا دارم که حجاب اسلامی را حفظ کرده.
- ◀ دعا و استغفار را از یاد نبرید.
- ◀ این مصیبت‌ها و سختی‌های دنیا زودگذر است و در عوض پاداش و اجر عظیمی در آخرت دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا و به نام تنها معبود و با سلام بر فرستاده او، رسول اکرم (ص) و جانشینان پیامبر ائمه هدی و با سلام [و] درود بر آخرین امام شیعیان مهدی موعود (عج) و نائب برحقش حضرت امام خمینی، امید مستضعفان جهان و به امید پیروزی سپاهیان اسلام بر کفر جهانی وصیت خود را آغاز می کنم.

اینجانب داود اجلالی، نام پدر اسماعیل، شماره شناسنامه [...]،^۱ تاریخ تولد ۱۳۴۷. از روزی که در جمع سپاهیان اسلام وارد شدم، حقیقتی بر من روشن گشت و آن این که من کجا و آنها کجا و تازه فهمیدم که خیلی عقب مانده ام. انسان تا به افرادی که از او بالاتر هستند نرسد و اعمال و کردار آنها را نبیند به ضعف خود پی نمی برند. لذا بر آن شدم که مقداری بر خود فشاری آورم و اگر شده خیزان به پشت سر آنها به سوی معشوق و به سوی خدا حرکت کنم.

و اگر در این راه به شهادت رسیدم که بسی سعادت [...]^۲ ماندم کوشش بیشتر تا به خداوند نزدیک تر و بنده خوبی برای خدا باشم. به قول امام خمینی اگرچه شهید شدیم و یا زنده ماندیم و برحسب ظاهر هم پیروز شدیم، باز پیروزیم.^۳

برادران هم سن و سال من مبدا از قافله عقب بمانید. مبدا گول دنیای فریبنده را بخورید. برای خودسازی به جبهه بروید. جبهه حال و هوای خدایی دارد و برای خدایی شدن و بنده مخلص گردیدن جای مناسبی است. جبهه هم دانشگاه است و باید

۱. افتادگی دارد.

۲. خوانا نیست.

۳. اشاره به این سخن از امام خمینی (ره) است: «من کراراً این را گفته ام که ما چه کشته بشویم و چه بکشیم پیروزیم»، صحیفه امام خمینی، جلد ۱۳، صفحه ۴۴۱.

بیاموزی و هم محل آزمایش است و خود را امتحان می‌کنی تا به نقاط ضعف و قدرت خود پی ببری. همیشه آرزوی اینکه در راه خدا کشته شوی را داشته باش که هیچ یک از ائمه ما در بستر جان ندادند. از علی(ع) که در محراب شهید شد تا حسین(ع) فرزند وارسته علی(ع) که در میدان نبرد رو در روی دشمن خدا به شهادت رسید و راه را بر ما آشکار کرد ما ادامه‌دهندگان راه اویم که فرمود «هیئات من الذله»، «هرگز نباید زیر بار ننگ ظلم و ستم رفت».

«بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است»^۴ پدر و مادر عزیزم! این مصیبت‌ها و سختی‌های دنیا زودگذر است و در عوض پاداش و اجر عظیمی در آخرت دارد که علی(ع) فرمود: «حلاوه الدنیا مراره الآخرة و مراره الدنیا حلاوه الآخرة»^۵. «هر که در دنیای سختی [...] در آخرت شیرینی آن را می‌چشد و هر که در دنیا خوشی کرد و راحت زیست رنج و عذاب در آخرت خواهد داشت».

پدر و مادرم! حقی عظیم بر من دارید که نتوانسته‌ام در طول زندگی کوتاهم جبران نمایم. امیدوارم و تقاضای عاجزانه دارم که مرا حلال کنید که رضایت خدا در رضایت شماست. همچنین زن بابای مهربانم شما نیز مرا حلال کنید.

امیدوارم که بعد از نماز و هر وقت که استجابت دعا در آن بیشتر است در دعاهای دسته جمعی و غیره دعا کنید که خداوند مرا ببخشد و مرا از شهدا محسوب کند و با جمع شهدا در سر سفره اباعبدالله راه دهد. از شما تقاضا دارم که هیچ‌گاه زبان به شکایت نگشایید و اجر خودتان را از بین نبرید. امیدوارم که دیگر هم‌زمان و دوستان سلاح بر دوش و قرآن به دست و با یاری خدا راه شهدا را ادامه دهند تا پیروزی و رفع ستم در عالم [...] شما را به خدا می‌سپارم و تقاضا دارم که حجاب اسلامی را حفظ کرده و دعا و استغفار را از یاد نبرید.

۴. شعر از خوشدل تهرانی است.

۵. امام علی(ع): «تلخی دنیا شیرینی آخرت است، و شیرینی دنیا تلخی آخرت است».

۶. خوانا نیست.

۷. خوانا نیست.

در پایان از شما پدر عزیزم تقاضا دارم که حدود یک سال نماز قضا و یک ماه روزه قضا شده دارم، اداء نمایید و از کسانی که طلب دارم حلالشان می‌کنم و به کسی بدهکار نیستم. اگر چنانچه کسی بود که اظهار طلب کرد، به او بپردازید.

به امید پیروزی لشکریان اسلام بر کفر جهانی و به امید به اهتزاز در آمدن پرچم «لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی ولی الله» بر روی کره خاکی و به امید ظهور هر چه سریع‌تر مهدی موعود (عج).

خدایا چنان کن سرانجام کار
که تو خشنود باشی و ما رستگار

«اللهم اجعل عواقبنا امورنا خیرا»^۸.

«الهی عاملنا بفضلک و لاتعاملنا بعدلک یا کریم»^۹.

«...والسلام علی من التبع الهدی»^{۱۰}.

بنده حقیر، داود اجلالی


۶۳/۱۲/۲


۸ «خدایا آخر و عاقبت کارهای ما را ختم به خیر کن».

۹ «خدایا با فضیلت با ما رفتار کن نه با عدلت، ای خدای بخشنده».

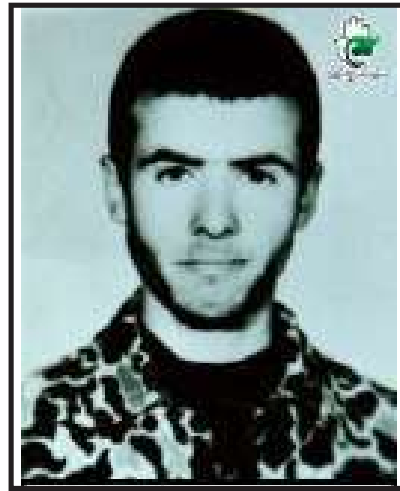
۱۰ بخشی از آیه ۴۷، سوره طه: «فَاتَّبِعْهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی: اینک هر دو به جانب فرعون رفته و بگوئید که ما دو رسول پروردگار توایم، پس بنی اسرائیل را با ما فرست و عذاب به آنها نکن، که همانا ما با آیت و معجزه‌ای از جانب خدای آفریننده تو نزد تو آمده‌ایم، و سلام بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند».

بسم الله الرحمن الرحيم
 مورخه ۱۳۲۳/۱۲/۶۳
 مرکز اسناد ایشادگران
 امام خداوند عالم تنها پیروز و پادشاه اسلام بر فراشته لاهوت رسول الهی و جانشینان پیامبر الهی و جانشینان
 اسلام در دربر آخرت امام شیعیان مهدی موعود (عج) و نایب برحق حضرت امام خمینی،
 امیر متفعلان جهان و به امید پیروزی سپاهیان اسلام بر کفر جهانی و صحت خود را آغاز می کنم
 اینجانب داود اجلای امام پیراسماعیل مطهری را تسبیح
 از روزی که سپاهیان اسلام و کورسدهم حقیقی بیرون روشن گشت و آنکه انکه من گفتم و آنکه انجا
 و تازه فهمیدم که خیلی عقب مانده ایم. ان ده تا به افلاک که از او بالا تر هستند و سر و اعمال و کردار آنها را
 نمیدانم به ضعف خودی نمی پردازم. لذا ابرائی میگویم که بفرموده خدای آفریننده و اگر شکر خیران به نسبت
 سزا نماند سوی مکتوب و به سوی خدا حرکت کنم و اگر در این راه به شهادت رسیدم که بسی سعادت


 ام مانندم که شش شش تا به خدا و نه نزدیکتر و نه دورتر و نه خوب برای خدا یا شوم. بگوید امام خمینی اگر چه
 مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
 تا خط عقب بهانه میارم که دل دنیا و دنیا پرست را بگذرد و به جای خود سازی به عیب پیروی. عیب به حال و هوای
 خدا ای که در دوزخ برای خدایی شده و نه به مخلص گریستن جای مناسبی است. عیب هم دانسته است و
 باید بیاموزی و هم عقل آفرینش است و خود را امتحان می کنی تا به ضعف و قدرت خود پی
 برسی همیشه آنزوی آنکه در راه خدا گشته شوی و دانسته باشی که هیچ کس از آنجا معاذر بستر حال نداند
 از علی رع که در معرجه شهید شد تا حسن فرزند وارسته علی که در میدان نبرد دوی در روی دشمن خود
 به شهادت رسید و راه را بر ما آشکار کرد ما ادامه دهیم تا راه را و بیم فرموده است من الذکر آخر
 ۵۱/۸۷
 ۱۳۸۲


 این کتاب ظلم و ستم رفت. بجز و فلسفه قتل شاه دین این است که مورد سرخ بی از زندگی شکنج
 است. پیر و مادر عزیزم این معصیتها و سختیهای دنیا تر و زنده راست و در محض یاد اسیر عظیمی در
 قدرت نامر که علی دج فرمود خلاوة الدنيا مواراة الاغربة و مواراة الدنيا خلاوة الاغربة. هر که در دنیای رقی و
 در آخرت شریک باشد و هر که در دنیا خوشبخت و راحت زیست و جمع عذاب در آخرت خواهد داشت.
 پیر و مادر من حق عظیم بر من دارم که نمیتوانم ام در طول زندگی کوتاهم چیر لاله تمام امیدوارم و تقاضای
 میروم که در هر که مواراة الاغربة که رضایت خدا در رضایت شماست همچنین زنده پایای محراب شما نیز موار
 انی امیدوارم که بعد از نماز و هر وقت که استجاب دعا را که بیشتر است در دعاهای و سببهای و غیره دعا که
 خداوند مواراة الاغربة و مواراة الاغربة می محبوب کنه و یا جمع شده در سر سفره ایامه الله رای دهد. از
 تقاضای دارم که که هیچگاه تر با ایم و شکایت نگاشتی و امیر خود را که از این تیرن امیدوارم که در هر روز

صمد احدی



نام: صمد

نام خانوادگی: احدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۸/۵

محل تولد: روستای مردآباد از توابع شهرستان ساوه

نام پدر: عبدالاحد

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۱/۲۱

محل شهادت: مریوان

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: گلزار شهدای روستای مردآباد

گلچین وصیت نامه

- ✧ بشتابید و ریشه ظلم را از جهان هستی برکنیم که خداوند پشت و پناه ماست.
- ✧ برای من گریه نکنید، زیرا گریه شما باعث خوشحالی دشمنان به خصوص منافقین کوردل خواهد شد.
- ✧ امیدوارم با عزمی راسخ و گامی بلند و پایدار به تمامی جهانیان ثابت کنید که ما به امر رهبرمان عمل کردیم و در این راه از هستی و جانمان گذشتیم.
- ✧ امیدوارم که همیشه پشتیبان رهبر عزیزمان باشیم و به نصیحت‌های پیامبرگونه‌اش گوش فرا دهید.
- ✧ در راه پیروزی کشورمان بکوشید.

بسم الله الرحمن الرحيم

[درود و سلام] فراوان به امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی و با سلام بر شهیدان گلگون کفن و همچنین جانبازان و معلولین.

من سربازی از سربازان کشورمان ایران برای مقابله با دشمن جنایت پیشه و برای انجام وظیفه و پاسداری از وطن عزیزمان به جبهه های حق علیه باطل اعزام شدم و اگر در این راه شهید شدم و این سعادت نصیب^۱ ما باشد، بسی جای خوشحالی است که جانم را در راه دین و قرآن اهدا کردم و با رویی سفید به نزد مولایمان حسین (ع) شتافتم.

«یاری از خدا و پیروزی نزدیک است»^۲، بشتابید و ریشه ظلم را از جهان هستی برکنیم که خداوند پشت و پناه ماست.

حال حرفم با شماست پدر و مادر گرامی ام و خواهر و برادر عزیزم! امیدوارم که مرا ببخشید و برای من گریه نکنید، زیرا گریه شما باعث خوشحالی دشمنان به خصوص منافقین کوردل خواهد شد. امیدوارم با عزمی راسخ و گامی بلند و پایدار به تمامی جهانیان ثابت کنید که ما به امر رهبرمان عمل کردیم و در این راه از هستی و جانمان گذشتیم. و امیدوارم که همیشه پشتیبان رهبر عزیزمان باشیم و به نصیحت های پیامبر گونه اش گوش فرا دهید.

و در آخر وصیتم به مردم انقلابی و شهیدپرور کشورمان ایران است که در راه

۱. آیه ۹۲، سوره آل عمران: «شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید مگر از آنچه دوست می دارید و محبوب شماست در راه خدا اتفاق کنید، و آنچه اتفاق کنید خدا بر آن آگاه است».

۲. بخشی از آیه ۱۳، سوره صف: «وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ: و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارید نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک است، و اهل ایمان را بشارت ده».

پیروزی کشورمان بکوشید. ای کاش که صد جان داشتم و در راه دین و اسلام فدا می کردم.

مادر جان! جنازه مرا در جلوی مسجد ده دفن کنید و همچنین از پسرعموهایم و دخترعموها و دایی ها و پسر دایی ها و دختر دایی ها و از تمامی اقوام و خویشان درخواست دارم مرا حلال کنند، خدا حافظ.

والسلام

صمد احدی

دستم مدادی

۷۷, ۷۷

۱۵۳

محمد علی احمدآبادی



نام: محمدعلی
نام خانوادگی: احمدآبادی
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۶/۱
محل تولد: روستای مالک آباد از توابع شهرستان اراک
نام پدر: غلامعباس
نام مادر: طاهره
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۷
محل شهادت: فاو عراق
محل دفن: روستای مالک آباد

گلچین وصیت نامه

- ای ملت قهرمان و مسلمان! نگذارید عده‌ای از خدا بی خبر و بدتر از شیطان در جامعه اسلامی تان در لباس میش روند و با چهره‌هایی بسا حق به جانبی گرفته خون عزیزان شما را و اسلام عزیزتان را از بین برند.
- اولادها و فرزندان یادگارهای خودتان را طوری تربیت کنید که انحراف اخلاقی نداشته [باشند].
- قرآن این کتاب آسمانی را و نهج البلاغه امیرالمؤمنین را بخوانید و اسلام را بهتر بشناسید .
- دست از معلمین قرآن که روحانیت‌اند بر ندارید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«الدنيا أهون عليه من الرماد في يوم عصفت به الريح، والموت أهون عليه من شرب الماء على الضمآن»^۱.

«هوس‌های دنیوی در نظرش پست‌تر از خاکستر [است] آن‌گاه که طوفان بر آن بتازد و مرگ در نظرش گوارتر از نوشیدن آب است بر تشنه». (شهادت از دیدگاه امام علی، صفحه ۳۴)

«والله لدنياكم هذه اهون في عيني من عراق خنزير في يد مجذوم»^۲.
امام علی(ع) در نکوهش دنیا فرموده است: «به خدا سوگند! این دنیای شما در چشم من خوار و پست‌تر است از استخوان بی‌گوشت خوک که در دست گرفتار به بیماری خورده باشد». (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۶)^۳

با درود بر رهبر عالی‌قدر انقلاب حضرت امام خمینی و با سلام و و درود بر امت قهرمان که همیشه حامی انقلاب بوده و از انقلابشان حمایت می‌کنند. و سلام بر جوانان عزیز و سلحشور که یکی پس از دیگری به صحنه‌های نبرد با کافران و مزدوران شتافتند و در راه هدفشان از هیچ کوششی دریغ نکردند.

آری برادران! مبارزان مسلمان ما با ساده‌ترین وسایل می‌جنگند و حاضر نیستند حتی یک روز ساکت بنشینند. آنها می‌گویند^۴ اگر همه ابرقدرتها یک‌جا به ما حمله کنند، ما در مقابل آنها خواهیم ایستاد و مقاومت خواهیم کرد.

۱. خطبه ۲۱، نهج البلاغه، شرح ابن حدید.

۲. حکمت ۲۳۶، نهج البلاغه: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عُرَاقِ خَنْزِيرٍ فِي يَدِ مَجْدُومٍ: وَآنَ حَضْرَتِ فَرْمُود: بِه خدایا قسم دنیای شما در نظر من بی‌ارزش‌تر از استخوان بی‌گوشت خوکی است که در دست جذامی باشد».

۳. اصل: حکمت ۲۲۸.

۴. اصل: می‌گویند.

ای ملت قهرمان! همان‌طور که امام فرمود شما با حرکت خود جریان تاریخ را عوض کردید و می‌روید تا اسلام را در جهان گسترش دهید و می‌روید تا در دنیا افسار بردگی را از گردن مستضعفان پاره کنید. امیدوارم در این راه سستی در خود راه ندهید و لحظه‌ای تحمل نمایید.^۵

ای مردم! وای به حال شما اگر از انقلاب اسلامی و از خون هزاران هزار شهید در طول تاریخ حمایت نکنید. نگذارید عده‌ای مزدور جوانان عزیز ما و هم سنگرانمان را فریب دهند. با رهبران آنان قاطعانه برخورد نمایید و اگر طرفدارانشان هدایت نشدند، نگذارید هر کار که خواستند انجام دهند؛ که ناگهان می‌بینید کار از کار گذشته است. بیشتر مخالفان این انقلاب افرادی هستند که اسلام واقعی را با اسلام شاهنشاهی اشتباه گرفته‌اند.

خدایا! تو را قسم می‌دهم به مقربین در گاهت، کسانی که بر گردن من حق دارند. ببخش و آنها را عاقبت به خیر بگردان. خدایا! تو را قسم می‌دهم به مقربین در گاهت، خویشاوندان و دوستان عزیزم را ایمان قوی و آگاهی کامل به آنان عطا کن.

خداپرست‌بودن در عصر ما مسئولیت‌های سنگینی برای خداپرستان متعهد و مسئول ایجاد می‌نماید. مسئولیتی که از هر زمان بیشتر و حساس‌تر است و انجام آن از هر وقت مشکل‌تر در عصر ما با وجود تمام مشکلاتی که در راه بینش و تشخیص درست وجود دارد، نیاز به مذهب و تکیه‌گاه معنوی از هر زمان بیشتر احساس می‌شود. [...] ^۶ تاریخ جامعه را بیش از هر زمان نیازمند به مذهبی اصیل و رهایی‌بخش و سعادت‌آفرین نشان می‌دهد. مذهبی که از درون انسان‌ها را بسازد و جامعه بشر را بر اساس انسان‌های ساخته‌ای که ضامن اجرای قوانین و حقوق در خود آنها موجود است، ایفا کند. افراد روشن‌بین و آگاهی که با اساس دین و روح اسلام آشنایی دارند و تمام مکتب‌ها و ایده‌هایی که برای رهایی و آگاهی مردم پدیده آمده، زیر و رو کرده‌اند و در همه جا به بن بست رسیده‌اند.

۵. اصل: ننماید.

۶. خوانا نیست.

نجات و سعادت حقیقی جامعه بشریت را در داشتن ایده‌های الهی و رهبران ساخته و معتقد می‌دانند.

اینک ای ملت قهرمان و مسلمان! نگذارید عده‌ای از خدا بی‌خبر^۷ و بدتر از شیطان در جامعه اسلامی‌تان در لباس میش روند و با چهره‌هایی بسا حق به جانبی گرفته خون عزیزان شما را و اسلام عزیزتان را از بین برند و قلب امام عزیز را به درد بیاورند. در آخر به شما عزیزان و پدر و مادران سفارش دارم، اولادها و فرزندان یادگارهای خودتان را طوری تربیت کنید که انحراف اخلاقی نداشته و با ایمانی راسخ مسئله اصول دین یعنی توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد را معتقد و مصالح جامعه اسلامی را یعنی در قانون اساسی و ولایت فقیه که حاصل خون شهدا است، سر لوحه افعال خود قرار دهند.

و از شما جوانان عزیز درخواست دارم که قرآن این کتاب آسمانی را و نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین را بخوانید و اسلام را بهتر بشناسید و دست از معلمین قرآن که روحانیت‌اند بر ندارید.

پدر جان! من مقداری بدهکاری دارم که اگر من بر نگشتم به آنها بده. من ۴۰۰ تومان از حسین آقا نانوائی گرفتم و ۵۰ تومان از حاجی آقا و ۴۰ تومان هم از محمد آقا گرفته‌ام. اگر خدا شهادت را نصیب من کرد، دو چرخه‌ام را به برادر کوچکم صفر علی بدهید، چون او فقط عاشق دو چرخه است.

خوب، دیگر با شما خدا حافظی می‌کنم و شما را به خدا می‌سپارم. به امید پیروزی هر چه سریع‌تر اسلام بر دشمن. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

محمد علی احمد آبادی

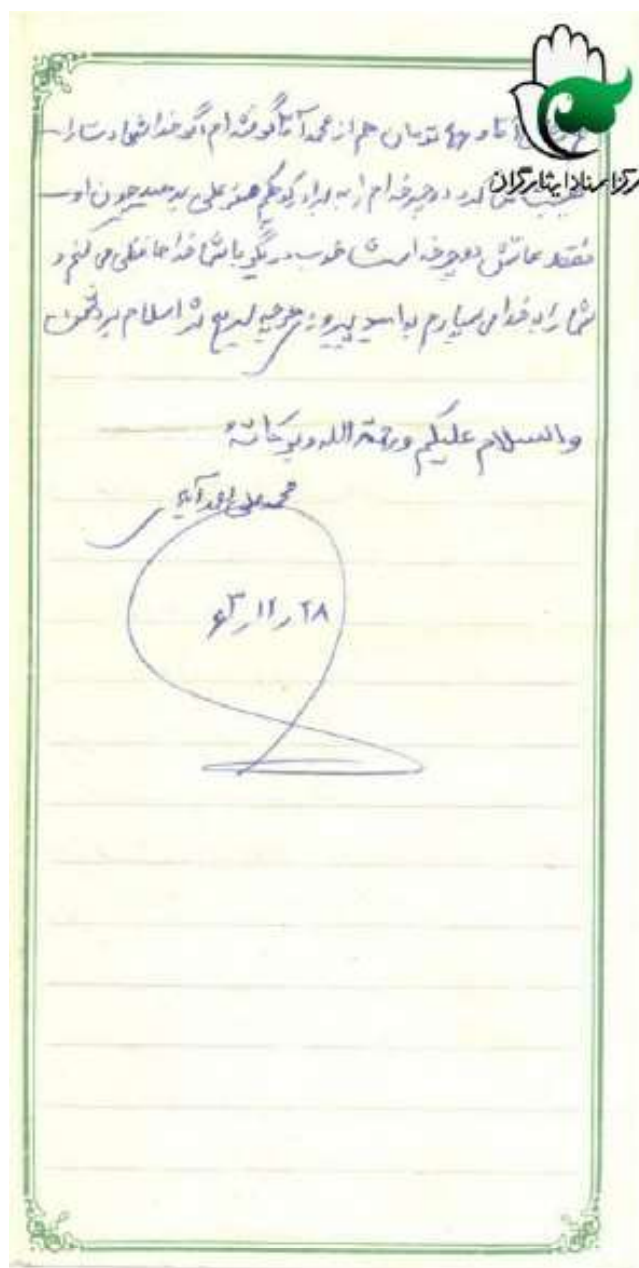
۲۸/۱۲/۶۳

امضاء^۸

۷. اصل: بخیر.

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.


 مَرکز اسنادی و کتابخانه‌ای مجلس شورای اسلامی
 بسم الله الرحمن الرحيم
 احقر علی بن محمد رب الماء علی الصلوات
 هو بهای دنیوی در نظرت بیست تری از خالصه اعدای طوفان
 بر آن بتاز و سرگشت در نظرت که از روز نشیانی است بیست
 دشمن است از بدیدگاه امام علی (ع) صورتی
 والله لو نیایم حله احوالی علی بن حرقان خیرین خاندان
 امام علی (ع) در کوشش دنیا فروده است! مجده سواد این دنیای
 تمام چشم من خیره تر و دیرینه است از استخوان و گوشت شکوفت
 که در دست گرفتار به بیچارگی خورده باشد در جمع الملائکة
 یا درود و حمد و عبادت را انقطاع خیرت امام محمدی و اسلام و درود و
 است قهرمان که عسکه خاص انظار آورده از انظارشان حمایت
 می کنند و سلام و بوی آمان بخون و سطر و سحر یقی پس از دین و در محمد
 حای بود ما با حق و سرور آن شایسته در راه خدمتشان ایچ کوشی
 در پنج قلعه آرم برادران مبارزان مسلمان سایه ساد قمری و سابل
 می جنبند و حاضر نیستند حتی یکروز سالت بنشینند درهای گشوده
 آنچه از قد بر آید مایه مایه شده مادر تعالی در آفرین است و دعا است
 خواجه کرده ای است قهرمان طاعن کور امام گوید شما حرکت غور و غما



احمد احمدی



نام: احمد

نام خانوادگی: احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۳/۴

محل تولد: روستای قلعه طورگیر از توابع شهرستان

اراک

نام پدر: محمد

نام مادر: صدتومانی

تحصیلات: دیپلم (رشته اقتصاد)

تاریخ شهادت: ۱۳۷۰/۳/۱۰

محل شهادت: چشمه زیارت زاهدان

نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر در درگیری با

اشرار

محل دفن: روستای قلعه طورگیر

گلچین وصیت نامه

این خون شهیدان است که موجب تنومندشدن و محکم [و] استوارشدن آن می شود.

به جای گریه، برای غریبی آقا اباعبدالله الحسین (ع) گریه کنید.

دنباله رو راه شهیدان باشید.

مبادا امام را تنها بگذارید.

به تمام خواهران دینی خودم توصیه می کنم زینب وار عمل کنند.

خوشا به سعادت پدر و مادر شهدا که چنین فرزندانانی تحویل اسلام و قرآن

می دهند و باید به آنها افتخار کنند.

بسم رب الشهداء والصدیقین

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»^۱.
 «و حساب نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مردگان‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدای خویش روزی می‌خورند».

«فرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون»^۲.
 «آنان به فضل و رحمتی که از خداوند نصیبشان گردیده شادمانند و به آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنان به راه آخرت خواهند شتافت مژده دهند که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم مخورند».

با درود [و] سلام به پیشگاه ولی عصر(عج) اروحا الفداه و نائب برحقش امام خمینی و با درود به ارواح پاک و طیبه شهدا از صدر اسلام تا کربلای ایران و با سلام [و] درود به کفرستیزان صحنه حق برعلیه باطل.

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است. امام خمینی کربلای خونین ایران نمایانگر کربلای حسینی است و امام ما حسین زمان است و امت ما امت حسینی است. آری، درخت تنومند اسلام احتیاج به آبیاری دارد که آب آن، خون می‌باشد؛ خونی که برای احیای دین خدا ریخته می‌شود. و آری این خون شهیدان است که موجب تنومند شدن و محکم [و] استوار شدن آن می‌شود.

و با سلام به امت شهیدپرور ایران مخصوصاً مردم شهیدپرور شهرستان محلات.

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا متعّم خواهند بود».

۲. آیه ۱۷۰، سوره آل عمران: «آنان به فضل و رحمتی که خدا نصیبشان گردانیده شادمانند، و دلشادند به حال آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنها به سرای آخرت خواهند شتافت که بیمی بر آنان نیست و غمی نخواهند داشت».

هر چند که کوچک‌تر از آنم که بخواهم برای شما وصیتی بنویسم، اول اینکه اگر ان‌شاءالله لیاقت یا سعادت نصیب شد که شهید شوم، به جای گریه، برای غریبی آقا اباعبدالله الحسین (ع) گریه کنید. دوم دنباله‌رو راه شهیدان باشید. سوم مبدا امام را تنها بگذارید. به تمام خواهران دینی خودم توصیه می‌کنم زینب‌وار عمل کنند. پدر و مادر عزیزم که نور چشمانم هستند، از اینکه برایم زحمت کشیده‌اند تشکر می‌کنم و خوشا به سعادت پدر و مادر شهدا که چنین فرزندانی تحویل اسلام و قرآن می‌دهند و باید به آنها افتخار کنند.

ای حسینی که به دل عشق تو درمان من است
گوهر اشک برای تو به دامن من است
جان نثار ره تو می‌کنم ای محور عشق

چون در آن لحظه حسین است [که مهمان من است]
و من وصیتی به پدر و مادر و اقوام و خویشان دارم. من کوچک‌تر از آن هستم که برای پدر و مادرم و اقوام وصیتی بنویسم. و این است که برای مرگ من ناراحت نباشید و سیاه مپوشید و گریه نکنید، زیرا من در نزد خدا و پیامبران الهی پاداش می‌گیرم.
«مرغ باغ ملکوت‌م نیم از عالم خاک
چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست
به هوای سرکوبش پرو بالی بزنم»^۳
ای پدر و مادرم! من می‌دانم که فرزند خوبی برای شما نبودم. ان‌شاءالله^۴ که مرا حلال کنید. در ضمن از تمام فامیل‌ها هم از طرف من حلالیت بگیرید^۵، مخصوصاً اگر کسی از من پول می‌خواهد به او بدهید.

تاریخ وصیت‌نامه ۶۶/۲/۹

احمدی-امضاء^۶

«شهید قلب تاریخ است»^۷.

۳. شعر از مولوی است.

۴. اصل: ایشاءالله.

۵. اصل: «به فامیلها در ضمن به تمام حلالیت هم از طرف من بگیرید».

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۷. سخنی منسوب به دکتر شریعتی است.

۲۸۹/۲. ختم رشت اکسهد الووالله ع

و لا تصبوا الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء
عنده ربهم ینفقون

و حساب عتقند کسانی که در راه خدا کشته شدند ای مردگان الله
بیکه آنانی نیند طاعت و نزد خدای خویش بودند و پیوسته
فوقین بما انهم لله من فضل و یشرفون علی الناس لهم
لیحقوا بهم من خلفهم ان لا خوف علیهم ولا هم
یحزنون

آنانی محفوظ و محقق که از خداوند نصیب عتقند و اگر دیده شده باشد
و بدان عتقند که عتقند آنها پیوسته اند و بعد از آنانی در راه
آنانی خواهند عتقند و عتقند که از هر دوی عتقند و عتقند و عتقند
فوت عتقند عتقند عتقند

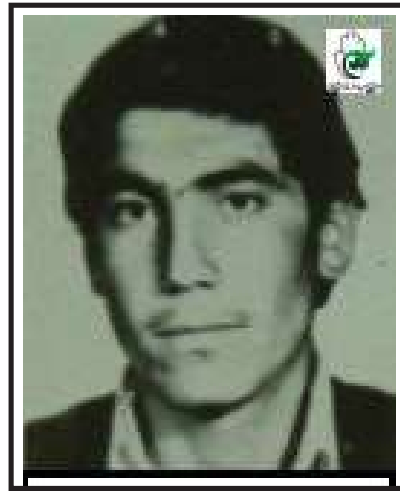
یا درود سلام به ویدگاه و درود عتقند عتقند عتقند عتقند
و عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند
عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند
درود عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند
عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند
عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند
عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند عتقند

آنچه در حق خود اتمام احسان به آفریننده خود که آفریننده
 خدایه و یارنده حق است که برای اعیان دینی خدا برینت مسخر
 و آفریننده خدایان است که موجب کرمند شدن
 و محکم استوار شدن آن می شود و با سلام به است
 مقبول و برای آن همه که منصوصاً مردم می شود
 که برسان مولای هر چند که کوچکتر از آنم که بخواهم
 برای شما وصیتی بفرمایم اول اینکه اگر از شما و الله لایق
 باشد به خدمت رسیدم که به شهر شرم برای گرفتاری فریب
 آقا اباعبدالله الحسین را که می گویند دوم دنیا را دور
 می گردان باید سوم عبادا اهل با آنها بگذارید بیام
 خواهران دینی خودم و همه می کنم زینب و ار حمل کنند
 پسر و مادر عزیزم که نور می نام می کنند از اینکه برای رحمت
 کشیده اند بیشتر می کنم و خوشایند سعادتی پسر و مادر
 که دل که خدای عز و جلانی که اول اسلام و قرآن را می دهند
 و باید به آنها افتخار کنند
 این حسینی که به دل عشق تو در میان میست که تو را شکست برای تو
 و ایمان من است این شماره را که می کنم این معجزه عشق حق در
 آقا لفظه حسین است
 بر من وصیتی پسر و مادر و احوال و خویشان دارم

هم انظر فامن بغير يد مضمومة الكو للفتحة من الزمن بول

۱۰۰
۷۰۴۴
برای اطلاع و اقدام به عملیات
هوای تاریخ و ساعت نام ۹ ر ۲۱
احمد و قلب
تا ریح
است

تقی احمدی



نام: تقی
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱۲
محل تولد: روستای ستق از توابع شهرستان ساوه
نام پدر: حسن
نام مادر: صغری
تحصیلات: خواندن و نوشتن
شغل: کشاورز
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۱۱
محل شهادت: عین خوش
نحوه شهادت: اصابت ترکش به صورت
محل دفن: گلزار شهدای روستای ستق

گلچین وصیت نامه

- ❖ سعی کنید با هرچه زور و استکبار است درآفتید که اگر در این راه کشته شوید شهید به حساب خواهید آمد.
- ❖ مواظب باشید که سر خود و خلاف مقررات دین مبین و حکومت اسلامی عمل نکنید.
- ❖ سعی کنید در جهت تولید و خود کفایی مملکتمان از نظر محصولات کشاورزی تلاش بکنید که خدا از شما راضی خواهد شد.
- ❖ هیچ گاه دست از حمایت رهبر و مسئولین مؤمن و مسلمانان مملکت برندارید.
- ❖ از مادرم می خواهم که همیشه به فکر اسلام باشند.

باسمه تعالی

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.
 «آنان که در راه خدا کشته می‌شوند کشته نپندارید، زیرا آنان زندگانند»^۲ و نزد
 خدای خودشان روزی می‌خورند».

با درود فراوان به پیامبر خاتم، محمد مصطفی (ص) و دوازده امام و امام عصر
 حضرت مهدی (عج) و نائب برحقش امام خمینی این قلب توفنده جهان اسلام و
 مسلمین و تمامی شهیدان گلگون کفن از آدم تا خاتم و از خاتم تا انقلاب اسلامی ایران
 و جنگ تحمیلی و امت شهیدپرور و قهرمان و مسلمان ایران.

و سپس اینجانب تقی احمدی، ساکن و اهل روستای ستق ساوه با ذکر شهادتین
 وصیت خود را در کمال صحت و سلامت بر روی کاغذ می‌آورم. تا اگر در این وادی
 عشق و سرزمین لاله‌های سرخ حاصل از خون شهیدان و پاکان لیاقت شهیدشدن را
 داشتم و به خیل عظیم شهیدان پیوستم به وصیت‌های من عمل نمایند و وصی خود را
 نیز پدرم [...] انتخاب می‌نمایم و ان شاء الله که خداوند به ایشان توفیق انجام وصیت‌های
 من را بدهد. و اما قبل از اینکه دیون شرعی خود را ذکر نمایم، چند کلمه‌ای به دوستان
 و رفقا و هم ولایتی‌های خود سخن می‌گویم.

برادران و خواهران! من با عشق به لقاء الله تصمیم به هجرت از دنیای مادی به
 دنیای معنوی گرفتم و با اخذ این تصمیم با کمال رضا و رغبت و بدون هیچ گونه زور
 و اجباری قدم در این راه گذاردم. چون اعتقاد به خدای یکتا و قرآن مجید داشتم و

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا متنعم خواهند بود».

۲. اصل: زنده گانند.

۳. «را» حذف شده است.

همان‌طور که در اول این وصیت‌نامه نوشتم، شهادت افتخاری است که تنها نصیب عاشقان، الله می‌شود. و لذا برای یاری دین حق و رهبر و موسی زمان، خمینی بزرگ به جبهه شتافتم و پیامم به آنهایی که مانده‌اند و به بهانه‌جویی و غرغر کردن می‌پردازند این است که بنشینید و اندکی برای رضای خدا فکر کنید. ببینید که این همه خون‌های پاک امثال من برای چه ریخته می‌شود؟ آیا برای شهوت و هوس‌های نفسانی است یا برای رضای خدا و آزادی انسان‌ها و مستضعفین و محرومین؟ بنابراین وقتی به نقطه مثبتی در تفکرشان رسیدند، بنابراین برای رضای خدا به خدمتگزاری بپردازند و با دشمنان دین مبین اسلام و منافقان به ستیز بپردازند و در جهت افشای ماهیت کثیف خائنین و نابودی آنها کوشش کنند. و سعی کنند فرزندانی که لیاقت خدمتگزاری در اسلام و کشور اسلامیمان داشته باشند، تربیت نمایند.

سعی کنید با هرچه زور و استکبار است در اُفتید که اگر در این راه کشته شوید شهید به حساب خواهید آمد. اما مواظب باشید که سرخود و خلاف مقررات دین مبین و حکومت اسلامی عمل نکنید. سعی کنید در جهت تولید و خودکفایی مملکت‌مان از نظر محصولات کشاورزی تلاش بکنید که خدا از شما راضی خواهد شد و شما در دنیا و آخرت عاقبت به خیر خواهید شد.

و اما چند کلمه‌ای هم با مادرم و پدرم:

از شما می‌خواهم که از من به خاطر خدا و برای خلاف‌ها و خطاهای گذشته‌ام که از روی جهالت و جوانی به شما کرده‌ام درگذرید و حلالم کنید که ان‌شاءالله خداوند به شما جزای خیر دهد و سعی کنید که خود را در مصیبت شهادت من کنترل کنید و با سرافرازی و افتخار قدم بردارید که این عمل شما باعث تشویق سایرین شود و ترس را از دل دیگران بردارد و شجاعت در دل آنها قرار بگیرد.

و اما برادران و خواهرانم! از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و حلالم کنید و سعی کنید که بقیه عمر خود را صرف خدمت به اسلام و مسلمین بکنید و به پدر و مادرم تا آنجا که می‌توانید نیکی کنید. هیچ‌گاه دست از حمایت رهبر و مسئولین مؤمن و

مسلمانان مملکت برندارید.

و اما پس از شهادتم، در صورتی که جنازه من سالم بود در همان ده خودم یعنی روستای ستق و در قبرستان مؤمنین آنجا دفن کنید و دیگر اینکه مقداری بدهکاری دارم که پدرم می‌داند و هر کس ادعای طلب از من را داشت او را راضی نمایید. و مبلغ ده هزار تومان که از بانک ذخیره ابوالفضل قم گرفته بودم پرداخت نمایید. و در جهاد هم رفته و تسویه حساب نمایید. و مدت ۳ سال هم برای من نماز بخوانید و ۳ ماه هم روزه برای من بگیرید و یا بخرید. و به خانواده کربلایی یوسف ذبیحی تقاضا دارم که برای رضای خدا من را حلال کنند و مرا از دعای خیر فراموش نکنند.

و سخنی دارم با همسرم و آن اینکه من را حلال کن و پس از شهادتم سعی کن برادرم را به همسری انتخاب کنی، شاید او جای مرا بگیرد.

در پایان از تمامی کسانی که به آنها سفارش‌ها کرده بودم می‌خواهم که به این وصایا عمل نمایند. و از جوانان ده تقاضا دارم که در هنگام عروسی مرا یاد کنند زیرا من تازه دامادی بودم که به خاطر اسلام و خدا نتوانستم به حجله دامادی بروم. همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و برای پیروزی اسلام و مسلمین توفیق و نصرت می‌طلبم و برای رهبرم از خدای بزرگ می‌خواهم حداقل تا انقلاب حضرت مهدی (عج) به او عمر باعزت بدهد. و من الله التوفیق.

تقی احمدی

شب سه‌شنبه ساعت ۱۱/۵

۶۱/۱/۲۳

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

متن وصیت‌نامه اینجانب تقی احمدی (۱)

با درود^۴ به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با آروزی گسترش انقلاب در سراسر جهان و نابودی تمام ابرجنایتکاران و پیروزی مسلمین^۵ جهان [...] متن وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم.

خداوندا! من می‌دانم که بسیار گناه کرده‌ام. هیچ‌کس غیر از تو و خودم و تو ای خالق رحمان نمی‌داند که چقدر من گناهکارم آن‌قدر که نمی‌دانم از کجا شروع کنم و چه می‌گویم. فقط در یک جمله می‌گویم خدایا، تو بزرگی و تو رحمانی و رحیمی. خدایا تو بخشنده‌ای، خدایا مرا ببخش همان‌طور که در آخرین لحظات صبح عاشورا (حرّ) را به راه راست هدایت کردی. همان‌طور که او را جسارت بخشیدی، همان‌طور که قلب او را به نور ایمان خودت منور ساختی، ای رحمن و ای بخشنده، تنها خواهم این است که اول مرا ببخشی و خدایا تو خودت می‌دانی که من تا این ساعت هنوز لیاقت شهید شدن را در خودم نمی‌بینم و الآن هم نمی‌بینم شهید شدن فی سبیل الله را، به همین خاطر تاکنون وصیت‌نامه ننوشتیم با اینکه برادران به ساحل ایمان وارسته‌ای که تو ای خدای بزرگ به آنها داده‌ای و من هنوز لایق آن ایمان نشده‌ام و توفیق نیافته‌ام.

اصرار می‌کردند^۶ که وصیت‌نامه بنویسم زیر بار نمی‌رفتم چون از یک آدم گناهکاری مثل من شهادت در راه تو راه بسی دشوار و زیاد است. خدایا، دیشب که برای شناسایی به منطقه رفتم در یک آن فکر کردم که شاید ای خدای رحمان در حق این بنده ذلیل مرحمتی فرموده‌ای و شاید لیاقت شرکت در جنگ میان کفر و اسلام را به من عطا کرده‌ای. همین باعث شد که به فکر وصیت‌نامه بیفتم.

خدایا! از تو بعد از آمرزش و بخشش شهادت در راه خودت را می‌خواهم. خدایا، به من توفیقی ده که شهید در راه تو باشم، شهادت فی سبیل الله. خدایا! من خیلی دلم می‌خواهد بهشتی و رجایی را در بهشت ببینم. چه اینکه من روسیاه کجا و این بندگان

۴. اصل: درود.

۵. اصل: مسلمین.

۶. «و» حذف شده است.

۷. اصل: می‌کنم.

خالص^۸ تو کجا و من کجا و علی اکبر حسین کجا ولی ما از وجود و بخشش تو خدای بزرگ و مرحمت تو ای خدا غافل نیستیم.

خدایا! من فقط یک پدر و مادری دارم از تو می‌خواهم که آنها را عاقبت به خیر کنی و بیامری. آنها برای من زحماتی کشیده‌اند، آنها را بیامرز. خدایا، چه خاکی به سرم کنم اگر شهید نشوم و توفیق نیابم. خدایا، من در قبرستان‌ها که رفتم بهشت زهرا در تهران دلم می‌سوخت. من از همه دوستانم عقب افتاده‌ام. همه شهید شده‌اند و ما روسیاه مانده‌ایم.

خدایا! اگر صلاح ندیدی که من شهید شوم و توفیق شهادت در راهت را نصیب من نکردی، لااقل توفیق ترک گناه را به من عطا کن. خدایا، ما را به راه راست هدایت کن. خدایا، وقتی علی بن ابی‌طالب (ع) می‌گوید: «الهی قلبی محبوب و نفسی معیوب و هوایی غالب و طاعتی قلیل و معصیتی کثیر و لسانی مقر بالذنوب»، من روسیاه چه بگویم؟ خدایا، کلماتی را پیدا می‌توان کرد که بتوان درد درونی خود را گفت. خدایا، دل پر از درد است و زبان عاجز از گفتن دردها. فقط من دل به وجود تو ای خداوند خوش کرده‌ام و اینکه تو ای خدا گفته‌ای اولین قطره خون شهید گناهان او را می‌ریزد. خواهش دیگر من بنده ذلیل از تو خدا این است که امام امت را طول عمر تا ظهور حضرت مهدی (عج) عنایت بفرمایی. وصیت دیگر من این است که من در حدود ۴۰ تا ۵۰ روزه بدهکارم.

در خاتمه به همه دوستان و آشنایان و اقوام و خواهر و برادر و فرزندان پاک مخصوصاً نقی و مهدی و محمد و کبری و معصومه و پدر و مادر که من امید به آنها بسته‌ام، سلام رسانده و توفیق برای آنها از درگاه ایزد متعال خواهانم.

از پدر و مادر و خانواده^۹ کربلایی یوسف ذبیحی یک به یک التماس دعا دارم. و اگر من شهید شدم از خداوند برای من طلب آمرزش^{۱۰} کنید. راضی نیستم گریه کنید.

۸. اصل: مخالص.

۹. اصل: خوانواده.

۱۰. اصل: آمرزش.

خدایا، پدر عزیزم را پیامرز^{۱۱} و عمر طولانی کرامت فرما^{۱۲} و از مادرم می‌خواهم که همیشه به فکر اسلام باشند.
«...والسلام علی من اتبع الهدی»^{۱۳}.
من الله التوفیق و علیه التکلان.

۶۱/۲/۱

و از پدرم می‌خواهم که در مسجد از همه ملت از من حلالی بگیرد و از عمه‌ها حق حلال می‌خواهم و از پسر عمه‌ها، فدایعلی رنجبر و درویشعلی رنجبر و زن عموها التماس دعا دارم و از آنها حلالی می‌خواهم. چند لحظه شعر می‌خوانم:
با سلام و با درود بیکران
بر خمینی رهبر مستضعفان
آب زمزم بر لب لب تشنگان (۲ بار)
ای خمینی ما هم آغاز تویم
ما همه سرباز جان باز تویم
آب زمزم بر لب لب تشنگان (۲ بار بگویند)
آهنی آب دیده رنگ عوض نمی‌کند چهره انقلاب را جنگ عوض نمی‌کند
بگویند بر منافقان به کوری دوچشمستان پیرو خط رهبری رنگ عوض نمی‌کند
پایان، خداحافظ.
و هر کس از من ادعای طلب کرد راضی نمائید، خیلی ممنون.

۱۱. اصل: پیامورز.

۱۲. اصل: فرمان.

۱۳. بخشی از آیه ۴۷، سوره طه: «فَاتَّيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى: اینک هر دو به جانب فرعون رفته و بگویند که ما دو رسول پروردگار توایم، پس بنی اسرائیل را با ما فرست و عذاب به آنها نکن، که همانا ما با آیت و معجزه‌ای از جانب خدای آفریننده تو نزد تو آمده‌ایم، و سلام بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند».

(وصیت نامه شهید) مناجات یک شهید بسم الله الرحمن الرحیم

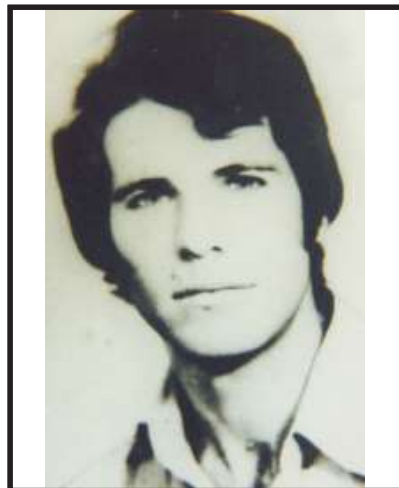
حقیر محمد بن علی (احمدی ۱۱) پادرو در راه حق کبریا استوار استوارم بویا آرزوی منست شش انگشتانم در
 صراط مستقیم و تا بدو من تمام ابرجنا بنگارم و بدو من سلطان جهان و صفت نامه خود را آفریدم که بخداوند این
 می دانم که بسیار گناه کرده ام هیچ کس غیر از تو و خدای خود را نمی داند چه در من نگاهدارم آنقدر که توبه کنم و از
 گناهانم توبه کنم چه میگویم فقط در یک جمله میگویم خدایا تو بزرگترین و بزرگوارترین و رحیمترین خدایا من را ببخش
 لهذا نظر کردی در آخر اختلاف جمع عالم را (حق) را به راه راست هدایت کردی لهذا توفیق کردی او را جسدت بخشنی
 لهذا توفیق کردی قلب او را به نور ایمان خودت صبور ساختی ای رحمن و ای نبی شده گفتا خواصم این است که اول مرا
 ببخشی و خدایا خودت میدانی که حق تا این ساعت هنوز لیاقت شهادت ندون را در خدمت من نباشم و الان همین بینم سبزه شرف
 تو بیل الله را به حق خاطر تاکنون وصیت نامه نوشتم با اینکه بدانم در آن ساجران را رسته ای که ترا میخوانی بزرگوار آفریده ای
 و حق هنوز لایق آن ایمان نشده ام و تدقیق نیافت ام اصرا راجعتم که وصیت نامه بنویسم زیرا بار حق را چون از یک آدم ندانم که

مثل منی شهادت در راه تو راه بسی دستوار و زیاده است خوابا دینیب که برای سنا سانی به منتظر رستم و رستم آن فکر کردم
 که شاید ای خوابا رطبان در حق این بنده ذلیل مرحمت فرموده ای و شاید وقت شرکت در جنگ میان کفر و اسلام
 را به سنا عطا کرده ای همین بابت سئو که فکر و همت نامه بینم خوابا از تو بعد از آمرزشی و بخششی شهادت در راه خود
 را می خواهم خوابا به من توقیفی ده که بعد در راه تو بایتم شهادت می سبل الله خوابا من خیلی دلم سئو اهد بیوستی و رحمتی را در
 بهشت بینم چه اینک من و سنا کجا و این بدوگان مخالفی که کجا و من کجا و منی که حسین کجا و منی که حسین کجا و منی که حسین کجا
 خوابا بزرگ و رحمت تو ای خوابا غافل نیستیم خوابا منی فقط یک پدر و مادر می دارم از تو میفرام که آنها را عاقبت به
 غیر کنی و بیاد مرگ آنها برای من زحمتی کشیده اند آنها را بیا مرز خوابا منی خاکی پسر من کنم اگر سئو منم و ترفیق
 نیایم خوابا من در غیر سنا نهاد رستم بهشت زهر ادر نهان دلم میسوخت منی اتم همه دوستانم تحب افتاده ام

هیه شهادت بنده و ما را به یاد خدا یا از میان نبردی که من بنده شوم و تو حق بنده است در اهت را مضیی من
 نکردی لا اهل توفیق ذکر نگاه را به من عطا کنی خدا یا ما را به راست بود ایست کنی خدا یا وقتی علی بن ابی طالب به بود
 الهی قلبی محبوب و تقنی محبوب و هوای غالی و طاعتی قلیل و معصیتی کثیر و لسانی حق بالذکر من رو به چهره بگویم
 خدا یا لایق را به خطا پیدا می توان کرد و بتوان در دوزخ خود را لذت خدا یا دل پر از درد است و زمانه عاشق از
 لغتی درد ها فقط منی دل به وجود ندای خدا و نرسیده که ده ام و انکه تو ای خدا الهی ای اولی حق فکرمه خرق / تو دنگان او را بر تو
 خواهی دیگر من بنده ذلیل از تو خدا اینی است که ایام است را طول عمر تا ظهور حضرت مهدی غایت بومانی و صیت دیگر منی این
 است که من در حدود بیم تان روز به گذارم در خانه به هیه در میان و آشتیای من اقوام و خواهر و برادر و فرزندان پاک
 مخصوصاً من و مهدی و سید کبریا و معصوم و پیر و مادر که من / مهدی به آنها بسته ام سارا رسانده و توفیق برای آنها از درگاه
 رسید متعال خواهند از پدر و مادر و خواهر و برادر که بدان یوسف فرجی یک بیک الهامی دعا دارم و اگر من / مهدی شدم / خواهند

برای منی طلب آموختن نیکو را منی نسیم گریه نیکو خوانا بدو بخیر و بر اید و روز و جمعه طاری که است و من در روزم
 می خواهم که همیشه نیکو اسلام باشد و السلام علی منی السبع الهامی الله التوفیق و علی کلک ان ۱۱/۱۰
 و از بدو من خواهم که در مسجد از همه ملت از من حدالی بگیرم و از رنج ها حق حدالی می خواهم و از سیر عجمه ها
 خدا به من رنج و درد و بی تعلی رنج و درد و زن محو التماس دعا دام و از آنجا حدالی می خواهم ای خدا بی غل و غور می خواهم
 با سلام و بارود بیکران = بر خشی بر هر مستحقان = ~~بدر~~ آب از سرم بر لب شسته گان بهار
 ای شمی ما هم آواز تویم = ماهی سر یا زهان باز تویم = آب زهر بر لب شسته گان (۲) بار بگو توید
 آه منی آب دیده را رنگ محض می کند = شماره انقار را بچنگ محض می کند
 بگو توید بر منافقان بگو رس دو چشمان = پیرو خود و هر رس رنگ محض می کند / ایان خدا حافظ
 و هر کسی از منی طلب کرد رافقی ننماید بی نیلی هفتون

حجت‌الله احمدی



نام: حجت‌الله
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۵/۳
محل تولد: روستای فرناق از توابع شهرستان خمین
نام پدر: عبدالعلی
نام مادر: بی‌بی خانم
تحصیلات: ابتدایی
شغل: نجار
تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۳
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر
محل دفن: روستای فرناق

گلچین وصیت‌نامه

- ◀ امیدوارم که ملت ما نیز قدر رهبر عظیم انقلابی خود را بدانند و تحت رهبری او همه توطئه‌های دشمنان اسلام و ایران را نابود کند.
- ◀ من اطمینان دارم ملت ما نیز با یک چنین روحیه ایمان و فداکاری این همه آگاهی و احساس مسئولیت قادر است که همه مشکلات را حل نماید و این رسالت بزرگ و مقدس را که خدای بزرگ بر گردن او گذاشته است با افتخار به سر منزل مقصود برساند.
- ◀ امیدوارم خدای بزرگ طول عمر به امام بدهد.
- ◀ امیدوارم که خدا به خانواده شهیدان انقلاب اسلامی صبر بدهد.

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً»^۱.

«از میان مؤمنین بزرگ‌مردانی هستند که آن عهده‌ی که با خدا [بستند] از روی صداقت عهد خود را تغییر نمی‌دهند».

خدایا! مرگ مرا شهادت در راه خودت ختم بفرما. خدایا! تو را شکر می‌کنم که به ما منت نهاده‌ی و برای ما رهبری آگاه، بیدار و شجاع فرستادی تا راه سعادت و خوشبختی را به ما بیاموزد و اسلام را که پس از قرن‌های متمادی جز اسمی از آن باقی نمانده بود، یک بار دیگر زنده کند.

همان اسلامی که پیغمبر خاتم حضرت محمد(ص) در طول ۲۳ سال بعث خون دل‌ها خورد و زجرها کشید تا به جهان عرضه کرد. و همان اسلامی که علی(ع) بعد از ۲۴ سال خانه‌نشینی در طی چند سال و ۶ ماه برای آن با قاسطین و ناکثین و مارقین در جبهه جنگ در نبرد بود و عاقبت به شهادت رسید. همان اسلامی که سرور آزادگان جهان حضرت حسین بن علی(ع) با ۷۲ تن از یاران باوفایش آن‌طور مظلومانه در صحرای کربلا به شهادت رسیدند.

خدایا! در این دنیای انسان‌ها آدمی بزرگ‌تر و کامل‌تر و بهتر از علی(ع) نمی‌شناسم، ولی حتی او ظاهراً در مبارزات حیات پیروز نشد و حکومت عدل و دادش زیر تازیانه‌های ظلم و ستم و فساد معاویه خود رشد و نهال عدل و آزادی و انسانیت

۱. آیه ۲۳، سوره احزاب: «برخی از آن مؤمنان، بزرگ‌مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزارده و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

نشکفت و حکومت حق لااقل به دست علی بر ظلمت کفر و جهل و ظلم پیروز نگردید. هیئات! من چه می‌گویم؟ انتظارهای بی‌جایی دارم. چه آرزوهای شگفت، چه ادعاهای عجیب. مگر محمد(ص) ظاهراً پیروز شد با آن رسالت خدایی، با آن همه فداکاری‌ها و بعد از آن همه مبارزات سخت و پیروزی‌های خیره‌کننده. در این چند روز مصیبت می‌توانم به جرأت بگویم که حتی یک قطره اشک نریختم و در برابر سخت‌ترین فاجعه‌های منقلب‌کننده.

و امیدوارم که ملت ما نیز قدر رهبر عظیم انقلابی خود را بداند و تحت رهبری او همه توطئه‌های دشمنان اسلام و ایران را نابود کند. من اطمینان دارم ملت ما نیز با یک چنین روحیه ایمان و فداکاری این همه آگاهی و احساس مسئولیت قادر است که همه مشکلات را حل نماید و این رسالت بزرگ و مقدس را که خدای بزرگ بر گردن او گذاشته است با افتخار به سر منزل مقصود برساند.

امیدوارم خدای بزرگ طول عمر به امام بدهد و امیدوارم که خدا به خانواده شهیدان انقلاب اسلامی صبر بدهد. امیدوارم که به خانواده من هم صبر عطا فرماید، ان شاء الله.

والسلام

برادر شهید حجت‌الله احمدی

حسنعلی احمدی



نام: حسنعلی

نام خانوادگی: احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

محل تولد: روستای زاویه از توابع شهرستان زرنديه

نام پدر: شوذب

نام مادر: مدینه

تحصیلات: دیپلم (رشته تجربی)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۰

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: گلزار شهدای روستای زاویه

گلچین وصیت نامه

- ◀ از شما می خواهم که در راه خدا خدمت کنید و به افرادی که در راه خدا کار می کنند کمک کنید و یاریشان نمایید.
- ◀ راه امام را برای خودتان الگو قرار دهید و گفته های ایشان را عمل نمایید.
- ◀ هرگز از نماز و دعا غافل نباشید.
- ◀ اگر روزی من شهید شدم و جنازه ام پیدا نشد ناراحت نباشید و به یاد ائمه و اولیاء بیفتید و هیچ گونه ناراحتی به خرج ندهید که دشمن سوء استفاده می کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين»^۱.
 «ترس و بیم نداشته و اندوهگین نباشید، شما پیروزید اگر دارای ایمان باشید».
 به نام خدای بزرگ و خالق عالم بشریت و به نام خدای یاری دهنده رزمندگان،
 به نام خدایی که عالم هستی از اوست و بازگشت نیز به سوی اوست^۲.
 خدایا، از تو می‌خواهم که مرا به راه خودت هدایت فرمایی و یک لحظه مرا
 به حال خودم وامگذاری. خدایا، ما را توفیق ده که در راه تو و برای تو انجام وظیفه
 نماییم. خدایا، ما را توفیق ده که از سربازان امام زمانمان و جزء جنودالله و رزمندگان
 اسلام باشیم. پروردگارا، ما را توفیق ده که بنده‌ای خوب برای تو و خدمتگزاری خوب
 برای اسلام باشیم. خدایا، توفیق ده که ادامه دهنده راه شهیدان و پاسدار خون آنان
 باشیم. خدایا، از تو می‌خواهم مرا در این راهی که قدم برداشته‌ام موفقم داری تا بتوانم
 به این وسیله دین خود را به تو و خون شهیدان راه تو ادا نمایم. راهی را که من در آن
 قدم گذاشته‌ام راهی است که آگاهانه انتخاب نموده‌ام و این راه را به امید خدا تا پایان
 ادامه خواهم داد.

و اما ای پدر عزیزم! من هرگز فرزند خوبی برای شما نبودم و از این موضوع خیلی
 ناراحتم که چرا نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم و این را من تازه فهمیده‌ام که شما
 چقدر در حق این فرزند زحمت کشیدید ولی مزدی نگرفتید. و من از تو پدر عزیز عذر

۱. آیه ۱۳۹، سوره آل عمران: شما هرگز سستی نکنید و اندوهناک نشوید، زیرا شما فیروزمندترین و بلندترین ملل دنیایید اگر در ایمان ثابت قدم باشید».

۲. اشاره به بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

می‌خواهم و امیدوارم که مرا ببخشی و حلالم کنی تا خدا نیز مرا ببخشد.
و اما تو ای مادر خوب و گرامیم! وقتی تو را به یاد می‌آورم و اسم تو را می‌شنوم احساس شرمندگی می‌نمایم، زیرا نسبت به تو من خیلی کوتاهی کردم و نمی‌دانم با چه زبانی از زحمات شبانه‌روزی تو تشکر کنم. زحمات شما بی اندازه است و من نمی‌توانم حتی آنها را به حساب بیاورم تا چه رسد به اینکه بتوانم تلافی آنها را بکنم و حتی چگونه بتوانم قدردانی کنم.

مادر! واقعاً تو باید مرا ببخشی که اگر تو مرا نبخشی می‌دانم خدا مرا نخواهد بخشید، زیرا که بهشت زیر پای مادر است.^۳ و من در حق تو ای مادر که بهشت در زیر پای توست، هیچ‌گونه خوبی نکرده‌ام و خیلی شما را اذیت کرده‌ام و چقدر هم اذیت کرده‌ام. ولی می‌دانم که تو با آن مهر مادری مرا خواهی بخشید و یقین دارم که این‌گونه است. آری، می‌دانم که تو چقدر خوبی و این را من تازه فهمیده‌ام ولی خوب، حیف که خیلی دیر فهمیدم. ولی در عین حال باز هم از تو می‌خواهم که زحمات مرا در طول زندگی مخصوصاً در جوانی خیلی اذیت کردم، زحمات مرا ببخشی و حلالم کنی.

و تو ای خواهرم! چقدر تو را دوست می‌دارم. تو خواهری هستی که در تمام گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها یار و یاور من هستی و چقدر من تو را ناراحت کرده‌ام و چقدر به تو اذیت رسانده‌ام که تو باید مرا ببخشی و حلالم کنی چون من نتوانستم برادری خوب برای تو باشم، آن چنان که تو خواهری خوب و مهربان برای من بودی.

و اما شما ای برادران خوبم! امیدوارم که مرا ببخشید. از شما می‌خواهم که در راه خدا خدمت کنید و به افرادی که در راه خدا کار می‌کنند کمک کنید و یاریشان نمایید و راه امام را برای خودتان الگو قرار دهید و گفته‌های ایشان را عمل نمایید. هر چند که من نتوانستم به گفته‌های امام آن چنان که باید و شاید عمل کنم، ولی شما سعی کنید بهتر از من باشید. هرگز از نماز و دعا غافل نباشید.

۳. اشاره به حدیثی منسوب به پیامبر اکرم (ص): «الجنة تحت اقدام الامهات: بهشت زیر پای مادران است».

و اما شما ای برادران همسنگر، همسنگران پشت جبهه و خصوصاً برادران در سنگر انجمن اسلامی، شما ای برادران مؤمن و برادرانی که عامل هدایت من شدید، از شما برادران می‌خواهم که مرا ببخشید و حلالم کنید و راهی را که انتخاب کرده‌اید، با همکاری هم و با استفاده از تجربیات گذشته و با رهبری امام امت ادامه دهید. خدا توفیق‌تان دهد و مؤید و پیروز باشید.

در پایان، از پدر و مادرم می‌خواهم که اگر خدا ما را به سوی خود طلبید و به پیش خود دعوت کرد و توفیق شهادت نصیبمان شد، هیچ‌گونه ناراحت نباشید و بدانید که شهید زنده است و هرگز نمی‌میرد^۴.

و اگر روزی من شهید شدم و جنازه‌ام پیدا نشد باز هم ناراحت نباشید و به یاد ائمه و اولیاء بیفتید و به یاد برادرانمان باشید که جنازه‌شان پیدا نشده و هیچ‌گونه ناراحتی به خرج ندهید که دشمن سوء استفاده می‌کند. در هر حال خدا را شکر کنید که چنین فرزندی در دامان شما پرورش یافته و به سوی خدایش شتافته و در راه خدا به رهبری روح خدا به آرزوی دیرینه‌اش که شهادت بود، رسید و شما به این شهادت افتخار کنید. به امید پیروزی رزمندگان اسلام و صدور انقلاب به تمام جهان با دعا به امام زمان و نائب برحقش امام خمینی.

حلالم کن تو ای مادر (۲)	به جبهه می‌روم اکنون (۲)
حلالم کن تو ای مادر	روم بر یاری اسلام
شکست بر اهرمن باشد	چو اسلامم هدف باشد
هوای کاظمین دارم	به سر عشق حسین دارم
حلالم کن تو ای مادر	به جبهه می‌روم اکنون
نچینی حجله شادی	نُبری رخت دامادی
شکست بر اهرمن باشد	لباس من کفن باشد
سلاح بود عروس من	سنگر بود حجله من
حلالم کن تو ای مادر	حلالم کن تو ای مادر

۴. اشاره به آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

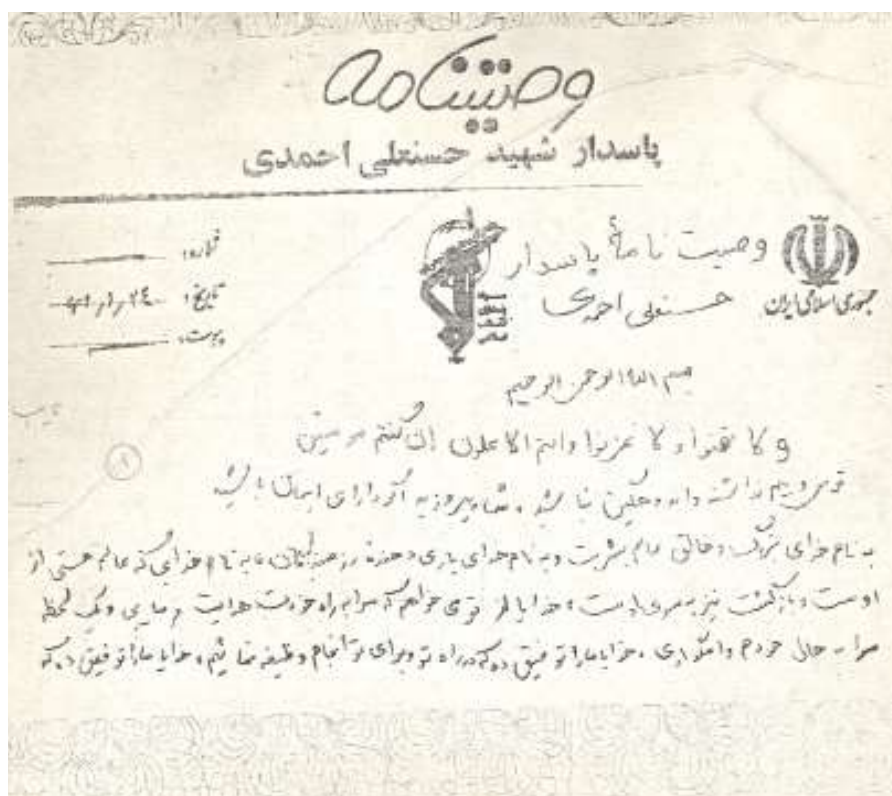
خدایا، خدایا، تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.
الهی آمین، الهی آمین.

در صورت نیل به شهادت مرا در مزار شهدا در قبرستان زاویه دفن نمایید.

پاسدار حسنعلی احمدی

۶۱/۱/۲۴

امضاء^۵



از سران امام زمان و جرایم و جنایات و در سبک ان اسلام باقیم و پروردگار امان تو چنین که بنده ای حزب برای تو
 و جز شکر ای حزب برای اسلام باقیم و حادای تو قین که در امد و حادای راه شریفان و ایام از حق آمان باقیم و حادای تو حزب
 مراد این را حق که قدم برداشته ام موافق با حق که تو هم به این رسیدی و چون رسیدی ان راه تو را هم میسم.
 و حق را که من به این راه میروم و ایام را که من به این راه میروم و ایام را که من به این راه میروم و ایام را که من به این راه میروم.
 و ایام ای چو در عمر زخم من که از خزانه حق برای شما نمود و از این موهب و خیلی نادر است که چو از انرا قسم خورم حق
 برای شما بشم و این را من تازه عرضه دارم که مشاهده حق این جزو دعوت کشیده به ولی مودی تکوین و من از تو پیر
 عزیز خدای خواهم و امید دارم که موا بستی و حلال کنم حق با خدا نیز موا بستی.
 و اما تو ای مادر حزب و تو ای صبح و وقتی زمانه یازدهم و اسم تو را می شنوم اصالت شصتی می نامم و زو است
 به تو من جانی که تا می کشم و منی ام باقیم و زانی از حق شناسم و زانی تو شکوگم و زانی شما بی از ده است و من می توانم حق
 آنرا از دست بیاورم تا چه رسد آنکه بتوانم تلافی آنرا را بگیرم و حق چگونه بتوانم قدر داری بگیرم و مادر و ایام تو به مراست
 که آن تو موا بستی می دارم خدا مرا بخواند عقیقه بر برگ بویست ز برای مادر است و من و حق تو ای مادر که بویست
 و ز برای توست هیچ گونه خوی نگورم و حق می آید است که تمام و چند هم از حق می کشم و ولی می نامم که تو با آن صبر
 مادر می موا بستی و حق دارم که بگویم است و آری می نامم که تو چند خوی و این را من تازه عرضه دارم و ای حزب حقیق
 که خیلی ای بر منم ولی در حق حل با هم از تو می خواهم که حق مراد بر دل زدی و معصمه و جوانی چلی از دست خود و حق

مرا بخشنی و حلال کنی. چقدر توانا هستی دارم. تو خواهی بخشی که در تمام کوه و دشت و دریا و درمن حسی آنچه را
من توانا هستم که تمام و چقدر به تو ازیست و سانه ام که تو به مرا بخشی و حلال کنی چون من توانا هستم برای خوب برای
توانم آن چنان که تو خواهی خوب و مهربان برای من بودی.

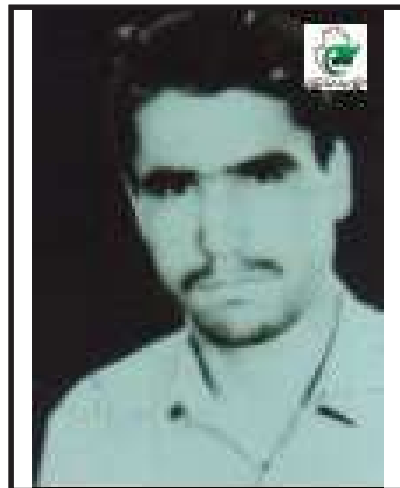
و اما شما ای برادران خوش، امید دارم که مرا بیغش و از شما می خواهم که در راه خدا صبر کنید و به
اقراری که در راه خدا گام نهی که شک کنید و یاری شان نمائید و راه امام را برای فرزندان الگو قرار دهید و گفته های
ایشان را عمل نمائید. هر چند که من توانم به گفته های امام آن چنان که باید و شاید عمل کنم ولی شما کسی
کنید بهتر از من باشد هرگز از نماز و دعا غافل نباشید.

و اما شما ای برادران همسنگر، همسنگران پشت جبهه و حضور ما برادران در سنگر اسلحه و شما ای برادران
سوی و برادرانی که عامل هدایت من شدید از شما برادران می خواهم که مرا بیغش و حلال کنید و راهی که شما
گرفته اید با همکاری هم و با استوار و برتریات که شده و با راهی امام است از امید صمیمانه و تو یقیناً خواهد
بود و بیرون می آید.

در پایان از پدر و مادر می خواهم که از خدا عاجز و بی سر و سود طلبی و به پیش خود می گوید و تو حق شهادت نفسی
شده هیچ کس از راهت نیارید و بدانید که شهادت داده است و حق تو می میرد و آن روزی من شهادت دادم و حلال دادم

[illegible]

حسین احمدی



نام: حسین

نام خانوادگی: احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۳/۳

محل تولد: روستای امامزاده قاسم از توابع

شهرستان اراک

نام پدر: رحیم

نام مادر: ماه سلطان

تحصیلات: بی سواد

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۱

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

◀ باید از اسلام که دین خدا در تمام جهان است دفاع کرد و نگذاشت که ابرقدرت‌ها اسلام را از بین ببرند.

◀ همه بایستی در جبهه‌ها حضور پیدا کرده و اسلام را یاری کنند.

◀ هیچ وقت از امام جدا نشوید و هیچ‌گاه اجازه ندهید که به امام و اسلام کسی توهین کند.

◀ ای کسانی که در پشت میز نشسته‌اید و به کارهای مردم رسیدگی می‌کنید، نکند یک وقت مظلومی را سرکوب و ظالمی را حاکم کنید. کارهای خلاف انجام ندهید.

باسمه تعالی

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.
 «گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد
 پروردگار خویش روزی می‌خورند».
 عاشقان را سر شوریده به پیکر عجب است
 دادن سر نه عجب داشتن سر عجب است
 «...فان حزب الله هم الغالبون»^۲، «پس به راستی حزب خداوند پیروز است». (سوره
 مائده، آیه ۵۶)

هم اکنون که با قلم و کاغذ وصیت خویش را بر روی کاغذ سفید می‌نویسم
 می‌دانم که دیگر جای ماندن در این دنیا نیست، زیرا خود احساس می‌کنم که اسلام با
 خون هزاران شهید از جمله ابا عبدالله الحسین (ع) پایدار مانده است تا به ما رسیده و ما
 نیز بایستی اسلام را زنده نگه‌داریم تا به انسان‌های بعد از ما برسد و آنها نیز موظفند که
 برای اسلام از جان و مال و غیره بگذرند. همچنان که کسانی بوده‌اند که از همه چیز
 خود گذشته‌اند و نگذاشتند اسلام از بین برود.

برای یک مسلمان یک ننگ است اگر نتواند از اسلام در مقابل کفر دفاع کند
 و بگذارد اسلام ضربه ببیند. پس باید از اسلام که دین خدا در تمام جهان است دفاع
 کرد و نگذاشت که ابرقدرت‌ها اسلام را از بین ببرند و این جنگ ما نیز برای دفاع و
 سربلندی اسلام است. پس همه بایستی در جبهه‌ها حضور پیدا کرده و اسلام را یاری

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة ننبأكم الله انهم احياء عند ربهم يرزقون» و در نزد خدا متعم خواهند بود.
 ۲. بخشی از آیه ۵۶، سوره مائده: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» و هر کس که خدا و رسول
 و اهل ایمان را ولی و فرمانروای خود داند که تنها لشکر خدا فاتح و غالب خواهد بود.

کنند.

و این بنده حقیر خدا نیز تنها هدف از جبهه رفتنم افتخار آفرینی کردن برای اسلام که از همه چیزم در راه او گذشته‌ام. و ای مردم، خود را توجیه نکنید که نمی‌توانم، کار دارم، درس می‌خوانم. همه باید اسلام را کمک کنیم، این یک وظیفه شرعی است. و هم اکنون که به جبهه می‌روم دیگر امید برگشت ندارم. و دوست دارم که همچنان دوستان و رفقای من سعادت پیدا کردند و در راه اسلام کشته شدند و با کشته شدن خود اسلام را سرافراز کردند، من نیز در راه اسلام و معبود خویش جان دهم و بر این کشته شدنم افتخار می‌کنم. پس خدایا، من را شهید کن چون آرزوی من است. وصیت به پدر و مادر و برادر و خواهرم:

از شما پدر و مادر و برادر و خواهرم می‌خواهم که هیچ وقت از امام جدا نشوید و هیچ‌گاه اجازه ندهید که به امام و اسلام کسی توهین کند. پس همچنان که امام سجاد و حضرت زینب کبری (س) پس از شهادت امام حسین (ع) به تبلیغ اسلام پرداختند، شما نیز کسانی باشید که برای اسلام سرافرازی بیاورید و افتخار آفرین باشید برای اسلام و قرآن و دین محمد که همان اسلام جاودانه است.

باری پدر مهربان! اگر کسی آمد و گفت که من از فرزند شما پولی می‌خواسته‌ام به او بدهید ولی گمان کنم کسی از من پولی نمی‌خواهد. باری پدر و مادر مهربانم، به جان من از کلیه دوستان و آشنایان و قوم و خویش حلالیت بطلبید، یادتان نرود. حدود یک ماه روزه دارم که برآورده کنید و به دوستان و آشنایان بگویید که هر وقت می‌خواهند مرا یاد کنند، دو رکعت نماز قضا برایم بخوانند. دیگر چیزی به نظرم نمی‌رسد. در ضمن، مقداری هم نماز قضا دارم که انجام بدهید. پولی هم به پسر شمسعلی بدهکارم بدهید.

وصیت به مسئولین:

ای کسانی که در پشت میز نشسته‌اید و به کارهای مردم رسیدگی می‌کنید، خداوند شما را یاری کند و پاداش این کارتان را از خداوند متعال بخواهید و نکند یک

وقت مظلومی را سرکوب و ظالمی را حاکم کنید. کارهای خلاف انجام ندهید، زیرا شهدا در صحرای محشر از شما می پرسند ما خون دادیم تا کاغذبازی و دیگر کارها برچیده شود و در ادارات بر اساس اسلام کار شود، چرا خلاف؟ باید جواب بدهید، پس بیایید کاری کنید که مورد بازخواست قرار نگیرید. خداوند شما را حفظ کند برای خدمت به مردم محروم و خدمت به اسلام بزرگ پیروز باشید در کارهایتان، ان شاء الله. دعای این حقیر:

خدایا، اسلام را پیروز کن، کفار را نابود کن، حاجت حاجت مندان را برآورده کن.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگهدار، منتظری نستوه محافظت بفرما، یاران با وفای امام و اسلام را نگه دار. و ای مردم! شعار مرگ بر بی حجاب، مرگ بر امریکا و... دیگر شعارها یادتان نرود.

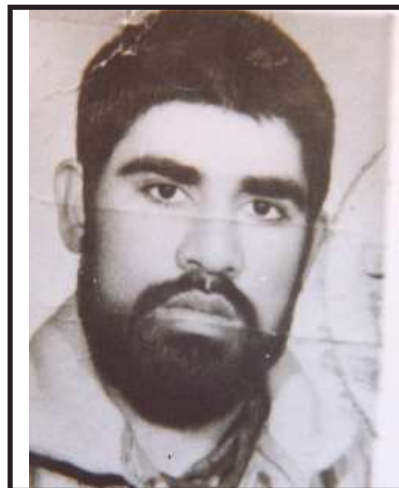
خدایا! ما را ببخش و گناهانمان را بریز. خدایا، ما را به کربلای حسینی برسان. دوست دارم شمع باشم در دل شبها بسوزم
روشنی بخشم به جمعی و خود تنها بسوزم
جنگ، جنگ، تا پیروزی، تا برقراری حکومت اسلام در تمامی نقاط جهان
ان شاء الله.

تاریخ تکمیل وصیت نامه: ۲۸/۹/۶۵، رأس ساعت ۸ صبح.

ایمان، جهاد، شهادت.

الحقیر حسین احمدی

حسین احمدی



نام: حسین

نام خانوادگی: احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱۱/۱۸

محل تولد: شهرستان تهران

نام پدر: علی

نام مادر: مهربانو

تحصیلات: بی سواد

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۱

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ◀ اسلام مکتب انسان ساز است. در راهتان کوشا باشید و خود را مقید به درک مفاهیم اسلامی بگردانید.
- ◀ دعا که سلاح مؤمنین و مؤمنات است را فراموش نسازید که پیروزی ها از همین ادعیه شماست.
- ◀ ولایت فقیه، این چراغ هدایت راه را همیشه پشتیبان باشید.
- ◀ نگذارید عوامل فساد که بی شک از خارجه تقویت می شوند در میانتان رخنه کنند.
- ◀ جلوی هر گونه فساد را با قدرت تمام بگیرید.

بسم رب الشهداء

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة...»^۱.

با درود بر منجی عالم بشریت، هادی نسل آخرین ذخیره الله بر امت مهدی موعود(عج) و درود بر نائب برحقش امام عزیز و به امید پیروزی لشکریان اسلام بر کافران و ملحدان عصر و درود و سلام بر شما ای خانواده‌های شهدا که همان‌گونه که امام عزیزمان فرمودند چشم و چراغ این ملتید که بلکه چشم و چراغ اسلامید.^۲

فرزندانی از تیره هابیلیان پروریدید تا چون اسماعیل گردن به حق بندند و جان را به جان آفرین تقدیم دارند.

زمان همان عاشورا است و مکان همان کربلا و این ندای حسین است که از گلوی فرزند پاکش خمینی عزیز برمی‌آید. امروز یزیدیان در انتظارند و در صفوف متشکل ایستاده و مجهزند تا این بار ندای حسینی را در دم خفه کنند و اگر این شد دیگر نه اسلامی می‌ماند و نه مسلمانی و نه ایرانی می‌ماند و نه ایرانی. نه شیعه می‌تواند کلام گوید و نه پیروان و نه مظلومی می‌تواند داد از ظالم بستاند و نه دیگر دادرسی باقی می‌ماند، نه امامی و نه پیروی.

۱. بخشی از آیه ۱۱۱، سوره توبه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ: همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس به قتل می‌رسانند و کشته می‌شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا باوفا تر به عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است».

۲. اشاره به این سخن امام خمینی(ره) است: «شما خانواده های شهدا و معلولین و مجروحین نشان دادید که هرگز اجازه نمی‌دهید استعمار بر مقدرات این کشور سایه افکند. شما خانواده های شهدا با شهادت افتخارآفرینان این مرز و بوم به جهان فهماندید که از همه عزیزان در راه اسلام خواهید گذشت. شما چشم و چراغ این ملتید، خداوند یارتان باد. شما با ایثار فرزندان و جوانان و عزیزان خویش به همه نشان دادید که توطئه های داخل و خارج نخواهد توانست بر این ملت مصمم پیروز شود».

صحیفه نور، جلد ۱۴، صفحه ۸۰.

همه و همه ظلم است ظلم، بیدادست خونریزی، منکر است و منکرات و دیگر آن دم غضب الهی است و دیگر فرار نتوان کرد و آن گاه اگر مردمانی باشند زیر ظلم در ستم و فریاد بر نیاورده باشند بر ظالمان آنان نیز می سوزند و وای بر آنان.

امروز حق، ندایش در ایران بلند است، حق برخاست تا باطل را بر زمین بزند. باطل، سیاهی ها زیادند و تنها نور شمعی از حق و روشنایی می دهد و هر کسی که شعاعی از نور برش می رسد و کلامی از این نور می شنود، باید قیامی آغازد، باید برخاستی کند، باید سلاح بگیرد تا اساس ظلم بر هم ریزد.

و هر کسی ندا را شنید و فریاد بر آورد باید در سلک شهیدان آید، خون بدهد یا مال را فدا سازد و هر چیز را که خداوند مقبول آید، این راه صراط مستقیم است. اطراف این راه میادین تباهی و سیاه چال های گمراهی دربر گرفته و فقط معبری است که آن را باید عابر بودن. و هر چه در میان این از ما بیفتد سبک بارتر به سویش که لقاء او باشد پرواز می کنیم.

همان گونه که گفتم زمانه حسین است، حسین را یاور باشید که این فرزند پاکش ندای او را می گوید. امت دلیر و شهید پرور، ولایت فقیه، این چراغ هدایت راه را همیشه پشتیبان باشید. امروز اسلام زنده است به برکت روحانیت مبارز در خط اسلام. پشتیبان را گرم نگه دارید و این میسر نخواهد بود مگر با در صحنه بودن.

اسلام را یاور باشید که اسلام امروز احتیاج به شماها دارد. نگذارید عوامل فساد که بی شک از خارجه تقویت می شوند در میانتان رخنه کنند. با بی حجابی سخت مبارزه کنید و نگذارید در مملکت صاحب الزمان چنین بی حرمتان روی خون شهیدان قدم ننگ آلود بردارند. جلوی هر گونه فساد را با قدرت تمام بگیرید.

و اما پدرم:

تو چنان ابراهیم فرزندی را به قربانگاه فرستادی و نه یک اسماعیل بلکه دو نور چشم را راهی کردی و گفتی رضا برضائک و هر چه از دوست رسد نیکوست^۳. حال

۳. اشاره به این شعر از سعدی است: «گویند رها کنش که یاری بدخوست، خویش نیززد به درشتی که دروست؛ بالله بگذارید میان من و دوست، نیک و بد و رنج راحت از دوست نکوست».

در عزای من نشسته‌ای ولی به یاد داشته که مؤمنین را صبر باید کرد که: «[الذین] اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیه راجعون»^۴. مرا ببخش اگر گاه گاهی تو را آزرده. پدرم، چشمانت را جلوی دشمنان اسلام نمناک مکن.

و تو مادر! تو جز زحمت و مشقت از من چیزی ندیدی اما حال که می‌روم امیدم به عفو تو است مادر. اگر این فیض عظمی بر من نازل شد بدان که شهیدان زندگان تاریخ‌اند و قرآن کراراً می‌فرماید که: «آنانی که در راه خدا کشته شده‌اند مردگان نیستند بلکه زندگانند و در نزد من روزی می‌خورند»^۵.

برادران و خواهران! اسلام مکتب انسان‌ساز است. در راهتان کوشا باشید و خود را مقید به درک مفاهیم اسلامی بگردانید. دعا که سلاح مؤمنین و مؤمنات است^۶ را فراموش نسازید که پیروزی‌ها از همین ادعیه شماس است. از همین نماز جمعه‌هاست، از همین نماز جماعت‌های شماس، از همین زجه و ناله‌های شماس، از همین نیمه شب بلندشدن و به درگاه خدا گریستن شماس، اینها را تداوم بخشید.

در مُعْزایم صبر داشته باشید که صبر شیوه مؤمنین است. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

لازم به تذکر است اگر کسی طلب خواست و گفت که طلب داشتم از حسین به او بدهید.

حسین احمدی

۱۳۶۲/۱۱/۲۶

امضاء^۷

۴. آیه ۱۵۶، سوره بقره: «آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۵. ترجمه آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ: البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۶. اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که به نقل از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است: «الدعاء سلاح المومن و عمود الدین و نور السماوات و الارض: دعا، سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است».

۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



سورة النور

مرکز اطلاع‌آینا در آن، من الموعظی اعظمه و اموالهم بنات لهما الحمد

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

والتا به و
خروجاً و ما وجدنا في كتابنا من شيء مما نريد

[illegible]

برای این خواهان اسلام گفتند انسان خداست و در حق او کفر است و حق را
تو می دانی و ما نمی دانیم و این را که صلاح مؤمنان است و مفسدات است و حق را می بین
تو از این که می بیند و می شناسد از حق می بیند و می شناسد از حق می بیند و می شناسد
چرا که حق را می بیند و می شناسد از حق می بیند و می شناسد از حق می بیند و می شناسد
خدا می بیند و می شناسد از حق می بیند و می شناسد از حق می بیند و می شناسد
خدا می بیند و می شناسد از حق می بیند و می شناسد از حق می بیند و می شناسد

55/1255

شعبہ انجمن

لازم به ذکر است که تمام این مطالب

خداوند و حضرت محمد و ائمه

الرحمن الرحيم

فتح الله احمدی



نام: ذبیح الله

نام خانوادگی: احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۹/۴

محل تولد: روستای حصار از توابع شهرستان

اراک

نام پدر: سیف الله

نام مادر: شوکت

تحصیلات: دیپلم (رشته حسابداری)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۲۰

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به پهلو

محل دفن: روستای حصار

گلچین وصیت نامه

◀ امیدوارم که خدا به راهی که خودش دوست دارد شما را توفیق عنایت کند.

◀ در راه حسین(ع) ثابت قدم باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم».

«...انا لله وانا اليه راجعون»^۱.

با عرض سلام خدمت خاتم الانبياء حضرت مهدی (عج) روحی فداه و نائب برحقش حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و همه یاران باوفایش و همه شهیدان راه خدا.

ضمن عرض سلام خدمت پدر و مادر گرامیم و همسر و خواهران و برادرانم و دیگر اقوام و دوستان، سلامتی شما را از درگاه خداوند تبارک و تعالی مسئلت دارم و امیدوارم که به راهی که خودش دوست دارد شما را توفیق عنایت کند و در راه حسین (ع) ثابت قدم باشید.

ضمن طلب بخشش از همگی شما، اینجانب ذبیح الله احمدی احساس می‌کنم که شاید چند روز دیگر در این دار فانی نباشم، لذا چند وصیت دارم که حضورتان می‌نویسم، ان شاء الله که به دست‌تان برسد:

۱- از همگی شما طلب حلالیت نموده و امیدوارم که از خطایای اینجانب گذشته و از همگی برادران و خواهران و اقوام و خویشان برایم طلب حلالیت و خداحافظی نمایید.

۲- وصیت‌نامه‌ام دست همسر می‌باشد که قسمتی از آن را حذف نمایید و پس از اصلاح مورد اقدام قرار دهید.

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۳- همسر محترم و خوبم در سرنوشت خود آزاد بوده و می‌تواند از همه اموال مهریه خود را برداشته و مابقی را اگر ان‌شاءالله فرزندی داشتم خرج او نماید و اگر نبود در راه خدا کمک به دولت جمهوری اسلامی نماید.

۴- مبلغ ۱۰۰۰ تومان به برادر محمد محمدی بدهکار و مبلغ ۲۰۰۰ تومان به ستاد پشتیبانی شازند، برادر رحمت‌الله فلامی بدهکار می‌باشم. و ۳۰۰ تومان به علیرضا محمودی عضو سپاه بدهکار می‌باشم و مبلغ ۵۰۰ تومان به برادر گلشن زاده بدهکار می‌باشم و اگر کس دیگری طلب نمود بدهید.

در خاتمه دو ماه روزه قضا دارم و یک سال نماز قضا و یک گوسفند نذر جبهه، ۵۰۰ تومان نذری حضرت امام رضا(ع)، والسلام.

«اشهد ان لا اله الا الله و محمدا رسول الله و علی ولی الله»^۲.

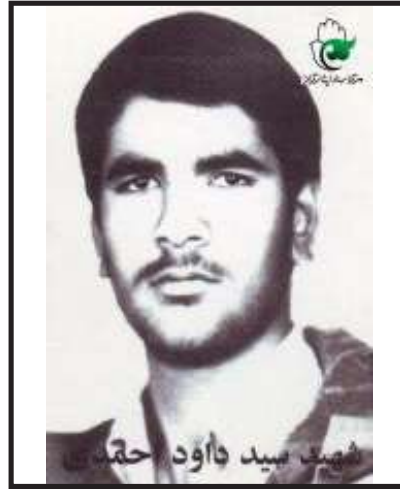
بنده خدا

ذبیح‌الله احمدی

۶۴/۱۲/۵

۲. ذکر شهادتین.

سید داود احمدی



نام: سید داود
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۳/۲۰
محل تولد: شهر آستانه از توابع شهرستان شازند
نام پدر: سید محمد
نام مادر: زهرا
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۵/۴
محل شهادت: خوشکدان مریوان
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر و شکم
در درگیری با نیروهای حزب کومله
محل دفن: شهر آستانه

گلچین وصیت نامه

- ◀ گریه و زاری برای من نکنید و همیشه افتخار کنید که یک چنین فرزندی به اسلام هدیه کرده اید.
- ◀ برادرها! تا آخرین قطرات خونتان از انقلاب اسلامی و دولت اسلامی و رهبر کبیر انقلاب حمایت کنید.
- ◀ پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ◀ برادران عزیزم. امیدوارم که بتوانید در خط امام قرار گیرید.
- ◀ از قطرات خون من می بایستی صدها جوان دیگر به حرکت در آیند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب الیم. تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون»^۱.
سلام به کلیه رزمندگان اسلام و پدر و مادر عزیزم و با درود به رهبر کبیر انقلاب، پیر تقوی، خمینی بت شکن.

قبل از هر چیز لازم می‌دانم که انگیزه خودم را از رفتن در این راه که همان راه پاک الله است بیان کنم. شاید نتیجه برای نسل آینده و خوانندگان عزیز باشد. من از آن روزی که خودم را شناختم متوجه شدم که می‌بایستی هدفی را برای خودم پیدا کنم و دنباله‌رو آن هدف باشم. این بود که بعد از مدتی هدف نهایی خود را به طور قلبی شناخته و حاضر شدم که در راه آن هدف استقامت کنم. آن تشخیص از آن هدف بود که از بهترین راهمان جبهه و نبرد علنی حق علیه باطل دانستم.

به هر حال بعد از مدتی که گذشت متوجه شدم که انسان می‌بایستی همیشه بهترین راه را برای رسیدن به هدف انتخاب نماید. اینکه نزدیک‌ترین راه زیرا که ممکن است بهترین راه نیز نزدیک‌ترین راه باشد. و من امیدوارم که توانسته باشم بهترین راه را در زندگی پیدا کرده باشم.

بعد از عنوان این مسئله صحبتی با پدر و مادر و برادرانم، که من آخرین فرزند کوچک شما بودم همیشه شما نگران بودید که من به جبهه بروم و آسیبی به من وارد شود. ولی شاید خودتان فهمیده بودید که وقتی کسی حاضر باشد جان خودش را در

۱. آیات ۱۱ و ۱۰، سوره صف: «ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک نجات بخشد دلالت کنم؟ به خدا و رسول او ایمان آرید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید، که این کار اگر دانا باشید برای شما بهتر است».

راه خدا هدیه کند، از هیچ کلی و مسیری روی گردان نیست.

پدر و مادر عزیزم! من خودم یک باغی را مشاهده می‌کردم که در آن باغ لاله‌های زیادی روئیده بود. بعضی از این لاله‌ها به حد اعلا سرخ شده بودند و بعضی هنوز به حد اعلی نرسیده بودند. باغ زیبایی بود، لاله‌ها نسبت به هم مهربان و صمیمی بودند. به یکدیگر سفارش می‌کردند که در صورتی که یکی از آنها زودتر چیده شد سفارش بقیه را نزد خدایش بکند. خیلی زیبا بود. این باغ یک باغبان داشت که در جماران بود و باغبانی این باغ را می‌کرد. همیشه خواهان این بود که ای کاش من هم در میان این باغ بودم. تا اینکه توانستم^۲ به هر نحوی که شده داخل باغ شوم. بعد از وارد شدن به باغ انتظار بالاتری کسب کردم و منتظر بودم که چه موقع چیده شوم.

و هم اکنون که چیده شده‌ام و توانسته‌ام به جایی [که] زندگی ابدی در آن است [بروم]، انتظار دارم که اولاً گریه و زاری برای من نکنید و همیشه افتخار کنید که یک چنین فرزندی به اسلام هدیه کرده‌اید.

برادرها! تا آخرین قطرات خونتان از انقلاب اسلامی و دولت اسلامی و رهبر کبیر انقلاب حمایت کنید و پشتیبان ولایت فقیه باشید.

پدر و مادر عزیزم! در حالتی که جانم را فدای اسلام می‌کنم، انتظار عدم یکی از این موارد را نداشته و در صورتی که یکی از این موارد را رعایت نکنید، حاضر به ملاقات شما نیستم.

اینک سلام به برادران عزیزم. امیدوارم که بتوانید در خط امام قرار گیرید. و اگر می‌خواهید در زندگی موفق و پیروز باشید، به پدر و مادرم دلداری دهید^۳ و آنها را به شهادت راضی کنید و بگویید که از قطرات خون من می‌بایستی صدها جوان دیگر به حرکت درآیند.

و اینک سلام بر کلیه دوستان و آشنایان عزیزم که همیشه با راهنمایی‌هایی که به

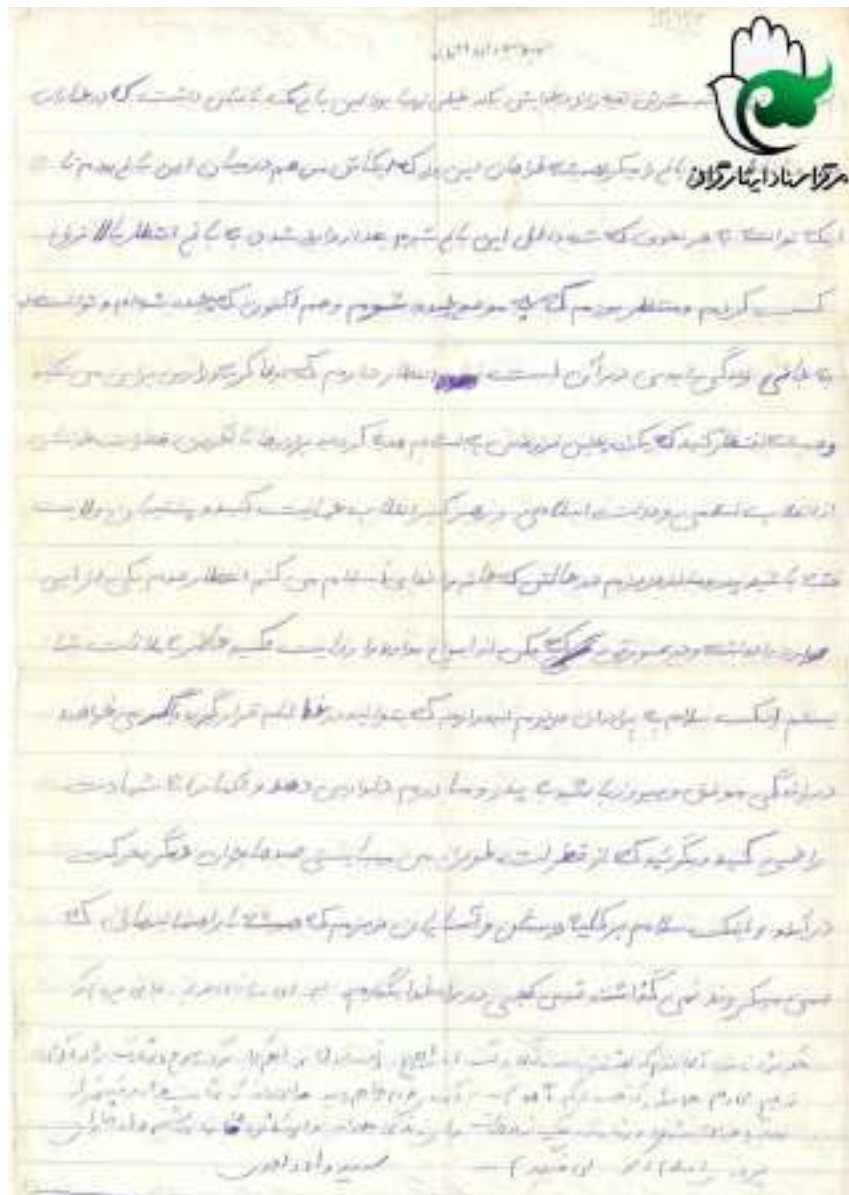
۲. اصل: توانسته.

۳. اصل: دهد.

من می‌کردند نمی‌گذاشتند قدم^۴ کجی در راه خدا بگذارم.
پس ای دوستان عزیز! به جایی می‌روم که ملکوتش نامند و آنجا روم که بهشتش
نامند. زندگی ذلت‌بار را هیچ وقت قبول نخواهم کرد، مرگ سرخ و شهادت را بر آن
ترجیح می‌دهم. همان‌طور که قلب پاکم آگاه است، به آرزوی خودم خواهم رسید.
خدا می‌داند که شهادت هزار مرتبه بهتر از داماد یا عروس شدن و شهادت یک تولدی
است برای زندگی جاودانه و ای کاش جان‌ها داشتم و بارها برای پیروزی اسلام بر کفر
می‌جنگیدم.

سیدداود احمدی

[illegible]



سید محمد احمدی



نام: سید محمد
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۴/۱
محل تولد: روستای وستونقان از توابع شهرستان
دلیجان
نام پدر: سید جواد
نام مادر: عذرا
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۷
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: گلزار شهدای روستای وستونقان

گلچین وصیت نامه

- هر کس که مسلمان است و احساس مسئولیت می کند، باید از اسلام که خود وابسته به آن است دفاع کند.
- مبادا که دنبال امام را رها کنید و به بیراهه بروید.
- از وضع مادی زمان ناراضی نباشید و ناشکری خداوند را نکنید.
- همیشه بر نفس خود پیروز باشید و با شیاطین و منافقین و دشمنان خدا مبارزه کنید.
- از خون من و همه شهیدان حراست و نگهبانی کنید و پیام خون شهیدان را به مردم بدهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.
 «آنانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند و نزد خداوند
 روزی می‌خورند».

با نام خداوند متعال و حکیم و حلیم و جبار و کریم که به ما نعمت‌های بیکران
 بخشید و پس از این همه ترحم و بخشش راه و روش‌های به سعادت رسیدن آخرتی
 را به ما آموخت و با ماست که باید با یافتن این راه‌ها و عمل کردن به آن را سعادت
 آخرتی را پیدا کرده و ببیماییم. و با یاد خداوند وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم.
 اینجانب به شما برادران و خواهران هشدار می‌دهم که مبدا خدای نکرده شیطان
 بر شما غلبه کند که کسی خود نمی‌فهمد که شیطان او را فریب داده یا نه! و شما گر
 می‌خواهید بفهمید که چه طور انسان منحرف می‌شود و خود خیال می‌کند راه راست
 را می‌پیماید، به تاریخ قدیم و صدر اسلام بنگرید و مروری در زمان‌های انبیاء و اولیاء
 کنید. و برای نمونه به جنگ‌های زمان^۲ علی(ع) و جنگ روز عاشورا اندیشه کنید و
 ببینید که منافقان با چه امید و هدفی به جنگ امامان ما آمده بودند.

و آیا می‌دانید که روز عاشورا آنها که به جنگ امام حسین(ع) آمده بودند،
 بعضی‌هایشان هدفشان چه بود؟ از تاریخ که بپرسیم می‌گوید بعضی از آنها می‌گفتند
 که ما به جنگ علیه امام حسین(ع) آمده‌ایم تا دین خود را محکم کنیم و برای قبولی
 اعمال خود به این جنگ آمده‌ایم و بعضی از آنها پیشانی‌شان از خواندن نماز پینه بسته

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البتة نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۲. اصل: زما.

بود، ولی آن قدر از راه به در رفته بودند و خود نمی فهمیدند که با حقیقت قرن ها فاصله داشتند و به لعنت خداوند گرفتار شدند.

و با شماست که اگر منافق از خدا بی خبر و شیطان های درونی و بیرونی شما را خواست فریب بدهد و اگر می خواهید با دین اسلام به دنیای آخرت ابدی مسافرت کنید، آن چنان با آنها رفتار کنید که دیگر فکر نفاق و دشمن با اسلام و امام بر سر نحسشان نزنند و بدانید که راه سعادت همین است. و اگر می خواهید در روز قیامت سربلند باشید و در پیشگاه خداوند و پیامبر (ص) و امامان و شهدای اسلام خجالت زده نباشید و بعداً هم به عذاب گرفتار نشوید، همیشه بر نفس خود پیروز باشید و با شیاطین و منافقین و دشمنان خدا مبارزه کنید.

و از وضع مادی زمان ناراضی نباشید و ناشکری خداوند را نکنید که گناه بسیار بزرگ است و اگر هم آنقدر که امورتان به سادگی هم می گذرد خدا را شکر کنید و به مادیات نپردازید و غافل نباشید که قطره قطره جمع می شود و دریا می شود و مواظب زبان خود باشید.

و مبادا که دنبال امام را رها کنید و به بیراهه بروید که بدانید که اسلام پابرجا می ماند و خداوند نگهدار آن است، اما ننگی همچون کوفیان زمان سید الشهدا (ع) برجای می ماند که با هیچ آبی آن را نمی شود پاک کرد و اگر کسی این انقلاب و امام امت را رها کند به حقیقت خود را رها کرده و فقط خود از قافله عقب مانده.

و بدانید که کسی مرا به این راه وادار نکرده و هیچ چیز در من تأثیر نگذاشته جز عشق به خداوند و اسلام و قرآن و رهبر و با ندای «هل من ناصر» امام بزرگمان برای دفاع از اسلام به این راه رفتم و هر کس که مسلمان است و احساس مسئولیت می کند، باید از اسلام که خود وابسته به آن است دفاع کند. و من خود این راه را انتخاب کردم و کورکورانه این راه را انتخاب نکردم و ان شاء الله که به سعادت رسیدم.

راضی نیستم که کسی برای من بی تابی کند و گریه هایی کند که باعث ناشکری خداوند بشود و باعث شادی دشمنان شود. و کاری که می کنید بروید دنبال سعادت

و خوشبختی و ببینید که آیا سعادت در مرگ سرخ و خود را به خدا فروختن است یا اینکه وابسته بودن به زندگی مادی و سازش و ننگین است که دشمنان اسلام دارند؟ و بدانید که در خفقان و ظلم، مسلمانی در زندگی راحت ننگ است و مرگ بالاترین سعادت است. و به حق گفت آنکه گفت این سرود را که:

«اندر آنجا که باطل امیر است و اندر آنجا که حق سر به زیر است

و راستی زندگی ناگوار است مرگ بالاترین افتخار است»^۳

پس به دنبال افتخار باشید. و من در شب قبل از اینکه بدانم که نام من در ردیف جبهه است، در شب جلو آن در خواب دیدم که در جایی آب دست امام عزیزمان می‌ریختم و او^۴ هم وضو می‌گرفت. و در فردای آن شب، صبح یکی از برادران به خانه ما آمد و گفت که نام من در ردیف برادران جبهه است. و آن خواب را من به همین جا تعبیر کردم و این سعادت از جلوتر به من الهام شده بود.

و راضی به آن نیستم که آن منافقان و آنها که این انقلاب و اسلام و امام را از خود بیگانه می‌دانستند و می‌دانند، در زیر جنازه من بروند. و به آنها توصیه می‌کنم که فقط کمی فکر کنند که بهترین ثواب^۵ در اسلام فکر کردن است. و می‌فرماید که: «یک لحظه فکر کردن از یک سال عبادت بهتر است»^۶. و کسانی بودند که با یک لحظه فکر کردن باعث سعادت خود شدند و از قبیل آنها می‌توان حرّ را نام برد که با یک لحظه فکر از شرک و کفر و الهاد به راه سعادت و خوشبختی آمد. و سردار رشید اسلام شد و در رکاب حضرت حسین(ع) به ملکوت اعلا پیوست و چه افتخاری از این بالاتر و بهتر.

و مرا در صورت امکان در قطعه شهدای وسقونقان دفن کنید و در عزای من که به حقیقت جشن من است، سوره‌هایی از قرآن که دم از مبارزه می‌زند و صدای دم شمشیر و گلوله از آن بلند است تلاوت کنید. و در مجلس دهان مردم را شیرین کنید

۳. شعر از محمدحسین بهجتی است.

۴. اصل: آن (همه جا اصلاح شد).

۵. اصل: سواب.

۶. پیامبر اکرم(ص): «تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَنَةً» یک لحظه یا یک ساعت فکر کردن، بهتر از یک سال عبادت است.

و از چیزهایی که در عزا می دهند خودداری کنید و از حرکت هایی که در عزا می کنند خودداری کنید. و پدر و مادر و همسر و بچه هایم با لباس سفید باشند و سیاه پوش نشوند، چون که قرآن می فرماید:

«کسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده میندازید، بلکه زنده اند و نزد خداوند روزی می خورند».^۷

اما شما آنها را نمی بینید. پس بدانید که من مرده نیستم بلکه زنده ام، اما شما مرا مرده می بینید. و اصل موضوع همان روح است که باید زنده بماند و یاد و نام است، که روح شهیدان زنده است. البته اگر خداوند مرحمتی کند و این شهادت را قبول کند، ان شاء الله.

و شما برادران و خواهران خودم! با شماست که حالا که برادری به راه خدا داده اید وظیفه خود را بدانید و از خون من و همه شهیدان حراست و نگهبانی کنید و پیام خون شهیدان را به مردم بدهید و دین خود را ادا کنید. چون خون باید پیام دهنده داشته باشد و الا تأثیر چندانی ندارد.

و تو ای خواهر بزرگم که خود دینی به اسلام ادا کرده ای و شهید و عزیزی داده ای، سعی کن اجر عظیم تری برده باشی و همان طور که در شهادت جوان خود قهرمانانه و شجاعانه در برابر احساسات خود ایستادی و باعث ناامیدی دشمنان اسلام و سرفرازی انقلاب شدی و مشتی محکم بر دهان منافق زدی، حالا هم بکوش و سعی کن که همان طور بلکه بهتر عمل کنی و با این کار روح فرزند و برادر خود را شاد کنی و من خوشحالم^۸ که توانسته ام دینی را که به گردنم بود از شما ادا کنم و نام اولین فرزند خود را به یاد سید الشهداء (ع) و برای یادگاری از خود و برای زنده نگاه داشتن نام فرزند تو، حسین گذاشتم. و امیدوارم که با تربیت صحیح و به راه اسلام بردن او راه ما را ادامه دهد. و تو ای خواهر شهید داده ام! نگاه فرزندت را به او بکن.

۷. ترجمه آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نیندازید که شهیدان راه خدا مرده اند، بلکه زنده اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۸. اصل: خوشحالم (همه جا اصلاح شد).

و ای مادرم با تو است که به مقام خود اندیشه کنی و مبادا بی‌تابی کنی و اجر خود را کم کنی و ما را نیز غمگین کنی. و بدان که هیچ کس به جز خداوند در این جهان نمی‌ماند و همه باید بروند.^۹ و فکر این نباش که فرزند بزرگ کرده‌ای و می‌خواستی خیرش را ببینی. همین بهترین و بزرگترین خیر است که از او دیده‌ای و راه سعادت همین است.

و مرا ببخش و حلال کن از زحمات زیادی که برایم کشیدی و شیرت را بر من حلال کن و بدان که من با خوشحالی تو خوشحالم و با ناراحتی تو ناراحتم و مواظب باش که ناآگاهانه مرا آزار ندهی، چون می‌دانم که مرا دوست داری و نمی‌خواهی من ناراحتی بکشم.

و پدرم با تو است که رسالت خون ما را به دست گیری و مراقب آن باشی و با صبر خود مانند کوه استوار باشی. و موقعی که ان‌شاءالله به کربلای حسین (ع) همه رفتید، سلام مرا به امام حسین (ع) سید الشهداء برسان و عرض کن ای سید شهیدان، ای فرزند زهرا (س) سعی کردم با نام مادرت به زیارت تو بیایم و عرض ادب کنم، اما سعادت نداشتم و به راه تو اگر قبول کنی و خداوند قبول کند، شهید شدم و مرا ببخش و شفاعتم کن در قیامت و اگر در راحت کوتاهی کردم مرا ببخش.

و اما پدرم! به خاطر زحمات‌های خود حلال کن و ببخش و از همه برادران و خواهران همشهریان و همه و همه حلالیت طلب کن و در تربیت فرزندانم بکوش و آنها را در خط اسلام و امام تربیت کن و نام فرزند کوچکم را حسن بگذارید.

و اما ای همسر! امیدوارم که مرا حلال کنی، چون تو حق زیادی به گردن من داری و من نتوانستم در خانه تو دین خود را ادا کنم و همیشه تنهایی کشیدی و ناراحتی‌های زیادی در خانه من کشیدی. و بدان که تو همیشه در جهاد بودی و اجر جهاد را برده‌ای و اگر من هم در جهاد کوتاهی کردم اما تو اجرت را برده‌ای و حالا هم که بی‌نهایت سرفراز شده‌ای و وظیفه تو این است که با تربیت صحیح فرزندان راه

۹. اشاره به آیات ۲۶ و ۲۷، سوره الرحمن: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ. وَيَبْقَىٰ وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ: هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست. و زنده ابدی ذات خدای با جلال و عظمت توست».

من را ادامه دهی و دیدار ما [در] قیامت ان شاء الله در بهشت رضوان.

و هر وقت که به یاد من افتادی و در فکر من رفتی، به صورت حسین و حسن دو فرزندمان نگاه کن و برایم فاتحه بخوان و از خداوند بخواه که روح من و همه شهیدان را شاد کند. و من خجالت می کشم و شرمند هستم، چون در خانه^{۱۰} من ناراحتی زیاد کشیدی و من می ترسم که خداوند برای زن در خانه حقی که قرار داده باشد، من به تو ادا نکرده باشم و در پیشگاه خداوند محاکمه بشوم. پس به هر حال مرا ببخش و حلالم کن. و در برابر تمام ناراحتی ها صبر کن و خود را کنترل کن و به یاد خدا باش که: «...الا بذكر الله تطمئن القلوب»^{۱۱}، «یاد خداوند قلب را مطمئن^{۱۲} می کند و آرامش می بخشد». و ای خواهرم^{۱۳} حجاب تو کوبنده تر از خون من است. (از اینجا به بعد را در انظار^{۱۴} نخوانید).

از مال دنیا به حد معمولی که دارم به دستور اسلام رفتار شود و از آن تعداد ۲ ماه روزه که در جبهه بودم و موفق به قضای آن هم نشدم برایم بگیرید و مدت یک سال نماز که اگر نمازم اشکال داشته و یا قضا شده و برای احتیاط برایم بخوانید. و از مال صدقه بدهید و مقدار ۱۰۰۰ تومان کفاره بدهید که اگر برگردنم افتاده باشد مدیون نباشم و ۱۰ نماز آیات برای احتیاط برایم بخوانید. و مبلغ هزار تومان به سید حسینی احمدی فرزند سیدعلیرضا بدهید که از من می خواهد. و اگر کس دیگر هم که من یادم نیست طلب قرض کرد، اگر ثابت کرد بدهید. و مبلغ هزار تومان در بانک ملی دلجان دارم که با دفترچه بانک بگیرید و به مصرف برسانید و اگر از اول تا به حال خمس بر گردن من بوده است بدهید و اگر از کسی طلبکار هستم و یادم نیست، خود بیاورد بدهد و اگر هم آنها نمی دانند حلالشان

۱۰. اصل: خوانه (همه جا اصلاح شد).

۱۱. بخشی از آیه ۲۸، سوره رعد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»: آنها که به خدا ایمان آورده و دل هاشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام بخش دل هاست.

۱۲. اصل: مطمئن.

۱۳. اصل: خواهران.

۱۴. اصل: انزار.

کردم. و اگر هر مسئله دیگری هم هست خودتان حل نمایید و حتی‌الامکان^{۱۵} نگذارید من زیر دین باشم. به امید برپایی حکومت الله در تمام جهان، دیدار [در] قیامت. در ضمن^{۱۶} یک عدد گوسفند بره نذر^{۱۷} دارم که گوشت آن را به مردم بدهید.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله القاصم الجبارین

باسمه تعالی

«اسرائیل یک غده سرطانی است، باید از بین برود»^{۱۸}. (امام خمینی)
خواهران و برادران عزیز! آیا می‌دانید امروز چه روزی است؟ آیا به عظمت امروز آگاهی دارید؟ امروز روز قدس است. روز بیت المقدس، روزی که به فرمان رهبر انقلاب روز قدس بنیان نهاده شد.
آری، در یک چنین روزی بود که چندین میلیون برادر مسلمان فلسطینی ما [را] از خانه و کاشانه خود آواره کردند. کارگر از کارخانه، کشاورز از مزرعه‌اش در هنگام کار آواره شدند و ما هم که در این جمعه آذر، ماه مبارک رمضان در این مکان مقدس گرد آمده‌ایم، آیا دلیل بر چیست؟ آمده‌ایم تا مشیت محکم بر دهان صهیونیسم بین‌الملل و امپریالیسم غرب بکوبیم و بگوییم ای جلادان، دیگر تمام شد ظلم و ستم. و ما از این جا با صدای بلند حمله ناجوانمردانه دژخیمان اسرائیلی، این سیه‌روزان تاریخ را به جنوب لبنان محکوم کرده و نابودی آن جلادان را از خدای متعال خواهیم. جلادانی که به طور ناجوانمردانه با اسلحه‌های مدرن بر سر ملت مظلوم و بی‌دفاع فلسطین آتش می‌ریزند.

۱۵. اصل: حدالامکان.

۱۶. اصل: در ضمن.

۱۷. اصل: نذر.

۱۸. صحیفه امام خمینی، جلد ۱۰، صفحه ۱۵۹: «امروز قبله اول مسلمین به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می‌کوبد و به خاک و خون می‌کشد. امروز اسرائیل با تمام وسائل شیطانی تفرقه افکنی می‌کند. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند».

ای دژخیمان اسرائیلی! شما با چه و [...]»^{۱۹} و شهادت به مقابله برخاسته‌اید بدانید که کور خوانده‌اید. شما با کسانی مواجه گشته‌اید که خانه‌شان چادر و پشتوانه‌شان^{۲۰} خداوند و یاورشان همه مسلمین جهان و رهبرشان بت‌شکن قرن، روح خدا خمینی و سلاحشان ایمان است. ای مکاران، بدانید که این مکر و حيله‌ها و نیرنگ‌ها به جایی نخواهد رسید. شما از کلام خدا آگاهی ندارید که می‌فرماید:

«و مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین»^{۲۱}.

و ناگفته نماند که ما تنفر خود را از منافقان و حکام مرتجع بی تفاوت در منطقه که مهر سکوت بر لب زده‌اند، اعلام کرده و ای بیت المقدس، ما برای رهایی تو تا پای جان ایستاده‌ایم. ننگ‌تان باد ای ظالمان که مرگ‌تان نزدیک است.

و سلام و درود ما بر رزمندگان پرتوان اسلام که با رزم و مبارزه بر علیه کفر توانستند بر ما آزادی و رفاه را برای ما برقرار کنند. ای رزمندگان اسلام، ما عاجزیم از شما عزیزان قدردانی کنیم و قدردانی ما از شما همان بس که امام بزرگوارمان فرمودند: «من دست شما رزمندگان پرتوان اسلام را که دست خدای بر بالای آن است، بوسه می‌زنم و بر این بوسه افتخار می‌کنم»^{۲۲}.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با نام خداوند منان، با نام یکتایی که پس از عنایت این همه نعمت و مرحمت دنیایی، راه‌هایی برای نعمت‌های بی‌کران آخرتی جلو انسانها گذاشته تا با پیمودن این راه‌ها به آن نعمت‌ها هم می‌رسند. پس ای انسان‌ها بکوشید و این راه‌ها را یافته و بپیمایید

۱۹. خوانا نیست.

۲۰. اصل: پشت تواندشان.

۲۱. آیه ۵۴، سوره آل عمران: «یهود با خدا مکر کردند و خدا هم در مقابل با آن‌ها مکر کرد، و خدا از همه بهتر تواند مکر کرد».

۲۲. صحیفه امام خمینی، جلد ۱۶، صفحه ۱۴۳: «اینجانب از دور، دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم».

که این حقیقت را همه می‌دانند که هر چقدر عمر کنید آخر باید رفت، پس چه خوب است که انسان بفهمد چطور برود.

ای کسانی که به خداوند و روز قیامت و حقانیت ایمان دارید، ای کسانی که فریاد کردید و حکومت جبار را سرنگون و حکومت اسلام و مردم را جایگزین کردید، باید خیلی هوشیار باشید و تاریخ را بررسی کنید و عبرت بگیرید. جنگ صفین را به فرماندهی امیرمؤمنان علی(ع) بررسی کنید که دقایقی بیش نمانده بود که قرآن‌ها را سر نیزه کردند و مردم عام و سست ایمان خود را باختند و جنگی که می‌رفت تا به کلی ریشه فساد کنده شود رها کردند و آن ضربه‌ها را به لشکر اسلام وارد کردند. پس شما هوشیار باشید که نکنند خدای ناکرده پس از تمام زحمات با عمل منافقان از خدا بی‌خبر، لحظه پیروزی را تلخ کرده و همه خون‌ها و تلاش‌ها را به هیچ مبدل کنید و دشمن اصلی که آمریکای جنایتکار است از نابودی نجات دهید.

و باز هم تاریخ را بررسی کنید که آیا لشکر یزید که به جنگ امام حسین(ع) آمدند، به چه منظور آمده بودند و چطور آنها را خام^{۲۳} و از راه به در کرده بودند که بعضی از آنها به قول تاریخ آمده بودند که ایمانشان کامل‌تر شود و برای رضای خدا این کار را پیشه کرده بودند. که بعد از رساندن پیام خون‌های کربلا به وسیله قهرمانان کربلا حضرت زین العابدین(ع) و حضرت زینب(س)، آنها فهمیدند که بسیار بسیار دیر شده بود.

پس مواظب باشید که دشمن شیطانی شما را از راه به در نکند که اگر کسی از راه به در رفت دست به همه کاری می‌زند و چه [...] ^{۲۴} که به بار نمی‌آورد. پس هوشیار باشید و شما را به خدا گول این منافقان از خدا بی‌خبر را نخورید و گوش به این یاوه‌گویی‌های آنها ندهید و آنها را از خود برانید و نگذارید انقلاب را به انحراف بکشند. و نمی‌توانند هم این کار را بکنند، چون نگه دار این انقلاب خداوندی است که ما همه هم وسیله آن هستیم. اما شما باید وظیفه خود را عمل کنید.

۲۳. اصل: خوام.

۲۴. خوانا نیست.

و اما سخنی با پدرم:

پدر! از شما تشکر می‌کنم که ما را تربیت و به این راه‌ها راهنمایی کردید و از منجلاّب فساد و راه غیرمستقیم باعث نجاتمان شدی. و بدان که خداوند اجری بزرگ [در] آخرت^{۲۵} به شما عطا می‌فرماید و شما که من را تا به اینجا راهنمایی و تربیت کردی، پس بعد از این هم وظیفه خود را ادامه ده و سرپرستی فرزندم را به عهده بگیر و آن را نیز این‌طور تربیت و راهنمایی کن و همسرم را نیز دل‌داری ده و با خلق کاملاً اسلامی با آنها رفتار کن تا از ناراحتی که نا آگاهانه ناراحتی می‌کنند و نمی‌دانند که باید برای زندگان مرده ناراحتی کرد، رنج نبرند و حقی که به گردن من دارند به‌طوری ادا شود و من زیر دین نباشم.

و با شماست که مادرم که می‌دانم که ناراحتی‌هایی خواهد کرد، با او به خوبی رفتار شود، چون [با] روحیه‌ای [که] شما دارید می‌توانید همه را روحیه دهید. و مبادا که در برابر مردم خم به ابرو بیاورید و پیراهن مشکی بپوشید. و امیدوارم که آن‌چنان شیردل باشید که مثل کوهی استوار مشیت محکمی بر دهان منافقان کوبیده شود که من هیچ وقت از این منافقان و هر کسی که هرگونه ضربه به انقلاب زدند و هرگونه به امام امت بدگویی کردند، راضی نخواهم شد. و امیدوارم که خدا هم از آنها راضی نشود. و ای پدر جان! دنبال امام را رها نکنید که هرکس از امام جدا شود به هلاکت [و] فساد کشیده می‌شود و شما تا می‌توانی همه را راهنمایی و دل‌داری ده تا نارضایتی به بار [نیاید].

[...] همان عمل صالح است و برای اطمینان باز هم به تاریخ مراجعه کنید و نگرشی به شام در سوریه کنید و ببینید که کاخ‌نشین‌ها و یزیدیان ملعون که چه کاخ‌های مجلل داشتند، حالا چه کار می‌کنند و از آن کاخ‌ها چه مانده است و از [...] معاویه (علیه اللعنه)^{۲۸} چه کثافت خانه‌ای به جای مانده، مگر آنها این همه قدرت نداشتند.

۲۵. اصل: آخرتی.

۲۶. این قسمت از متن وصیت خوانا نیست.

۲۷. خوانا نیست.

۲۸. اصل: علیه العنی.

و اما از آن خرابه‌نشینان و کوخ‌نشینان که با ظلم یزید به خرابه رفته بودند چه به جای مانده؟ ضریح^{۲۹} و بارگاه‌های باشکوه و همیشه پر از مردمان خوب خداوند هست و این معنای شهیدان زنده‌اند،^{۳۰} هست و هر کس باور نمی‌کند به اینها بیندیشد. و اما سخنی با مادرم:

مادر مهربانم! بدان که تازه حالا نتیجه زحمات تو به بار نشسته و از آن برداشت می‌کنی، اما افسوس که درک نمی‌کنی و ناراحتی می‌کنی. و امیدوارم که با کمال قدرت جلو ناراحتی خود را بگیری و به خدا بیندیش و به روز قیامت که اگر همه ما تمام روز و شب را ناله کنیم و گریه کنیم از خوف آن روز، کم است؛ که خدا فقط به داد همه ما برسد. و ما حالا هنوز نفهمیدیم که چه خبر است و فکر می‌کنیم که همین دنیا است و بس. و اگر ما به خدا و آخرت ایمان داشته باشیم به هیچ وجه برای این چیزها ناراحت هم نمی‌شویم.

شما زحمت زیادی برای من کشیده‌اید، پس بدان که چقدر اجر بزرگ دارید، چون تمام زحمات شما به لقاء الله پیوست و در دفتر الهی ثبت شد. و به جای اینکه در دنیا مزدش را بگیری در آخرت مزدش [را] می‌گیری.

و کمی به شهدای کربلا فکر کن و ببین آنها که^{۳۱} بودند و ما چه طور باید اسم خود را شهید بگذاریم. و هرچه قدر صبر کنی اجر عظیم دارد که «ان الله مع الصابرين» و با شماست که همسر من را هم دلداری دهید چون او جوان است و نمی‌داند، اما شما همه چیز را بهتر می‌دانید.

و اما سخنی با همسر:

من از تو ای همسرم عذر می‌خواهم و امیدوارم که مرا ببخشید و مرا عفو کنید که نتوانستم برای شما شوهر خوبی باشم و بالای سر خانواده^{۳۲} باشم و همیشه دور از خانه

۲۹. اصل: زریح.

۳۰. اشاره به آیه ۱۶۹، سورة آل عمران: «البتة نpendاريد که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۳۱. اصل: کی.

۳۲. اصل: خوانواده (همه جا اصلاح شد).

بودم و به مأموریت بودم و شما در خانه هم زن [بودید] و [هم] مرد بودید و با تربیت کردن فرزندم جای من را هم می گرفتید.

امیدوارم که اصلاً ناراحت نباشید. اگر می خواهید من از شما راضی باشم هر چند که حقی به گردن شما ندارم و آن شما هستید که باید از من راضی باشید و حق به گردن من دارید. امیدوارم که راه من را ادامه دهید و پسر حسین را و فرزند من را که به دنیا می آید به خوبی تربیت کرده و ادامه دهنده راه من که همان راه خداوند است قرار دهی.

در برابر حرف ها و سختی ها صبر کنی که هر چقدر صبر کنی من را خوشحال کرده ای و توانسته ای خدمت به من کرده باشی و با استواری خود منافقان و دشمنان خدا را رسوا کنی. و بسیار مواظب^{۳۳} پسر من باشی که نکند او را خدای ناکرده به انحراف بکشند.

و شب های جمعه و هر وقت که وقت کردی به دیدن من بیا. اما اگر به میهمانی من آمدی، نکند که در میهمانی من ناراحتی کند و باید خوشحال باشی چون صاحب خانه خوشش نمی آید اگر میهمانش ناراحت باشد. و برایم خیرات بکن و در گلستانم فاتحه بخوان و خود را خود دلداری بده و کس دیگر را هم باید تو دلداری دهی.

و اما ای خواهر بزرگم! خوشحال باشی که دومین شهید را از خانواده ات دادی و این افتخار است برای تو و نکند کاری بکنی که آن مقاومت عظیم خود را کم کنی.

و بدان که باید از زینب (س) درس بگیری و به جای هر ناراحتی باید فقط پیام خون را برسانی و دین خود را ادا کنی و بدان که اجر عظیمی در پیش خداوند داری. و این راه ها و حرف ها شوخی نیست و دروغ هم نیست، بلکه حقیقتی است که شکی هم در آن نیست و با شماست که باید راه ما را ادامه دهی [...]^{۳۴}.

و شما که دومین خواهرم [هستی]، وظیفه شما هم همان است که آن خواهرمان دارد با تربیت فرزندان به راه انبیاء و اولیاء و جلوگیری از انحرافات آنها باید دین خود

۳۳. اصل: مواظب.

۳۴. این قسمت از متن وصیت ناخوانا است.

را ادا کنید و خود نیز در راه خدا مبارزه کنید و حتی الامکان در نماز جمعه‌ها و جماعات عمومی انقلابی شرکت کنید و همیشه اسلام و امام را یاری دهید و بدانی که وظیفه سنگینی بر دوش شما خواهران است و همان اطاعت از امر شوهر هم عبادت است. چون می‌دانم شوهر تو فردی انقلابی است و تا به حال من از زبانش حرفی که مخالف اسلام و جمهوری اسلامی است نشنیده‌ام و امیدوارم که همیشه همین‌طور بماند.

و اما شما ای برادرانم! شما بدانید که وظیفه سنگینی بر عهده دارید با شماست که جای خالی شده مرا پر کنید و نگذارید این خون و تمام خون‌ها پایمال شود و دنبال این خون‌ها را بگیرید و مبدا که حرفی و یا عملی که مخالف با حکومت جمهوری اسلامی و روحانیت و رهبری باشد [انجام دهید]. مبدا که شما را برپایند و از خط اصلی، انحرافتان کنند.

با کمبودی‌ها بسازید و خود را در برابر سختی‌ها ضعیف نشمارید و با آن مبارزه کنید و هوای نفس خود را سرکوب کنید که جهاد اکبر است. نگذارید مخالفین در شما رخنه کنند که خیلی کسی را می‌خواهد بتواند از پیش آنها دین سالم به در برد و بتواند خود را نجات بدهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَّهُمْ مُتْرَكُونَ
 آنانی که در راه خدا کشته شده اند و چپیده اند بلکه زنده اند و نزد خداوند روزی خواهند
 با نام خداوند متعال و حکیم و جبار و کریم که به ما نعمتهای بکران بخشید و پس از
 این هیزم و بخشش راه و روشهای به سعادت و زمین آخرت را به ما آموخت و با
 ما است که باید با یافتن این راهها و عمل کردن به آن راه سعادت آخری را پیدا کرده و
 ببینیم و باید خداوند و محبت نام خود را آغاز کنیم و بیاییم به شما برادران
 و خواهران هشتاد و نهم که میاداد خدا می کرده و شیطان بر شما غلبه کند که کسی خود
 حق شهادت که شیطان را فریب داند و بانه و شما اگر می خواهید به رسیده که چطور انسان را
 سحر شود و خود خیال می کند راه راست را می بیند به تاریخ قدیم و صدر اسلام
 بگردید و مردی در دنیا نهی انبیاء و اولاد کفیه و برای نمونه به بندهای نما علی (ع)
 و جنگ روز عاشورا اندیشه کنید و ببینید که منافقان با چه امید و هدفی به جنگ امامان
 ما آمده بودند و آیا ما داریم که روز عاشورا آنها که به جنگ امام حسین (ع) آمده
 بودند بعضی ها ایشان هدفشان چه بود ؟ از تاریخ که بر رسم من گوید بعضی از
 آنها منافقند که ما به جنگ علیه امام حسین (ع) میادیم تا دین خود را محکم کنیم و برای قبولی
 اعمال خود به این جنگ آمده ایم و بعضی از آنها شیاطین ثنائی از خواندن نماز پینه بسته
 بر دوش آنقدر از راه به رزقته بودند و خود می فهمیدند که با حقیقت قرنها
 داشتند و به لغت خود اوردند گفتار شده و با شما است که اگر منافق از شما می خبر و
 شیطان ها بدوی و پر دنی شما را خلاصت فریب دهد و اگر می خواهید بایادین (مرد)

آخره به دنیای ابرس مسافرت کنی آنگاه آن آینه را در دستار کنی که دیگر نظریاتی و نفس پارسا
و امام بر سر خمسان نزنند و بداند که راه سعادت همین است و اگر می خواهی
در روز قیامت سر بلند باشی و در پیشگاه خداوند و پادشاهین و پادشاهان و شهبادهای اسلام
خیالت رده نباشی و بعد از آن به خدا استغاثه کنی و بگوئی خدایا من را از این دنیا بکش
و مرا شایسته و معاف کن و دشمنان خدا مبارز کن و از وضع ما در **زمانه نادر افغان** بکش
و ناشکری خداوند را بکنی که کتاه بسیار بر او است و اگر آنقدر که معترضان به سادگی
هم می کنند خدا را ترک کنی و بیادوات بفریادی و غافل نباشی که قطره قطره مع و شود و دریا
من شود و سوار طلب زبان خود باشی و مبارک ذیال امام را رها کنی و بی راهی
که گفته اند که اسلام یا بر جان مانده و خداوند نگه دار آن است اما فکر همین کوفیان
و در میان سید محمد علی بیای مانده که با هیچ آبی آن را نمی شود پاک کرد و اگر کسی این
افلاک و اسلام را رها کند بحقیقت خود را رها کرده و فقط خود از فتنه محبت
عالمه و بداند که کسی را به این راه وادار نکرده و هیچ چیز در من تاثیر نگذاشته
جز عشق به خداوند و اسلام و قرآن و هجر و ماندن حل من ناصر امام بر رگهان برای
دفاع از اسلام بدان راه رفتن و هر کس که مسلمان است و واجبات مسئولیت
می کند باید از اسلام که خود را بسته به آن است دعا کند و من خود این راه را انتخاب
کردم و کور و کورانه این راه را انتخاب نکردم و ان شاء الله که به سعادت رسیدیم
راضی نیستم که کسی برای من بی تاب می کند و گریه های گاه که باعث اشکری خداوند می شود
و باعث شادمانی دشمنان می شود و کلامی که من کنی و بید زبانی سعادت و خوشبختی و

ص ۳

و بگویند که آیا سعادت در حرکت و سرفراز شدن خود را به خود اختصاص می‌دهد یا این که واسطه بودن
 به زندگی مادی و شادمانی و تکیه است که دشمنان اسلام دارند و بدانند که در حقیقت
 و ظلم مسلمانی در زندگی راجع به ملک است و ملک بالاترین سعادت است و به حق
 گفت آنکه گفت این سرحد را که انداخته اند با کمال ابراست \times و فتنه را که حق سر بر است
 و راجع به زندگی ناگوار است \times و ملک بالاترین افتخار است \times پس به دنیا و اعتبارات
 و من در شب قبل از اینکه به این که نام من در بدین جبهه است در شب قبل از آن در
 خواب دیدم که در جایی آب دست امام عزیزمان می‌بخشم و آن هم در خدی گرفت
 و در فرا آن شب صبح یکس از برادران به خانه ما آمدند و گفت که نام من در بدین برادر
 جبهه است و آن خواب را من به همین جا تعبیر کردم و این سعادت از جلودار من
 الهام شده بود و راجع به آن نیست که آن منافقان و آنها که این انقلاب و اسلام و امام
 را از خود بیگانه می‌دانستند و من دانستم در زیر پناهنده من بر و زور و آن منافقان صید من گنم
 که فقط می‌توان گفت که بهتر من خواب در اسلام مرا کردن است و من فریاد که می‌کنم
 فکر کردن از دیگر سال سعادت بهتر است و کما می‌بیند که با یک لحظه فکر کردن باعث
 سعادت خود شده و از قبیل آریانه توان خیر و نام بود که با یک لحظه فکر از سرگ
 و کز و الهاد به راه سعادت و خوشبختی آمده و سر در آریانه اسلام شده و در کتاب
 حضرت حسین (ع) به ملکوت بعد از موت و چه امتیاز می‌آورد با راز و بهر
 و مرا در صورت امکان در قطعه شده آن و معجزات و در غایت من که به عقیدت
 چنین من است سرور هائی از آن که دم از مبارزه من گرفته و بعد از دم شمشیر و گلوله

ص ۳

از آن بدین است تلاوت کنید و در سجده ها دعا می مردم را تیرین کنید و از چیزهایی
 که در عذای دهنده خود داری بکنید و از هر کتافی که در عرایس کنند خود را برکنید و
 پدر و مادر و حمیم و بی هم با کتاف بکنید یا بشنید و بیاد بفرستید و چون گفتار من می یابید
 کتافی که در راه خدا کشته شده اند هر چه می دانید بکنید و زنده اند و زنده بمانند و زنده بمانند
 هم ما شما آتیا را می بینید پس بپایانید که من مرده نیستم بلکه زنده ام اما شما را مرده می بینید
 و اصل موجود همان روح است که بایه و زندمان و یاد و نام است که روح تمهید از زنده است
 البته اگر خداوند رحمت کند و این شهادت را قبول کند ان شاء الله
 و شما برادران و خواهران خودم با شما هستم که حالا که برای پیاده شدن داده اند
 و طریقه خود را به این و از خون من و حرمت من مراست و نگهبانی کنید و پیام
 خون شهدای راه مردم بدهید و ذین خود را ادا کنید چون خون بایه پیام دهنده
 داده باشد و الا تاثیر من این ندارد و فدای خواهر بزرگم که خود دینی به اسلام ادا
 کرده ای و شهید و عزیزی داده ای سعی کن اگر عظمی تری برده باشی و همان طور
 که در شهادت جوان خود قهرمانانه و شجاعانه در برابر احسانات خود ایستادی و
 باعث نامیدن دشمنان اسلام و سرافرازی انقلاب شری و شش حکم بر دهان منافق
 و ذین و حالام بگویش و سعی کن که همان طور بلکه بهتر عمل کنی و با این کار روح فرزند
 و برادر خود را شاد کنی و من خوشمیانم که توانسته ام دینی را که بزرگترم بود از شما
 ادا کنم و نام اولین فرزند خود را به یاد مسیح الشهدا و فدای یادگار من از خود
 و برادر زنده نگاه داشته نام فرزند تو حسین کن (اشم و امیدوارم که با تربیت جمیع و

راه اسلام بردن آن راه ما را داده دهد و توانی خواهر شهید داده ام بگذاذند و رفت و آید
 (و ما درم با تو هست که به تمام خود اندیشه کنی و بسا دای تا بکنی و امر خود را بکنی و ما را نیز
 عمر کنی کنی بدان که هیچ کسی جز خداوند در این جهان نمی ماند و همه با بدیدند و فکر این نباش
 که فرزند بزرگ کرده ان و من خواستی خیر من را بپسین همین بهترین و بزرگترین خیر است
 که از آن دیده ان و راه سعادت همین است و مرا بپسین و خدا کن از رحمت خداوند
 که براج کشیدی و شیره را بر من خدا کن و بدان که من با خوشمالی تو خوشالم و با ارا
 حق را راجع و موافق باش که ما آگاهان ما آزار نمی خویم و دانم که مرا دوست داده
 و منی خواص من ما را صریح بکنم
 و بعد از آن دوست که رسالت خود ما را بپسین گیری و راحت آن باشی و ما بر خود
 مانند گویا اسوار باشی و موقوفی که ان شاء الله به گردی حسین عاقله و ختیه سلام را به
 امام حسین عاقله سید الشهدا برسان و عرض کن ای سید شهیدان این فرزند زاری [ع]
 سعی کردم با نام سعادت بیزاریت تو بیایم و عرض ادب کنم ان شاء الله سعادت نداستم و
 میاه اگر قبول کنی و خداوند قبول کند شهید شدم و مرا بپسین و شفاعت کن در میاست
 و اگر در راحت کوتاهی کردم مرا ببخش
 و با پدرم محاط زحماتی خود خدا کن و بخش و از همه برادران و خواهران محترمان
 و همه و همه سعادت طلب کن و در تربیت فرزندانم بکوش و آنها را در خط اسلام
 و امام تربیت کن و نام فرزند کویم را حسن بگذارد
 و اما ای محترم امیدوارم که مرا حلال کنی چون توفیق زیاده به برگردم من دارم

ص

و من شواستم در خانه قدس خود را دادکم و همیشه تنهایی کشیدن و ناراحتی های
زیادی در خانه من کشیدی و به ای که تو همیشه در جهاد بودی و امر جهاد را
برده ای و آخر من هم در جهاد کوشا می گزدم اما تو آخرت را برده ای و حال آنکه
بمقامت سر قرار شده ای و عقیده تو این است که با تربیت جمیع فرزندان راه
من را ادامه دهی و دیدار با قیامت اشیا را در بهشت رمضان و عروست
که بر یاد من استادی و در فکر من رفتی به صورت حسین و حسن دو فرزندمان نگاه
کن و برای ما خود بخوان و از خداوند بخواه که روح من و محمد شهنشاه را شاد کند و من
خدا هست من کسم و شرمند هستم چون در خواند من کار را حق تر یاد کشیدی و من
من ترسم که خدا او را برای خود در خواند حق که قرار داده باشد من به تو ادا کرده باشم
و در پیشگاه خدا او را که میگویم پس مراد از این است و در برابر تمام
ناراحتی ها صبر کن و خود را کنترل کن و بپای خدا باش که (لا یذکر الله قطعی القول)
یا خدا (و نه قطب را طعن می کند و اگر اشک من میخورد) و از خواهران حجاب بگو که نزار
خون من است) (از اینجا به بعد را در آنرا بخوانند)
از مال دنیا به حد معمولی که دارم به دست و اسبم رسانا شود و از آن تعداد
به ماه روزی که در جبهه بودم و عذوق به قضا می آید شدم برای بگیرم و دست
یک سال یا از که اثر نماند اشکال داشته و یا قضا شده و برای احتیاط برایم
میرا بده و از مال صدقه به هدیه و صدقه (تو را به کفایت به جبهه که اثر بر مردم
افتد و با شرمه بده و یا از برای احتیاط برایم بخوانند و صبح بخیر)

ص ۷

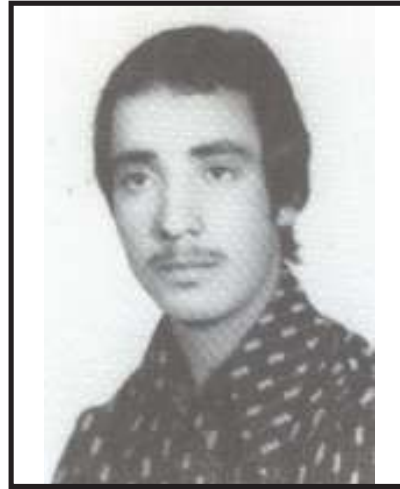
و مبلغ هر اردوستان به این سینه احمدی و فرزندان رضا بدهید که از من می خواهند و اگر کسی بخواهد که
 من بادم نیست طلب قرض کرد اگر ثابت کرد بدهید و مبلغ هر اردوستان در میان ملی و دیوانه
 داریم که بادر قرض می بایزد بایزید و به مصرف برسانید و اگر از اقل تا مجال خمس برگردن مع بوده
 است بدهید و اگر از کم طلب کار هستم و بادم نیست خود بیافزاید و اگر کم از نهانی باشد
 خدا لسان کردم و اگر قرض ~~حکم~~ مسئله دیگر هم هست خودتان حل می کنید و
 خدا لسان نگذارید زردین یا ششم به امید برپایی حکومت الله در تمام جهان
 دیدار قیامت
 در طین یک عدد گوسفند بره نفردارم که گوشت آنرا به مردم بدهید

اتمام ندارد که می فرستاد و می کرد و مکرر الله خیر ما کنین (و گفته اند که در مساجد خود
 را از حافلان و مسکینان بی زلف و خنجر و شمشیر و غیره منع کرد که مسجد سکوت برباید زده اند و
 احوال کرده. وای بیت المقدس ما بر این زمانی تو تا با عجمان ایستاده ایم
 نشان باداع ظالسان که مرگهای نزدیک است
 و سراج و در و دما بر روز عهدگان پیر توان اسیرام که باد زم و باران را می کشد
 کبر تو است قدرت بر ما که دای و رفاه و آسای ما بر تو آید
 ای درندگان اسیرام ما را خجسته از شما خود را می بینم
 و خدای ما در شما همان بی که ایم نیز نگاهداران فدا و نیکو دست
 شمار مسجدگان پیر توان اسیرام را که دست خدای پیر بالی آن است
 بوسه می زنم و بر این بوسه افتخار می کنم

و بنا که در میان خدایم و طایفه میاهم همان است که آن خدای جان داد و ما نیز حقیقت فرزندانه در راه ایستادگی و
 جلوه گری از ابراهیم آفرینا یا به دین خود را داد کفر و خود نیز در راه خدا مبارزه کنی و خدا را بکاین در نماز بتدعیات
 جماعات شریعتی شرکت کنی و همیشه اسلام را با یاری دهن و نه از آن که وظیفه مسلمین پرورش شما خدایان است
 و همان الامت از امر شوم هم عبادت است چون بی نام شوم تو فردی انفرادی هستی و باید حال من از زبان من حرمی که
 مخالف اسلام و جمهوری اسلامی است تقصیر دارم و امید دارم که همیشه همین طور بماند

هستای برادرانم شاید اندک وظیفه مسلمین برعهده دارم باشد که جای خالی خدایان شده مرا می کشد
 نگذارید این خون و تمام خونای بکمال نشود و دنبال ابراهیم را بگیرید و جانها که حرمی و کمالی خود را بخواهید
 و حکومت جمهوری اسلامی بود و وظیفه بود رهبری باشد و با او که شما را می باید و از خط اهل بیت و ائمه
 که تا کنون دنیا سازد و خود را در راه کثرت ضعیف شما بیند و با آن مبارزه کند و بعد از من خود را
 هرگز نگذارد که چرا داکتر است بگذارد و می گفتند در میان شما گفته که ضعیف کسی را می خواهد بتواند ایستد
 و قیادت بین تمام مردم را بر کوه و بیابان خود را بخواهد ببرد

صمد احمدی



نام: صمد

نام خانوادگی: احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

محل تولد: شهرستان اراک

نام پدر: ابوالقاسم

نام مادر: کبری

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۲۰

محل شهادت: جاده اهواز-خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان اراک

گلچین وصیت نامه

- ❖ همیشه امام را دعا کنید و به رهنمودهای پیامبر گونه‌اش گوش فرا دهید.
- ❖ همیشه در صحنه نبرد حاضر شوید.
- ❖ این نعمت الهی (امام) را قدرش را بدانید.
- ❖ با وحدت و پشتیبانی خود پوزه ابرجنایت کارها و نوکرهای آنها (صدامیان مزدور و همه نوکرهای آنها) را به خاک بمالید.
- ❖ برادران سپاه! تزکیه نفس را فراموش نکنید، با هم مهربان و صمیمی باشید.
- ❖ نماز جمعه‌ها را با شکوه‌تر برپا دارید.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه اینجانب برادر صمد احمدی مورخ ۶۱/۱/۹

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود فراوان بر تمامی شهدای راه اسلام و با درود بر تمامی رزمندگان اسلام و ملت قهرمان و شهیدپرور ایران. حمد سپاس خدایی را که مرا در زمانی آفرید که توانستم اسلام واقعی را بشناسم. و سپاس خدایی که بر ملت قهرمان و شهیدپرور ایران منت نهاد و دو نعمت الهی خود را بر ما ارزانی داشت. یکی نعمت های جمهوری اسلامی و دیگر این امام بزرگوارمان، این ابرمرد تاریخ، این یاور مستضعفین و محرومان مسلمین جهان آیت الله العظمی حضرت امام خمینی بت شکن زمان.

تنها آرزویم در دنیا این بود زنده ماندن امام تا ظهور حضرت مهدی (عج) و ارواحنا فداء و پیروزی اسلام علیه کفر جهانی و شهادت خودم بود. ای کاش هزار جان داشتم و در راه اسلام عزیز در راه خط امام عزیز که همان خط انبیاء و خاتم آن حضرت محمد (ص) است فدا می نمودم.

و حمد و سپاس خدایی که مرا از شیعیان علی (ع) قرار داده و در راه او جان ناقابل خود را فدای اسلام عزیز کردم. این همان چیزی است که انبیاء آرزوی آن را می کردند (شیعه علی (ع)).

ملت قهرمان و شهیدپرور ایران! اینک که زمان آن رسیده که در آزمایشات الهی قرار گیریم از هیچ چیزی در راه اسلام نباید دریغ کرد. باید تمامی هستی و مال و جان خود را فدای جمهوری اسلامی کرد و شما تا به حال در امتحانات الهی قبول بوده اید. چه زیبا امام عزیز تعبیر می کند و می گوید من مدعی هستم از صدر اسلام تا به حال

مثل ملت ایران ندیده‌ام.

برادران! امام را یاری کنید. شعار خدایا، خدایا، را فراموش نکنید. همیشه امام را دعا کنید و به رهنمودهای پیامبرگونه‌اش گوش فرا داده و همیشه در صحنه نبرد حاضر شوید. این نعمت الهی (امام) را قدرش را بدانید. با وحدت و پشتیبانی خود پوزه ابرجنایت کارها و نوکرهای آنها (صدامیان مزدور و همه نوکرهای آنها) را به خاک بمالید.

برادران سپاه! تزکیه نفس را فراموش نکنید، با هم مهربان و صمیمی باشید و از تمامی شما برادران سپاه، شما جان برکفان و فداکاران و یاران باوفای امام امت حلالیت می‌طلبم. از ملت شهیدپرور حلالیت می‌طلبم (آنهايي که مرا می‌شناسند).

خدمت پدر و مادر عزیزم سلام می‌رسانم، امیدوارم که مرا ببخشید. درباره من خیلی زحمت کشیدید^۱، خداوند به شما صبری عطا فرماید. و از شما می‌خواهم زندگی حضرت علی(ع) را الگوی زندگی خود قرار دهید.

خدمت تمامی خواهران و برادر عزیزم، احد، سلام می‌رسانم و از همگی خداحافظی می‌کنم. خدمت همسر هم سلام می‌رسانم. خواهران و همسر راه زینب(س) را در برگیرید و حفظ حجاب و خدای را فراموش نکنید. برادر، همسر را ببخشید. اطاعت از خدا را فراموش نکنی. امیدوارم بعد از من راه مرا در هر جایی که هستی دنبال کنی. اگر کسی از من طلبی کرد به او بپردازید. به یکی از برادران سپاه ۱۰۰۰ تومان بدهکارم (اسم ایشان ح - ب).

در خاتمه می‌خواهم مجلس ختم مرا ساده برگزار کنید و پیام شهدا اطاعت از امام را فراموش نکنید. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

به امید پیروزی اسلام در سرتاسر جهان به رهبری امام خمینی.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

و در ضمن کتاب‌هایی در منزل دارم، آنها را به کتابخانه سپاه تحویل دهید.

۱. اصل: کشید.

و آخرین لحظه شهادتم آرزویم این بود امام عزیز (خمینی) را ببینم.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۲.
 «گمان مکنید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و از جانب پروردگارشان روزی می‌خورند».
 (خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار).
 با درود و سلام به پیشگاه حضرت مهدی امام زمان (ارواحنا فدای) و نائب برحقش امام امت خمینی بت‌شکن و با درود بر تمامی شهدای راه اسلام و رزمندگان اسلام و تمامی ملت شهیدپرور حزب الله که پیرو خط امام بزرگوارشان می‌باشند.
 حمد و سپاس خدای تبارک و تعالی را که بر بنده حقیر خود منت نهاد و بنده حقیر خود را مورد لطف و کرم خود قرار داد تا سعادت پیدا کنم روانه جبهه‌های حق علیه باطل شوم تا بتوانم با این رزمندگان سلحشور، این قهرمانان که امام امت بر آنها افتخار می‌کند، همگام شوم و پا به پای آنها به پیش برویم تا بتوانیم دشمن زبون، این نوکران سرسپرده و خودفروخته آمریکا را به زباله‌دان تاریخ بریزیم.
 درود بر تمامی آنها که قهرمانانه دشمن را رسوا کرده و از خاک عزیز اسلام به بیرون می‌رانند. درود بر ملت قهرمان و شهیدپرور که همیشه با رهنمودهای امام بزرگوار، این رهنمودهای پیامبرگونه که پشت ابرجنایت‌کاران را به خاک مالیده در صحنه حضور پیدا می‌کنند و با وحدت کلمه و پشتیبانی خود پوزه ابرقدرت‌ها (آمریکا و شوروی و ...) و منافقین داخلی وابسته به آنها را به خاک می‌مالند و درود بر یک همچین ملتی که این قدر ایثار و فداکاری می‌کنند در راه اسلام.

۲. آیه ۱۶۹، سورة آل عمران: «البتة ننبئكم بانهم احياء عند ربهم يرزقون» و در نزد خدا منتعم خواهند بود».

و درود بر یک همچین رهبری که چنین ملتی تربیت کرده است و حکومت عدل اسلامی برقرار کرده است. حمد و سپاس خدایی را که این نعمت الهی (امام) را بر ما ارزانی داشته.

ملت قهرمان! [اگر] تاریخ صدر اسلام را مطالعه کنید می بینید که هر نعمتی را خداوند عطا می کرد و ملت آن زمان کفران نعمت می کردند، خداوند متعال آن را از آنها می گرفت. و باید عبرت بگیرید و قدر این نعمت الهی (امام) را که خداوند بر ما منت نهاده و آن را ارزانی داشته بدانید و پیام خون شهیدان، اطاعت از امام است.

ملت شهیدپرور به ضد انقلاب بفهمانید که من خودم راه خودم را شناختم و به جبهه های حق علیه باطل آمدم [و] این راه را آگاهانه انتخاب کردم. حمد و سپاس خدایی را که مرا هدایت کرد تا توانستم اسلام واقعی را بشناسم و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین (ع) لبیک گفته و به ندای نائب او هم لبیک گفته و سعادت هم نصیب بنده حقیر شد و به جبهه حق را یافتم و به آروزی خود رسیدم.

ملت قهرمان! به ضد انقلاب بگویید که شهادت من آن کوردلان را رسواتر خواهد کرد و ای کاش هزار جان داشتم و فدای اسلام عزیز و خاک اسلامی می کردم. ملت شهیدپرور،

وصیت برادر کوچک شما این است که پیرو خط ولایت فقیه باشید و اطاعت از امام و پشتیبانی از روحانیت مبارز و در رأس آنها یاوران امام را فراموش نکنید. نماز جمعه ها را با شکوه تر برپا دارید. دشمن زبون از وحدت شما خوف عجیبی در دل دارد و از شما ملت حزب الله پیرو خط امام می ترسد و از روحانیت وحشت دارد. ای کاش در مبارزه با اسرائیل بودم و با فتح و پیروزی بیت المقدس به امامت رهبر کبیر انقلاب، نماز جمعه را برپا می کردیم.

پیام شهیدان، اطاعت از امام و مبارزه با فساد و ظلم تا آخرین قطره علیه ابرجنایتکاران که در رأس آنها آمریکا و شوروی و... قرار دارد می باشد. به امید پیروزی علیه کفر جهانی به رهبری امام خمینی تا ظهور حضرت مهدی (عج).

[برادران سپاه! ای باوفاترین یاران امام مرا [حلال] کنید و قدر همدیگر را بدانید و با هم صمیمی باشید].^۳

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه برادر پاسدار صمد احمدی به پدر و مادر و تمامی اعضای خانواده ام. خدمت پدر و مادر گرامی سلام عرض می کنم. خدمت تمامی خواهران و همسر عزیزم سلام عرض می کنم. خدمت برادرم سلام عرض می کنم، امیدوارم که خداوند بزرگ صبر و شکیبایی به شما عطا فرماید.

پدر و مادر گرامی می دانم جدا شدن از شما چقدر مشکل است، ولی «انا لله و انا الیه راجعون»... انا لله و انا الیه راجعون»^۴، که معنی آن این است «ما همه از خدا هستیم و به طرف او باز می گردیم و به سوی الله می رویم». فراموش نشود که من امانتی بودم نزد شما از طرف خداوند متعال و امانت خود را تحویل گرفت و خوشا به سعادت شما که امانت را در بهترین راه دادید و فرزند خود را به اسلام عزیز هدیه کردید. شما درباره من خیلی زحمت کشیدید. امیدوارم که مرا به علی اکبر حسین (ع) ببخشید و مرا حلال کنید که نتوانستم جبران زحمت های شما را بکنم.

مادر عزیزم! امیدوارم که کمی بیندیشی و به مادر تمامی شهدا بنگری تا قدری آرام گیری. برای من گریه نکنید، از شما تقاضا می کنم راه زینب کبری (س) را پیش گیرید. خوب درک می کنم که داغ فرزند چقدر مشکل است، ولی ان شاء الله که خداوند به شما صبر عطا فرماید.

و تو ای مادر و تو ای پدر گرامی! شماها در روز قیامت در مقابل حضرت

^۳. این جملات در انتهای صفحه اول وصیت آمده است.

^۴. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

زهر(س) روسفید خواهید بود و خداوند اجر بزرگی به شماها عطا می کند. امیدوارم که مرا بخشید و امام عزیز را دعا کنید.

خواهرانم! امیدوارم که خداوند به شما صبر عطا فرماید. می دانم خواهر چقدر علاقه به برادر خود دارد، ولی حمد و سپاس خدا را بجا بیاورید که او در راه خدا کشته شده است و این افتخار است برای شما. امیدوارم که همگی مرا ببخشید و برادر کوچک خود را حلال کنید و راه زینب(س) را پیش گیرید و حفظ حجاب و عفت را فراموش نکنید.

و تو ای همسرم! امیدوارم که مرا حلال کنی و مرا ببخشی اگر نتوانستم محبتی به شما کرده باشم. ان شاء الله خداوند به شما اجر عطا فرماید، امیدوارم که مرا ببخشی. تو باید افتخار کنی که شوهر خود را در جبهه های حق در راه ایزد متعال از دست داده ای. اصلاً ناراحت و ناامید مباش. اگر بچه ام به دنیا آمد، اگر پسر بود اسم او را حسین و اگر دختر بود اسم او را زینب بگذار. و در آخر از تو می خواهم به پدر و مادرم نیکی کنی تا ان شاء الله در روز قیامت سرافراز باشید نزد پروردگار خود.


و تو ای برادرم احد! از تو می خواهم نماز خود را فراموش نکنی و جهاد در راه خدا را فراموش نکن. به پدر و مادرم نیکی کن، آنها را بعد از من تنها نگذار، به آنها محبت کن. اگر سپاه شما را پذیرفت حتماً به سپاه برو و در این ارگان خدمت به اسلام کن.

و در آخر ۱۰۰۰ تومان به یکی از برادران سپاه بدهکارم به نام (ح - ب) و ۵۰۰ تومان به یکی از دوستان به نام نوروز سالاری. و اگر کسی هم طلبی کرد به او بپردازید. به سپاه هم بدهکارم. و کتاب ها را که در خانه دارم به کتابخانه سپاه تحویل دهید. از همه دوستان و آشنایان خداحافظی می کنم و امیدوارم مرا حلال کنند. والسلام علیکم و رحمه الله در آخرین لحظه شهادت آرزو داشتم امام را ببینم.

صمد احمدی

۶۱/۱/۲۴ - امضاء^۵

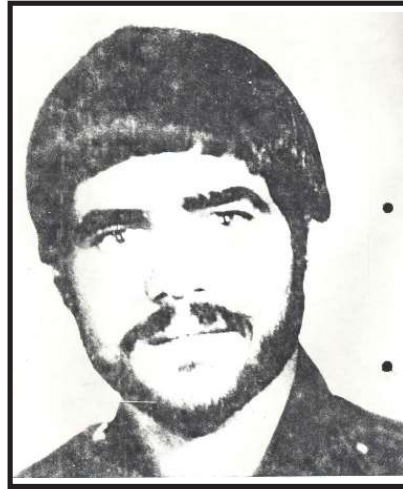
۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.


 بسم الله الرحمن الرحيم
 (وصیت نامه ایثارگر برادر محمد مهدی)
 مرکز اسناد ایثارگران
 اسلام برادر در بر تمامی روزنه طایف اسلام رحمت مهدیان و نگهبان برادر ایران -
 حمد و بیای خداش را که مرا در زمان آفریده که خداستم اسلام واقعی را بیستاسم و بیست
 خداش که بر رحمت مهدیان و نگهبان برادر ایران منت نهاد و دو وقت الهی خود را بر ما -
 ارزانی داشت یکی از نعمتها چه در اسلام و دیگر این امام بزرگوار زمان این امیر مرد
 تاریخ این یاد در مستغنیان و محمد جان مسکین جهان آیت الله العظمی حضرت
 امام خمینی است مکن زمان آنها آرزویم در دنیا این بود زنده ماندن امام
 تا شاهد حضرت مهدی (عج) و ارواحنا فدایید و در اسلام علیه کفر جهنم و شهدا دست
 خودم بود ای کاش هزار جان داشتم و در راه اسلام عزیز در راه خط امام عزیز
 که همان خط انبیا و خاتم آن حضرت محمد (ص) است تمام نمودم و حمد و بیای
 خداش که مرا از شیعیان علی (ع) قرار داد و در راه او جان تا جایی خود را فدای
 اسلام عزیز کردم این همان چیزی است که انبیا و آفریدی که مرا می کردند
 (شیعیان علی (ع))، مدت مهدیان و نگهبان برادر ایران اینک که زمان آن رسیده
 که در آخر مسایط الهی قرار گیریم از هیچ چیزی در راه اسلام نباید دریغ
 کرد باید تمامی هستی و مال و جان خود را فدای چه در اسلام کرد و شهدا تا جایی
 در استقامت الهی قبول کرده این چیز پیاپی امام عزیز تعبیر می کنند و می گویند
 من مدعی هستم ~~تکلیف~~ از صدر اسلام تا جایی مثل ملت ایران ندیده ام -

السلام را یاد کنید بخدا و بجهایا را از او شکر کنید - قسم امام را
 در حضورهای میامید گوشتش خوش نژاداده و همیشه در صحنه نبرد حاضر شود
 و بخواند ایشا کرانی (امام) را در پیش را بپایند یا وحدت و شکیبایی خود بپوشه ابرو خاست
 کارها و ذکرهای آنها صلواتان مزدور و همه ذکرهای آنها را بکلیت بجا لیا
 و برادران سپه تنگ کینه نفس را از او شکر کنید و با هم مهریان و صمیمی باشید و از
 تاسی نگذاران سپه هوشیاران بر کفان مرده کاران و یاران با وفای امام است
 خلاصیت می طلبم از ملت کشید پرور خلاصیت می طلبم (آنها می گویند مرا می ستانید)
 خدمت پروردگار در عزت و سلام می کنم امید دارم که مرا بیعت کنید در باره من خیلی
 زحمت کشید غداوند به شما هیچی عطا فرماید و از شما می خواهم زندگی عفت علی (ع)
 را الگو زندگی خود قرار دهید خدمت تمامی خواهران و برادر عزیزان (بعد سلام می کنم و
 از همتی غدا فضل می کنم خدا هر آن که را بپسندد را در بر گیرید و حفظ عجب و خدا کی
 را از او شکر کنید بر اطاعت از خدا را از او شکر کنید یعنی امید دارم بعد از من راه را در هر حالی
 که هستی دنبال کنی اگر کسی از من خیلی کرد یا از پدر یا از برادر یا یکی از برادران سپه
 برادران به حکام (احمدی) در فاش می فرامی بپسندم تمام مراد ساده بزار
 کشید و میم که اطاعت از امام را از او شکر کنید و السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته
 با سید برادر اسلام در کنار من بر هبه (اسام خانی)
 خدا بخواهد تا انقلاب مهدی خانی را بنگهدار
 (در وقت کنایه های در منزل دارم آنها را بکت نمی نمید بگویم (هید)
 و بعد از این لحظه شما دهم آذر می این بر دارم عزیزان خانی را بپسندم



علی احمدی



نام: علی
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۳۷
محل تولد: روستای حکم آباد از توابع شهرستان
زرنديه
نام پدر: اسماعیل
نام مادر: بلقیس
تحصیلات: دیپلم (رشته تجربی)
شغل: کارمند کارخانه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۲/۲۸
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای روستای حکم آباد

گلچین وصیت نامه

- ✦ اگر کسی درک از اسلام نماید باید از مکتب قرآن دفاع نموده و جوانه های این مکتب را با ایثار و جانبازی آبیاری نماید.
- ✦ همگی یار امام باشید و او را تنها نگذارید.
- ✦ همیشه در صحنه باشید که حمایت از حضرت امام، حمایت از قرآن است.
- ✦ ناراحت نباشید و ببینید که فرزندان در راهی گام برداشته و به درجه رفیع شهادت نائل گشته که سالار شهیدان نوید آن را داده است.

بسم رب الشهداء والصدیقین

[...]^۱

«یا ایها النبی حرض المؤمنین علی القتال ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مأتین و ان یکن منکم مائه یغلبوا الفا من الذین کفروا بانهم قوم لا یفقهون. الان خفف الله عنکم و علم ان فیکم ضعفا فان یکن منکم مائه صابره یغلبوا مأتین و ان یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله والله مع الصابرين»^۲.

«ای رسول! مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهید شد و اگر صد نفر بوده بر صد هزار نفر کافران غلبه خواهید کرد، زیرا آنها گروهی بی‌دانش‌اند. اکنون خدا بر شما تخفیف داد و در حکم جهاد آسان گرفت و دانست که در شما ضعف ایمان راه یافته، پس اگر صد نفر باشید صبور و پایدار بر دویست نفر و اگر هزار بر دو هزار به اذن خدا غالب خواهید شد و خدا با صابران است»^۳. (سوره انفال، آیه ۶۵ و ۶۶)^۴

با درود به حضرت امام و شهدا و جانبازان و اسراء و مفقودین و مجروحین، چند سطری به عنوان وصیت‌نامه برای شما عزیزان می‌نویسم:

نام: علی، شهرت: احمدی، فرزند: اسماعیل، متولد و ساکن: روستای حکیم‌آباد
از توابع بخش زرند ساوه، محل دفن: زادگاه حکیم‌آباد، مزار شهدا.

۱. عکس شهید در این قسمت از وصیت وجود دارد.

۲. آیات ۶۵ و ۶۶، سوره انفال: «ای رسول، مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفر غالب خواهند شد و اگر صد نفر بوده بر هزار نفر از کافران غلبه خواهند کرد، زیرا آنها گروهی بی‌دانشند. اکنون خدا بر شما تخفیف داد و معلوم کرد که در شما ضعف راه یافته، پس اگر صد نفر از شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفر و اگر هزار، بر دو هزار آنان به اذن خدا غالب خواهند شد، و خدا با صابران است».

۳. اصل: آیه ۶۴ و ۶۵.

قال رسول الله (ص): «ان الحسین حراره فی قلوب الناس لن تبرد ابدا»^۴، «همانا برای حسین (ع) محبتی در دل‌ها شعله‌ور است که هرگز خاموش شدنی نیست». بله برادران و خواهران عزیز! شهادت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) حیات دوباره اسلام و میلاد مجدد سنت نبوی و ظهور نوین انسانیت و پاسداری از دستاوردهای بعثت رسول (ص) بود.

و رزمندگان غیور و پرتوان اسلام رسالت عظیم آقا اباعبدالله را پس از چهارده قرن بر دوش کشیده و با رزم دلاورانه خود این ندا به مظلومان جهان می‌دهد که سپاه حضرت محمد (ص) از راه کربلا می‌آید. و ایثارگری این سلحشوران مهربان و غیور انسان را به یاد فاجعه خونین کربلا می‌اندازد که تمامی کفر در برابر تمامی اسلام بوده و اگر کسانی تصور بکنند که جنگ ایران [و] عراق بر سر مسائلی غیر از اسلام است اشتباه می‌کنند و تصور این چنین افراد، تصور پوچ و خالی می‌باشد و هم اکنون صحنه‌های بدر و احد و خندق و خیبر و کربلا تجدید شده و اگر کسی درک از اسلام نماید باید از مکتب قرآن دفاع نموده و جوانه‌های این مکتب را با ایثار و جانبازی آبیاری نماید.

ای عزیزانم و ای دوستان و همکاران عزیزی که شاغل در کارخانه پاک و ش هستید، دریابید که راه اباعبدالله حسین (ع) و این فرزند برومندش، این پیر جماران، جاوید و ماندنی است و این راهیان کربلا، یاران صدیق آن بزرگوار هستند. لذا به این کاروان عظیمی که به طرف کربلای معلی در حرکت است بپیوندید. و اگر از این قافله عقب بمانید سعادت ابدی نصیبتان نخواهد شد و اینجاست که حضرت امام حسین (ع) می‌فرماید: «من مرگ و شهادت را چیزی جز سعادت نمی‌بینم و همگامی با حیات ستمگران را جز هلاکت و ذلت نمی‌دانم»^۵.

و باز می‌فرماید: «اگر دین جدم محمد (ص) جز با شهادت من پایدار نخواهد شد،

۴. حدیثی منسوب به پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا: شهادت امام حسین (ع) یک داغ سوزانی است در دل مؤمنین که هرگز به سردی نمی‌گراید (و هرگز از بین نخواهد رفت)».

۵. جمله‌ای منسوب به امام حسین (ع): «فَأَنَّى لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا السَّعَادَةَ وَالْحَيَاةَ مَعَ الضَّالِّينَ إِلَّا بَرْمًا: بنابراین من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنج و دل‌تنگی نمی‌بینم».

پس ای شمشیرها مرا دریابید»^۶.

و لذا ای پدر و مادر و برادران و خواهر و همسر! از شهادت و جدایی من نگران و ناراحت نباشید و ببینید که فرزندان در راهی گام برداشته و به درجه رفیع شهادت نائل گشته که سالار شهیدان نوید آن را داده است. و اگر خواستید برایم گریه کنید به مظلومیت حسین (ع) بنالید و اشک بریزید.

و اگر جنازه‌ام به دستتان رسید، حتماً به اهالی نشان دهید که بدانند همگی رفتنی هستند و بر سر مادیات با همدیگر نزاع نکنند که انسان دست خالی به جایگاه ابدیت می‌شتابد. و راضی نیستم که منافقین و آنهایی که شعار می‌دهند و عمل ندارند و آنانی که مخالف نظام بوده و در محیط‌های کارگری جوسازی به مقامات مملکتی می‌نمایند، در تشییع جنازه و مجالس ختم [من] شرکت کنند.

و از همسر مهربانم عاجزانه تقاضا می‌کنم که مرا ببخشد و حتماً پس از شهادتم یک سرپرست برای خود انتخاب و به فرزندانم تفهیم نماید که پدرشان^۷ در چه راهی بوده و چگونه به ندای حضرت امام لبیک گفته و به شهادت رسیده است.

و در آخر از کلیه برادران و خواهران می‌خواهم که همگی یار امام باشید و او را تنها نگذارید و همیشه در صحنه باشید که حمایت از حضرت امام، حمایت از قرآن است. و در آخر مطالبات مرا گرفته و خرج دفن و کفنم نمایید و سه سال نماز و سه ماه روزه برایم بخیرید و اگر مستمری برایم دادند، همسر و فرزندانم خرج نمایند. و از همگی شما فامیلان و دوستان خداحافظی می‌کنم و شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. و عوض من از روی دخترم فاطمه و پسر قاسم بوسه بردارید.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار. منتظری نستوه، محافظت بفرما.

۶۵/۱/۲۳

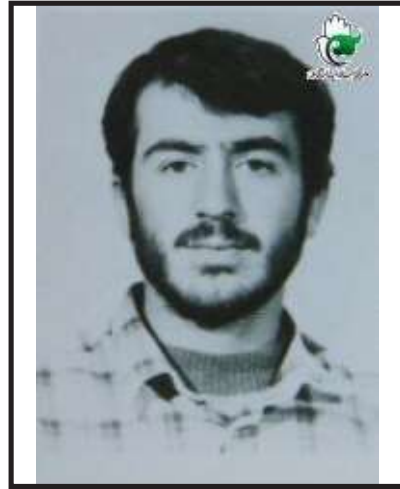
برابر با نیمه شعبان - امضاء^۸

۶. شعری منسوب به شیخ محسن ابوالحب الحویزی است که در اصل وصیت به اشتباه از آن امام حسین (ع) دانسته شده است: «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یا سیوف خدینی: اگر دین محمد جز با جان سپاری من راست نمی‌ماند، ای شمشیرها! بیابید و مرا در آغوش خویش گیرید».

۷. اصل: پدرش.

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

علیرضا احمدی



نام: علیرضا
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۴/۳
محل تولد: روستای دوزج از توابع شهرستان
زرنديه
نام پدر: حسینی
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: دیپلم
تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۳/۹
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای روستای دوزج

گلچین وصیت نامه

- ✦ جز رضای او را مجوید، زیرا انسان موقعی سعادتمند است که در همه حال رضای خداوند را بجوید.
- ✦ رهبر عزیزمان را تنها مگذارید.
- ✦ از دادن جان [و] مال برای پیروزی اسلام هیچ گاه دریغ نکنید.
- ✦ هیچ گاه حوادث روزگار شما را از صحنه بیرون نکند.
- ✦ همیشه شکرگزار خداوند منان باشید
- ✦ دلتان را به یاد خدا تسکین دهید.
- ✦ دعا به جان امام و همه روحانیون اسلام و پیروزی زندگان را فراموش نکنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحياه الدنيا بالآخرة ومن يقاتل في سبيل الله فيقتل او يغلب فسوف نؤتيه اجرا عظيما»^۱.

«مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را برای آخرت برگزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شود یا فاتح گردد، زود باشد که او را اجر عظیم دهیم».

«يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضيه مرضيه فادخلي في عبادي وادخلي جنتي»^۲.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با سلام بر پیامبران الهی و جانشینان برحق آنها ائمه اطهار (علیهم السلام) و با سلام بر رهبر عزیزمان امام خمینی و شهدای اسلام از صدر اسلام تا کنون.

سپاس خداوندی را که این بنده حقیرش را به وادی نور و ایمان هدایت نمود و توفیق شرکت در جهاد را به این بنده‌اش داد و از خداوند عاجزانه می‌خواهم که توفیق آن را بدهد که جهادگری واقعی باشم و مرا جزء عاشقان خود قرار دهد و توفیق سعادت و لیاقت شهادت را به این بنده عاصی بدهد.

اما اصل مطلب را بگویم و آن پیامی است که به شما عزیزان، مردم شهیدپرور دارم. البته من خیلی حقیرتر از آن هستم که پیامی به شما بدهم، ولی این پیام هزاران

۱. آیه ۷۴، سوره نساء: «پس کسانی باید در راه خدا جهاد کنند که زندگی این جهان را به آن جهان می‌فروشند. و هر کس در راه خدا جهاد کند و کشته شود یا فاتح گردد، زود باشد که او را اجر عظیم دهیم».

۲. آیات ۲۷-۳۰، سوره فجر: «ای نفس مطمئن و دل آرام. به حضور پروردگارت باز آی که تو خوشنود به او و او راضی از توست. باز آی و در صف بندگان خاص من در آی. و در بهشت من داخل شو».

شهیدی است که جانانه جان سپردند و با خونشان درخت اسلام را آبیاری کردند. عزیزان، خدا را در همه حال ناظر بر اعمال خود ببینید.

جز رضای او را مجوید، زیرا انسان موقعی سعادتمند است که در همه حال رضای خداوند را بجوید. و رهبر عزیزمان را تنها مگذارید و از دادن جان [و] مال برای پیروزی اسلام هیچ گاه دریغ نکنید. عزیزان، هیچ گاه حوادث روزگار شما را از صحنه بیرون نکند. با توکل بر خداوند همیشه در صحنه باشید و فقط خوف از خداوند داشته باشید و همیشه شکر گزار خداوند منان باشید و شکر کنید که خداوند ما را در این برهه از زمان قرارداد و پرچم اسلام را به دست ما داد. که امیدواریم این پرچم خونین را به دست صاحب اصلیش مهدی (عج) ناجی انسان‌ها بدهیم.

و در آخر پیروزی اسلام بر کفر جهانی و برافراشته شدن پرچم پر افتخار اسلام بر سر کاخ‌های ظلم و ستم را از خداوند عزیز خواهانم.

و اما پدر و مادر^۳ عزیزم! ای عزیزانی که مرا بزرگ کردید و برای من زحمت‌ها کشیدید، پدر و مادر جان، اگر خداوند توفیق شهادت را به من داد خداوند را شکر کنید که این فوض عظمی را به فرزندان عطا فرموده است. و صبر کنید در شهادتم و زیاد گریه نکنید.

و ای عزیزانم! اگر از من بدی دیده‌اید و یا از من رنجیده‌اید به بزرگی خودتان مرا ببخشید و مرا حلال کنید. و همچنین خواهران و برادر عزیزم، اگر از من بدی دیده‌اید شما عزیزان نیز به بزرگی خودتان مرا حلال کنید و در شهادتم صبر کنید و خداوند را سپاس و حمد گوید و راهم را ادامه دهید.

و در آخر هر برادر و خواهری که وصیت‌نامه مرا می‌خواند و یا می‌شنود، اگر از ما بدی دیده‌اید به بزرگی خودش مرا ببخشد و حلال کند و همچنین از کلیه دوستان و رفقایم حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که راهم را ادامه دهند.

و در ضمن برادر و پدرجان! من ۲۰ روز روزه به خداوند بدهکارم و بیست روز

روزه‌ام در جبهه قضا شده آن را حتماً اجیر بگیرید تا روزه‌ام را بگیرند.
و در آخر خانواده عزیزم، پدر و مادر و خواهر و برادر جانم در شهادتم زیاد گریه
نکنید و دلتان را به یاد خدا تسکین دهید و دعا به جان امام و همه روحانیون اسلام و
پیروزی زمندگان را فراموش نکنید.

برادر حقیر شما

علیرضا احمدی - امضاء^۴


۶۳/۴/۹

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

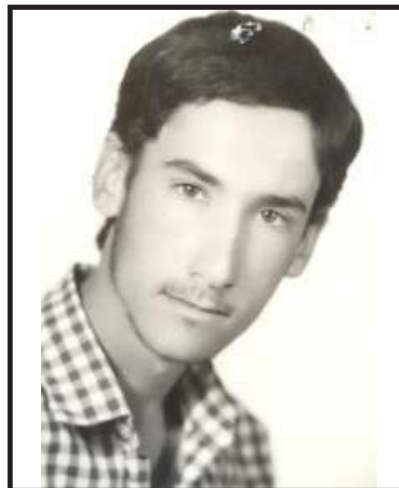
واما پدر و مادر و عزیزانم ای عزیزانی که مرا بزرگ کردید و برای من زحمتهای گشودید
 پدر و مادر و برادر و خواهر و عزیزان من را به این خداوند را شکو کنید که این مومن
 محطی را به فرزندان خطا فرستاده است و چه کند و بر شما دهم و زیاد شود و این
 عزیزانم اگر از من بوی دیده ایرویا از من زخمیده اند به بزرگی فرزندان مرا بهستی و مرا
 هلاک کنید و همچنین خواهران و برادر عزیزانم اگر از من بوی دیده ایرویا و برادران
 به بزرگی فرزندان مرا حلال کنید و در شما دهم چه کنید و خداوند را بهیابی که خود را گوید
 در اتم را ارام دهد و در آخر عمر برادر و خواهری که وصیت نامه مرا می خواند
 و با می شود و امانها بوی چه بگوید به بزرگی خودش مرا بهیستی و بهیالی کند
 و همچنین از کف دستان و در مقام سلطنت می طلب و امید دارم که راه را
 در دهن دهد
 در دهن برادر و برادران من ۳۰ روز به خود او بهیستی و بهیستی و بهیستی و بهیستی
 در حینم قصه آمد آن را حقاً ایضا بگویند تا دوره اتم را بگویند

و در آخر خانه امیر و برادر و خواهر و برادرانم در بهیستی
 زبا دگریم گفتند و دستان را و با خدا تسکین دهد و دعا بهیستی امان
 و عده و بهیستی اسلحه و بهیستی و بهیستی و بهیستی و بهیستی و بهیستی و بهیستی
 ۶۱۳/۱۴/۹

شکوه بر این اهل است



غلامحسن احمدی



نام: غلامحسن
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۴/۱۵
محل تولد: روستای فرقهان از توابع شهرستان
خمین
نام پدر: محمد
نام مادر: بلقیس
تحصیلات: چهارم متوسطه
شغل: کارگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۳
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سینه
محل دفن: شهرستان خمین

گلچین وصیت نامه

- تا می‌توانید مانند پدر و مادر شهیدان دیگر باشید، چون پدر و مادر آن شهیدان فرزندان خود را در راه خدا و دین اسلام و سرزمین خود دادند و حاضر هستند تمام زندگی خود را هم در راه اسلام بدهند.
- امیدوارم پس از من راهی را که من و دیگر برادران پیموده‌اند ادامه دهید.
- پیامی دارم که می‌خواهم به برادران و خواهران هم میهنم برسانم که فکر مرگ نباشند، مبارزه کنند و نابود سازند از دشمن و بعد کشته شوند.

باسمه تعالی

«السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین».

«اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله»^۱.

اینجانب حسن احمدی، متولد ۱۳۴۵، از بسیج شهرستان خمین، عضو گردان روح‌الله (علیه السلام) چنین آرزو می‌کنم که ان‌شاءالله خداوند شهادت را [در] راه خودش قبول کند.

یا الله، یا الله و یا الله ترسم از آن است که نکند بر اثر سنگینی گناهانم نتوانم سبک شوم و به سویت پرواز کنم، ولی تو یا الله خودت می‌دانی که [از] بچگی عاشق حسین بودم و زندگی‌ام را وقف حسین کردم و هر موقع که حسین نامی به میان می‌آمد، بی‌اختیار به گریه می‌افتادم و الآن هم که در جبهه هستم، صبح را به یاد ابا عبدالله شروع می‌کنم و شب‌ها را در اینجا به یاد ابا عبدالله به صبح می‌رسانم. به خدا از همین جا مقبره آقا ابا عبدالله الحسین (ع) و حضرت ابوالفضل العباس (ع) برایم نمایان است و آرزویم این است که آقایم مولایم امام حسین (ع) شفاعتم را بکند و چون بدون شفاعت او نمی‌توانم پیش دوستان شهیدم بروم و همان‌طور که امامان گفت: «تکلیف ما را سیدالشهداء معلوم کرده است».

شاید من به خاطر نداشتن سواد نتوانم بدین صورت ادبی صحبت کنم ولی از شما عاجزانه می‌خواهم که امام را تنها نگذارید و از جبهه‌ها غافل نشوید که قیامت شما شرمنده و خجل زده‌اید نزد ائمه اطهار و معصومین [...] و آن موقع به خودی خود پی

۱. ذکر شهادتین.

۲. «بگیرید» حذف شده است.

می‌برید که بایستی چگونه به عاشقان الله پیوست.
 ضمناً از پدر [و] مادرم و برادرانم که در طول این مدت زندگی زیاد اذیت و آزارشان دادم و نتوانستم جبران کنم، حلالیت می‌طلبم. فقط هر موقع که به یاد من افتادید^۳ به مظلومیت امام حسین (ع) گریه کنید.
 خدایا، خدایا، ستاره‌ها که رفتند، خورشید را نگه دار.
 خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.
 به یاد حسین شهیدم، «نصر من الله و فتح قریب»^۴.

حسن احمدی - امضاء^۵

در تاریخ ۶۳/۱۲/۱۴

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«به آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگوئید، آن‌ها زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند»^۶.

با سلام به رهبر کبیر انقلاب و تمامی شهیدان و به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.
 من غلامحسن احمدی، فرزند محمد احمدی، جهاد در راه خدا را وظیفه خود می‌دانم و به همین دلیل در میدان نبرد پا گذاشته‌ام و از خدای بزرگ این تقاضا را دارم که این بنده گناهکار را بپذیرد. و با اولیای خود محشور^۷ گرداند. از خدا می‌خواهم که مرا سبک‌بار کند که بدون لطف او نمی‌توانم پیش دوستان شهیدم بروم و پیش آقا

۳. اصل: افتادیت.

۴. بخشی از آیه ۱۳، سوره صف: «وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ: و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارید نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک است، و اهل ایمان را بشارت ده».

۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۶. ترجمه آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ: البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند در نزد خدا منتعم خواهند بود».

۷. اصل: مهشور.

سیدالشهداء.

چند سخنی با برادران و خواهرانم دارم. به خدا از همان کوچکی عاشق حسین بودم و وقتی که اسم حسین (ع) را می‌شنیدم، بدنم می‌لرزید. و اکنون که در جبهه هستم و به خدا سوگند گنبد و بارگاه آن آقا را می‌بینم احساس راحتی می‌کنم. برادران و خواهرانم از مردن نهراسید. ما باید همه این راه را برویم پس چه بهتر که این مرگ در راه خدا باشد.

در پایان به پدر و مادر و برادران و خواهرانم دعا و سلام می‌رسانم و از آنها می‌خواهم که در شهادت من گریه نکنند، زیرا با گریه شما دشمن شاد می‌شود و روح من ناراحت. به امید پیروزی رزمندگان اسلام و نابودی تمام جهانخواران. خدایا، خدایا، ستاره‌ها که رفتند خورشید را نگه دار. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.

۱۳۶۴/۱۲/۱۴

غلامحسین احمدی - امضاء^۸

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...»^۹.
«ای ایمان آورندگان! اطاعت کنید از پیامبر و کسانی که سرپرستی^{۱۰} شما را به عهده دارند».

امروز که من این وصیت‌نامه را می‌نویسم برای این است که آرزوی من همین

۸ نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.
۹. بخشی از آیه ۵۹، سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا: ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود».
۱۰. اصل: سرپرش.

است، چون اگر من کشته شوم برای میهنم است و امیدوارم که شکست دشمن اسلام چه از چپی و راستی و خارجی، و دشمن بزرگ ما ایرانیان آمریکا است نه عراق. برای این است که از آن پول می‌گیرد و از شوروی اسلحه.

اگر من کشته شدم فردا برادر و خواهر و هم میهن من آزاد خواهد شد. پدر و مادرم، ناراحت مرگ من نباشید چون فردا آزاد خواهم شد^{۱۱}. و تا می‌توانید مانند پدر و مادر شهیدان دیگر باشید، چون پدر و مادر آن شهیدان فرزندان خود را در راه خدا و دین اسلام و سرزمین خود دادند و حاضر هستند تمام زندگی خود را هم در راه اسلام بدهند.

پدر و مادر عزیزم، خواهر و برادرم! از اینکه نتوانستم بار دیگر شما را ببینم عذر می‌خواهم و امیدوارم پس از من راهی را که من و دیگر برادران پیموده‌اند ادامه دهید که راهمان همان خط امام و خط امام هم همان خط علی (ع) و حسین (ع) سرور شهیدان می‌باشد. پیامی دارم که می‌خواهم به برادران و خواهران هم میهنم برسانم که فکر مرگ نباشند، مبارزه کنند و نابود سازند از دشمن و بعد کشته شوند.

دروود بر تمامی شهیدان به خوان خفته و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و سلام بر سرور شهیدان حسین زمان و این شهیدان ایران.

و ای پدر و مادر عزیزم! مرا حلال کنید. من از تمام قوم و خویشان و دوستان و همسایگان می‌خواهم که اگر از من بدی دیده‌اند مرا حلال کنید، والسلام. در آخرین لحظات با هم گوییم:

«خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگهدار»^{۱۲} (۲).

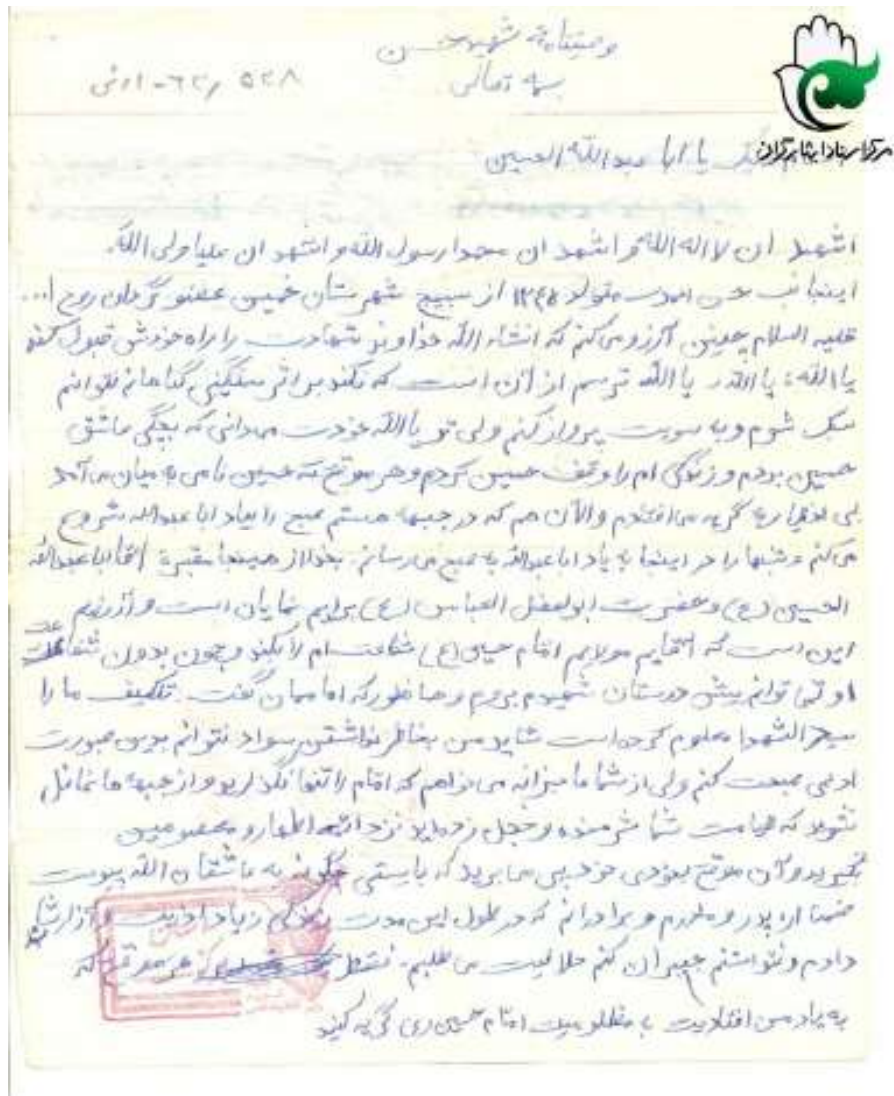
مورخ ۶۲/۱۰/۲۵

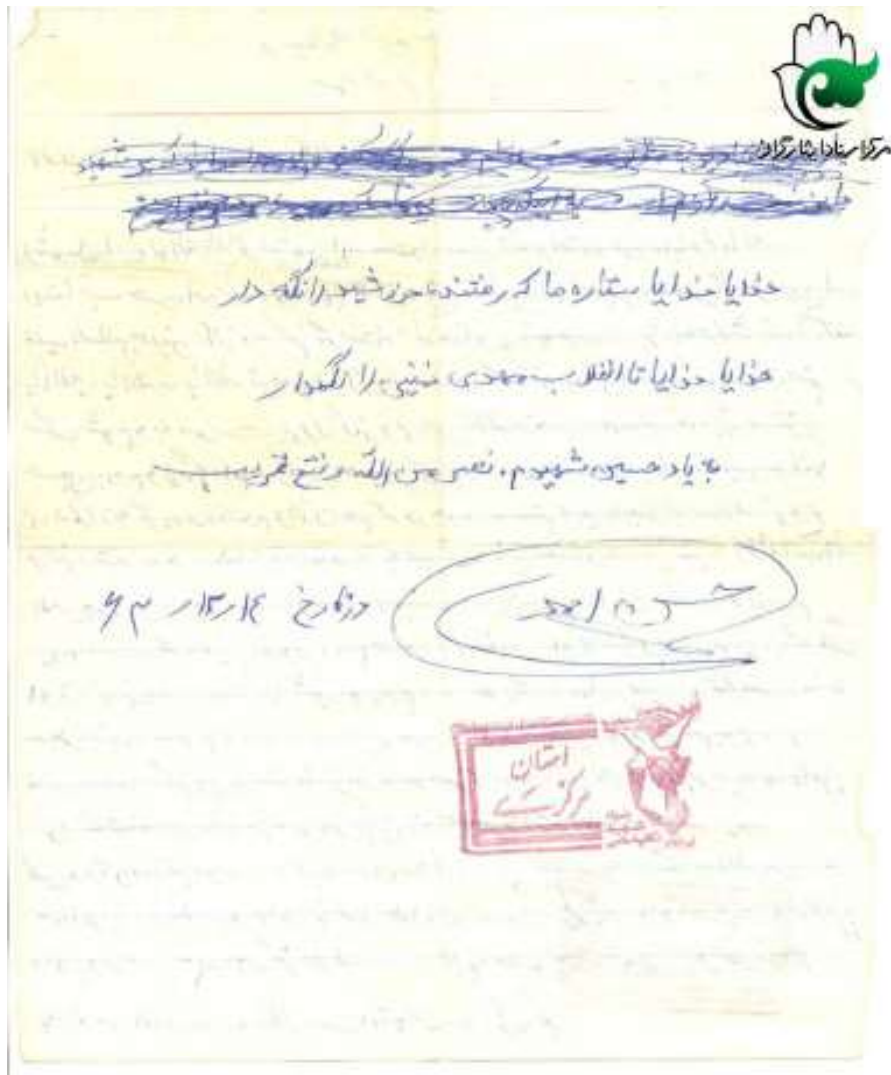
برادر عزیز شما


حسن احمدی

۱۱. اصل: خواهد شد.

۱۲. اصل: نگدار.







مرکز اسناد و انتشارات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا ایها الذین آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم

امروز که من این وصیت نامه را می نویسم برای این است که اگر من میمیرم است چون گفته شوم برای میمیرم است و امیدوارم که شایسته شوم اسلام جانم چنین حراستی و قلمی و دشمنی من را با این دنیا و قلمی است نه عاقل و عاقلین است که از آن پول و ملک و دار و ستوری اسلحه و اگر من گفته شوم من را میمیرم و خواهر و هم میهن من آزاد خواهد شد و پدر و مادر من تا ابد که من غمناک بودم چون خدا را نخواهد شد و ما میتوانیم مانند پدر و مادر شهیدان دیگر باشیم چون پدر و مادر شهیدان فرزندان خود را در راه خدا و دین اسلام و دین حق و دین حقیقت تمام زندگی خود را در راه اسلام بدهیم و پدر و مادر عزیزم و خواهر و برادر من را با یک نواستفهام با یک دل شای را ببینم عزیز من و میمیرم و امیدوارم پس از من راهی را که من و دیگر فرزندان پیروزه اند ادامه دهیم که راهیان همان خط امام و خط اقامت همان خط علی بن ابی طالب و سرور شهیدان میباشند و پیاپی میمیرم که میمیرم به پدر و برادر و خواهر من هم میمیرم برسانم که فکر میمیرم و بار بار گفته و تا بود سارا و دل و دشتی و بعد گفته شونده درود بر تمامی شهیدان بخون خرم و زور و بر رهبر کبیر انقلاب اسلام اقامت خمینی که و سلام بر سرور شهیدان حسین و جان و ایمن شهیدان ایران و ای پدر و مادر عزیزم و بر علل گوید من از تمام قوم و میهنان و درویشان و صفا یگان و میمیرم که اگر از من بعدی بخواهد به اعطال کنید و سلام در آخر من لطافت با هم گویم

خداوند عز و جل تا اوقات بعدی حتی کتا بعدی خمینی را بگذرانم

مورخ ۱۳۶۵/۱/۲۵

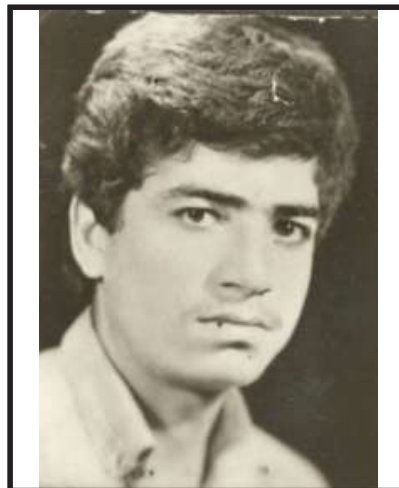
محل از عزیز شایع احمدی

استان مرکزی

بجمن اسلامی جوانان

تهیاج

غلامحسین احمدی



نام: غلامحسین
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱
محل تولد: روستای زاویه از توابع شهرستان
زرنديه
نام پدر: شوذب
نام مادر: مدینه
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۴/۲۱
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای روستای زاویه

گلچین وصیت نامه

- این افتخاری است که نصیبم شده و شما پدر و مادرم لیاقت والدین شهیدبودن را داشته اید و خواهید داشت.
- امیدوارم که هدف شهدا را فراموش نکنید و بدانید که هدف بنده همان هدف اسلام است تا نابودی کفر و تحویل این جمهوری به امام زمان(عج).
- گریه برای امام حسین (علیه السلام) و یارانش را فراموش نکنید و مرا عفو نمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ ۶۳/۱۲/۱، ساعت ۸ صبح.

«یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقه»^۱.

«ای انسان به درستی که تو کوشنده‌ای به سوی پروردگارت کوشیدنی پس ملاقات کننده هستی او را». (سوره الانشقاق، ۶)

با سلام و درود بر انبیاء الهی که سرمنشأ هدایت بشر از منجلا ب ذلت و نفس پرستی به اوج عزت و یکتا پرستی اند و با سلام به امام زمان، انتقام گیرنده خون مظلومان تاریخ. و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب که الحق نائب امام زمان است. و همچنین سلامی بزرگ به تمام شهدای اسلام و همچنین انقلاب اسلامی و معلولین و مجروحین و رزمندگان اسلام و آفرین و صد احسنت و افتخار به تمامی والدین شهدا و رزمندگان که خیلی راحت از فرزندانشان می گذرند برای اسلام.

با اینکه فرصتی پیدا کردم تا وصیت نامه خود را که شاید «از بهترین وظایف یک مسلمان است»^۲ (سوره بقره آیه ۱۸۰)، بنویسم تا امروز که خدای تعالی توفیق شرکت در معبد سرخ شهیدان را در کنار مرزهای کشور اسلامی [به] من داده است، اگر عمرم به پایان رسید مستول نباشم.

خدای من همان خدای زمین و آسمان (جهان) دنیا و آخرت است. همچنین پیامبران من همان صد و بیست و چهار هزار پیامبر بوده اند که خاتم آنها حضرت

۱. آیه ۶، سوره انشقاق: «ای انسان البته با هر رنج و مشقت، عاقبت حضور پروردگار خود می روی».
۲. اشاره به آیه ۱۸۰، سوره بقره: «کُتِبَ عَلَیْکُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُکُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَکَ خَیْرًا الْوَصِیَّةَ لِلْوَالِدِیْنِ وَالْأَقْرَبِیْنِ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَی الْمُتَّقِیْنَ: دستور داده شد که چون مرگ یکی از شما فرا رسد اگر دارای متاع دنیا است وصیت کند برای پدر و مادر و خویشان به چیزی شایسته عدل و به قدر متعارف. این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است».

محمد(ص) و امامان من همان دوازده امام معصوم (علیهم السلام) می باشند که فاطمه (سلام الله علیها) مادرشان است. و ولی امر من (امام خمینی) روحی فداه است. جنگ از اهم امور است. ندای «هل من ناصر ینصرنی» را شنیدم و لیک گویان به سوی عشق و شهادت در رکاب امام حسین(ع) به فرماندهی امام مهدی(عج) آمدم که ان شاء الله مرا در لیست جانبازان و سربازان خاص خود بنویسد و خلاصه مرا ببرد نزد خود ان شاء الله.

امروز معبود کریم بر من منت نهاد و مرا به دیاری رهسپار نمود که خانه عشاق خدا و عشاق مهدی(عج) است. مرا به محلی آورد که هر کجای آن را نگاه می کنی نشانی از خون می بینی؛ خون عزیزانی پاک و پیروانی به حق حسینی(ع). و مرا به محل حضور مولایم مهدی(عج) آورد.

و با وجود گناهان سنگینم و معاصی بیش از حدم که هرچه عهد می بندم باز می شکنم و هرچه که با مولایم پیمان می بستم، بعد از مدتی دل پرمهرش را با اعمال خلاف و شکستن پیمان، خون می نمودم و خلاصه این حقیر شرمندهام از اینکه طاعتم قلیل و معصیتم کثیر است. و اینکه عاجز بوم و نتوانستم همه احکام الهی را مو به مو اجرا کنم. من نمی دانستم چگونه شکر خدای عزیزم را به جای آورم که مرا در محیطی پرورش داد که به حق در دامان پر مهر پدر و مادر و برادران و خواهر عزیزی بزرگ شدم که جز مهر اهل بیت عصمت و طهارت و تسلیم در برابر اراده حق تعالی نیاموختم، ولی چه کنم نتوانستم شاگرد خوبی برای نعمات باشم.

شاید که خون من بتواند موجب غفران و بخشش در درگاه خدای بزرگ و رضایت ائمه عزیز و امام گران قدر شود. رضایت خدا رضایت والدینم است. این افتخاری است که نصیبم شده و شما پدر و مادرم لیاقت والدین شهید بودن را داشته اید و خواهید داشت.

برادر و خواهر حزب الله! امیدوارم همان طور که خدا با فضل خود با من رفتار کرد شما هم مرا عفو کنید. عاقبت را باشید که روسفید شدم و شهیدی شدم مثل ۷۲ تن یاران

امام حسین (ع) و راه دو برادرم.

راستی، من هر کجا بودم تمام سپاهی‌ها و بسیجی‌ها را دوست داشتم و دوست دارم و تمام برادران بزرگ‌تر از من هستند. امیدوارم که هدف شهدا را فراموش نکنند و بدانند که هدف بنده همان هدف اسلام است تا نابودی کفر و تحویل این جمهوری به امام زمان (عج).

یک مسئله به عنوان آخرین مطلب مهم می‌گویم. قرآن را بخوانید:

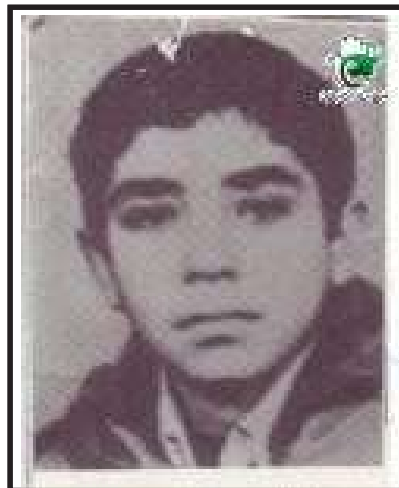
«فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شرا یره»^۳.

بلی، شاید جنازه‌ام نیاید دلتنگ نشوید و مراسم ساده باشد. ولی اگر جنازه‌ام را آوردند عکس برادرم را در کفنم بگذارید و تلقین دوبار بخوانید. و مسئله بعدی گریه برای امام حسین (علیه السلام) و یارانش را فراموش نکنید و مرا عفو نمایید. خلاصه [به] دوستان و فامیل‌هایم که دوستدار سپاهیان و بسیجیان و رزمندگان موکل جهادگران اسلام هستند، سلام مرا برسانید.

غلامحسین احمدی

۳. آیات ۸ و ۷، سوره زلزله: «پس هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید. و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید».

غلامرضا احمدی



نام: غلامرضا
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۵/۶
محل تولد: روستای گل زردقلعه از توابع شهرستان
شازند
نام پدر: حسین
نام مادر: قمر
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۱/۱۷
محل شهادت: طلایه
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
محل دفن: روستای گل زردقلعه

گلچین وصیت نامه

- ◀ پیرو حقیقی ولایت فقیه باشید.
- ◀ با آنان که با انقلاب مبارزه می کنند تا حد جان مبارزه کنید.
- ◀ گوش به فرمان امام باشید و پایتان را جای پای او بگذارید و به حرف های او جامه عمل بپوشانید.
- ◀ دعاها را زیادتربخوانید و در مساجد برپا کنید.
- ◀ هیئت های قرآن و مراسم عزاداری را زیادتربرپا کنید.
- ◀ برادرانی که درس می خوانند هوشیار باشند که در این انقلاب مسئولیت سنگینی در مقابل شهیدان و خدا دارید، باید در جهت خودکفایی کشور بکوشید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«الذین آمنو و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون»^۱.

«همانا آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند از دیارشان و با جان و مالشان در راه خدا جهاد کردند، همانا رستگارانند در دو عالم».

با سلام بر پیشگاه اعظم امام زمان و با کسب اجازه از محضر ایشان وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم. به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان. به نام او که یادش امیددهنده دل‌ها و محکم‌کننده قلب‌های مؤمنان است. سپاس بیکران خدایی را که توفیق والای شهادت را نصیب کرده و با سلام بر نائب امام زمان، بتشکن زمان نائب امام عصر، حضرت امام خمینی.

ای امام! سلام گرم مرا که از قلبی پر از مهر تو بر می‌خیزد بپذیر. ای امام، ای خشم علی در چشم، ای قوت پیامبر در بازو و ای خون حسین در رگ، تو شاهدی که در محضر خدا با تو پیمان بستم که تا قطع ریشه ظالم و تا آخرین لحظه عمرم لباس رزم را از تن بیرون نیاورم. و از تو می‌خواهم که برای قبولی شهادتم به درگاه پروردگار دعا کنی.

ای مردم! هدفم از رفتن به جبهه و در آغوش گرفتن شهادت تنها رضای خدا بوده نه مسائل مادی و دنیوی. ای برادران و خواهران! چند نصیحت را از این گناهکار بشنوید. اول آنکه پیرو حقیقی ولایت فقیه باشید و با مشکلات بسازید که پیروزی

۱. آیه ۲۰، سوره توبه: «آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالمند».

نزدیک است. با آنان که با انقلاب مبارزه می کنند تا حد جان مبارزه کنید. گوش به فرمان امام باشید و پایتان را جای پای او بگذارید و به حرف های او جامه عمل ببوشانید. قدر انقلاب اسلامی را بدانید که تمام مسلمانان دنیا آرزوی ایرانی بودن را دارند. برادران، مبدا غافل از خدا باشید که مولای ما علی (ع) در محراب نماز و راز و نیاز با پروردگار شهید شد. برادران، استغفار و دعا را از یاد نبرید که: «...الا بذكر الله تطمئن القلوب»^۲. دعاها را زیادتیر بخوانید و در مساجد برپا کنید. هیئت های قرآن و مراسم عزاداری را زیادتیر برپا کنید.

برادرانی که درس می خوانند هوشیار باشند که در این انقلاب مسئولیت سنگینی در مقابل شهیدان و خدا دارید، باید در جهت خودکفایی کشور بکوشید. و کسانی که به امام و ولایت فقیه اعتقاد ندارند بر جنازه من حاضر نشوند.

از قبرستان که می گذرید با دیده دل و بصیرت نگاه کنید که روزی مردگان هم مثل شما زندگان [بودند]. ای مردم، الآن همان زمان امام حسین (ع) و کربلا می باشد و الآن باید به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین لبیک بگوییم و به جبهه ها بشتابیم. ای برادران، در زمانی که دنیا اینقدر مسلمان دارد، نباید اسلام مظلوم واقع شود. نباید بیت المقدس در دست یهودیان اسیر باشد. باید از جا بلند شویم و از مرگ نهراسیم. در پایان سخنی با پدر مهربانم دارم:

پدر جان سلام، ای پدر عزیز! از تو می خواهم که مرا حلال کنی هرچند نتوانستم حق فرزندی را بر تو ادا کنم. پدر جان، از آن می ترسم که در روز قیامت در پیشگاه تو و شهدا و خدا روسیاه باشم. از تو می خواهم که برای قبولی شهادتم به درگاه خداوند دعا کنی. و ای برادر جان، می دانم که برای تو برادر خوبی نبودم، اما امیدوارم که مرا حلال کنی و اسلحه مرا برداری و سنگر خالی مرا پر کنی [نه] که برای انتقام، بلکه برای رضای خدا.

در پایان، برای همه آرزوی موفقیت می کنم و از همه شما دوستان و آشنایان

۲. بخشی از آیه ۲۸، سوره رعد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: آنها که به خدا ایمان آورده و دل هاشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام بخش دل هاست».

و خانواده عزیزم عاجزانه می‌خواهم که اگر اشتباهی از من دیده‌اید ببخشید و اگر شما کربلا رفتید از امام حسین (ع) بخواهید که مرا جزو اصحاب خود قرار دهد. و از خانواده خود می‌خواهم که صبر را پیشه کنند و بر من گریه نکنند، بلکه بر امام حسین گریه کنند، بر علی اکبر امام حسین گریه کنید. اگر جنازه‌ام به دست‌تان رسید، مرا در روستای گل‌زرد کنار قبر شهدا که نزدیک قبر مادرم است دفن کنید.

«والسلام علی عباد الله الصالحین».

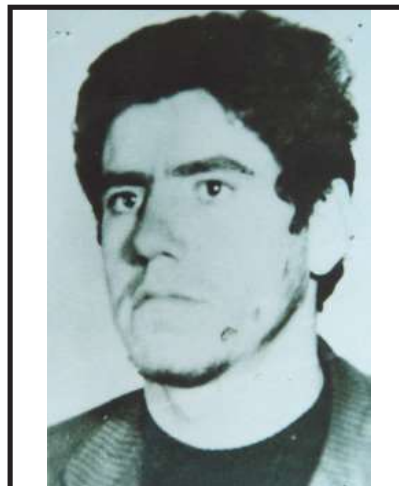
خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

وصیت‌نامه

شهید غلامرضا احمدی

۱۳۶۳/۴/۱۰

کاظم احمدی



نام: کاظم
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲
محل تولد: روستای قردین از توابع شهرستان ساوه
نام پدر: محمد
نام مادر: خدیجه
تحصیلات: بی سواد
شغل: کشاورز
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱۲/۸
محل شهادت: سقز
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: گلزار شهدای روستای قردین

گلچین وصیت نامه

- ◀ اسلام و ارزش های آن را فراموش نکنید و سعی وافر بر اجرای تمام فرامین آن داشته باشید و ایمانتان را قوی کنید.
- ◀ وحدت خود را حفظ کنید.
- ◀ از امام امت و روحانیت اصیل پیروی کنید.
- ◀ در نمازهای جمعه و جماعات شرکت کنید و همیشه در صحنه باشید.
- ◀ در راهپیمایی هایی که از طرف رهبر و پیروانش برگزار می شود حضور فعال داشته باشید.
- ◀ راه شهدا را ادامه دهید و جنگ را فراموش نکنید.

بسم رب الشهداء والصدیقین

۶۲/۱۱/۱۷

وصیت نامه شهید کاظم احمدی

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون»^۱.

«کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا به مال هاشان و جان هاشان، درجه بزرگتری پیش خدا دارند و آنها رستگاران».

با سلام و درود بر پیامبر خاتم حضرت محمد(ص) و ائمه طاهرین و امام زمان و نائب برحقش امام امت، خمینی بت شکن و امت شهید پرور که به خاطر اسلام و قرآن این همه فداکاری می کنند.

ایمان و هجرت و جهاد در راه خدا سه عامل مهم در رستگاری انسان هاست و پیروزی های رزمندگان نیز بر همین اساس است. و هر امتی تا وقتی که از اسلام و قرآن پیروی کند و عملکردهایش بر مبنای آن باشد، پیروز است. وقتی که جهاد یکی از فرامین اسلام باشد و هنگامی که در جهاد اگر کشته شویم پیروزیم و اگر بکشیم نیز پیروز^۲، و وقتی که شهادت آرزوی ما باشد و همه کارهایمان به خاطر خدا باشد، چگونه شکست ممکن است؟ اصلاً اعمال و افعال کسانی که مسلمان واقعی هستند با محاسبات مادی جور در نمی آید و هر کسی قادر نیست که مفهوم شهادت را که در میان امت ما هاله ای از قداست آن را احاطه کرده است، درک کند.

۱. آیه ۲۰، سوره توبه: «آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جان شان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالمند».

۲. اشاره به این سخن از امام خمینی (ره) است: «من کراراً این را گفته ام که ما چه کشته بشویم و چه بکشیم پیروزیم»، صحیفه امام خمینی، جلد ۱۳، صفحه ۴۴۱.

اگر می‌بینید که تمام تحلیل‌گران و تئوریسین‌ها نمی‌توانند تحلیل صحیحی از انقلاب اسلامی و جنگ و امت اسلامی و رزمندگان اسلام بکنند، در اثر این است که اسلام را نشناختند و روحیهٔ مسلمانان واقعی را درک نکردند و شهادت را نفهمیده‌اند و کسانی که درصدد از بین بردن انقلاب و اسلام هستند نیز چنین‌اند.

این کسانی که امروز در جبهه می‌جنگند و این رزمندگان که حماسه می‌آفرینند، کسانی هستند که اسلام و شهادت با گوشت و پوستشان عجین شده است. مادرانشان بر امام حسین (ع) گریسته‌اند و اشک‌هایشان با شیرشان مخلوط شده و به خورد فرزندانشان رفته است. و این است که چگونه زیستن و چگونه مردن را از سالار شهیدان آموخته‌اند.

و اما ای مردم شهیدپرور و حزب الله و خانوادهٔ عزیزم! اسلام و ارزش‌های آن را فراموش نکنید و سعی وافر بر اجرای تمام فرامین آن داشته باشید و ایمان‌تان را قوی کنید و وحدت خود را حفظ کنید، و از امام امت و روحانیت اصیل پیروی کنید. چرا [که] مثلث ایمان، وحدت، رهبری عوامل مهم پیروزی هر ملتی است. در نمازهای جمعه و جماعات شرکت کنید و همیشه در صحنه باشید. در راهپیمایی‌هایی که از طرف رهبر و پیروانش برگزار می‌شود حضور فعال داشته باشید و راه شهدا را ادامه دهید و جنگ را فراموش نکنید.



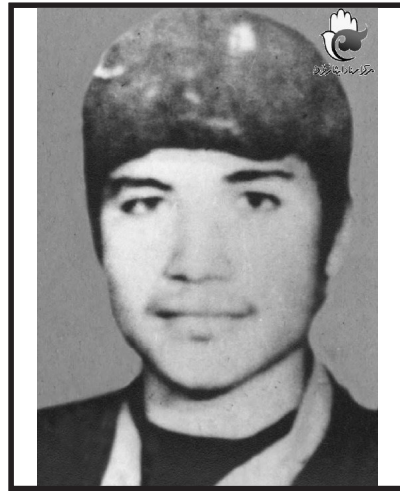
شد و خدا هم درجه دوازدهم را بر او عطا فرمود و او را
 شهادت آرزوی ما باشد و هرگاه باطن به خاطر خدا به حد خود شهادت ممکن است
 احسن اهل افعال است که در سلطان واقع می شود با حسابات ما در مورد یکی جمع
 و هر کس قادر نیست که منقول شود دست را در میدان است ما حاضر از او است آن را
 احاطه کرد است در کتب آن می بینید که تمام اهل کمال و نورانی آن می توانند فعل
 صحیح از انقباض انقباض و بخت و اعتقاد است در میدان ایدم بکنند در اثر این دست که از (۱۰)
 را نشاء حقد و روحیه سلیمان واقع را در کتب می گردید و شهادت و تفصیل از هر یک که در مورد
 از این بر دهن آلاء - ایدم هستند نیز چنین اند که کسی که از هر روز درجه دوازدهم را می بیند و این درجه
 که حاکم است آن می بیند که هستند که ایدم و شهادت بدو نیست و پوشش آن عجیب بود است
 مبدء افعال پر امام حسین علیه السلام و انکه نشان با شیر نشان مملکت و در حد از این

کاتب شده است

وقت است و این است که بخیر بنویسم و بگویم در دل را از آن سالار شهیدان استغفار
و اما ای مردم شهید بودم و جز به الله و رسول او و از شما آن را فراموش نمیکنم و او را
ایضا تمام فراموشی آن را بفرستید و ایمانی را فرستید و وحدت جزو حق است
اما که است و روحانیت اصل پیوسته است چه منت ایمان - وحدت - رهبری عوام
هم پیوسته است و این است که از آن جمع روحیات شرکت کنید و همیشه در جمع باشید
در راه پیوسته میماند که از طرف رهبر و پیروانش برآید و حضور در آن باشد و راه
شماره را از راه دلیله و منتهی را فراموش نکنید

عبدالرشید است

کر معلى احمدى



نام: کر معلى

نام خانوادگی: احمدى

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱۹

محل تولد: روستای سرکوبه از توابع شهرستان

خمین

نام پدر: حسن

نام مادر: زهرا

تحصیلات: اول راهنمایی

شغل: کشاورز

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۲۵

محل شهادت: عین خوش

محل دفن: روستای سرکوبه

گلچین وصیت نامه

- ❖ ای خواهرانم! حجابتان را حفظ کنید که حجاب شما مشتی است بر دهان یاوه گویان و منافقان و ننگ آفرینان تاریخ.
- ❖ خواهرم از تو می خواهم که زینب وار در این انقلاب فعالیت کنی و صبر و استقامت از خود نشان دهی.
- ❖ از شما برادران هم می خواهم که مسجدها را خالی نکنید.
- ❖ هیچ موقع امام را تنها نگذارید و همیشه امام را یاری کنید.
- ❖ از خدا بخواهید که امام را، این قلب امت را، این هدیه گرانبها را برای شما نگهدارد.

بسم رب الشهداء

«...إنا لله وانا اليه راجعون»^۱.

«الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله بأموالهم و انفسهم اعظم درجه عند الله و اولئك هم الفائزون»^۲.

«آنان که ایمان آوردند و از وطن خود هجرت گزیدند و در راه خدا با جان و مال خود جهاد کردند آنها را نزد خداوند مقامی بلند [است] و رستگاران دوعالمند». خدمت امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی و ملت شهیدپرور ایران و بعد به خدمت پدر و مادر و برادران و خواهران سلام عرض می‌کنم. من در این موقعیت که اسلام در خطر است خود را مسئول دانستم و به جبهه جنوب اعزام شدم و به یاری رزمندگان شتافتم.

پدر و مادر جان! امیدوارم که وقتی خبر شهادت مرا شنیدید، هیچ‌گونه ناراحتی به دل راه ندهید و شما افتخار کنید که هدیه‌ای که خدا به شما داده صحیح و سالم با ایمانی کامل و عقلی سالم به سوی او بازگردانید و از خدا درخواست کنید که هدیه ناقابل شما را بپذیرید چون خون ناقابل من در مقابل خدا و امام چه ارزشی دارد.

پدر و مادر! اگر شما ناراحتی به دل راه بدهید دشمن زبون و از خدا بی‌خبر خوشحال می‌شود. به جای ناراحتی دو رکعت نماز بجا آورید و خداوند متعال را شکر کنید که پسر شما از سربازان امام زمان بود و از کفار هم نمی‌هراسید، بلکه با آنان

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

۲. آیه ۲۰، سوره توبه: «آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دوعالمند».

مبارزه می‌کرد. مادر جان، از تو بسیار تشکر می‌کنم که شیرت را بر من حلال کردی تا من در این راه مقدس که راه امام حسین (ع) است بروم تا آخرین قطره خون خود با دشمنان اسلام مبارزه کنم.

ای خواهرانم! حجابتان را حفظ کنید که حجاب شما مشتی است بر دهان یاوه‌گویان و منافقان و ننگ‌آفرینان تاریخ. آری، خواهرم از تو می‌خواهم که زینب‌وار در این انقلاب فعالیت کنی و صبر و استقامت از خود نشان دهی.

و از شما برادران هم می‌خواهم که مسجدها را خالی نکنید و همان‌طور که امام فرمود: «مسجد سنگر است»^۳. و هیچ موقع امام را تنها نگذارید و همیشه امام را یاری کنید و نمازهایتان را بخوانید و از خدا بخواهید که امام را، این قلب امت را، این هدیه گرانبها را برای شما نگهدارد.

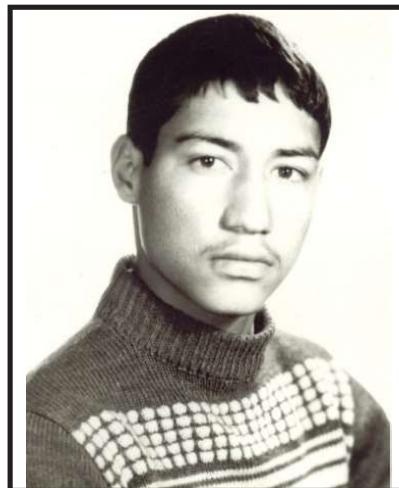
در پایان، از شما خداحافظی می‌کنم و از شما حالیت می‌طلبم و از شما می‌خواهم که هر بدی از ما دیدید مرا ببخشید. و من در آخرین حرف‌هایم از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا در کنار آن سه شهید به خاک بسپارند که شاید این رفقا به دور قبر من جمع شوند و یک فاتحه‌ای برایم بخوانند، والسلام.

به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

شهید کرمعلی احمدی

۳. صحیفه امام، جلد ۱۲، صفحه ۳۹۳: «اینها از مسجد می‌ترسند. من تکلیفم را باید ادا کنم، به شما بگویم. شما دانشگاهی‌ها، شما دانشجویها، همه‌تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر است اینجا. سنگرها را باید پر کرد».

محمد تقی احمدی



نام: محمد تقی
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۵/۹
محل تولد: روستای جان قلعه از توابع شهرستان
خمین
نام پدر: محمد جواد
نام مادر: حاجیه بی بی
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۲/۲۰
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان محلات

گلچین وصیت نامه

- درخت تنومند اسلام احتیاج به آبیاری دارد که آب آن، خون می باشد؛ خونی که برای احیای دین خدا ریخته می شود. و آری این خون شهیدان است که موجب تنومند شدن و محکم [و] استوار شدن آن می شود.
- دنباله رو راه شهیدان باشید.
- مبادا امام را تنها بگذارید.
- به تمام خواهران دینی خودم توصیه می کنم زینب وار عمل کنند.

بسم رب الشهداء والصدیقین

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»^۱.
 «و حساب نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مردگان‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدای خویش روزی می‌خورند».

«فرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون»^۲.
 «آنان به فضل و رحمتی که از خداوند نصیبشان گردیده شادمانند و به آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنان به راه آخرت خواهند شتافت مژده دهند که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم مخورند».

با درود [و] سلام به پیشگاه ولی عصر(عج) اروحا الفداه و نائب برحقش امام خمینی و با درود به ارواح پاک و طیبه شهدا از صدر اسلام تا کربلای ایران و با سلام [و] درود به کفرستیزان صحنه حق برعلیه باطل.

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است. امام خمینی کربلای خونین ایران نمایانگر کربلای حسینی است و امام ما حسین زمان است و امت ما امت حسینی است. آری، درخت تنومند اسلام احتیاج به آبیاری دارد که آب آن، خون می‌باشد؛ خونی که برای احیای دین خدا ریخته می‌شود. و آری این خون شهیدان است که موجب تنومندشدن و محکم [و] استوارشدن آن می‌شود.

و با سلام به امت شهیدپرور ایران مخصوصاً مردم شهیدپرور شهرستان محلات.

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا متعّم خواهند بود».

۲. آیه ۱۷۰، سوره آل عمران: «آنان به فضل و رحمتی که خدا نصیبشان گردانیده شادمانند، و دلشادند به حال آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنها به سرای آخرت خواهند شتافت که بیمی بر آنان نیست و غمی نخواهند داشت».

هر چند که کوچک تر از آنم که بخواهم برای شما وصیتی بنویسم، اول اینکه اگر ان شاء الله لیاقت یا سعادت نصیبم شد که شهید شوم، به جای گریه، برای غریبی آقا اباعبدالله الحسین (ع) گریه کنید. دوم دنباله رو راه شهیدان باشید. سوم مبدا امام را تنها بگذارید. به تمام خواهران دینی خودم توصیه می کنم زینب وار عمل کنند.

پدر و مادر عزیزم که نور چشمانم هستند، از اینکه برایم زحمت کشیده اند تشکر می کنم و خوشا به سعادت پدر و مادر شهدا که چنین فرزندان تحویل اسلام و قرآن می دهند و باید به آنها افتخار کنند.

ای حسینی که به دل عشق تو درمان من است
گوهر اشک برای تو به دامن من است
جان نثار ره تو می کنم ای محور عشق

چون در آن لحظه حسین است [که مهمان من است]

و من وصیتی به پدر و مادر و اقوام و خویشان دارم. من کوچک تر از آن هستم که برای پدر و مادرم و اقوام وصیتی بنویسم. و این است که برای مرگ من ناراحت نباشید و سیاه مپوشید و گریه نکنید، زیرا من در نزد خدا و پیامبران الهی پاداش می گیرم.

«مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک
چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست
به هوای سرکوبش پرو بالی بزنم»^۳
ای پدر و مادرم! من می دانم که فرزند خوبی برای شما نبودم. ان شاء الله^۴ که مرا حلال کنید. در ضمن از تمام فامیل ها هم از طرف من حلالیت بگیرید^۵، مخصوصاً اگر کسی از من پول می خواهد به او بدهید.

تاریخ وصیت نامه ۶۶/۲/۹

احمدی-امضاء^۶

«شهید قلب تاریخ است»^۷.

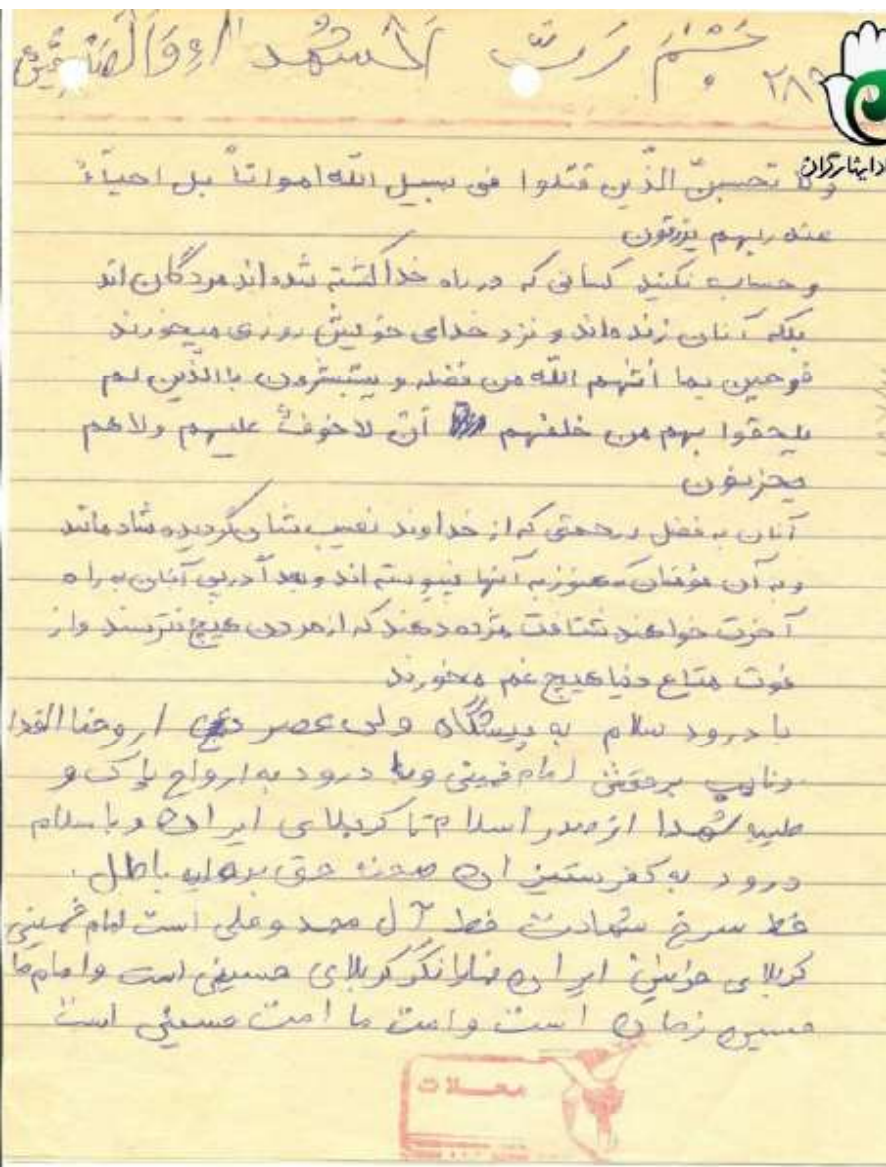
۳. شعر از مولوی است.


۴. اصل: ایشاء الله.


۵. اصل: «به فامیلها در ضمن به تمام حلالیت هم از طرف من بگیرید».

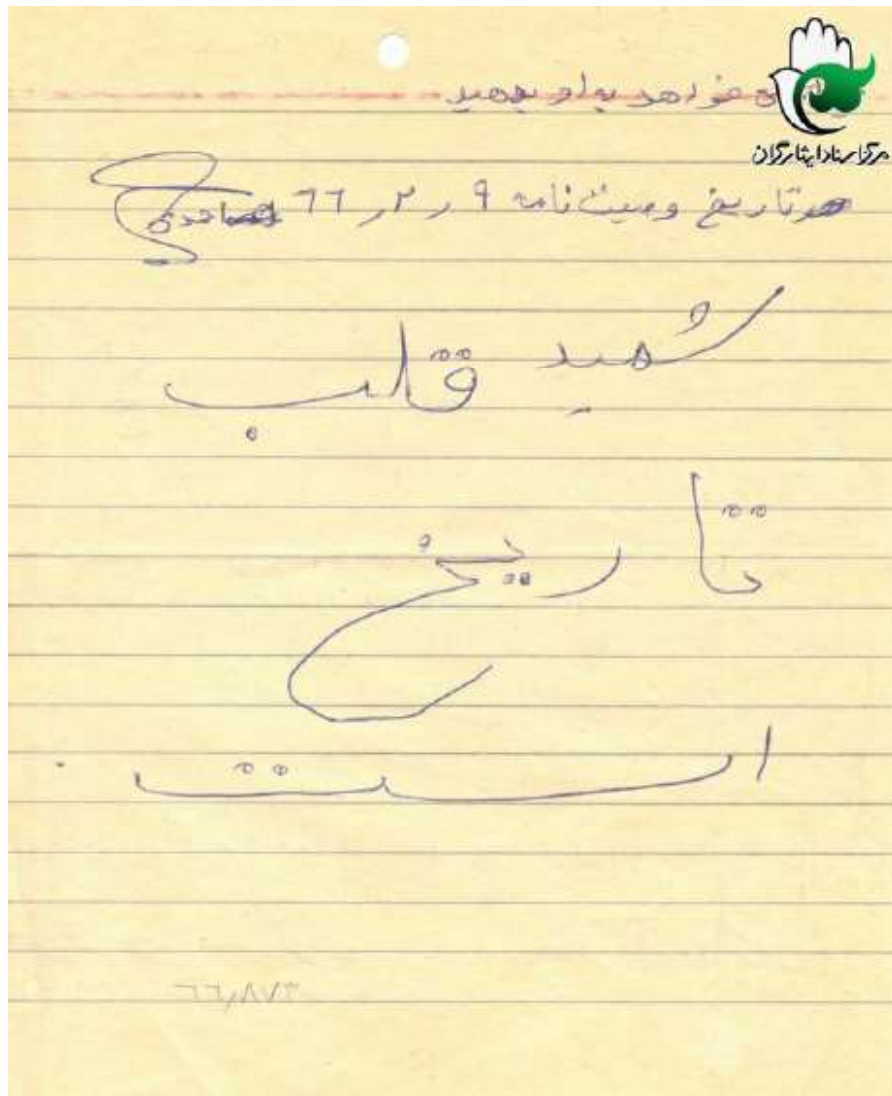
۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۷. سخنی منسوب به دکتر شریعتی است.

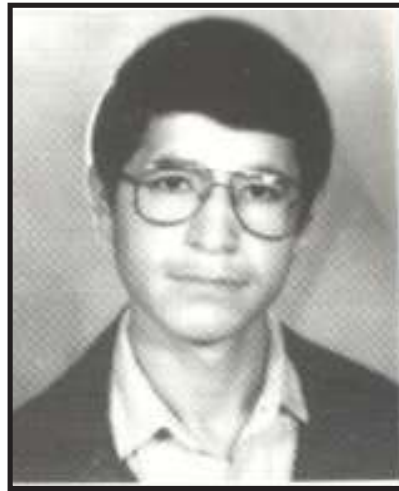



 بخت نمودند اسلام را صلوات به آبیاری دارد که آب آن
 باشد حقش که برای اعیان دینا خدا را برپایه من شود
 و آری این حقش که بدان است که موجب نمودند و
 و حکم استوار شدن آن من شود و با سلام به امن
 سفر پرور این همه که من و ما مردم ستم پرور
 هر سال مولات هر چند که کوچکتر از آنم که بخواهم
 برای شما وصیتی بنویسم اول اینکه اگر ان شاء الله تعالی
 با سعادت نصیب شد که شهید شوم بیای کرگو برای غریبی
 آقا اباعبدالله الحسین (ع) کرگو کنید دوم دنیا که موانع
 ستمگران باشد سوم عباد امام را تنها بگذارید بیام
 خواهران دینی خودم توصیه میکنم زینب وار حمل کنند
 پور و مادر عزیزم که نور چشمم هستند از اینکه برایم زحمت
 کشیده اند تشکر میکنم و خوشا به سعادت پور و مادر
 که داعی که چنین فرزندان تعویذ اسلام و قرآن میدهد
 و باید به آنها افتخار کنند
 ای حسینی که به دل عشق تو در میان منست گوی مرا یک برای تو
 بد امان منست جان نثاره ۵۰ که میکنم ای معور عشق چون در
 آقا لفظه حسین است
 و من وصیتی به پور و مادر و اقوام و خویشان دارم


 حکمت از آن هستم که برای پدر و مادر و اقوام و صبی یقین
 مرا صنادیدم و آنرا این است که برای مرگ من ناراحت نباشید
 و سزاوارست که بگویم و بگویم زیرا من در نزد خدا و پیامبران
 الهی با دانی ما کیرم
 مرغ ملکوتیم نیم از عالم خاک
 چند روز قفسی سبزه اندازیدم
 ای خوش آن روز که پرواز کنم تا به دوست
 به خدا / سر کوشش پر و بالی بزنم
 ای پدر و مادر من میدانم که فرزندان حقین برای شما شوقم
 ای سائر الله که مرا حلال کنید به قاصدین در قمن به تمام حدایت
 هر از طرف من بگوید مخصوصاً اگر کسی از من بپول



موسی احمدی



نام: موسی

نام خانوادگی: احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۲/۳

محل تولد: روستای آاو از توابع شهرستان آشتیان

نام پدر: احمد

نام مادر: سکینه

تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطه (رشته تجربی)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۱۴

محل شهادت: فاو عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای آهو

گلچین وصیت نامه

❖ ای خواهرانم! شما با حفظ حجاب خود می توانید مشیت محکمی به دهان این خیانتکاران بزنید.

❖ تا آنجا که می توانید نگذارید جبهه ها خالی بماند و در جبهه ها حضور یابید.

❖ ای پدر و مادرها! چرا از رفتن فرزند خود به جبهه جلوگیری می کنید؟

باسمه تعالی

وصیت نامه موسی احمدی آهویی
 «اللهم ارزقنا توفیق الشهاده فی سبیلک تحت رأیت نبیک مع اولیائک»^۱.
 به نام الله یگانه پاسدار حرمت خون شهیدان و با درود و سلام بر قائم آل محمد
 حضرت امام مهدی (عج) و بر نائب برحقش، چهره درخشان آسمان و ولایت فقیه،
 امام خمینی.
 حمد و سپاس مخصوص خدای بزرگ که پیامبران را برای هدایت بشر فرستاد.
 حمد سپاس خداوندی را [که] به ما پیامبر عالی قدری چون حضرت محمد(ص) عطا
 فرمود. شکر و سپاس خدای بزرگ را که به ما رهبری عالی قدر و مرجعی عظیم الشأن
 چون حضرت امام خمینی عطاء فرمود. ما در زمانی قرار گرفته ایم که خداوند حجت
 را بر ما تمام کرده است و نعمتی بزرگ چون رهبری امام و انقلاب اسلامی به ما داد تا
 ما را آزمایش کند.
 امروز اسلام در روز لبیک به ندای حسین(ع) است، روز یاری اسلام است. امروز
 اسلام در مقابل تمامی کفر جهانی قرار گرفته است^۲. این امت اسلامی است که باید
 با نبرد بی امان خود کفر جهانی را درهم کوبد و زمینه ساز قیام حضرت مهدی(عج)
 گردد.
 چندی بود که دریافته بودم که هدف از زندگی در این جهان خوردن و خوابیدن

۱. عکس شهید در این قسمت از وصیت وجود دارد.

۲. فرازی از دعایی منسوب به امام صادق(ع) در ماه رمضان: «وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ: و از تو خواهم که مرا کشته شدن در راهت قرار دهی که در زیر پرچم پیغمبرت با دوستانت کشته شوم».

۳. اشاره به جمله ای منسوب به پیامبر اکرم(ص) در جنگ خندق می باشد: «امروز تمام کفر در مقابل تمام اسلام ایستاده است».

آل عمران، آیه ۱۶۹)

«پندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا روزی می‌خورند».

به نام الله یگانه پاسدار خون شهیدان و با سلام بر منجی عالم بشریت مهدی موعود ارواح له الفداء و با سلام بر رهبر انقلاب خمینی بت‌شکن و با سلام بر سالار شهیدان اباعبدالله الحسین (ع) و شهدا؛ آنهایی که راه امام و سالار خود را دنبال کرده و به مقصد رسیدند.

و با سلام بر پدران و مادران (شهدا، مفقودین، و غیره) که صبر آنها همچون سدی محکم و استوار است. و با سلام بر آنهایی که به پدر و مادر خود قول زیارت کربلا داده و جان خود را هر لحظه آماده برای دادن در راه خدا کردند، باشد که ان شاء الله خدا به این رزمنده‌ها نصرت عطا فرماید تا راه کربلا را باز کرده و ما امت هم به زیارت برویم. و ای پدر و مادرم! اگر من در امرهای شما کوتاهی کرده و شما را ناراحت کردم امیدوارم که مرا ببخشید. و به شما والدینم وصیت می‌کنم که اگر قابلیت این را داشتم که در راه خدا شهید شوم، با شهید شدن من هیچ‌گونه ناراحت نشوید و خدا نکرده نگویند فرزندانمان را کشتند، بلکه بگویند او خود راه را شناخت و دنبال کرد و به مقصد رسید و ما افتخار می‌کنیم که توانسته‌ایم امانتی را که خدا در نزد ما گذاشته بود را به او پس بدهیم. ان شاء الله خدا این امانتداری را از ما قبول کند. و ای پدر و مادر! اینک من فرزند کوچک شما، شما را به صبر زیادی توصیه می‌کنم.

ای برادرانم! از شما می‌خواهم که بعد از شهادت من والدین را تنها نگذاشته و به آنها دلداری بدهید تا در فراق^۶ (نبودن) من غم و غصه نخورند. و ای خواهرانم و ای خواهران و مادران، شما نقش مهمی در این زمان دارید. شما با حفظ حجاب خود می‌توانید مشت محکمی به دهان این خیانتکاران بزنید. چون راه فساد در یک کشور اسلامی بی‌حجابی می‌باشد و شما با مخالفت با بی‌حجابی می‌توانید راه این خیانتکاران

۶. اصل: فراغ.

را نابود کنید.

و ای دوستانم! از شما همگی خداحافظی می‌کنم و اگر به شما توهینی از طرف ما شده طلب عفو و بخشش می‌نمایم. و به شما عزیزان توصیه^۷ می‌کنم که تا آنجا که می‌توانید نگذارید جبهه‌ها خالی بماند و در جبهه‌ها حضور یابید.

و ای عزیزان! اگر من شهید شدم دستهایم را از تابوت بیرون بگذارید تا این منافقین^۸ و کوردلان ببینند که من برای مال دنیا نجنبیده‌ام و از مال دنیا همراه خود چیزی از این دنیا نمی‌برم و چشم‌هایم را باز بگذارید تا این کوردلان فکر نکنند من کورکورانه راه را انتخاب کرده‌ام، بلکه راه را شناخته و آن راه را ادامه داده تا به سعادت خود رسیدم.

و ای امت شریف! از شما طلب عفو و بخشش می‌کنم و امیدوارم که مرا ببخشید. و ای پدر و مادرها، چرا از رفتن فرزند خود به جبهه جلوگیری می‌کنید؟ شما چطور می‌خواهید جواب امام حسین(ع) را بدهید؟ اگر امام بگویند چرا نگذاشتید فرزندانان راه مرا ادامه دهند، شهدا بگویند چرا نگذاشتید راه ما را ادامه دهند، شما چه جواب می‌خواهید بدهید؟ اگر فرزندانان در آخرت جلوی شما را بگیرند و بگویند چرا نگذاشتید واجبات خود را انجام دهیم، شما چه جواب می‌خواهید بدهید؟ بلکه شما باید آنها را به واجباتی که خداوند دستور داده راهنمایی کنید.

ساعت ۹/۲۰ صبح، مورخه ۱۳۶۴/۸/۹، بنده گنهکار خدا. مکان

اگر باشد قرار آخر بمیرم	نمی‌خواهم که در بستر بمیرم
دلم خواهد که با دشمن بجنگم	به کام مالک اشتر بمیرم
دلم خواهد برای یاری دین	ز تیر [...] بمیرم
دلم خواهد که با بانگ تکبیر	برای یاری رهبر بمیرم

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگهدار.

۷. اصل: توسیه.

۸. اصل: منافقین.

۹. خوانا نیست.

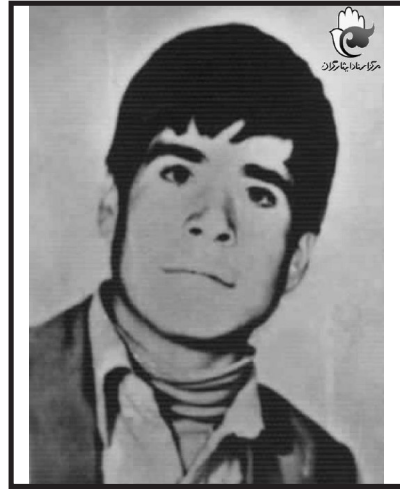
[illegible][illegible]





نصرت الله احمدی

نام: نصرت الله
نام خانوادگی: احمدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۵/۱
محل تولد: روستای خوگان از توابع شهرستان خمین
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: فرگس خاتون
تحصیلات: اول متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۱۱
محل شهادت: عین خوش
نحوه شهادت: اصابت گلوله به قلب
محل دفن: روستای خوگان



گلچین وصیت نامه

- ◀ ای کسانی که بر وجود ایزد متعال شک می کنید و روز قیامت و جهان آخرت را قبول نمی کنید، بدانید که گول خورده اید. بیایید به طرف دین الهی که از همه آیین ها و مسلک ها بالاتر است.
- ◀ خوشی های دنیا را رها کنید و به دنبال عبادت و بندگی خدا بروید که هرچه بیشتر در این دنیا رنج ببریم اجر و مقام مان در نزد خدا بیشتر خواهد بود.
- ◀ برادرم! راه مرا ادامه بده و اسلحه ام را بردار و با مشرکان مبارزه کن.
- ◀ امام را دعا کنید و از خدا بخواهید که عمر امام را طولانی کند.
- ◀ همیشه گوش به فرمان امام باشید که او ابراهیم زمان است.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱.
 «آنان که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندارید، که آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند».
 نام: نصرت الله، نام خانوادگی: احمدی، شماره شناسنامه: ۲۰، تاریخ تولد: ۱۳۴۳،
 نام پدر: علی اکبر.

بسم رب الشهداء

سلام بر حسین رهبر آزادگان که همچنان مردانه در راه اسلام جنگید و اسلام را با خون گرانبهایش نجات داد و ما هرچه داریم از شجاعت و شهامت فرزند زهرا داریم. رحمت خدای متعال بر او و شاگردانش باد که درس آزادگی را از حسین آموختند و به هدف مقدسشان رسیدند. حسین به ما آموخت که در راه ایمان و عقیده جهاد کنیم و هجرت کنیم و وارد دانشگاه او شویم و این دانشگاه بهترین مدالی که به دانشجویانش می دهد شهادت است.

درود خدا بر حماسه آفرینان تاریخ اسلام که با شهادت خود هزاران لاله از مزار آنان روید و راه آنان را ادامه دادند، روحشان شاد. همان طوری که امام خمینی فرمودند: درباره «مقام شهید»، آن قدر از اولیای اسلام درباره فضیلت شهید گفته اند که انسان متحیر می شود. آری، سخن گفتن از شهید بسیار دشوار است.

«يا ايها الذين آمنوا مالكم اذا قيل لكم انفروا في سبيل الله اثا قلتم الا الارض

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده اند، بلکه زنده اند در نزد خدا متعّم خواهند بود».

ارضیتُم بالحوه الدنیا من الآخره فما متعُ الحیوه الدنیا فی الآخره الا قلیل»^۲.

«ای کسانی که ایمان آوردید، جهت چیست که چون به شما امر شود در راه جهاد برای دین و جنگ با (روم) بی درنگ خارج شوید چون (بار گران) به خاک زمین دلبسته‌اید؟ آیا راضی به زندگانی دو روزه دنیا عوض حیات ابدی آخرت شدید؟ در صورتی که متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندک و ناچیز است».

و اگر شما برای جهاد بیرون نیایید، گروه دیگری به جای شما می‌آیند. اکنون من این راهی که انتخاب کردم برای اینکه می‌دانستم به هدف خود می‌رسم و بهترین هدیه که خون ناقابل بود در راه دین اسلام که زنده و کامل‌ترین دین است دادم.

و شما ای کسانی که بر وجود ایزد متعال شک می‌کنید و روز قیامت و جهان آخرت را قبول نمی‌کنید، بدانید که گول خورده‌اید. بیایید به طرف دین الهی که از همه آیین‌ها و مسلک‌ها بالاتر است. [...] انتظار شما را می‌کشد.

آنهایی که رهبر شما هستند هدف ندارند و آخر مرحله راه آنان به سقوط خاتمه^۴ می‌یابد و شماها نه در این دنیا هستید و نه در آن دنیا. شماها از کشتی نجات عقب مانده‌اید و توشه آخرت شماها خالی است. شما به عالمی که از آن بی خبرید برمی‌گردید و آن عالم آخرت است و روز جزا و کیفر می‌فهمید که همه راهتان انحراف بوده و افسوس می‌خورید که خداوند می‌گویند مگر رسول و پیغمبر و نماینده برای شما نفرستادم و قرآن را نازل نکردم که شما به آنان گوش ندادید و به آن‌ها تهمت زدید.

و شما دیگر مورد شفاعت قرار نمی‌گیرید، چون رهبران شیطان بوده و شما راه شیطان را رفته‌اید. بیایید به طرف دین اسلام که خداوند توبه‌پذیر است. آیا با این نعمت‌هایی که به شما بخشید و این نظم خاصی که در جهان طبیعت به وجود آورده، هنوز هم بر وجود او شک می‌کنید. آیا شما قوم فرعون را ندیدید که چگونه نابود

۲. آیه ۳۸، سوره توبه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جهت چیست که چون به شما امر شود که برای جهاد در راه خدا بی‌درنگ خارج شوید به خاک زمین سخت دل بسته‌اید؟ آیا راضی به زندگانی دنیا عوض آخرت شده‌اید؟ در صورتی که متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندکی بیش نیست».

۳. خوانا نیست.

۴. اصل: خاطمه.

شدند و به عذاب الهی گرفتار شدند؟

و اما شماهایی که دل به مال این دنیای دو روزه بسته‌اید و هرچه دارید از مال و ثروت و شماها هم توشه‌تان خالی است. شماها هم از قوم شیطان هستید، شماها که پی خوشی می‌گردید مورد عذاب خدا قرار خواهید گرفت. همان‌طور که امام صادق(ع) می‌فرماید: «الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر»^۵، «این دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر است».

شما خوشی‌های دنیا را رها کنید و به دنبال عبادت و بندگی خدا بروید که هرچه بیشتر در این دنیا رنج ببریم اجر و مقام‌مان در نزد خدا بیشتر خواهد بود. از همه اهل خانواده خداحافظی می‌کنم، برایم زیاد گریه نکنید که روحم را آزار دهید اگر خواستید ختم بگیریید اول برای شهیدان گمنام از من تبلیغ نکنید که روحم خیلی ناراحت می‌شود. و تو ای مادرم، شیرت را حلالم کن و گریه بر من مکن و همچنان شیرزنی مثل زینب(س) باش. برادرم، راه مرا ادامه بده و اسلحه‌ام را بردار و با مشرکان مبارزه کن. امام را دعا کنید و از خدا بخواهید که عمر امام را طولانی کند تا انقلاب مهدی(عج) باشد.

حضور محترم پدر گرامی دعا و سلام می‌رسانم و از تو می‌خواهم که برایم گریه مکن که روحم ناراحت می‌شود. اگر فاتحه خواندید اول برای شهیدان گمنام فاتحه بخوانید. بر قبرم عکس امام بنزید تا مردم بدانند که من فقط عاشق خدا بودم که بر سخن امام لبیک گفتم و هدیه ناقابلی را در راه او دادم و به هدف نهایی و آرزوی دیرینه‌ام رسیدم و لبیک گویان به ملکوت اعلیٰ پیوستم. و پرچم سبزی به خانه زنید. ای امام عزیز! درود خدا بر تو که ما را از اختناق نجات دادی. از خدای بزرگ خواهانم که سایه شما را از سر مسلمانان کوتاه نکند. امت مسلمان، همیشه گوش به فرمان امام باشید که او ابراهیم زمان است. دیگر سخنان کم ارزشم را با این سواد کم به پایان می‌رسانم. والسلام علی عباد الله الصالحین. خداحافظ - امضاء^۶

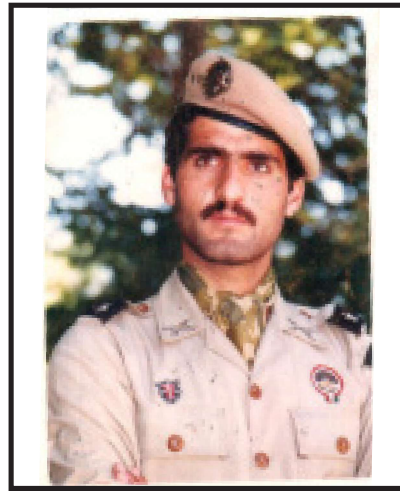
۵. حدیثی منسوب به پیامبر اکرم (ص) است که در وصیت به اشتباه از امام صادق(ع) دانسته شده است.

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

[illegible]

[illegible]

داود احمدی بیغش



نام: داود

نام خانوادگی: احمدی بیغش

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۳/۱

محل تولد: روستای توره از توابع شهرستان شازند

نام پدر: تقی

نام مادر: اشرف

تحصیلات: دیپلم (رشته اقتصاد)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۵

محل شهادت: سومار

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر

محل دفن: روستای توره

گلچین وصیت نامه

- ◀ قدر خودتان را بدانید و از این لحظات حساس کاملاً بهره را ببرید که بعداً پشیمانی سودی ندارد و جنگ که تمام شود، آن موقع غم و اندوه می خورید که چرا نتوانستید از این لحظات استفاده کنید.
- ◀ شهادت فوز عظیمی است که افراد بشر و خاکی از درک آن عاجزند.
- ◀ از برادران می خواهم که در راه پیروزی و اهداف مقدس اسلام همیشه ساعی و کوشا باشند.
- ◀ خواهرانم! همچون زینب (س) که راه حسین (ع) را شجاعانه ادامه داد، پیام رسان خون من باشید و همواره در راه صحیح و تربیت فرزندان خود کوشا باشید.

بسم رب الشهداء والصدیقین

به نام خداوند و با ستایش بیکران از محبوبی که نعمت اسلام را به ما ارزانی داشت. و با درود بر رسول گرامی اسلام حضرت محمد(ص) که با ابلاغ رسالت، بشریت را از جهل و گمراهی رها ساخت. و با درود بر دوازده اختر تابناک آسمان ولایت از حضرت علی(ع) تا حضرت مهدی(عج) که با ظهور خویش جهان را مخزن عدالت خواهد ساخت. درود بر حضرت زهرا(س) که الگوی زنان مسلمان گردید و درود بر شهدای راه دین از صدر اسلام تا کربلای حسین(ع). و درود بر گلگون کفنان و لاله‌های دشت‌های گرم و کوه‌های سر به فلک کشیده ایران اسلامی که با قطعه قطعه شدن بدن و ایثار جان، ننگ و ذلت را از دامان ملت اسلام پاک کردند و با بیرون راندن دشمنان شکست خورده اسلام، فتح و پیروزی را برای ملت قهرمان و مسلمان خویش به ارمغان آوردند.

به فرموده امام عزیز: «همه چیز ما در گرو جنگ است، عزت و شرف ما در گرو همین جنگ است»^۱ و هر چه در توان داریم باید صرف جبهه کنیم و هم اکنون این وظیفه را اسلام مشخص کرد که در مقابل کفر و استکبار دنیا باید شجاعت و ایثار به خرج داد.

هم‌وطنان عزیز! من یک نظامی هستم. وظیفه من این نیست که در شهرها و مناطق آرام بمانم و عملم اکتفا به حرف شود. خصوصاً اینکه نظامی هستم و نامی این چنین مقدس بر من گذاشتند. چون نظامی‌گری نامی مقدس [است] و حتماً وظیفه دارم شبانه‌روز بدوّم و یک لحظه از حرکت ایستادن خیانت است. شبانه‌روز باید در

۱. صحیفه امام، جلد ۱۳، صفحه ۲۴۵: «جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است».

راه حراست و تداوم خون ابی عبدالله (ع) و شهدای این راه بکوشم. و اکنون چشم دل بگشایید و بشنوید ندای «هل من ناصر» حسین (ع) [را] و آنچه در حرف می گفتید، به آن عمل کنید.

«یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون»^۲.

هم وطنان عزیز! سعی کنید با حرف، خود را راضی نکنید که من پیر هستم و یا ناتوانم، چون امام حسین (ع) روز عاشورا مطلب را برای همه حل کرده است. او با خود پیرمرد آورد، جوان آورد، کودک آورد که راه توجیه را برای همه ببندد.

دوستان عزیز! قدر خودتان را بدانید و از این لحظات حساس کاملاً بهره را ببرید که بعداً پشیمانی سودی ندارد و جنگ که تمام شود، که ان شاء الله پیروزی نزدیک است، آن موقع غم و اندوه می خورید که چرا نتوانستید از این لحظات استفاده کنید. چون جنگیدن در راه خدا شیرین است و شهادت به مراتب شیرین تر. شهادت فوز عظیمی است که افراد بشر و خاکی از درک آن عاجزند و آنان که رفتند و با روی خونی به حق واصل گردیدند، لذت این امر عظیم را می دانند.

عزیزان! نکنند در سوگ من ناراحت باشید و بگویند بیچاره رفت، چرا که این بهترین صورتی است که می توان دنیای فانی را ترک نمود. همه می روند و هر کس به راهی و این افضل و اکمل راه هاست.

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم [بان لهم] الجنة ... و ذلك هو الفوز العظيم»^۳. (قرآن کریم)

پدر و مادر عزیزم! سلام، دست شما را می بوسم و زحمات شما را فراموش نمی کنم. اگر شما زحمات زیادی برای من کشیده و من فرزند خوبی برای شما نبوده ام، از شما می خواهم که مرا حلال کنید، چون شما خیلی حق گردن من دارید و نتوانستم

۲. آیه ۲، سوره صف: «الا ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی به زبان می گوید که در مقام عمل خلاف آن می کنید؟». ۳. بخشی از آیه ۱۱۱، سوره توبه: «ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیتقون و یقتلون و عدا علیه حقا فی التوراة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستشیروا ببعکم الذی باعتم به و ذلك هو الفوز العظيم: همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می کنند پس به قتل می رسانند و کشته می شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا باوفا تر به عهد کیست؟ پس از این معامله ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است».

جبران زحمات شما را بکنم.

و اگر جهادم در راه خداوند مورد قبول واقع گردید و لیاقت شهید شدن داشتم، خداوند اجری عظیم و پاداشی بزرگ به شما خواهد داد. از شما انتظار دارم نمونه کامل صبر و استقامت باشید. چون این راه را خودم انتخاب کرده‌ام و با خدای خودم عهد بستم و بارها گفتم خدایا، به تو عشق می‌ورزم و در این راه از قطعه قطعه شدن، مفقود شدن و یا اسارت هراسی ندارم.

و همچنین بارها به خودم و خدا قول داده‌ام که اگر گلوله‌های دشمن قلبم را سوراخ سوراخ کند، آروزی فروختن دین و مملکت و شرفم را به گور خواهند برد. چون تنها وسیله‌ای که من را به معشوق می‌رساند، شهادت در راه خداست.

برادران و خواهران عزیزم! اگر از من بدی دیدید، مرا حلال کنید چون من فرصت نداشتم در راه تعلیم و تربیت شما شرکت کنم و به خاطر دور بودن محل خدمتم نتوانستم وظیفه خود را نسبت به شما ادا کنم. این مسئولیت سنگین را به عهده پدر و مادر واگذار می‌نمایم.

از برادران می‌خواهم که در راه پیروزی و اهداف مقدس اسلام همیشه ساعی و کوشا باشند. بیشتر طرف صحبتیم با محمد است، چون که نام مقدس پاسداری را بر خود نهاده است و همان‌طور که امام عزیزمان می‌فرماید: «ای کاش من هم یک پاسدار بودم»^۴. به همین منظور امید دارم که خداوند در راه رسیدن به اهداف که همان جهاد در راه خدا می‌باشد موفق و پیروز باشی. سعی کن پدر و مادرم را دلداری بدهی، چون بعد از من مسئولیت دلداری آنها به تو واگذار می‌گردد.

خواهرانم! همچون زینب(س) که راه حسین(ع) را شجاعانه ادامه داد، پیام‌رسان خون من باشید و از شما انتظار دارم ناراحتی به خود راه ندهید. نمی‌گویم گریه نکنید، بلکه گریه کنید اما برای حسین بن علی(ع) که با لب تشنه به شهادت رسید. و از شما

۴. اصل: دیدی.

۵. صحیفه امام، جلد ۱۵، صفحه ۴۹۶. «امروز صبح بعد از ملاقات با تنی چند از پاسداران به این فکر افتادم که ای کاش من هم یک پاسدار بودم، اینها چه می‌کنند و من چه کار. آنها می‌روند با دشمن اسلام می‌جنگند و من در اینجا هستم و نمی‌توانم. شما قدر خودتان را بدانید».

می‌خواهم که همواره در راه صحیح و تربیت فرزندان خود کوشا باشید. همسرم! تنها کسی که همیشه تنها بود و در تنهایی گریست و حتی در تنهایی به شهادت رسید فاطمه (س) بود. از او بشنو و از زینب بشنو که خودش هم مصائب را چه در کودکی و چه در جوانی و آخرین و بزرگترین مصائبش را در کربلا دیده است. بسیار مصیبت دیده و تو اگرچه تنها می‌شوی، ولی تنها تر از فاطمه نه، تنها تر از زینب بعد از حسین نه! البته به نوبه خودت همچون زینب و فاطمه تنها می‌شوی و به همین خاطر می‌گویم آنها را برای خودت الگو قرار بده.

همسرم! نمی‌دانم خداوند چه مصلحت می‌داند، ولی هرچه شد به همان راضی هستم. همسرم، گرچه نتوانستم همسری لایق و شایسته برای تو باشم و نتوانستم انسانیت و محبت‌های تو را در این دنیا جبران نمایم، ولی چه کنم که خواست خدا بود و امیدوارم که هر خوبی و بدی از من دیدی مرا حلال کنی که من با خاطر آسوده به سوی معبودم بشتابم.

از تو می‌خواهم صبور باشی همچون زینب، طبق قرار همیشگی آماده باش تا بعد از این بمانی و اگر این آمادگی را هم داشته باشی و هم از خود ایثار و گذشت به خرج دهی، مسلماً تو هم با معدل خوبی قبول می‌شوی. همسرم، در هر کجا هستی و در هر حال برایم طلب مغفرت کن و در همه حال به یاد خدا باش.

در پایان، از کلیه همکارانم، افسر، درجه‌دار و سربازان رشیدی که با من کار می‌کردند و هر بدی از من دیده‌اند، مرا حلال کنند. از کلیه دوستان و آشنایان تقاضا دارم مرا حلال نمایند.

ستوان دوم پیاده، داود احمدی

امضاء^۶

مورخه ۶۶/۷/۱۱

منطقه عملیاتی نفت‌شهر - سوما

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نمایه موضوعی

آخرت: ۱۴۶، ۵۲۸، ۶۱۸، ۶۳۷، ۶۴۷، ۷۶۲



٨٠١





۸۰۳





1.0



نمایه اشخاص

آیت الله اشرفی اصفهانی نک اشرفی اصفهانی،
عطاء الله



نمایه اماکن جغرافیایی

آفریقا: ۹۹



نمایه سور و آیات قرآن

اجابت دعا: ۱۶۱، ۴۲۱





نمایه دعاها

حدیث قدسی: ۴۴۲-۴۴۳

نمایه کلام بزرگان

امام حسین (ع) نک حسین بن علی (ع)
امام خمینی (ره) نک خمینی، روح الله (ره)
امام علی (ع) نک علی (ع)
جعفر بن محمد (ع): ۴۶۲
جهاد: ۴۶۲



نمایه اشعار

أبو الحب الحویزی الحائری، شیخ محسن
بن محمد: ۱۴۶، ۲۰۴، ۳۵۴، ۴۴۲، ۶۸۸، ۷۰۱



نمایه محل تولد

بشرویه: ۱۳۷، ۲۶۹، ۵۰۷، ۶۷۳، ۷۶۱



نمایه محل شهادت

ارتفاعات الله اکبر: ۵۱۱



نمایه نحوه شهادت

اصابت ترکش: ۴۳، ۹۵، ۱۹۵، ۲۴۷، ۲۹۹،
۳۲۳، ۳۳۳، ۴۵۹، ۵۵۱، ۵۶۱، ۵۷۳، ۶۶۳، ۶۸۷،
۷۶۵، ۷۵۱



نمایه تحصیلات

ابتدایی: ۱۸۹، ۲۰۹، ۲۳۵، ۲۴۷، ۲۷۳،
۲۹۹، ۴۱۱، ۴۵۳، ۵۱۹، ۵۷۳، ۵۸۵، ۶۰۳، ۶۱۵،
۶۲۹، ۶۷۳، ۷۰۵

نمایه شغل

آهنگر: ۵۴۵

تعليقات

ابوذر غفاری: از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سر جمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را بزدند و او کوچک ترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربه. در همان جادرگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول الله نقل است که درباره او می فرماید: ابوذر در امت من بزهت چون عیسی بن مریم است (ع). عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد (دهخدا).

اشرفی اصفهانی، عطاالله: آیت الله اشرفی اصفهانی در سال ۱۲۸۱ ش در خمینی شهر اصفهانی در خانواده ای روحانی متولد شد. شهید اشرفی تحصیلات ابتدایی مقدماتی را در خمینی شهر گذرانده و در سن ۱۲ سالگی جهت ادامه تحصیل راهی اصفهان شد و طی حدود ده سال از محضر علمایی چون آیت الله سیدمهدی درچه ای، آیت الله سیدمحمد

نجف‌آبادی، مرحوم فشارکی و مرحوم مدرّس استفاده کردند. در سال ۱۳۰۲ ش در سن بیست‌سالگی جهت ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالیه و دینی رهسپار حوزه علمیه قم گردید. اشرفی اصفهانی ۱۲ سال در محضر آیت‌الله خوانساری کسب فیض کرد و تمام دروس ایشان را نوشت و در سن ۴۰ سالگی اجازه اجتهاد خود را از ایشان دریافت کرد. و پس از آن از جمله مدرّسین نامی و برجسته حوزه علمیه قم بشمار می‌آمد. در سال ۱۳۳۵ ش شهید اشرفی بنا به دستور مرحوم آیت‌الله بروجردی جهت تبلیغ و نشر معارف و احکام دین و تقویت بنیه دینی و مذهبی اهالی کرمانشاه به آنجا اعزام و رحل اقامت افکند و پس از ورود به کرمانشاه طلاب و شاگردان بسیاری را تربیت نمود. آیت‌الله اشرفی اصفهانی از سوی حضرت امام خمینی به امامت جمعه و نمایندگی ایشان در استان کرمانشاه منصب شد و پس از ۸۰ سال زندگی پرافتخار و خدمت به اسلام و قرآن توسط یکی از منافقین کوردل در ساعت ۱۲/۱۵ ظهر ۲۳ مهرماه سال ۱۳۶۱ در سنگر نماز جمعه در کرمانشاه و در سنگر محراب نماز به افتخار شهادت نائل آمد. ایشان پنجمین شهید محراب هستند.

باهنر، محمدجواد (۱۳۱۲-۱۳۶۰ ش): در سال ۱۳۱۲ در کرمان متولد شد و در سال ۱۳۴۲ در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در رشته الهیات نیز حائز درجه دکترا شود. شهید باهنر در سال ۱۳۲۷ به‌علت سخنرانی علیه رژیم اسرائیل دستگیر شد و از سال ۱۳۴۱ فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در ۸ شهریور ۱۳۶۰ در حادثه انفجار دفتر

نخست‌وزیری به همراه شهید رجایی به شهادت رسید.

بیت المقدس: «قدس»، نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم (ص) از آنجا آغاز شده است و به عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال ۴۴۵ قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.

جهاد اصغر: اشاره دارد به حدیث مشهوری از پیامبر نقل شده است: «قال امیرالمومنین علیه‌السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله بعث سریه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاکبر قیل: یا رسول الله و ما الجهاد الاکبر؟ قال: جهاد النفس ثم قال صلی الله علیه و آله: افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنبیه (الامالی ص ۵۵۳)، ترجمه: گفت امیرالمومنین (ع) که رسول خدا (ص) گروهی را به مبارزه با کفار فرستاد و هنگامی که بازگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد کوچک‌تر را به انجام رساندند و جهاد بزرگ‌تر برایشان باقی ماند. گفته شد: جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد نفس، سپس فرمود: بهترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در کنار دارد، جهاد می‌کند.

جهاد اکبر (جهاد نفس): اصطلاحی است در اخلاق اسلامی به معنای تهذیب نفس و هر نوع مبارزه و مخالفت با خواست‌های مذموم نفسانی. این تعبیر در مواردی به معنای اعم کلمه هم جهاد با کفار و هم مشتمل بر جهاد نفس گرفته شده است. در آیه ۲۱۸ از سوره

بقره مفهوم جهاد نفس از مصادیق جهاد در راه خدا دانسته شده است. مشهورترین بیان درباره جهاد نفس از پیامبر(ص) نقل شده است. مشهورترین بیان درباره جهاد نفس از پیامبر(ص) نقل شده است. کلینی از امام صادق(ع) روایت کرده است پیامبر اکرم گروهی را به جهاد (سَرِّیه) فرستاد و چون آنان بازگشتند به ایشان فرمود: آفرین بر گروهی که جهاد کوچکتر (اصغر) را پشت سر گذاشته‌اند و اینک جهاد بزرگ‌تر (جهاد اکبر) بر عهده آنان مانده است. سپس توضیح دادند که مراد از جهاد بزرگ‌تر همان جهاد با نفس است. ابن‌بابویه در ادامه حدیث از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است: «افضل الجهاد من جاهد نفسه التي بين جنبيه» (نقل از دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱، باتلخیص).

چمران، مصطفی: در سال ۱۳۱۱ در خیابان ۱۵ خرداد تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه پامنار آغاز کرد و در مدارس دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. وی در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترونیک فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و با درجه ممتاز علمی از دانشگاه برکلی مدرک دکترای خود را در رشته الکترونیک و فیزیک پلاسما اخذ نمود. وی در زمان اقامت در آمریکا، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را تأسیس کرد که این اقدامات منجر به قطع بورسیه وی توسط رژیم شاه شد. شهید چمران از ابتدای نوجوانی از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله طالقانی و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری استفاده کرد. با آنکه او در آمریکا یکی از دانشمندان مطرح محسوب می‌شد، اما بدون توجه به این درجه علمی از آمریکا به مصر رفت و دوره آموزش نظامی را در آنجا تعلیم دید و از آنجا رهسپار لبنان شد و با کمک امام موسی صدر، سازمان امل را براساس اصول و مبانی اسلام پی‌ریزی کرد. این شهید بزرگوار از قلب بیروت تا قله‌های بلند کوه‌های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود

قهرمانی‌های بسیاری به یادگار گذاشته است. با پیروزی انقلاب پس از ۲۱ سال دوری از وطن به ایران بازگشت و تمام تجربیات خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد. پس از حضور وی و خاتمه دادن غائله کردستان، از سوی حضرت امام (ره) به وزارت دفاع منصوب شد. او پس از چندی به نمایندگی حضرت امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع منصوب شد. با شروع جنگ تحمیلی با تشکیل گروه‌های داوطلب و استفاده از رزمندگان مخلص به جنگ‌های نامنظم و چریکی با ارتش بعثی در مناطق جنوب پرداخت و موفقیت‌های بسیاری را نیز کسب کرد. این شهید بزرگوار سرانجام در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقه دهلاویه به فیض شهادت نائل آمد. شهید چمران نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی نیز بود.

حزب بعث عراق: (به عربی: حزب البعث العربی الاشتراکی) نام حزبی سیاسی بود که با کودتای سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸م) که منجر به حکومت درازمدت حزب بعث شد بر سر قدرت آمد. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. صدام حسین تکریتی یکی از اعضای برجسته حزب بعث محسوب می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان عامل دست آمریکا و با همکاری و حمایت سایر قدرت‌ها به قصد تجربه ایران و شکست و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به ایران حمله کرد. پس از تلفات و خسارات بسیار به دو کشور جای پای آمریکا و لشکرکشی و حضورش را در منطقه باز کرد. و سرانجام از ایران و نیروهای رزمنده ایران به تعبیر حضرت امام سیلی خورد که هرگز از جایش برنخاست. این حزب در طول تاریخ در خدمت اهداف استکبار بوده است از هر دو جریان شاخص شرق و غرب.

حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۶۰-۱۳۰۷ش): در محله لومبان اصفهان به دنیا آمد و

تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشته الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجه دکتری ادامه دهد. دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل، فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب، پس از فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی، در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

حضرت علی اصغر (ع): فرزند شیرخوار امام حسین (ع) بود که روز عاشورا از شدت تشنگی بی تاب شده بود. امام حسین (ع) وقتی تمام یاران را از دست داد، خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حمله تیری به سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی اصغر (ع) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی اصغر را باب الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می‌نامند. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)

حضرت علی اکبر (ع): فرزند ابی عبدالله الحسین (ع) بود و در سال ۴۳ قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش‌چهره، زیبا و خوش‌زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق و خوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم (ص) بود. علی اکبر (ع) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین (ع) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمرین سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مره بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد

آمد، دشمن جرأت پیدا کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی ۱۹ سال و برخی ۲۵ سال نوشته‌اند.

حضرت قاسم (ع): قاسم (ع) فرزند امام حسن (ع) در واقعه عاشورا از امام حسین (ع) اذن میدان گرفت. به قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمر بن نفیل اسدی به شهادت رسید.

دستغیب، عبدالحسین (۱۲۹۲-۱۳۶۰ش): فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب، در خانواده اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن ۱۲ سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فرا گرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامه نماز جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلائی وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال ۱۳۲۱، دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال ۱۳۴۲، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال ۱۳۵۶ مدتی در خانه خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعه شیراز و ریاست حوزه علمیه فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه ۱۳۶۰ به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوء قصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.

رجایی، محمدعلی (۱۳۱۲-۱۳۶۰ش): در شهرستان قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامه ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال ۱۳۳۸ وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشته ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول به کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال ۱۳۵۹ نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در ۸ شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به دست منافقین کوردل به شهادت رسید.

ستون پنجم: به نیروها، جریان‌ها و تشکلهای رسمی یا غیررسمی می‌گویند که پس از انقلاب‌ها از سوی شکست‌خوردگان انقلاب سازماندهی، مدیریت، هدایت و حمایت می‌شوند تا به مقابله با جریان‌های پیروز بپردازند. این ستون پنجم می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فکری باشد. نگاه منفی و تند و انتقادآمیز به هر حرکت، تصمیم و پیشرفت، سیاست و جریان حاکم را در دستور کار خود دارند. همیشه از سوی بیگانگان خارجی و حتی داخلی حمایت خاص می‌شوند تلاش می‌کنند که اطلاعات و اخبار و آمار داخلی را در جهت اهداف مخالفان و دشمنان تنظیم و نگارش کنند. بسیاری از کودتاها در کشورهای انقلاب کرده از سوی این افراد و نیروها سازماندهی می‌شود.

سمیه: از جمله نخستین زنانی است که به اسلام ایمان آوردند. سمیه جزء مشهورترین مؤمنانی است که از سوی اشراف مکه شدیداً شکنجه شدند. سمیه همسر یاسر، نخستین شهید زن و اولین شهید در تاریخ اسلام است. (غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام

عصر نبوت، چاپ اول، ۱۳۷۸).

شرق: وقتی دنیا از جهت سیاسی به دو قطب غرب و شرق تقسیم شده بود و هریک از این قدرت‌ها برای سلطه بر کشورها و مناطق بیشتری در جغرافیای جهان تلاش می‌کردند جنگ‌های متعددی را راه می‌انداختند تا با روشن شدن ماشین جنگی آنها سلاح‌های بیشتری را به کشورهای وابسته و اقماری خود بفروشد. به قدرتی که زیر سلطه شوروی سابق بودند بلوک شرق می‌گفتند.

شوروی: سالها که جهان به نظام دو قطبی تقسیم شده بود، کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متشکل از روسیه فعلی و دهها کشور دیگر از جمله ترکمنستان، گرجستان، تاجیکستان، اکراین، داغستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و... همگی ذیل اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یک کشور اداره می‌شدند. اما پس از اتمام سال سلطه بلامنازع شوروی بر این کشورها که هر یک ایالتی از ایالات شوروی محسوب می‌شدند، نظام کمونیستی از هم پاشیده شد و حضرت امام در پیام تاریخی که برای گورباچف رئیس جمهور وقت شوروی سابق فرستاد، اعلام کرد که من صدای شکستن استخوان‌های کمونیسم را در جهان می‌شنوم و به زودی کمونیسم موزه‌های تاریخ خواهد پیوست. پس از فروپاشی شوروی کشور آمریکا سعی کرد برخی از کشورهای تازه تأسیس شده را به‌سوی خود بکشاند و علیه سلطه روسیه به تحرکات مختلف فرهنگی، سیاسی دست زد. در واقع نقشه جهان تغییر کرد و هم‌اینک در برخی از انقلاب‌های مخملی ردپای آمریکا و عوامل وابسته به آن به‌خوبی مشهود است گرچه بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته هنوز از ابعاد مختلف به روسیه فعلی وابسته و جزء کشورهایی هستند که با روسیه منافع مشترک دارند، اما دارای کرسی و پرچم و جایگاه مستقل در سازمان ملل متحد هستند.

صدام حسین: رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا به طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به خصوص در منطقه، قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و تصور می کرد ایران پس از انقلاب را می شود شکست داد. او جنون آمیز و با تمام توان نظامی به ایران لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران، فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.

عباس بن علی بن ابیطالب (ع): فرزند حضرت علی (ع) از ام البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر، عبدالله و عثمان نوبت به حماسه آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه اش از امام حسین (ع) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی که با حضرت امام حسین (ع) هم رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن که قطره ای آب بنوشد. به سوی امام و خیمه ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به خاطر شجاعت و زیبایی فوق العاده به «قمر بنی هاشم» شهرت داشت. «حسین بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده»

قدس نگاه کنید به بیت المقدس

مردم کوفه: از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت

باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.

مطهری، مرتضی (۱۲۹۸-۱۳۵۷ش): در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزه علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال ۱۳۳۱ بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پاننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.

مفتح، محمد: در سال ۱۳۰۷ (هـ ش) در همدان دیده به جهان گشود. در آنجا به تحصیل دوره دبستان و مقدمات علوم اسلامی روی آورد. سپس به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. درحالی‌که در این حوزه به درجه اجتهاد رسید، در دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ درجه دکتری گردید. نقش شهید مفتح در صحنه‌های مهم مبارزات انقلابی از جمله اقامه نماز دشمن‌شکن عید فطر ۱۳۵۷ بسیار حساس بود. در خطبه‌های نماز جمعه برای اولین بار نام

امام خمینی را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را مورد تأکید قرار داد و مردم را به راهپیمایی برای روزهای بعد دعوت کرد. شهید مفتاح با تشکیل شورای انقلاب، از طرف امام به عضویت این شورا درآمد و در این سنگر منشأ خدمات شایانی شد. آیت‌الله مفتاح، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگان تهران، به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. سرانجام در ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸ به همراه دو تن از پاسداران جان بر کف خود در مقابل دانشکده الهیات از سوی گروهک منافق فرقان به شهادت رسید و در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

منتظری، حسین‌علی: در سال ۱۳۶۴ از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در ۱۳۶۸ به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقه رزمندگان و مردم بودند.

هل من ناصر ینصرنی: عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین (ع)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص ۵۰۶) ترجمه: آیا دل‌رحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول (ص) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول (س)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول (ص) دفاع کند؟

هیئات من الذله: از روایت‌ها مشهور و شعار حضرت امام حسین (ع) است که در مقابل دشمنان خویش بیان شده است. (نفس‌المهموم، ص ۱۳۱، متقل خوارزمی، ج ۲، ص ۷، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۳). مفهوم این عبارت برای شاعران مایه سرایش اشعار حماسی

بلندی شده است. ترجمه «از من دور است که به ذلت تن بدهم». البته این تعبیر جزیی از سخنان گهربار آن حضرت است که در روز عاشورا فرمود: «الا و ان الدعی من الدعی قد رکزنی بین السله و الذله و هیئات له ذلک من، هیئات منا الذله...» (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۵۰۵).